

کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)

محمد اسفندیاری





بیتنا کی تاریخیں
بین (۲۰۰۰)

محمد اسحاق

2

۸۲۲۶

۵۲۵۵۵۱



Imam Hossein Historical Bibliography

کتاب حاضر نخستین کتابشناسی تاریخی امام حسین - علیه السلام - در زبان فارسی است و مهم‌ترین مخاطبان آن عاشورا پژوهان و نیز اندیشمندانی‌اند که درباره امام حسین - علیه السلام - و زندگانی او تحقیق می‌کنند. این پژوهش عهده دار پاسخ به این پرسش‌هاست: صد کتاب مهم درباره امام حسین به عربی و فارسی کدام‌اند؟ درون مایه، اشتراکات و امتیازات آن‌ها چیست؟ ترتیب تاریخی آن‌ها چگونه است؟ گذشته از این‌ها، در مقدمه کتاب از ضرورت کتابشناسی امام حسین، محتوای این کتابشناسی، آیین تدوین آن و نتایج به دست آمده سخن می‌رود. در پایان کتاب نیز بخشی با عنوان «امام حسین (ع) در النریعه» آمده است که البته کتابی است مستقل و مکمل کتاب حاضر؛ خواننده در این بخش با بیش از نهصد کتاب و در بخش اول با صد کتاب مهم درباره امام حسین - علیه السلام - آشنا می‌شود.

سازمان صدا و سیما



131110006499

مرکز پژوهش‌های اسلامی قم



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

WWW.PPOIR.COM



دین

اسفندیاری، محمد. ۱۳۳۵ -
کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع) به ضمیمه امام حسین (ع) در الآریعة / به کوشش محمد اسفندیاری - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
۵۲۰ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
پشت جلد به انگلیسی:
۱. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - کتابشناسی. الف، ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.
ب. عنوان.

۲۹۷/۹۵۳۰۱۶
[۰۱۶/۲۹۷۹۵۳]

Z.۸۲۳۶ / الف ۱۵ ک ۲
۱۳۸۰

م ۸۰ - ۱۵۴۸۸

کتابخانه ملی ایران

کتابشناسی تاریخی

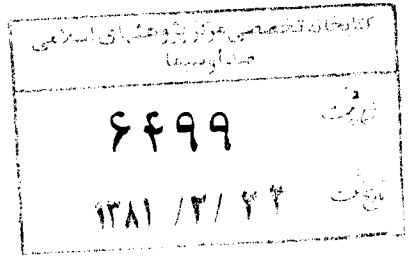
امام حسین (ع)

به ضمیمه امام حسین (ع) در الذریعة

کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)

به ضمیمه امام حسین (ع) در الذریعة

به کوشش: محمد اسفندیاری



Z
۸۲۳۶
۱۳۸۵



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کتابشناسی تاریخی

امام حسین (ع)

به ضمیمه امام حسین (ع) در الدررریعة

به کوشش: محمّد اسفندیاری
ویراستار و نمونه‌خوان: رضا مؤذن‌زاده
حروف‌نگار و صفحه‌آرا: علی موسوی کیا
نماینده: حجت‌الاسلام سیّدعلی دقیمی‌فرد
حروف به کار رفته در کتاب: بدر، تایمز، تیترا، میترا، نازنین، یاقوت، یاس
طرح جلد: آذر باقرزاده
ناظرچاپ: علی خالدی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۰

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

© تمام حقوق محفوظ است.

♦ چاپخانه: کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - تهران ۱۳۹۷۸
♦ تلفن: ۵-۰۲-۴۵۱۳۰۰۲ ♦ نمابر: ۴۵۱۴۴۲۵ ♦ انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵
♦ توزیع: خیابان فردوسی - خیابان شهید تقوی (کوشک) - شماره ۹۱ ♦ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱ ♦ نمابر: ۶۷۲۱۳۷۳

♦ فروشگاه شماره یک: خیابان امام خمینی - نیش خیابان شهید میردامادی (استخر) ♦ تلفن: ۶۷۰۲۶۰۶
♦ فروشگاه شماره دو: نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر ♦ تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸
♦ فروشگاه شماره سه: خیابان فردوسی - خیابان شهید تقوی (کوشک) - شماره ۹۱ ♦ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱

سایک ۴-۳۸۸-۴۲۲-۶۶

ISBN 964-122-338-4

کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)

۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۴۱	کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین (ع)
۵۷	متن

امام حسین (ع) در الذریعة

۲۸۷	مقدمه
۳۰۳	متن
۴۹۳	فهرست راهنما

کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)

۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۱۹	ضرورت کتابشناسی
۲۱	ضرورت کتابشناسی امام حسین (ع)
۲۳	گزارش
۲۷	آیین تدوین
۳۰	نتایج
۳۲	از چیزهای دیگر
۴۱	کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین (ع)
۵۷	۱. تسمية من قتل مع الحسين
۵۹	۲. کتاب الفتوح
۶۲	۳. کامل الزیارات
۶۴	۴. نورالعین فی مشهد الحسین
۶۶	۵. فضل زیارة الحسین

- ٦٧ .٦. مقتل الحسين
- ٧٠ .٧. مقتل الحسين
- ٧٥ .٨. الرّدّ على المتعصّب العنيد
- ٧٧ .٩. درر السّمط في خبر السّبط
- ٧٩ .١٠. الملهوف على قتلى الطّفوف
- ٨٣ .١١. مثير الاحزان
- ٨٥ .١٢. رأس الحسين
- ٨٨ .١٣. روضة الشّهداء
- ٩٤ .١٤. تسلية المُجالس وزينة المَجالس
- ٩٧ .١٥. المنتخب فى جمع المراثى والخطب
- ٩٩ .١٦. بحار الانوار
- ١٠٢ .١٧. عوالم العلوم والمعارف
- ١٠٣ .١٨. تظلم الزّهراء
- ١٠٥ .١٩. جلاء العيون
- ١٠٧ .٢٠. اسرار الشّهادة
- ١١٥ .٢١. الدّمعة السّاكبة
- ١١٧ .٢٢. ناسخ التّواريخ
- ١٢١ .٢٣. الخصائص الحسينيّة
- ١٢٣ .٢٤. اسرار شهادة آل الله
- ١٢٧ .٢٥. قمقام زخار و صمصام بتّار
- ١٣٠ .٢٦. شفاء الصّدور فى شرح زيارة العاشور
- ١٣٢ .٢٧. الاستشفاء بالتّربة الشّريفة الحسينيّة
- ١٣٣ .٢٨. لؤلؤ و مرجان

- ۱۳۶ . ۲۹. اربعین حسینیہ
- ۱۳۸ . ۳۰. لواعج الاشجان
- ۱۴۰ . ۳۱. نفس المهموم
- ۱۴۳ . ۳۲. وقایع الايام
- ۱۴۵ . ۳۳. ابصار العين في انصار الحسين
- ۱۴۷ . ۳۴. نهضة الحسين
- ۱۴۹ . ۳۵. اقناع اللائم على اقامة المآتم
- ۱۵۱ . ۳۶. ذخيرة الدارين
- ۱۵۳ . ۳۷. ثورة التنزيه
- ۱۵۷ . ۳۸. الامام الحسين
- ۱۵۹ . ۳۹. الامام الحسين عليه السلام واصحابه
- ۱۶۱ . ۴۰. مقتل الحسين
- ۱۶۳ . ۴۱. تاريخ كربلاء وحائر الحسين
- ۱۶۵ . ۴۲. فرسان الهيجاء
- ۱۶۶ . ۴۳. الحسين في طريقه الى الشهادة
- ۱۶۷ . ۴۴. الحسين، ابوالشهداء
- ۱۷۰ . ۴۵. بررسی تاريخ عاشورا
- ۱۷۲ . ۴۶. سيرتنا و سنتنا سيرة نبينا وسنته
- ۱۷۴ . ۴۷. ثورة الحسين، ظروفها الاجتماعية و آثارها الانسانية
- ۱۷۶ . ۴۸. پرتوی از عظمت حسين
- ۱۷۸ . ۴۹. ادب الطّف
- ۱۸۰ . ۵۰. شهيد جاويد
- ۱۸۶ . ۵۱. حسين عليه السلام شهيد آگاه

- ١٨٨ .٥٢. الوثائق الرسميّة لثورة الامام الحسين
- ١٩٠ .٥٣. وسيلة الدّارين فى انصار الحسين
- ١٩٢ .٥٤. تحقيق دربارة اوّل اربعين حضرت سيّدالشّهداء
- ١٩٤ .٥٥. خطب الامام الحسين (ع) على طريق الشهادة
- ١٩٥ .٥٦. انصار الحسين
- ١٩٨ .٥٧. حياة الامام الحُسين بن على
- ٢٠٠ .٥٨. حسين وارث آدم
- ٢٠٢ .٥٩. تعزیه، نيايش و نمايش در ايران
- ٢٠٤ .٦٠. حماسه حُسينى
- ٢٠٦ .٦١. الحسين والسّنة
- ٢٠٧ .٦٢. استشهاد الحسين
- ٢٠٩ .٦٣. ترجمة ريحانة رسول اللّهُ
- ٢١١ .٦٤. پس از پنجاه سال
- ٢١٤ .٦٥. عزادارى از دیدگاه مرجعیّت شیعه
- ٢١٨ .٦٦. ثورة الحسين في الوجدان الشعبيّ
- ٢٢٠ .٦٧. البكاء للحسين
- ٢٢٢ .٦٨. احسن الجزاء فى اقامة العزاء على سيّدالشّهداء
- ٢٢٤ .٦٩. غصن الرّسول
- ٢٢٦ .٧٠. استشهاد الحسين
- ٢٢٩ .٧١. نورالعين فى المشى الى زيارة قبر الحسين
- ٢٣٠ .٧٢. طريق الكرام من الكوفة الى الشام
- ٢٣١ .٧٣. الامام الحسين بن عليّ
- ٢٣٣ .٧٤. سيد شباب اهل الجنّة

- ۲۳۶ .۷۵. وقعة الطّف
- ۲۳۹ .۷۶. تعزیه در ایران
- ۲۴۱ .۷۷. الحسین بن علی: سید شباب اهل الجنة
- ۲۴۳ .۷۸. اصول المعرفة فی شرح دعاء عرفة
- ۲۴۴ .۷۹. زندگانی امام حسین
- ۲۴۶ .۸۰. مقتل الحسین
- ۲۴۷ .۸۱. دیوان الحسین
- ۲۴۹ .۸۲. معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت
- ۲۵۱ .۸۳. يوم الطّف
- ۲۵۲ .۸۴. زفرات الثقلین فی ماتم الحسین
- ۲۵۴ .۸۵. دائرة المعارف الحسينية
- ۲۵۶ .۸۶. ترجمة الامام الحسین علیه السلام و مقتله
- ۲۵۸ .۸۷. عبرات المصطفین
- ۲۶۰ .۸۸. موسوعة کلمات الامام الحسین
- ۲۶۲ .۸۹. قیام جاودانه
- ۲۶۴ .۹۰. ملحقات الاحقاق
- ۲۶۵ .۹۱. فرهنگ عاشورا
- ۲۶۷ .۹۲. جزاء اعداء و قتلة سيد الشهداء فی دار الدنيا
- ۲۶۹ .۹۳. خورشید شهادت
- ۲۷۱ .۹۴. مجموعه مقالات کنگره ... فرهنگ عاشورا
- ۲۷۳ .۹۵. بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی
- ۲۷۵ .۹۶. قصه کربلا
- ۲۷۷ .۹۷. الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفريقین

۱۴ / کتابشناسی تاریخی امام حسین (ع)

۲۷۹

۹۸. الحسين عليه السلام في القرآن

۲۸۱

۹۹. ثار الله

۲۸۳

۱۰۰. مسند الامام الشهيد

امام حسين (ع) در الذريعة

۲۸۷

مقدمه

۲۹۵

در باره اين كتاب

۳۰۳

متن

۴۹۲

خاتمة الطبع

۴۹۳

فهرست راهنما

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

کَتَبْتُ قِصَّةَ شَوْقِي وَمَذْمَمِي بَاكِي

هر پژوهشی در پی پاسخ به پرسش، یا پرسشهایی، است. این پژوهش، که کتابشناسی تاریخی امام حسین -ع- عنوان دارد، عهده دار پاسخ به این پرسشهاست: صد کتاب مهم درباره امام حسین -ع- به عربی و فارسی، که از دیرباز تاکنون نوشته شده، کدام است؟ محتوا و اشتراکات و امتیازات آنها چیست؟ ترتیب تاریخی آنها چگونه است؟ این پرسشها، و پرسشهایی از این دست، برای هر پژوهنده درباره امام حسین -ع- و عاشورا مطرح است و کتاب حاضر در پی پاسخ بدین پرسشهاست.

روشنتر بگویم که در این کتابشناسی، صد کتاب مهم درباره امام حسین -ع- به زبان عربی و فارسی، که از دیرباز تاکنون فراهم آمده، به ترتیب تاریخی، معرفی توصیفی شده و، بدین رو، کتاب حاضر، نخستین کتابشناسی تاریخی در زبان فارسی است. اصلیتترین مخاطب این پژوهش، عاشورا پژوهان هستند که بر آنهاست مهمترین کتابهای در این موضوع را بشناسند؛ اما دیگر پژوهشگران نیز می توانند از این کتابشناسی بهره ببرند.

من در آغاز این پژوهش می پنداشتم که در حدود دو صد کتاب مهم درباره امام حسین -ع- وجود دارد و گزینش صد کتاب از میان آنها مشکل است. اما در هنگام پژوهش دریافتم که اساساً یافتن صد کتاب مهم در این باره مشکل است. به دیگر سخن، بسختی می توان صد کتاب مهم درباره امام حسین -ع- یافت و اگر در معیار مهم بودن کتابها سختگیری علمی کنیم، تعداد آنها به صد عدد هم نمی رسد. نتیجه اینکه ما در این باره، و درباره بسیاری دیگر از موضوعات، دچار «فقر اطلاعات» و «غنای انتشارات» هستیم و «نبود فریبی مانند آماس». کتابهای فراوانی نوشته و منتشر می شود، اما اطلاعات و تحلیلهای آنها تکراری و اندک است. خواننده دیرباور می تواند به مصداق «تعرف الاشياء باضدادها»، بل

باغیاریها، این کتابشناسی را با کتاب نود و نه رمان برگزیده معاصر، از آنتونی برجس، مقایسه کند. (از قضا ساختار و هندسه این دو کتاب مانند یکدیگر است).

در مقدمه کتاب حاضر، که سپس می آید، از ضرورت کتابشناسی امام حسین، محتوای این کتابشناسی، آیین تدوین آن، نتایج به دست آمده از آن و هر آنچه بایدم گفت، سخن خواهم گفت. در اینجا تنها بدین نکته اشاره می کنم که این کتابشناسی با اغلب کتابشناسیهایی که امروزه در زیر آسمان این سرزمین انجام می شود، فقط اشتراک لفظی دارد! یعنی به لحاظ روش، اطلاعات کتابشناختی، چگونگی ارائه اطلاعات و گزارش از درونمایه کتابها، دیگرگون و از لون دیگری است و کاستیها، نادرستیها، ناهمگونیها، روش گریزیها، بی دقتیها و بی نظمیهای موجود در کتابشناسیهای موجود را ندارد.

نمی دانم این گله را به کجا برم که امروزه بیشترینه کتابشناسیهایی که فراهم می شود، بقاعده و روشمند نیست و مالا مال از خبط و خطاست و به دست کسانی فراهم آمده که یا کتابشناس (به معنی فنی کلمه)، نیستند و یا موضوع شناس نیستند (از موضوع کتابشناسی شناخت لازم ندارند)، و یا از دقت درخور رشته کتابشناسی برخوردار نیستند. فاش می گویم که در سالهای اخیر عده ای که در کتابشناسی «راجل»، بلکه «قاعد»، هستند و هرگز با کتاب «نکاح روحانی» نکرده اند و «کتاب باره» نشده اند، مرتکب فراهم کردن کتابشناسی شده اند و کتابشناسیهایی فراهم کرده اند که موجب هتک حرمت کتاب است. سوگمندانه رشته کتابشناسی چندان دون پایه و سهل شمرده شده که پنداشته می شود با ملاحظه چند کتاب و با رجوع به کتابخانه ها و ضبط مشخصات ظاهری کتابها یک کتابشناسی فراهم می شود. حال آنکه «هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست» و «نه هر کو ورقی خواند معانی دانست» و «نه هر که آینه سازد سکندری داند».

این کتابشناسی در پی یک سال پژوهش پیوسته، و بر پایه اصولی که در مقدمه کتاب گفته شده، فراهم آمده است. بر من است از دانشورانی به سپاس یاد کنم که در این کار توانفرسا یاریم کردند و در بسامان شدن این کتاب سهیم شدند: حجّت الاسلام والمسلمین رضا استادی، کتابشناس و فهرستنگار نامدار، که خود کتابشناسی امام حسین را فراهم کرده است، این کتابشناسی را از آغاز تا فرجام، کلمه به کلمه، از نظر گذراند و نکات سودمندی را یادآور شد. حجّت الاسلام ناصرالدین انصاری قمی، ضمن افاضات شفاهی خویش، ده ردیه

بر یکی از کتابها، که جملگی نایاب بود، در اختیار من گذاشت. چشم و چراغ اهل ادب، استاد سید ابو القاسم حسینی (ژرفا)، مدیر علمی دایرة المعارف امام حسین، با ژرف بینی و ویژه خود، نکات ژرفی در حاشیه کتاب نگاشت. حجّت الاسلام محمّد صحتی سر درودی، عضو هیئت علمی دایرة المعارف امام حسین و از عاشورا پژوهان نستوه، دهها کتاب در اختیارم گذاشت و روزهای بسیاری درباره مطاوی این کتاب با نویسنده به مباحثه پرداخت. برادر عراقی ام، محمّد علی عابدین، سردبیر مجله رساله الحسین و عاشورانگار بنام جهان عرب، چند کتاب نایاب به من امانت داد. حجّت الاسلام رضا مختاری، پژوهنده نادر المثل حوزه علمیه قم، کتاب را به مطالعه گرفت و نکات مفیدی یاد کرد. از همه این دانشوران و کتاب پردازان سپاسگزارم و پاداش آنان را از سرور شهیدان می خواهم.

در پایان، گفتن این نکته را بایسته می دانم که مسؤلیت مطالب کتاب، بویژه داوریهایی ارزشی آن، با نویسنده است و او مصون از خطا نیست. بدین رو به انتقاد فرهنگبانان ارج می گزارد و از آن استقبال می کند و از بزرگان دین آموخته است که بگوید: رحم الله امرء اهدی الی عیوبی.

بنده خدا

محمّد اسفندیاری

قم، زمستان ۱۳۷۷

بعد التحریر: پایان بخش این کتاب، بخشی است با عنوان «امام حسین (ع) در الذریعة»؛ که البته کتابی مستقل و مکمل کتاب حاضر قلمداد می شود. در این بخش کلیه کتابهای در باره امام حسین -ع- از کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة، تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی، استخراج شده است. خواننده با رجوع بدین بخش با بیش از نهصد کتاب (و با حذف مکررات در حدود نهصد کتاب)، و با رجوع به بخش اول با صد کتاب مهم در باره امام حسین -ع- آشنا می شود. توضیح بیشتر در باره آن بخش در آغاز آن آمده است. کوتاه سخن اینکه در کتاب حاضر، هزار کتاب معرفی شده است. صد کتاب مهم، بتفصیل و به قلم من، و نهصد کتاب مهم و غیر مهم، باختصار و به قلم شیخ آقا بزرگ تهرانی.

مقدمه

دریغ دارم از دیگران سخن گفتن
و چون حدیث تو آید سخن دراز کنم

ضرورت کتابشناسی

هر پژوهشی باید مسبوق به کتابشناسی باشد و، به دیگر سخن، هیچ پژوهشی استوار نخواهد بود مگر اینکه استوار به کتابشناسی استواری باشد. بنابراین بر هر پژوهنده‌ای فرض است که در هر موضوعی که پژوهش می‌کند نخست کتابشناسی آن موضوع را فراهم سازد و بنگرد که دیگر پژوهندگان در آن باره چه گفته‌اند. پژوهنده‌ای که از نگرستن به پژوهش دیگران سر می‌تابد، حقیقت را در نمی‌یابد؛ حتی اگر حقیقت در پژوهشهای دیگران مندرج نباشد. راست گفته است ساموئل جانسون:

دانش بر دو بخش است: یا ما موضوعی را می‌دانیم و یا می‌دانیم
در کجا می‌توانیم اطلاعاتی درباره آن بیابیم.^۱ وقتی ما راجع به

۱. این جمله در زبان لاتینی مشهور و مثل و مشابه سخن جانسون است: «کسی که می‌داند علمی در کجا یافت می‌شود به آن کسی که عالم آن است نزدیک می‌شود.» ر.ک: محسن صبا. «اهمیت کتابشناسی». کتابداری. زیر نظر ایرج افشار. (تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۲). د. ۴، ص ۳۵.

هر موضوعی می‌خواهیم تحقیق کنیم نخستین کاری که باید انجام دهیم آن است که بدانیم چه کتابهایی در آن موضوع بحث می‌کند.^۱

پیش از ساموئل جانسون، ابوسعید ابوالخیر گفته بود:

خردمند مرد، آن است که چون کارش پیش آید همه رأیها جمع کند و به بصیرت دل در آن نگرد تا آنچه صواب است از او بیرون کند و دیگر را یله کند. همچنانک کسی را دیناری گم شود اندر میان خاک. اگر زیرک بود همه خاک را، که بدان حوالی بود، جمع کند و به غربالی تنگ فروگذارد تا دینار از میان پدید آید.^۲

و در اشعار عرب آمده است:

وَالْعُلَىٰ مَحْظُورَةٌ أَلَا عَلِيٌّ
مَنْ بَنَىٰ فَوْقَ بِنَاءِ السَّلْفِ^۳

و ترجمه این شعر، این شعر است:

بزرگی کسی آورد خود به دست
که بنیان گذارد به چیزی که هست^۴

۱. همان، ۴د، ص ۳۶.

۲. محمد بن منور. اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. (چاپ چهارم: انتشارات آگاه، ۱۳۷۶). ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. غلامعلی رعدی آذرخیسی نیز با اقتباس از این شعر گفته است: بلندی مر آن را نیفتد به دست / که سازد سرکاخ پیشینه پست / زمانه کسی را بزرگی دهد / که لادی به بُنلاد پیشین نهد. علی اکبر دهخدا. امثال و حکم. (چاپ هشتم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴). ج ۱، ص ۲۶۳.

۴. نیوتون، که توفیق علمی خود را مرهون گذشتگان، بویژه ارسطو و دکارت و کپلر و گالیله، می‌دانست به همین نکته نظر داشته و گفته است: «اگر توانسته‌ام [افق را] اندکی دورتر از دیگران بنگرم، بدان سبب است که بر شانه‌های غولان ایستاده‌ام». ا.ح. آریان پور. پژوهش. (چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸). ص ۲۵-۲۶. همچنین برنار دو شارتر گفته است: «ما کوتوله‌هایی هستیم که روی دوش غولها نشسته‌ایم، برای همین از آنها بهتر و بیشتر می‌بینیم.»

فراتر از اینها، این سخن بلند امیرالمؤمنین علی -ع- است:

مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَأِ.^۱ یعنی کسی که با

افکار گوناگون روبرو شود، نقاط اشتباه را خواهد شناخت.

باری، سخن در ضرورت کتابشناسی بود و ضرورت نیست بیش از این گفته

شود که هر پژوهش بسامانی مبتنی بر کتابشناسی بسامانی است؛ گو اینکه آن کتابها،

خود، بسامان نباشد و حتی متضمن حقیقت نباشد.^۲ پس بگذریم و در ضرورت

کتابشناسی امام حسین سخن بگوییم.

سلام من الزحمان نحو جنابه

فان سلامی لایلیق ببابه

ضرورت کتابشناسی امام حسین (ع)

از آن هنگام که خون خدا در طف تفتیده در خون تپید، دسته‌دسته از عالمان دست

خود را قلم کردند و قلم از دست نگذاشتند و به ضبط و ثبت رخداد عاشورا

پرداختند.^۳ هیچ قرنی در تاریخ اسلام سپری نشد مگر اینکه دهها، و گاه صدها، کتاب

→ چشم‌مان قویتر و قدما بلندتر نیست، اما سوار گرده غول‌آسای آنها شده‌ایم.» ژاک لوگوف. روشنفکران در قرون وسطا. ترجمه حسن افشار. (چاپ اول: تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶). ص ۲۴. مولوی نیز در مثنوی (دفتر سوم، بیت ۲۵۳۸)، گفته است:

گرچه هر قرنی سخن آری بود

لیک گفت سالفان یاری بود

۱. نهج البلاغه. بخش حکمت، حدیث ۱۷۳.

۲. از این رو هنگامی که این قلمزن عهده‌دار فراهم کردن کتابشناسی امام حسین -ع- شد، از این قاعده سرنافت و نخست به فراهم کردن کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین -ع- پرداخت. حاصل این کار، یافتن بیش از چهل کتابشناسی امام حسین -ع- شد که در مقاله‌ای مستقل در این کتاب آمده است. آری، حتی اگر موضوع پژوهش فردی کتابشناسی است، باید نخست از کتابشناسی کتابشناسیهای آن موضوع آغاز کند و بنگرد که چه کتابشناسیهایی فراهم آمده است.

۳. ظاهراً نخستین فردی که کتاب مستقلی درباره امام حسین -ع- نوشت، اصیغ بن نباته، از اصحاب خاص علی -ع-

و رساله در باره عاشورا و قهرمان آن نوشته و پراکنده شد. در این میان، کارنامه عاشورا نویسی در قرن چهاردهم و پانزدهم هجری پر برگ و بارتر است. در این دو قرن مسلمانان بر انحطاط و خمود خود متفطن شدند و خون حسین را دستمایه نهضت‌های خونباری کردند و با الهام از آن حضرت به پیکار با «ظلم» و «ظلمت» پرداختند و کتابها و رساله‌ها و مقاله‌های فراوانی برنوشتند و بگسترده شدند. مضافاً اینکه این دو قرن مقارن با دستیابی مسلمانان به صنعت پیشرفته چاپ و نشر بود و این نیز بر رونق عاشورانویسی افزود و نویسندگان را دلگرم ساخت که بنویسند و به دست کارگزاران گوتمبرگ بسپارند.

اینک نزدیک به پانزده قرن از عاشورا و قیام و شهادت امام حسین -ع- می‌گذرد. در این مدت هزاران کتاب و رساله و مقاله در باره زندگی و قیام آن حضرت نوشته شده است. بیقین مجموع آثاری که در باره امام حسین -ع- نوشته شده بیش از آثاری است که در باره دیگر امامان نوشته شده است. و چنین می‌نماید که تا ابزار نوشتن هست و انسان هست، عاشورانویسی هم ادامه خواهد داشت. چنانکه اینک سالی نمی‌گذرد مگر اینکه دهها کتاب در باره آن حضرت نوشته و منتشر می‌شود.

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار باده ناخورده در رگ تاک است

بدین رو ضرور می‌نماید چند گونه کتابشناسی امام حسین -ع- فراهم شود: کتابشناسی تاریخی، کتابشناسی پژوهشی، کتابشناسی غیر توصیفی، کتابشناسی

→ بود که بعد از سال صد قمری درگذشت. این نظر از آن شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۲۲، ص ۲۴) و محمد باقر محمودی در عبرات المصطفین (ج ۱، ص ۶) است. و مستند این دو، سخن شیخ طوسی در الفهرست (ص ۳۸) است. البته شیخ طوسی از کتاب او با عنوان مقتل الحسين بن علی علیه السلام یاد کرده است؛ اما شیخ آقا بزرگ تهرانی از آن با عنوان مقتل ابی عبدالله الحسین (ع) و محمودی از آن با عنوان مقتل الحسين علیه السلام یاد کرده است. برای تحقیق در باره اصبع بن نباته به معجم رجال الحديث (ج ۳، ص ۲۱۹-۲۲۵) و اعیان الشیعة (ج ۳، ص ۴۶۴-۴۶۶) رجوع شود.

توصیفی، کتابشناسی تحلیلی و کتابشناسی انتقادی. کمترین فایده کتابشناسی امام حسین -ع- این است که عاشورا نویسان را یاری می‌رساند تا بدانند: چه کتابهایی در باره امام حسین -ع- نوشته شده و چه کتابهایی نوشته نشده است. - چگونه کتابهایی در باره امام حسین -ع- نوشته شده و چگونه کتابهایی نوشته نشده است.

- وجوه اشتراک و افتراق کتابها چیست.

- کتابهای مهم و غیر مهم و قوی و ضعیف چیست.

- کدامیک از کتابها به کار می‌آید و باید بدانها رجوع کرد.

امروزه نمی‌توان کتابی علمی و پژوهشی در باره امام حسین -ع- نوشت مگر اینکه به کتابهای مستقلی که در باره آن حضرت نوشته شده است رجوع کرد. نمی‌توان با رجوع به کتابهای تاریخ عمومی، مانند تاریخ طبری و ابن اثیر و ذهبی، کتابی استوار در باره امام حسین -ع- فراهم کرد، بلکه لازم است به کتابهای ویژه و تکنگاریها (Monography) رجوع کرد. و لازمه رجوع به کتابهای مستقل در باره امام حسین -ع- وقوف بر آنهاست و لازمه وقوف بر آنها، تنوع و کاوش در کتابهاست و راه نزدیکتر، رجوع به کتابشناسی امام حسین.

گزارش

در اینجا لازم می‌آید توضیحاتی در باره این کتابشناسی و چگونگی درونمایه آن ارائه شود:

۱. این کتابشناسی، «تاریخی» (Historical)، و به تعبیر دیگر، سنوی (chronological) است. مقصود از تاریخی بودن این کتابشناسی این نیست که کتابهای تاریخی معرفی شده است، بلکه مقصود این است که کتابها به ترتیب تاریخ تألیف آن معرفی شده است. از این رهگذر خواننده درمی‌یابد که در هر قرن چه و چگونه

کتابهایی در باره امام حسین -ع- نوشته شده و عاشورانویسی و مقتلنگاری چه سیری داشته است.^۱

۲. این کتابشناسی، بیشتر «توصیفی» (Descriptive) است، نه «تحلیلی» (Analytical) و نه «انتقادی» (critical). به دیگر سخن، در معرفی هر کتاب بیشتر به توصیف مطاوی آن پرداخته و غالباً از تحلیل و انتقاد و ارزشداوری پرهیز شده است.

۳. در توصیف کتابها کوشش شده است دورنمایی از محتوای آنها به دست داده شود. توصیف بیشتر از کتابی لزوماً به معنی اهمیت بیشتر آن نیست. گاه می شد دورنمای کتابی در یک صفحه ارائه شود و گاه ارائه دورنمای کتابی دیگر، با همان اهمیت و حجم، در دو صفحه یا بیشتر ممکن بوده و کمتر از این امکانپذیر نبوده است. به هر حال اغلب کتابها در دو صفحه معرفی شده است.

۴. این کتابشناسی، جامع نیست، بلکه «گزیده» (selective) است. در این کتابشناسی صد کتاب مهم در باره امام حسین -ع- گزیده و معرفی شده است. معیار ما برای گزیدن هر کتاب، «مهم» بودن آن است؛ قطع نظر از مثبت و منفی یا درست و نادرست بودن آن. بنابراین ممکن است کتابی مهم باشد، اما معتبر و متقن نباشد.

معیارهای ما برای مهم بودن هر کتاب عبارت است از:

یکم. قدمت آن، تا هنگام تألیف کتاب بحار الانوار. مشروط به اینکه «با مسامحه»، برخوردار از یکی دیگر از معیارها باشد.

دوم. تأثیرگذاری آن. مشروط به اینکه تأثیر آن فقط بر عوام نباشد. مانند کتاب *ناسخ التواریخ* که در طبقه اهل علم نیز مؤثر بوده است. بنابراین کتاب *طریق البکاء* و

۱. مناسبت را بیان این نکته است که برخی از معاصران ما، بخشی از کتابهای گذشتگان را، که فقط همان بخش آن در باره امام حسین -ع- است، از کل کتاب جدا ساخته و تصحیح کرده اند و به صورت مستقل منتشر نموده اند. ما این کتابها را در شمار آثار گذشتگان قلمداد نکرده ایم، بلکه جزء آثار مصححان آنها شمرده ایم. زیرا این دسته از گذشتگان کتابی مستقل با عنوانی مستقل در باره آن حضرت نداشته اند.

طوفان البکاء، که فقط بر عوام مؤثر بوده است، از این معیار برخوردار نیست. سوم. مرجع بودن آن. مشروط به اینکه ضعیف یا ناقص نباشد. چهارم. ندرت موضوع آن. مشروط به اینکه محتوای آن درست و متقن باشد. پنجم. مخدوش بودن آن. مشروط به اینکه صبغه و زبان علمی داشته باشد. ششم. اعتبار آن. مشروط به اینکه حاصل اجتهاد و تحقیق نویسنده باشد. هفتم. ابتکاری بودن آن. مشروط به اینکه مطالب جدید آن، ضعیف (نه مخدوش)، نباشد.

هشتم. تحلیلی بودن آن. مشروط به اینکه تحلیلهای کتاب، ضعیف (نه مخدوش)، و تکراری نباشد.

هر کتابی که، بدون مسامحه، از یکی از این معیارها برخوردار باشد، مهم است و در این کتابشناسی معرفی شده است.

باری، هدف ما در کتابشناسی حاضر این بوده که صد کتاب مهم در باره امام حسین -ع- معرفی شود. به دیگر بیان، در این کتابشناسی خواسته‌ایم صد کتاب مهم را در باره امام حسین -ع- که در این پانزده قرن به عربی و فارسی نوشته شده است، به ترتیب تاریخ تألیف، معرفی توصیفی کنیم. بنابراین کتابشناسی حاضر سه قید دارد: توصیفی، تاریخی، گزینشی. به لحاظ هدف، توصیفی است و به لحاظ تنظیم، تاریخی (سنواتی) است و به لحاظ شمول، گزینشی است.

البته از میان این صد کتاب در باره امام حسین -ع- چند کتاب از بقیه مهمتر است. این دسته از کتابها با علامت ✓ مشخص شده است.

نگفته نماند فراهم کردن کتابشناسی جامع امام حسین -ع- که توصیفی هم باشد، نه ممکن است و نه مطلوب. از آن رو ممکن نیست، که صدها کتاب در باره آن حضرت نوشته و فراموش شده و دستیابی به آنها برای معرفی توصیفی محال است. و از آن رو مطلوب نیست، که صدها کتاب در باره آن حضرت نوشته شده که

محتوای آنها سست و پیش پا افتاده و مخدوش است و احیای آنها مطلوب نیست و همان بهتر که در زیر غبار زمان مدفون شود.

باری، فراهم کردن کتابشناسی توصیفی جامع امام حسین -ع- ممکن و مطلوب نیست. بدین رو کتابشناسی توصیفی امام حسین -ع- لاجرم گزیده خواهد بود. اما این گزیده کتابشناسی توصیفی امام حسین -ع- نباید کتره‌ای و من‌عندی و بدون قاعده و ضابطه باشد؛ بلکه به معیاری مقبول برای گزیدن نیازمند است تا ترجیح بلا مرجح و تقدیم مفضول بر فاضل پیش نیاید. از این رو ما، هم معیار این گزیده و هم مقدار آن را تعیین کرده‌ایم: معیار ما برای گزیدن هر کتاب، «مهم» بودن آن است و مقدار ما برای گزیدن کتابها، «صد عنوان» است. نتیجه اینکه در این کتابشناسی «صد عنوان» کتاب «مهم» در باره امام حسین -ع- معرفی توصیفی شده است.

۵. زبان این کتابشناسی، فارسی و عربی است. به بیان دیگر، این کتابشناسی شامل معرفی کتابهایی است که به فارسی و عربی باشد. این را هم بگوییم که احتمالاً مهمترین کتابهایی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده به زبان فارسی و عربی است. از این رو محدود بودن این کتابشناسی به دو زبان موجب نشده که کتابهای مهم از آن فوت شود.

۶. محیط این کتابشناسی، ایران است. به دیگر سخن، این کتابشناسی مشتمل بر معرفی کتابهایی است که در ایران منتشر یا پخش شده است. البته چند کتاب که در ایران منتشر و پخش نشده بود، اما به دست آمد، معرفی شده است. پس بهتر این است که گفته شود مرکز محیط این کتابشناسی، ایران است. اعتراف می‌کنم که محدود بودن این کتابشناسی به محیط یا مرکز ایران موجب شده است پاره‌ای از کتابهای مهم از قلم بیفتد. بیقین اگر این کتابشناسی در مصر یا بیروت یا سوریه فراهم شده بود، تفاوت اندکی با محتوای کنونی آن داشت و برخی دیگر از کتابهایی معرفی می‌شد که در

این کتابشناسی معرّفی نشده است. گمان این قلمزن این است که اگر محیط این کتابشناسی کشور دیگری بود، در حدود ده کتاب از آن کتابشناسی با این کتابشناسی تفاوت داشت.

۷. این کتابشناسی، بی واسطه است. هیچ کتابی با واسطه (از طریق کتابشناسیها و نشریات)، معرّفی نشده است. یکایک کتابهایی که معرّفی شده، ملاحظه و مطالعه گردیده و بی واسطه معرّفی شده است.

۸. این کتابشناسی، «کتاب» شناسی است و نه نسخه شناسی. به سخن دیگر، در این کتابشناسی فقط به معرّفی کتابهای مطبوع پرداخته‌ایم و عهده‌دار معرّفی کتابهای مخطوط نشده‌ایم. چنین می‌نماید کتابهای مخطوط مهم در باره امام حسین -ع- چندان زیاد نیست و از ده عدد تجاوز نمی‌کند.

۹. مبدأ زمانی خاصی برای این کتابشناسی در نظر گرفته نشده است؛ اما متهای آن محرم ۱۴۲۰ (فروردین ۱۳۷۸) است. کتابهایی که تا این تاریخ منتشر شده، معرّفی گردیده است.

۱۰. این کتابشناسی، ویژه امام حسین -ع- است. بنابراین کتابهایی که در باره یکایک اصحاب یا اهل بیت آن حضرت نوشته شده (حضرت زینب، حضرت ابوالفضل و دیگران)، خارج از موضوع این کتابشناسی است.

آیین تدوین

کتابشناسی حاضر روشمند است و بر پایه اصول و ضوابطی فراهم شده و در سراسر آن، آن اصول رعایت گردیده و کاملاً یکدست و منسجم است و هیچ دوگانگی در آن راه نیافته است.

این قلمزن، از این پیش، بیش از ده کتابشناسی و یک رساله بلند درباره «آیین

تدوین کتابشناسی» فراهم کرده است.^۱ کتابشناسی حاضر تقریباً بر پایه همان رساله «آیین تدوین کتابشناسی» فراهم شده است. اما از آنجا که چاپ آن رساله بلند، که بیش از سی صفحه است، در این کتاب ممکن نیست، مختصری از اصول و ضوابط آن رساله، که در این کتابشناسی به کار بسته شده است، بیان می‌شود:

۱. نخست عنوان کتاب، بدون هیچ تصرّفی در املای آن، آمده است. مضافاً اینکه عنوان کتاب، عنوان شده است؛ یعنی در یک سطر بالاتر از دیگر مشخصات کتابشناختی هر کتاب آمده است. تنها تفاوت مشهود این کتابشناسی با دیگر کتابشناسیها، از جمله کتابشناسیهای دیگر این نویسنده، همین است. هدف از به کار بستن این شیوه این بوده که خواننده هر صفحه این کتابشناسی را که باز کند، بسرعت دریابد که سخن در باره کدام کتاب است و چه کتابی توصیف می‌شود.

گفتنی است ملاک ضبط عنوان کتاب، صفحه عنوان کتاب قرار داده شده است. در مواردی که عنوان کتاب در صفحه عنوان به گونه‌ای آمده بود و در جای دیگر کتاب (روی جلد، صفحه حقوق و...) به گونه‌ای دیگر، پس از ذکر عنوان در صفحه عنوان و ذکر دیگر مشخصات کتاب، یک دایره سیاه (●) گذاشته و آن عنوان نیز ضبط شده است.

۲. پس از عنوان کتاب، نام شخصی و نام خانوادگی پدید آورنده کتاب، بدون هیچ تصرّفی در املای آن، آمده است.^۲

۱. ر.ک: کتابشناخت (چاپ اول: قم، نشر خرم، ۱۳۷۶)؛ کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی (چاپ اول: قم، نشر خرم، ۱۳۷۷). رساله «آیین تدوین کتابشناسی»، که در آغاز کتاب کتابشناخت (ص ۱۵ - ۵۰) به چاپ رسیده، مفضلترین نوشته در باره آیین تدوین کتابشناسی است. در این رساله همه اصول و ابعاد و جزئیات تدوین کتابشناسی، با مثالهای متعدد، بیان شده و نیز یک سلسله مسائل ناگفته و نادیده مانده، گفته و مطمح نظر قرار گرفته است.

۲. دیگر بار یادآور می‌شویم که نام پدید آورنده و عنوان کتاب و نظایر اینها، بدون هیچ تصرّفی در املای آنها ضبط شده است. مثلاً اگر نام نویسنده‌ای با تشدید آمده بود و یا در ذیل حرف «ی» دو نقطه گذاشته شده بود (ی)، عیناً به ضبط آنها پرداخته شده است.

۳. پس از نام پدید آورنده، نام کمک پدید آورنده آمده است. مقصود از کمک پدید آورنده، مصحح و مترجم و ویراستار و مانند اینهاست.

۴. پس از نام کمک پدید آورنده، مشخصات نشر کتاب آمده است. مشخصات نشر کتاب عبارت است از: نوبت چاپ، نوبت ویرایش، محل نشر، ناشر و تاریخ نشر. این مشخصات به همین ترتیب آمده است.

دانستنی است در مواردی که به «چاپ اول» کتابی تصریح شده، لزوماً بدین معنی نیست که آن کتاب هیچگاه پیشتر به چاپ نرسیده است؛ بلکه مقصود، چاپ اول کتاب از سوی آن ناشر است. بنابراین ممکن است آن کتاب پیشتر از سوی ناشر دیگری به چاپ رسیده باشد.

نکته دیگر اینکه چاپ کتابها، اگر در ایران باشد، تاریخ آن هجری شمسی و اگر در جهان عرب باشد، هجری قمری است. اما اگر خلاف این قاعده باشد، با حرف اختصاری «ش» و «ق»، به شمسی و قمری بودن آن اشاره شده است.

۵. پس از مشخصات نشر کتاب، مشخصات ویژه کتاب آمده است. مشخصات ویژه کتاب عبارت است از: تعداد جلد، تعداد صفحه، قطع، تصویر، سند، کتابشناسی (یا کتابنامه).^۱ این مشخصات به همین ترتیب آمده است.

۶. اگر کتابی فاقد یکی یا پاره‌ای از اطلاعات کتابشناختی بود و آن اطلاعات از راه دیگری به دست آورده شد، در داخل قلاب گذاشته شده است.

۷. پس از ضبط مشخصات کتابشناختی هر کتاب به توصیف محتوای آن پرداخته شده است. در توصیف کتابها نخست به معرفی کلی کتابها پرداخته و سپس اجزای آن معرفی شده است.

۱. همچنین جدول، طرح، نمودار و مانند اینها از مشخصات ویژه کتاب است. اما کتابهای معرفی شده در این کتابشناسی فاقد این مشخصات است.

۸. در ضمن توصیف هر کتاب به تاریخ دقیق تألیف آن تصریح شده است و در صورت نیافتن آن، حدود تاریخ تألیف، یا تاریخ درگذشت مؤلف، مشخص شده است. ترتیب معرفتی کتابها بر اساس تاریخ تألیف آنهاست.

۹. در ضمن توصیف هر کتاب، ترجمه‌ها، تصحیحها، تلخیصها و نقدهایی که بر آن نوشته شده، معرفی شده است. همچنین در پاره‌ای موارد ضروری، کتابهای دیگری که در موضوع کتاب مورد بحث نوشته شده، معرفی شده است. مثلاً در ضمن معرفی کتابی در باره عزاداری، برخی از کتابهای دیگر در باره عزاداری در ذیل آن معرفی شده است.

۱۰. پس از ضبط مشخصات کتابشناختی هر کتاب و توصیف آن، دو - سه بار مشخصات ضبط شده و توصیف آن با اصل کتاب مقابله شد تا سهوی به قلم نیامده و اطلاعاتی از قلم نیفتاده باشد.

۱۱. برای ارائه مشخصات کتابشناختی کتابها از چند حرف اختصاری استفاده شده که آن حروف و معنی آنها به شرح ذیل است: بی، م، یعنی بدون ذکر محل نشر. بی، نا، یعنی بدون ذکر ناشر. بی، تا، یعنی بدون ذکر تاریخ نشر. ش (در کنار تاریخ)، یعنی هجری شمسی. ق (در کنار تاریخ)، یعنی هجری قمری. ح، یعنی در حدود. ج، یعنی جلد. ز، یعنی جزء. د، یعنی دفتر. ق، یعنی قسمت. ص، یعنی صفحه.

نتایج

پس از فراغت از تألیف این کتابشناسی به آهنگ نتیجه‌گیری به مرور آن پرداختیم. نتایجی که از آن به دست آمد عبارت است از:

۱. از میان کتابهای معرفی شده (صد عنوان)، پنج کتاب در فاصله قرن اول تا پنجم، نه کتاب در فاصله قرن ششم تا دهم، و هشتاد و شش کتاب در فاصله قرن یازدهم تا اوایل قرن پانزدهم (محرم ۱۴۲۰)، نوشته شده است.

۲. از میان کتابهای معرفی شده، در حدود هشتاد کتاب از شیعه و بیست کتاب از اهل سنت است.

۳. از میان کتابهای معرفی شده، در حدود هفتاد کتاب عربی و سی کتاب فارسی است.

۴. کهنترین کتابی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده و موجود است، عبارت است از: تسمیة من قتل مع الحسین بن علیٰ علیهما السلام من ولده وإخوته وأهله وشیعته، از فضیل بن زبیر رَسَّان، در گذشته در حدود نیمه دوم قرن دوم. این اثر، در واقع، یک رساله است.

۵. مفصلترین کتابی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده، دائرةالمعارف الحسینیة، از محمدصادق محمد (کرباسی)، است. ده جلد از این کتاب تا سال ۱۳۷۴ شمسی منتشر شده است و بر پایه تقسیم‌بندی پدیدآورنده، تعداد جلد‌های آن به ۳۳۲ عدد می‌رسد؛ اما ممکن است از این هم بیشتر شود و تا پانصد جلد پیش‌بینی شده است.

۶. مفصلترین کتاب روائی که در باره امام حسین -ع- فراهم آمده عبارت است از: الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین من قبل الولادة الی بعد الشهادة، از سید علی موحد ابطحی اصفهانی. دوره کامل این کتاب به هفت جلد می‌رسد.

۷. اغلب کتابهای معرفی شده، توصیفی است و کتابهای تحلیلی، اندک‌شمار است.

۸. اغلب کتابهای تحلیلی، یا همه آنها، در قرن چهاردهم و پانزدهم نوشته شده است.

۹. تحلیلی‌ترین کتابی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده، شهید جاوید، از نعمت الله صالحی نجف آبادی، است.

۱۰. مناقشه‌انگیزترین کتابی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده، شهید جاوید است.

۱۱. مناقشه‌انگیزترین کتابی که درباره عزاداری بر امام حسین -ع- نوشته شده،

التزیه فی اعمال الشّیبه، از سید محسن امین، است.

۱۲. برخی از کتابهای معرفی شده، بسیار مخدوش و ضعیف و، با وجود این، بسیار مهم است.

۱۳. خرافه‌آمیزترین کتابی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده، اکسیر العبادات فی اسرار الشّهادات، معروف به اسرار الشّهاده، از فاضل دربندی، است.

۱۴. برخی از کتابهایی که در باره امام حسین -ع- نوشته شده، فقط به قیام و شهادت آن حضرت اختصاص دارد و در باره بخشهای دیگر زندگی آن حضرت نیست. در واقع قیام و شهادت امام حسین -ع- چندان برجسته و چشمگیر است که پاره‌ای از کتابها فقط در باره این موضوع است. نویسندگان قدیم برای این گونه کتابها عنوان مقتل... (مقتل الحسین علیه السلام، مقتل ابی عبدالله علیه السلام و...) را انتخاب می‌کردند.

۱۵. میان دیدگاه گذشتگان و معاصران به امام حسین -ع- تفاوت است. در گذشته، بیشتر با «نگاه عاطفی» به امام حسین -ع- نگریده و به «مصیبت» آن حضرت توجه می‌شد. اما امروزه، بیشتر با «نگاه سیاسی» به امام حسین -ع- نگریده و به «سیاست» و «مبارزه» آن حضرت توجه می‌شود؛ ضمن اینکه هرگز از نگاه عاطفی غفلت نمی‌شود. تفاوت این دو دیدگاه، در کتابهای گذشتگان و معاصران، حتی عنوان آنها، بروشنی مشاهده می‌شود. در این باره بعد از این سخن خواهیم گفت.

از چیزهای دیگر

در باره تاریخنگاری امام حسین -ع- نکته‌ها و مسائلی وجود دارد که، مناسبت را، اشاره‌ای سریع به آنها سزااست:

۱. تعداد کتابهایی که در باره زندگی و قیام امام حسین -ع- به فارسی و عربی، نوشته شده است، معلوم نیست. حدس این نویسنده آن است که در حدود پنج هزار

عنوان کتاب مستقل، به فارسی و عربی، مطبوع و مخطوط و مفقود، در باره آن حضرت نوشته شده است. دیگران رقمهای مبالغه آمیزی، چون دهها هزار و صدها هزار و حتی میلیونها عنوان، را مطرح کرده اند! اما پیداست که یا قصد شوخی داشته اند و می خواسته اند «ادخال السّرور فی قلوب المؤمنین» کنند! و یا به معنای دهها و صدها هزار و میلیونها توجه نداشته اند. مثلاً یکی از نویسندگان معاصر مرقوم داشته است:

برای معرفی این شخصیت بزرگ [امام حسین]، به قدری کتاب نوشته شده که حدّ و حصر ندارد. اگر گفته شود میلیونها کتاب در طول ۱۳۰۰ سال (سیزده قرن اسلامی)، در اطراف مقام و مرتبت و شخصیت و اخلاق و فضیلت و جود و سخاوت و گذشت و فداکاری و نسب و حسب این مولود آسمانی نوشته شده اغراق و مبالغه نیست.^۱

این عین اغراق و مبالغه است و براستی که اگر این، اغراق و مبالغه نیست، پس اغراق و مبالغه چیست؟ واقع این است که تاکنون میلیونها کتاب در همه رشته های علوم اسلامی نوشته نشده است؛ چه رسد به اینکه فقط در باره امام حسین -ع- میلیونها جلد کتاب نوشته شده باشد. بگذریم.

۲. متأسفانه شمار زیادی از کتابهایی که گذشتگان در باره امام حسین -ع- نوشته اند، بویژه کتابهای قرن اول تا پنجم، از میان رفته است و اینک هیچ اثری از آنها در دست نیست. گمان این قلمزن این است که حدّا کثر دویست عنوان کتاب در طی

۱. مقدمه حسین عماد زاده بر کتاب فرهاد میرزا معتمدالدوله. قسمقام زخار و صمصام بتار. (تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۹۴ق). ص ۲. همین نویسنده در کتاب زندگانی امام حسین علیه السلام (چاپ اول: انتشارات اسوه، ۱۳۷۳)، می گوید: «بدون تردید، میلیونها کتاب به لغات مختلف جهان، از شرقی و غربی و ساحلی، در باره این پیشوای انقلابی [امام حسین]، نگاشته شده و تمام ملل دنیا رستاخیزی [را] که او در یک روز به وجود آورده، مورد دقت و توجه قرار داده اند.» (ج ۱، ص ۱۴-۱۵).

قرن اول تا پنجم نوشته شده که مفقود است. از آنجا که این کتابها در عصر معصومین و یازدهم به آن نوشته شده، از اهمیت زیادی برخوردار است. شاید برخی از ابهامات و گره‌های کور تاریخی که در گزارش از قیام امام حسین -ع- ملاحظه می‌شود، ناشی از فقدان این منابع است. مسلماً اگر این دسته از کتابها در دسترس بود، تاریخ قیام امام روشتر و شفافتر بود.

۳. در قرن چهاردهم و پانزدهم، ضمن اینکه کتابهای ارزنده و آموزنده‌ای در باره امام حسین -ع- نوشته شده، کتابهای ضعیف و سست و سطحی هم فراوان نوشته شده است. البته از این دست کتابها در تاریخ دیگر معصومین هم وجود دارد، اما در اینجا بیشتر است. روشتر بگویم که در دهه‌های گذشته آنقدر کتاب ضعیف و بازاری و عوام‌پسند که در باره امام حسین -ع- نوشته شده، در باره دیگر معصومین نوشته نشده است. علل این موضوع روشن است؛ از جمله اینکه چون کتابهای در باره امام حسین -ع- خوانندگان بیشتری دارد، نویسندگان بیشتری در این عرصه وارد شده‌اند و عده‌ای از این نویسندگان، صلاحیت کافی، و حتی لازم، را ندارند.

باری، در سالهای گذشته کتابهایی در باره امام حسین -ع- نوشته شده که موجب سرافکنندگی است. محتوای این کتابها چند نقل و قصه و خبر، توأم با خرافه و مبالغه است. نثر آنها نیز پریشان و به فارسی دری -وری (به جای فارسی دری)، و عربی یا جوج و مأجوج (به جای عربی فصیح)، است. آنچه در این کتابها دیده نمی‌شود، توصیف درست، تحلیل علمی، نتیجه‌گیری منطقی، منابع معتبر و نثر معیار است. شاید برخی از این کتابها مصداق کتابهای ضالّه و انحرافی نباشد، اما از آنها زیانبارتر است. در این کتابها امام حسین -ع- بد عرضه شده و تصویری کج و معوج و دست و پا شکسته از قیام و شخصیت او ارائه گردیده است. این کتابها نه تنها در شأن امام و شایسته قیام او نیست، که زیننده یک نویسنده مسلمان هم نیست. اگر این کتابها، که در باره یک پیشوای معصوم است، با کتابهای در باره شکسپیر و تولستوی و

گانندی مقایسه شود، دانسته می‌شود که تا چه اندازه ضعیف و سخیف و سست و سطحی است.

کوتاه سخن اینکه عده‌ای از سر عشق و ارادت به امام حسین -ع- و با اخلاص تمام و قربه‌الی الله، کتابهایی در باره آن حضرت نوشته‌اند که بس سست و بی‌اساس است.

خواجه پندارد که طاعت می‌کند

بی‌خبر از معصیت جان می‌کند

اینان می‌پندارند اخلاص و ارادت به امام حسین -ع- مجوز نوشتن کتاب در باره آن حضرت است. حال آنکه شناخت و بصیرت و زمان‌آگاهی نیز شرط است، بلکه شطر. هیچگاه اخلاص و تقوا نمی‌تواند جانشین علم شود، چنانکه علم نمی‌تواند جانشین اخلاص و تقوا شود. علم و تقوا جانشین یکدیگر نمی‌شوند و بی‌جانشین هستند.^۱

۴. علت قیام امام حسین -ع- و هدف آن حضرت از خروج، موضوعی مهم است و باید در هر کتابی که در باره آن حضرت نوشته می‌شود، بتفصیل بدان پرداخته شود. تا هنگامی که علت قیام آن حضرت مشخص نشود و استراتژی آن معین و کالبد شکافی نگردد، همه مراحل قیام و موضعگیریه‌ها و تاکتیکهای آن مبهم و نامفهوم خواهد ماند. با وجود این، در کتابهای گذشتگان بندرت و باجمال بدین موضوع پرداخته شده و در کتابهای معاصران، که فراوان از آن بحث شده، سخنان کلی و مبهم گفته شده است. در کتابهای گذشتگان بیشتر بر این نکته تأکید شده که آن حضرت از ازل مأمور به قیام و کشته شدن بود و، در واقع، بدین علت قیام کرد و شهید شد که باید

۱. راست گفته است احمد آرام: «اینک در این زمان چون مردم کتابخوان شده‌اند بسیاری از روضه‌خوانان قدیمی روضه نویس شده‌اند و در این سالهای اخیر از این کتابها بسیار منتشر شده که اکثر آنها به مفت نمی‌ارزد.» نعمت الله صالحی نجف آبادی. شهید جاوید حسین بن علی علیه السلام. (چاپ دوازدهم: تهران، رسا، ۱۳۶۰). ص. ک.

قیام می‌کرد و شهید می‌شد. نتیجه چنین تفسیری از علت قیام امام حسین -ع- آن است که آن را به مأموریتی فردی و قیامی اختصاصی تبدیل می‌کند و در این صورت امکان اقتدا به آن حضرت و الگو گرفتن از او منتفی می‌شود. البته عده‌ای حتی ملتزم به این نتیجه و مدعی هستند که قیام امام حسین -ع- نمی‌تواند الگوی رفتاری دیگران باشد و تکلیف مردم غیر از تکلیف آن حضرت است. بنگرید که مؤلف ناسخ التواریخ می‌گوید:

حسین -علیه السلام- عالماً ادراک شهادت را تصمیم عزم داد، به حکم مصلحتی که سر آن را جز خدای کس نداند... و نتوان گفت که چرا دانسته خود را به تهلکه افکند؛ زیرا که تکلیف امام بیرون تکالیف خاص و عام است.^۱

۵. تردیدی نیست که پاره‌ای از اخبار و روایات در باره قیام امام حسین -ع- مجعول است. با وجود این، قرن‌هاست که این اخبار و روایات با آب و تاب از این کتاب به آن کتاب نقل می‌شود و بر پایه آنها تاریخ نوشته و تحلیل می‌شود. لازم است همان دقتی که در علم فقه در باره روایات می‌شود و سند و متن آنها و ارجح و تعدیل می‌گردد، در تاریخ نیز معمول شود. اگر دانشوران اسلامی به فقه تاریخ پردازند و تنها به نقل روایات و اعتماد به روایات موجود و مشهور بسنده نکنند، تاریخنگاری زندگی معصومین دگرگون می‌شود. مختصر اینکه باید روایات و اخبار در باره امام حسین -ع- تهذیب شود و صحیح و ضعیف از یکدیگر مشخص گردد و

۱. میرزا محمدتقی سپهر (لسان الملک). ناسخ التواریخ: در احوالات حضرت سیدالشهداء علیه السلام. تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ق. ج ۱، ص ۲۶۶. وی همچنین می‌گوید: «تکلیف پیغمبران و امامان بیرون تکالیف دیگر مردم است.» (ج ۱، ص ۲۶۵). همچنین میرزا ابوالفضل زاهدی قمی در کتاب مقصد الحسین (چاپ دوم: قم، مؤسسه مطبوعاتی پیروز، ۱۳۵۰)، در برابر معتقدان این نظریه که باید «دیگران مثل آن حضرت [امام حسین] با سلاطین در مبارزه وارد شده و اگر چه نتیجه کشته شدن باشد» می‌گوید: «این صحیح نیست... در اطراف وقعه کربلا بجز تکلیف شخصی کلام دیگری نمی‌شود گفت.» (ص ۹).

استناد به روایات مجعول و اخبار بی پایه ممنوع شود.^۱

۶. در گذشته (قرن اول تا سیزدهم)، به قیام عاشورا و شهادت امام حسین -ع- بیشتر با «نگاه عاطفی» نگریسته می شد؛ اما امروزه (قرن چهاردهم و پانزدهم)، بیشتر با «نگاه سیاسی» بدان نگریسته می شود؛ ضمن اینکه هرگز از نگاه عاطفی به آن غفلت نمی شود. از آنجا که عاشورا غم انگیزترین رخداد در تاریخ اسلام است، طبیعی است که همواره بدان با نگاه عاطفی نگریسته و بر آن گریسته شود. اما اگر نگاه عاطفی به عاشورا، حجاب نگاه سیاسی به آن شود، همچنین اگر نگاه سیاسی به عاشورا، مانع نگاه عاطفی به عاشورا شود، ابعاد گوناگون نهضت عاشورا فهمیده نمی شود. پس لازم است با دو نگاه (نگاه عاطفی و نگاه سیاسی)، به عاشورا نگریسته شود تا ظاهر و باطن آن فهمیده شود.

در گذشته، به علل متعددی، از جمله بدین علت که شیعیان کمتر درگیر سیاست بودند، بیشتر با نگاه عاطفی به عاشورا نگریسته می شد. اما در عصر حاضر، به علل متعددی، از جمله بدین علت که شیعیان درگیر سیاست شده اند، گذشته از نگاه عاطفی به عاشورا، نگاه سیاسی هم به آن می شود. تفاوت این دو دیدگاه بسیار است: در نگاه عاطفی به عاشورا، فقط به «مصیبت» امام حسین -ع- نگریسته و بر آن گریسته می شود. اما در نگاه سیاسی (سیاسی - عاطفی) به عاشورا، هم به مصیبت آن حضرت و هم به «سیاست» و «مبارزه» او نگریسته می شود. در نگاه عاطفی به عاشورا، چندان به مصیبت امام حسین -ع- چشم دوخته می شود که هدف سیاسی آن حضرت

۱. باره‌ای از اخبار در باره قیام امام حسین، گذشته از ضعف بودن، بسیار عجیب و باورنکردنی است. برای نمونه به خبری می توان اشاره کرد که در باره فرجام سوء یکی از قاتلان امام حسین در منابع ذیل آمده است و ما از اشاره به مضمون آن خودداری می کنیم: بحار الانوار (ج ۴۵، ص ۳۱۱)؛ عوالم العلوم و المعارف (ج ۱۷، ص ۶۱۳)؛ ملحقات الاحقاق (ج ۱۱، ص ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ج ۲۷، ص ۳۵۱-۳۵۲)؛ عبرات المصطفین (ج ۲، ص ۳۶۷ و ۳۶۹). این خبر در منابع اهل سنت نیز آمده است.

تحت الشعاع قرار می‌گیرد و مغفول می‌ماند. اما در نگاه سیاسی به عاشورا، مصیبت امام حسین -ع- با عنایت به سیاست او تفسیر می‌شود و بروشنی مشخص می‌گردد که آن حضرت با چه انگیزه و برای کدام هدف متحمل آن همه مصیبت شد. در نگاه عاطفی به عاشورا، فقط برای امام حسین -ع- عزاداری می‌شود و به اهداف آن حضرت عنایت نمی‌شود. اما در نگاه سیاسی به عاشورا، به اهداف امام حسین -ع- عنایت بلیغ می‌شود و عزاداری نیز ابزاری برای تحقق اهداف آن حضرت می‌گردد. مختصر اینکه در نگاه سیاسی -عاطفی به عاشورا، قیام امام حسین -ع- یک قیام اختصاصی و قضیه شخصی نیست، بلکه قیامی است الگو که همگان باید از آن پیروی کنند.

تفاوت دید گذشتگان و معاصران به قیام امام حسین -ع- از محتوای کتابهایشان دانسته می‌شود. در گذشته، قیام امام حسین -ع- بیشتر با واژه‌های ذیل نوشته می‌شد و این واژه‌ها در کتابها بسامد و تواتر داشت و محور و کلیدواژه بود: بکاء (گریستن)، دمع (اشک)، مصیبت، حزن و غم، بلاء و ابتلاء، عزاء، ماتم، تشنگی، اسارت. اما امروزه، قیام امام حسین -ع- بیشتر با واژه‌های ذیل نوشته می‌شود و این واژه‌ها در کتابها بسامد دارد و محور و کلیدواژه است: آزادی و آزادگی، انقلاب، نهضت، قیام، مبارزه، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، اصلاح، حکومت، سیاست، عدالت.

حتی با تأمل در عنوان کتابهای گذشتگان و معاصران، تفاوت دیدگاه آنها روشن می‌شود. بنگرید که این عنوانها از گذشتگان است: طریق البکاء، طوفان البکاء، محیط البکاء، عمان البکاء، امواج البکاء، ریاض البکاء، مفتاح البکاء، منبع البکاء، مخزن البکاء، معدن البکاء، مناهل البکاء، مجرى البکاء، سحاب البکاء، عین البکاء، کنز الباکین، مبکی العیون، مبکی العینین، المبکیات، بحر الدموع، بحار الدموع، فیض الدموع، عین الدموع، سحاب الدموع، ینبوع الدموع، منبع الدموع، دمع العین، مدام العین، مخازن الاحزان، ریاض

الاحزان، قبسات الاحزان، مثير الاحزان، مهيج الاحزان، نوحه الاحزان وصيحة الاشجان، احزان الشيعة، بحر الحزن، كنز المحن، بحر الغموم، بحر غم، داستان غم، غمكده، ماتمكده، هم و غم، نشتر غم، كنز المصائب، مجمع المصائب، وجيزة المصائب، اكليل المصائب.

عنوانهای فوق را با این عنوانها، که از معاصران است، مقایسه کنید: رهبر آزادگان، حسین پرچمدار آزادی، حسین بزرگ مرد آزاده، حسین علیه السلام یا مظهر آزادگی، راه حسین، راه حسین رهنمودی برای انسانها، درسی از مکتب حسین، درسی که حسین علیه السلام به انسانها آموخت، حماسه حسینی، حماسه عاشورا، حماسه کربلا، مردان انقلاب، رسالت انقلابی امام حسین در سخت ترین شرایط، ثورة الحسين، ثورة الطف، رستاخیز حسینی، رستاخیز عاشورا، هدفهای اجتماعی حسین بن علی علیه السلام و تحلیل انگیزه‌های قیام کربلا.

بر آنچه گفته شد، این را هم بیفزاییم که در گذشته از فرجام قیام امام حسین -ع- با دو واژه «مقتل» (کشته شدن) و «مصرع» (به زمین افکنده شدن) یاد می‌شد. حتی عنوان بسیاری از کتابها مقتل بود و مقتل خوانی رواج داشت و حرفه‌ای بود. اما امروزه از فرجام قیام آن حضرت با واژه «شهادت» یاد می‌شود. و تفاوت این واژه‌ها آشکار است: واژه شهادت در حوزه ادبیات سیاسی است، اما مقتل و مصرع چنین نیست، بلکه ترخم برانگیز و غم‌انگیز (Dramatique) و حاصل نگاه عاطفی است.

نگاه عاطفی نویسندگان و شاعران گذشته به قیام عاشورا منجر شد که «ادبیات مرثی» به وجود آید، که بیشتر برای مصیبت خوانی و عزاداری قابل استفاده است. اما نگاه سیاسی نویسندگان و شاعران معاصر به قیام عاشورا موجب شد که «ادبیات حماسی» به وجود آید، که برای قیام و انقلاب و مبارزه با ظلم قابل استفاده است. کوتاه سخن اینکه حاصل نگاه عاطفی به عاشورا، به وجود آمدن ادبیات مرثی است و حاصل نگاه سیاسی به عاشورا، به دست آمدن ادبیات حماسی است. آن به کار مصیبت‌خوانی می‌آید و این به کار مبارزه سیاسی.

البته با نگاه عاطفی به عاشورا نگرستن و به مصائب امام حسین -ع- عنایت کردن، لازم است، اما فقط با این نگاه به عاشورا نگرستن و تنها به مصائب آن حضرت توجه کردن، کافی نیست. روشنتر بگوییم که قیام امام حسین -ع- علیه یک قدرت سیاسی بود و از این رو، و نیز به دلایل دیگر، قیام آن حضرت سیاسی قلمداد می شود (که البته انگیزه و هدف آن، خدایی بود). بنابراین نمی شود بعد سیاسی این قیام را نادیده گرفت و با نگاه سیاسی به آن ننگریست و تنها بر مصائب آن حضرت گریست. لازم است ضمن نگرستن به مصیبت امام حسین، به سیاست او هم نگرستن و به هر دو بعد آن عنایت داشت.

کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین (ع)

در پیش گفتیم که هر پژوهشی باید مسبوق به کتابشناسی باشد و حتی اگر موضوع پژوهش کتابشناسی است، باید نخست کتابشناسی آن را (کتابشناسی کتابشناسیها)، فراهم کرد. بدین رو هنگامی که این پژوهنده عهده‌دار فراهم کردن کتابشناسی امام حسین -ع- شد، نخست کوشید کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین را فراهم کند. در آغاز می‌پنداشت که حداکثر ده کتابشناسی امام حسین منتشر شده است، اما در طی یک سال کاوش و پژوهش به بیش از چهل کتابشناسی دست یافت و هرکس شنید ناباورانه در شگفت شد.

در این رساله، چهل و سه کتابشناسی در باره امام حسین، معرفی توصیفی شده است. این کتابشناسیها، کتاب و یک بخش از کتاب و مقاله است. اغلب کتابشناسیها یک بخش از کتاب است و کمترین آنها کتاب است. بیفزاییم که اغلب کتابشناسیها، نابسامان و ناروشمند و ناقص است. کاملترین کتابشناسی امام حسین، از آن عبدالجبار رفاعی است که در ضمن کتاب معجم ما کتب عن الرسول و اهل البيت صلوات الله عليهم چاپ شده و در آن ۳۲۱۵ کتاب و مقاله معرفی گردیده است و، با وجود این، خالی از کاستی و نادرستی نیست.

کتابنامه - کتابشناسی - شرح حال. چاپ اول: قم، کتابخانه عمومی آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱. ص ۳۹۹-۴۲۶، وزیری.

در این کتابشناسی، که بیشتر در مجله کیهان اندیشه (شماره ۱۳، مرداد و شهریور ۱۳۶۶) چاپ شده بود، بیش از پانصد کتاب، در دو بخش، معرفی شده است. در بخش اول به معرفی کتابهای اختصاصی پرداخته شده و در بخش دوم به معرفی کتابهایی که بخشی از آن در باره امام حسین -ع- است. در آغاز این کتابشناسی به کامل نبودن آن تصریح و گفته شده کتابشناسی حاضر «گزیده» است.

۲. امینی، محمدهادی. «المؤلفون فی الامام الحسین و ثورته المقدسة». العدل. سال اول، شماره ۱۶، ۱۳۸۶ق. ص ۱۹-۲۱.

برخی از نویسندگان در باره امام حسین -ع- و آثارشان معرفی شده‌اند.

۳. ایرانی قمی، اکبر (به کوشش). «اصحاب امام حسین (ع) و سایر شهدای کربلا». چاپ شده در کتاب فهرست موضوعی تراجم: راهنمای منابع شرح حال پیامبران، ائمه اطهار ع، امامزادگان، صحابه و... موجود در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (فده). چاپ اول: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۱. د ۱، ص ۲۸۶-۲۹۰، وزیری.

سی و دو کتاب چاپی در باره اصحاب امام حسین -ع- و شهیدان کربلا، که در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، معرفی شده است.

۴. ایرانی قمی، اکبر (به کوشش). «حضرت امام حسین (ع)». چاپ شده در کتاب

کتبشناسی کتابشناسیهای امام حسین (ع) / ۴۳

فهرست موضوعی تراجم: راهنمای منابع شرح حال پیامبران، ائمه اطهار ع، امامزادگان، صحابه و... موجود در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (قده). چاپ اول: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۱. د، ۱، ص ۱۳۱-۱۴۷، وزیری.

صد و پنجاه کتاب چاپی در باره امام حسین -ع- که در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، معرفی شده است.

۵. ایرانی قمی، اکبر (به کوشش). «زینب و سایر بانوان کربلا». چاپ شده در کتاب فهرست موضوعی تراجم: راهنمای منابع شرح حال پیامبران، ائمه اطهار ع، امامزادگان، صحابه و... موجود در کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (قده). چاپ اول: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۱. د، ۱، ص ۲۷۹-۲۸۵، وزیری.

پنجاه کتاب چاپی در باره بانوان کربلا، که در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است، معرفی شده است.

۶. ایزدپناه، عباس با یاری رسول جعفریان. «سخنی در باب منابع عاشورا شناسی». چاپ شده در کتاب معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی (گرد آورنده). ره توشه راهیان نور (ویژه محرم). چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵. ص ۲۱۳-۲۲۰، وزیری.

شامل معرفی سی کتاب در باره امام حسین -ع- است. اغلب کتابهای معرفی شده جدید است و مشخصات کتابشناختی آنها نیامده و به توصیف آنها پرداخته نشده و تنها به ذکر نام کتاب و نویسنده اقتصار گردیده است.

۷. پژوهشکده باقرالعلوم(ع). کتابنامه امام حسین علیه السلام. فتوکپی. قم، پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، [۱۳۷۱]. ۴ + ۶ + ۴۳ص، رحلی.

شامل معرّفی کتابهای فارسی چاپ شده در باره امام حسین -ع- و یارانش است. در بخش اول حدود هشتاد کتاب مستقل معرّفی شده و در بخش دوم به مطالب برخی از کتابها اشاره گردیده است. در معرّفی کتابها فقط به عنوان کتاب، نام نویسنده و ناشر اقتصار شده است.

۸. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام. کتابنامه عاشورا. فتوکپی. قم، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، بی تا. ۹ + ۳۰ص، رحلی.

دویست و سی و پنج کتاب و مجله در باره امام حسین -ع- و عاشورا معرّفی شده است. برخی آثار، مکرر معرّفی شده و برخی دیگر خارج از موضوع است و تنها چند صفحه آن به موضوع کتابشناسی اختصاص دارد. در معرّفی کتابها فقط به عنوان کتاب، نام نویسنده و ناشر اقتصار شده است.

۹. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام. کتابنامه محرم. فتوکپی. قم، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، بی تا. ۱۳ص، رحلی.

هفتاد و سه کتاب و مجله در باره امام حسین -ع- و محرم معرّفی شده است. برخی آثار یکسره خارج از موضوع است. در معرّفی کتابها فقط به عنوان کتاب، نام نویسنده و ناشر اقتصار شده است.

۱۰. تبریزیان (حسنون)، فارس. «أول من كتب المقتل إلى زمن السيد ابن طاووس». چاپ شده در کتاب رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس. الملهوف علی قتلی الطفوف. تصحیح و مقدمه فارس تبریزیان (حسنون). چاپ اول: [قم]، دارالاسوة، ۱۴۱۴ ق. ص ۳۱-۴۱، وزیری.

سی و دو کتاب مقتل تا پیش از کتاب ابن طاووس معرفی شده است.

۱۱. تقیان، لاله و جمشید کیانفر. «کتابشناسی تعزیه». فصلنامه تئاتر. شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۰. ص ۲۶۵-۳۱۰.

اصل این مقاله را، که به نظر می رسد شامل معرفی آثار متعددی درباره تعزیه باشد، نگارنده این سطور ملاحظه نکرد. مشخصات آن در کتاب فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی، از ایرج افشار (چاپ اول: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ج ۵، ص ۳۵، آمده است.

۱۲. چلکووسکی، پیترجی. «کتابشناسی». چاپ شده در کتاب تعزیه: نیایش و نمایش در ایران. [عنوان روی جلد: تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران]. ترجمه داوود حاتمی. چاپ اول: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷. ص ۳۶۵-۳۸۷.

کتابها و مقالات متعددی درباره تعزیه، که اغلب آنها به زبان انگلیسی و فرانسوی است، معرفی شده است.

۱۳. حاج سید جوادی، سید کمال. «فهرست کتابهای منتشر شده در باره بدعتها و سنن

مذهبی شیعیان». چاپ شده در کتاب فهرستواره ایرادات و شبهات علیه شیعیان در هند و پاکستان. یادداشت احمد مسجد جامعی. تهیه شده در مرکز بازشناسی اسلام و ایران. چاپ اول: [تهران]، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵. ص ۱۲۳-۱۲۷، رقعی.

بیست و هفت کتاب در ردّ عزاداری و برپایی تعزیه برای امام حسین -ع- معرفی شده است. این کتابها به زبان اردوست و در هندوستان و پاکستان منتشر شده است.

۱۴. حاج سید جوادی، سید کمال. «حادثه کربلا». چاپ شده در کتاب فهرستواره ایرادات و شبهات علیه شیعیان در هند و پاکستان. یادداشت احمد مسجد جامعی. تهیه شده در مرکز بازشناسی اسلام و ایران. چاپ اول: [تهران]، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵. ص ۶۰-۶۲، رقعی.

نه کتاب در ردّ قیام امام حسین -ع- معرفی شده است. این کتابها به زبان اردوست و در هندوستان و پاکستان منتشر شده است.

۱۵. حاج سید جوادی، سید کمال. «قاتلان امام حسین (ع)». چاپ شده در کتاب فهرستواره ایرادات و شبهات علیه شیعیان در هند و پاکستان. یادداشت احمد مسجد جامعی. تهیه شده در مرکز بازشناسی اسلام و ایران. چاپ اول: [تهران]، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵. ص ۶۲-۶۴، رقعی.

نه کتاب، که در آنها ادعا شده قاتلان امام حسین -ع- از شیعیان او بودند، معرفی گردیده است. این کتابها به زبان اردوست و در هندوستان و پاکستان منتشر شده است.

۱۶. حبیبی، نجفقلی (گردآوری و تنظیم). کتابشناسی امام حسین علیه السلام. چاپ اول: [تهران]، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۴. ۲۵۹ ص، وزیری.

در این کتابشناسی، که توصیفی نیست، نزدیک به نهصد عنوان کتاب در باره امام حسین -ع- و یارانش، در ضمن هشت بخش، معرفی شده است. پدیدآورنده به کامل نبودن این کتابشناسی تصریح کرده است.

۱۷. حسینی جلالی، محمد حسین. «الامام الحسین علیه السلام». چاپ شده در کتاب فهرس تراث أهل البيت (ع). چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۸. ص ۱۲۵-۱۲۶، وزیری. سه کتاب، که شامل گزیده‌ای از احادیث امام حسین -ع- است، معرفی شده است.

۱۸. دوانی، علی. «نقد و بررسی مقاتل موجود». چاپ شده در کتاب پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع). خورشید شهادت: مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام. چاپ اول: تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴. د ۱، ص ۳۴۱-۳۶۶، وزیری.

شانزده کتاب مقتل مستقل و غیرمستقل از شیعه، معرفی توصیفی شده است.

۱۹. «ده سال با کتاب عاشورا». کتاب هفته. دوره جدید، شماره ۲۱، چهارم اردیبهشت، ۱۳۷۸. ص ۶.

هشتاد و چهار کتاب در باره امام حسین -ع- که اغلب آنها فارسی است و از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷ منتشر شده، معرفی گردیده است.

۲۰. رادفر، ابوالقاسم. «گزیده کتابشناسی تعزیه». کیهان فرهنگی. سال چهارم، شماره ۷، شماره پیاپی ۴۳، مهر ۱۳۶۶. ص ۳۳-۳۴.

در حدود هفتاد کتاب و مقاله در باره تعزیه، که اغلب کتابها مستقلاً در این باره نیست، معرفی شده است.

بر این مقاله استدراکی نوشته شده که عنوان ندارد و به قلم محمدحسن رجائی زفراهی است و در آن ده اثر دیگر معرفی شده است. این استدراک در همان مجله (سال چهارم، شماره ۱۰، شماره پیاپی ۴۶، دی ۱۳۶۶)، ص ۵۱، چاپ شده است.

۲۱. روسی، اتور و السیو بومباچی. فهرست توصیفی نمایشنامه‌های مذهبی ایرانی (مضبوط در کتابخانه واتیکان). گردآورنده نسخ انریکو چزولی. ترجمه جابر عناصری. چاپ اول: تهران، مؤسسه فرهنگی گسترش هنر، ۱۳۶۸. ۲۹۰ ص، وزیری.

در این کتاب به معرفی هزار و پنجاه و پنج مجلس تعزیه ایرانی پرداخته شده است. همه نسخه‌های این تعزیه‌ها در کتابخانه واتیکان است و محور همه آنها امام حسین -ع- می‌باشد. این کتاب در سال ۱۹۶۱ میلادی در ایتالیا منتشر شد.

۲۲. رفاعی، عبدالجبار. «دلیل الباحث عن الامام الحسين بن علي بن أبي طالب (ع) باللغة العربية». التوحید. سال پنجم، شماره سی ام، محرم - صفر ۱۴۰۸. ص ۹۲-۱۰۹.

دویست و سی و هشت مقاله و کتاب، چاپ شده و نشده و مستقل و غیرمستقل، درباره امام حسین -ع- معرفی شده است. در آغاز این کتابشناسی به جامع نبودن آن تصریح شده است.

۲۳. رفاعی، عبدالجبار. «کشاف بالکتابات العربیة حول ثورة الامام الحسین (ع) و آثارها». رسالة الحسین علیه السلام. سال اول، شماره اول، ۱۴۱۱ ق. ص ۲۱۳ - ۲۲۱. سال اول، شماره دوم، ۱۴۱۲ ق. ص ۲۰۷ - ۲۱۶.

صد و بیست و دو کتاب در باره امام حسین -ع- و یارانش، که عنوان آنها با حرف «آ» و «ا» آغاز می شود، معرفی شده است. این مقاله ادامه داشته است، اما با تعطیلی مجله، امکان چاپ نیافت.

۲۴. رفاعی، عبدالجبار. معجم ما کتب عن الرسول واهل البيت صلوات الله عليهم. چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱. ج ۷، ص ۶۱ - ۴۷۶ و ج ۸، ص ۵ - ۱۵۵، وزیری.

قسم پنجم این اثر کتابشناسی امام حسین -ع- است و شامل اغلب صفحات جلد هفتم و کمی از جلد هشتم است. در این قسم ۳۲۱۵ کتاب و مقاله معرفی شده که بیشترینه آنها به زبان عربی و فارسی و تعدادی از آنها به زبان اردو و تعداد کمتری به زبانهای دیگر است. محدودی از کتابها مستقلاً در باره امام حسین نیست و برخی از آنها در باره اصحاب و اهل بیت آن حضرت است. این کتابشناسی کاملترین کتابشناسی امام حسین است.

۲۵. صاحبی، محمدجواد. «مقتل و مقتل نگاران». کیهان فرهنگی. سال یازدهم، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۱۱. تیر ۱۳۷۳. ص ۳۱-۳۳.

گزارشی مختصر از سیر مقتلنگاری ارائه شده است. نویسنده هم به مقتلهای مستقل و هم به کتابهایی که بخشی از آن در موضوع مقتل امام حسین -ع- است، اشاره کرده است. این مقاله در کتاب *مقتل الشمس: تحقیق و تحلیل تاریخ نهضت حسینی*، از همین نویسنده، چاپ شده است. (چاپ سوم: قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۵).

۲۶. صحتی سردودی، محمد. «گزیده کتاب شناسی توصیفی امام حسین (ع)». پاسدار اسلام. سال یازدهم، شماره ۱۷۴، خرداد ۱۳۷۵. ص ۴۹-۵۶.

شامل معرفی شصت کتاب و مجله درباره امام حسین -ع- است. آثار معرفی شده برحسب نوع (منابع دست اول، احادیث امام، کتابهای انتقادی و...) از یکدیگر تفکیک شده است. اغلب کتابها باختصار توصیف شده و چند کتاب توصیف نشده است.

۲۷. صفر علی پور، حشمت الله و دیگران. کتابشناسی امام حسین علیه السلام، ج ۱: کتابنامه. چاپ اول: [قم]، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷. شش + ۵۸۶ص، وزیری.

دوره کامل این کتاب سه جلد پیش بینی شده که جلد اول و دوم ویژه کتابها و جلد سوم مشتمل بر مقالات است. در این جلد سه هزار و صد و یک کتاب چاپی و

خطی به فارسی و عربی و ترکی و اردو در باره امام حسین -ع- معرّفی شده است. برخی از کتابهای معرّفی شده مستقلاً در باره آن حضرت است و بسیاری دیگر فقط بخش اندکی از آن در این باره است و اینها از یکدیگر تفکیک نشده است. پاره‌ای از کتابها مکرراً معرّفی شده و ترجمه‌های پاره‌ای دیگر از کتابها به صورت مستقل معرّفی شده است. اطلاعات کتابشناختی اغلب کتابها غلط یا ناقص است.

۲۸. طباطبائی، سید عبدالعزیز. «المدونات التاریخية لواقعة الطف، دراسة بلیو جرافیه». الموسوم، مجلد سوم، شماره ۱۲، ۱۴۱۲. ص ۱۴۳-۱۴۷.

هفده کتاب در باره امام حسین -ع- معرّفی شده است. در عنوان همه کتابها کلمه «مقتل» آمده و همه آنها عربی و از کتابهای گذشتگان است و نویسندگان آنها سنی هستند.

این مقاله بخشی از تحقیق نویسنده با عنوان اهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية است که پیشتر در مجله تراشنا چاپ شده بود و متن کامل آن، ذیل همین عنوان، چاپ شده است. (چاپ اول: قم، مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۱۷ق). ص ۵۳۲-۵۴۸.

۲۹. عندلیب همدانی، حسین. «مقتل نگاری». چاپ شده در کتاب ثار الله: خون حسین علیه السلام در رگهای اسلام. چاپ اول: قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۶. ص ۸۵-۹۶، وزیری.

شامل بحثی است در باره «نخستین مقتل»، «منابع اولیه مقتل»، «مقاتل از میان رفته»، «نخستین مقتل فارسی»، «مقاتل اهل سنت»، «دفاع از لهوف» و....

۳۰. غفوری، علی. «کتابهایی در زمینه نهضت حسینی». چاپ شده در کتاب گوشه‌ای از سرگذشت و شهادت امام حسین. [تهران]، فجر، ۱۳۵۶. ص ۱۹۹ - ۲۳۱، رقعی.

شامل معرفی سبب و سی کتاب در باره امام حسین -ع- است. برخی از کتابها فقط بخشی از آن در باره امام است. مشخصات کتابشناختی بعضی از کتابها کامل نیست.

۳۱. فدائی (عراقی)، غلامرضا. «حسین بن علی». چاپ شده در کتاب گزیده کتابشناسی توصیفی اسلامی. [تهران]، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، [۱۳۵۶؟]. ص ۳۹۴ - ۴۰۲، وزیری.

سی و سه کتاب درباره امام حسین -ع- که همه آنها فارسی و از معاصران است، معرفی توصیفی شده است.

۳۲. فرخزادی، مجید. «هفتاد و دو کتاب به یاد هفتاد و دو شهید کربلا». زن روز. شنبه، ۲۰ تیر ۱۳۷۱، شماره ۱۳۶۷. ص ۳۸ - ۳۹ و ۵۶.

شامل معرفی هفتاد و دو کتاب درباره امام حسین -ع- است. اغلب کتابها دسترس و در شمار آثار دست دوم است.

۳۳. «فهرست پاره‌ای از کتابها و آثاری در باره امام حسین علیه السلام». چاپ شده در کتاب انتشارات شفق (گرد آورنده). مقالاتی در باره حضرت امام حسین (ع). قم، انتشارات شفق، ۱۳۵۷. ص ۵۳ - ۷۵، رقعی.

در مقاله مزبور، که نام پدید آورنده آن قید نشده، نزدیک به دویست کتاب درباره امام حسین -ع- معرفی شده است. معدودی از کتابها مستقلاً در باره آن حضرت نیست.

۳۴. کمیته فرهنگی جهاد سازندگی استان تهران. «امام حسین علیه السلام». چاپ شده در کتاب مجموعه موضوعی کتاب. [تهران]، انتشارات جهاد سازندگی، ۱۳۵۸. ص ۱۳۸، وزیری.

سی و سه کتاب فارسی در باره امام حسین -ع- معرفی شده است.

۳۵. محدث همدانی، میرزا عبدالرزاق. مجموعه الفوائد المتفرقة. خطی.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذبحة (ج ۲۰، ص ۹۷)، ضمن معرفی کتاب مزبور می گوید که در آن، از جمله، فهرست کتابهای در باره امام حسین -ع- آمده است.

۳۶. محدثی، جواد. «کتابنامه عاشورا». چاپ شده در کتاب فرهنگ عاشورا. قم، نشر معروف، ۱۳۷۴. ص ۳۶۲-۳۶۵، وزیری.

نزدیک به شصت کتاب درباره امام حسین -ع- معرفی شده است. در معرفی کتابها فقط به نام نویسنده و عنوان کتاب اقتصار گردیده است. در پایان به دسته بندی کتابهای در باره امام حسین پرداخته و به شانزده دسته تقسیم شده است.

۳۷. محدثی، جواد. موضوعات و منابع بحث از قیام کربلا. چاپ اول: [تهران]، سازمان

تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹. ۳۸ ص، پالتویی.

● عنوان روی جلد: فهرست کتب و موضوعات پیرامون واقعه کربلا.

در آغاز پاره‌ای از موضوعات در باره کربلا و منابع آنها معرفی شده و سپس به هشتاد کتاب در باره عاشورا اشاره گردیده است. پدیدآورنده فقط عنوان کتابها و نام نویسندگانشان را آورده و از ارائه مشخصات کتابشناختی آنها خودداری کرده است.

این اثر در مجله حوزه (سال هفتم، شماره سوم، شماره پیاپی ۳۹، مرداد و شهریور ۱۳۶۹)، ص ۱۳۵ - ۱۴۹، و در کتابی با این مشخصات به چاپ رسیده است: معاونت آموزش دفتر تبلیغات اسلامی (طرح هجرت). ره توشه راهیان نور، ویژه محرم (۱۴۱۸ق - ۱۳۷۶ش). چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶. ص ۴۹۱ - ۵۱۹.

۳۸. مرکز پژوهش دفتر تحقیقات اسلامی. «کتابشناسی توصیفی امام حسین (ع) و عاشورا». چاپ شده در کتاب مرکز پژوهش و تحقیقات معاونت آموزش و پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی (تدوین و تنظیم). بر شطی از حماسه و حضور: مجموعه مقالات به مناسبت ایام تبلیغی ماه محرم و صفر ۱۴۱۷ مطابق با خرداد و تیر ۱۳۷۵ (ویژه مبلغین). چاپ اول: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵. ص ۸۸ - ۱۰۲، وزیری.

نوزده کتاب در باره امام حسین -ع- و عاشورا معرفی توصیفی شده است. نزدیک به همه کتابها به زبان فارسی و از نویسندگان معاصر است.

۳۹. موحد ابطحی، سید علی. «کتابنامه زیارت عاشوراء». چاپ شده در کتاب میرزا ابوالفضل طهرانی. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور. تقریظ محمدحسن حسینی

کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین (ع) / ۵۵

(شیرازی). تصحیح سید علی موحد ابطحی. چاپ سوم: [قم]، مصحح کتاب، ۱۳۷۰. ج ۲، ص ۴۱۸-۴۳۳، وزیری.

سی و یک کتاب چاپ نشده و چهارده کتاب چاپ شده در باره زیارت عاشورا معرفی شده است.

۴۰. نجفی، سید محمدباقر. «حسین بن علی». چاپ شده در کتاب دین نامه‌های ایران: کتابشناسی موضوعی کتابهای دینی ایران. کلن، آکادمی علمی اسلامی، ۱۹۸۷. ص ۳۲۹-۳۳۹، وزیری.

در حدود صد و پنجاه کتاب در باره امام حسین -ع- معرفی شده است. پس از آن ذیل عنوان «زینب بنت علی» و «عباس بن علی» و «یاران حسین بن علی» (ص ۳۳۹ - ۳۴۱)، در حدود سی کتاب دیگر در باره این سه موضوع معرفی شده است.

۴۱. «نگاهی به برخی از مقاتل». حوزه. سال هفتم، شماره سوم، شماره پیاپی ۳۹. مرداد و شهریور ۱۳۶۹. ص ۱۸۵-۱۹۸.

یازده کتاب تاریخی معرفی توصیفی شده که از میان آنها فقط چهار کتاب ویژه امام حسین -ع- است: وقعة الطف ابو مخنف، مقتل الحسین خوارزمی، اللهوف سید بن طاووس، نفس المهموم شیخ عباس قمی.

۴۲. یزدی مطلق، محمود. «مقتل‌نگاری در آئینه تاریخ». چاپ شده در کتاب مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی (س) و فرهنگ عاشورا. چاپ اول: تهران، مؤسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۷۵. د ۳، ص ۹۷-۱۰۶، وزیری.

در دو صفحه چند مقتل معرفی و سپس به مقتل خوانی پرداخته شده است.

۴۳. یوسفی غروی، محمدهادی. «شناختی توصیفی از کتب مقاتل». بصائر. سال سوم،

شماره ۱۹، خرداد و تیر ۱۳۷۵. ص ۷۰-۷۱.

شامل معرفی بسیار مختصری از ده مقتل است که برخی از آنها درباره امام

حسین-ع- و برخی دیگر فقط یک بخش آن در باره امام است.

۱

تسمیه من قتل مع الحسین بن علیّ علیهما السلام من ولده وإخوته وأهله وشيعته

فضیل بن زبیر بن عمر بن درهم اسدیّ کوفیّ. تصحیح سید محمدرضا حسینی جلالی. چاپ شده در مجلّه تراثا. (سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۶ق). ص ۱۲۷-۱۶۰، وزیری. ✓

نویسنده کتاب، معروف به فضیل بن زبیر رسانی، از محدثان و از اصحاب امام باقر و امام صادق -ع- است. وی زیدی مذهب و از اصحاب برجسته زید بن علیّ بن الحسین و از مبلغان او بود و، با این وصف، توثیق شده است. تاریخ درگذشت وی معلوم نیست، اما در اطراف نیمه دوم قرن دوم است.

فضیل در این رساله کوتاه، که کمتر از ده صفحه است، نام افرادی را که همراه امام حسین -ع- به شهادت رسیدند، ضبط کرده و گاه به ذکر نام قاتلان آنها نیز پرداخته است. وی در آغاز از شهدای اهل بیت یاد کرده و سپس نام شهدای از اصحاب امام حسین را آورده و در پایان به اسیر شدن اهل بیت و سخنان آنها اشاره کرده است.

این رساله مشتمل بر نام صد و شش شهید است که با نام امام حسین آغاز می شود. (البته در رساله نام صد و هفت نفر به عنوان شهید آمده که ناشی از غلط چاپی است. بدین ترتیب که نام زهیر بن قین از قلم افتاده و دو قاتل او شهید شمرده شده اند.) از میان شهیدان، بیست تن از آنها از اهل بیت و بقیه از اصحاب امام هستند. از نوادر رساله حاضر این است که نویسنده ضمن تصریح به بیماری امام سجّاد -ع- می گوید که وی چندی در جنگ حضور داشت: «وکان علیّ بن الحسین علیه السلام علیاً،

و ارتش یومئذ، وقد حضر بعض القتال فدفع الله عنه». (ص ۱۵۰).

این رساله پیشتر در کتاب الامالی النخعیة، از یحیی بن حسین (م ۴۷۹ق)، چاپ شده بود. (بیروت، عالم الکتب). ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۳. آنگاه به نقل از آن کتاب در مجله تراثابه چاپ رسید. در این چاپ بتفصیل از شرح حال و مشایخ و مذهب نویسنده رساله سخن رفته است.

رساله حاضر با توضیحات فراوان و مقدمه‌ای بلند به اهتمام مصحح آن به صورت مستقل منتشر خواهد شد. نیز گفتنی است که این رساله به اهتمام عبدالرحیم عقیقی بخشایشی به فارسی ترجمه و همراه چند اثر دیگر ذیل عنوان انصار الحسین (ع): ترجمه کتاب ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام (عنوان روی جلد: حماسه‌سازان کربلا)، منتشر شده است. (چاپ اول: قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۶۹).

۲

کتاب الفتوح

ابی محمد احمد بن اعثم کوفی. تصحیح و تعلیق سید محمد عظیم الدین. زیر نظر محمد عبدالمعیدخان. بیروت، دارالندوة الجديدة، بی تا. ز ۵، ج + ۳۱۶ص، وزیری. ✓

از زندگی مؤلف کتاب اطلاعات دقیق و کافی در دست نیست. شماری از عالمان رجال وی را شیعه دانسته و تاریخ درگذشتش را ۳۱۴ قمری شمرده‌اند. اما چنین می‌نماید که او متمایل به شیعه بود و لااقل تا سال ۳۲۰ حیات داشت. زیرا یاقوت حموی در ارشاد الاریب الی معرفة الادیب (ج ۲، ص ۲۳۰)، گفته است: «له کتاب التاریخ الی آخر ایام المقتدر». و از این عبارت دانسته می‌شود که ابن اعثم لااقل تا پایان روزگار المقتدر عباسی (م ۳۲۰ق)، زنده بود.

الفتوح نخست در هند میان سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ قمری در هشت جزء به چاپ رسید و سپس در بیروت تجدید چاپ شد. در چاپ هند و این چاپ بیروت، که مشخصات آن در فوق آمده است، بخشی از جزء چهارم و بیش از نیمی از جزء پنجم به قیام امام حسین ع- اختصاص دارد. بدین رو، و نیز بدین دلیل که ترجمه فارسی این بخشها به صورت مستقل منتشر شده است، در این کتابشناسی به معرفی آن پرداخته می‌شود.

مطالب مربوط به امام حسین از اواخر جزء چهارم الفتوح و با این عنوان آغاز می‌شود: «ابتداء اخبار مقتل مسلم بن عقیل والحسین بن علی و ولده و شیعتهم...» (ص ۲۰۹). جزء چهارم در صفحه ۲۶۷ به پایان می‌رسد و سپس ادامه مطالب در

جزء پنجم آمده است. نزدیک به همه مطالب جزء پنجم (تا صفحه ۲۵۲ و با عنوان «ذکر ما کان بعد مقتل الحسین بن علی رضی الله عنهما»)، در باره امام حسین است. در این جزء از این مسائل سخن رفته است: وصیت امام حسین به محمد بن حنفیه، اخبار کوفه و نامه‌های اهل کوفه به امام حسین، نامه امام حسین به اهل کوفه، وارد شدن مسلم بن عقیل به کوفه، حرکت امام حسین به سوی عراق، وارد شدن امام حسین به کربلا، کسانی که با امام حسین کشته شدند، سخن حضرت زینب در مجلس ابن زیاد.

الفتوح از منابع مهم و کهن تاریخی و مورد استناد شیعه و اهل سنت است. فی المثل بسیاری از مطالب کتاب مقتل الحسین خوارزمی از این کتاب گرفته شده است. چنانکه پاره‌ای از روایات مناقب ابن شهر آشوب و بحار الانوار و دیگر کتابهای تاریخی و روایی برگرفته از این کتاب است. با این وصف، پاره‌ای از مطالب الفتوح به نظر شیعه معجول است. از آن جمله است بخشی از وصیت امام حسین به محمد بن حنفیه که در آن آمده است: اسیر بسیره جدی محمد... و سیره ابی علی بن ابی طالب و سیره الخلفاء الراشدين المهديين رضی الله عنهم. (ز ۵، ص ۳۳ - ۳۴، ذیل عنوان «وصیة الحسین رضی الله عنه لاختیه محمد رضی الله عنه»).

الفتوح قرن‌ها پیش به فارسی ترجمه شده و این ترجمه نیز چندی پیش تصحیح و منتشر شده که مشخصات آن چنین است: ابو محمد احمد بن علی اعثم کوفی. الفتوح. ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی. تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد. (چاپ اول: تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲).

در نقد تصحیح این ترجمه رجوع شود به: علی بهرامیان. «نگاهی به ترجمه "الفتوح"». نشر دانش. (سال پانزدهم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴). ص ۵۳ - ۵۵.

همچنین بخشی از ترجمه مزبور الفتوح، که اختصاص به امام حسین دارد، ذیل

کتاب الفتوح / ۶۱

عنوان قیام امام حسین (ع): برگزیده از کتاب الفتوح، به صورت مستقل منتشر شده است.
(چاپ اول: تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳).

در نقد پاره‌ای از مطالب کتاب الفتوح به کتاب شهید جاوید (ص ۳۷۰-۳۷۷)،
رجوع شود.

آخرین نکته اینکه در چاپ کتاب الفتوح کلمه «کتاب» جزء عنوان آن قرار گرفته
و با عنوان کتاب الفتوح (نه الفتوح)، چاپ شده است. از این رو کتاب حاضر در این
کتابشناسی ذیل عنوان کتاب الفتوح معرفی شده است.

۳

کامل الزیارات

ابى القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمى. تصحيح بهراد جعفرى. زیر نظر على اكبر غفارى. چاپ اول: تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۵. یو + ۳۵۲ص، وزیرى. سند. ✓

نویسنده کتاب، معروف به ابن قولویه (م ۳۶۷ یا ۳۶۸ یا ۳۶۹ق)، از فقیهان و محدثان مورد اعتماد شیعه است. از این کتاب او با این عنوانها یاد می شود: الزیارات، جامع الزیارات، کامل الزیارة و کامل الزیارات؛ اما دو عنوان اخیر مشهورتر است.

کامل الزیارات مشتمل بر صد و هشت باب است. باب اول تا پانزدهم در باره ثواب زیارت رسول خدا و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین -ع- است و اختصاص به امام حسین ندارد. باب نود و نه تا صد و هشت نیز در باره ثواب زیارت دیگر امامان و مؤمنان است. بنابراین از صد و هشت باب کتاب، بیست و پنج باب آن، که به روی هم در حدود نود صفحه از کتاب و یک چهارم آن است، در باره امام حسین نیست. و به دیگر سخن، هشتاد و سه باب از صد و هشت باب کتاب، که در حدود دویست و شصت صفحه از کتاب و سه چهارم آن است، اختصاص به امام حسین دارد. بدین سبب، و نیز به سبب اهمیت کتاب، که از منابع دست اول روائى و مورد اعتماد است، در کتابشناسی حاضر به معرفی این کتاب پرداخته شده است.

عنوان برخی از بابهای کتاب (از باب شانزدهم تا نود و هشتم که اختصاص به امام حسین دارد)، عبارت است از: آیات قرآن در باره کشته شدن امام حسین، علم پیامبران به کشته شدن امام حسین، گریستن آسمان و زمین بر امام حسین و حضرت

یحیی، پاداش گریه بر امام حسین، دعای پیامبر و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امامان به زائران قبر امام حسین، برابر بودن زیارت امام حسین با حج، برابر بودن زیارت امام حسین با حج و عمره، برابر بودن زیارت امام حسین با چند حج، گِل قبر امام حسین موجب شفا و امان است، حرمت خوردن همه گِلها به غیر از گِل قبر امام حسین.

این کتاب پیشتر با تصحیح علامه امینی چاپ شده بود و بعد از آن با تصحیح جواد قیومی و دیگران منتشر شد. همچنین ترجمه منتخبی از آن با عنوان ترجمه منتخب کامل الزیارات (چاپ اول: تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۵)، و ترجمه کامل آن با عنوان ترجمه کامل الزیارات، به قلم سید محمد جواد ذهنی تهرانی (چاپ اول: تهران، انتشارات پیام حق، ۱۳۷۷)، منتشر شده است.

۴

نور العین فی مشهد الحسین کرم الله وجهه

✓ ابی إسحاق إسفرینی. بیروت، مکتبة التعاون. بی تا. ۱۵۹ص، خشتی.

کتاب فوق منسوب است به ابواسحاق اسفراینی (م ۴۱۷ یا ۴۱۸ق)، از عالمان بزرگ شافعی و از اصحاب ابوالحسن اشعری و معاصر صاحب بن عبّاد. نویسنده در آغاز کتاب گفته است عنوان آن را نورالعین فی مشهد الحسین نهادم؛ اما در صفحه عنوان کتاب «کرم الله وجهه» و در روی جلد «علیه السلام» بدان اضافه شده است. متن کتاب در صفحه ۱۱۵ به پایان می رسد و پس از آن کتابی با عنوان قرّة العین فی اخذ ثار الحسین، از عبدالله بن محمّد، چاپ شده است.

از محتوای این کتاب چنین برمی آید که از آثار قرن چهارم نیست. همان گونه که اسماعیل پاشا در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۸) گفته این کتاب منسوب به اسفراینی است. همچنین سید عبدالعزیز طباطبائی در اهل البيت عليهم السلام فی المکتبة العریّة (ص ۶۵۵) گفته است: «واظن [أن] الكتاب منحول منسوب، فاسلوبه لایلائم مصنّفات القرن الرابع.»

نور العین کتابی است تاریخی و کمابیش روایی در باره قیام و شهادت امام حسین ع- و رخدادهای بعد از آن. روایات کتاب بدون سند و با تعبیر «قال الزّاوی» ذکر شده و محتوای آن به چند فصل یا باب تقسیم بندی نشده است. مطالب کتاب چنان تنظیم شده که به یک داستان شبیه است و خوشخوان و عامه پسند است. در لابلای کتاب مطالب ضعیف و سخیف و خرافات فراوان یافت می شود. مختصر اینکه کتاب حاضر نه بیان کننده نظر رایج شیعه است و نه بیان کننده نظر رایج اهل سنت و هیچیک از این دو گروه را راضی نمی کند و به گفته قاضی طباطبائی: «از

کتب بسیار ضعیف و غیر قابل اعتماد» و «پراز جعلیات و نقلیات قصه سرایان است». (تحقیق درباره اول اربعین...، ص ۶۰ و ۶۴۰).

آغاز کتاب با وصیت معاویه به یزید در هنگام مرگ آغاز می شود. در این وصیت به یزید سفارش شده که پاسدار حقوق امام حسین و بنی هاشم باشد و هیچ کاری را بدون مشورت با آن حضرت انجام ندهد؛ «لأنّ الخلافة یا بنی لیست لنا وأنما هی له ولایبه وجدّه من قبله ولاهل بینه من بعده». (ص ۷). آنگاه از سرپیچی یزید از وصیت پدرش و ضایع کردن حقوق امام حسین سخن رفته و همین امر، موجب هجرت و قیام آن حضرت دانسته شده است. سپس از وارد شدن امام به مکه و مدینه و فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه و رخدادهای در آنجا سخن رفته است. در ادامه، به وقایع کربلا و جنگ دو سپاه و شهادت امام و یارانش و اسیر شدن اهل بیت پرداخته شده است.

در مطاوی کتاب نکات قابل توجهی یافت می شود. از جمله اینکه چون ابن زیاد مردم کوفه را تهدید کرد، آنان گفتند دعوی میان سلاطین به ما چه ربطی دارد. ما رعیت هر کسی هستیم که ولایت یابد؛ خواه یزید باشد یا حسین: «مالنا والفتنة بین السلاطین نحن رعیتة من تولی ان کان یزید او الحسین». (ص ۳۰). در جای دیگری گفته شده است لشکر مخالف به امام حسین گفت: «نقتلك بغضاً منّا لایبک». (ص ۶۵). همچنین گفته شده است که چون سر امام حسین بریده و بر نیزه زده شد، لشکر مخالف سه تکبیر گفت: «کبر العسکر ثلاث تکبیرات». (ص ۶۹). تابش نوری مستقیم از سر امام حسین به طرف آسمان (ص ۷۶)، دگرگونیهای در نظام آفرینش پس از شهادت امام (ص ۱۰۴)، و بازگشت اهل بیت آن حضرت در بیستم صفر به کربلا و ملاقات با جابر بن عبدالله انصاری و عزاداری آنان در کربلا (ص ۹۹)، از دیگر مطالب قابل توجه کتاب است.

برای شناخت نسخه های خطی و چاپهای این کتاب و منابع زندگینامه نویسنده آن رجوع شود به: سید عبدالعزیز طباطبائی. اهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية. (چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق). ص ۶۵۴-۶۵۵.

۵

فضل زیارة الحسين عليه السلام

ابی عبدالله محمد بن علی بن حسن علوی شجری. آماده‌سازی سید احمد حسینی. به اهتمام سید محمود مرعشی. [قم]، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۳ ق. ۱۲۱ ص، وزیری. سند. ✓

نویسنده کتاب (م ۴۴۵ ق)، از عالمان قرن چهارم و پنجم هجری است و ظاهراً عنوان کتاب او، چنانکه پیش از متن آن آمده، عبارت است از فضل زیارة امیرالمؤمنین ابی عبدالله الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیه. وی در بخشی از این کتاب، که اینک موجود است، در حدود نود حدیث از پیامبر و ائمه معصومین در باره فضیلت زیارت امام حسین -ع- و اقامه عزا برای او و فضل تربتش نقل کرده است. متن کتاب از صفحه ۲۷ آغاز می‌شود و در صفحه ۹۴ به پایان می‌رسد و پیش و پس از آن، مقدمه و فهرستهای کتاب است.

روایات کتاب به چند باب یا فصل تقسیم نشده، اما سه دسته و به ترتیب ذیل است: روایات در فضیلت زیارت آن حضرت، روایات در فضیلت زیارت در روزهای ویژه، روایات در فضیلت گریستن بر آن حضرت و اقامه عزا و فضل تربتش. کتاب حاضر بر اساس نسخه‌ای که در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است و تاریخ کتابت آن ظاهراً قرن هفتم هجری است، چاپ شده است. این نسخه با نسخه‌های دیگر مقابله نشده و، در واقع، تصحیح نشده، بلکه فقط تکثیر شده و از مخطوط به مطبوع تبدیل شده است. پایان این نسخه از میان رفته است و معلوم نشده که چه مقدار آن موجود نیست. در آغاز کتاب شرح حال مؤلف، به قلم سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی، آمده است.

۶

مقتل الحسین علیه السلام

ابی المؤید موفق بن احمد مکی. تحقیق و تعلیق محمد سماوی. نجف، مطبعة الزهراء، ۱۳۶۷. ج ۲، و + ۲۵۴ + ۲۵۸ ص، رقی. ✓

نویسنده کتاب (م ۵۶۸ ق)، معروف به خطیب خوارزم و اخطب خوارزم و خوارزمی، فقیه، محدث، ادیب و خطیب پر آوازه عصر خود و از شاگردان جبار الله زمخشری است. خوارزمی در فروع، حنفی و در اصول، اشعری، اما متمایل به تشیع و علاقه مند به اهل بیت است.

مقتل الحسین علیه السلام شامل سرآغاز و پانزده فصل، در دو بخش، است. در فصل اول تا پنجم، به ترتیب، به بیان پاره‌ای از فضایل رسول خدا، حضرت خدیجه، حضرت فاطمه بنت اسد، امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه -ع- پرداخته شده است. فصل ششم در فضایل امام حسن و امام حسین -ع- و فصل هفتم تا چهاردهم ویژه امام حسین است و در آن، به ترتیب، از این مسائل سخن رفته است: فضایل ویژه امام حسین، پیشگوییهای رسول خدا در باره امام حسین و شهادت او، رویدادهای میان آن حضرت و ولید بن عتب و مروان بن حکم، ورود آن حضرت به مکه و نامه‌های مردم کوفه به او و رفتن مسلم بن عقیل به آنجا و شهادت وی، خروج آن حضرت از مکه به عراق و رخدادهای در آن مسیر و ورود به کربلا و شهادت در آنجا، مجازات قاتلان آن حضرت، مصیبت‌های وارد شده به آن حضرت و مرثیه‌های سروده شده در سوگ او، زیارت تربت آن حضرت. پایان بخش کتاب (فصل پانزدهم)، در باره قیام مختار است.

کتاب حاضر یکسره در باره امام حسین نیست، اما از آنجا که به مقتل الحسین علیه السلام مشهور است و اغلب مطاوی آن در باره آن امام است، در این کتابشناسی معرّفی شده است.

مقتل الحسین کتابی است تاریخی - روایی که در آن، تاریخ به روایت پیشوایان اسلام و محدّثان و مورّخان گزارش شده است. روایات و گزارشهای تاریخی کتاب با ذکر سند است و بیشترین مطالب آن، از فصل نهم به بعد، برگرفته از الفتوح ابن اعثم است و خوارزمی به نقل از آن تصریح کرده است. برخی از مشایخ روایت خوارزمی، که در این کتاب فراوان از آنها روایت کرده است، عبارتند از: جابر اللّه محمود زمخشری، حسن بن احمد عطار همدانی و شهردار بن شیرویه دیلمی.

مقتل الحسین پس از کتاب الاربعین (کتاب دیگر همین نویسنده)، نوشته شده است. چه، خوارزمی در پایان فصل اول (ج ۱، ص ۲۱) و در پایان فصل چهارم (ج ۱، ص ۵۰)، خواننده را به کتاب الاربعین ارجاع می دهد. اما معلوم نیست که این مقتل پس از کتاب المناقب (کتاب دیگر همین نویسنده)، نوشته شده باشد.

خوارزمی روایاتی را که در این کتاب نقل می کند تلقی به قبول کرده است. وی ظاهراً تنها در یک جا (ج ۲، ص ۲، ذیل نخستین حدیث)، به ضعف یک روایت تصریح کرده که آن هم از قول دیگری است. در غیر این مورد، او به بررسی سند یا متن روایات نپرداخته است.

با اینکه مقتل الحسین مورد رجوع شیعه است و از آن بسیار روایت می کنند، پاره ای از روایات آن به نظر شیعه مجعول است. از آن جمله است روایتی که در آن بهترین مردم، پس از پیامبر، ابوبکر و عمر دانسته شده است. (ج ۱، ص ۴۳، فصل ۴). همچنین روایتی که در آن گفته شده ابوبکر بر پیکر حضرت فاطمه نماز گزارد و او، به همراه علی و عمر و چند تن دیگر، به خاکش سپردند. (ج ۱، ص ۸۶، فصل ۵). و نیز می توان به روایتی اشاره کرد که تحریض به روزه گرفتن در عاشورا شده است. (ج ۲،

ص ۳، فصل ۱۱). همچنین روایتی که عاشورا را عید، و حتی هفتاد عید، شمرده است. (ج ۲، ص ۴، فصل ۱۱).

برای تحقیق بیشتر در باره کتاب حاضر رجوع شود به: محمد قزوینی. «کتاب مقتل ابوالمؤید خوارزمی». یادگار. (سال چهارم، شماره هشتم، اردیبهشت ۱۳۲۷). ص ۵۷-۶۴. این مقاله در کتاب مقالات قزوینی، گردآوری عبدالکریم جریزه‌دار (چاپ اول: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳)، ج ۲، ص ۲۷۴-۲۸۴، نیز چاپ شده است.

همچنین به کتاب اهل البيت عليهم السلام في المكتبة العریة، (ص ۵۴۰-۵۴۶)، رجوع شود.

۷

مقتل الحسین علیه السلام

ابومخنف. چاپ دوم: قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۲. ۲۳۱ ص، وزیری. ✓

لوط بن یحیی از دی، مکنی و مشهور به ابومخنف، در نیمه دوم قرن اول هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۷ یا ۱۵۸ درگذشت. پدر وی، یحیی بن سعید، از یاران علی -ع- بود و جدش، مخنف بن سلیم یا سالم، از یاران آن حضرت و پیامبر. ابومخنف از مورخان نامدار صدر اسلام و در شمار نخستین افرادی بود که کتاب مستقلی در باره قیام امام حسین -ع- نوشت. در مذهب وی اختلاف است: برخی وی را شیعه و برخی دیگر وی را از اهل سنت شمرده‌اند؛ اما چنین می‌نماید که او شیعه بوده است. البته ممکن است او شیعه، به معنی دقیق کلمه، نبوده، بلکه فقط متمایل به اهل بیت بوده است. در هر حال، ابومخنف موردا اعتماد شیعه است و بسیاری از رجالیان وی را توثیق کرده‌اند.

ابومخنف در حدود چهل کتاب داشته که متأسفانه همه آنها از میان رفته است. عنوان پاره‌ای از کتابهای او عبارت است از: المغازی، الرّدة، الغارات، فتوح الاسلام، فتوح خراسان، مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام، مقتل الحسن علیه السلام و مقتل الحسین علیه السلام. مهمترین کتاب، یا از مهمترین کتابهای او، مقتل الحسین علیه السلام است. این کتاب تا حدود قرن چهارم هجری، یا نزدیک به آن، موجود بوده و طبری در تاریخش از آن نقل کرده است. اما بعدها این کتاب مهم، مانند دیگر کتابهای ابومخنف، از میان رفت و اینک هیچ نسخه‌ای از آن موجود نیست.

کتابی که امروزه به نام **مقتل ابو مخنف** موجود و مشهور است، نه تنها از او نیست، بلکه نمی‌توان آن را منسوب به او هم دانست و بنا به دلایلی متعدد مجعول است و احتمالاً در قرن ششم ساخته و پرداخته شده است. زیرا ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) در مناقب (ج ۴، ص ۵۸) حکایتی مجعول از آن نقل می‌کند که مضمونش این است که اسب امام حسین چهل نفر را کشت. برخی از دلایل مجعول بودن این کتاب عبارت است از: ۱. محتوای این **مقتل** با تاریخ طبری بسیار متفاوت است؛ حال آنکه طبری بدون واسطه، یا به یک واسطه، از این کتاب نقل کرده است.

۲. نخستین عبارت این **مقتل** چنین است: «قال ابو مخنف حدّثنا ابو المنذر هشام عن محمد بن سائب الكلبي». (ص ۵). مخدوش بودن این سند اظهر من الشمس است. زیرا هشام شاگرد ابو مخنف است. از این عبارت دانسته می‌شود که جاعل کتاب جاهل به تراجم نیز بوده است. در عبارت فوق حتی اگر «عن» صورت تحریف شده «ابن» باشد، باز هم این استدلال به قوت خود باقی است.

۳. در صفحه ۱۲ کتاب آمده است: «روی الكلینی فی حدیث...». با اینکه کلینی نزدیک به صد سال پس از مرگ ابو مخنف به دنیا آمده است.

۴. در صفحه ۱۱۳ کتاب آمده است **طرمّاح بن عدی** پس از آنکه هفتاد نفر را از لشکر عمر سعد کشت، خودش نیز کشته شد. حال آنکه طبری در تاریخش (ج ۵، ص ۴۰۶ - ۴۰۷) از ابو مخنف نقل می‌کند که **طرمّاح بن عدی** در کربلا حاضر نبود و شهید نشد.

۵. هندسه و ساختار کتاب، حتی برخی از عبارتها و واژه‌های آن، نشان می‌دهد که از آثار متأخران است و شباهت به کتابهای متقدّمان ندارد.

بسیاری از رجالیان و کتابشناسان، به مجعول بودن این **مقتل** تصریح کرده‌اند و آن را از آن ابو مخنف ندانسته‌اند. از جمله حاجی نوری در کتاب **لؤلؤ و مرجان** گفته است: «ابو مخنف لوط بن یحیی از بزرگان محدثین و معتمد ارباب سیّر و تواریخ است و **مقتل** او در نهایت اعتبار، چنانچه [چنانکه] از نقل اعظم علمای قدیم از آن و

از سایر مؤلفاتش معلوم می‌شود، و لکن افسوس که اصلِ مقتلِ بی‌عیب او در دست نیست و این مقتل موجود که به او نسبت دهند مشتمل است بر بعضی مطالب منکرهٔ مخالف اصول مذهب، و البته آن را اعدای و جهّال به جهت پاره‌ای از اغراض فاسده در آن کتاب داخل کردند و از این جهت از حد اعتبار و اعتماد افتاده، بر منفردات آن هیچ وثوقی نیست.... و عالم جلیل شیخ خلف آل عصفور در بعضی رسائل خود که اجوبهٔ سی مسأله است زحمت بسیاری در تطبیق اعظم منکرات آن کتاب بر اصول مذهب کشیده، و لکن بر متأمل در آن پوشیده نیست که جز تکلف حاصلی ندارد.» (ص ۱۵۰).

همچنین سید عبدالحسین شرف الدین در کتاب مؤلفو الشيعة في صدر الاسلام (بغداد، مکتبه الاندلس)، می‌گوید: «پوشیده نیست کتاب مقتل الحسين عليه السلام، که رایج است، منسوب به ابومخنف و شامل احادیث فراوانی است که ابومخنف از آنها اطلاع نداشته و آنها را به دروغ به او نسبت داده‌اند. و اصولاً دروغ بستن به او زیاد شده است و این گواه بر بزرگی اوست.» (ص ۴۱-۴۲).

و نیز حاج شیخ عباس قمی در کتاب هدیه الاحیاب (چاپ دوم: تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳)، می‌گوید: «مقتل او [ابومخنف]، اگر در دست بود در نهایت اعتبار بود، چنانچه [چنانکه] از نقل اعظم علمای قدیم از آن معلوم می‌شود. لکن افسوس و آه که اصل آن مقتل، مانند مقتل کلبی و مدائنی و امثال آنها، به تَمادی ایام مفقود شده و به دست ما نرسیده. و اما این مقتلی که در دست است و در آخر عاشر بحار طبع شده است و به ابومخنف بیچاره نسبت می‌دهند، معلوم نیست از کیست و از ابومخنف نیست. و ابوجعفر طبری در تاریخ خود در باب مقتل امام حسین علیه السلام از مقتل ابومخنف بسیار نقل کرده و من بسیاری از آن را در نفس المهموم نقل کردم و کسی که آن منقولات را با مقتل معروف منتسب به ابی‌مخنف مطابقت می‌یابد که ابداً به هم ربطی و نسبتی ندارند. فعلاً این کتاب ابی‌مخنف معروف اعتبار ندارد و بر متفردات آن هیچ

اعتماد نیست واللّٰه العالم.» (ص ۴۵).

مطالب این مقتل به قیام امام اختصاص دارد و در آن از خروج امام از مدینه، فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه، رفتن امام به کربلا و شهادت آن حضرت و یارانش، روانه کردن اسیران به کوفه و شام و برگشت آنها به مدینه و مرگ یزید سخن رفته است.

با اینکه در مجعول بودن این مقتل تردیدی نیست، اما بارها در ایران و عراق و هند به نام ابومخنف منتشر شده است. همچنین این مقتل دو بار به فارسی ترجمه شده است: نخست با عنوان مفتاح البکاء والحزن والاسف علی شهید الطّف، به قلم محمّدطاهر موسوی دزفولی در سال ۱۳۲۲ قمری، همراه ترجمه کتاب اخذ الثّار فی احوال المختار، منسوب به ابومخنف، که مجعول است. ترجمه دیگر با عنوان مقتل الحسین علیه السلام، یا، اولین تاریخ شیعه از واقعه کربلا و قیام مختار، همراه ترجمه همان کتاب مجعول و منسوب به ابومخنف در باره مختار، به قلم محمّدباقر انصاری و محمّدصادق انصاری. (قم، دارالکتاب، ۱۴۰۵ ق).

برای تحقیق بیشتر در باره ابومخنف و مقتل او رجوع شود به: سید علی میرشریفی. «ابومخنف و سرگذشت مقتل وی». آینه پژوهش. (سال اول، شماره دوم، مرداد و شهریور ۱۳۶۹). ص ۳۱-۴۰. این مقاله در کتاب خورشید شهادت (د ۱، ص ۱۵-۳۰)، که مشخصات آن سپس می آید، نیز چاپ شده است.

همچنین رجوع شود به: پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع). خورشید شهادت: مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام. ویراسته محمد دانشگر. (چاپ اول: تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴). د ۱، ص ۳۳-۶۲، مقاله «ابومخنف از دی و قیام عاشورا (با تکیه بر مقتل وی)»، از عبدالله رجایی.

نیز رجوع شود به: هادی حسین حمود. «حول مقتل الحسین لابی مخنف».

الموسم. (مجلد سوم، شماره ۱۲، ۱۴۱۲). ص ۱۴۸ - ۱۵۱.

گفتنی است مطالب کتاب طبری در باره قیام امام حسین، ذیل عنوان استشهاد الحسین، به اهتمام سید جمیلی، منتشر شده است. (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶). و نیز در خور گفتن است که برشی از تاریخ طبری، که ویژه امام حسین و خونخواهی مختار و با ترجمه منسوب به ابوعلی بلعمی است، با تصحیح محمد سرور مولائی ذیل عنوان قیام سیدالشهداء حسین بن علی (ع) و خونخواهی مختار بر روایت طبری و انشای ابوعلی بلعمی به صورت مستقل چاپ شده است. (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹). همچنین گفتنی است که مطالب طبری در باره قیام امام حسین به اهتمام حجت الله جوذکی ترجمه و تصحیح شده و ذیل عنوان قیام جاوید: گردانیده مقتل الحسین ابی مخنف منتشر شده است. (چاپ اول: تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷).

واپسین سخن اینکه منقولات طبری از کتاب مقتل الحسین ابو مخنف به اهتمام حسن غفاری استخراج و ذیل عنوان مقتل الحسین علیه السلام منتشر شده است. (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، محرم ۱۳۹۸). همچنین محمدهادی یوسفی غروی به استخراج منقولات طبری از مقتل الحسین ابو مخنف پرداخته و آن را ذیل عنوان وقعة اللطف به چاپ سپرده است. (چاپ اول: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق).

۸

الرّد علی المتعصّب العنید

ابی الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی (ابن جوزی). تصحیح محمدکاظم محمودی. بی.م، بی.نا، ۱۴۰۳ق. ۱۲۰ص، وزیری. ✓

نویسنده کتاب (م ۵۹۷ق)، از اعلام حنبلی مذهب است و نگارش این کتاب را در ذی قعدة ۵۸۰ به فرجام رساند. وی این کتاب را در ردّ کتابی از شیخ عبدالمغیث بن زهیر حربی (م ۵۸۳ق)، که معاصر و هم‌مذهبش بود، نوشت. ابن جوزی در آغاز کتاب می‌گوید که در یکی از مجالس موعظه از من درباره جواز لعن یزید سؤال شد. من گفتم که عالمان پرهیزگار، از جمله، امام احمد بن حنبل، لعن او را جایز دانسته‌اند. آنگاه این سخن به شیخ عبدالمغیث رسید و آن را نادرست شمرد و کتابی درباره یزید نوشت تا او را یاری کند! پس آن کتاب را به من رساند تا اگر بتوانم ردّش کنم. (ص ۶-۸).

ابن جوزی در آغاز سخنانی از شیخ عبدالمغیث نقل می‌کند و آنها را نشانه نادانی و فهم نادرست او می‌داند. آنگاه به نقل سخنان بزرگان درباره جواز لعن یزید می‌پردازد و می‌گوید احادیثی در لعن عده‌ای نقل شده که حتی جزئی از کارهای یزید را انجام ندادند. وی در ضمن یک فصل به نقل این احادیث، که در لعن رباخواران و شرابخواران و... است، می‌پردازد.

بحث بعدی کتاب درباره اعمال یزید در دوران خلافتش است. این بحث با چگونگی به قدرت رسیدن یزید آغاز می‌شود و در ادامه بدین مسائل پرداخته شده است: خروج امام حسین -ع- از مکه، فرستادن مسلم به کوفه، ورود آن حضرت به کربلا، شهادت آن حضرت و اصحابش و رخدادهای پس از شهادت. (ص ۳۰-۵۳).

سپس از حمله لشکر یزید به مدینه و مکه سخن رفته و در ادامه به قحذ یزید و مدافع او (شیخ عبدالمغیث) پرداخته شده است.

از نکات جالب کتاب این است که ابن جوزی می‌گوید: هیچکس، حتی عوام، راضی به بیعت با یزید نبودند؛ اما مردم از ترس جانشان سکوت کردند. (ص ۶۸ و ۷۱). همچنین وی می‌گوید: «ویژگیهای امام و شرطهای امامت در حسین - علیه السلام - جمع بود و در این باره هیچکس از معاصرانش به پایه او نمی‌رسید.» (ص ۶۹). و نیز می‌گوید: نه تنها امام حسین، بلکه افرادی که مقامشان پایینتر از او بود، مانند عبدالرحمان بن ابی بکر و عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عباس، از یزید به خلافت شایسته‌تر بودند. (ص ۷۰).

متن کتاب در صفحه ۸۸ به پایان می‌رسد و در حدود یک سوم این مقدار هم پاورقیهای توضیحی مصحح کتاب است. بنابراین اصل کتاب مختصرتر از این مقدار و در حدود شصت صفحه است.

از این کتاب معمولاً با عنوان الردّ علی المتعصّب العنید المانع من دّم (یا لعن) یزید یاد می‌شود.

برای تحقیق بیشتر در باره این کتاب رجوع شود به: سید عبدالعزیز طباطبائی. اهل‌البيت عليهم السلام في المكتبة العربية. ص ۱۹۲ - ۱۹۷.

همچنین رجوع شود به: محمدتقی دانش‌پژوه. فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵). ج ۳، ص ۱۳۱۹ - ۱۳۲۶.

می‌سزد گفت که در باره جواز لعن بر یزید و در رد مانعان از آن چند کتاب نوشته شده است. از جمله می‌توان بدین کتابها اشاره کرد: الطلّع النضید فی ابطال المنع عن لعن یزید و تذیل الطلّع النضید، هر دو از محمدباقر کافی بهاری همدانی (الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۷۸ - ۱۷۹ و ج ۴، ص ۵۵)، و الردّ علی من منع من لعن یزید، از میرزا محمد تنکابنی (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۸ - ۲۲۹).

دُرر السَّمَط في خبر السَّبَط

ابن عبد الله محمد بن عبد الله بن ابي بكر قضاعي (ابن ابار). تصحيح عزالدين عمر موسى. چاپ اول: بيروت، دارالغرب الاسلامي، ۱۴۰۷. ۱۴۹ص، رقعی.

نویسنده کتاب، معروف به ابن ابار بلنسی (م ۶۵۸ق)، مورخ و محدث و ادیب نامدار اهل سنت است. وی در این کتاب عهده دار گزارشی بسیار مختصر از تاریخ صدر اسلام و قیام و شهادت امام حسین -ع- شده است. متن کتاب از صفحه ۶۱ آغاز می شود و در صفحه ۱۲۶ به پایان می رسد و نزدیک به نیمی از آن درباره امام حسین نیست و نیز نزدیک به نیمی از صفحات آن پاورقیهای مصحح است. نتیجه اینکه متن نویسنده در حدود سی صفحه و مطالب درباره امام حسین در حدود پانزده صفحه و به اندازه یک رساله است. مصحح در آغاز کتاب بتفصیل از زندگی و جایگاه علمی مؤلف و این کتاب او بحث کرده و، از جمله، گفته است که وی احتمالاً کتاب حاضر را در پایان عمرش تألیف کرد.

دُرر السَّمَط را می توان مرثیه منثور برای اهل بیت و، بویژه، امام حسین شمرد. چنانکه کتاب دیگر ابن ابار با عنوان معادن اللجین فی مراثی الحسین را می توان مرثیه منظوم قلمداد کرد. نثر دُرر السَّمَط مسجع و سرشار از آرایه های ادبی و مانند سبک کتابهای مقامات و، بواقع، انشانویسی و پیچیده گویی و بسیار موجز است. مطالب کتاب، عنوان ویژه ای ندارد و هر پاره آن با عنوان «فصل» از پاره های دیگر تفکیک شده است. میانگین هر فصل در حدود یک - دو صفحه است و مطالب آن معمولاً با

آیه و حدیث و شعر و مثل عجیب شده است.

نویسنده در بحث از امام حسین به نامه‌های کوفیان و روانه شدن مسلم بن عقیل به کوفه و هجرت آن حضرت و ملاقات با حر و شهادت امام اشاره کرده است. وی چندان به مدح آن حضرت و قدح یزید پرداخته که عده‌ای گفته‌اند از این کتاب رایحه تشیع به مشام می‌رسد.

از نوادر کتاب این است که نویسنده امیرالمؤمنین را نخستین مردی می‌داند که اسلام آورد و او را مقدم بر ابوبکر و عمر می‌شمارد. (ص ۷۹). همچنین وی امیرالمؤمنین را آخرین خلیفه و معاویه را نخستین پادشاه می‌داند و ضمن تصریح به اختلاف بسیار میان این دو، هر دو را بهشتی قلمداد می‌کند و، نتیجه اینکه، امام حسن -ع- را خلیفه نمی‌شمارد. (ص ۸۹). در جایی از امیرالمؤمنین با صفت «وصی» (ص ۹۲)، و در جای دیگری با صفت «سید الأوصیاء» (ص ۸۸)، یاد می‌کند و در جایی دیگر می‌گوید: «فلو لا أن "لانی بعدی" نصّ فی الامتناع، لكانت "أنت منی بمنزلة هارون من موسى" حجة فی الاتباع». (ص ۷۹).

در خور گفتن است که ابو جمعه (یا ابن ابی جمعه)، سعید بن مسعود ماغوسی مراکشی (م ۱۰۱۶ ق یا بعد از آن)، عهده‌دار روشن کردن اشارات این کتاب شد و با رجوع به پانصد کتاب، شرحی بر آن با عنوان نظم الفرائد الغرر فی سلك فصول الدرر نگاشت.

برای شناخت نسخه‌های خطی و چاپهای این کتاب و منابع زندگینامه نویسنده و شارح سابق‌الذکر آن به کتاب اهل‌البيت عليهم السلام فی المكتبة العربية (ص ۱۶۵-۱۶۷ و ۶۴۷-۶۴۸)، رجوع شود.

۱۰

الملهوف على قتلى الطّفوف

رضی الدّین ابی القاسم علیّ بن موسی بن جعفر بن طاووس. تصحیح و مقدّمه فارس تبریزیان (حسنون). چاپ اول: [قم]، دارالاسوة، ۱۴۱۴ق. ۲۶۴ص، وزیری. سند. ✓

نویسنده کتاب (م ۶۶۴ق)، از عالمان و عارفان بلند مرتبه شیعه و صاحب دهها عنوان کتاب است. کتاب حاضر از منابع مهم تاریخی و روایی شیعه در باره امام حسین -ع- است و از آن بدین عنوانها یاد شده است: ۱. الملهوف على قتلى الطّفوف، ۲. الملهوف على قتل الطّفوف، ۳. الملهوف على اهل الطّفوف، ۴. اللهوف فی قتلى الطّفوف، ۵. اللهوف على قتلى الطّفوف. مشهورترین عنوانها، عنوان اخیر است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۱۸، ص ۳۸۹ و ۲۲، ص ۲۲۳)، اشاره کرده که اللهوف على قتلى الطّفوف از همه مشهورتر است. اما مصحح کتاب حاضر عنوان الملهوف على قتلى الطّفوف را برای آن برگزیده و در توضیح آن گفته است: اولاً در نسخه مورد اعتماد ما این عنوان آمده است؛ ثانیاً سید بن طاووس در کتابهای دیگرش از کتاب حاضر با این عنوان یاد کرده است. (ص ۶۷).

ابن طاووس این کتاب را پس از کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر نوشته و به آن ضمیمه کرده است. وی از آن رو به تألیف این کتاب پرداخت که زائران امام حسین از آن استفاده کنند و لذا آن را مناسب با تنگی وقت زائران ساخت و از اطناب رخ برتافت. (ص ۸۷). به نظر وی «هر کس از ترتیب و نگارش این کتاب آگاه شود، با اختصار و حجم اندکی که دارد، می داند که با دیگر کتابها تفاوت دارد و دارای مزیتی

است.» (ص ۲۳۴، عبارت پایان کتاب). همچنین وی در کتاب الاجازات لکشف طرق المغازات در باره این کتاب می‌گوید: «کسی را نمی‌شناسم که در نگارش کتابی مانند این بر من پیشی گرفته باشد.» (ص ۶۵، همین کتاب).

المهوف کتابی است تاریخی و روائی در باره قیام امام حسین. روایات کتاب بدون سند ذکر شده و، با وجود این، فی‌الجمله مورد اعتماد شیعه است. نزدیک به همه مطالب کتاب در باره قیام و شهادت امام و رخداد‌های بعد از آن است و، از این رو، کتاب حاضر مقتل قلمداد می‌شود و نه اثری جامع در باره زندگی آن حضرت.

این کتاب با بحث در باره گریستن و خود را به گریه زدن بر مصیبت‌های اهل بیت آغاز می‌شود. آنگاه متن کتاب در سه بخش (مسلک) مرتب شده است. مسلک اول «در امور پیش از جنگ» است و شامل روایات تا پیش از ورود امام به کربلا. در این مسلک، نخست از ولادت امام و روایات رسول خدا - ص - در باره شهادت او باختصار سخن رفته و در ادامه بدین مسائل پرداخته شده است: رفتن امام به مکه برای خودداری از بیعت با یزید، نامه‌های اهل کوفه به امام، رفتن مسلم بن عقیل به کوفه و رخداد‌های در آنجا، رفتن امام حسین به سوی کوفه، برخورد امام با حر، رفتن امام به کربلا و یک مطلب قابل توجه در این مسلک ملاحظه می‌شود: نویسنده گفته است امام حسین می‌دانست که در این سفر به شهادت می‌رسد و متعبد به آن بود. (ص ۹۹-۱۰۰). البته این مطلب در نسخه‌ای که کتاب حاضر بر پایه آن چاپ شده است وجود ندارد، بلکه در نسخه‌های دیگر موجود است. از این رو مصحح، آن را در پاورقی آورده و احتمال داده است که حاشیه مؤلف بر کتاب باشد.

مسلک دوم «در وصف جنگ و مقدمات آن» است و رخداد‌های در کربلا و شهادت امام و اصحاب او. و سرانجام مسلک سوم «در امور پس از کشته شدن امام» است و در آن به روانه کردن اسیران به نزد ابن زیاد، دفن پیکر شهیدان، روانه کردن اسیران به شام و از آنجا به مدینه و ... پرداخته شده است. در مسلک سوم نیز یک مطلب

قابل توجه ملاحظه می‌شود: نویسنده گفته است اسیران اهل بیت پس از برگشت از شام به کربلا رفتند و در آنجا جابر بن عبدالله انصاری و دیگران را دیدند که برای زیارت قبر امام حسین آمدند. پس همگی چند روز در آنجا به عزاداری پرداختند. (ص ۲۲۵).

البته سید بن طاووس در کتاب الاقبال بالاعمال الحسنة (ج ۳، ص ۱۰۱، باب سوم، فصل پنجم)، که آن را بعد از این کتاب نوشته، از این مطلب عدول کرده و آن را بعید دانسته است.

به این کتاب دو انتقاد عمده شده است: انتقاد اول از حاجی نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان است. وی می‌گوید: «رسیدن اهل بیت در اربعین به کربلائی معلنی به نحوی که سید در "لهوف" ذکر نموده منافی است با امور بسیار و جمله‌ای از اخبار و تصریح جمعی از علماء اخیار.» (ص ۱۴۵). آنگاه دلایل متعددی در رد این مطلب سید بن طاووس آورده است. البته حاجی نوری گفته است که سید بن طاووس این کتاب را در اوایل سن تکلیف نوشته است و لذا انتقاد به آن منافات با مقام بلند وی ندارد. (ص ۱۴۴-۱۴۵).

انتقاد دوم از مؤلف کتاب شهید جاوید است که گفته نظر سید بن طاووس در باره علم امام به شهادت خود در این قیام، نادرست و خلاف نظر شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی است. (شهید جاوید، ص ۴۵۵).

انتقاد اول مورد قبول برخی از عالمان شیعه نیست. از جمله شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی این انتقاد را نپذیرفته و به آن انتقاد کرده و یک کتاب مستقل در این موضوع نوشته که عنوان آن تحقیق در باره اول اربعین حضرت سیدالشهداء (ع) است. همچنین در این باره به کتاب تارالله: خون حسین علیه السلام در رگهای اسلام، از حسین عندلیب همدانی، رجوع شود که در آن گفته شده است اگر هم سید بن طاووس این کتاب را در اوایل جوانی نوشته باشد، تا پایان عمر درستی آن را

تأیید می‌کرد. (ص ۹۳-۹۴).

انتقاد دوم نیز مورد قبول برخی یا بسیاری از عالمان فعلی شیعه نیست و در کتابهای متعددی که در رد کتاب شهید جاوید نوشته شده، به رد این انتقاد پرداخته شده است.

المهوف بارها در تهران و قم و نجف و دیگر شهرها چاپ شده که این چاپ آن، تصحیح شده و برتر از همه چاپهاست. در چاپ حاضر متن کتاب از صفحه ۷۹ آغاز می‌شود و در صفحه ۲۳۴ به پایان می‌رسد. پیش و پس از این صفحات، مقدمه مصحح و فهرستهای کتاب است. همچنین این کتاب بارها به فارسی ترجمه شده که دو ترجمه آن مشهور است. نخستین ترجمه به قلم سید محمد صفحی و با عنوان زندگانی ابا عبدالله الحسین(ع) است که در سال ۱۳۳۱ شمسی در قم منتشر شد. (مشخصات چاپ جدید آن: قم، انتشارات اهل بیت، ۱۳۷۰). ترجمه دیگر آن به قلم سید احمد فهری زنجانی و با عنوان آهی سوزان بر مزار شهیدان است. (تهران، انتشارات جهان، تاریخ پایان کتاب ۱۳۴۸).

برای آشنایی با این کتاب رجوع شود به: إتان گلبرک. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او. ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان. (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۱). ص ۷۶-۸۱

۱۱

مثیر الاحزان

ابن نما حلی. تصحیح مدرسة الامام المهدي عليه السلام. چاپ دوم: قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۶ق. ۱۲۵ + ۳۲ص، وزیری. سند. ✓

نویسنده کتاب جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله بن نماي حلی (م ح ۶۸۰ق)، از علما و فقهای شیعه است. از مشهورترین آثار او مثیر الاحزان و منیر سبیل الاشجان (همین کتاب) و ذوب النضار فی شرح الثار است. کتاب اخیر را به نامهای شرح الثار المشتمل علی اخبار المختار و اخذ الثار فی احوال المختار و شرح الثار فی احوال المختار نیز خوانده‌اند. در روضات الجنات (ج ۲، ص ۱۷۹) آمده است که شهید ثانی احتمال داده که مثیر الاحزان و ذوب النضار از آثار او نیست، بلکه تألیف نوه‌اش است که همانم او بود. اما علامه امین در اعیان الشیعة این سخن را نادرست شمرده و این دو کتاب را از آثار او دانسته و گفته است که اصلاً معلوم نیست که او نوه‌ای به نام خودش داشته است. (ریحانة الادب، ج ۸، ص ۲۵۷-۲۵۸).

مثیر الاحزان کتابی است تاریخی - روایی در باره قیام امام حسین - ع - و شامل سه مقصد (بخش). نویسنده در آغاز کتاب گفته است که چون مقتلهای موجود مفصل یا موجز است، به نگارش این کتاب پرداختم و آن را متوسط ساختم و «مطالبی در آن گنجاندم که بسیاری از مصنفان از آوردن آن اهمال کردند و مؤلفان از آن غفلت ورزیدند.» (ص ۱۵).

مقصد اول کتاب حاضر مشتمل است بر گزارشی از قیام امام تا ورود به کربلا.

مقصد دوم دربارهٔ رخداد‌های در کربلا تا شهادت آن حضرت و مقصد سوم در شرح وقایعی است که پس از شهادت آن حضرت رخ داد؛ از رفتن اسیران به کوفه و شام و مدینه و سخنان حضرت زینب -س- و امام سجاد -ع- و دیگران.

در مقصد سوم کتاب یک مطلب قابل توجه ملاحظه می‌شود: نویسنده گفته است اسیران اهل بیت پس از برگشت از شام به کربلا رفتند و در آنجا جابر بن عبدالله انصاری و دیگران را دیدند که برای زیارت قبر امام حسین آمده بودند. پس همگی در آنجا به عزاداری پرداختند. (ص ۱۰۷). احتمالاً نویسنده در این مطلب از سید بن طاووس در کتاب *ملهوف / لهوف* / (ص ۲۲۵)، که چند سال پیش از این کتاب تألیف شده، پیروی کرده است. بنابراین همهٔ سخنهایی که در بارهٔ این مطلب سید بن طاووس گفته شده، در اینجا نیز گفتنی است.

میرالاحزان از منابع تاریخی و روایی شیعه است و بارها به چاپ رسیده که این چاپ آن تصحیح شده و بهتر از دیگر چاپهاست. همراه این چاپ کتاب، کتاب *التحصین*، از ابن فهد حلی، به چاپ رسیده است.

۱۲

رأس الحسين

احمد بن تیمیة. تصحیح محمد حامد فقی. قاهره، مطبعة السنة المحمدية، ۱۹۴۹ م. ✓

نویسنده کتاب (۷۲۸ق)، فقیه و متکلم متعصب حنبلی و از دانشوران متحجر و جنجال برانگیز در جهان اسلام است. او فراوان به شیعه خُرده می گرفت و پس از مرگش نیز افکارش دستمایه حمله و هابیان و سلفیان به شیعه شد و بر این دو فرقه تأثیری ژرف گذاشت.

رأس الحسين، هم به صورت مستقل و هم دو بار در ضمن دو کتاب چاپ شده است: بدین ترتیب که یک بار در ضمن کتاب استشهد الحسين (ص ۱۷۳ - ۲۱۵)، که برشی از تاریخ طبری است، به اهتمام سید جمیلی منتشر شده است. (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶). بار دیگر در ضمن کتابی با همین عنوان استشهد الحسين (ص ۱۵۳ - ۱۹۰)، که برشی از کتاب البداية والنهاية است، به کوشش محمد جمیل احمد غازی چاپ شده است. (جده، دارالمدنی، تاریخ مقدمه رجب ۱۳۹۷). ما به چاپ مستقل رأس الحسين، که مشخصات آن در فوق آمده است، دست نیافتیم و متن آن را در دو کتاب مزبور ملاحظه کردیم. مشخصات کتابشناختی چاپ مستقل رأس الحسين در کتاب معجم ما کتب عن الرسول واهل البيت صلوات الله عليهم (ج ۷، ص ۲۸۱)، از عبدالجبار رفاعی، آمده است.

رأس الحسين در پی پرسشهایی درباره محل دفن سر امام حسین -ع- فراهم شده است. ابن تیمیة در این رساله عهده دار اثبات این موضوع است که محل دفن سر آن

حضرت، عسقلان (در سوریه) و قاهره نیست، بلکه مدینه است. وی هشت دلیل برای این موضوع اقامه کرده که چکیده آن چنین است: ۱. در صورتی که محل دفن سر در عسقلان و قاهره بود، متجاوز از چهارصد سال پس از کشته شدن امام کشف نمی‌شد. ۲. کسانی چون ابوبکر بن ابی دنیا و ابوالقاسم بغوی و دیگران، که اخبار در باره امام حسین را گردآوری کرده‌اند، هیچکدام نگفته‌اند که سر امام را به عسقلان و قاهره برده‌اند. ۳. کسانی که مورد اعتماد دانشمندان هستند، گفته‌اند که سر امام به مدینه برده و در کنار برادرش دفن شد. از این گروه می‌توان به زبیر بن بکّار (صاحب کتاب الانساب)، و محمد بن سعد (صاحب کتاب الطبقات)، اشاره کرد. ۴. در صحیح بخاری آمده است که سر امام در نزد عبیدالله بن زیاد برده شد و او در حضور انس بن مالک چوب به دندانهای آن حضرت می‌زد. همچنین در مسند آمده است که این عمل در حضور ابوبرزه اسلمی بود. و این دو در عراق بودند و یزید در شام بود. ۵. اگر فرض شود که سر امام را در نزد یزید برده باشند، چه غرضی از دفن آن در عسقلان، که ناحیه‌ای مرزی و پر رفت و آمد بود، وجود داشت؟ ۶. رسم آن روزگار این بود که مردم در بقیع دفن شوند. زیرا هنگامی که در فتنه‌ها مردی کشته می‌شد که از قبیله دیگری بود، سر و بدنش را به خانواده‌اش تحویل می‌دادند. پس هنگامی که از سپردن سر امام به خانواده‌اش منعی نبود، ممکن نیست آن را در مدینه، در کنار مدفن عمو و مادر و برادرش، دفن نکنند و در شام، در کنار دشمنانش، دفن کنند. ۷. نه از اهل سنت و نه از شیعه، کسی را نمی‌شناسیم که به عسقلان برای زیارت رفته باشد. ۸. اهل علم همواره می‌گفته‌اند محلی که در قاهره منسوب به امام حسین است، دروغ است.

چکیده این رساله و مقصود ابن تیمیّه، در آخرین جمله آن آمده است: «وَأَمَّا كَانِ الْمَقْصُودَ تَحْقِيقَ مَكَانِ رَأْسِ الْحُسَيْنِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَبَيَانَ أَنَّ الْأَمْكَنَةَ الْمَشْهُورَةَ عِنْدَ النَّاسِ بِمَصْرٍ وَالشَّامِ أَنَّهَا مَشْهُدُ الْحُسَيْنِ وَأَنَّ فِيهَا رَأْسَهُ، فَهِيَ كَذِبٌ وَاخْتِلَاقٌ وَافْكَ وَبِهْتَانٌ. وَاللَّهُ أَعْلَمُ.»

البته ابن تیمیّه در ضمن این رساله، گاه از مقصود خود خارج شده و از مسائلی چون فرزند نداشتن امام حسن عسکری -ع- و گناه بزرگداشت مقابر و نمازگزاردن در کنار آن سخن گفته و بر شیعه خُرده گرفته است.

بنا به گزارش عبدالجبار رفاعی در کتاب معجم ما کتب عن الرسول و اهل البیت صلوات الله علیهم (ج ۷، ص ۶۷)، عبدالسلام هارونی مقاله‌ای با عنوان «ابن تیمیّه و موقفه من الحسین و یزید» به کنگره جهانی ابن تیمیّه، که در سال ۱۹۸۷ میلادی در هندوستان برگزار شد، تقدیم کرده است.

۱۳

روضه الشهداء

حسین واعظ کاشفی. تصحیح و حواشی ابوالحسن شعرانی. تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۵۸. ۴۴۰ ص، رقعی. ✓

نویسنده کتاب، کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی، از بزرگان علم و دین و از استادان ادب پارسی است. وی پاره‌ای از عمر خویش را در سبزوار سپری کرد و پس از آن به نیشابور و مشهد و هرات رفت و در سال ۹۱۰ قمری درگذشت. تخصص او در وعظ و ادب و نجوم بود و کتابهای گونه‌گونی نگاشت.

در مذهب کاشفی اختلاف است: برخی او را سنی حنفی و پاره‌ای او را شیعی شمرده‌اند. با عنایت به نام او (حسین)، پرورشگاه او (سبزوار) و برخی از کتابهای او (از جمله روضه الشهداء)، احتمال می‌رود که وی شیعه باشد. اما شواهدی نیز بر سنی بودنش وجود دارد. از جمله اینکه وی اهل فرقه نقشبندی بود. و چنانکه می‌دانیم این فرقه از اهل سنت و تنها فرقه‌ای است که ابوبکر را سرسلسله خویش می‌داند. به هر رو، آنچه مسلم است این است که کاشفی در شمار صوفیان و علاقه‌مندان و عاشقان پیشوایان شیعه بوده است.

علی رغم این پندار رایج، که روضه الشهداء کتابی مستقل درباره شهدای کربلا شمرده می‌شود، فقط بخشی از این کتاب در این باره است. موضوع این کتاب عبارت است از «حالات اهل بلا از انبیا و اصفیا و شهدا و سایر ارباب ابتلا و احوال آل عبا». (ص ۱۳). از ده باب و خاتمه این کتاب، تنها چهار باب آن (باب هفتم تا دهم، که شامل نیمی از کتاب می‌شود)، درباره امام حسین -ع- و اهل بیت و اصحاب اوست. بنابراین نیمی از کتاب (باب اول تا ششم و خاتمه)، درباره امام حسین نیست.

با وجود این، قهرمان روضه الشهداء امام حسین است و کاشفی حتی در بیان شرح حال انبیا به امام حسین گریز می‌زند و از کربلا می‌گوید. مضافاً اینکه روضه الشهداء به آهنگ این فراهم آمده است که در ماه محرم از آن استفاده شود: «جمعی از محبان اهل بیت هر سال که ماه محرم در آید مصیبت شهدا را تازه سازند... و اخبار مقتل شهدا که در کتب مسطور است تکرار نمایند... و هر کتابی که در این باب نوشته‌اند اگر چه به زیور حکایت شهدا حالی است، اما از سمت جامعیت فضایل سبطین و تفصیل احوال ایشان خالی است و بدین سبب ...» تقاضا شد چنین کتابی نوشته شود. (ص ۱۲). بنابراین کاشفی عهده‌دار این بوده کتابی بنویسد که «جامعیت فضایل سبطین» را داشته باشد و در ماه محرم از آن استفاده شود.

گذشت که روضه الشهداء در بر دارنده ده باب و یک خاتمه است: باب اول آن «در ابتلای بعضی از انبیا»، باب دوم «در جفای قریش با حضرت رسالت»، باب سوم «در وفات» او، باب چهارم «در حالات حضرت فاطمه زهرا»، باب پنجم «در اخبار علی مرتضی»، باب ششم «در فضائل امام حسن» و خاتمه «در ذکر اولاد سبطین» است. باب هفتم تا دهم درباره امام حسین و اهل بیت و اصحاب اوست و در آن بدین مسائل پرداخته شده است: «در مناقب امام حسین - علیه السلام - و ولادت وی و احوال آن سرور بعد از وفات برادر» (باب هفتم)، «در شهادت مسلم بن عقیل و قتل بعضی از فرزندان او» (باب هشتم)، «در رسیدن امام حسین - علیه السلام - به کربلا و محاربه وی با اعدا و شهادت آن حضرت با اولاد و اقربا و سایر شهدا» (باب نهم)، «در وقایعی که بعد از حرب کربلا مر اهل بیت را واقع افتاد و عقوبت مخالفان که مباشر آن حرب شدند» (باب دهم).

کاشفی در توصیف و تحلیل رویدادها همواره «بلا» را محور قرار داده و از بلاها سخن گفته است. وی با این نگرش به گزارش رویدادها و شرح حال اعلام پرداخته و، اساساً چنانکه خود در آغاز کتاب گفته، عهده‌دار بیان «حالات اهل بلا» شده است. (ص ۱۳). در واقع روضه الشهداء را کتابی «بلا محور» باید شمرد و این واژه و مترادفات

آن در این کتاب بسامد دارد. در نخستین عبارت کتاب، که شعر است، واژه «بلا» به کار رفته و عنوان نخستین باب کتاب «در ابتلای جمعی از انبیا...» است. آغاز کتاب نیز در شرح ابتلای اولیاء الله و علت آن است. (ص ۸-۱۲).

روضه الشهداء به فرموده شاهزاده عبدالله، مشهور به سید میرزا، تألیف شده است. تاریخ تألیف آن ۹۰۷ قمری است و نه چنانکه همگان می‌گویند ۹۰۸. چه، کاشفی در ضمن کتاب می‌گوید: «از روز شهادت امام حسین علیه السلام تا تاریخ تألیف این کتاب که قریب هشتصد و چهل و هفت سال است هرگاه که ماه محرّم نو شود...» (ص ۳۵۴). از این عبارت معلوم می‌شود که روضه الشهداء پیش از محرّم ۸۴۷ و در واقع در سال ۸۴۶ نوشته شده است. و اگر به این تاریخ، شصت و یک را، که سال شهادت امام حسین است، اضافه کنیم، ۹۰۷ می‌شود. بنابراین کاشفی، که در سال ۹۱۰ در گذشته، این کتاب را در اواخر عمر خویش تألیف کرده است؛ چنانکه در آغاز کتاب نیز به «کبر سن» خود اشاره کرده است. (ص ۱۳).

نثر روضه الشهداء فصیح و خوشخوان است. اگر چه کاشفی در آغاز کتاب گفته است «به واسطه کبر سن و دیگر موانع رایت فصاحت در میدان بلاغت بر نمی‌توانست افراشت» (ص ۱۳)، اما صرافت طبع و پشتوانه ادبی او نثر کتاب را هموار و شیرین کرده است.

کاشفی در روضه الشهداء رعایت حال خواننده فارسی زبان را کرده و مراقب بوده که سررشته سخن را از دست ندهد. چه، از آوردن ابیات عربی (رجز مبارزان)، که در این‌گونه کتابها فراوان نقل می‌شود، خودداری کرده و در عوض، ترجمه منظوم آنها را آورده است. گذشته از این، متناسب با بسیاری از حکایتها اشعاری آورده است و البته کوشیده «مناسب اذهان اهل زمان» باشد. (ص ۱۳).

اشاره شد که روضه الشهداء بدین انگیزه فراهم شده بود که در مجلسهای ماه محرّم از آن استفاده شود. این نکته‌ای است که خود کاشفی در چند جا به آن اشاره می‌کند. از جمله در آغاز کتاب (ص ۱۲-۱۳، که پیشتر عبارت او آورده شد)، و نیز در

آنجا که می‌گوید: «در مبدأ تألیف این اوراق مقرر شده که متصدی ایراد ابیات عربی نگردد، مگر آنچه ذکر آن ضرورت بود. چه، استماع آن در اثنای اخبار، فارسی زبان را سبب توزع ضمیر می‌باشد». (ص ۲۵۴). همچنین در آنجا که می‌گوید: امید است خداوند «فرماینده این کتاب و خواننده و شنونده و نویسنده را از ثبوتات... بی‌بهره نگذارد.» (ص ۳۹۹). از این عبارات، که اشاره به «استماع» کتاب و «شنونده» آن دارد، دانسته می‌شود که روضه الشهداء برای استفاده در مجلسهای ذکر مصیبت، که در آن زمان تشکیل می‌شد، فراهم شده بود.

کاشفی بی‌درنگ به مقصود خود رسید. چه، از همان آغاز تألیف کتاب، در منبرها و مجلسها از آن استفاده و عین عبارتهایش خوانده می‌شد. بتدریج به این مجالس، که در آن کتاب روضه الشهداء خوانده می‌شد، مجلس روضه‌خوانی و به خواننده این کتاب، روضه‌خوان گفته می‌شد. حتی با متروک شدن این کتاب در روزگار ما این دو نام به قوت خود باقی است. خوانساری در روضات الجنات (ج ۳، ص ۲۳۰) می‌گوید: «... کتاب روضه الشهداء فی مقاتل اهل البيت - علیهم السلام - و ظنی انه اول کتاب صنف فی هذا الشأن ملمعاً بالنظم والانشاء... فتلقاه اهل الذکر لمصائب المظلومین بالقبول وانشدوه علی رؤس المنابر. ثم سموا اولئك وكذا كل من تبعهم بعد فی ذلك علی التدریج بروضه خوان لقرائتهم اياه ثم توسع فی القلب بالنسبة الی كل من یذكر مصائبهم علی المنابر الی الآن».

همچنین در کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری (ج ۲، ص ۹۰۴) آمده است: روضه الشهداء «نخستین کتاب از گونه سوگواری نویسی به زبان فارسی است». اما در کتاب الذریعة (ج ۱۱، ص ۲۹۵) آمده است: «واحتمل بعض انه [روضه الشهداء] اول مقتل فارسی شاعت قرائته بین الفرس حتی عرف قاریه ب "روضه خوان" ثم توسع فی هذا العنوان الی هذا الزمان حتی یقال لكل قارئ "روضه خوان" لكن یأتی مقتل الشهید الفارسی المقدم علی روضه الشهداء وكذا مقتل الشهداء الذی نقل عنه فی روضه الشهداء مكرراً و ذکر انه تألیف ابی المفاجر الرازی و ذکر بعض شعره.»

روضه الشهداء در رواج تشیع در ایران و گرمی مجلسهای ذکر مصیبت بس مؤثر بوده است. این کتاب همواره دست به دست می‌گردیده و مطالب آن سینه به سینه نقل می‌شده و از آن استنساخ می‌شده است. اطلاعات تاریخی مردم، بویژه درباره امام حسین و عاشورا، بر پایه این کتاب است. در واقع این کتاب، بیش از هر کتاب دیگر، در افکار مردم رسوخ کرده است.

با وجود اینها، اعتبار روضه الشهداء محل بحث است. پیش از پرداختن بدین مسأله لازم است اشاره کنیم که روضه الشهداء کتابی «تحقیقی»، به معنی دقیق کلمه، نیست، بلکه اثری «تبلیغی» است که برای «عموم» نوشته شده تا در مجلسها از آن استفاده و (لا بد) از شنوندگان بیشتر «اشک گرفته شود». همین موضوع احتمالاً به اعتبار و دقت هر کتاب و پایبندی نویسنده به روشهای تاریخنگاری خدشه وارد می‌کند. چنانکه روضه الشهداء چنین است.

روضه الشهداء بیش از آنکه کتابی تاریخی باشد، «داستانپردازی تاریخی» است. و چون داستانپردازی است، «تخیلی» هم هست. و چون نویسنده آن ادیب و انشا نویس است، «داستان آفرینی» هم در آن مشاهده می‌شود. کاشفی در بیان وقایع تاریخی به آنها شاخ و برگ داده و «زبان حال» قهرمانان وقایع را، که در کشف و ضبط آن تردید است، به «زبان قال» تبدیل کرده است.

امروزه روضه خوانی از این کتاب، حتی مطالعه آن، متروک شده است. نخستین کسی که به این کتاب انتقاد کرد، میرزا عبدالله افندی است. وی در ریاض العلماء (ج ۲، ص ۱۹۰) می‌گوید: «اکثر روایات هذا الكتاب، بل جميعها، مأخوذة من كتب غیر مشهورة، بل غیر معول علیها». میرزا حسین نوری نیز در کتاب لؤلؤ و مرجان می‌گوید: «قصه زعفر جنتی و عروسی قاسم... هر دو در روضه کاشفی موجود [است].... قصه عروسی... قبل از روضه در هیچ کتابی دیده نشده... و ابداً اسمی از آن در کتب برده نشده. چگونه می‌شود قضیه‌ای به این عظمت و قصه‌ای چنین آشکارا محقق و مضبوط باشد و به نظر تمام این جماعت نرسیده باشد. حتی مثل ابن

شهر آشوب که تصریح کرده‌اند که هزار جلد کتاب مناقب نزد او بود.» (ص ۱۸۳ - ۱۸۴).
همچنین به صفحه ۱۵۷ رجوع شود.)

نیز استاد مطهری در کتاب حماسه حسینی در انتقاد از این کتاب، بلکه در بی اعتبار کردن آن، سنگ تمام گذاشته و گفته است: «اولین کتابی که در مرثیه به فارسی نوشته [شده]، همین کتاب [روضه الشهداء] است.... من نمی دانم این بی انصاف چه کرده است! وقتی که این کتاب را خواندم، دیدم حتی اسمها جعلی است. یعنی در اصحاب امام حسین اسمهایی را ذکر می کند که اصلاً وجود نداشته‌اند. در میان دشمن هم اسمهایی را می گوید که همه جعلی است. داستانها را به شکل افسانه در آورده است. این کتاب اولین کتابی است که به زبان فارسی نوشته شد. لذا مرثیه خوانها که اغلب بی سواد بودند و به کتابهای عربی مراجعه نمی کردند، همین کتاب را می گرفتند و در مجالس از رو می خواندند. این است که امروز مجالس عزاداری امام حسین را روضه خوانی می گویم.... روضه خوانی یعنی خواندن کتاب روضه الشهداء. خواندن همان کتاب دروغ. از وقتی که این کتاب به دست مردم افتاد، کسی تاریخ واقعی امام حسین را مطالعه نکرد.» (ج ۱، ص ۴۵ - ۴۶).

در باره روضه الشهداء مقالات و مطالب فراوانی نوشته شده و معمولاً در کتابهای تاریخ ادبیات فارسی به بحث درباره آن پرداخته شده است. از این کتاب نسخه های متعددی در کتابخانه ها موجود است. همچنین این کتاب چند بار تلخیص و به چند زبان ترجمه شده که برخی از ترجمه ها منظوم است. برای شناخت نسخه ها و تلخیصها و ترجمه های آن رجوع شود به: یو.ا. برگل (مترجم). ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری. ترجمه یحیی آرین پور و سیروس ایزدی و کریم کشاورز. تحریر احمد منزوی. (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲). ج ۲، ص ۹۰۳ - ۹۱۲.

همچنین رجوع شود به: احمد منزوی (به کوشش). فهرستواره کتابهای فارسی. (چاپ اول: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶). ج ۳، ص ۱۶۶۱ - ۱۶۶۴.

۱۴

تسلیة المُجالس و زینة المَجالس الموسوم بـ «مقتل الحسین علیه السَّلام»

محمد بن ابی طالب حسینی موسوی حائری کرکی. تصحیح فارس حسون کریم.
چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۸ق. ج ۲، ۵۹۲ + ۵۶۷ص، وزیری.
سند. ✓

نویسنده کتاب از عالمان گمنام قرن نهم و دهم است که از زندگی او، حتی تاریخ ولادت و مرگش، اطلاعی در دست نیست. از آنجاکه وی در این کتاب از زیارت مرقد رسول خدا - ص - در سال ۹۲۱ قمری یاد می کند (ج ۱، ص ۲۱۲)، دانسته می شود که آن را پس از تاریخ فوق تألیف کرده است. همچنین وی در جای دیگری از همین کتاب (ج ۱، ص ۵۰)، از کتاب دیگرش با عنوان السَّبع النقیس یاد می کند که به گفته شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۱۲، ص ۱۴۸)، در سال ۹۵۵ تألیف شده و، بنابراین، تاریخ تألیف تسلیة المجالس پس از سال ۹۵۵ است.

از این کتاب با این عنوانها یاد شده است: ۱. تسلیة المجالس، ۲. زینة المجالس، ۳. تسلیة المجالس و زینة المجالس، ۴. مقتل الامام الحسین علیه السَّلام. حال آنکه عنوان کتاب تسلیة المجالس و زینة المجالس است و بخشی از موضوع آن، مقتل امام. همان گونه که نویسنده در آغاز کتاب (ص ۵۲)، به این عنوان تصریح کرده است. برخی هم پنداشته اند که نویسنده دو کتاب با عنوان تسلیة المجالس و زینة المجالس داشته که

پنداری نادرست است.

مطالب کتاب حاضر به ده مجلس تقسیم شده است. مجلس اول (ج ۱، ص ۵۳-۱۳۹) و مجلس پنجم تا دهم (ج ۲، ص ۸۵-۵۴۸) در باره امام حسین -ع- است. مجلس دوم در باره رسول خدا -ص- و مجلس سوم در باره علی -ع- و مجلس چهارم در باره امام حسن -ع- است. بنابراین هفت مجلس (بخش) از ده مجلس کتاب، که بیشتر از یک جلد است و بیشتر در جلد دوم کتاب است، اختصاص به امام حسین دارد. نتیجه اینکه کتاب حاضر اختصاص به امام حسین ندارد؛ اما از آنجا که مطالب آن با بحث در باره آن حضرت آغاز می شود و اغلب آن در باره اوست و به مقتل الحسین علیه السلام نیز مشهور است، در این کتابشناسی معرفی می شود.

تسلية المجالس و زينة المجالس کتابی است تاریخی -روائی و از منابع کتاب بحار الانوار. اهمیت این کتاب به لحاظ احتوای آن بر روایات ائمه معصومین -ع- است. نویسنده در آغاز کتاب، بدون تصریح به نام کتاب روضة الشهداء، از آن یاد می کند و می گوید که این کتاب را به مانند آن تألیف کردم. (ص ۵۲). با این وصف، کتاب حاضر نظم و نسق روضة الشهداء را ندارد و مانند آن سهل التناول نیست. البته تکیه و تأکید نویسنده بر آمیخته بودن زندگی پیشوایان به بلا، متأثر از کتاب روضة الشهداء است و نثر آن نیز فصیح و مسجع است.

در مجلس اول کتاب به گریستن بر امام حسین و آمیخته بودن زندگی پیامبران به بلا اشاره شده است. مجلس پنجم در مناقب و مکارم امام حسین و روایات پیامبر در باره شهادت اوست. در مجلس ششم به قیام آن حضرت و رسیدنش به مکه و روانه کردن مسلم بن عقیل به کوفه پرداخته شده است. مجلس هفتم ویژه حرکت امام به کوفه و رسیدن به کربلا و رخدادهای در این میان و شهادت آن حضرت و یارانش است. در مجلس هشتم از رخدادهای پس از عاشورا، مانند روانه کردن اسیران کربلا

به کوفه و شام و خطبه‌های آنان، سخن رفته است. مجلس نهم مشتمل بر مطالب پراکنده‌ای است؛ از جمله: جراحات امام حسین، روایات در باره شهادت او، پاداش شهادت، دست‌اندازی خلفا به قبر امام حسین و قیام مختار. و سرانجام در مجلس دهم از پاداش زیارت امام حسین سخن رفته است.

برای تحقیق بیشتر در باره این کتاب رجوع شود به: علی صدرایی نیا. «تسلیة المجالس و زینة المجالس (کتاب حدیثی از قرن دهم)». علوم حدیث. (سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۵ و سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۵). ص ۱۸۲-۱۸۷ و ۲۳۹-۲۵۲.

۱۵

المنتخب فی جمع المراثی والخطب

فخرالدین طریحی نجفی. چاپ اول: [قم]، منشورات شریف رضی، ۱۴۱۳ق. ۲، ص ۴۹۶، وزیری. ✓

نویسنده کتاب از عالمان بزرگ شیعه است و آثار متعددی دارد که از میان آنها مجمع البحرین و مطلع النیرین، در لغت، که اختصاراً مجمع البحرین گفته می شود، نامدارتر است. در منابع رجالی آمده است که وی سه کتاب کبیر و وسیط و صغیر با عنوان المنتخب داشته است؛ اما دانسته نیست کتاب حاضر کدام یک از آنهاست. همچنین تاریخ تألیف این کتاب دانسته نیست، ولی چون نویسنده در سال ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ قمری در گذشته، بنابراین تاریخ تألیف آن پیش از سالهای مزبور و پیش از تألیف بحارالانوار است که در آن از المنتخب نقل شده است.

المنتخب، که بدان المجالس الطریحیة و المجالس الفخریة نیز می گویند، شامل مجموعه ای از احادیث و مراثی در باره امام حسین -ع- و برخی دیگر از ائمه معصومین است. اغلب مطالب کتاب به امام حسین اختصاص دارد و محور کتاب آن حضرت است. این کتاب به دو جزء تقسیم شده و هر جزء شامل ده مجلس و هر مجلس شامل چند باب است. در هر باب، و نیز در هر مجلس، نه از یک موضوع، بلکه از موضوعات متعددی سخن رفته است که این موضوعات هم بی ارتباط با یکدیگرند.

المنتخب تاریخنگاری زندگی یا قیام امام حسین نیست، بلکه جُنْگی است شامل

حدیث و شعر در باره آن حضرت. مطالب هر باب، و نیز هر مجلس، غالباً با خطاب به مؤمنان آغاز می‌شود و به آنها توصیه می‌شود که گریه و ندبه کنند و ماتم پیشه سازند و در عزاداری بکوشند. در سراسر کتاب عباراتی چون «اجروا ماء العیون» و «اجروا الدماء من العیون» و «اسکبوا العبرات» ملاحظه می‌شود. آنگاه احادیث و اشعاری در فضایل و مصائب نقل می‌شود. اغلب احادیث کتاب مرسل و برخی از آنها مجعول است. مضافاً اینکه مأخذ احادیث بیان نشده است.

از ساختار و محتوای کتاب چنین برمی‌آید که نویسنده آن را به هدف گریاندن مؤمنان و تشویق به عزاداری و برای خواندن در مجلس عزای نوشته است. در واقع المنتخب «روضة نویسی» از مقتل امام حسین است و کمتر کتابی بدین سبک و سیاق، و البته بدین اندازه غیر منظم، در باره آن حضرت نوشته شده است. عالمان باریک‌بین برآنند که در المنتخب مسامحات زیادی یافت می‌شود و مطالب ویژه آن اعتباری ندارد. میرزا محمد ارباب قمی در کتاب اربعین حسینیة (ص ۲۴۳)، می‌گوید: حدیث کساء متواتر است، «اما حدیث کسای معروف در زمان ما در کتب معتبره نقل نشده و از خصائص منتخب شیخ طریحی است و خالی از اخلال در متن نباشد و...» همچنین میرزا حسین نوری در لؤلؤ و مرجان (ص ۱۸۳ - ۱۸۴)، می‌گوید: «قصه زعفر جنی و عروسی قاسم... هر دو در روضه کاشفی موجود [است] و دوم در منتخب شیخ طریحی که مشتمل است بر موهون. مثل دفن کردن دشمنان جناب عبدالعظیم حسنی رازنده در ری».

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۲۲، ص ۴۲۰)، ضمن معرفی نسخه‌های المنتخب، به پاره‌ای اختلاف در محتوای نسخه‌ها اشاره کرده است. چنین می‌نماید که در این کتاب تصرّفاتی شده باشد.

بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار

محمد باقر مجلسی. تصحیح محمد باقر بهبودی و سید ابراهیم میانجی و سید محمد مهدی موسوی خراسان. چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳. ج ۴۴ و ۴۵ و ۹۸، ۳۹۷ + ۴۱۲ + ۳۸۲ ص، وزیری. ✓

● نام ناشر در روی جلد و عطف جلد چهل و چهار و چهل و پنج، دار احیاء التراث العربی آمده است.

دوره کامل کتاب حاضر در شمار منابع مهم حدیثی شیعه و بخشی از آن درباره زندگی و قیام امام حسین -ع- است. این بخش از کتاب، بخش دوم و سوم از جلد دهم و بخش دوم از جلد بیست و دوم کتاب، بر حسب تقسیم بندی مؤلف، است؛ اما در چاپ حاضر بخشی از جلد چهل و چهار (ص ۱۷۴ به بعد) و تمام جلد چهل و پنج و نود و هشت است. تاریخ پایان تألیف جلد چهل و پنج کتاب، ربیع الاول ۱۰۷۹ است.

نزدیک به همه مطالب کتاب شامل روایات ائمه معصومین است و، البته، همه آنها صحیح نیست. روایات کتاب با سند و مأخذ نقل شده و گاه مؤلف در ذیل روایات به توضیح لغات آن پرداخته است. در ضمن جلد چهل و چهار و چهل و پنج، مرآتی و نیز مطالبی از کتابهای تاریخ آورده و علت آن، این دانسته شده که در روایات همه خصوصیات مطالب کتابهای تاریخ نیست. آنگاه مؤلف گفته است اغلب این مطالب را روایات معتبر، که در این کتاب آمده، تأیید می کند. (ج ۴۵، ص ۲۹۴).

مطالب مربوط به امام حسین از باب بیست و چهار کتاب، در جلد چهل و چهار، آغاز می‌شود و در باب پنجاه، در جلد چهل و پنج، به پایان می‌رسد. به این بخش از کتاب، که بیش از یک و نیم جلد است، مقتل بحارالانوار گفته می‌شود و معمولاً پنداشته می‌شود که تنها همین بخش از کتاب در باره امام حسین است. حال آنکه جلد نود و هشت کتاب (مزار)، نیز در باره آن حضرت است و به زیارت او اختصاص دارد و از باب هجده آغاز می‌شود و در باب چهل و نه به پایان می‌رسد.

پاره‌ای از مطالب کتاب عبارت است از: امامت آن حضرت و معجزات و مکارم اخلاق او، احتجاجات آن حضرت با معاویه، آیات تأویل شده به شهادت او، خبر دادن خداوند به پیامبران در باره شهادت آن حضرت، پاداش گریستن بر مصیبت آن حضرت، رخدادهای پس از بیعت مردم با یزید تا شهادت آن حضرت، رخدادهای پس از شهادت آن حضرت، رخدادهای در جهان آفرینش پس از شهادت آن حضرت (گریستن آسمان و زمین، خسوف و کسوف و...)، مرثیه‌های در سوگ آن حضرت، مجازات قاتلان آن حضرت، احوال مردم در روزگار آن حضرت، همسران و فرزندان آن حضرت، احوال مختار، جور خلفا به قبر آن حضرت، وجوب زیارت آن حضرت، پاداش زیارت آن حضرت، فضیلت و آداب زیارت آن حضرت، تربت حرم آن حضرت، زیارت اربعین.

بخش مقتل این کتاب بنا به گزارش خانابا مشار در فهرست کتابهای چاپی فارسی (ج ۴، ص ۴۶۳۰)، ذیل عنوان محن الابرار فی ترجمه [ترجمه] مقتل بحار الانوار در معجزه و مصیبت نور دیده احمد مختار، به قلم محمد حسن هشترودی تبریزی، ترجمه و منتشر شده است. (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۴۷). در کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری (ج ۲، ص ۹۲۸)، از کتاب فوق با عنوان محسن الابرار... و از مترجم آن به نام محمد حسین یاد شده که هر دو غلط چاپی است.

همچنین گزیده‌ای مهذب از بخش مقتل این کتاب ذیل عنوان المختار من

مقتل بحار الانوار : عرض و ثنائی موجز لاحداث ثورة الحسين عليه السلام، به اهتمام محسن اراکی، فراهم آمده است. (چاپ اول: مجمع الفكر الاسلامی، محرّم ۱۴۱۱). ۱۷۴ ص، رقعی.

برای شناخت نسخه های خطی و چاپی این کتاب و ترجمه های اردو و نیز دیگر ترجمه های فارسی آن رجوع شود به: حسین درگاهی و علی اکبر تلافی داریانی. کتابشناسی مجلسی، علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی. (چاپ اول: بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام، ۱۳۷۰). ص ۱۱۸ - ۱۲۱.

۱۷

عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآيات والاخبار والاقوال، ج ۱۷: الامام الحسين عليه السلام

عبدالله بحرانی اصفهانی. تصحیح در مدرسه الامام المهدي - عليه السلام - با نظارت
سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی. چاپ اول: قم، مدرسه الامام المهدي - عليه
السلام -، ۱۳۶۵. ج ۱۷، ۷۴۳ ص، وزیری. ✓

پدیدآورنده کتاب از شاگردان برجسته علامه مجلسی است و این کتاب را به آهنگ
گردآوری کلیه روایات ائمه معصومین - ع - فراهم آورده است. تاریخ درگذشت
نویسنده و تألیف کتاب معلوم نیست، اما از آنجا که وی پس از علامه مجلسی
(م ۱۱۱۰ ق) درگذشته، معلوم می شود که تاریخ تألیف آن نیز در همین حدود است.
دوره کامل کتاب، مفصلترین کتاب روایی، یا از مفصلترین کتابهای روایی، است و این
جلد آن ویژه امام حسین - ع - است. نزدیک به همه مطالب کتاب را روایات ائمه
معصومین تشکیل می دهد و جزئی از آن شامل اشعار است. همچنین در بحث از قیام
مختار، کتاب ابن نما در باره او آورده شده است. (ص ۶۶۵ - ۷۱۰).

روایات کتاب در بیست و هفت ابواب، که می توان آن را - مثلاً - «فصل» نامید،
گنجانده شده و هر یک از ابواب شامل چند باب است. تعداد روایات بیش از پانصد
عدد است و مأخذ و سند آنها نقل شده است. عنوان برخی از بابهای کتاب عبارت
است از: نام و کنیه و لقب آن حضرت، فضایل و مناقب آن حضرت، معجزات او،
آیات تأویل شده به شهادت آن حضرت، احوال همسران و فرزندان آن حضرت،
احوال اصحاب آن حضرت و شهیدان با او، رخدادهای پس از شهادت آن حضرت
(روانه شدن اهل بیت به کوفه و شام)، گریه آسمان و زمین و گرفتگی خورشید و ماه
پس از شهادت آن حضرت، پاداش گریه در سوگ آن حضرت، احوال قاتلان او،
احوال مختار، زیارت آن حضرت و معجزات تربت او، ستم خلفا بر قبر آن حضرت.

تظلم الزهراء من اهراق دماء ال العباء عليهم السلام

رضی قزوینی. تصحیح سید مهدی رجائی. چاپ اول: قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۵. ۵۵۹ص، وزیری.

کتابی است تاریخی و روایی در باره قیام و شهادت امام حسین -ع- و تاریخ تألیف آن ۱۱۱۸ قمری است. نویسنده در مقدمه گفته است که این کتاب شرح کتاب لهوف سید بن طاووس است و اغلب منابع آن، منابع کتاب بحارالانوار.

ترتیب مطالب کتاب مانند لهوف است و از سه مقدمه و سه مسلک و خاتمه تشکیل یافته و هر مسلک و خاتمه شامل چند مجلس است. مقدمه اول در باره برخی از معجزات و کرامات و مکارم اخلاقی و احتجاجات امام حسین است. مقدمه دوم شامل بعضی از روایات در فضیلت گریستن بر آن حضرت است. در مقدمه سوم از روایات در باره عزاداری، بویژه در تاسوعا و عاشورا، سخن رفته است.

مسلک اول در امور پیش از جنگ است و در آن بدین مسائل پرداخته شده است: آیات و روایات در باره امام حسین، خروج آن حضرت از مدینه و وارد شدن به مکه، شهادت مسلم بن عقیل و روانه شدن امام و یارانش به سوی کربلا. در مسلک دوم از رخدادهای در کربلا و شهادت امام و اصحاب او سخن رفته است. مسلک سوم در باره سرگذشت اهل بیت امام و ورود آنان به کوفه و شام است. در این مسلک از مسائلی چون رخدادهای در مسیر شام، مجلس یزید، برخی از معجزات و کرامات واقع شده برای اهل بیت امام، مدفن رأس آن حضرت، اربعین و بازگشت اهل بیت به

مدینه سخن رفته است. خاتمه کتاب، که در حدود دویست صفحه است، عهده‌دار بحث از رجعت امام حسین در عصر حضرت ولی عصر، عذاب قاتلان آن حضرت، قیام مختار و دست‌اندازی خلفا بر قبر آن حضرت است.

گفتنی است واعظ تبریزی خیابانی در کتاب وقایع الایام فی تتمه محرم الحرام (ج ۴، ص ۱۱۲ - ۱۲۱، در حاشیه صفحات)، به بحث در باره کتاب یادشده پرداخته و، از جمله، گفته است: این میرزا رضی قزوینی، صاحب تظلم الزهراء، غیر از آقا رضی قزوینی، صاحب لسان الخواص است. در نسخه‌ای از کتاب تظلم الزهراء که در سنه ۱۳۱۲ به طبع رسیده دو روایت مذکور است که هیچ یکی از مؤلف کتاب نیست و هر دو را وقت استنساخ دس و خلط کرده‌اند. مطلب دیگر اینکه صاحب کتاب در قضیه شهادت حضرت حسین - علیه السلام - زبان حالی از لسان حضرت زینب - سلام الله علیها - نوشته که به هیچ وجه مناسب زبان حال و لایق مقام صبر و تسلیم آن خاتون معظم نیست و کم‌کم از زبان حال به لسان مقال تحویل و از صورت نظم به کسوت نثر تبدیل شده است. و الحق از صاحب تظلم در این مقام مسامحه عظیمی واقع شده است؛ باینکه کتابش متقن و در همه مواضع، مدرک و سند ارائه کرده است. (البته نویسنده وقایع الایام به شواهد موردنظر خود تصریح کرده است.)

جلاء العیون

سید عبدالله شبّر. مقدمه و تصحیح سید احمد حسینی. [قم]، مکتبه بصیرتی، بی تا. ز ۲، ۳۵۰ ص، وزیری. ✓

پدیدآورنده کتاب (م ۱۲۴۲ق)، از فقها و محدثان نامدار و در زمان خود به مجلسی ثانی مشهور بود. دوره کامل این کتاب سه جلد و مشتمل بر زندگی رسول خدا - ص - و فاطمه زهرا - س - و ائمه معصومین - ع - و جلد دوم آن ویژه امام حسین - ع - است. پدیدآورنده در آغاز جلد اول کتاب گفته که این کتاب ترجمه کتاب جلاء العیون علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) است. وی ضمن ستایش از علامه مجلسی، از این کتاب او با این عبارت یاد کرده است: «کتاب واف، و تألیف شاف، بلا ایجاز مخل، و لا اطناب ممل، علی طرز غریب، و اسلوب عجیب، و نظم لطیف، و نمط شریف... قد الفه من کتب متعدده، و جمعه من مواضع متبده». (ز ۱، ص ۵-۶). این ترجمه باندکی تصرفات و اضافات و ذکر منابع است، اما آنقدر در اصل کتاب تصرف نشده که تألیف مستقلی قلمداد شود. پس، در واقع، این کتاب تألیف علامه مجلسی و ترجمه علامه شبّر است و حداکثر اینکه می توان آن را تألیف مشترک مجلسی و شبّر دانست، نه تألیف مستقل شبّر.

جلاء العیون کتابی است تاریخی - روائی که در آن، تاریخ با احادیث ائمه معصومین - ع - توصیف شده و بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره امام حسین است. احادیث کتاب بدون سند آمده و فی الجمله معتبر است و اهمیت کتاب بدین لحاظ و، نیز، به این اعتبار است که در بردارنده دیدگاه دو محدث است.

کتاب حاضر مشتمل بر بیست و سه فصل است و در آن از این مسائل سخن رفته است: ولادت امام حسین و فضایل و مناقب و مکارم اخلاقی او، نصوص بر خلافت و امامت آن حضرت و پاره‌ای از معجزاتش، پاداش گریستن بر مصیبت آن حضرت و احادیث در باره شهادت او، رفتن آن حضرت به مکه و فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه، رفتن آن حضرت به کربلا و شهادت او و یارانش، رخدادهای پس از شهادت آن حضرت و بازگشت اهل بیت او به مدینه، رخدادهای در نظام آفرینش پس از شهادت آن حضرت، علت به تأخیر افتادن عذاب قاتلان آن حضرت و علت اینکه امام زمان فرزندان قاتلان امام حسین را به قتل می‌رساند، قیام مختار، دست‌اندازی خلفا بر قبر آن حضرت، فرزندان و همسران آن حضرت.

در لابلای کتاب نکات قابل توجهی یافت می‌شود که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: در جایی از کتاب گفته شده که تعداد لشکر مخالف در کربلا، بیست و دو هزار، بنا به قول مشهور، و سی هزار، بنا به حدیث امام صادق -ع- بود. (ص ۱۷۲). همچنین از امام سجّاد -ع- روایت شده که در کربلا سی هزار تن به امام یورش بردند و آنان گمان می‌کردند که از این امت هستند و هر یک با ریختن خون او به خدا تقرب می‌جستند: «یزعمون انهم من هذه الامة كل يتقرب الى الله عز وجل بدمه». (ص ۹۰). به این پرسش که چرا امام حسین، با اینکه می‌دانست کشته می‌شود، با خانواده‌اش به کربلا رفت، چند پاسخ داده شده است: اول اینکه آن حضرت به آنچه در ظاهر می‌گذشت، مکلف بود و باید دعوت کوفیان را اجابت می‌کرد و اتمام حجت می‌نمود. دوم اینکه اگر امام به کربلا هم نمی‌رفت، باز کشته می‌شد و لذا آن حضرت کشته شدن با عزت را انتخاب کرد.... (ص ۲۲۰ - ۲۲۲).

بنا به گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۵، ص ۱۲۵)، سید عبدالله شبّر گزیده و گزیده‌گزیده‌ای از جلاء العیون فراهم کرده است.

برای شناخت نسخه‌های خطی و چاپی و گزیده‌ها و ترجمه‌های کتاب جلاء العیون مجلسی رجوع شود به: کتابشناسی مجلسی، علامه محمدباقر بن محمدتقی مجلسی. ص ۲۰۲ - ۲۰۵.

۲۰

اسرار الشَّهادة

آقا فاضل دربندی. تهران، منشورات اعلمی، بی تا. ۵۸۰ص، وزیری. ✓

نویسنده کتاب، آقا بن عابد دربندی شیروانی، معروف به فاضل دربندی، از فقهای شیعه است. وی فردی سریع التَّأثر و متغیر الاحوال و جدلی بود و با خبرویتی که در علوم و قدرتی که در جدل داشت، می توانست هر سخن نادرست را به اثبات برساند و به هر سخن درست خُرده بگیرد. دربندی از شاگردان شریف العلماء مازندرانی بود و در مجلس درس اشکال و اعتراض و جدل می کرد و گاه می گفت: «بر فلان مطلب چهل یا پنجاه ایراد دارم. مرحوم شریف العلماء می فرمود که تو یک ایراد کن که خوب باشد همان کافی است». (قصص العلماء، میرزا محمد تنکابنی، ص ۱۰۷. وی شاگرد فاضل دربندی بود.) بارها اتفاق می افتاد که مجلس درس به هم می خورد و «شریف العلماء می گفت: این را از مجلس بیرون کنید. پس بازوی او را می گرفتند و از مجلس بیرون می کردند. چون به دم در می رسید، می گفت: ای جماعت! من که رفتم شما این سخن را قبول نکنید که این سخنش فاسد است». (همان، ص ۱۰۷). دربندی «در اقامه مصیبت حضرت سیدالشَّهداء مواظب و متصلب و راسخ بود؛ به نحوی که در بالای منبر از شدت گریه غش می کرد و در روز عاشورا لباس خود را از بدن می کند و لنگ می بست و خاک بر سر می ریخت و گل به بدن می مالید و به همان هیئت بر منبر می رفت». (همان، ص ۱۰۸-۱۰۹).

او مؤسس قمه زنی یا مروج آن بود. مهدی بامداد در بارهٔ همو گوید: «او است که

تیغ زدن را بر سر... در ایام عاشوراء جائز دانست و خود نیز عمل می‌کرده است و از این تاریخ است که مردم عوام... به تبعیت وی در ایام عاشوراء به این عمل دست زده‌اند». (شرح حال رجال ایران، ج ۴، ص ۱۳۸).

وی چند کتاب درباره امام حسین -ع- دارد: سرمایه ایمان و جواهر ایقان، سعادات ناصری و اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات (همین کتاب). کتاب اخیر به اسرار الشهادة معروف است و با این عنوان به چاپ رسیده است؛ با اینکه وی بارها در این کتاب نام آن را اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات برمی‌نویسد و، حتی، می‌گوید: «بحکم انّ الاسماء انما تنزل من السماء قد سمیناه باکسیر العبادات فی اسرار الشهادات». (ص ۲۳). میرزا محمد تنکابنی در باره کتاب فوق مرقوم داشته است: دربندی «اخبار مصیبت را جمع کرده و در ضعاف این اخبار، افکار ابکار و تحقیقات بی‌شمار و تدقیق بسیار و جمع بین متناقضات الاخبار فرموده که الی الآن کسی به آن سبک کتاب مصیبت ننوشته؛ مگر اینکه اخبار غیر معتبره در این کتاب بسیار و ضعاف، بلکه اخباری که مظنون کذب آنها است، بلکه گویا بعضی از آنها قطعی الكذب باشند [در این کتاب وجود دارد] و این مایه کسر قدر آن کتاب گردید». (همان، ص ۱۰۸).

و نیز شیخ آقا بزرگ تهرانی در باره نویسنده فوق و کتابش می‌گوید: «و من شدّة خلوصه و صفاء نفسه نقل فی هذا الكتاب اموراً لا توجد فی الكتب المعتره...». (الذریعة، ج ۲، ص ۲۷۹).

همچنین محمد علی مدرّس تبریزی در باره کتاب یاد شده نوشته است: «به حکم انصاف، این کتاب او، بلکه دیگر تألیفاتی که در موضوع مقتل نگارش داده، همانا در اثر آن همه محبت مفرط که داشته است حاوی غث و سمین بوده». (ریحانة الادب، ج ۲، ص ۲۱۷).

و نیز سید محسن امین می‌گوید: «دربندی در کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات سخنهاى غریبی آورده و مسائلی را مطرح کرده است که اعتماد به آن

نشاید.... او در کتابهای نقلی خود بسیاری از اخبار واهی را آورده است. حتی چیزهایی آورده است که عقل باور ندارد و شاهی از نقل هم ندارد». (اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۸۸).

حاجی نوری در کتاب *لؤلؤ و مرجان سخنی درباره چگونگی تألیف کتاب دربندی* دارد که دانستن آن سودمند است: «به خاطر دارم در ایام مجاورت کربلای معلی و استفاده از علامه عصر خود شیخ عبدالحسین طهرانی - طاب ثراه - که در تبخر و فضل و اتقان، عدیل نداشت سید عرب روضه خوانی از حله آمد - و پدرش از معاریف این طایفه بود - و اجزاء کهنه‌ای از میراث پدر داشت. خدمت شیخ استاد آورد و غرضش استعمال اعتبار و عدم اعتبار آن بود. و آن اجزاء را اول و آخر نبود و در حاشیه آن نوشته بود که این از مؤلفات فلان [است] و یکی از علمای جبل عامل از تلامذه محقق صاحب معالم را اسم برده بود. چون در تراجم حالش مذکور بود مراجعه نمود اصلاً در مؤلفاتش اسمی از مقتل نبرده بودند. و چون در خود اجزاء مطالعه کردند معلوم شد که از کثرت اشتغال آن بر اکاذیب واضح و اخبار واهی احتمال نمی‌رود که از مؤلفات عالمی باشد.

پس آن سید حامل اجزاء را نهی فرمود از نشر آن و نقل از آن. ولیکن بعد از چند روزی به مناسبتی مرحوم فاضل دربندی آقا خوند ملا آقا مطلع شد و آن را از آن سید گرفت و چون مشغول تألیف کتاب اسرار الشهاده بود، روایات آن اجزاء را متفرقاً در آن کتاب درج کرد و بر عدد اخبار واهی و مجعوله بی‌شمار آن افزود و برای مخالفین ابواب طعن و سخریه و استهزاء باز نمود. و هم‌تس او را به آنجا کشاند که عدد لشکر کوفیان را به ششصد هزار سواره و دو کروار [یک میلیون] پیاده رساند! و برای جماعت روضه خوانان میدانی وسیع مهیا نمود که هرچه کُمت نظر را در آن بتازند به آخر نرسانند و در بالای منابر با نهایت قوت قلب مستند ذکر کنند که فاضل دربندی چنین فرموده.

فاضل مذکور از علماء مبرزین و افاضل معروفین، و در اخلاص به خامس آل عبا - علیهم آلف التحیة و الثناء - بی نظیر بود، و لکن این کتاب در نزد علماء فن و نقادین احادیث و سیر بی وقع و بی اعتبار، و اعتماد بر آن کاشف از خرابی کار ناقل و قلت بصیرت اوست در امور. با آنکه خود در آن کتاب تصریح به ضعف روایات آن اجزاء و ظهور علامات کذب و وضع در آن کرده، و لکن برای نقل آنها در آن کتاب عذری خواسته که در خرابی باروایات اجزاء شریک است.

و از مطالب عجیبه آنکه برای خودم مرحوم مذکور مشافهت نقل کرد که من در ایام سابقه شنیدم که فلان عالم گفت یا روایتی نقل کرد که روز عاشورا هفتاد ساعت بود و من در آن وقت این را غریب شمردم و متعجب شدم از نقل آن، و لکن حال که تأمل در وقایع روز عاشورا کردم خاطر جمع، یا یقین کردم که آن نقل راست، و آن همه وقایع نشود مگر در آن مقدار زمان.

این حاصل فرموده ایشان است، به جهت طول زمان عین الفاظ ایشان به خاطر نمانده. و در آن کتاب نیز از آن تقویت کرده و از این فقره پی به سلیقه ایشان باید برد. (ص ۱۶۰ - ۱۶۱. همچنین به صفحه ۱۶۸ - ۱۶۹ و ۱۸۴ - ۱۸۶ رجوع شود.)

فاضل دربندی در باره سبب تألیف اکسیر العبادات می گوید: در خواب دیدم که پدر همسرم، ملا محمد تقی ایروانی، که مردی صالح و عابد و زاهد بود، به من گفت: «تو از جانب ائمه معصومین مأمور به تصنیف کتاب اسرار الشهادات هستی». (ص ۱۸۹. همچنین ر. ک: ص ۴). وی این کتاب را به مدت هجده ماه نوشت و در ذی قعدة ۱۲۷۲ از نگارش آن فارغ شد. (ص ۵۷۸). متن کتاب به زبان عربی است و مفصلترین کتابی است که تا هنگام تألیف آن درباره امام حسین - ع - نوشته شده است. از آنجا که نویسنده آن را در عهد سلطنت ناصرالدین شاه قاجار نوشته، از او یاد و بدو دعا کرده و با القابی متعدّد وی راستوده است. (ص ۴).

فاضل دربندی در این کتاب بارها به تعریف از آن پرداخته و واژه های

ستایش آمیز فراوانی برای آن درج و خرج کرده است. وی، از جمله، می‌گوید: این کتاب مانند دیگر کتابهای مقتل نیست که در آن فقط مطالبی گردآوری شده باشد. آن اندازه که من در تألیف این کتاب اندیشه کردم و زحمت کشیدم، کمتر از کتابهای دیگرم نیست. حاج ملا صالح قزوینی به فرزندش گفته بود: «می‌سزد که این کتاب با آب طلا نوشته شود...» (ص ۱۸۸).

اکسیر العبادات کتابی است در باره قیام و شهادت امام حسین -ع- و رخدادهای بعد از آن. سه ویژگی برجسته این کتاب عبارت است از:

۱. تحلیلی بودن آن. توضیح اینکه در اکسیر العبادات، علی‌رغم دیگر کتابهای مقتل، فقط به توصیف وقایع و تدوین اخبار پرداخته نشده، بلکه به تحلیل آنها و چگونگی جمع اخبار متنافی نیز پرداخته شده است. این ویژگی کتاب از آن روست که نویسنده دستی در حکمت و معقولات و ذهنی خلاق داشته است.

۲. مفصل بودن آن. توضیح اینکه اکسیر العبادات از معدود کتابهای مفصل درباره امام حسین است و تا هنگام تألیف آن هیچ کتابی بدین تفصیل فراهم نشده بود.

۳. خرافه آمیز بودن آن. نه تنها خرافات و مجعولات و افسانه‌ها در این کتاب فراوان است، بلکه نویسنده آنها را توجیه نیز کرده و دلایلی برای درستی آنها بر ساخته و تنها به نقل آنها بسنده نکرده است.

اکسیر العبادات مشتمل بر دوازده مقدمه و چهل و چهار مجلس و خاتمه است و خاتمه آن نیز شامل سه مجلس است. برخی از مطالب کتاب عبارت است از: خروج امام از مدینه به مکه، شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه، خروج امام از مکه به سمت کربلا، رخدادهای کربلا، رخدادهای روز عاشورا، چگونگی شهادت آن حضرت، دگرگونیهای در جهان آفرینش پس از شهادت آن حضرت، رخدادهای عصر عاشورا، روانه کردن اهل بیت امام از قتلگاه، تقسیم سرهای شهیدان، روانه کردن اهل بیت به کوفه و شام و مدینه.

در لابلای کتاب نکات فراوانی ملاحظه می‌شود که بیش از همه، اخبار مجعول کتاب و تحلیل نویسنده از مسائل و جرح و تعدیل روایات و کوشش او در جمع روایات متنافی، برجسته و نمایان است. جالب است که نویسنده در مقدمه یازدهم کتاب به اجتناب از روایات بی‌اساس توصیه می‌کند و می‌گوید: نقل اموری که ریشه در کتابها و اخبار ندارد در مجالس عزای امام حسین جایز نیست و این کار موجب تباه شدن حسنات و تبدیل آن به سیئات می‌شود. وی می‌افزاید: «از زشتیهای این روزگار رواج این کار در میان مرثیه خوانان و ذاکران مصائب است؛ از عرب و عجم. ولی در میان عجم رایجتر و بیشتر است». (ص ۱۸۶).

با وجود این، یکی از منابع نویسنده، کتابی است که خود درباره آن می‌گوید: این نسخه از آن روضه خوانی به نام سید جعفر علوی است و او از پدرش و جدش نقل کرده است که از تألیفات شیخ شهاب الدین عاملی است. مطالب نادر و غریب این کتاب آشکارتر از آن است که بیان شود. نشانه جعل و دروغ و نادرست بودن انتساب آن به شیخ شهاب الدین عاملی استشمام می‌شود. آنگاه وی عذری برای نقل از کتاب مزبور آورده و توجیهی بیان کرده که شگفت‌انگیز است. (ص ۲۸۷ - ۲۸۸، مجلس هفتم).

نویسنده به نقل از دیگران از کتاب مقتل ابن عصفور بحرانی می‌گوید: تعداد کشته شدگان به دست حضرت ابوالفضل بیست و پنج هزار بود، و این عده غیر از افرادی بودند که مجروح شدند. همچنین تعداد کشته شدگان به دست امام حسین سیصد و سی هزار بود. و نیز تعداد کل لشکر ابن زیاد چهارصد و شصت هزار بود که بعد از پایان جنگ هشتاد هزار از آنها باقی ماند. (ص ۳۴۵، مجلس دهم). نویسنده در جای دیگر به نقل از ابن عصفور بحرانی می‌گوید که او تعداد کشته شدگان به دست امام حسین را به چهارصد هزار می‌رساند و کل تعداد لشکر دشمن را پانصد هزار. (ص ۴۱۷، مجلس سیزدهم). نویسنده می‌گوید درباره تعداد کشته شدگان به دست

امام حسین اختلاف است، اما قدر متیقن و مورد اتفاق این است که تعداد آنها، بجز مجروحان، دو هزار نفر است. (ص ۴۱۷، مجلس سیزدهم). آنگاه نویسنده می‌افزاید که من نسبتی را که به ابن عصفور بحرانی دربارهٔ تعداد کشته‌شدگان می‌دهند، درست نمی‌دانم. سپس می‌گوید که من تعداد کشته‌شدگان به دست امام حسین را پنجاه هزار، بلکه صد هزار، بلکه بیشتر از این تعداد می‌دانم. (ص ۴۱۸، مجلس سیزدهم. در نقد این ارقام به کتاب *لؤلؤ و مرجان*، ص ۱۸۴ - ۱۸۶، رجوع شود.)

بدیهی است کشته شدن این همه در یک روز ممکن نیست. این نکته‌ای است که نویسنده، خود، بدان توجه داشته، اما در توجیه آن گفته است که روز عاشورا هفتاد یا هفتاد و دو ساعت بود. نویسنده می‌گوید: گروهی ادعا می‌کنند که برخی از عالمان کتابی در این باره نوشته‌اند که حاصل آن، این است که خداوند در روز عاشورا خورشید را در بالای زمین ثابت نگه داشت و مدت آن هفتاد و دو ساعت بود. اینان می‌گویند که در آن کتاب، مستندی، یعنی خبر معتبری، برای این موضوع ذکر شده است. (ص ۴۱۷، مجلس سیزدهم). آنگاه نویسنده می‌افزاید: ثابت بودن خورشید در بالای زمین به مدت هفتاد ساعت یا نزدیک به آن، اصل و مستندی دارد. (ص ۴۱۸، مجلس سیزدهم. همچنین ر.ک: ص ۲۸۸، مجلس هفتم و ص ۳۰۰، مجلس هشتم.)

چاپ جدید این کتاب با تصحیح محمد جمعه بادی و عباس ملاً عطیه جمری عرضه شده است. (چاپ اول: منامة، شركة المصطفی للخدمات الثقافية، ۱۴۱۵). ج ۳، ۷۱۲ + ۸۲۰ + ۹۴۸ ص، وزیری.

بنا به گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذَّریعة (ج ۲، ص ۲۷۹ و ج ۱۲، ص ۱۷۹ - ۱۸۰)، گزیده‌ای از این کتاب، به قلم مؤلف آن، به فارسی ترجمه و ذیل عنوان سعادت ناصری منتشر شده است. گزیده‌ای دیگر از این کتاب، به قلم مؤلف آن، با شرح برخی از مباحث، به فارسی ترجمه و منتشر شده است. (تبریز، ۱۲۸۸ق). عنوان این کتاب، چنانکه نویسنده در آغاز آن گفته، سرمایه‌ایمان و جواهر ایقان در ترجمه و شرح

اسرار الشّهاده است. (ص ۳، دیباجه کتاب). با این وصف، ناشر در آغاز کتاب، عنوان جواهر الایقان و سرمایه ایمان نهاده و شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در الذریعة (ج ۵، ص ۲۶۴) از آن با عنوان جواهر الایقان یاد کرده است.

همچنین شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۲، ص ۴۲۹) می گوید کتاب اکسیر العبادات به قلم میرزا محمد حسین بن علی اکبر به فارسی ترجمه و ذیل عنوان انوار السعادة در تبریز چاپ شده است.

برای تحقیق بیشتر در باره فاضل دربندی و ترجمه ها و چاپهای این کتابش به کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری (ج ۲، ص ۹۱۵-۹۱۷) رجوع شود. آخرین نکته اینکه میرزا محمد تنکابنی در کتاب قصص العلماء (ص ۸۷)، می گوید که حواشی ای بر کتاب اکسیر العبادات دارد «که اگر جمع شود مجلدی خواهد بود».

۲۱

الدِّمعة السَّاکِبة في احوال النَّبي (ص) والعترة الطَّاهرة

محمدباقر بن عبدالکريم بهبهاني. تصحيح و تعليق حسين اعلمي. چاپ اول: بحرين و بيروت، مكتبة العلوم العامّة و مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ۱۴۰۹. ز ۴ و ۵، ۳۸۶ + ۳۱۱ص، وزيري.

جزء چهارم و پنجم اين کتاب، که در دو جلد به چاپ رسیده، در بردارنده زندگی امام حسين -ع- است و بيان کننده «نظر رايج» شيعه در باره آن حضرت. مطالب کتاب، توصيفی است و اغلب آن را نقل قول تشکيل می دهد. برخی از منقولات کتاب برگرفته از مقتل ابومخنف و منتخب طريحي است که در اعتبار آنها بحث است. تاريخ تأليف کتاب روشن نيست، اما از آنجا که نويسنده در سال ۱۲۸۵ قمری در گذشته، دانسته می شود که پيش از تاريخ ياد شده است. نويسنده در آغاز کتاب گفته است که نام آن را الدِّمعة السَّاکِبة والمصيبة الرَّابِية والمناقب الثَّابِقة والمطالب العائبة گذاشتم (ج ۱، ص ۲۱)؛ اما اين نام در چاپ حاضر دگرگون شده است. در آغاز جلد اول کتاب تقيظ يازده تن از عالمان به چاپ رسیده است.

جزء چهارم و پنجم کتاب شامل چهارده فصل است و هر فصل معمولاً به چند مجلس و رزيه و مطلب تقسيم گرديده است. جزء چهارم کتاب مشتمل بر اين مطالب است: اخبار مربوط به ولادت آن حضرت، برخی از فضائل و معجزات و مکارم اخلاقی او، خبر دادن خداوند به پيامبران در باره شهادت امام حسين، خبر دادن پيامبر و اميرالمؤمنين و امام حسن -ع- به آن حضرت در باره شهادتش، اخبار در باره محرم

و عاشورا و گریه، سبب خروج آن حضرت از مدینه و رفتن به مکه، روانه کردن مسلم بن عقیل به کوفه، خروج آن حضرت از مکه و ورود به کربلا، رخداد‌های در کربلا تا هنگام جنگ، شهادت اصحاب و اهل بیت آن حضرت، شهادت آن حضرت.

جزء پنجم نیز شامل این مطالب است: کرامات آن حضرت و اصحاب او پس از شهادت، چگونگی دفن شهدا، شرح حال فرزندان و همسران آن حضرت و مدت حیات او، روانه کردن اسیران به کوفه و شام و رخداد‌های در این مسیر، دگرگونی‌های در جهان آفرینش پس از شهادت امام (گریستن آسمان و زمین، خسوف و کسوف)، مجازات قاتلان و دشمنان امام در این دنیا، قیام مختار و خونخواهی او.

گفتنی است واعظ تبریزی خیابانی در کتاب وقایع الایام فی تتمه محرّم الحرام (ج ۴، ص ۲۵، در حاشیه صفحه)، این نویسنده را ستوده و به نقل از شیخ محمود عراقی در کتاب دارالسلام فیمن فاز بسلام الامام علیه السلام گفته است: او «در عبارات عربیه دستی نداشت. زیرا که او را سواد عربی درستی نبود. و با این حال توفیق ربّانی چنان شامل او گردید که کتابی کبیر و عربی [الدّمعة السّاکبة]، در احوالات چهارده معصوم - ع - که زیاده بر یکصد هزار بیت بود، نوشت که مقبول اهل نظر و مطبوع طبع علمای معتبر گردید؛ به طوری که در زمان حیات خود او جمعی از کتّاب مشغول استنساخ آن کتاب از برای علمای معتبر عصر و افاضل طلاب بودند».

گزیده‌ای از کتاب الدّمعة السّاکبة، با اضافات و ترجمه آن، به قلم محمّد رفیع گرمودی در سال ۱۳۰۲ قمری ذیل عنوان ذریعة النّجاة فراهم آمده و چاپ شده است. (تبریز، کتابفروشی بنی هاشمی). ۲۸۳ص، وزیری.

۲۲

ناسخ التواریخ
در احوالات حضرت سید الشهداء علیه السلام

میرزا محمدتقی سپهر (لسان الملک). تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۹۸ ق. ج ۶، ۴ ج، ۳۹۸ + ۴۰۰ + ۳۹۸ ص، وزیری.

در آغاز کتاب، نویسنده خود را «بنده یزدان و چاکر سلطان: محمدتقی لسان الملک، مستوفی اول دیوان اعلی» نامیده است. (ج ۱، ص ۲). وی این کتاب را به استظهار محمدشاه قاجار و ناصرالدین شاه قاجار نوشت. دوره کامل کتاب مشتمل بر تاریخ جهان، از کهنترین روزگاران تا عصر قاجار، است. جلد ششم کتاب ویژه شرح حال امام حسین -ع- است که این جلد در چاپ حاضر، خود، به چهار جلد (جزء) تقسیم شده است. تاریخ تألیف کتاب در عهد سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و در سال ۱۲۹۰ - ۱۲۹۱ قمری است. چه، نویسنده به ناصرالدین شاه دعا می کند (ج ۴، ص ۲۳۲) و در جای دیگری می گوید: «اکنون که تاریخ هجری به هزار و دویست و نود و یک می رود...» (ج ۳، ص ۲۰۰). نثر کتاب به فارسی روان و سهل التناول است.

کتاب مزبور شامل تفصیل زندگی و ماجرای قیام و شهادت امام حسین و رخدادهای بعد از آن است. تا هنگام تألیف این کتاب، کتاب دیگری بدین تفصیل درباره آن حضرت، بجز اسرار الشّهاده، تألیف نشده بود. بعد از تألیف این کتاب نیز معدودی کتاب بدین تفصیل تألیف شده است. به هر حال نویسنده عنایت داشته است که زندگی امام را بتفصیل بنویسد و در این باره گفته است: «مکشوف باد که من بنده

نخست روز بر ذمت نهادم که هر خبری و حدیثی را که دستخوش کلک و بنان سازم، چنان از در استقرار [استقراء] و استیعاب پردازم که مطالعه کننده را به مراجعه هیچ کتاب حاجت نیفتد. لاجرم واجب می‌کند که هر قصه را که در کتب معارف مورّخین و محدّثین دیدار کنم دست باز ندارم و بی‌توانی [سستی و درنگ] بنگارم؛ مگر چیزی که در شمار محالات رود و از حیّز امکان بیرون افتد». (ج ۱، ص ۳۷۸).

مطالب کتاب، توصیفی است و از آنجا که نویسنده عهده‌دار نگارش تفصیل زندگی امام بوده، بسا اخبار ضعیفی که از این و آن کتاب در این کتاب کرده است. بدین دلیل، و نیز به دلیل عنوان پر ادّعی کتاب، همچنین به دلیل درباری بودن نویسنده، چنانکه باید، در مجامع علمی از این کتاب استقبال نشده است. (ر.ک: تحقیق در باره اول اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)، سید محمدعلی قاضی طباطبائی، ص ۱۷۸). با این وصف، کتاب حاضر تقریباً بیان‌کننده «نظر رایج» شیعه درباره امام حسین است و تا چند دهه همواره مورد استفاده عموم مردم و اهل منبر بود.

فهرست مطالب کتاب بیش از آن است که حتی بتوان بخشی از آن را در اینجا درج کرد؛ ناگزیر به برخی از مسائلی که به آن پرداخته شده است، اشاره می‌شود: ولادت امام و نامها و کنیه‌ها و لقبهای او، آیات و روایات در باره آن حضرت، زندگی آن حضرت تا دوره خلافت یزید، روایات درباره شهادت آن حضرت، خروج از مدینه به مکه، نامه‌های مردم کوفه به امام و روانه شدن مسلم بن عقیل به کوفه، خروج از مکه به کوفه و رخدادهای در این مسیر، ورود به کربلا و شهادت آن حضرت و یارانش، ربودن لباس و سلاح امام و غارت خیمه‌های اهل بیت او، روانه شدن اهل بیت به کوفه و شام و بازگشت آنها به مدینه، دگرگونیهای در جهان آفرینش پس از شهادت امام، پاداش گریستن بر آن حضرت، فضیلت زیارت آن حضرت، معجزات آن حضرت، مجازات قاتلان او در دنیا، احادیث و خطبه‌های او.

در لابلای کتاب نکات فراوانی، درست و نادرست، توان یافت. نویسنده در

جایی گفته است: «حسین - علیه السّلام - عالماً ادراک شهادت را تصمیم عزم داد، به حکم مصلحتی که سرّ آن را جز خدای کس نداند... و نتوان گفت که چرا دانسته خود را به تهلکه افکند؛ زیرا که تکلیف امام بیرون تکالیف خاص و عام است.» (ج ۱، ص ۲۶۶). و نیز گفته است: «تکلیف پیغمبران و امامان بیرون تکالیف دیگر مردم است.» (ج ۱، ص ۲۶۵).

به نظر نویسنده، «اسب سید الشهداء را که در کتب معتبره به نام نوشته‌اند، افزون از دو مال [چهار پای] سواری نیست: یکی اسب رسول خدا - صلی الله علیه و آله - که مرتجز نام داشت و دیگر شتری که مسنات می‌نامیدند. و اسبی که ذوالجناح نام داشته باشد، در هیچیک از کتب احادیث و اخبار و تواریخ معتبره من بنده ندیده‌ام...» (ج ۲، ص ۳۶۶ - ۳۶۷).

نویسنده در باره تعداد افراد دو سپاه در کربلا مرقوم داشته است: «سپاه امام حسین - علیه السّلام - از یکصد و چهل و پنج تن به زیادت نبوده و لشکر ابن زیاد از بیست هزار کمتر نبوده. و اگر پذیرای روایات مختلفه شویم، منتهای پذیرایی پنجاه و یک هزار است... از اجتهاد بنده چنان برمی‌آید که ابن زیاد پنجاه و یک هزار تن لشکری را عرض داد و سرهنگان بگماشت و از پس یکدیگر روان می‌داشت، اما افزون از سی هزار کس حاضر کربلا نشد. چون حسین - علیه السّلام - شهید شد، حاجت به دیگران نیفتاد. و العلم عند الله.» (ج ۲، ص ۱۸۶).

همچنین نویسنده درباره تعداد شهدای روز عاشورا نوشته است: «شهدای یوم عاشورا افزون از هفتاد و دو تن بوده‌اند... و اینکه در السنه و افواه معروف به هفتاد و دو تن آمده، این عدد شماره آنانند که از مدینه در رکاب حسین - علیه السّلام - کوچ دادند و ملازمت رکاب داشتند. لکن در عرض راه و مدتی که در مکه اقامت داشتند، جماعتی کثیر ملازمت حضرتش را اختیار کردند... و در شب عاشورا سی تن از سپاه ابن سعد به لشکرگاه آن حضرت درآمدند.» (ج ۲، ص ۳۰۸ - ۳۰۹).

به نظر نویسنده تعدادی از اصحاب امام در شب عاشورا از وی جدا شدند: «چون شب عاشورا فرارسید و تاریکی جهان را فرو گرفت، دیگر باره حسین - علیه السلام - مردم خویش را ممتحن داشت و... بالشکر خویش فرمود: من بیعت خود را از گردن شما فرو گذاشتم. بشتابید و با خویشاوندان و دوستان خود پیوسته شوید... لشکر او مفارقت اختیار کردند و پراکنده شدند و خویشاوندان و خاصان او از تفرق ابا نمودند و پیاپی شدند.» (ج ۲، ص ۲۲۲ - ۲۲۳).

دانستنی است در کتاب شهید جاوید، ذیل عنوان «شایعه بی اساس»، (ص ۲۷۰ - ۲۷۱)، آمده است: «متفرق شدن یاران امام حسین - ع - در شب عاشورا در هیچیک از منابع تاریخی، از قبیل... ذکر نشده است». آنگاه نویسنده می افزاید که در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری عبارت مبهمی در این باره است، ولی مؤلف کتاب ناسخ التواریخ، عبارت این کتاب را «باشب عاشورا تطبیق کرده و توجه نکرده است که اگر این مطلب درست باشد که در شب عاشورا همه اصحاب امام، غیر از اهل بیت آن حضرت، رفتند، پس باید شهدای کربلا منحصر باشد به همان خویشان و اهل بیت امام؛ در حالی که بیشتر شهدا از غیر اهل بیت امام بودند. می توان گفت این مطلب که اصحاب امام حسین - ع - در شب عاشورا از وی جدا شدند، بعد از تألیف ناسخ التواریخ بین مردم شایع شده است...» (ص ۲۷۴ - ۲۷۵).

همچنین استاد مطهری در کتاب حماسه حسینی (ج ۲، ص ۱۰۷)، می گوید: «تنها صاحب ناسخ التواریخ این اشتباه تاریخی را کرده و نوشته است وقتی امام حسین در شب عاشورا برای اصحاب خود صحبت کرد، عده ای از آنان از سیاهی شب استفاده کرده و رفتند، ولی این مطلب را هیچ تاریخی تأیید نمی کند.»

۲۳

الخصائص الحسينية خصائص الحسين (ع) و مزايا المظلوم

جعفر تستری. تصحیح سید جعفر حسینى. چاپ اول: بیروت، دارالسُرور، ۱۴۱۴.

۶۱۳ص، وزیرى. ✓

نویسنده کتاب، آیت الله شیخ جعفر شوشتري (م ۱۳۰۳ق)، از مراجع تقلید و واعظان و حطیبان عصر خود بود و این کتاب را، چنانکه در آغاز آن گفته (ص ۹)، پس از شصت سالگی نوشت. موضوع کتاب عبارت است از خصایص (صفات منحصر به فرد) امام حسین -ع- که موجب تشخیص و امتیاز او از دیگر مردم، حتی پیامبران و امامان، است. عنوان کتاب الخصائص الحسينية نیست، بلکه خصائص الحسين عليه السلام و مزايا المظلوم است و نویسنده در آغاز کتاب (ص ۲۴)، به آن تصریح کرده است.

خصائص الحسين در بردارنده مقدمه و یازده عنوان (فصل) است و برخی از عنوانهای آن مشتمل بر چند مقصد است. فهرست عنوانهای کتاب عبارت است از: خصایص امام حسین در عالم وجود از آغاز خلقت تا روز نهایت، خصایص آن حضرت در اوصاف و اخلاق و عبادات در سراسر عمرش، خصایص آن حضرت در اوصاف و اخلاق و عبادات که در روز عاشورا آشکار شد، الطاف و احترامات ویژه خداوند به آن حضرت، مظاهر لطف ویژه ربانی به آن حضرت، در خصایصی که متعلق است به خشوع نسبت به ذکر آن حضرت و گریه بر او، در خصایص زیارت آن حضرت، در خصایص آن حضرت که متعلق به قرآن است، در خصایص آن حضرت که متعلق به بیت الله الحرام است، در خصایص آن حضرت که متعلق به پیامبران است،

در خصایص آن حضرت که متعلق به خاتم پیامبران است.

دانستنی است که در فصل نهم، بحثی در باره «خصایص آن حضرت که متعلق به فرشتگان است»، مطرح شده است. (ص ۴۶۱ - ۴۷۳). بر پایه تقسیم‌بندی نویسنده لازم بود که این بحث به صورت مستقل مطرح شود و عنوان یک فصل قرار بگیرد؛ اما چنین نشده و در ضمن فصل دیگری آمده است.

آنچه از این کتاب در دست است تنها یک جلد است. ولی نویسنده در دو جای کتاب (ص ۲۸ و ۴۶۱) اشاره می‌کند که این کتاب جلد دومی نیز خواهد داشت. بدین‌رو برخی احتمال داده‌اند که جلد دوم کتاب مفقود شده است. اما بنا به دلایلی، از جمله اینکه چند نسخه از این کتاب در حیات نویسنده استنساخ شده، معلوم می‌شود که جلد دوم آن نوشته نشده بود. به هر حال نویسنده تصمیم داشت که در این کتاب از سیصد خصیصه امام حسین در ضمن سی عنوان (فصل) بحث کند. و از آنجا که این جلد شامل یازده فصل است، جلد دوم آن شامل نوزده فصل می‌شد.

خصائص الحسین تاریخنگاری قیام امام حسین نیست، بلکه شرح حالنگاری شخصیت آن حضرت است و، از این‌رو، کتابی است کم‌مانند و کمابیش ابتکاری. نویسنده در این کتاب توانسته است برخی از ابعاد شخصیت امام حسین را کشف و معرفی کند و از مسائلی سخن بگوید که دیگران نگفته بودند. گو اینکه در برخی از روایات کتاب و تحلیلهای نویسنده جای تأمل است، اما اهمیت کتاب محفوظ است. بر این کتاب چند شرح نوشته و چند ترجمه از آن شده که مشخصات آنها در آغاز کتاب اشک روان بر امیر کاروان: دمع العین علی خصائص الحسین علیه السلام، ترجمه الخصائص الحسینیة (چاپ سوم: قم، دارالکتاب، ۱۳۷۵)، ص ۴۰ - ۴۲، آمده است. همچنین در کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری (ج ۲، ص ۹۹۴ - ۹۹۶)، به ترجمه‌ها و چاپهای این کتاب اشاره شده است.

۲۴

اسرار شهادة آل الله صلوات الله عليهم

میرزا محمد باقر شریف طباطبائی. بی. م، بی. نا، بی. تا. ۱۸۸ص، وزیری. ✓

از معدود کتابهای تحلیلی در باره قیام امام حسین -ع- است و از آنجا که متقدّمان و متأخران چندان عهده دار تحلیل قیام آن حضرت نبودند، اهمیّت این جنبه از کتاب، که تحلیلی است، آشکارتر می شود. بویژه اینکه کتاب حاضر فقط تحلیلی است و نویسنده همه کوشش خود را یکسره معطوف به تحلیل قیام آن حضرت کرده است. زبان کتاب، فارسی و تاریخ پایان تألیف آن جمادی الاول ۱۳۰۳ است. نویسنده در پایان کتاب، عنوان آن را اسرار شهادة آل الله الاطیاب نوشته است؛ اما در چاپ حاضر این عنوان اندکی تغییر یافته است. نسخه ای از این کتاب که در دست ماست، فاقد جلد است و لذا محلّ نشر و ناشر و تاریخ نشر آن معلوم نیست.

مطالب کتاب در یک مقدمه و پانزده روضه گنجانده شده است. محتوای هر یک از روضه ها، بر اساس آنچه در فهرست مطالب کتاب آمده، به شرح ذیل است: در روضه اول آیه «ان الله اشتری من المؤمنین...» با شهادت امام حسین تطبیق شده است. روضه دوم در بیان مصائب آن حضرت است و روضه سوم و چهارم عهده دار بیان این نکته که هیچ ناقصی نمی تواند به درجه کمال برسد مگر اینکه کاملی او را تکمیل کند و از فضل خود او را به کمال برساند. در روضه پنجم گفته شده است گناهکاران از ناقصان محتاجترند تا کسی گناهان آنان را رفع کند. در روضه ششم از ضرورت عمل سخن رفته و گفته شده است شافعان باید عملی انجام دهند تا به درجه شفاعت کردن

برسند. در روضه هفتم گفته شده است که شرع و عرف و تکوین و تشریح کفاره و فدارا تأیید می‌کند. در روضه هشتم از ضرورت سبب و موجب برای کفاره سخن رفته است. روضه نهم در این باره است که مصائب وارد شده بر امام حسین مکافات اعمال او و یا اعمال اجدادش نبود. روضه دهم در باره سبب شهادت آن حضرت است و روضه یازدهم در باره آیات و روایاتی که دلالت دارد گناهان مقتول مظلوم به گردن قاتل ظالم اوست. در روضه دوازدهم از آیات و روایاتی سخن رفته که دلالت دارد هرکس شهادت در رکاب معصوم را اراده کند، مانند کسی است که به ثواب شهادت رسیده است. در روضه سیزدهم گفته شده است شهادت امام حسین مکافات گناه همه گناهکاران، مگر کافران و مشرکان و منافقان، است. در روضه چهاردهم به این نکته پرداخته شده است که شهادت امام حسین سبب اکتساب عمل خالص برای مؤمنان می‌شود. و سرانجام در روضه پانزدهم گفته شده است شهادت آن حضرت سبب شد که دوستان او به صفت ایثار آراسته شوند و بدین وسیله از هلاکت اخروی نجات یابند.

چنانکه گفته شد، اسرار شهادت آل الله از معدود کتابهای تحلیلی در باره قیام امام حسین است. نویسنده در این کتاب دیدگاه مردم عصر خود و پاره‌ای از عالمان گذشته را درباره علت قیام و شهادت آن حضرت، به صورت مبسوط و مستدل، بیان کرده است. وجود این کتاب بدین لحاظ مغتنم و شاید بی‌مانند است. با وجود این، تحلیل نویسنده از قیام و شهادت امام حسین مورد تردید و یا مخدوش است و امروزه این تحلیل مردود شمرده می‌شود و دست‌کم اینکه چنین تحلیلی نمی‌شود. برجسته‌ترین و مهمترین سخن نویسنده در کتاب حاضر این است که شهادت امام حسین کفاره گناه گناهکاران مسلمان است و آن حضرت بدین سبب تن به شهادت داد تا مسلمانان را از گناه تطهیر کند. این تحلیل در صفحات متعددی از کتاب آمده است؛ از جمله: «یکی از اسباب شهادت آن بزرگوار [امام حسین] - صلوات الله علیه - گناه گناهکاران از

مؤمنین بوده که او جان و مال خود را به جهت کفارة گناه گناهکاران به خدا فروخته و به عوض آن جان و مال، بهشت را خریده از برای نجات گناهکاران و شفاعت ایشان». (ص ۷۳). فراتر از این، نویسنده می گوید: «اگر کسی ایمان به کفاره بودن شهادت او [امام حسین] - علیه السّلام - نداشته باشد در حقیقت مشرک است و «انّ الله لا یغفر ان یشرک به» را مصداق است». (ص ۱۴۷).

نویسنده در جای دیگر توضیح می دهد که: «امام - علیه السّلام - مستجاب الدعوه است. پس اگر حضرت سیدالشهداء - علیه السّلام - می خواست که نفرین کند که دشمنان او مانند قوم عاد و ثمود هلاک شوند پیش از آنکه بر او دست یابند، نفرین می کرد و خداوند عالم - جلّ شأنه - همه را هلاک می کرد، و لکن چون می خواست که کشته شود از برای اینکه مؤمنین اولین و آخرین بر او جزع کنند و گریه و زاری نمایند و تمنای این کنند که کاش با او بودند و به فوز عظیم شهادت فایز بودند تا به این واسطه گناهان ایشان آمرزیده شود و گریه و اندوه ایشان کفارة گناه ایشان باشد و این گریه و اندوه بدون شهادت چنین بزرگواری صورت وقوع نمی یافت، پس در واقع شهادت آن بزرگوار کفارة گناه جمیع گناهکاران است». (ص ۱۳۳ - ۱۳۴). همچنین نویسنده در جای دیگر یک بیت شعر می آورد و آن را درست می شمارد: «چه بسیار خوب گفته است شاعر و در السنه و افواه خاص و عام مشهور شده که: از بهر امتان تبه روزگار بود / ورنه حسین را به شهادت چه کار بود». (ص ۱۰۷).

نویسنده در جای دیگری توضیح می دهد که مقصود از گناهکاران، که شهادت امام حسین کفارة گناهان آنان است، مؤمنان هستند و نه کافران: «گناهکاران اولین و آخرین، کفار و مشرکین و منافقین نیستند و همگی مؤمنند به خدا و رسول، و لکن گناهکارند». (ص ۱۳۴).

البته نویسنده تذکر می دهد که یکی از علل شهادت امام حسین کفارة گناه گناهکاران است و علل دیگری نیز وجود دارد: «یکی از حکمتهای شهادت او [امام

حسین] - علیه السّلام - این بود که کفّاره گناه گناهکاران شود، نه جمیع حکمتهای شهادت او - علیه السّلام - همین بود و بس؛ بلکه اگر شهادت را به طوری که اتّفاق افتاد به عمل نمی آورد، اسمی و رسمی از اسلام و ایمان در روی زمین در میان خلق باقی نمی ماند و امر واقعی الهی به مردم نمی رسید». (ص ۱۴۸).

همچنین نویسنده بر آن است که: «حضرت سیدالشّهداء - علیه السّلام - مأمور به این امر شد که احیای دین و آیین پیغمبر - صلی الله علیه و آله - را بکند، نه به طور قهر و غلبه، بلکه به طور مقهوریت و مظلومیت و مغلوبیت». (ص ۱۰۴). وی در ادامه می افزاید: «حضرت سیدالشّهداء - علیه السّلام - به جهت ملک دنیا جنگ نکرد و به جهت سلطنت ظاهری نبود امتناع او از امر یزید پلید لعین اهل آسمان و زمین. و اگر از برای سلطنت ظاهری بود از برای او به سهل و آسانی ممکن بود که غالب شود بر یزید پلید...». (ص ۱۰۶).

چنانکه خواندیم، تحلیل نویسنده از شهادت امام حسین شبیه به تحلیل مسیحیان از مصلوب شدن حضرت عیسی است. نویسنده، خود، بدین نکته متفطن است، اما می گوید: «در مذبح نبودن او [حضرت عیسی]، شکی نیست و محلّ اتّفاق نصاری و مسلمین است که او مذبح نبود؛ اما مذبح ... حضرت سیدالشّهداء - علیه آلاف التّحیة و الثّناء - بود... و او است کفّاره گناه جمیع گناهکاران و نقصان ناقصان». (ص ۱۲۷).

۲۵

مقام زخار و صمصام بتار

فرهاد میرزا معتمدالدوله. تصحیح و حواشی سید محمود محرمی زرندی. تهران، کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۹۴ق. ۱۱ + ۸۷۲ص، وزیری.

نویسنده کتاب فرزند عباس میرزا (فرزند ولیعهد فتحعلی شاه قاجار)، از دولتمردان دانشمند دوره ناصری است. وی این کتاب را در پی تفألّی که به قرآن زده بود و نذری که کرده بود، تألیف کرد. تاریخ آغاز تألیف کتاب ۱۳۰۳ قمری و تاریخ پایان آن ذی حجه ۱۳۰۴ و زبان آن فارسی است.

مقام زخار و صمصام بتار به معنی دریای آکنده و شمشیر بُرنده است و شاهزاده معتمدالدوله در ذیل این عنوان غریب گزارشی مفصّل از زندگی و قیام امام حسین -ع- ارائه کرده و «نظر رایج» شیعه را در این باره به دست داده است. از آنجا که نویسنده در شمار عالمان دین نبوده، بلکه شاهزاده هم بوده، و نیز عنوان غریبی برای کتاب خود انتخاب کرده، چنانکه باید از کتابش استقبال نشده است. با این وصف، کتاب حاضر مانند دیگر مقتلهای مهم است و با تتبع در منابع متعدّدی نوشته شده و حتّی بسامانتر و محققانه تر از بعضی کتابهای مشابه آن است.

نویسنده در آغاز کتاب به بیان روش تألیف خود پرداخته و گفته است: «خدای دانا است که با قلّت بضاعت و عدم استطاعت به قدر وسع و طاقت در ترجیح اقوال و تنقیح اخبار، که متون کتب فرق اسلامیّه از احادیث صحیحّه و تواریخ معتبره بدان محتوی و منظوی است، اغفالی نرفت و در جمع و ذکر آن اهمالی نیفتاد و از کتب

محدثین و مورّخین که از سنه یک هزار هجری و بعد به رشته تالیف درآورده‌اند، درج و نقل نکردیم». (ص ۸). وی در ادامه گفته است: «ما در این کتاب مستطاب آنچه از کتب معتبره فریقین و متفق علیه طرفین به دست آوردیم، نگاشتیم که حاسد و طاعن را مجال انکار نباشد. و در تنقیح اخبار و تصحیح آثار بذل جهد کردیم و با وجود قصر باع و قلت بضاعت اقتدا و اقتفا به صدوق - علیه الرّحمة - نموده، بدان نهج که در کتاب من لایحضره الفقیه گفته، همی گویم: "واعتقد فیہ أنّه حجّة فیما بینی و بین ربّی - تقدّس ذکره و تعالت قدرته - و جمیع مافیہ مستخرجه من کتب مشهوره علیها المعول والیها المرجع"». (ص ۲۴).

مطالب کتاب با زندگی امام آغاز می‌شود و با قیام و شهادت او و یارانش ادامه می‌یابد و بارخداهای پس از شهادت آن حضرت و قیام توّابین و مختار و اشعاری در سوگ امام به فرجام می‌رسد. از نکات تحقیقی کتاب این است که در مواضع متعدّدی به بیان ضبط درست اسامی اشخاص و مکانها پرداخته است.

پاره‌ای از عنوانهای کتاب عبارت است از: «ذکر کنیت و القاب و مدّت عمر و اولاد و ازواج و اصحاب جناب سیدالشهداء - علیه السلام - به طریق اجمال»، «ذکر اندکی از نصوص وارده در حقّ آن امام انام»، «حالاتی که بین امام حسین و معاویه بعد از رحلت امام حسن روی داده است»، «ذکر تغلب و استیلای یزید و نامه او در اخذ بیعت از حضرت امام»، «ارسال رسل و رسایل کوفیان به خدمت جناب سیدالشهداء و دعوت کردن از آن جناب»، «ذکر توجه جناب سیدالشهداء - علیه السلام - از مکه به جانب عراق»، «ذکر روز عاشورا و...»، «ذکر شهادت حضرت سیدالشهداء...»، «ذکر آثار و علاماتی که بعد از شهادت آن جناب در عالم پیدا شد»، «ذکر ورود اهل بیت رسول به کوفه و...»، «ذکر ورود اهل بیت حضرت خیر الانام به شام...»، «ذکر شطری از عقوبت قاتلین حضرت امام...»، «آغاز دعوت امراء توّابین و...»، «خروج مختار...»، «اشعار عربی و فارسی در مرثیت آن جناب».

دانستنی است که در آغاز کتاب شرح حال نویسنده، به قلم آقای حسین عمادزاده، آمده است. وی مرقوم داشته است: «برای معرفی این شخصیت بزرگ [امام حسین]، به قدری کتاب نوشته شده که حدّ و حصر ندارد. اگر گفته شود میلیونها کتاب در طول ۱۳۰۰ سال (سیزده قرن اسلامی)، در اطراف مقام و مرتبت و شخصیت و اخلاق و فضیلت و جود و سخاوت و گذشت و فداکاری و نسب و حسب این مولود آسمانی نوشته شده اغراق و مبالغه نیست». (ص ۲).

برای شناخت این نویسنده و منابع زندگینامه او به کتاب ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری (ج ۲، ص ۸۶۳-۸۶۶) رجوع شود.

۲۶

شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور

میرزا ابوالفضل طهرانی. تقریظ محمدحسن حسینی (شیرازی). تحقیق سید علی موحد ابطحی. چاپ سوم: [قم]، محقق کتاب، ۱۳۷۰. ج. ۲، ۴۵۹ + ۴۶۴ ص، وزیری. تصویر. ✓

مفصلترین و مشهورترین و مهمترین کتاب در شرح زیارت عاشورا است. زبان کتاب، فارسی و تاریخ نگارش آن ۱۳۰۹ قمری است. در تقریظ میرزای شیرازی بر این کتاب آمده است: «الحق کتابی است در نهایت خوبی و تمامیت و متانت و جامع بین مراتب تحقیق و تتبع و... در باب خود بی نظیر». (ص ۲۰).

مطالب کتاب در دو باب و یک خاتمه گنجانده شده است. در باب اول، نخست به ذکر سند زیارت عاشورا و متن آن پرداخته شده است. آنگاه بقیه مطالب این باب در ضمن دو مقصد و یک خاتمه ارائه شده که مقصد اول مشتمل بر دو فصل است: شرح حال راویان زیارت عاشورا و نقد گفتاری از علامه مجلسی. در مقصد دوم از وجوه کیفیت خواندن زیارت عاشورا سخن رفته است. در خاتمه این باب در ضمن دوازده فایده، از جمله، بدین مسائل پرداخته شده است: بیرون بودن دعای صفوان از زیارت عاشورا، جواز خواندن زیارت عاشورا در شب، طریق احتیاط در خواندن زیارت عاشورا و لزوم خواندن زیارت عاشورا در یک مجلس.

بدین سان باب اول کتاب به فرجام می‌رسد و باب دوم، که بیشترین مطالب کتاب را دربر می‌گیرد، آغاز می‌شود. این باب شامل ترجمه و شرح زیارت

عاشورا است و در آن، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه این زیارت بتفصیل شرح شده است. در پایان این باب یک فصل آمده که شامل چهار مطلب و در شرح دنباله زیارت مزبور است: شرح دعای لعن، شرح دعای سلام، شرح دعای بعد از لعن و سلام، شرح دعای سجده.

خاتمه کتاب در شرح دعای صفوان (مشهور به علقمه) است. از آنجا که این دعا جزء زیارت عاشورا نیست، در شرح آن به تفصیل شرح زیارت عاشورا سخن گفته نشده و تنها عبارتهای مشکل آن شرح داده شده است.

گذشت که باب دوم کتاب مشتمل است بر شرح زیارت عاشورا. نویسنده در ضمن این باب، به تناسب، از مسائل متعدّدی سخن گفته است؛ از جمله شرح حالی از ابوسفیان، معاویه، یزید، ابن زیاد، ابن سعد و... به دست داده است. همچنین از اختصاص لقب «امیر المؤمنین» به علی -ع- و در باره کنیه «ابو عبدالله» برای امام حسین و فواید تربیت آن حضرت و عزاداری بر او و نامها و لقبهای امام زمان -عج- سخن گفته است. تفسیر صلوات، سرخی در آسمان و خورشید گرفتگی پس از شهادت امام حسین و لزوم لعن بر عمر بن عبدالعزیز از دیگر مباحث کتاب است.

مصحح کتاب در پایان بحثی گشوده است با عنوان «کتابنامه زیارت عاشورا» و در آن به معرفّی کتابهای درباره زیارت عاشورا پرداخته است. در این کتابنامه سی و یک کتاب مخطوط و چهارده کتاب مطبوع معرفّی شده است.

۲۷

الاستشفاء بالتربة الشریفة الحسینیة

ابوالمعالی محمد کلباسی اصفهانی. مقدمه و تعلیق حسین غیب غلامی. چاپ اول: قم، بی نا (چاپخانه امیر)، تاریخ مقدمه مصحح ماه رمضان ۱۴۱۲. ۱۸۱ ص، وزیری. سند.

نویسنده کتاب (م ۱۳۱۵ ق)، از فقهای امامیه است و کتاب حاضر را به موضوع شفا خواستن از تربت امام حسین -ع- اختصاص داده است. ظاهراً در این موضوع، تا عصر نویسنده، کتابی مستقل نوشته نشده بود و اگر هم کتابی باشد، بعید است که به تفصیل و اهمیّت این کتاب باشد. نویسنده در این کتاب عهده دار اثبات شفا بودن تربت امام حسین و استحباب استشفای آن شده و بدین منظور به تتبع در سخنان فقهای پرداخته و به بیش از صد حدیث استناد کرده است. در ضمن کتاب از مسائلی چون حرمت خوردن گل، حریم قبر امام حسین و شرایط استشفای و جواز آن به تربت غیر امام حسین (از معصومین)، بحث شده است.

فهرست برخی از مطالب کتاب عبارت است از: مشروط بودن استشفای به حسن ظنّ به شفا، حمل تربت برای در امان بودن از بدیها، جایز نبودن خرید و فروش تربت، افطار با تربت در روز عید فطر، گذاشتن تربت با میت در قبر، نوشتن بر کفن با تربت، حکایت مرگ دو نفر به سبب بی احترامی به تربت امام حسین.

در مقدمه مصحح، احوال و آثار مؤلف ذکر شده و در پاورقیها، نشانی روایات ارائه شده و در پایان، یازده فهرست (فهرست آیات، روایات، اشخاص، کتابها و...) آمده است.

۲۸

لؤلؤ و مرجان در شرط پلّه اوّل و دوّم منبر روضه خوانان

میرزا حسین نوری طبرسی. تحقیق و ویرایش حسین استاد ولی. چاپ اوّل: تهران، دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۷۵. کب + ۲۲۶ ص، رقعی. ✓

نویسنده کتاب، صاحب مستدرک الوسائل است و این کتاب را پس از آن، در ذوالقعدة ۱۳۱۹، تألیف کرده است. وی در آغاز کتاب به انگیزه تألیف آن اشاره کرده است: یکی از عالمان هندوستان «مکرّر از آنجا به حقیر شکایت از ذاکرین و روضه خوانان آن صوب کرده که در گفتن دروغ حریص و بی باک، و اصرار تام در نشر اکاذیب و مجعولات دارند، بلکه نزدیک به آن رسیده که آن را جایز دانند و مباح شمارند... و امر فرمود که چند کلمه در این باب به طریق موعظه و مجادله حسنه نوشته... شود.» (ص ۲). آنگاه نویسنده گفته که وضع عتبات عالیات و شهرهای ایران نیز به همین گونه است.

لؤلؤ و مرجان مشتمل است بر: مقدمه، دو فصل و خاتمه. مقدمه کتاب در استحباب روضه خوانی و گریستن بر امام حسین و اهل بیت - ع - و مستند به هشت حدیث است. از دیگر مطالب مقدمه وجه تسمیه «روضه خوان» و تعریف علم روضه خوانی به نقل از یکی از علمای اعلام در مقام مطایبه و طنز است.

در فصل اوّل و دوم از دو شرط روضه خوانی سخن رفته است: «اخلاص» و «صدق». نویسنده گفته است که شرط داخل شدن به صنف روضه خوانانها بر خورداری از این دو ویژگی است.

فصل اوّل، در بیان شرط اوّل روضه خوانی، یعنی اخلاص، است و ذکر چهار مفسده که مترتب بر ترک اخلاص است و ذکر سه تنبیه. در این فصل مذمت از افرادی شده که ریا

را در روضه خوانی جایز دانسته و یا روضه خوانی را سرمایه تجارت خود کرده‌اند.

فصل دوم، که حجم آن چهار برابر فصل اول است، در بیان شرط دوم روضه خوانی، یعنی صدق، است و توضیح آن در ضمن پنج مقام و ذکر چهار تنبیه و سه فرع. در این فصل از اهمیت راستگویی و مفاسد دروغ‌گویی، بویژه دروغ بستن به خداوند و پیشوایان اسلام، سخن رفته و نمونه‌هایی از روضه‌های دروغ نقل و نقد و مذمت از افرادی شده که دروغ گفتن را در روضه خوانی (برای گریانیدن)، جایز دانسته‌اند.

و سرانجام در خاتمه کتاب، به مذمت از گوش دادن به اخبار دروغ پرداخته و آیات و روایاتی در این باره ارائه شده است.

لؤلؤ و مرجان بیانیه‌ای کوبنده علیه روضه خوانانها (نه روضه خوانی و روضه خوانانهای واقعی) است. حاجی نوری در این کتاب شمشیر را از رو علیه روضه خوانانها بسته و بشدت به آنها تاخته است. وی روضه خوانانها را آلوده به ناخالصی و دروغ می‌داند که موجب شده‌اند شیعه را «سخریه و استهزاء» کنند (ص ۲) و یا بگویند «شیعه بیت کذب است». (ص ۱۸۵). از این روست که در اواخر کتاب می‌گوید: «هر که درد دین دارد باید در خلوات بر مظلومی و غربت اسلام بگرید و...» (ص ۱۹۲). وی علت خرابی در وضع روضه خوانی را، سکوت و مسامحه «اهل علم» می‌داند. و می‌گوید: «اگر اهل علم مسامحه نمی‌کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتار این طایفه [روضه خوانانها] می‌شدند و از گفتن اکاذیب نهی می‌کردند کار خرابی به اینجا نمی‌رسید و...» (ص ۲). همچنین در اواخر کتاب با اشاره به همین مطلب، می‌گوید: «تمامی خرابی از سرچشمه است». (ص ۱۸۹). و آنگاه «بزرگان این مذهب» را به مقابله با این وضع دعوت می‌کند. (ص ۱۸۹).

از نکات مهم کتاب اشاره نوری به پاره‌ای (نزدیک به بیست مورد)، از روضه‌ها و منقولات دروغ است؛ از آن جمله است قصه زعفر جنی و عروسی قاسم در کربلا که هر دو در کتاب روضه الشهداء کاشفی موجود است و قصه عروسی «قبل از روضه در

هیچ کتابی دیده نشده؛ از عصر شیخ مفید تا آن عصر». (ص ۱۸۴). از دیگر منقولات دروغ، تعداد لشکر مخالفان امام حسین در کربلاست که آن را نزدیک به پانصد هزار تن، بلکه ششصد هزار سواره و دو کروار [یک میلیون] پیاده گفته‌اند. (ص ۱۶۰ و ۱۸۴). و نیز درباره تعداد کشته شدگان به دست امام حسین گفته است که به نظر مسعودی در اثبات الوصیه هزار و هشتصد تن و به نظر ابن شهر آشوب و محمد بن ابی طالب هزار و نهصد و پنجاه تن است؛ اما در روضة الشهداء «مقتولین آن حضرت را به سیصد هزار، و کشتگان ابی الفضل را بیست و پنج هزار و از سایرین نیز بیست و پنج هزار رسانده» است. (ص ۱۸۵).

از دیگر نکات کتاب انتقادهای نویسنده به کتابهای چند تن از اعلام است؛ از جمله انتقاد به ارشاد شیخ مفید و روضة الشهداء از کاشفی و اسرار الشهادة از فاضل دربندی و محرق القلوب از نراقی. همچنین انتقاد به سید بن طاووس و ابن نما که گفته‌اند اهل بیت در مراجعت از شام در روز اربعین به کربلا رسیدند و عزاداری کردند. این انتقاد بدون پاسخ نماند و به آن انتقاد شد. کتاب تحقیق در باره اول اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)، از سید محمدعلی قاضی طباطبائی، انتقاد به این انتقاد و عهده‌دار اثبات این مطلب است که اهل بیت در مراجعت از شام در روز اربعین به کربلا رسیدند.

لؤلؤ و مرجان نخستین کتابی است که در باره اصلاح روضه خوانی و پاکسازی آن نوشته شده است. این کتاب، به لحاظ خرافه‌زدایی، مانند کتاب التزییه فی اعمال الشبیه، از علامه سید محسن امین، است. یعنی همان‌گونه که امین در التزییه عهده‌دار خرافه‌زدایی از عزاداری و پاکسازی آن شده، حاجی نوری در لؤلؤ و مرجان عهده‌دار خرافه‌زدایی از روضه‌خوانی و اصلاح آن شده است. با این تفاوت که اولاً فضل تقدّم در خرافه‌زدایی از آن مؤلف لؤلؤ و مرجان است، ثانیاً کتاب لؤلؤ و مرجان تقریباً مقبول و مؤثر واقع شد، اما رساله التزییه مورد مناقشه قرار گرفت و بر آن ردیه‌های متعددی نوشته شد.

۲۹

اربعین حسینی، یا، چهل حدیث حسینی

میرزا محمد ارباب. چاپ اول: بی‌م، انتشارات أسوه، ۱۳۷۲. و + ۴۲۳ ص، وزیری.

نویسنده در این کتاب همواره خود را میرزا محمد قمی نامیده (ص ۴۴، ۱۲۴، ۱۹۶، ۳۸۲ و...) و از کتابش با عنوان الاربعین الحسینی یاد کرده است. (ص ۸، ۱۲۴، ۱۹۶ و...). وی، که از علمای قم بوده است، انگیزه خود را از تألیف این کتاب آن دانسته که شاید مصداق حدیث «من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً...» شود. (ص ۴). مضافاً اینکه میر سید محمدباقر حسینی، متولی آستانه حضرت معصومه، از مؤلف تقاضای فراهم کردن چنین کتابی کرده بود و او «به حسب اطاعت امر سامی» به تألیف این کتاب پرداخت. (ص ۷). تاریخ پایان تألیف کتاب شعبان ۱۳۲۸ است. (ص ۳۸۲).

مؤلف در آغاز کتاب به موضوع و دامنه مطالب کتاب اشاره کرده است: «حقیر... چهل حدیث از اخبار متعلقه به حضرت سیدالشهداء - علیه السلام - [را] ترجمه و شرح نمود؛ با اشاره به اعتقادات حقه شیعه اثنا عشریه در باب رجعت و بداء و برزخ و تطبیق معجزات و کرامات ائمه بر قواعد متینه صحیح و رفع شبهات ملاحظه و زنادقه این زمان در جمله مسائل دینی و در احادیث معتبره امامیه، و کمتر تعرض نمود از نگاشتن و ترتیب وقعه طف». (ص ۷-۸).

روش مؤلف چنین است که نخست متن حدیث را آورده و سپس به ترجمه و شرح آن پرداخته و معمولاً، به مناسبت، به مطالبی مرتبط با حدیث و در پیرامون آن اشاره کرده و گاه به نقل اشعار فارسی و عربی خود پرداخته است. (ص ۴۴-۴۵، ۱۷۰-۱۷۱، ۲۹۴-۲۹۶ و...). اگرچه وی عهده‌دار ترجمه و شرح چهل حدیث شده است، برخی از احادیث کتاب از معصوم نیست و، در واقع، حدیث نیست. از آن جمله است حدیث پنجم (ص ۶۱) و دهم (ص ۱۱۳) و سی و نهم (ص ۳۶۵). البته مؤلف، خود، در

ذیل حدیث پنجم می‌گوید: «نقل از امام (ع) نشده و مانند نقل اهل تاریخ است.» (ص ۶۲). مضافاً اینکه وی همین مطلب تاریخی را مجعول شمرده است.

فهرست پاره‌ای از مطالب کتاب عبارت است از: گریستن بر امام حسین، زیارت قبر آن حضرت، فضیلت حضرت ابوالفضل، غیبگویی امام حسین در باره ابن سعد، تشابه امام حسین و حضرت یحیی، رفتار امام سجّاد پس از شهادت پدر، رؤیاهای امام حسین، فواید تربت امام حسین، کسوف در روز عاشورا.

مؤلف در لابلای کتاب، به صورت ضمنی، از مسائل متعدّدی سخن گفته است. از جمله درباره رجعت (ص ۸۷-۱۱۱) و بداء (ص ۱۹۶-۲۱۹) و رواج «اکاذیب» و «خرافات» در میان مرثیه خوانان. (ص ۹ و ۲۴۳ و ۳۰۲). وی کتاب مقتل ابومخنف را مفقود شده می‌داند و کتابی را که اینک به این نام معروف و موجود است، «مجهول الحال و غیر معلوم المؤلف» می‌شمارد که «اگر چه مشتمل بر بعض روایات ابی مخنف است، لیکن محلّ اعتماد اهل علم نیست». (ص ۹). وی همچنین بارها به کتاب منتخب شیخ طریحی خُرده گرفته که مسامحات فراوان در آن است (ص ۹) و «روایت مختصّه به آن کتاب اعتباری ندارد». (ص ۶۴). درباره حدیث کساء نیز می‌گوید: «از احادیث متواتره اسلام است... اما حدیث کسای معروف در زمان مادر کتب معتبره نقل نشده و از خصائص منتخب شیخ طریحی است و خالی از اخلال در متن نباشد و...» (ص ۲۴۳). درباره منقولاتی که به سرخی آسمان بر اثر شهادت امام حسین دلالت دارد، می‌گوید که شاید مقصود «حدوث حمرة خاصه باشد» (ص ۱۶۸) و «حمرة افق در طلوع و غروب که از انعکاس شعاع حادث شود، احتمال نرود که مراد علمای اعلام و مورّخین و الامقام باشد». (ص ۱۶۹). همچنین در باره کسوف و خسوف بر اثر شهادت امام حسین می‌گوید: «نص صریحی در کسوف شمس و قمر در عاشورا در احادیث معصومین نیافتیم». (ص ۳۶۷). با وجود این، احتمال می‌دهد که شاید مقصود در برخی از احادیث، که در این باره نقل شده، «حدوث تیرگی و سرخی مخصوصی باشد در جرم نیرین، نه آنکه کسوف و خسوف معهود مراد باشد». (ص ۳۶۶).

۳۰

لواعج الاشجان فی مقتل الحسين

سید محسن امین عاملی. چاپ دوم: قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۴ ق. ۲۵۸ + ۹۲ + ۶۰ ص، وزیری. ✓

کتابی است توصیفی در باره قیام امام حسین -ع- و بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت. تاریخ پایان تألیف کتاب ذوالقعدة ۱۳۲۹ است و نخستین بار در سال ۱۳۳۱ قمری در صیدا چاپ شده است. چاپ حاضر، افسست از آن چاپ است و دو کتاب دیگر، که شماره صفحه‌های آن مستقل است، ضمیمه آن شده است: اصدق الاخبار فی قصة الاخذ بالثار، از همین نویسند؛ نصاریات، که شامل مرثیه‌های محمد نزار عراقی است. در این کتابشناسی فقط کتاب لواعج الاشجان مورد نظر است.

در صفحه عنوان کتاب در چاپ صیدا آمده است: لواعج الاشجان فی مقتل الامام ابی عبدالله الحسین ابن علی بن ابی طالب علیهم السلام. اما در صفحه عنوان و روی جلد این چاپ (مکتبه بصیرتی) آمده است: لواعج الاشجان فی مقتل الحسین. حال آنکه عنوان کتاب، چنانکه نویسند در آغاز آن گفته (ص ۲)، فقط لواعج الاشجان است.

لواعج الاشجان بر پایه کتابها و روایات قابل اعتماد نوشته شده، اما نویسند منابع خود را نقل نکرده است. به نظر وی این کتاب، بی مانند است («لم یجتمع مثله») و هر منصفی امتیاز آن را از دیگر کتابها می داند. (ص ۲۵۸).

مطالب کتاب در مقدمه، سه مقصد و خاتمه گنجانده شده است. مقدمه کتاب درباره فضایل امام حسین، پیشگویی پیامبر در باره شهادت آن حضرت، پاداش

گریستن بر او، و نیز شامل خطبه و چند شعر از آن حضرت است. مقصد (بخش) اول کتاب مشتمل بر گزارشی از قیام آن حضرت تا ورود به کربلاست. مقصد دوم در باره رخدادهای در کربلا تا شهادت آن حضرت و یارانش است. و سرانجام مقصد سوم در باره وقایع بعد از شهادت آن حضرت است؛ از بروز سرخی در آسمان و باریدن خون تاروانه کردن اسیران اهل بیت به کوفه و شام و بازگشت آنها به مدینه و خطبه‌های امام سجّاد -ع- و حضرت زینب -س- و دیگران. خاتمه کتاب شامل دو فصل است: در فصل اول از محلّ دفن سر امام حسین سخن رفته و هفت قول ارائه شده است. فصل دوم، که تنها فصل تحلیلی کتاب است، در پاسخ به سه پرسش است: ۱. چرا آن حضرت با خانواده‌اش به کوفه رفت، با اینکه خیرخواهان او را نهی کرده بودند؟ ۲. آیا قیام آن حضرت مصداق خود را به هلاکت افکندن نیست؟ ۳. چگونه می‌شود کار او و امام حسن -ع- را جمع کرد؟

در پاسخ به پرسش سوم گفته شده که آن حضرت مأمور به قیام بود، همان‌گونه که امام حسن مأمور به صلح بود، و لازم نیست که تکلیف هر دو، یک چیز باشد. در پاسخ به پرسش دوم اشاره شده که قیام آن حضرت نه تنها مصداق هلاکت نیست، بلکه بذل جان در راه خداست. در پاسخ به پرسش نخست نظر سید مرتضی در کتاب تنزیه الانبیاء نقل شده است که وضع کوفه در آغاز چنان بود که امام در آنجا به هدف خود می‌رسید، اما سپس وضع دگرگون شد. نویسنده پس از نقل نظر سید مرتضی آن را نادرست دانسته و گفته است که آن حضرت از فرجام حرکت خود به سوی کوفه آگاه بود و می‌دانست که به شهادت می‌رسد و تکلیف او استقبال از شهادت بود. آنگاه گفته نظر سید بن طاووس در کتاب لهوف نیز همین است.

لواعج الاشجان ذیل عنوان امام حسین علیه السلام و حماسه کربلا، به قلم ناصر پاکپور، به فارسی ترجمه و منتشر شده است. (چاپ اول: تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۳۶۶).

۳۱

نفس المهموم فی مصیبة سیدنا الحسین المظلوم و یلیه نفثة المصدور فیما یتجدد به حزن العاشور

عباس قمی. مقدمه سید احمد حسینی. چاپ اول: بیروت، دارالمحجة البيضاء و دار الرسول الاکرم (ص)، ۱۴۱۲. ۶۴۴ص، وزیری. ✓

اثر حاضر از دو کتاب تشکیل شده است: نفس المهموم (ص ۵ - ۵۵۲) و نفثة المصدور (ص ۵۵۵ - ۶۲۹). تاریخ تألیف کتاب اول ۱۳۳۵ قمری و تاریخ تألیف کتاب دوم ۱۳۴۲ قمری است و هر دو پیش از کتاب منتهی الآمال (کتاب دیگر همین نویسنده)، نوشته شده است. کتاب اول، که در این کتابشناسی مورد نظر است، مهمتر و مشهورتر از کتاب دوم است و کتاب دوم را نویسنده به کتاب اول الحاق کرده است.

نفس المهموم کتابی است خوشخوان و خوش تدوین در باره امام حسین -ع- و قیام او که «نظر رایج» شیعه را در باره آن حضرت بیان می کند. این کتاب حاصل جمع کتابهای گذشتگان است و اغلب مطاوی آن را نقل قول تشکیل می دهد و تحلیل و ارزیابی در آن کمتر ملاحظه می شود. مطالب کتاب مانند گاه عین کتاب منتهی الآمال است و کتاب اخیر را می توان گزارش فارسی این کتاب شمرد.

نفس المهموم شامل مقدمه، پنج باب و خاتمه است. مقدمه کتاب، کوتاه و در باره ولادت امام حسین است. باب اول در باره مناقب آن حضرت و پاداش گریستن بر او و لعن کشندگان او و احادیث در باره شهادت او است. باب دوم، که مفصلترین باب کتاب است، گزارشی است از قیام آن حضرت و شهادت او و یاران و خانواده اش که در آن

رخدادهای روز تاسوعا و عاشورا با تفصیل بیشتر بیان شده است. باب سوم در باره رخدادهای پس از شهادت آن حضرت است؛ مانند ربودن جامه شهیدان، غارت خیمه‌ها، دفن پیکر شهیدان، ورود اهل بیت به کوفه، خطبه حضرت زینب و فرستادن سرهای شهیدان و اهل بیت به شام. در باب چهارم به رخدادهایی پرداخته شده که در پی شهادت آن حضرت آشکار شد؛ مانند گریستن آسمان و زمین و مردم و فرشتگان در سوگ آن حضرت و اشعاری که شاعران در شهادت وی سرودند. در واپسین باب کتاب از فرزندان و همسران امام و پاداش زیارت او و دست‌اندازی خلفا بر قبر او سخن رفته است. قیام مختار و شرح حال توأبیین و مرگ معاویه و یزید مطالب خاتمه کتاب را تشکیل می‌دهد.

گذشت که **نفس المهموم** حاصل جمع کتابهای گذشتگان است. البته نویسنده مطالبی را نقل می‌کند که خود قبول دارد و صحیح می‌داند. همان‌گونه که در آغاز کتاب می‌گوید: «جمعه [هذا الكتاب] من الكتب المعترية التي عليها الاعتماد والركون والاستناد». (ص ۶). به هر حال وی کوشیده است که بر پایه کتابهای گذشتگان، کتابی مورد اعتماد بنویسد.

پیوست کتاب مزبور، کتاب **نفثة المصدور** است که چنانگی است مختصر و در آن بیشتر به امام حسین -ع- پرداخته شده و از مناقب او و یارانش سخن رفته است. در خاتمه این کتاب اندرزهایی به اهل منبر و تعزیه خوانان داده شده است که این مطالب، با اندکی تفاوت، در کتاب **منتھی الآمال** نیز آمده است. نویسنده در این کار از استادش حاجی نوری در کتاب **لؤلؤ و مرجان** پیروی کرده است.

نفس المهموم و **نفثة المصدور** به فارسی ترجمه شده است. نخستین ترجمه **نفس المهموم** به قلم آیت الله ابوالحسن شعرانی انجام شده و با عنوان **دمع السجوم**: ترجمه **نفس المهموم** (تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۴ ق)، منتشر گردیده است. ترجمه دیگر این کتاب و نیز کتاب **نفثة المصدور** به قلم آیت الله محمدباقر کمره‌ای انجام شده و

با عنوان رموز الشَّهادة: ترجمه کامل نفس المهموم و نفثة المصدور (چاپ اوّل: تهران، انتشارات اسلامیّه، ۱۳۶۳)، چاپ شده است. همچنین این ترجمه ذیل عنوان در کربلا چه گذشت؟ (چاپ ششم: قم، انتشارات مسجد مقدّس صاحب الزّمان (عج)، ۱۳۷۵)، عرضه شده است.

برای آشنایی بیشتر با این کتاب رجوع شود به: سید علی میرشریفی. «سخنی در شناخت نفس المهموم». کیهان اندیشه. (شماره ۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵).
ص ۶۲-۶۳.

۳۲

وقایع الایام در احوال محرم الحرام

علی واعظ تبریزی خیابانی. تقریظ میرزا صادق مجتهد تبریزی. تبریز، کتابفروشی قرشی، شعبان ۱۳۸۷. ج ۲، ۵۷۵ ص، وزیری.

وقایع الایام فی تتمه محرم الحرام

علی واعظ تبریزی (خیابانی). تقریظ جعفر نقدی و میرزا فتاح شهیدی تبریزی. قم، کتابفروشی مصطفوی، بی تا. ج ۴، ۴۰۸ ص، وزیری.

دوره کامل این کتاب چهار جلد است. جلد اول و ویژه رجب و شعبان، جلد دوم و ویژه محرم، جلد سوم و ویژه ماه رمضان و جلد چهارم و ویژه تتمه محرم است. تاریخ پایان تألیف جلد دوم (ویژه محرم)، ذی حجه ۱۳۴۰ و تاریخ پایان تألیف جلد چهارم (تتمه محرم)، ربیع الثانی ۱۳۵۴ است.

این کتاب، بویژه جلد دوم و چهارم آن، که در باره وقایع محرم است، از همان آغاز مورد عنایت عالمان و اهل منبر قرار گرفت. همان گونه که نویسنده در آغاز جلد دوم کتاب مرقوم داشته است: «چون در سال هزار و سیصد و بیست و پنج هجری از جمع و طبع مجلد اول از کتاب وقایع الایام فراغت حاصل گشت... تألیف دیگر مجلّات و ترصیف سایر وقوعات در عقده تعویق و عهده تسویف بماند و در عرض این مدت چند کزّت از دیگر بلاد از اخیار عباد طالب بقیه وقایع الایام و راغب تتمه این مرام شدند و در تبریز نیز از اعظام علماء و مجتهدین و اکابر مشایخ و واعظین - ادام الله ایام افاضاتهم - در این باب حکمی اکید و امری شدید مشتمل بر عدم فتور و مقصر

بودن در صورت قصور در حق این قاصر صادر گردید». (ص ۳).

جلد دوم و چهارم کتاب درباره وقایع محرم است و بیشینه مطالب آن در باره امام حسین -ع- و قیام اوست. پاره‌ای از مطالب جلد چهارم خارج از موضوع کتاب است و در حاشیه صفحات آن شرح حال تنی چند از عالمان آمده است. نویسنده با تتبع در منابع فراوانی این کتاب را فراهم کرده و ضمن توصیف وقایع و بیان آنچه در منابع آمده، گاه به تحلیل آنها نیز پرداخته و نظر مختار خود را، که غیر از نظر دیگران است، مرقوم داشته است. در منابع نویسنده کتابهای ضعیفی چون اسرار الشهادة فاضل دربندی و منتخب طریحی ملاحظه می‌شود.

برخی از مطالب جلد دوم و چهارم کتاب عبارت است از: فضیلت عزاداری، ویژگیهای تربت کربلا، وقایع عصر تاسوعا، وقایع شب عاشورا، شرح حال حضرت زینب، وقایع روز عاشورا، وقوع جنگ مغلوبه در روز عاشورا، شهادت امام حسین، گریستن انبیا و فرشتگان بر امام حسین، وقایع عصر عاشورا، چگونگی دفن شهدا، ورود اهل بیت به کوفه و شام، منازل اسیران اهل بیت.

دانستنی است قاضی طباطبائی در کتاب تحقیق در باره اول اربعین ... (ص ۷۳۰)، در باره این نویسنده مرقوم داشته است: «در میان مشایخ محدثین عصر ما نیز مرحوم علامه محدث، ثقه جلیل، آقای حاج مولی علی واعظ تبریزی خیابانی، صاحب مجلّات وقائع الایام -رحمه الله تعالی- رویه بسیار خوبی در تألیفاتش دارد: هرچه از ضعیف و قوی و صحیح و سقیم نقل کرده، مصدر و سند نقل خود را نشان داده است».

۳۳

ابصار العین فی انصار الحسین علیه وعلیهم السلام

محمد سماوی. تصحیح محمدجعفر طبسی. چاپ اول: [قم]، مرکز الدراسات الاسلامیة لحرس الثورة، ۱۳۷۷. ۳۰۲ص، وزیری. سند. ✓

کتابی است کم برگ، اما پر بار، درباره امام حسین -ع- و یاران او که از پی سالها پژوهش نوشته شده و تاریخ پایان تألیف آن شعبان ۱۳۴۱ است. نویسنده در آغاز کتاب گفته است من از دیرباز مشتاق شناخت یاران امام حسین بودم و از این رو به مدت ده سال کتابهای رجال و مقاتل را بررسی کردم. سرانجام شرح حال یاران امام را جمع آوری کردم و یادداشت‌هایم را سامان دادم و آن را ابصار العین فی انصار الحسین نام نهادم. (ص ۲۱).

مطالب کتاب در یک فاتحه، هفده مقصد و یک خاتمه گنجانده شده و در مجموع، شرح حال بیش از صد و ده شهید آمده است. در فاتحه کتاب، که حدود یک هفتم آن است، به اجمالی از زندگی امام حسین پرداخته شده است. آنگاه در ضمن هفده مقصد، شرح حال شهیدان آمده است؛ از جمله شهیدان آل ابوطالب، شهیدان بنی اسد، شهیدان آل همدان، شهیدان انصار، شهیدان بنی کلب و غیره. سپس در خاتمه کتاب، بیست نکته در باره انصار توضیح داده شده و، از جمله، گفته شده است: در کربلا سر همه شهیدان، بجز دو تن، بریده شد. پنج تن از اصحاب رسول خدا -ص- همراه امام حسین -ع- به شهادت رسیدند. هفت تن از اصحاب امام حسین با پدرانشان شهید شدند. یک زن همراه امام حسین به شهادت رسید.

یکی از فایده‌های جنبی کتاب مباحثی است تحت عنوان «ضبط الغریب» که در آن معنی برخی از واژه‌های غریب و چگونگی تلفظ آنها آمده است.

این کتاب، سالها پیش از این، به قلم علیرضا خسروانی با عنوان یاران با وفای حسین علیه السلام به فارسی ترجمه و چاپ شده است. (تهران، کتابفروشی مرتضوی). همان‌گونه که خانباا مشار در فهرست کتابهای چاپی فارسی (ج ۵، ص ۵۵۷۸)، از این ترجمه با همین عنوان یاد کرده است. اما شیخ آقا بزرگ تهرانی در دو جا از کتاب الذریعة (ج ۲۶، ص ۱۸۹ و ۲۵۵)، از این ترجمه با عنوان جماعت حسینی نام برده است که درست نیست. ترجمه فارسی دیگری از این کتاب به اهتمام عبدالرحیم عقیقی بخشایشی انجام شده و همراه چند اثر دیگر ذیل عنوان انصار الحسین (ع): ترجمه کتاب ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام (عنوان روی جلد: حماسه سازان کربلا)، منتشر شده است. (چاپ اول: قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۶۹).

گفتنی است ملا علی واعظ خیابانی تبریزی در کتاب علماء معاصرین (تهران، مطبعة اسلامیة، ۱۳۲۵)، به «ذکر برخی از تحقیقات و روایات ابصار العین فی انصار الحسین...» پرداخته و این کتاب را ستوده است. (ص ۲۶۶-۲۶۸).

۳۴

نهضة الحسين

هبة الدین حسینی شہرستانی. چاپ دوم: قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳. ۱۸۵ ص، وزیری.

اثری است توصیفی - تحلیلی درباره قیام امام حسین - ع - که بیان کننده «نظر رایج» شیعه درباره آن حضرت است و تاریخ تألیف آن ماه رمضان ۱۳۴۳ است. پس از انتشار کتاب حاضر تنی چند از دانشوران به ستایش از آن پرداختند؛ از جمله: محمد حسین آل کاشف الغطاء، طنطاوی جوهری، محمد فاضل جمالی، محمد زغلول پاشا و سید حبیب اللہ عبیدی. در آغاز متن عربی کتاب تنها تقریظ کاشف الغطاء، آن هم در ضمن سخن ناشر، آمده است. تقریظهای دیگر در آغاز ترجمه فارسی کتاب، که مشخصات آن سپس می آید، ملاحظه شد. در تقریظ کاشف الغطاء آمده است: «نهضة الحسين از آثار ماندگاری است که باید آن را از کتابهای دهر (روزگار) شمرد، نه از کتابهای عصر (این روزگار).»

متن کتاب در صفحه ۱۵۷ به فرجام می رسد و از آن پس، بحثی درباره تاریخ عزاداری آمده که به قلم جواد حسینی شہرستانی است و در این کتابشناسی مورد نظر نیست. این بحث بدون هیچ توضیح به کتاب افزوده شده و معمولاً پنداشته می شود که جزء کتاب است.

به دیده نویسنده، امام حسین می دانست که چه بیعت کند و چه بیعت نکند، کشته خواهد شد. اما بیعت نکرد تا دین خدا کشته نشود. (ص ۴۲). وی در تحلیل هدف آن

حضرت گفته است: تا نامه‌ها و قاصدان مردم کوفه به آن حضرت نرسیده بود، هدفش دفاع از خود و پناه بردن از گناه بیعت با یزید به پناهگاه محکمی بود؛ ولی پس از شنیدن مددخواهی مردم، رأی امام از دفاع محدود به دفاع دامنه‌داری تغییر یافت. (ص ۵۹). او در جای دیگری گفته است: امام خواست حجّت را بر کوفیان تمام کند، پیش از آنکه آنان حجّت را بر امام تمام کنند. پس اگر بر ستمکاران غالب می‌شد، به هدف دست می‌یافت؛ ورنه به سرحدّی می‌رفت تا خداوند فتح بآبی کند. (ص ۶۴).

فهرست برخی از مطالب کتاب چنین است: «خلافت یزید و مخالفت حسین با آن»، «شایستگی حسین برای خلافت»، «حسین رمز حقیقت و فضیلت»، «چگونه حسین بیعت کند؟»، «نظری به هجرت حسین»، «کوفه در نظر حسین»، «فروود آمدن حسین در کربلا»، «اهتمام امام به موعظه و نصیحت»، «توبه حر و شهادت او»، «به خاک افتادن امام و کشته شدن او»، «زینب در پایتخت پدرش».

بنا به گزارش رضا استادی در مقاله «کتابنامه امام حسین علیه السلام»، مندرج در کتاب **چهل مقاله** (ص ۴۰۸)، **نهضة الحسین** در سال ۱۳۴۶ قمری به قلم سید علی اکبر برقعی ذیل عنوان اسرار جانکاه، یا، نهضت حسینی به فارسی ترجمه شده و نسخه خطی آن در کتابخانه مسجد اعظم در قم موجود است. بار دیگر این کتاب با عنوان **عظمت حسینی**، به قلم علیرضا خسروانی، به فارسی ترجمه و چاپ شده است. (تهران، چاپخانه تابان، ۱۳۱۸). همچنین گزیده‌ای از این کتاب با عنوان **مختصر نهضة الحسین** منتشر شده است. (بغداد، مطبعة دارالسلام، ۱۳۴۵). ۱۱۶ + دص، وزیری.

در نقد پاره‌ای از مطالب کتاب حاضر رجوع شود به: سید علی فرحی. **بردسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی**. (چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵).

۳۵

اقناع اللائم على اقامة المآتم

سید محسن امین عاملی. تصحیح محمود بدری. چاپ اول: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۸ق. ۴۱۸ص، وزیری. سند. ✓

کتاب مزبور در باره استحباب عزاداری بر امام حسین -ع- است و بر پایه ادله عقلی و نقلی نوشته شده و مفصلترین و مستندترین کتاب در این باره است. تاریخ پایان تألیف کتاب ذوالقعدة ۱۳۴۳ و تاریخ پایان تنقیح آن جمادی الثانی ۱۳۴۴ است و نویسنده آن را مقدمه یا خاتمه کتاب المجالس السنیه فی ذکرى مصائب العترة النبویه قرار داده است. (ص ۴۱).

مقصود نویسنده از «اقامة المآتم» (برپا داشتن سوگواریها)، گریستن بر امام حسین، اظهار ناراحتی، یادکرد مصیبتهای او، مرثیه خوانی، بیان فضیلتهای او و دیگر امور مانند اینهاست؛ مشروط به اینکه مشتمل بر فعل حرام نباشد. (ص ۴۱ - ۴۲).

نویسنده در مقدمه کتاب انگیزه خود را از تألیف آن پاسخ به پرسشها و انتقادات دانسته و گفته است: برخی از مردم در باره اقامه عزاداری به ما خُرده می‌گیرند و می‌گویند لزومی بدان نیست. یا اینکه می‌گویند صدها سال از کشته شدن امام می‌گذرد و یادکرد آن در هر سال چه معنایی دارد؟ و یا می‌گویند یزید یک بار امام را کشت و شما هر سال او را می‌کشید. و.... (ص ۴۲). در ادامه به انتقاداتی احمد سورتکی انصاری سودانی در مجله الذخيرة الاسلامية اشاره شده که به سنتهای شیعه در روز عاشورا انتقاد کرده است. (ص ۴۴ - ۴۷). چنین می‌نماید که انگیزه اصلی نویسنده در

تألیف این کتاب پاسخ به انتقادهای اوست. از این روست که در ضمن کتاب نیز بارها به انتقادهای او اشاره و آن را رد کرده است. (ص ۸۶، ۱۹۱، ۲۸۵، ۳۱۰، ۳۶۳-۳۶۷).

افتتاح اللآئم مشتمل بر مقدمه و هشت فصل است. فصل اول در باره اندوه و گریه به سبب کشته شدن امام حسین است. در این فصل بیست و نه دلیل بر جواز گریستن بر امام ارائه شده است. دلیل اول اصالة الاباحة و دلیل دوم خشم خداوند به سبب کشته شدن امام است. مقصود نویسنده از دلیل دوم دگرگونیهایی است که در جهان آفرینش پس از کشته شدن امام رخ داد؛ از جمله: گریستن آسمانها و زمین، بارش خون از آسمان، بارش خاک سرخ از آسمان، سیاه و تاریک شدن آسمان، سرخ شدن آسمان، تبدیل خاک و سنگریزه به خون و... دلیل سوم تا بیست و نهم عبارت است از گریستن پیامبر و ائمه طاهرين بر ديگران و نیز بر امام حسين.

فصل دوم در باره مرثیه سرایی در سوگ مردگان و بیان فضایل آنان است و به رثای بزرگان و اصحاب پیامبر اشاره و نمونه‌هایی از آن آورده شده است. در فصل سوم از ثناگویی بر مردگان و ستودن آنان سخن رفته و به نمونه‌هایی از آن در صدر اسلام اشاره رفته است. فصل چهارم به تشکیل مجلس سوگواری و اظهار اندوه و ثناگفتن از مردگان اختصاص یافته است. در فصل پنجم به انفاق به قصد اهدای ثواب به مردگان و در فصل ششم به فواید دینی و دنیوی مراسم سوگواری پرداخته شده است. در فصل هفتم نظریات ماریین آلمانی و ژوزف فرانسوی در باره شهادت امام حسین و فواید مراسم سوگواری بر او بیان شده است. و سرانجام آخرین (هشتمین) فصل به نتیجه‌گیری از مباحث گذشته اختصاص یافته و پاره‌ای از انتقادهای بر عزاداری نقل و نقد شده است.

ذخیره الدّارین فیما یتعلّق بسیدنا الحسین علیه السّلام

عبدالمجید حسینی حائری شیرازی. تقریظ سید عبدالحسین طباطبائی و جعفر نقدی و محمّدعلی غروی اوردبای [اردوبادی] نجفی و علی بازی. نجف، مطبعة المرتضویّة، ۱۳۴۵. ج ۱، ۲۸۷ + ۱۴ ص، وزیری. ✓

دوره کامل این کتاب سه جلد است و عنوان آن، چنانکه نویسنده در آغاز و پایان کتاب گفته (ص ۲ و ۲۸۷)، ذخیره الدّارین فیما یتعلّق بمصائب الحسین واصحابه علیهم السّلام است. با این وصف، در صفحه عنوان کتاب، ذخیره الدّارین فیما یتعلّق بسیدنا الحسین علیه السّلام درج گردیده و در کتابشناسیها نیز با عنوانهای مشابهی یاد شده که غلط است. جلد دوم و سوم کتاب تاکنون چاپ نشده و جلد اول چاپ سنگی شده و تاریخ پایان تألیف این جلد محرم ۱۳۴۵ است.

نویسنده در آغاز کتاب گفته است: آنچه مرا به نگارش این مقتل برانگیخت، این است که نگرستم در برخی از مقتلهای اطناب و غث و سمین است و برخی دیگر چنان مختصر است که خالی از مطالب صحیح است. پس به نگارش این مقتل پرداختم و آن را جامع جمیع مطالب و خالی از اساطیر ساختم. (ص ۲).

جلد اول این کتاب شامل مقدمه و ده مجلس و خاتمه است. در مقدمه از منابع کتاب یاد شده که مشتمل بر بیش از صد کتاب و نشانه تتبع گسترده نویسنده است. البته در منابع از مقتل ابومخنف و المنتخب فخرالدین طریحی و نورالعین فی مشهد الحسین از اسفراینی یاد شده که در اعتبار هر سه بحث است. همچنین از کتاب ابصارالعین فی انصار الحسین نام برده شده که اندکی پیش از چاپ این کتاب منتشر گردیده بود. مجلس اول کتاب در باره دعوت معاویه از مردم برای بیعت با یزید است.

مجلس دوم در شرح حال عمرو بن حمق و حجر بن کندی و یارانش است. در مجلس سوم از نیرنگ معاویه برای ازدواج یزید و اُرینب و علّت دشمنی یزید با امام حسین -ع- سخن رفته است. مجلس چهارم در بیان نسب معاویه و یزید و عبیدالله و عمرو عاص و عمر بن سعد و شمر و مانند اینهاست. در این مجلس از مسائل دیگر، مانند علل صلح امام حسن و قیام امام حسین، سخن رفته است. در مجلس پنجم از ظلم عبیدالله بن زیاد به اصحاب امیرالمؤمنین پیش از رفتن امام حسین به عراق سخن رفته است. شهادت میثم تمار و رشید هجری و دیگران موضوع بحث این مجلس است. در مجلس ششم به کفر قاتلان امام حسین و در مجلس هفتم به فضیلت شهیدان قیام آن حضرت پرداخته شده است. مجلس هشتم و نهم و دهم در شرح حال شهیدان است و مهمتر و مفصلتر از مجلسهای دیگر و شامل نیمی از کتاب است. در مجلس هشتم، نخست به شرح حال شهدای بنی هاشم که نامشان در زیارت ناحیه آمده و سپس به شرح حال آن دسته که نامشان در زیارت فوق نیامده، پرداخته شده است. مجلس نهم در شرح حال آن دسته از اصحاب امام حسین است که در روز عاشورا شهید شدند و نامشان در زیارت ناحیه آمده است. مجلس دهم به شرح حال آن دسته از اصحاب امام حسین اختصاص دارد که در روز عاشورا شهید شدند و نامشان در زیارت ناحیه نیامده است. و سرانجام در خاتمه کتاب به شرح حال هشت شهید پرداخته شده که پیش از رسیدن امام حسین به کربلا در کوفه شهید شدند.

در کتاب حاضر شرح حال بیش از صد و سی شهید آمده است. یکی از فایده‌های جنبی کتاب مباحثی است تحت عنوان «توضیح» که در آن معنی برخی از واژه‌های غریب و چگونگی تلفظ آنها آمده است. احتمالاً نویسنده در طرح این مباحث به سماوی در کتاب *إبصار العین فی انصار الحسین* اقتدا کرده است.

گفتنی است واعظ تبریزی خیابانی در کتاب *وقایع الایام فی تمتة محرّم الحرام* (ج ۴، ص ۲۱۵)، و قاضی طباطبائی در کتاب *تحقیق در باره اول اربعین...* (ص ۶۵۸-۶۵۹)، کتاب فوق و نویسنده‌اش را ستوده‌اند.

۳۷

ثورة التنزيه

«رسالة التنزيه» تليها مواقف منها وآراء في السيد محسن الأمين

محمد قاسم حسيني نجفي (آماده سازی). چاپ اول: بيروت، دارالجدید، ۱۹۹۶م.

۱۲۴ص، وزیری. ✓

کتاب حاضر شامل چند مقاله و رساله‌ای با این عنوان است: *التنزيه في اعمال الشبيبه*، تأليف سيد محسن امين عاملي. مقالات کتاب در باره این رساله و نقش اصلاحی نویسنده آن است و آنچه از این کتاب مورد نظر ماست، همین رساله آن است.

التنزيه في اعمال الشبيبه، که معمولاً باختصار از آن با عنوان *التنزيه* یاد می‌شود، رساله‌ای است کوتاه که تاریخ پایان تألیف آن محرم ۱۳۴۶ است. این رساله بنا به گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی در *الذريعة* (ج ۴، ص ۴۵۵)، نخست در مطبعة العرفان در سال ۱۳۴۷ قمری در بیست و دو صفحه منتشر شد. رساله حاضر همواره نایاب است، اما بارها در ضمن چند کتاب چاپ شده و نیز خلاصه‌ای از آن در *ايعان الشيعة* (ج ۱۰، ص ۳۷۳-۳۷۸)، منتشر گردیده است. چاپ حاضر، بهترین چاپ آن است.

التنزيه در باره پاکسازی مراسم عزاداری و تعزیه گردانی از بدعتهاست و نخستین کتابی است که در این باره نوشته شده و، بدون تردید، مناقشه‌انگیزترین کتابی است که در باره عزاداری نوشته شده است. مهمترین بخش این کتاب همان سه صفحه آغاز آن است که از بدعتها و منکرات در عزاداری برای امام حسین -ع- سخن رفته و امور ذیل در شمار آنها دانسته شده که رواج دارد: ۱. دروغ، که در منابر و محافل

گفته می‌شود. ۲. آزار بدن با قمه، که موجب جاری شدن خون می‌شود. ۳. استعمال آلات لهو، مانند طبل و شیپور و سنج. ۴. مانندسازی مردان به زنان. ۵. سوار شدن زنان با صورت باز بر کجاوه و مانند کردن آنان به دختران رسول خدا. ۶. شیون زنان در حضور مردان نامحرم که، اگر هم حرام نباشد، عیب و ننگ و خلاف ادب و مروّت است. ۷. بانگ و شیون با صدای ناپسند و زشت. ۸. کلیه اعمالی که موجب هتک و افتضاح است و به شمارش نمی‌آید.

سپس، تا پایان رساله، به نقد مطالب کتابی پرداخته شده که در آن کفن پوشیدن و قمه زنی و طبل و سنج زدن و شیپور نواختن در عاشورا، نیکو شمرده شده و در ضمن کتاب، کنایه‌ای به نویسنده هم زده شده است. علامه امین به نام این نویسنده و عنوان کتابش اشاره نکرده است؛ اما همان‌گونه که شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۱۲، ص ۲۹۲)، گفته است وی شیخ عبدالحسین صادق عاملی و عنوان کتابش سیماء الصلحاء فی اثبات جواز اقامة العزاء لسید الشهداء است که در سال ۱۳۴۵ قمری منتشر شد. از اینجا دانسته می‌شود که رساله التّزیه یک سال پس از کتاب سیماء الصلحاء و در پاسخ به آن نوشته شد.

علامه امین ضمن نقل مطالبی از کتاب یاد شده، به نقد آن پرداخته و در این نقد، عهده‌دار ابطال دلایل نویسنده برای رخصت در نقل برخی از احادیث، کفن پوشیدن، قمه زدن و قیاس کردن آن با حجامت و... شده و در پایان گفته است: اگر سخنان این نویسنده درست باشد، شایسته بود که عالمان به این اعمال می‌پرداختند و پیشگام می‌شدند و طبل و سنج می‌زدند و شیپور می‌نواختند و کفن می‌پوشیدند و با شمشیر به سر و روی خود می‌زدند تا مردم به آنان اقتدا کنند. حال آنکه هیچگاه عالمان چنین نکردند و بدان فرمان ندادند و برخی از عوام این امور را در عصر حاضر ایجاد کردند. کتاب ثورة التّزیه شامل رساله التّزیه (ص ۲۱-۴۳)، و چند مقاله در باره این رساله و نویسنده آن است که فهرست آنها عبارت است از: «سید العلویین» و «الأمویین» از جعفر خلیلی، «ارتفع إلى مصاف أكابر الرجال...» از حکمت هاشم، «الالتزام في فکر

الإمامين الشيخ محمد عبده و السيد محسن الأمين» از محمد سعید رحیل، «لو كان في الإسلام من مثله عدد الأنامل...» از وجیه بیضون، «زعيم من زعماء الروحانية في هذا الشرق» از مجله العرفان.

رسالة التنزيه، به لحاظ خرافه‌زدایی، مانند کتاب لؤلؤ و مرجان، از میرزا حسین نوری، است. یعنی همان گونه که نوری در لؤلؤ و مرجان عهده‌دار خرافه‌زدایی از روضه خوانی و پاکسازی آن شده، علامه امین در التنزيه عهده‌دار خرافه‌زدایی از عزاداری و تعزیه گردانی و پاکسازی آنها شده است. با این تفاوت که اولاً فضل تقدّم در خرافه‌زدایی از آن مؤلف لؤلؤ و مرجان است، ثانیاً کتاب لؤلؤ و مرجان تقریباً مقبول و مؤثر واقع شد، اما رساله التنزيه مورد مناقشه قرار گرفت و بر آن ردیه‌های متعددی نوشته شد.

همچنین رساله التنزيه به لحاظ مناقشه‌انگیز بودن، مانند کتاب شهید جاوید، از صالحی نجف‌آبادی، است. یعنی همان گونه که التنزيه مناقشه‌انگیزترین کتابی است که در باره عزاداری بر امام حسین نوشته شده، شهید جاوید مناقشه‌انگیزترین کتابی است که در باره آن حضرت نوشته شده است.

دانستنی است این رساله به قلم جلال آل احمد با عنوان عزاداریهای نامشروع در سال ۱۳۲۲ به فارسی ترجمه و در شانزده صفحه در چاپخانه تابان در تهران منتشر شد. اما فی الفور همه نسخه‌های این ترجمه جمع‌آوری و از بین برده شد. جلال آل احمد در ضمن شرح حال خویش، در کتاب یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات (چاپ اول: تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۶)، بدین مطلب اشاره کرده است: «جزوه‌ای ترجمه کرده بودم از عربی به اسم عزاداریهای نامشروع که سال ۲۲ چاپ شد و یکی - دو قران فروختیم و دو روزه تمام شد و خوش و خوشحال بودیم.... نگو که بازاریهای مذهبی همه‌اش را چکی خریدند و سوزانده. این را بعدها فهمیدیم.» (ص ۷۲).

این ترجمه همواره نایاب بود تا آنکه نیم قرن بعد به کوشش و با مقدمه سید

قاسم یاحسینی با همان عنوان (عزاداریهای نامشروع)، همراه تحلیلی از کتاب و توصیفی از شرح حال نویسنده آن در پنجاه و سه صفحه منتشر شد. (بوشهر، نشر شروه، ۱۳۷۱).

در پی انتشار رساله التّزیه، چند کتاب در ردّ آن منتشر شد که در ذیل به مشخصات آنها اشاره می‌شود:

محمدحسین آل مظفر نجفی. الشّعائر الحسینیّة. بغداد، مطبعة النّجاح، ۱۳۴۸.
(الذّریعة، ج ۱۴، ص ۱۹۱ و ج ۴، ص ۴۵۵).

عبدالحسین حلّی نجفی. التّقدّزیه لرسالة التّزیه. نجف، مطبعة الحیدریّة، ۱۳۴۷.
(الذّریعة، ج ۲۴، ص ۲۷۹ - ۲۸۰). این کتاب دو جلد است و دانسته نشد که جلد دوم آن منتشر شده است یا نه.

سید علی نقی لکهنوی. اقالة العاثر فی اقامة الشّعائر الحسینیّة. نجف، ۱۳۴۸.
(الذّریعة، ج ۲، ص ۲۶۳ و ج ۴، ص ۴۵۵).

محمدعلی اردوبادی نجفی. الكلمات الجامعة حول المظاهر العزائیة. (الذّریعة، ج ۱۸، ص ۱۱۴).

همچنین شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذّریعة (ج ۴، ص ۴۵۵)، کتاب النظرة الدّامعة، از مرتضی آل یاسین کاظمی، را در ردّ رساله التّزیه شمرده است؛ اما با توضیحات بیشتر وی در جلد دیگری از الذّریعة (ج ۲۴، ص ۱۹۶)، دانسته می‌شود که النظرة الدّامعة در ردّ التّزیه نیست.

آخرین نکته اینکه در الذّریعة (ج ۱۸، ص ۲۴)، از کتابی با عنوان کشف التّمویه عن رسالة التّزیه، گردآوری محمد گنجی (نجف، ۱۳۴۷)، ۷۴ ص، یاد و در باره آن گفته شده که شامل فتاوی عالمان در موافقت با رساله التّزیه است. همچنین در الذّریعة (ج ۸، ص ۲۲۸)، از کتاب دیگری با عنوان دفع التّمویه عن رسالة التّزیه فی اعمال الشّیبه، از علی جمال (۱۳۴۷)، یاد و در باره آن گفته شده که در تأیید رساله التّزیه است.

۳۸

الامام الحسين

عبدالله علايلي. چاپ اول: قم، انتشارات شريف رضى، ۱۳۷۴. ۵۵۸ ص، وزيرى. ✓

نويسنده كتاب از روشنفكران اهل سنت لبنان است و در اين كتاب عهده دار بررسى تاريخ اسلام و زندگى امام حسين -ع- شده است. كتاب حاضر شامل سه جلد (حلقه) است كه بتدرى منتشر شد و سپس ذيل عنوان الامام الحسين يكجا به چاپ رسيد. عنوان جلد هاى كتاب، به ترتيب، عبارت است از: سمو المعنى فى سمو الذات، او، اشعة من حياة الحسين عليه السلام؛ تاريخ الحسين، نقد و تحليل؛ ايام الحسين، عرض و قصص. تاريخ چاپ جلد اول كتاب ۱۳۵۸ قمرى است.

دامنه تحقيق نويسنده رخداده اى پس از درگذشت پيامبر تا دوران يزيد است. بسيارى از مطالب كتاب درباره سيرة خلفا و دسته بنديهاى صدر اسلام است و چندان ارتباطى با موضوع اصلى كتاب ندارد و، حداقل اينكه، نويسنده نتوانسته است بروشنى مطالب را به يكديگر ربط دهد. مطالب كتاب، تحليلى است و نثر نويسنده، ادبى و زيباست و، البته، عبارت پردازى و قلمگردانى در آن مشاهده مى شود.

نويسنده بيشتر به جنبه جهادى و انقلابى امام حسين تكيه کرده و به منتقدان قيام او تاخته است. وى مى گويد: ما امروز، بيش از هر دوره ديگرى، به رهبرى چون حسين و مجاهدى چون حسين و پيشوايى چون حسين نياز منديم تا در پى او راه بسپريم و در پرتو وجود او خواسته ها و تمايلات خود را متعادل كنيم. (ص ۱۵). او به خُرده گيران به قيام آن حضرت خُرده مى گيرد و مى گويد: اگر از كسى به شگفت آيم، از

مورخانی است که امام حسین را به سبب حرکتش نکوهش می‌کنند. حال آنکه مادر هر روز به قهرمانانی درود می‌فرستیم که علیه حکومت‌های فاسد خود شوریدند تا وضع موجود را دگرگون سازند و وضع مطلوبی جایگزین آن کنند... و از این قهرمانان، یا بزرگترین این قهرمانان، حسین بن علی است. (ص ۲۸۰).

انتقادات نویسنده، بویژه به معاویه و یزید، درخور عنایت است. وی می‌گوید: «یزید بر آیین مسیحیت و دور از فرهنگ اسلام پرورش یافت». (ص ۵۸). و دو خطای بزرگ معاویه را چنین برمی‌شمرد: اصرار او برای پیروز شدن بر علی (ع) با دست زدن به کارهایی که در اسلام قابل بخشش نیست؛ و اگذاری حکومت به یزید. (ص ۶۱). بررسی شخصیت یزید، تبیین عظمت شخصیت امام حسین، بررسی زندگی آن حضرت در روزگار پیامبر و خلفا، بررسی قیام آن حضرت و موضوعاتی دیگر از این دست، مطالب کتاب را تشکیل می‌دهد.

جلد اول و دوم این کتاب به خامهٔ محمدباقر کمره‌ای خمینی، با عنوان همت بلند: پرتوی از زندگانی حسین بن علی و تاریخ زندگانی حسین بن علی در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۴ در تهران منتشر شد. بار دیگر این کتاب به خامهٔ سید محمد مهدی جعفری به فارسی ترجمه و تاکنون دو جلد آن منتشر شده است. جلد اول ذیل عنوان برترین هدف در برترین نهاد: پرتوی از زندگانی امام حسین علیه السلام (چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱)، و جلد دوم با عنوان برترین هدف در برترین نهاد: نقد و تحلیل تاریخ امام حسین علیه السلام (چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴).

۳۹

الامام الحسين عليه السلام و اصحابه

فضل علی قزوینی. تنظیم و تصحیح سید احمد حسینی. چاپ اول: [قسم]، فرزند مؤلف (چاپخانه باقری)، ۱۴۱۵ق. ق. ۱، ۱۳ + ۴۵۳ص، وزیری. ✓

پژوهشی است توصیفی - تحلیلی در باره قیام امام حسین - ع. و اصحاب او و بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت. تاریخ تألیف کتاب معلوم نیست، اما از آنجا که تاریخ درگذشت مؤلف ۱۳۶۷ قمری است، دانسته می شود که تاریخ تألیف آن پیش از سال مزبور است. بر پایه تقسیم بندی مؤلف، کتاب حاضر سه قسم (جلد) است: قسم اول در باره اصحاب ذکور آن حضرت است که در کربلا حاضر بودند. قسم دوم در مقتل آن حضرت و قسم سوم در باره زنان از اهل بیت او و دیگر زنانی است که در کربلا حاضر بودند. اما در چاپ حاضر این تقسیم بندی رعایت نشده و نخست قسم دوم آن چاپ شده است. قسمهای دیگر کتاب تاکنون چاپ نشده است. مطالب این قسم از کتاب به نه باب تقسیم شده است. باب اول تا چهارم شامل متن برخی از خطبه ها، نامه ها، سخنان و وصایای آن حضرت با توضیحاتی کوتاه است. در باب پنجم از رخداد های سفر امام از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا سخن رفته است. در این باب به ذکر منازل از مکه تا کربلا پرداخته شده و از بیست و سه منزل سخن رفته است. باب ششم و هفتم در باره رخداد های شب و روز عاشوراست و در آغاز این دو باب گفته شده است: در برخی از کتابها، بویژه کتابهای متأخران و بویژه کتابهای فارسی، وقایع و قضایایی در باره شب و روز

عاشورا نقل شده است که اغلب آنها سند ندارد و در کتابهای متقدمان ملاحظه نمی‌شود. بدین‌رو از نقل این مطالب خودداری شده است. (ص ۲۵۵ و ۲۶۳). در باب هشتم از رخدادهای در هنگام شهادت امام سخن رفته است؛ از جمله: گریستن آسمان و زمین و خورشید گرفتگی. و سرانجام باب نهم کتاب در باره رخدادهای پس از شهادت امام است؛ از جمله: سرقت لباسهای او، تعداد جراحات بدنش، چگونگی دفن یارانش، ماجراهای سر آن حضرت.

دانستنی است نویسنده روایات متعددی، از طریق شیعه و اهل سنت، آورده که مضمون آنها این است که پس از شهادت امام حسین دگرگونیهایی در جهان آفرینش رخ داد؛ از جمله: سیاه شدن آسمان، پدیدار شدن سرخی در آسمان، بارش خون از آسمان، خورشید گرفتگی، گریستن آسمان و زمین. نویسنده این روایات را از باب مبالغه و کنایه نمی‌داند و به کسانی که آنها را توجیه یا انکار می‌کنند، انتقاد می‌کند. وی می‌گوید مانند این امور پس از کشته شدن یحیی بن زکریا نیز رخ داد. مضافاً اینکه سیوطی در کتاب عقود الجمان می‌گوید در روز مرگ پیامبر خورشید گرفتگی رخ داد. (ص ۳۵۹).

۴۰.

مقتل الحسین علیه السلام

عبدالرزاق موسوی مقرّم. مقدّمه سید محمدحسین مقرّم. چاپ پنجم: بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۹. ۴۰۸ص، وزیری. تصویر. ✓

اثر حاضر کتابی است تحقیقی در باره قیام امام حسین -ع- که بر پایه منابع متعدّدی نوشته شده و بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت است. تاریخ تألیف کتاب معلوم نیست، اما چاپ نخست آن در سال ۱۳۶۷ قمری است. در مقدّمه کتاب (ص ۵- ۲۱)، شرح حال نویسنده، به قلم فرزندش، آمده است.

متن کتاب با عنوان «نهضة الحسین(ع)» آغاز می شود. این بخش از کتاب را می توان مقدّمه آن قلمداد کرد و در آن از مسائل گونه گونی سخن رفته است؛ از جمله: لعن بر یزید، علم امام حسین به شهادت خود و استقبال از آن و منافی نبودن آن با آیه تهلکه، پیروز شدن آن حضرت، بقای شریعت به وجود او، گریه بر او و سجده بر تربت او، علت اینکه آن حضرت زنان و فرزندان را با خود به کربلا برد. مطالب این بخش از کتاب، تحلیلی است و در بعد از آن که به قیام آن حضرت پرداخته شده، توصیفی است.

آنگاه ذیل عنوانهای «حدیث کربلاء»، «الحسین یوم عاشوراء» و «حوادث بعد الشهادة»، که هر یک چندین عنوان فرعی دارد، به شرح قیام امام پرداخته شده و از رویدادهای پس از آن سخن رفته است. نویسنده در آغاز از خروج آن حضرت از مدینه، ورود به مکه، مسافرت به سوی عراق، ورود به کربلا و وقایعی که در این

حیص و بیص رخ داد، سخن گفته و سپس به عاشورا پرداخته است. در گزارش روز عاشورا از سخنان امام و چگونگی شهادت او و یارانش سخن رفته است. آنگاه به رویدادهای پس از شهادت آن حضرت پرداخته شده است؛ از جمله: غارت خیمه‌ها، بریدن سر شهیدان، پایمال کردن پیکر آنان، روانه کردن کاروان اسیران به کوفه و شام و سخنان امام سجاد -ع- و حضرت زینب -س- و دیگران. پایان بخش کتاب چند مرثیه است و در پاورقیهای کتاب بحثهای تحقیقی و انتقادی آمده است.

کتاب حاضر نخست با عنوان «چهره خونین حسین سید الشهداء علیه السلام، یا، داستان کربلا، به سعی عزیزالله عطاردی، در سال ۱۳۵۱، به فارسی ترجمه و منتشر شد. (چاپ سوم: انتشارات جهان، ۱۳۶۸). ترجمه دیگر آن با عنوان «سالار کربلاء حسین بن علی(ع)» به قلم مرتضی فهیم کرمانی، است. (چاپ اول: قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۳۷۱).

تاریخ کربلاء و حائر الحسین علیه السّلام

عبدالجواد کلیدار. قم، منشورات شریف رضی، ۱۳۷۶. ۲۹۷ ص، وزیری. تصویر، نقشه.

کتاب یاد شده شامل تحقیق ارزنده‌ای در باره تاریخ کربلا و حائر امام حسین -ع- است و در رجب ۱۳۶۸ نوشته شد. در آغاز کتاب نامه چند تن از اعلام خطاب به نویسنده و در ستایش از کتاب آمده است. پایان بخش کتاب نیز دو قطعه شعر در بزرگداشت کتاب است.

در نامه کاشف الغطاء به نویسنده آمده است: «من در عوض اینکه به این کتاب شما تقریظی بنویسم، به شما تبریک می‌گویم که خداوند توفیق چنین خدمت بزرگی را به شما ارزانی کرد. این خدمت تنها به یک طایفه نیست، بلکه به همه افراد بشر است. این کتاب در شمار کتابهای ارزنده و آثار جاویدان است...» (ص ۵). همچنین در نامه علامه امینی و سید محمد رشید مرتضی و سید محمد مهدی موسوی اصفهانی و مقاله سلمان هادی طعمه به ستایش از کتاب پرداخته شده است.

مطالب کتاب در شش باب گنجانده شده و هر باب شامل چند فصل است. باب اول با عنوان «حائر حسین - علیه السّلام - و کربلاء»، عهده دار بحث از مفهوم حائر و حیره و جایگاه تاریخی حائر و حدود آن است. «حائر و حیره و تحقیق تاریخی در این دو»، عنوان باب دوم است و در آن به تحقیق تاریخی در باره نام حائر و حیره، وجه تسمیه حائر و آغاز اطلاق این نام به قبر امام حسین پرداخته شده است. در باب

سوم ذیل عنوان «حائر و وضع عمومی آن»، از مسائلی چون حائر و چگونگی آن در صدر اسلام، جایگاه بلند و تأثیر آن در جهان اسلام، زمین مبارک و خاک پاک حائر و آداب رفتن به آن و زیارت آن سخن رفته است. باب چهارم با عنوان «دوره‌های تاریخی حائر و آبادانی آن»، شامل بحث دربارهٔ هشت دوره بنای حائر از قرن اول تا هشتم است. «حائر و دوره‌های ویران کردن و تخریب و نابود کردن و غارت و ربودن و سوزاندن»، عنوان باب پنجم است و در آن از حمله به حائر در عهد خلافت منصور عباسی، هارون الرشید، متوکل، القادر بالله و به دست مشعشعیان و وهابیان سخن رفته است. در باب ششم ذیل عنوان «حائر و اصلاحات اخیر آن»، گزارشی از اصلاحات شاه اسماعیل صفوی، سلطان سلیمان قانونی، شاه طهماسب، شاه عباس، نادرشاه و دیگران به دست داده شده است.

این کتاب با عنوان تاریخ کربلا و حائر حسین (ع)، به قلم محمد صدر هاشمی، به فارسی ترجمه شده است. (اصفهان، کتابفروشی ثقفی، ۱۳۳۷).

۴۲

فُرسان الهیجاء

در شرح حالات اصحاب حضرت سیدالشهداء

ذبیح‌الله محلاتی. چاپ دوم: تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۰ق. ج ۲، ص ۳۴۰+۳۲۰، وزیری.

کتاب یاد شده مشتمل بر شرح حال اصحاب شهید امام حسین -ع- است و مفصلترین کتاب در این موضوع. نویسنده به بی‌مانند بودن این کتاب اشاره کرده و گفته است: «تاکنون در تألیفات اصحاب چنین تألیفی به نظر من نرسیده است». (ج ۲، ص ۱۶۲). عنوان کتاب، چنانکه نویسنده در آغاز گفته، فرسان الهیجاء در تراجم اصحاب سیدالشهداء است. (ج ۱، ص ۲). اصل کتاب به زبان عربی نوشته شده بود و سپس نویسنده، خود، آن را به فارسی برگردانده است. (ر.ک: ج ۲، ص ۱۶۳). تاریخ پایان تألیف کتاب جمادی الآخر ۱۳۷۴ ذکر شده است.

به پایان این کتاب چند رساله ضمیمه شده است: زندگانی محمد بن الحنفیه (ع) (ج ۲، ص ۱۶۲-۱۹۸)، اجمالی از زندگانی مختار بن ابی عبیده الثقفی علیه الرحمة (ج ۲، ص ۱۹۸-۲۵۹) و شمس الضحی در ذکر واردات سر سیدالشهدا (ع) (ج ۲، ص ۲۶۰-۳۰۴). بنابراین جلد دوم کتاب فُرسان الهیجاء ۳۲۰ صفحه نیست، بلکه ۱۶۲ صفحه است.

فُرسان الهیجاء شامل شرح حال دویست و بیست و هشت تن از اصحاب شهید امام حسین است. به گفته نویسنده، از این عده، دویست و هفت نفر در کربلا و بقیه در بصره و کوفه شهید شدند. (ج ۲، ص ۱۵۴). شرح حال شهیدان، به ترتیب الفبا، از یک سطر تا دهها صفحه، آمده است. نویسنده از بسیاری از کسانی که در کتابهای قدیم و جدید به عنوان شهید نام برده شده، یاد کرده و شرح حالشان را آورده است. وی چندان عهده‌دار بررسی درستی و نادرستی منقولات نشده و گاه از افرادی یاد کرده که شهید نشدند و نیز شهیدی را با دو نام یاد کرده و او را دو فرد پنداشته است. برخی از منابع نویسنده جدید است و گاه فقط بر پایه این منابع از فردی به عنوان شهید یاد شده است.

۴۳

الحسین فی طریقہ الی الشہادۃ

علی هاشمی. مقدمه سید هبة الدين حسینی شهرستانی. چاپ اول: قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۱. ج + ۲۵۶ + ج ص، وزیری. نقشه.

پژوهشی است ابتکاری در باره منازل امام حسین -ع- و یارانش از مکه تا کربلا. نویسنده این منازل را در ضمن منظومه‌ای آورده و سپس خود به شرح یکایک بیت‌های آن پرداخته است. این منظومه با این بیت آغاز می‌شود: سار الحسین تارکاً أم القری / ینحو العراق بمیامین الوری. نویسنده در مجموع از سی و هشت منزل یاد کرده و در باره هر یک توضیحاتی داده است. در مقدمه کتاب گفته شده است مورخان کتابهای فراوانی در باره شخصیت امام حسین نوشته‌اند، اما کتابی مستقل در باره منازل از مکه تا کربلا ننوشته‌اند. مضافاً اینکه بسیاری از آنها به نام بسیاری از منازل اشاره نکرده‌اند. نویسنده در بحث از منازل به جنبه‌های لغوی و تاریخی و جغرافیایی آنها پرداخته و به منابع متعددی ارجاع داده است. اسامی این منازل عبارت است از: مکه، بستان، تنعیم، صفاح، وادی العقیق، ذات عرق، غمره، مسلح، افیعیه، معدن، عمق، ماء السلیلیه، مغیثه الماوان، نقره، حاجر، سمیراء، توز، فید، اجفر، خزیمه، زرود، ثعلبیه، بطان، شقوق، زباله، قاع، عقبه، واقصه، قرعاء، مغیثه، شراف، ذی حسم، بیضه، عذیب، اقساس، عین الرهمه، قصر بنی مقاتل و نیوان.

تاریخ پایان تألیف کتاب رجب ۱۳۷۵ و پایان بخش آن چند فهرست است.

۴۴

الحسین، ابوالشهداء

عباس محمود العقّاد. چاپ اوّل: قم، منشورات الشریف رضی، ۱۳۷۲. ۲۰۸ص،
وزیری. ✓

● عنوان روی جلد: ابوالشهداء، الحسین بن علی.

نویسنده کتاب (م ۱۳۸۳ق)، اهل مصر و از نویسندگان و دانشوران و ادیبان نامدار اهل سنت است. عنوان کتاب او، با عنایت به اینکه کتاب دیگری با عنوان ابراهیم ابوالانبیاء دارد، الحسین ابوالشهداء است و نه ابوالشهداء الحسین یا ابوالشهداء. اما همواره از این کتاب با عنوان ابوالشهداء یاد می‌شود. چنین می‌نماید که عنوان ابوالشهداء ابتکار عقّاد است و او موجب رواج این تعبیر شد.

ابوالشهداء از کتابهای مؤثر در جهان اسلام، بویژه در میان اهل سنت، است. از آنجا که نویسنده کتاب دانشجوی برجسته و دارای کتابهایی متعدّد است، از این کتابش فراوان استقبال شد و نیز موجب شهرت بیشتر او گردید. همچنین سنی بودن نویسنده سبب شد که دیگر نویسندگان اهل سنت به امام حسین -ع- بیشتر عنایت کنند. وی در این کتاب با دید گسترده و نثر ادبی عهده‌دار تحلیل قیام امام حسین شده است. نویسنده به جای وقایع‌نگاری و توصیف رخدادهای قیام آن حضرت، که در این‌گونه کتابها معمول است، به تحلیل قیام پرداخته و همین ویژگی، کتاب حاضر را از بسیاری دیگر از کتابها متمایز کرده است. وی در تحلیل قیام اولاً به زمینه‌های آن پرداخته و ثانیاً نزاع حسین و یزید را نه نزاع دو فرد، بلکه نزاع دو جبهه و جریان تاریخی

دانسته که سابقه داشته است. مضافاً اینکه وی به جای شرح حالنگاری رایج از افراد دو لشکر، به بررسی شخصیت و روحیه آنها پرداخته و تصویری کلی از روحیات آنها ارائه کرده است.

ابوالشهداء شامل مقدمه و ده فصل است. در فصل اول با عنوان «دو سرشت تاریخی: سرشتهای مردم»، از دو سرشت یاد شده که یکی برای آسایش روان و دیگری برای سود شخصی است. آنگاه امام حسین نماینده آن سرشت و یزید نماینده سرشت دیگر شمرده شده است. «دشمنی: اسباب رقابت»، عنوان فصل دوم است و در آن از اختلاف تاریخی بنی هاشم و بنی امیه سخن رفته و گفته شده که این اختلاف با برخورد امام حسین و یزید به اوج خود رسید و ازدواج آن حضرت با زینب بنت اسحاق نیز بر آن اضافه شد. فصل سوم با عنوان «دو دشمن: موازنه»، تکرار برخی از مضمونهای پیش است و در آن بار دیگر از اختلافات تاریخی بنی هاشم و بنی امیه سخن رفته و سپس به فضایل اخلاقی امام حسین و رذایل اخلاقی یزید پرداخته شده است. در فصل چهارم به «یاران دو گروه: مردان دو لشکر» اشاره شده و یاران امام حسین، دیندار و یاران یزید، دنیاگرا و مادی معرفی شده‌اند. «قیام حسین: حسین در مکه»، عنوان فصل پنجم است و در آن از روانه شدن آن حضرت به مکه و فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه و رخدادهای در آنجا و رفتن به سوی کربلا و ملاقات با حر و برخورد دو لشکر سخن رفته است. «آیا به هدف رسید؟ خطای شهیدان»، عنوان فصل ششم است و در آن، قیام امام حسین هم از نظر انگیزه‌ها و هم از نظر نتایج، مثبت و درست ارزیابی شده است. از نکات نادر این بحث، اشاره عقاد به این موضوع است که چرا امام حسین با خانواده‌اش به کربلا رفت. وی می‌گوید از دیرباز در جامعه عرب مرسوم بود که جنگاوران خانواده خود را به میدان جنگ می‌بردند و این سنت در صدر اسلام نیز معمول بود. (ص ۱۱۹ - ۱۲۱). در فصل هفتم با عنوان «کربلا، حرم مقدس»، از جنگ دو لشکر و شهادت امام و یارانش و شجاعت و دیانت آنها سخن رفته است. «درفش کربلا: محل سر»، عنوان فصل هشتم است و در آغاز آن از اختلاف

در محلّ دفن سر امام بحث شده است. آنگاه به روانه کردن اسیران اهل بیت به کوفه و شام و قتل و غارت مردم مدینه و حمله به خانه خدا و قیام مختار پرداخته شده است. در فصل نهم ذیل عنوان «پایان گردش: پیروز کیست؟»، گفته شده است که، در نهایت، امام حسین به پیروزی دست یافت و یزید برای همیشه شکست خورد. سرانجام در فصل دهم با عنوان «در جهان زیبایی: عاشق زیبایی»، از شاعران نهضت حسینی (کمیت، فرزدق، دعبل و...) یاد شده و با شعری از ابوالعلاء معری کتاب به پایان رسیده است.

کتاب حاضر ذیل عنوان الحسین أبوالشهداء در ضمن مجموعه آثار نویسنده، که عنوان آن المجموعة الكاملة لمؤلفات الاستاذ عباس محمود العقاد است (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۷۴م)، چاپ شده است. (ج ۲، ص ۱۵۷ - ۲۸۸). این کتاب در ضمن مجموعه‌ای است که هر یک از جلدهای آن درباره یکی از شخصیت‌های اسلامی است و عنوان آنها العبقریات الاسلامیة است.

بنا به گزارش خانبابا مشار در فهرست کتابهای چاپی فارسی (ج ۱، ص ۹۸۹)، این کتاب به قلم کاظم معری دزفولی ذیل عنوان پیشوای شهیدان (تهران، بی‌م، بی‌نا)، ترجمه و منتشر شده است.

برای شناخت بیشتر این کتاب و دانستن خطاهای آن رجوع شود به: زین العابدین بکری. «أضواء علی کتاب العقاد». رسالة الحسین علیه السلام. (سال اول، شماره دوم، محرّم - ربیع الاول ۱۴۱۲). ص ۲۱۷ - ۲۳۱.

همچنین حمید عنایت در کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی (چاپ اول: تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲)، گزارش مختصری از این کتاب ارائه کرده است. (ص ۳۱۷ - ۳۱۹). نیز سید جعفر شهیدی در کتاب پس از پنجاه سال... (ص ۱۱۹ - ۱۲۰)، به مخالفت عبدالله عنان، از دانشوران معاصر اهل سنت، با این کتاب اشاره کرده است.

۴۵

بررسی تاریخ عاشورا

محمدابراهیم آیتی. مقدمه علی اکبر غفاری. چاپ دوم: تهران، کتابخانه صدوق، ۱۳۴۷. ۲۶۸ص، وزیری. تصویر.

کتاب فوق دربردارنده سخنرانیهای دکتر آیتی در رادیو ایران در سال ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ق) است. موضوع این سخنرانیها تاریخ عاشورا است و در آن ضمن توصیف قیام امام حسین -ع- به تحلیل آن پرداخته شده است. در سخنرانی اول تا چهارم گزارشی از قیام آن حضرت تا عاشورا ارائه شده و در سخنرانی پنجم تا پانزدهم از رخدادهای بعد از قیام سخن رفته است. در این سخنرانیها تقریباً همان اندازه که به قیام و شهادت امام پرداخته شده، از خطبه‌ها و برخوردهای اسیران اهل بیت سخن رفته و به این موضوع بیش از آنچه توجه می‌شود، توجه شده است.

در چند جای کتاب گفته شده که قیام امام حسین برای به دست آوردن حکومت نبود، بلکه برای شهادت بود تا بدین وسیله دین پایدار بماند. همچنین توضیح داده شده که استقبال امام از شهادت به این معنی نیست که راهی به زنده ماندن نداشت و اگر تسلیم هم می‌شد، باز او را می‌کشتند. (ص ۷۷ - ۸۰ و ۸۹). و نیز توضیح داده شده که شهادت آن حضرت برای شفاعت گنهکاران و کفاره گناهان این امت نیست و این پندار، نادرست است. (ص ۱۲۳ - ۱۲۶).

در جایی از کتاب به عذرها و بهانه‌های افرادی که از همراهی امام حسین شانه خالی کردند، پرداخته و گفته شده است از مردم کوفه (کسانی که امام را

همراهی نکردند)، عجب نیست که زندگی خود را فدای وظیفه نکردند، بلکه عجب از آن مردمی است که با هر وضعی که پیش آمد آن حضرت را یاری کردند و تا پای جان در راه نصرت حق ایستادند. (ص ۶۲). به نظر نویسنده، زیارت ناحیه مقدسه از امام زمان -عج- نیست، بلکه از امام حسن عسکری -ع- است. زیرا تاریخ صدور آن سال ۲۵۲ است و در این تاریخ امام زمان متولد نشده بود. (ص ۱۲۳). همچنین نویسنده گزارش آمدن اسیران اهل بیت را در اربعین به کربلا، مقبول نمی‌شمارد و مأخذ آن را فقط کتاب لهوف سید بن طاووس می‌داند. (ص ۱۴۸ - ۱۵۱). به نظر نویسنده در جریان تاریخ عاشورا چند زن فداکار نقشی برجسته داشتند و لذا در بحثی مستقل به این موضوع پرداخته است. (ص ۱۶۴ - ۱۷۴).

چنانکه اشاره شد بخش زیادی از مباحث کتاب به رخدادهای پس از شهادت امام، یعنی خطبه‌ها و برخوردهای اسیران اهل بیت، اختصاص دارد. نویسنده، خطبه‌های اسیران را از منابع مهم تاریخ کربلا و از عوامل بقای قیام امام دانسته و توجه بلیغی به آن کرده است. از این رو بخشی از کتاب در شرح خطبه امام سجاد -ع- و حضرت زینب -س- است.

متن کتاب شامل پانزده سخنرانی است و به پایان آن دو سخنرانی دیگر ملحق شده که مطالب آن اختصاص به امام حسین ندارد.

گفتنی است قاضی طباطبائی در کتاب تحقیق در باره اول اربعین... (ص ۳۸۰ - ۳۸۱)، استبعاد این نویسنده را در باره آمدن اسیران اهل بیت در اربعین به کربلا، نادرست دانسته و او را در این موضوع تحت تأثیر حاجی نوری در لؤلؤ و مرجان شمرده است.

۴۶

سیرتنا و سنتنا سیره نبینا و سنته صلی الله علیه و آله

عبدالحسین امینی. نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۸۴. ۱۷۱ص، وزیری. ✓

کتاب مزبور حاصل سفر علامه امینی در سال ۱۳۸۴ قمری به سوریه است. وی در آغاز کتاب می‌گوید در این سفر از من پرسیده شد: چرا شیعه در باره اهل بیت رسول خدا غلو می‌کند؟ با اینکه همه مسلمانان به علی و فرزندانش علاقه مند هستند، تکروی شیعه در برپایی مجالس سوگواری و جشن چیست؟ چرا شیعیان حسین - حسین می‌گویند و چرا بر خاک کربلا سجده می‌کنند؟ (ص ۴). آنگاه نویسنده عهده‌دار پاسخ بدین پرسشها شده و این کتاب حاصل بسط آن پاسخهاست.

از صفحه ۵ تا ۲۷ کتاب از حب اهل بیت سخن رفته که خارج از موضوع این کتابشناسی است. آنگاه ذیل عنوان «و اما حسیننا و ماتمه و کربلاؤه» (ص ۲۸)، به سوگواری بر امام حسین - ع - و سجده بر تربت آن حضرت پرداخته شده و تا پایان کتاب ویژه این موضوع است. بنابراین فقط در حدود بیست صفحه کتاب خارج از موضوع این کتابشناسی است و لذا کتاب حاضر در شمار آثار درباره امام حسین قلمداد شده و در این کتابشناسی امکان معرفی یافته است.

بیشترین مطالب کتاب در باره سوگواری است و در آن بیست حدیث از طریق اهل سنت آورده شده است. این احادیث بیان کننده سوگواری رسول خدا - ص - و متأثر شدن او به سبب شهادت امام حسین است. نویسنده ضمن نقل احادیث، اسناد و منابع آنها را، که متعدد است، آورده و در این باره سعی فراوان کرده است.

در پایان، ذیل عنوان «سجده و آنچه سجده بر آن صحیح است» و «سجده بر خاک کربلا» (ص ۱۴۶-۱۶۷)، به اثبات دو موضوع پرداخته شده است: اصل، سجده کردن بر زمین است و سجده بر فرش و مانند آن جایز نیست؛ خاک کربلا بر دیگر خاکها رجحان دارد و سجده بر آن دارای فضیلت است.

این کتاب ذیل عنوان راه و روش ما راه و روش پیامبر(ص) ما است، به قلم سید محمدباقر موسوی همدانی، به فارسی ترجمه شده است. (چاپ دوم: تهران، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامة، ۱۳۹۴ق).

در خور یاد است که سید عبدالعزیز طباطبائی در کتاب الغدیر فی التراث الاسلامی (چاپ دوم: قم، نشر الهادی، ۱۳۷۴)، می گوید کتابی با عنوان ابناء السماء برزیتة کربلاء دارد که مستدرک سیرتنا و سنتنا... است. (ص ۲۳۹). این کتاب تاکنون منتشر نشده است.

۴۷

ثورة الحسين ظروفها الاجتماعية وآثارها الانسانية

محمد مهدی شمس الدین. چاپ پنجم: بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹
۳۰۱ص، وزیری. ✓

کتاب حاضر، که در حدود سال ۱۳۸۵ قمری نوشته شده، تاکنون چند بار چاپ شده و چاپ پنجم آن شامل اضافات و تحقیقات جدیدی است. نویسنده در این کتاب بیش از آنکه به قیام امام حسین -ع- پرداخته، به زمینه‌ها و بستر اجتماعی آن و آثار و نتایج آن پرداخته است. وی در هر بحث ضمن توصیف مسائل، عهده‌دار تحلیل آن هم شده است؛ اما کمتر توانسته است نتیجه‌گیری و نظریه‌پردازی کند. با وجود این، در مقدمه چاپ چهارم کتاب اشاره شده که بسیاری از دانشوران و روشنفکران گفته‌اند «این کتاب، علی‌الاطلاق، بهترین اثری است که در باره قیام امام حسین نوشته شده است.» (ص ۵).

مطالب کتاب در سه فصل گنجانده شده است: «بستر سیاسی و اجتماعی» قیام امام، «موجبات و انگیزه‌های قیام»، «آثار قیام در حیات جامعه اسلامی». فصل دوم کتاب (ص ۱۳۱ - ۱۹۱)، که کوتاه‌تر است، درباره قیام امام و فصل اول و سوم درباره زمینه‌ها و آثار آن است.

در فصل اول از اجتماع در سقیفه، روش عمر در تقسیم بیت‌المال و شورای او برای انتخاب خلیفه، سخن رفته و این سه موضوع از موجبات پیدایی تحولات در

دوره عثمان دانسته شده است. آنگاه به سیاستهای عثمان و معاویه پرداخته و موضع امیرالمؤمنین علی -ع- در این دوره بررسی شده است. نویسنده نتوانسته است پیوند این رویدادها را با قیام امام حسین، چنانکه باید، نشان دهد.

در فصل دوم وضع جامعه در زمان معاویه بررسی شده و از روش امام حسین در برابر معاویه، علل عدم قیام او در آن دوره، شخصیت یزید، موضع امام در برابر او و انگیزه‌های قیام آن حضرت سخن رفته است.

سومین فصل کتاب، که روشترین فصل است، به آثار و نتایج قیام امام حسین اختصاص دارد. در این فصل به شرح چهار نتیجه قیام امام پرداخته شده است: ۱. قطع نفوذ دینی امویان که به حکومت خود رنگ دینی می‌زدند؛ ۲. گسترش احساس گناه در وجود همگان که منجر به انتقاد از خود شد؛ ۳. آفرینش ارزشهای اخلاقی جدید؛ ۴. برانگیختن روح پیکار برای استقرار جامعه‌ای بر پایه‌های جدید. در پایان این بحث گزارشی از قیامهای پس از شهادت امام، که نتیجه قیام و شهادت آن حضرت بود، ارائه شده است.

کتاب فوق نخست با عنوان پژوهشی پیرامون زندگانی امام حسین (ع) (قم، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۱)، و سپس با عنوان ارزیابی انقلاب حسین (ع)، به قلم مهدی پیشوائی، به فارسی ترجمه و منتشر شده است. (قم، انتشارات توحید، ۱۳۶۲).

۴۸

پرتوی از عظمت حسین علیه السلام

لطف الله صافی گلپایگانی. چاپ سوم: [قم]، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴. ۳۳۶ص، وزیری.

پژوهشی است توصیفی - تحلیلی در باره شخصیت و قیام امام حسین -ع- و بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت. در آغاز به کتابهایی که در باره قیام امام نوشته شده، اشاره و گفته شده است امروزه بیشتر از تحلیل حوادث و علل و نتایج آن سخن می رود، حال آنکه در گذشته بیشتر به توصیف حوادث پرداخته می شد. آنگاه نویسنده افزوده است: کتابهایی که شامل تحلیل تاریخی حوادث کربلا می باشد، نسبت به کتابهایی که متن حوادث را نگهداری کرده، بسیار کم است. در عین حال، اهمیت کتابهایی که متن حوادث را نگه داشته اند در نزد ما محفوظ است. (ص ۱۲).

مطالب کتاب در چهار بخش تنظیم شده است: «شخصیت و فضایل حسین علیه السلام»، «بنی هاشم و بنی امیه»، «علل قیام حسین علیه السلام»، «نتایج و فواید قیام حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام».

در بخش اول پاره ای از احادیث پیامبر در باره امام حسین آورده و سپس به برخی از ویژگیهای او (مکارم اخلاق، علم، عدالتخواهی، شجاعت و...) اشاره شده است. بخش دوم در باره کارنامه بنی امیه است و در آن از رذایل معاویه و یزید سخن رفته است. بخش سوم به علل قیام امام حسین اختصاص داده شده و استقبال

از شهادت، امر به معروف و... در شمار علل قیام شمرده شده است. نویسنده در این بخش کوشیده است ثابت کند که تشکیل حکومت اسلامی، با همه اهمیت آن، در آن دوره ممکن نبود و امام برای آن قیام نکرد. و سرانجام در بخش چهارم کتاب از نتایج و فواید قیام امام حسین سخن رفته است؛ از جمله: نجات اسلام، بیداری شعور دینی، محبوبیت اهل بیت و عزت بازماندگان، محکومیت بنی امیه در افکار عمومی.

تاریخ پایان تألیف کتاب ذی حجه ۱۳۸۸ است.

۴۹

ادب الطّف، او، شعراء الحسین علیه السّلام من القرن الاول الهجرى حتى القرن الرابع عشر

جواد شبر. پیشگفتار محمدجواد مغنیه. بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۹. ۱۰، ۳۵۱+
۳۴۰+۳۱۷+۳۴۷+۳۸۳+۳۳۶+۳۲۷+۳۵۱+۳۶۸+۳۲۰، ص، وزیری. تصویر. ✓

کتاب حاضر مشتمل بر شرح حال و نمونه اشعار بیش از پانصد شاعر است که در باره امام حسین-ع- به عربی شعر سروده‌اند. پدیدآورنده در آغاز کتاب گفته است که بنای او بر استقصا و جمع‌آوری همه اشعار نبود. زیرا در این باره اشعار فراوانی سروده شده که اگر جمع‌آوری شوند، به صدها جلد کتاب می‌رسد. (ز ۱، ص ۱۸). با اینکه پدیدآورنده نمونه‌هایی از اشعار را ارائه کرده، اما هیچ توضیحی درباره معیار گزینش خود نداده است.

دامنه تحقیق نویسنده از قرن اول تا چهاردهم هجری است. نخستین شاعر معرفی شده، عقبه بن عمرو و السهمی است که در اواخر قرن اول شعری در باره امام حسین و شهیدان کربلا سرود. آخرین شاعر هم شیخ مهدی مطر است که در سال ۱۳۹۵ ق درگذشت. اشعار گردآوری شده به ترتیب تاریخ درگذشت شاعران آمده و پدیدآورنده برای گردآوری اشعار به منابع فراوانی، مطبوع و مخطوط، رجوع کرده است.

تاریخ پایان تألیف کتاب روشن نیست، ولی پیشگفتار مغنیه بر جلد اول کتاب ۱۹۶۹ میلادی (۱۳۸۹ق) و تاریخ مقدمه جلد هشتم جمادی الثانی ۱۳۹۷ است.

جلد اول کتاب شامل شرح حال و نمونه اشعار شاعران قرن اول و دوم و سوم

است. جلد دوم شامل قرن چهارم و پنجم، جلد سوم شامل قرن ششم، جلد چهارم شامل قرن هفتم و هشتم و نهم، جلد پنجم شامل قرن دهم و یازدهم و دوازدهم، جلد ششم و هفتم شامل قرن سیزدهم و جلد هشتم و نهم و دهم شامل قرن چهاردهم است. در این کتاب اولاً اشعار همه شاعران نیامده و ثانیاً همه اشعار شاعران نیامده است، بلکه برخی از اشعار برخی از شاعران، که البته کم نیستند، آمده است. مضافاً اینکه همه سراینندگان اشعار به شاعر بودن مشهور نیستند و برخی از آنان به فقیه و محدّث و نویسنده بودن مشهورند.

اسامی بعضی از شاعران عبارت است از: ابوالرّمیح خزاعی، امّ کلثوم، ابوالاسود دؤلی، کمیت اسدی، سید حمیری، صاحب بن عبّاد، شریف رضی، مهیار دیلمی، ابوالعلاء معری، خطیب خوارزمی، ابن ابی الحدید، فخرالدّین طریحی، احمد بلادی، سید محمّد مهدی بحر العلوم، شیخ احمد احسائی، سید مهدی قزوینی، سید عبدالمطلّب حلّی، محمّد حسین اصفهانی، سید محسن امین، سید عبدالهادی شیرازی، مصطفی جواد.

گفتمنی است علی خاقانی کتابی در چهار جلد با عنوان شعراء الحسین، او، ادب الطّف دارد و در آن گزیده اشعار بیش از سیصد شاعر عرب را در باره امام حسین، آورده است. (ر.ک: الذریعة، ج ۱۴، ص ۱۹۳).

همچنین در خور یاد است که سید سبط الحسن فتحپوری کتابی با عنوان عربی مرثیة دارد و در آن به گردآوری مرثیاتی بیش از هفتصد شاعر عرب در باره امام حسین، تا سال پانصد، پرداخته و این ادعای شبلی نعمانی را رد کرده است: «انّ العرب لم یشارك العجم فی المرثیة». (ر.ک: الذریعة، ج ۱۵، ص ۲۴۳).

۵۰

شهید جاوید حسین بن علی علیه السلام

نعمت الله صالحی نجف آبادی. چاپ دوازدهم: تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۰. ع + شانزده + ۵۳۶ ص، رقعی. سند. ✓

کتابی است تحلیلی و مشتمل بر مطالب نو که در باره مطاوی آن اختلاف است و به دستاویز آن کشمکشهای شدیدی رخ داده است. این کتاب، نخست در سال ۱۳۴۹ (۱۳۹۰ق) منتشر شد و تاکنون پانزده بار به چاپ رسیده است. در چاپ دوم آن، اصلاحات و تغییراتی اندک انجام شد و چاپ دوازدهم آن، ضمیمه‌هایی دارد و مفصلتر از چاپهای پیش است. نگارش این کتاب نزدیک به هفت سال به درازا کشید و پیش از چاپ، بعضی از مطالب آن با افراد صاحب‌نظر مورد بحث واقع شد و برای نظرخواهی به چند تن از عالمان قم و تهران و تبریز داده شد. (ص پانزده - شانزده).

از آنجا که نویسنده نظریات جدیدی در این کتاب مطرح کرده، از خوانندگان سه تقاضا کرده است: ۱. «مطالب تازه کتاب را برای کوبیدن تصورات مردم نقل نفرمایند»؛ ۲. به مخالفان کتاب «اعتراض نکنند» تا خاطری آزرده نشود؛ ۳. نظریات موافق و مخالف خود را برای نویسنده ارسال کنند «تا مورد استفاده قرار گیرد.» (ص ۴۶۱).

شهید جاوید از معدود کتابهای تحلیلی و استدلالی درباره قیام امام حسین -ع- است. نویسنده کتاب گفته است: «در مسأله قیام امام حسین -علیه السلام- که هم جنبه تعقلی دارد و هم جنبه عاطفی، اگر کسی بخواهد به تحقیق و کنجکاوی و جنبه تعقلی

آن بپردازد، باید فقط از نیروی فکر و تعقل استمداد کند، نه از نیروی عاطفه. کتاب شهید جاوید چون بر مبنای تحقیق و کنجکاوی تألیف شده طبعاً بیشتر به جنبه فکری و تعقلی مسأله پرداخته و بحث و استدلال را تعقیب کرده و جنبه عاطفی مسأله را دنبال نکرده است.» (ص ۴۷۵ - ۴۷۶).

کتاب حاضر نخستین کتاب یا از نخستین کتابهای شیعه است که در آن به جای «مواجهه عاطفی» با واقعه عاشورا، «مواجهه عقلانی» با آن شده است. همچنین کتاب حاضر نخستین کتاب شیعه است که در آن ضمن پذیرش «جنبه ملکوتی» امام حسین، «جنبه بشری» او بررسی شده است. به عبارت دیگر، «در این کتاب قیام امام حسین - علیه السلام - بر اساس جنبه بشری و در سطح زندگی اجتماعی مورد بحث واقع شده» است؛ اما «وقتی که قیام امام از نظر جنبه بشری بررسی می شود نباید تصور شود که از جنبه ملکوتی حضرتش چیزی کم شده» است. (ص شش). همچنین کتاب حاضر نخستین کتاب شیعه است که در آن ضمن پذیرش «علم غیب» امام، قیام او با صرف نظر از این موضوع بررسی شده است. (ص یازده). زیرا خود آن حضرت «طبق مجاری طبیعی و علم عادی عمل می کرده» است. (ص ده).

مهمترین و بحث انگیزترین نظریه کتاب حاضر این است که قیام امام حسین به هدف شهادت نبود، بلکه برای تشکیل حکومت اسلامی بود. و از آنجا که امام موفق به تشکیل حکومت نشد، بلکه به شهادت رسید، بدین نظریه نویسنده انتقاد گردیده و منافی با علم امام، بویژه با علم آن حضرت به شهادت خود، شمرده شده است.

تفصیل نظر نویسنده این است که قیام امام حسین چهار مرحله داشته و آن حضرت در هر یک از این مراحل، اهدافی داشته است. مرحله اول: از هنگامی که آن حضرت از مدینه به مکه هجرت کرد تا وقتی که بر تصمیم ماندن در مکه باقی بود. اهداف مرحله اول: مقاومت در مقابل تهاجم حکومت و بررسی این موضوع که آیا تشکیل حکومت ممکن است یا نه. مرحله دوم: از هنگامی که تصمیم گرفت به کوفه

برود تا هنگامی که با خُر برخورد کرد. اهداف مرحله دوم: مقاومت در مقابل حکومت و اقدام برای تشکیل حکومت پس از آماده شدن شرایط. مرحله سوم: از هنگام برخورد با خُر تا شروع جنگ. اهداف مرحله سوم: مقاومت و فعالیت برای جلوگیری از برخورد نظامی و برقراری صلح شرافتمندانه. مرحله چهارم: تهاجم نیروهای نظامی و شروع جنگ. اهداف مرحله چهارم: مقاومت و دفاع افتخار آمیز. (ص ۱۱۶-۱۱۷ و صفحات بعد از آن).

مختصر اینکه به گفته نویسنده: «پیروزی نظامی [تشکیل حکومت اسلامی] برای امام، مطلوب درجه یک و صلح شرافتمندانه، مطلوب درجه دو و شهادت، مطلوب درجه سه بوده است». و البته آن حضرت برای مطلوب اول و دوم خود (پیروزی نظامی و صلح)، فعالیت کرد، «ولی برای کشته شدن هیچگونه فعالیتی نکرد، بلکه این عمال حکومت ضد اسلام بودند که فرزند پیغمبر را کشتند و چنین خسارت بزرگی را بر جهان اسلام وارد ساختند.» (ص ۱۵۹).

از مطالبی که در کتاب حاضر بر آن تأکید بسیار شده، این است که شهادت، هدف امام حسین نبوده است. به گفته نویسنده، این نظر که هدف از قیام امام، شهادت بوده، «از قرن هفت هجری، یعنی بعد از تألیف کتاب لهوف، به طور کامل شایع شده» است. (ص ۱۰۶). از این رو نویسنده هم در ضمن کتاب (ص ۹۷-۱۰۶) و هم در خاتمه آن (ص ۳۶۷-۴۳۷)، همه نقلیهایی را که موجب این تصوّر شده (قیام به قصد شهادت)، آورده و بررسی کرده و چنین برداشتی را از قیام امام نادرست شمرده است.

نویسنده خاطر نشان ساخته است که شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی نیز عقیده داشتند که شهادت، هدف امام حسین نبوده و آن حضرت «نمی دانست در این سفر [سفر به کوفه]، شهید می شود و این قول در حدود سه قرن بین علمای شیعه مشهور بوده و ما از زمان شیخ مفید تا قرن هفتم هجری (زمان تألیف لهوف) یک عالم مشخص شیعی را نیافتیم که نظرش در این باره مخالف نظر سه

عالم بزرگ نامبرده باشد. ولی لهوف (در ص ۲۰) برخلاف نظر مشهور نظر داده که امام حسین (ع) می دانست در این سفر شهید می شود (با اینکه دو حدیثی که دلیل مدعای خود آورده فقط اصل کلی شهادت امام را پیشگویی کرده نه زمان آن را)؛ بعداً هم گروهی از وی پیروی کردند و کم کم این قول غیر مشهور تبدیل به یک قول مشهور شد. (ص ۴۵۵).

کتاب شهید جاوید شامل پنج بخش و خاتمه است. عنوان بخشهای آن عبارت است از: «علل قیام امام»، «ماهیت قیام امام»، «مراحل قیام»، «هدف قیام» و «نتایج و آثار». به این چاپ از کتاب سه مطلب افزوده شده است: «نقد شهید آگاه: پاسخ به حُجَّت الاسلام آقای لطف الله صافی گلپایگانی»، پاره‌ای از اسناد ساواک در باره کتاب شهید جاوید و «یک تحقیق جالب» در باره علم امام. در آغاز کتاب نیز نامه‌های سپاس آمیز چند تن از حضرات آیات و دانشمندان در باره کتاب آمده است؛ از جمله: حسینعلی منتظری، علی مشکینی، سید ابوالفضل مجتهد زنجانی، محمدتقی جعفری و احمد آرام.

کتاب شهید جاوید بحث‌انگیزترین کتاب دینی در تاریخ معاصر ایران و مناقشه‌انگیزترین کتاب در باره امام حسین است. بحث و مناقشه در باره این کتاب از محافل علمی و مدارس به مساجد و منابر نیز کشانده شد و ساواک هم به اختلافات دامن زد. در پایان این چاپ کتاب پاره‌ای از اسناد ساواک آورده شده که نشان‌دهنده نقش آن در ایجاد اختلاف است. همچنین در کتاب توطئه شاه بر ضد امام خمینی، یا، نیرنگهای سیاسی ساواک علیه حوزه‌های علمیه، که زیر نظر همین نویسنده نوشته شده (چاپ اول: ۱۳۶۲)، گزارشی از مخالفت‌های با کتاب شهید جاوید ارائه شده است.

در رد کتاب شهید جاوید سیزده کتاب مستقل نوشته شده و، افزون بر این، در ضمن چند کتاب، که شاید در حدود ده عنوان باشد، به رد این کتاب پرداخته شده است. بر هیچ کتابی، در تاریخ معاصر ایران، به اندازه این کتاب ردیه نوشته نشده

است. در ذیل، مشخصات همه کتابهای مستقّلی که در ردّ این کتاب نوشته شده است، آورده می‌شود:

رضا استادی. بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید. [قم]، بی‌نا (چاپ پیروز)، بی‌تا. ۱۰۷ص، رقعی.

علی‌پناه اشتهاردی. کتاب هفت ساله چرا صدا در آورد. چاپ اول: قم، انتشارات علامه، ذوالقعدة ۱۳۹۱. ۴۳۲ص، وزیری.

محمدحسین اشعری و حسین کریمی و سید حسن آل‌طه. یک بررسی مختصر در پیرامون قیام مقدس شهید جاوید حسین بن علی علیهما السلام از نظر روایات. چاپ دوم: تهران، بی‌نا، ۱۳۵۰. ۱۲۳ص، رقعی.

محمدعلی انصاری. دفاع از حسین شهید: ردّ بر کتاب شهید جاوید. [قم]، بی‌نا (مراکز پخش: کتابفروشی اسلامیّه، امیرکبیر، شرکت طبع کتاب، شرکت انتشار)، تاریخ مقدمه ۱۳۵۰. صد و بیستم + ۵۰۸ص، وزیری.

محمدتقی جعفری. سخنی کوتاه در علم امام علیه السلام. [تهران]، بی‌نا، ۱۳۵۱. ۱۴ص، جیبی.

در این جزوه، بالحن علمی، دو انتقاد بر کتاب شهید جاوید شده و در باره نامه‌ای که نویسنده در باره کتاب مزبور نوشته و در آغاز آن چاپ شده، توضیحی ارائه شده است.

ابوالفضل زاهدی قمی. مقصد الحسین. چاپ دوم: قم، مؤسسه مطبوعاتی پیروز، ۱۳۵۰. ۵۴ص، رقعی.

لطف الله صافی گلپایگانی. حسین علیه السلام شهید آگاه و رهبر نجات‌بخش اسلام. [تهران]، بی‌نا (مرکز پخش: کتابخانه صدر)، تاریخ پایان کتاب ربیع الاول ۱۳۹۱. ۴۹۸ص، وزیری.

جعفر صبوری قمی. عقده گشوده: پیرامون کتاب شهید جاوید. [قم]، بی‌نا (چاپ

حکمت)، تاریخ پایان کتاب ربیع الاول ۱۳۹۱. ۱۵ص، جیبی.

محمدتقی صدیقین اصفهانی. حسین (ع) و پذیرش دعوت. قم، بی‌نا (چاپخانه پیروز)، ۱۳۵۱. ۱۰۲ص، جیبی.

محمدحسین طباطبائی. بحثی کوتاه درباره علم امام (ع). پیشگفتار سید محمدعلی قاضی طباطبائی. تبریز، بی‌نا (چاپخانه نور)، ۱۳۵۵. ۵۸ص، جیبی.

متن کتاب، به صورت غیر مستقیم، در نقد کتاب شهید جاوید است و به نام آن تصریح نشده است.

عده‌ای از محصلین علوم دینی اصفهان. استفتائیه‌های طلاب و روحانیون از مراجع تقلید درباره کتاب شهید جاوید. بی‌م، بی‌نا، [۱۳۵۰]. [۱۲ص]، خشتی بزرگ.

شامل پرسش حسن مرادی قهدریجانی و دیگران از چهار تن از حضرات آیات درباره کتاب شهید جاوید است. در کتاب توطئه شاه بر ضد امام خمینی، یا، نیرنگهای سیاسی ساواک علیه حوزه‌های علمیه (ص ۱۳۸ - ۱۶۳)، توضیحی در باره این جزوه ارائه شده است.

ع [علی اصغر] عطائی خراسانی. ضمیمه افسانه کتاب: پاسخ از پنداری چند، فهرست اعلام و کتب و نقد شهید جاوید. مشهد، بی‌نا (چاپ فیروزیان)، ۱۳۵۰. ص ۴۴۱ - ۶۲۵ [۱۸۵ص]، رقی.

عبدالصاحب سید محمد مهدی مرتضوی. یک تحقیق عمیقتر در موضوع قیام حسین بن علی علیهما السلام: جواب او از کتاب او، یا، پاسخ شبهات کتاب شهید جاوید. قم، انتشارات علامه، ۱۳۵۰. ۲۸۷ص، وزیری.

آخرین نکته اینکه نویسنده کتاب شهید جاوید، کتابی با این مشخصات دارد: لجنة تحقیق مسائل اعتقادی و تاریخی - عبدالله مظلوم. عصای موسی (ع). تهران، بی‌نا (چاپ مشعل آزادی)، ۱۳۵۴. ج ۱، ۲۳۸ص، وزیری. سند. در این کتاب، که چاپ شده و امکان پنخش نیافته است، به رد هشت رد بر شهید جاوید پرداخته شده است.

۵۱

حُسن علیه السّلام شهید آگاه و رهبر نجات بخش اسلام

لطف الله صافی گلپایگانی. [تهران]، بی نا (مرکز پخش: کتابخانه صدر)، تاریخ پایان کتاب ربیع الاول ۱۳۹۱. ۴۹۸ ص، وزیری.

کتاب حاضر، که به شهید آگاه نامبردار است، ردّیه ای است بر کتاب شهید جاوید، تألیف نعمت الله صالحی نجف آبادی، و در میان ردّیه هایی که بر آن نوشته شده، مهمترین ردّیه است. به نظر نویسنده هدف از قیام امام حسین -ع- شهادت بود و نه تأسیس حکومت اسلامی. از این رو کتاب شهید جاوید، که هدف امام را تأسیس حکومت اسلامی دانسته و نه شهادت، باطل است. نویسنده در آغاز کتاب مرقوم داشته است: آنچه از اخبار صحیح متواتر استفاده می شود این است که امام -ع- متعبد به قیام و شهادت بوده و شهادت آن حضرت محبوب و مطلوب خداوند بوده است و تعبد به شهادت امری بی سابقه نیست. به عبارت دیگر امام مأمور بود علیه یزید قیام کند و ابطال حکومت او را اعلان نماید و امتناع خود را از این بیعت شوم، علنی و آشکار سازد. (ص ۳۴). همچنین مرقوم داشته است: بررسی اجمالی و مختصر در احادیث شیعه و دقت در مضمون زیارتها و احادیثی که در باره علوم امامان رسیده و اینکه خداوند علم پیغمبر -ص- را به آنان عطا فرموده است، ثابت و آشکار می کند که امام از آینده ای که در جلو داشت [شهادت]، آگاه بود و تأسیس حکومت اسلامی و پیروزی نظامی و ظاهری را [که نویسنده کتاب شهید جاوید گفته است]، پیش بینی نمی فرمود. (ص ۴۵). و نیز نویسنده مرقوم داشته است: در چگونگی علم امام هرگونه رأی و

نظری باشد، در خصوص امام حسین -ع- یقین است که از شهادت خود در کربلا به دست بنی امیه خبردار بوده است و نظر به اخبار بسیار که از جد و پدرش رسیده، می دانسته تأسیس حکومت اسلامی در برنامه کار امامان، به استثنای مدّت خلافت ظاهری حضرت امیرالمؤمنین و حضرت مجتبی -ع- فقط در برنامه حضرت قائم آل محمد -ع- گذاشته شده است. (ص ۵۱). همچنین نویسنده در بحث مستقّلی با عنوان «امام علیه السلام آگاه بود» (ص ۵۶-۷۲)، سی و سه دلیل آورده که امام از شهادت خود در کربلا آگاه بود و هدفش تأسیس حکومت اسلامی نبود و می دانست که پیروزی نظامی به دست نمی آید.

به نظر نویسنده «اساس کتاب شهید جاوید باطل است» (ص ۸۰) و دلایل نویسنده آن، که نظر خود را موافق نظر شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی دانسته، مردود است و سخنان عالمان مزبور در پاسخ اهل سنت و با توجه به مقتضیات عصرشان است. در جایی از کتاب تصریح شده که همه کتاب شهید جاوید بر محور سخنی از سید مرتضی در تنزیه الانبیاء دور می زند (ص ۱۴۹)، اما در نهایت تفاوتی میان نظر سید مرتضی و مؤلف شهید جاوید گذاشته شده است.

کتاب شهید آگاه، مانند کتاب شهید جاوید، در پنج بخش تنظیم شده و در هر بخش به ردّ یک بخش از آن کتاب پرداخته شده است. مهمترین انتقاد نویسنده به کتاب شهید جاوید این است که تحلیل آن با علم امام منافات دارد و از این رو عنوان کتاب خود را شهید آگاه گذاشته است.

دانستنی است چاپ دوازدهم کتاب شهید جاوید دارای بحثی مستقل با این عنوان است: «نقد شهید آگاه: پاسخ به حُجّت الاسلام آقای لطف الله صافی گلپایگانی». (ص ۴۷۳-۵۲۴). در این بحث به ردّ کتاب شهید آگاه پرداخته و اساس آن باطل دانسته شده است.

۵۲

الوثائق الرسمية لثورة الامام الحسين (ع)

عبدالکریم حسینی قزوینی. چاپ سوم: قم، مکتبه الشہید الصدر، ۱۴۰۴ق. ق ۱، ۲۶۴ص، رقعی. نقشه، تصویر.

کتابی است توصیفی در باره قیام امام حسین -ع- که بر پایه نامه‌ها و سخنرانیهای آن حضرت و دشمنانش نوشته شده است. تاریخ تألیف کتاب ۱۳۹۱ قمری است و این چاپ آن شامل مطالب بیشتری. قسم (جلد) دوم کتاب تاکنون منتشر نشده و، چنانکه نویسنده در پاورقی صفحه ۳۵ و ۱۲۷ کتاب اشاره کرده، عنوان آن الوثائق الرسمية لثورة الحسين (ع) است.

امتیاز کتاب حاضر از دیگر کتابهای مقتل این است که در آن به نامه‌ها و سخنرانیهای امام حسین و دشمنانش بیشتر عنایت شده و، در واقع، قیام آن حضرت بر پایه این اسناد گزارش شده است. البته بسیاری از نامه‌ها و سخنرانیهای دیگر وجود دارد که در کتاب نیامده و توضیحی هم درباره این کاستی داده نشده است. در مقدمه کتاب گفته شده است: در این قسم از کتاب همه [برخی] اسناد مربوط به انقلاب امام حسین (نامه‌ها و سخنرانیها و گفته‌ها)، آمده است؛ خواه آنها که از امام و یارانش نقل شده و خواه آنها که از فرمانروایان آن روزگار است. دامنه این تحقیق از آشکار شدن انقلاب امام در مدینه تا شهادت او در کربلاست. من، تا آنجا که می توانستم، در ضبط و مرتب کردن این اسناد کوشیدم و آنها را به ترتیب تاریخی آوردم.... چنین می پندارم که این نخستین تجربه در این عرصه است. (ص ۹- ۱۰).

متن کتاب شامل بحث درباره قیام امام در مدینه، خروج از مدینه و ورود به مکه، خروج از مکه و ورود به کربلا و رخدادهای روز عاشورا است. نویسنده در این مباحث نامه‌ها و سخنرانیهای رد و بدل شده را آورده است که در ذیل به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود: نامه امام حسین به بنی‌هاشم، نامه‌های اهل کوفه به امام حسین، پاسخ امام حسین به اهل کوفه، نامه ابن زیاد به یزید، خطبه امام حسین در مکه، امام حسین و فرزندان، نامه ابن زیاد به حر، خطبه امام حسین در کربلا، نامه حر به ابن زیاد، نامه ابن زیاد به امام حسین، نامه عمر بن سعد به ابن زیاد، خطبه امام حسین در مقابل لشکر اموی، رجزهای در معرکه، با امام حسین در آخرین لحظاته، مناجات امام حسین با پروردگارش.

کتاب حاضر ذیل عنوان چهره حقیقی قیام حسینی در آئینه اسناد تاریخی، به قلم علی علوی، به فارسی ترجمه شده است. (انتشارات بدر، ۱۳۶۲).

۵۳

وسيلة الدارين في انصار الحسين(ع)

سید ابراهیم موسوی زنجانی. مقدمه سید محمدصادق آل بحر العلوم. چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۲. ۴۴۷ص، وزیری.

کتابی است توصیفی در باره قیام امام حسین -ع- و بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت و تاریخ پایان تألیف آن جمادی الاول ۱۳۹۲ است. از عنوان کتاب چنین برمی آید که موضوع آن به اصحاب امام حسین اختصاص دارد؛ اما چنین نیست و تنها بخشی از کتاب در این باره است. مضافاً اینکه عنوان نهاده شده بر کتاب مطابق با عنوانی نیست که نویسنده در آغاز و پایان کتاب به قلم آورده است. زیرا نویسنده در آغاز کتاب می گوید: «سمیت هذا الكتاب وسیلة الدارين في شهادة ابي عبدالله الحسين، واهل بيته واصحابه». (ص ۱۲). و در پایان کتاب می گوید: «تم كتاب وسیلة الدارين في مقتل الحسين المظلوم عليه السلام واهل بيته واصحابه». (ص ۴۳۴).

مطالب کتاب در دوازده مقصد گنجانده شده است. مقصد اول در باره امام حسین، مقصد دوم در باره کربلا، مقصد سوم در باره کفر قاتلان امام حسین، مقصد چهارم در فضیلت اصحاب امام حسین و مقصد پنجم و ششم در شرح حال آنان است. مقصد هفتم در شهادت اهل بیت آن حضرت و مقصد هشتم در شهادت فرزندان اوست. مقصد نهم به شهادت آن حضرت اختصاص دارد و در مقصد دهم تا دوازدهم از روانه کردن اسیران به کوفه و شام و مدینه و رخدادهای در این مسیر و ماجرای سرهای شهیدان سخن رفته است.

نویسنده در آغاز گفته است که در این کتاب شرح حال دویست و سی و پنج تن از اصحاب شهید امام حسین را آورده است. وی از بسیاری از کسانی که در منابع قدیم و جدید به عنوان شهید نام برده شده، یاد کرده و شرح حالشان را آورده است. او چندان عهده دار صحّت و سقم منقولات نشده و چه بسا از افرادی یاد کرده که شهید نشدند و یا وجود خارجی نداشتند. در برخی از موارد با استناد به یک منبع، که آن هم کهن نیست، از فردی به عنوان شهید یاد شده است.

در منابع کتاب، کتابهایی چون ابصارالعین از سماوی، ذخیره الدارين از حسینی حائری شیرازی و فوسان الهیجاء از محلاتی، که هر سه در شرح حال اصحاب امام حسین است، ملاحظه می شود.

۵۴

تحقیق در بارهٔ اوّل اربعین حضرت سیدالشهداء (ع)

سید محمدعلی قاضی طباطبائی. چاپ سوم: قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیه الله قاضی طباطبائی، ۱۳۶۸. پانزده + ۹۶۳ص، وزیری. ✓

کتاب فوق مشتمل است بر تحقیق مفصّلی در بارهٔ بازگشت اهل بیت امام حسین -ع- در نخستین اربعین آن حضرت و در ضمن آن مطالب بسیاری گنجانده شده است. این کتاب در پاسخ به پرسشی از نویسنده، نوشته شده و، در واقع، در ردّ سخنی از حاجی نوری در کتاب *لؤلؤ و مرجان* است. سخن نوری این است که ورود اسیران اهل بیت به کربلا، پس از رهایی از دست یزید در شام، در نخستین اربعین امام حسین (۲۰ صفر سال ۶۱)، سخنی معتبر و صحیح نیست. اما به نظر نویسنده، سخن نوری صحیح نیست و قول مشهور در میان شیعه، که اسیران اهل بیت در نخستین اربعین امام حسین به زیارت قبر وی نائل شدند، صحیح است. نویسنده بر آن است که نخستین فردی که در این مسأله شبهه کرده، ابن طاووس در کتاب *اقبال الاعمال* است و «از علمای امامیه تا قرن هفتم هجری شبهه و اشکالی در این موضوع دیده نشده است». (ص ۲). وی سپس به حاجی نوری اشاره می‌کند که در کتاب *لؤلؤ و مرجان* «هر چه می‌توانسته، خواسته موضوع آمدن اسرای اهل بیت -علیهم السّلام- را در اربعین اوّل سال ۶۱ هجرت نفی نماید، بلکه همّت داشته که از محالات شمارد». (ص ۳). آنگاه نویسنده بتفصیل و با ارائه دلایل متعدّد و با استناد به منابع فراوان کوشیده است که نظر حاجی نوری را رد و یکایک دلایل وی را ابطال کند. وی در این کتاب از نزدیک

به ششصد کتاب استفاده کرده و آن را در سال ۱۳۹۲ قمری نوشته است. در لابلای کتاب به موضوعات دیگری نیز پرداخته و گاه بتفصیل سخن گفته شده است. در ذیل به برخی از مطالب کتاب اشاره می‌شود: اشاره به اینکه کتاب لهوف ابن طاووس، در بست مورد اعتماد است و از همهٔ مقاتل شیعه و سنی صحیحتر و معتبرتر است (ص ۱۸)، مخدوش بودن این سخن مشهور که امام حسین حج خود را به عمره تبدیل کرد، بلکه آن حضرت احرام به عمره مفرده بسته بود و آن را به اتمام رسانید (ص ۳۹)، مخدوش بودن این سخن مشهور که شریح قاضی فتوا به واجب القتل بودن امام حسین داد (ص ۶۱-۶۴)، تحقیق در بارهٔ کشیدن تیر از پای امیرالمؤمنین در هنگام نماز (ص ۱۷۰-۱۷۵)، مخدوش بودن کتاب ناسخ التواریخ و جایز نبودن مطالعهٔ آن (ص ۱۷۸)، مخدوش بودن این سخن مشهور که عمر، تاریخ هجری قمری را وضع کرد، بلکه رسول خدا-ص- آن را وضع کرد (ص ۲۲۸-۲۵۱)، مجعول بودن تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ص ۲۵۷-۲۵۸)، تحقیق مفصلی در بارهٔ صلوات بر محمد و آل محمد-ع- با رجوع به منابع بسیار (ص ۴۴۸-۵۵۳)، مجعول بودن کتاب فقه الرضا علیه السلام (ص ۶۲۷-۶۳۱)، تحقیق در بارهٔ علی اصغر و عبدالله رضیع و اینکه این دو، دو نفر بودند (ص ۶۶۰-۶۸۲)، مجعول بودن داستان عروسی حضرت قاسم در عاشورا و اشاره به اینکه حسن مثنی و فاطمه، دختر امام حسین، در پیش از محرم با یکدیگر ازدواج کرده بودند و این موضوع، منشأ اشتباه و خلط شده و برخی پنداشته‌اند که قاسم، برادر حسن مثنی، با فاطمه ازدواج کرده بود (ص ۶۸۳-۶۸۹)، درست بودن این مطلب که یکی از همسران امام حسین، شاه زنان (شهربانو)، دختر کسرا یزدگرد و مادر امام سجّاد-ع- بود. (ص ۶۹۳-۷۰۱).

۵۵

خطب الامام الحسين (ع) على طريق الشهادة

لیب بیضون. دمشق، بی نا (چاپخانه ابن زیدون)، ۱۳۹۳. ۳، ۴۰۹ ص، خشتی. تصویر، جدول، نقشه، نمودار. ✓

کتاب فوق در بردارنده سخنان امام حسین -ع- از مدینه تا کربلا و برخی از سخنان یاران و دشمنان اوست. مطالب کتاب در سه جزء و دو جلد گنجانده شده است. جلد اول شامل جزء اول و دوم و جلد دوم شامل جزء سوم است. تاریخ مقدمه کتاب ۱۳۹۴ قمری است، اما در صفحه عنوان کتاب ۱۳۹۳ آمده و، بنابراین، یکی از این دو تاریخ اشتباه است.

جزء اول کتاب با عنوان «نهضة الامام الحسين (ع)»، شامل هفت فصل و جزء دوم با عنوان «مسيرة الامام الحسين (ع)»، شامل پنج فصل و جزء سوم با عنوان «موقعة كربلاء»، شامل هفت فصل است. جزء اول و دوم شامل سخنان امام حسین است و جزء سوم بیشتر به شهادت یاران و اهل بیت او اختصاص داده شده است. در جزء اول و دوم سخنان امام حسین در مدینه و مکه و از مکه تا کربلا و در کربلا ارائه شده است. بدین ترتیب که سخنان آن حضرت از مکه تا کربلا به ترتیب منازل آمده و سخنان در کربلا به ترتیب روزها آمده است. در جزء سوم شهادت یاران و اهل بیت امام و شهادت او و سخنانش در هنگام مبارزه گزارش شده و در پایان به سه موضوع پرداخته شده است: رخدادهای پس از شهادت (غارت و سوزاندن خیمه‌ها)، اسارت اهل بیت و اشعار در رثای آن حضرت.

اهمیت کتاب حاضر در این است که شامل سخنان امام حسین در دوران قیام اوست و، ثانیاً، این سخنان به ترتیب تاریخی، و در دوره‌ای به ترتیب منازل، ارائه شده است.

۵۶

انصار الحسین

دراسة عن شهداء ثورة الحسين، الرجال والدلالات

محمد مهدی شمس‌الدین. چاپ دوم: بیروت، الدار الاسلامیة، ۱۴۰۱. ۲۳۳ ص،
وزیری. ✓

کتاب حاضر، که در سال ۱۳۹۴ قمری نوشته شده، مهمترین اثر در باره یاران امام حسین -ع- است. در آغاز کتاب از منابع این تحقیق سخن رفته و در بخش اول و دوم به بحث در باره یاران امام پرداخته شده است. بخش اول با عنوان زیبای «کم هم و من هم؟» عهده‌دار تحقیق در باره تعداد و شرح حال شهیدان کربلاست و با اتکا به منابع متعددی نوشته شده است.

به نظر نویسنده راهی برای دستیابی به تعداد واقعی یاران امام حسین وجود ندارد و گزارشهایی که در این باره وجود دارد بیان‌کننده تعداد تقریبی است و نه واقعی. و البته این تعداد تقریبی چندان بیشتر یا کمتر از تعداد واقعی نیست. (ص ۴۳). وی در جایی از کتاب می‌گوید که تعداد یاران آن حضرت که در کربلا شهید شدند، کمی بیش از صد نفر است. (ص ۴۹ و ۵۲). ولی در پایان کتاب تعداد شهیدان را بیش از صد و بیست نفر می‌داند (ص ۲۲۸)، که احتمالاً سهواً قلم است. زیرا حاصل جمع شهیدان کربلا (که به نظر نویسنده بیش از صد نفر است)، با شهیدان کوفه (که به نظر او شش نفر است)، بیش از صد و شش نفر می‌شود و نه بیش از صد و بیست نفر.

نویسنده دو فهرست از اسامی شهدای کربلا ارائه کرده است: فهرست اول شامل اسامی افرادی است که نام آنها در زیارت منسوب به ناحیه و منابع تاریخی آمده و به نظر نویسنده مطمئناً در کربلا به شهادت رسیدند. این عده هشتاد و دو نفر هستند. (در پاورقی صفحه ۴۹ تعداد این عده هشتاد و یک نفر دانسته شده است.) فهرست دوم شامل اسامی افرادی است که نام آنها در یک منبع آمده و متأخر است؛ مانند زیارت رجبیه، مناقب ابن شهر آشوب، مثير الاحزان و اللہوف. این عده بیست و نه نفر هستند و به نظر نویسنده تعداد کمی از آنها وجود واقعی داشته‌اند و، به عبارت دیگر، اغلب آنها شخصیت‌های خیالی هستند.

دانستنی است که نویسنده بحثی در باره زیارت ناحیه و زیارت رجبیه کرده و اسامی شهدای مشترک این دو زیارتنامه را استخراج کرده که پنجاه نفر است. همچنین اسامی ویژه زیارت رجبیه را، که زیارت ناحیه فاقد آن است، استخراج کرده که بیست و چهار نفر است. آنگاه به ارزیابی این دو زیارتنامه پرداخته و زیارت ناحیه را از حضرت ولی عصر - عج - و امام حسن عسکری - ع - ندانسته و زیارت رجبیه را از سید بن طاووس شمرده و، در واقع، او را واضع آن دانسته است. گو اینکه نویسنده هیچکدام از این زیارتنامه‌ها را مأثور نمی‌داند، اما زیارت ناحیه را به لحاظ تاریخی ارزشمند و معتبر می‌داند که مشتمل بر اسامی شهیدان کربلاست. حال آنکه زیارت رجبیه را منبع دست دوم می‌شمارد و بر منفرات آن اعتماد نمی‌کند.

از دیگر مطالب بخش اول کتاب، بحثی است در باره شهیدان کوفه که نویسنده آنها را شش تن دانسته و شرح حالشان را بیان کرده است. مطلب دیگر در باره شهیدان بنی‌هاشم در کربلاست که نام و هویت بیست و هفت تن ذکر شده و نویسنده وجود هفده تن را در نزد خود ثابت شده دانسته است. آخرین مطلب این بخش در باره مدفن شهیدان کربلا (از بنی‌هاشم و غیر بنی‌هاشم) است.

در بخش دوم کتاب از «اهل بصیرت» بودن شهیدان کربلا، نقش موالی در قیام آن

حضرت، ریشه قومی و قبیله‌ای یاران امام و وطن آنها، سیاست قطع سرهای شهیدان و... سخن رفته است.

کتاب حاضر دوبار به فارسی ترجمه شده است: بار اول ذیل عنوان انصار الحسین (ع)، به قلم ناصر هاشم زاده (چاپ اول: تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴)؛ و بار دوم با عنوان شهیدان کربلا، به قلم هوشنگ اجاقی (چاپ اول: نشر آفاق، ۱۴۰۶ ق).

در باره یاران امام حسین، علاوه بر کتابهایی که در این کتابشناسی معرفی شده است، رجوع شود به:

محمدعلی عابدین. الدوافع الذاتیة لانصار الحسین. چاپ سوم: قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۹۸۳ م. ۲۷۱ ص، وزیری.

محمدعلی عابدین. التسییر الذاتی لانصار الحسین. چاپ اول: بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۹۸۰ م. ۲۷۱ ص، وزیری.

۵۷

حياة الامام الحسين بن علي عليهما السلام، دراسة و تحليل

باقر شريف قرشى. چاپ چهارم: [قم]، المدرسة العلمية الايروانى، ۱۴۱۳ ق. ۳ ج،

۴۴۴ + ۴۷۲ + ۴۹۶ ص، وزيرى. ✓

● عنوان روى جلد: حياة الامام الحسين عليه السلام.

کتابى است توصيفى - تحليلى در باره امام حسين - ع - و روزگار او که بيان کننده «نظر رايج» شيعه و از مفصلترين کتابهاست و با استناد به بيش از سيصد کتاب نوشته شده است. علت مفصل بودن کتاب اين است که در آن ضمن پرداختن به زندگى امام حسين، از عصرى که در آن مى زيست سخن رفته است. تاريخ مقدمه جلد اول کتاب رجب ۱۳۹۴ و تاريخ مقدمه جلد سوم صفر ۱۳۹۶ است.

جلد اول کتاب دربردارنده زندگى امام تا دوره خلافت اميرالمؤمنين است. در اين جلد از ولادت امام و مراسم آن، تربيت او در دامان جد و پدر و مادرش، آيات و روايات در باره آن حضرت، ويژگيهاى او (شجاعت، صبر، حلم، رأفت و...)، روايات او از جد و پدر و مادرش، روايات از او، زندگى او در عصر خلفاى سه گانه و... سخن رفته است. نويسنده در بحث از محاصره خانه عثمان گفته است على رغم پندار برخى از مورخان، امام حسن و امام حسين - ع - به دفاع از وي نپرداختند. (ص ۳۹۴). نويسنده در اين باره به بحث نپرداخته و به کتاب ديگرش (حياة الامام الحسن)، ارجاع داده است.

جلد دوم شامل زندگى امام در دوره خلافت اميرالمؤمنين و سلطنت معاويه و

یزید تا خروج آن حضرت از مدینه به مکه و فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه است. در این جلد از کارنامه سلطنت معاویه و یزید سخن رفته و در بحثی مستقل با عنوان «الثورة الحسينية، اسبابها ومخططاتها» (ص ۲۶۷ - ۳۰۲)، به برخی از علل قیام امام و انگیزه‌های او اشاره شده است؛ از جمله: مسؤولیت دینی، مسؤولیت اجتماعی، حمایت از اسلام، پاسداری از مقام خلافت، امر به معروف و از میان بردن بدعت. آنگاه ذیل عنوان «تخطيط الثورة» گفته شده که آن حضرت هم خودش را فدا کرد و هم خانواده و دارایش را. سپس به بحث در باره علت اینکه آن حضرت زنان را با خود به کربلا برد، پرداخته و نظر محمدحسین آل کاشف الغطاء، احمد فهمی و احمد محمود صبحی بیان شده است.

جلد سوم با بحث در باره هجرت امام به عراق و علت آن شروع شده و سپس به علت رویگردانی امام از حجاز و مصر و یمن و فارس و بصره پرداخته شده است. آنگاه زیر عنوان «دلسوزان و خُرده گیران» (ص ۲۱ - ۴۰)، از کسانی یاد شده که از امام خواستند به کوفه نروند. نویسندگان از این عده در شمار دلسوزان یاد کرده است: مسور بن مخزومه، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عباس، ابوبکر مخزومی، عبدالله بن جعده، جابر بن عبدالله، عبدالله بن مطیع، عمرو بن سعید، محمد بن حنفیه، ام سلمه و عبدالله بن زبیر. و از این عده در شمار خُرده گیران یاد شده است: عبدالله بن عمر، سعید بن مسیب، ابو واقد لیثی، ابوسلمه، ابوسعید و عمرة بنت عبدالرحمان. آنگاه از چهار تن از معاصران یاد شده که به قیام امام علیه یزید خُرده گرفتند: شیخ محمد خضری، محمد نجار، محمد غزالی و احمد شبلی، که شبلی درست است.

در ادامه کتاب از رفتن امام به کوفه، ورود به کربلا، ویژگیهای دو لشکر، شهادت امام و اصحاب و نزدیکانش، اسارت خانواده اش در کوفه و شام، بازگشت به مدینه و دستاوردهای انقلاب کربلا بحث شده است. در ضمن بحث اخیر از انقلاب عبدالله بن عقیف، انقلاب مدینه، انقلاب توأبین و انقلاب مختار بحث شده است.

۵۸

حسین وارث آدم

علی شریعتی. [تهران]، انتشارات قلم، ۱۳۶۰. مجموعه آثار ۱۹، د+۴۴۷ص، رقعی. ✓

کتاب فوق شامل مجموعه گفتارها و نوشتارهای دکتر شریعتی درباره امام حسین - ع - است و عنوان آن از عنوان یک بخش (کتاب) آن، که در پیش به صورت مستقل چاپ شده بود، گرفته شده است. مطالب کتاب طی سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۵ (۱۳۸۸ - ۱۳۹۶ق) گفته و نوشته شده و فهرست آن چنین است: «حسین وارث آدم»، «ثار»، «شهادت»، «پس از شهادت»، «بحثی راجع به شهید»، «بینش تاریخی شیعه»، «انتظار مذهب اعتراض»، «فلسفه تاریخ در اسلام» و «مقدمه بر کتاب حجر بن عدی». در پنج بخش اول کتاب (تا صفحه ۲۲۵)، بیش از دیگر بخشها به امام حسین پرداخته شده است که در ذیل به توصیف آنها پرداخته می شود:

«حسین وارث آدم»، عنوان کتابی است که با الهام از زیارت وارث نوشته شده و آن حضرت وارث همه انقلابهای انبیا شمرده شده که با زر و زور و تزویر پیکار کرد. «ثار»، عنوان سخنرانی ای است که در آن از پیوند آن با ثوره سخن رفته و گفته شده که از کلمه ثار سراسر تاریخ انسان و فلسفه تاریخ استخراج و تفسیر می شود. «شهادت»، عنوان سخنرانی ای است که در آن ضمن بررسی قیام امام حسین، از مفهوم شهادت سخن رفته و گفته شده که هدف آن حضرت از قیام، شهادت بوده است. به نظر شریعتی، شهادت در اسلام یک «حکم»، مانند جهاد، است و «شهید هنگامی به میدان می آید که مجاهد، شکست خورده است». (ص ۱۸۹). وی معتقد

است که «شهادت مرگی نیست که دشمن ما بر مجاهد تحمیل کند، [بلکه] شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی... خود، انتخاب می‌کند!» (ص ۱۹۲). او بر آن است که امام حسین خواسته بود با شهادت خود، دشمن را رسوا و محکوم کند. «پس از شهادت»، عنوان سخنرانی‌ای است که در آن گفته شده هر انقلابی دو چهره دارد: خون و پیام. و در انقلاب امام حسین، رسالت خون را آن حضرت و یارانش گزاردند و رسالت پیام را حضرت زینب به جا آورد.

«بحثی راجع به شهید»، عنوان سخنرانی دیگری است که در آن گفته شده دو گونه شهادت وجود دارد: شهادت حمزه‌ای و شهادت حسینی. «شهادت حمزه‌ای عبارت است از... کشته شدن مردی که آهنگ کشتن دشمن کرده است... اما شهادت حسینی کشته شدن مردی است که خود برای کشته شدن خویش قیام کرده است.» (ص ۲۲۳). در شهادت حمزه‌ای، شهادت، شهید (مجاهد) را انتخاب می‌کند، اما در شهادت حسینی، شهید، شهادت را انتخاب می‌کند. شهادت حمزه‌ای یک حادثه و رویداد منفی در مسیر راه است، اما شهادت حسینی یک سرمنزل در مسیر راه و یک ایده‌آل است. (ص ۲۲۳-۲۲۴).

در نقد مطلبی از کتاب حسین وارث آدم رجوع شود به: [علی اصغر] عطائی خراسانی. کارنامه علامه مجلسی: شرحی فشرده پیرامون خدمات و تألیفات علامه مجلسی و تراوش وجودی او در حفظ آثار شیعه. (مشهد، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴). ص ۱۰۵-۱۱۴. همچنین به کتاب حماسه حسینی، از استاد مطهری (ج ۳، ص ۳۰۵-۳۱۰) رجوع شود. و در نقد کتاب شهادت، که در ضمن آن کتاب شهید جاوید نقد شده است، رجوع شود به: انجمن تحقیق مسائل تاریخی و اعتقادی (به کوشش) [نعمت الله صالحی نجف‌آبادی]. پیرامون نظر دکتر شریعتی دانشمند مجاهد در باره کتاب «شهید جاوید». (تهران و قم، نشر نجف‌آباد، تاریخ مقدمه ۱۳۵۹). ص ۸۰، رقعی.

۵۹

تعزیه

نیایش و نمایش در ایران

پترجی. چلکو و سکی (گرد آورنده). ترجمه داوود حاتمی. چاپ اول: تهران، شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷. هشت + ۴۱۰ ص، وزیری. تصویر. ✓

● نام گردآورنده در دیباچه کتاب پیترو... ضبط شده است.

● عنوان روی جلد: تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران.

کتاب فوق حاوی مقالاتی است به قلم چند تن از محققان ایرانی و ایران‌شناسان خارجی که به مجمع (سمپوزیوم) بین‌المللی تعزیه ارائه شد. این مجمع با حضور دست‌اندرکاران تئاتر و موسیقیدانان و تاریخنگاران و جامعه‌شناسان در تابستان ۱۳۵۵ (۱۳۹۶ق) در شیراز برگزار شد. به نظر مترجم، «کتاب حاضر، دست‌کم برای آشنایان به هنر نمایش، اثری است تازه و سودمند. تازه از این نظر که، بی‌شک، نخستین اثر آکادمیک در قلمرو خود است و سودمند، زیرا ابعاد مختلف و متنوع موضوع را پیش چشم دارد.» (ص ۱). همچنین گردآورنده در دیباچه کتاب گفته است: «مقالاتی که در این کتاب آمده، پیدایش مراسم سوگواری ماه محرم را تا سطح نمایش و تئاتر کامل ردیابی می‌کند. بخش‌هایی از کتاب، پژوهش‌هایی است برای یافتن ریشه‌های ماقبل‌اسلامی تعزیه، در حالی که سایر بخش‌ها تعزیه را با نمایشهای قرون وسطایی مصیبت حضرت مسیح مقایسه می‌کنند یا برگزاری تعزیه امام حسین (ع) در کشورهای همجوار ایران، ترکیه، و شبه‌قاره هند و پاکستان را شرح

می دهند.» (ص ۵).

در مقالات این کتاب جنبه‌های تاریخی، مردم‌شناختی، هنری، ادبی و موسیقایی تعزیه و خاستگاه و دگرگونی‌های آن بررسی شده است. محدوده این تحقیق فراتر از ایران است، اما کانون آن ایران است. از میان جنبه‌های مختلف تعزیه بیشتر به جنبه هنری آن پرداخته و نگریسته شده و کمتر از همه به ارزیابی تعزیه‌نامه‌ها و میزان تطبیق آن با تاریخ پرداخته شده است. پاره‌ای از اطلاعات کتاب، نادرست و ناشی از ناآشنایی نویسندگان به تاریخ است که گاه مترجم صورت درست آن را یادآور شده است.

فهرست مقالات و نام نویسندگان آنها عبارت است از: «تعزیه: نمایش بومی پیشرو ایران»، چلکو و سکی؛ «تحلیلی از تعزیه عروسی قاسم (ع)»، صادق همایونی؛ «ابعاد فرهنگی قراردادهای نمایشی در تعزیه»، ویلیام ابیمن؛ «جنبه‌های نشانه‌شناختی تعزیه»، آندره زیج و یرث؛ «دگرگونی و تحول در ادبیات و موسیقی تعزیه»، عنایت الله شهیدی؛ «تعزیه و هنرهای مربوط به آن»، ساموئل پیترسون؛ «تعزیه و آیین‌های سوگواری در ایران قبل از اسلام»، احسان یارشاطر؛ «تعزیه و فلسفه آن»، مایل بکتاش؛ «اقامه تعزیه: اطلاعاتی مقدماتی برای پژوهشی جامع»، ژان کالمار؛ «ملاحظاتی چند در مقایسه بین مراسم تعزیه ایرانی و "نمایش مصائب و آلام مسیح" در سده‌های میانه مسیحی در مغرب زمین»، انریکو فولکین یونی؛ «تأثیر تئاتر اروپایی و نفوذ روشهای نمایشی آن در تعزیه»، محمدجعفر محجوب؛ «تعزیه از دیدگاه تئاتر غرب»، پرویز ممنون؛ «منابع ادبی تعزیه»، ال. بی. ال. ساتن؛ «صورت خیال قالبی در تعزیه»، ویلیام ال. هنوی؛ «مرثیه سرایی در عهد قاجار»، زهرا اقبال (نامدار)؛ «مرثیه در اشعار سندی»، آنمری شیمل؛ «تعزیه‌داری در هند»، سید حسین علی جعفری؛ «تشیع و مراسم عاشورا در لبنان»، میشل مزاولی؛ «آیین‌های محرم در آناتولی ترکیه»، متین آند؛ «کتابشناسی»، چلکو و سکی.

۶۰

حماسهٔ حسینی

مرتضی مطهری. چاپ اول: تهران و قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱-۱۳۶۵. ۳ ج، ۳۱۸+۲۸۱+۴۱۸ص، رقعی.

کتاب حاضر مشتمل بر سخنرانیها و یادداشتهای استاد مطهری در بارهٔ امام حسین -ع- است که از حدود سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ (۱۳۸۸-۱۳۹۷ق) ایراد و نوشته شده و تاکنون سی نوبت به چاپ رسیده است. این کتاب تاریخنگاری نیست، بلکه تحلیل تاریخ است و در آن به جنبهٔ درس آموزی و الگوگیری از قیام امام حسین و لزوم پیراستن آن از تحریفات تکیه و تأکید شده است. از آنجا که استاد مطهری، خود، عهده‌دار فراهم کردن این کتاب نشده بود و فرصت تجدید نظر در مطالب آن را پیدا نکرده بود و مطالب آن را به تفاریق گفته و نوشته بود، مسامحاتی در کتاب یافت می‌شود. با این وصف، نکاتی جدید و ارزشمند در کتاب وجود دارد و لذا آن را در شمار منابع مهم می‌توان قلمداد کرد.

جلد اول کتاب در بارهٔ تحریفات در عاشورا، حماسی بودن قیام امام حسین و عنصر تبلیغ در قیام آن حضرت است. در جلد دوم به عنصر امر به معروف و نهی از منکر در قیام امام حسین پرداخته و بر آن تأکید بسیار شده است. آنگاه از شعارهای عاشورا، تحلیل آن واقعه و ماهیت آن سخن رفته است. جلد سوم شامل یادداشتهای نویسنده است که پاره‌ای از آنها جهت آمادگی برای سخنرانی نوشته شده و، در واقع، مواد خام سخنرانیهایی است که ایراد شده و در جلد اول و دوم به چاپ رسیده است. در این جلد، از جمله، به ریشه‌های تاریخی حادثهٔ کربلا پرداخته شده و نقدگونه‌ای بر کتاب شهید جاوید و حسین وارث آدم درج گردیده است.

در لابلای کتاب نکاتی ارزنده و آموزنده وجود دارد؛ از جمله اینکه به وفور تحریفات در واقعهٔ عاشورا اشاره و کتاب روضة الشهداء و اسرار الشهداء و محرق القلوب مخدوش دانسته شده است. نکتهٔ دیگر در بارهٔ قیام امام حسین است که علل آن، امتناع امام از بیعت با یزید، پذیرش دعوت مردم کوفه و امر به معروف و نهی از منکر شمرده شده است. در جایی از کتاب اشاره شده که کربلا ضمن اینکه «نمایشگاه جنایت» است، «نمایشگاه روحانیت و معنویت» نیز است، «ولی اهل منبر کمتر به آن [این] جنبه توجه دارند». بنابراین کربلا باید به گونه‌ای معرفی شود که امام حسین و ابوالفضل و زینب قهرمان آن شمرده شوند، نه شمر و سنان. (ج ۳، ص ۷۳). همچنین گفته شده است که امام حسین سه گونه شهادت دارد: «شهادت تن» به دست یزیدیان، «شهادت شهرت و سمعه» به دست خلفا و بویژه متوکل، «شهادت هدف» به دست «اهل منبر». و از این سه گونه شهادت، «سومی بزرگترین مرحلهٔ شهادت است». (ج ۳، ص ۷۵). از دیگر نکات کتاب این است که گفته شده مکتب امام حسین نه تنها «مکتب گناهکار سازی» نیست، بلکه از مکتب صالح سازی هم برتر است و «مکتب مصلح سازی» است. (ج ۳، ص ۷۶).

کتاب یادشده با همین عنوان در جلد هفدهم مجموعه آثار استاد مطهری چاپ شده است. (چاپ اول: تهران و قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷). ۷۳۹ص، وزیری. همچنین این کتاب ذیل عنوان الملحمة الحسينية به عربی ترجمه شده و به نام مترجم آن تصریح نشده است. (چاپ سوم: قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۳ق). آخرین نکته اینکه در انتقاد از این کتاب، کتابی با این مشخصات نوشته شده است: نعمت الله صالحی نجف آبادی. نگاهی به حماسهٔ حسینی استاد مطهری. (چاپ اول: تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۰). ۵۵۵ص، وزیری. سند. در این کتاب ضمن تأیید انتقادهای استاد مطهری از تحریفات و خرافات، با زبان علمی، به نقد پاره‌ای از منقولات تاریخی کتاب فوق پرداخته شده است. این کتاب پس از چاپ امکان بخش نیافت و خبر آن در روزنامهٔ سلام (۴ بهمن ۱۳۷۱، شمارهٔ ۴۸۸) آمده است.

۶۱

الحسین و السنّة

سید عبدالعزیز طباطبائی (گزینش و تنظیم). مقدّمه حسن سعید. تهران، مکتبه مدرسه
چهل ستون، تاریخ مقدّمه ۱۳۹۷ق. ۱۴۸ص، وزیری. ✓

کتاب حاضر شامل شرح حال امام حسین -ع- از سه کتاب است: الفضائل، از احمد بن
حنبل (م ۲۴۱ق)، انساب الاشراف، از بلاذری (م ۲۷۹ق)، المعجم الکبیر، از طبرانی
(م ۳۶۰ق). هر سه کتاب از کهنترین و مهمترین منابع تاریخی است و نویسندگان آنها
از بزرگان اهل سنت هستند. فراهم کننده کتاب حاضر این منابع را از کتابخانه‌های
سوریه و ترکیه در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ قمری به دست آورده است.

در آغاز شرح حال امام حسین از کتاب الفضائل احمد بن حنبل آمده است. (ص ۷
- ۳۱). این بخش از کتاب شامل شصت حدیث از رسول خدا -ص- در شأن امام حسن
و امام حسین -ع- است. آنگاه شرح حال امام حسین از کتاب انساب الاشراف بلاذری
نقل شده است. (ص ۳۳ - ۱۰۵). در این بخش، مختصری از زندگی آن حضرت و قیام
و شهادت او و یارانش گزارش شده است. سپس شرح حال امام از کتاب المعجم الکبیر
طبرانی آمده است. (ص ۱۰۷ - ۱۴۸). این بخش از کتاب مشتمل بر روایاتی متعدّد از
پیامبر در شأن امام حسین و پاره‌ای از گزارشهای تاریخی است. در برخی از
گزارشهای تاریخی آمده که پس از شهادت امام حسین دگرگونیهایی در جهان
آفرینش رخ داد.

گفتنی است این بخش از کتاب المعجم الکبیر، باندکی اضافات، به اهتمام محمد
شجاع ضیف الله، ذیل عنوان مقتل الحسین بن علی بن ابي طالب چاپ و در این
کتابشناسی معرفی شده است.

۶۲

استشهاد الحسین رضی الله عنه ویلیه رأس الحسین رضی الله عنه

ابن کثیر. مقدمه محمد جمیل احمد غازی. جدّه، دارالمدنی، تاریخ مقدمه رجب ۱۳۹۷. ۱۹۰ص، وزیری. ✓

نویسنده کتاب، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م ۷۷۴ق)، از مورخان و مفسران نامبردار و از شاگردان برجسته ابن تیمیه است. مهمترین و مشهورترین کتاب او البدایة والنہایة، معروف به تاریخ ابن کثیر، است که تلخیص کتابهای تاریخی پیش از آن است. کتاب حاضر (استشهاد الحسین)، برشی از البدایة والنہایة است که در رجب ۱۳۹۷ فراهم آمده و شامل اخبار در باره قیام و شهادت امام حسین -ع- است. متن کتاب با عنوان «إمارة یزید بن معاویة...» (ص ۱۷)، آغاز می شود و در صفحه ۱۴۹ به پایان می رسد. پس از آن، رساله ای از ابن تیمیه با عنوان رأس الحسین آمده و، بدین ترتیب، کتاب به پایان رسیده است. آنچه اینک مطمح نظر ماست، بخش اول این کتاب با عنوان استشهاد الحسین است که عیناً از تاریخ ابن کثیر گرفته شده و بدون پاورقی توضیحی است.

مطالب کتاب با خلافت یزید و بیعت خواستن از امام حسین و خروج آن حضرت آغاز می شود. آنگاه از نامه های کوفیان به امام و روانه شدن مسلم بن عقیل به آن دیار و رخدادهای در آنجا سخن رفته و در ادامه، به رفتن امام به سوی کربلا و جنگ میان دو سپاه و شهدای آن پرداخته شده است. قبر امام حسین، سر آن امام و فضایل و

اشعار او از مطالب پایانی کتاب است.

از نکات در خور ذکر کتاب این است که اخبار ناصحان امام حسین، که آن حضرت را به خروج نکردن توصیه می کردند، بتفصیل بیان شده است. نکته دیگر اینکه نویسنده اهل تشیع را به دروغ و بهتان و مبالغه در باره تاریخ عاشورا متهم کرده و در چند جا به آنها خُرده گرفته است. به نظر وی اخباری که بیان کننده آن است پس از شهادت امام کسوف رخ داد و آسمان سرخ شد و از آن خون بارید و نظایر اینها، دروغ و از ساخته های شیعه است.

مشابه کتاب حاضر، کتابی با همین عنوان است که بخش اول آن با عنوان استشهاد الحسین، برشی از تاریخ طبری در باره امام حسین است و در بخش دوم آن رساله رأس الحسین، از ابن تیمیه، آمده است.

٦٣

ترجمة ريحانة رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الامام الحسين عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق

ابى القاسم علي بن حسن بن هبة الله شافعي (ابن عساكر). تصحيح محمدباقر محمودي. چاپ دوم: قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، ١٤١٤ق. ٧٠٤ص، وزيری. ✓

ابن عساكر (م ٥٧١ق)، از مورخان نامدار و كتاب تاريخ دمشق او، از منابع مهم و بي مانند است. بخشي از اين كتاب در شرح حال امام حسين -ع- است كه پيشتر چاپ نشده بود. مصحح، اين بخش از كتاب را تصحيح و براي نخستين بار منتشر كرد. چاپ اول كتاب به تاريخ ١٣٩٨ قمری و در بيروت است و اين چاپ آن كاملتر است. كتاب حاضر مشتمل بر چهارصد و دو حديث و خبر در باره زندگي امام حسين است. بخشهايي از مطالب كتاب را احاديث رسول خدا و اميرالمؤمنين و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسين و امام صادق -ع- تشكيل مي دهد و بقيۀ آن شامل سخنان مورخان و محدثان است. احاديث و اخبار كتاب با ذكر سند است و برخي از آنها مجعول. متن كتاب در صفحه ٤٥١ به پايان مي رسد و نزديك به نيمي از اين مقدار پاورقيهاي ارجاعي و توضيحي مصحح كتاب است.

مضمون مطالب كتاب عبارت است از: روايات در فضيلت امام حسين، پرورش امام حسين در دامان رسول خدا، روايات رسول خدا و اميرالمؤمنين در باره به شهادت رسيدن امام حسين، حركت آن حضرت به سمت كربلا و رخدادهاي در اين

مسیر، دگرگونیهای در جهان آفرینش پس از شهادت آن حضرت (باریدن خاک سرخ، گرفتگی خورشید، پدیدار شدن ستاره‌ها در روز، باریدن خون و...)، فرجام بد قاتلان امام حسین، تاریخ شهادت آن حضرت.

نقصی که در کتاب حاضر مشاهده می‌شود این است که در آن از جنگ دو لشکر در کربلا سخن نرفته است. همان‌گونه که شیخ عبدالقادر بدران، مؤلف تهذیب تاریخ دمشق، و نیز مصحح این کتاب، به آن اشاره کرده‌اند. (ص ۳۲۵). مصحح در باره این نقص کتاب سه احتمال داده و احتمال سوم را درست دانسته است. و آن، اینکه کتاب، در اصل، شامل رخدادهای روز عاشورا بود، اما متأخران آن را حذف کردند تا چهره منفور دشمنان اهل بیت آشکار نشود. (ص ۳۲۵).

پاورقیهای کتاب فراوان است و به ارزش کتاب افزوده است. در پاورقیها به مسائل متعددی، از جمله به کتابهایی که مشتمل بر احادیث این کتاب است، بتفصیل اشاره شده است.

گزیده‌ای از این کتاب با شرح آن منتشر شده که مشخصات آن چنین است: سید محمد رضا حسینی جلالی. الحسين عليه السلام، سماته و سيرته. (قم، دارالمعروف، تاریخ مقدمه محرم ۱۴۱۵). ۲۲۴ ص، وزیری.

در نقد این کتاب و موارد تحریف در روایات آن رجوع شود به: پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) خورشید شهادت: مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام. ویراسته محمد دانشگر. (چاپ اول: تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴). ۱ ص، ۷۰-۷۹، مقاله «مکتب تاریخنگاری شام و تحریف قیام امام حسین (ع)»، از اصغر قائدان.

۶۴

پس از پنجاه سال

پژوهشی تازه پیرامون قیام حسین علیه السلام

سید جعفر شهیدی. چاپ بیست و یکم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۱۶ص، رفقی.

کتاب مزبور، که تاکنون بیش از بیست بار چاپ شده، نگارش آن در اسفند ۱۳۵۷ (۱۳۹۹ق) پایان یافته و بخشهایی از آن پیشتر در یکی از روزنامه‌های عصر تهران منتشر شده بود. نویسنده در این کتاب کمتر عهده‌دار تاریخ‌نگاری شده، بلکه بیشتر به تحلیل تاریخ پرداخته و کوشیده است علل رویداد عاشورا را بیان و تحلیل کند و در تحلیل پاره‌ای از مطالب، گاه متأثر از کتاب ابوالشهداء، تألیف عقاد، بوده است. وی در آغاز کتاب گفته است: «مقصود من از نوشتن این یادداشتها مقتل نویسی، تبلیغ مذهبی و حتی نوشتن تاریخ نیست. من به هنگام گردآوری اسناد و طبقه‌بندی آن کوشیده‌ام تا خود بدانم آنچه رخ داد چرا رخ داد.... برای آنکه پاسخی درست را بیابم دین و معتقدات خود را نادیده گرفته‌ام. روایات و داستانهای ضد و نقیض بیش از یک قرن را کنار هم گذاشته‌ام و از میان همه، آن را نوشته‌ام که گذشته از تاریخ درست، شرایط اقلیمی، دینی، اقتصادی و اجتماعی نیز آن را تأیید می‌کند. من در این کتاب از زاویه‌ای بدین حادثه نگریسته‌ام که در گذشته کمتر بدان توجه کرده‌اند.» (ص ۷-۸).

در این کتاب یک پرسش مهم مطرح شده است که چرا پس از پنجاه سال از درگذشت رسول خدا -ص- فرزندان او را کشتند و با اصحاب و خانواده‌اش چنان رفتار

غیر اسلامی و غیر انسانی کردند؟ تفصیل این پرسش، که عنوان اصلی کتاب (پس از پنجاه سال) نیز بدان اشاره دارد، چنین است: «چه شد که اجتماع مسلمانان آن روز [روز عاشورا] در مقابل این حادثه [حادثه عاشورا] تا آن حد خونسردی و بی‌اعتنایی نشان داد؟ چرا مردم این سرزمینهای پهناور و پرجمعیت حالت تماشاگر صحنه را به خود گرفتند؟ چه شد که پس از گذشت نیم قرن آن اندازه از فقه اسلام و احکام دین بی‌اطلاع ماندند که ندانستند چگونه منکری می‌کنند و چه ننگی دامنگیرشان می‌شود؟... چرا قتل نفس به ناحق در دیده آنان بی‌مقدار گردید؟» (ص ۱۵). کتاب حاضر عهده‌دار پاسخ تفصیلی به این پرسشهاست و در حدود نیمی از آن، از فصل اول تا سیزدهم (تا صفحه ۱۱۱)، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، بدین موضوع اختصاص دارد.

به نظر نویسنده علل واقعه عاشورای سال ۶۱ را باید در سالهای پیش از آن جستجو کرد؛ یعنی در دوران خلفای پس از پیامبر (بجز امیرالمؤمنین)، و حتی پیش از تولد آن حضرت. با گذشت پنجاه سال از درگذشت پیامبر، «عرب به جاهلیت دیرین خود برگشت» (ص ۷۷) و «از یکسو برادری اسلامی فراموش شد و از سوی دیگر خشم و انتقام جویی... به کینه‌توزی و خونخواهی قبیله‌ای تبدیل گشت.» (ص ۴۵).

مضافاً اینکه در این پنجاه سال، «همچشمی بنی امیه با بنی هاشم و کینه‌ای که فرزندان عبد شمس پیش از اسلام از پسر عموهای خود در دل داشتند»، زنده شده بود (ص ۷۶) و «رغبت به مال اندوزی»، بیش از هر چیز دیگر، جامعه را فاسد کرده بود. (ص ۶۱).

مختصر اینکه انحطاط جامعه پس از درگذشت پیامبر، بویژه در دوران خلافت معاویه، کینه بنی امیه از بنی هاشم و درگذشت اصحاب پیامبر و ظهور طبقه‌ای که در عهد معاویه وارد اجتماع شده بودند و او را خلیفه و الگو می‌دانستند، از علل رویداد عاشورا بود.

از سی فصل کتاب، که هر یک کوتاه است، فصل اول تا دوازدهم دربارهٔ رویدادهای پیش از مرگ معاویه و بررسی علل رویداد عاشورا و چگونگی افکار و اخلاق مردم است. فصل سیزدهم خلاصه و نتیجهٔ فصلهای گذشته است و از فصل چهاردهم تا پایان کتاب، گزارشی کوتاه از قیام امام حسین -ع- ارائه شده است.

کتاب حاضر با عنوان بعد خمسين سنة: تحقيق تاريخي في كيفية تكوين واقعة كربلاء ترجمه و چاپ شده است. (تهران، ۱۳۶۷). همچنین خلاصه‌ای از آن با عنوان قیام حسین (ع) (عنوان روی جلد: خلاصهٔ قیام حسین (ع)) منتشر شده است. (چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶). ۷۹ ص، پالتویی.

۶۵

عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه

علی ربانی خلخالی. چاپ دوم: قم، انتشارات مکتب الحسین (ع)، [۱۳۶۱]. یازده + ۲۰۷ص، رقعی. تصویر، سند. ✓

کتاب حاضر، که نخست در ذی حجه سال ۱۳۹۹ منتشر شد، ترجمه کتاب فتاوی العلماء الاعلام فی تشجیع الشعائر الحسینیة، با اضافاتی بر آن، است. این کتاب مشتمل بر دیدگاه مراجع تقلید و عالمان شیعه درباره اهمیت و ضرورت عزاداری بر امام حسین -ع- است. در آغاز، بیانات امام خمینی و آیت الله العظمی گلپایگانی در این باره آورده شده و آنگاه فتوای شیخ محمدحسین نائینی و ترجمه آن ارائه گردیده است. فتوای نائینی خطاب به مردم بصره و حومه آن و در قالب نامه است و در ربیع الاول ۱۳۴۵ نوشته شده است. این فتوا دربردارنده چهار مطلب است: ۱. جواز و حتی رجحان به راه انداختن دسته‌های عزاداری در کوچه‌ها و خیابانها و، در کنار آن، لزوم پیراستن این سنتها از محرّمات. ۲. جواز سینه‌زنی، حتی اگر موجب سرخی و سیاهی پوست شود. همچنین جواز زنجیر زنی، حتی اگر موجب بیرون آمدن خون شود. و نیز جواز شمشیر زنی و قمه زنی، مشروط به اینکه انسان از ضرر آن مصون باشد و صدمه‌ای به استخوان نرسد. ۳. جواز شبیه‌خوانی و شبیه درآوردن، حتی اگر مستلزم این باشد که مردان لباس زنان را بپوشند. ۴. جواز طبل زدن، مشروط به اینکه از آن در مجلسهای لهو و شادی استفاده نشود. (ص ۴۶- ۴۸ و ۵۳- ۵۵).

آنگاه فتوای چند تن از مراجع تقلید آمده است که همگی فتوای نائینی را صحیح

دانسته‌اند؛ از جمله: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن طباطبائی حکیم، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، سید محمود حسینی شاهرودی، محمدحسین آل‌کاشف الغطاء.

«تقریر و امضاء اعظام فقها و مجتهدین و مراجع تقلید شیعیان جهان»، عنوان بحث بعدی کتاب است. در این بحث نام دهها تن از عالمان شیعه آمده و گفته شده که آنها مراسم زنجیرزنی و قمه‌زنی و شبیه درآوردن را «می‌دانستند و می‌دیدند و می‌شنیدند» و با این وصف، «تقریر و امضاء و حکم به جواز و استحباب نموده و جلوگیری نفرموده‌اند.» (ص ۹۵). سپس متن و ترجمه رساله‌ای از آیت الله سید هادی خراسانی حائری آمده که عنوان آن عبارت است از: فی جواز التشابه و ضرب القمات و الطبول فی عزاء سیدالشهداء علیه السلام.

آنگاه نظر یا فتوای دهها تن از مراجع تقلید و مجتهدان درباره اهمیت و ضرورت عزاداری بر امام حسین آمده که یا اشاره به فتوای نائینی کرده و آن را صحیح دانسته‌اند و یا اینکه بدون اشاره به آن، از پاداش عزاداری سخن گفته‌اند. برخی از اعلامی که نظر یا فتوایشان در این بخش از کتاب آمده عبارتند از: عبدالکریم حائری، سید محمد هادی حسینی میلانی، امام خمینی، سید ابوالقاسم موسوی خوئی، سید محمدرضا موسوی گلپایگانی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، سید حسن طباطبائی قمی، محمدعلی عراقی [اراکلی]، علی نمازی شاهرودی، ناصر مکارم شیرازی، حسن حسن‌زاده آملی، محمد فاضل، مرتضی حائری، سید رضا صدر، عبدالله جوادی آملی.

از نوادر کتاب حاضر یکی این است که آیت الله العظمی گلپایگانی در مقابل کسانی که در پی سرد کردن مجالس روضه خوانی بودند، گفته است: «روضه خواندن بر شما [روحانیون] واجب است نه مستحب و اگر کسی منبر رفت و روضه نخواند نهی از منکرش کنید و بگوئید چرا روضه نخواندی.» (ص ده - یازده). مطلب دیگر اینکه برخی از اعلام ورود در آتش را در مراسم عزاداری، که در برخی از کشورها

رایج است، جایز دانسته‌اند؛ از جمله: سید محمدجواد طباطبائی تبریزی (ص ۶۲)، سید محمود حسینی شاهرودی (ص ۶۴)، سید مرتضی فیروزآبادی (۶۹)، سید محسن طباطبائی حکیم (ص ۷۷). و آخرین نکته اینکه از شیخ خضر بن شلال در کتاب ابواب الجنان نقل شده است: آنچه از تمام نصوص و اخبار در زیارت امام حسین -ع- آمده است، اگرچه با ترس باشد، چنین برمی آید که «لطم و گریه و زاری بر امام حسین (ع) به هر طور که مقدور باشد اگر چه علم به مرگ داشته باشد جایز می باشد!» (ص ۷۴).

مشابه کتاب حاضر، کتابی با این مشخصات است: سبط حسین زیدی. عزاداری سیدالشهداء علیه السلام: فتاوی علماء گرام و مراجع عظام شیعه. [پاکستان]، بی نا، بی تا. ۲۱۶ص، رقعی. تصویر، سند. بسیاری از مطالب این کتاب برگرفته از کتاب عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه است. البته کاستیها و اضافاتی نسبت به کتاب مزبور دارد.

برای تحقیق بیشتر درباره عزاداری رجوع شود به:

سید حسن شیرازی. الشعائر الحسينية. بیروت، دارالصادق، بی تا. ۱۳۳ص، رقعی. سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی. ارمغان هند و پاک. چاپ دوم: قم، انتشارات ائمه، ربیع الاول ۱۴۰۶. ۲۲۴ص، جیبی. تصویر.

این کتاب حاصل مشاهدات و شنیده‌های نویسنده از مراسم عزاداری شیعیان هندوستان و پاکستان است و مطالب بسیار غریبی در آن ملاحظه می شود.

علی بن عبدالله بحرانی ستری. قامعة اهل الباطل بدفع شبهات المجادل فی جواز البكاء والرثاء.... تصحیح نبیل رضا علوان. بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۳. ۱۳۸ص، وزیری.

فتاوی علمای بزرگ پیرامون شعائر حسینی. ترجمه ع.ص. مقدمه احمد معرفت. بی م، مؤسسه امام صادق (ع)، بی تا. ۹۶ص، جیبی.

میرزا عبدالرزاق محدث حائری اصفهانی. بررسی پیرامون مواکب حسینیة. مقدمه

سید محمدباقر بنی سعید لنگرودی. [قم]، بی‌نا، تاریخ مقدمه ربیع الثانی ۱۳۹۷.
۲۰+۱۳۶ص، رقعی.

این کتاب بیانگر «ادله قاطعه بر جواز و رجحان سینه‌زنی و زنجیرزنی و قمه‌زنی و شبیه‌گردانی در سوگواری حضرت امام حسین علیه‌السلام و انتقاد از عدم جواز آن» است.

سید صالح شهرستانی. تاریخ النیاحه علی الامام الشهید الحسین بن علی (ع). تهران، منشورات جماعة النشر والعلاقات الاسلامیة، ۱۳۹۳ق. ۲، ۲۰۰+۱۷۵ص، جیبی.

این کتاب ذیل عنوان عزاداری حسین (ع) از زمان آدم (ع) تا زمان ما (عنوان روی جلد: تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم (ع) تا زمان ما در تمام کشورهای جهان) به فارسی ترجمه شده و در آن به نام مترجم تصریح نشده است. بی‌م، انتشارات حسینیة عمادزاده، تاریخ پایان کتاب رجب ۱۴۰۳.

۶۶

ثورة الحسين في الوجدان الشعبي

محمد مهدي شمس الدين. چاپ اول: بيروت، الدار الاسلامية، ۱۴۰۰. ۳۲۴ ص،
وزیری.

اثر حاضر سومین کتابی است که از این نویسنده در باره قیام امام حسین -ع- و یارانش منتشر شده است. وی در آغاز کتاب گفته است کتاب دیگری با عنوان «قصة الثورة» از وی منتشر خواهد شد و با آن، پژوهش وی درباره امام حسین به فرجام خواهد رسید؛ اما تاکنون این کتاب منتشر نشده است.

در کتاب حاضر به بازتاب قیام امام حسین در نزد مسلمانان پرداخته و مطالب آن در پنج فصل سامان داده شده است. در فصل اول با عنوان «مقدمات»، نخست به توضیح کلمه «ثورة» پرداخته شده و سپس از مواضع مسلمانان در مقابل قیام امام حسین (در آغاز قیام و پس از آن)، سخن رفته است. آنگاه به نفوذ قیام در ضمیر مردم و شیوه‌های نفوذ آن پرداخته و در ضمن آن ترفندهای امویان برای خنثی کردن قیام امام شرح شده است.

در فصل دوم تا پنجم به بیان چهار تجلی قیام امام حسین در ضمیر مردم پرداخته شده است: زیارت، مرثیه سرایی، عزاداری و گریه. عنوان فصل دوم «زیارت» است و در آن از مشروع بودن زیارت و پیشینه آن، پیش از زیارت قبر امام حسین، سخن رفته است. سپس به زیارت امام حسین و اهداف و نصوص شرعی آن پرداخته و دو نمونه از زیارت آن حضرت نقل و تحلیل شده و در پایان به زیارت در اشعار مرثی اشاره

رفته است. این فصل، پیوستی دارد و در آن از زیارت حضرت ابوالفضل و علی اکبر و شهیدان کربلا سخن رفته است.

«شعر رثائی» عنوان فصل سوم است و در این فصل ضمن نقل و تحلیل برخی از مرثیاتی در باره امام حسین، به تشویق امامان در سرودن شعر و موضع حکومتها در برابر شاعران و محتوا و مقاصد و ارزش اشعار و تطوّر آنها پرداخته شده است.

فصل چهارم عنوان ندارد و موضوع آن عزاداری است. در آغاز این فصل از دو نوع عزاداری برای امام حسین سخن رفته است. ۱. عزاداری خانوادگی، که از عصر عاشورا در کربلا آغاز شد و در دمشق و مدینه ادامه یافت و عزاداران، خانواده‌های شهیدان کربلا بودند. ۲. عزاداری عمومی، که مردم در کوفه و مدینه با مشاهده اسیران اهل بیت به عزاداری پرداختند. سپس به عزاداری در دوره امامان اشاره شده و در ادامه از سه دوره عزاداری سخن رفته است: ۱. پس از قیام کربلا تا سقوط بغداد به دست هلاکو. ۲. از هنگام سقوط بغداد، یا کمی پیش از آن، تا عصر جدید. ۳. از اوایل عصر جدید تا زمان حاضر. آنگاه به چگونگی عزاداری در این دوره‌ها و ویژگیهای هر دوره پرداخته و دوره اخیر بهتر از دوره‌های پیشین شمرده و اشاراتی به آینده شده است. فصل پنجم نیز عنوان ندارد و کوتاهتر از دیگر فصلها و کمتر از ده صفحه است و در آن به تحلیل گریه و مشروع بودن آن پرداخته شده است.

۶۷

البكاء للحسين عليه السلام

در ثواب گریستن و عزاداری بر حضرت سید الشهداء علیه السلام و وظائف تعزیه داری

حسن میرجهانی طباطبائی محمد آبادی جرقوئی اصفهانی. قم، اسماعیلیان، بی تا. ید + ۶۲۷ ص، وزیری. ✓

تحقیق دراز دامنی است در باره گریستن بر امام حسین -ع- و پاداش و پیشینه آن و پاسخ به شبهات مخالفان و تاریخ پایان تألیف آن ماه رمضان ۱۴۰۰ است. پیشینه محتوای کتاب را روایات و گزارشهای تاریخی، از منابع شیعه و سنی و معتبر و غیرمعتبر، تشکیل می دهد. در آغاز کتاب آمده است: «این بنده شرمنده بر حسب وظیفه تکلیفی دینی و شرعی خود تا اندازه ای که استعداد و توانایی آن را دارم بر خود لازم دانستم برای آگاه کردن بعضی از علاقه مندان و برادران جوان ایمانی بعضی از اخبار و احادیث مربوطه به این عبادت بزرگ را [گریستن بر امام حسین] که موجب سعادت دنیا و آخرت است جمع آوری کنم و اولاً عین هر حدیثی را با مدرک آن برای تبرک بنویسم و پس از آن به زبان ساده ترجمه نمایم». (ص ۲۶-۲۷).

مطالب کتاب در بیست باب سامان داده شده است. باب اول تا شانزدهم در باره گریستن است و چهار باب آخر در باره موضوعات دیگر. در باب هفدهم از تولی و تبری سخن رفته و در باب هجدهم به توصیه های اخلاقی پرداخته شده است. باب نوزدهم در بیان وظایف عزاداران و واعظان و اهل منبر و ذاکران و مداحان و چگونگی آداب عزاداری است. و سرانجام در باب بیستم اشعار نویسنده آمده است.

در باب اول تا شانزدهم بدین مسائل پرداخته شده است: ثواب گریستن بر امام حسین، گریستن پیامبران بر آن حضرت، گریستن آسمانها و زمین بر آن حضرت، نوحه سرایی و عزاداری جنیان بر آن حضرت، گریستن حیوانات و نباتات و جمادات بر آن حضرت، گریستن کافران بر آن حضرت، پاسخ به انتقادات معاندان و جاهلان در باره گریستن و عزاداری، فتوای مراجع تقلید (محقق قمی، نائینی، حکیم، کاشف الغطاء و...) در باره گریستن و عزاداری، عزاداری اهل مدینه پس از بازگشت اهل بیت امام حسین به مدینه.

کتاب نسبتاً مهم دیگری که در باره گریستن بر امام حسین نوشته شده عبارت است از حول البكاء علی الامام الحسین علیه السلام السبط الشهيد، از محمدعلی دانشیار تستری (بدون مشخصات کتابشناختی)، ۲۰۰ص، وزیری.

۶۸

احسن الجزاء فی اقامة العزاء علی سید الشهداء علیه السلام

سید محمدرضا حسینی اعرجی فحّام. تقریظ مجتبیٰ لنکرانی و راضی نجفی تبریزی و مرتضیٰ اردکانی. چاپ اول: قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۹۹-۱۴۰۱ق. ج. ۲، ۳۳۲ + ۳۱۸ص، وزیری.

در کتاب حاضر به بحث در باره استحباب عزاداری بر امام حسین -ع- پرداخته شده و تاریخ پایان تألیف جلد دوم آن جمادی الآخر ۱۴۰۱ است. مطالب کتاب، تحقیقی - تبلیغی است و بر پایه احادیث نوشته شده و از معدود کتابهای مفصل در باره عزاداری است.

جلد اول کتاب شامل شش بخش (مطلب) است. بخش اول و دوم در شرح آیات و روایاتی است که دلالت بر وجوب تمسک به ائمه طاهرین -ع- دارد و خارج از موضوع کتاب است. بخش سوم در لزوم بزرگداشت شعائر و حرمت سبک شمردن آنهاست. در بخش چهارم از استحباب مراسم سوگواری بر امام حسین -ع- و فواید آن سخن رفته است. بخش پنجم نیز خارج از موضوع کتاب است و در آن روایاتی آورده شده که مضمون آن آگاهی پیامبران و امام علی و امام حسن -ع- و... از کشته شدن امام حسین -ع- است. بخش ششم، که مفصلترین و مهمترین و آخرین بخش کتاب است، در باره استحباب گریستن بر آن حضرت و شامل این مباحث است: گریستن پیامبر بر حمزه و فاطمه دختر اسد و فرزندش ابراهیم، مجعول بودن احادیثی که بیان کننده آن است که گریه موجب عذاب مُرده می شود، گریستن امامان بر

امام حسین، گریستن آسمان و زمین و بارش خون از آسمان و سرخ شدن آن به سبب شهادت امام حسین، پاداش گریستن بر آن حضرت و استحباب آن حتی اگر موجب زیان به چشم شود، استحباب مرثیه سرایی بر آن حضرت، استحباب سیاهپوشی در عزای آن حضرت، استحباب سینه زنی و زنجیر زنی و قمه زنی، رجحان شبیه سازی در عزای آن حضرت، استحباب تحمل مشقت و ترس برای زیارت آن حضرت، پاداش لعن بر قاتلان آن حضرت، وظایف و اعمال در روز عاشورا.

جلد دوم کتاب در بردارنده یازده بخش (مطلب) است. بخش اول در باره فایده های برپایی مجلس عزای امام حسین است و بخش دوم شامل حکایت هایی در این باره. در بخش سوم از استحباب سرودن شعر برای آن حضرت سخن رفته و در بخش چهارم به ناله جن در عزای او پرداخته شده است. بخش پنجم و ششم در باره استحباب انفاق و اطعام در مجلس عزای آن حضرت است. در بخش هفتم به اخباری اشاره شده که دلالت دارد مستحب است مصیبت دیده، مصیبت های پیامبر و خاندانش را به یاد آورد. بخش هشتم در باره عزاداری پیشوایان معصوم برای امام حسین است. در بخش نهم از استجابت دعای آن حضرت برای دشمنانش و مانعان برپایی مجلس عزاداری سخن رفته است. بخش دهم در باره ویژگی هایی است که خداوند در برابر شهادت آن حضرت به او داده است. و سرانجام در بخش یازدهم مرثیه های در باره آن حضرت نقل شده است.

پایان بخش کتاب فتوای عالمان در باره عزاداری برای آن حضرت است و در لابلای کتاب مطالب خارج از موضوع فراوان یافت می شود.

۶۹

غصن الرسول، الحسين بن عليّ

فؤاد علي رضا. مقدمه محمد بن فتح الله بدران. بيروت، مؤسسه المعارف، ۱۴۰۱. ۳۱۹ص، وزیری.

پژوهشی است توصیفی و، کمابیش، تحلیلی در باره زندگی و قیام امام حسین -ع- و در بزرگداشت مقام او. نویسنده کتاب از دانشوران اهل سنت است و در این کتاب علاوه بر منابع اهل سنت، از منابع شیعیان نیز استفاده کرده است. وی کوشیده است گزارشی جامع از همه دوران زندگی امام به دست دهد و در این هدف، تقریباً توفیق یافته است. در مطاوی کتاب انتقاد از معاویه و، بویژه، یزید ملاحظه می شود؛ اما مطلبی که مشاهده نمی شود، علل قیام امام حسین است. همان گونه که در مقدمه محمد بدران به این نقص کتاب اشاره و از نویسنده خواسته شده است که در چاپ دوم کتاب آن را تدارک کند.

پاره ای از مطالب کتاب عبارت است از: نسب امام حسین، ویژگیهای آن حضرت، زندگی آن حضرت در دوران خلفا، معاویه و بیعت یزید، قیام امام، کشته شدن مسلم بن عقیل، رخدادهای در کربلا و شهادت امام و یارانش، سخنان امام، اصحاب و خانواده شهید امام، قیام توّابین، انقلاب مدینه، روایات آن حضرت از جدّش، دانش آن حضرت، ارتباط صوفیه با آن حضرت، احادیث در بزرگداشت آن حضرت.

در لابلای کتاب نکاتی یافت می شود که در ذیل به پاره ای از آنها اشاره می کنیم:

در مقدمه محمد بدران آمده است: ثابت نشده است که یزید فرمان قتل امام حسین را داد. (ص ۱۱). وی همچنین می‌گوید: شیعیان، امام حسین را کشتند، اما سپس پشیمان شدند و مراسم عزاداری برای او برپا کردند. (ص ۱۲). نویسنده به نقل گزارشهایی پرداخته که بیان‌کننده آن است پس از شهادت امام حسین -ع- دگرگونی‌هایی در جهان آفرینش رخ داد. مانند سرخ شدن آسمان، بارش خون از آسمان، گرفتگی خورشید و ظاهر شدن ستارگان. (ص ۱۸۹ - ۱۹۰). آنگاه نویسنده، بدون اینکه داوری کند، از این‌کثیر در البدایة والنهائة نقل کرده که این اخبار، مجعول است. (ص ۱۹۲). از دیگر مطالب کتاب، گزارش اخبار گوناگون در باره محل دفن سر امام حسین است. (ص ۲۲۹ - ۲۳۹). و سرانجام در پایان کتاب ضمن نقل کراماتی منسوب به امام حسین، به مجعول بودن آنها تصریح و گفته شده آن حضرت برتر از آن است که این کرامات بر مقام او بیفزاید. (ص ۳۰۲ - ۳۰۳).

۷۰

استشهاد الحسین

أبي جعفر محمد بن جرير طبري. تصحيح سيد جميلي. چاپ اول: بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۶. ۲۲۲ ص، وزیری. ✓
● عنوان روی جلد: استشهاد الحسین و يليه رأس الحسین.

نویسنده کتاب، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید طبری (م ۳۱۰ق)، از فقیهان و محدثان و مفسران و مورخان بنام جهان اسلام است. مهمترین و مشهورترین کتاب او تاریخ طبری است و کتاب حاضر (استشهاد الحسین)، بخشی از آن است که در سؤال ۱۴۰۴ فراهم شده است.

از تاریخ طبری معمولاً با چند عنوان یاد می‌شود: تاریخ طبری، تاریخ کبیر، تاریخ الامم و الملوک، تاریخ الرتل و الملوک، تاریخ الامم و الرتل و الملوک، اخبار الامم و الملوک، اخبار الرتل و الملوک. این کتاب از منابع مهم تاریخ اسلام است و مورخان بعد از طبری، فراوان از آن نقل کرده‌اند. همچنین چند تکمله بر این کتاب نوشته شده و به چند زبان گردانیده گردیده و چند کتاب درباره آن، و نیز درباره مؤلف آن، نوشته شده است.

تاریخ طبری شامل رخدادهای تاریخی تا سال ۳۰۲ قمری است و، بدین رو، تاریخ پایان تألیف آن پس از تاریخ مزبور است.

اهمیت تاریخ طبری بیشتر از آن روست که شامل مطالبی از کتابهای گذشتگان است و امروزه آن کتابها از میان رفته و جز آنچه طبری از آنها نقل کرده، مطلبی برجای

نمانده است. و از میان این کتابها، مقتل الحسین علیه السلام، از لوط بن یحیای ازدی، معروف به ابومخنف (م ۱۵۷ یا ۱۵۸ق)، از همه مهمتر یا از مهمترین کتابهاست. بدین لحاظ، آن بخش از تاریخ طبری که در باره امام حسین -ع- است، مهمترین بخش یا از مهمترین بخشهای آن است.

کتاب استشهاد الحسین برشی از تاریخ طبری است و شامل اخبار درباره قیام و شهادت امام حسین. مصحح، در آغاز کتاب، از قیام آن حضرت سخن گفته و، در ضمن آن، خرده گیری بر او کرده و سپس اجمالی از شرح حال طبری را به دست داده است. متن کتاب با عنوان «خلافة یزید بن معاویه» (ص ۲۹)، آغاز می شود و در صفحه ۱۷۲ به پایان می رسد. این بخش از کتاب شامل بخشی از رخدادهای سال ۶۰ و همه سال ۶۱ و اندکی از سال ۶۲ است که در تاریخ طبری آمده و ویژه امام حسین است. پس از آن، رساله ای از ابن تیمیّه با عنوان رأس الحسین آمده و، بدین ترتیب، کتاب به پایان رسیده است. آنچه اینک مورد نظر ماست، بخش اول این کتاب با عنوان استشهاد الحسین است که عیناً از تاریخ طبری گرفته شده و مقداری پاورقی، آن هم بیشتر در توضیح واژه ها، بدان افزوده شده است.

طبری در این بخش از کتاب با شیاع از ابومخنف نقل کرده و با تعبیر «قال ابومخنف»، بسیاری از مطالب کتاب او را، که امروزه در دست نیست، در کتاب خود آورده است. مطالب کتاب با خلافت یزید و بیعت خواستن از امام حسین و خودداری آن حضرت از بیعت آغاز می شود. آنگاه از نامه های کوفیان به امام و رفتن مسلم بن عقیل به آن دیار و رخدادهای در آنجا سخن رفته و در ادامه، به روانه شدن امام به سوی کربلا و جنگ میان دو سپاه و شهادت آن پرداخته شده است.

از تاریخ طبری دو ترجمه در دست است: یکی از آن ابوعلی بلعمی است که در سال ۳۵۲ قمری، به روزگار دولت سامانیان، پی افکنده شد. این ترجمه آمیخته به تصرف است و البته برخی انتساب آن را به بلعمی نادرست می دانند. ترجمه دیگر به

خامه ابوالقاسم پاینده است که در سال ۱۳۵۲ شمسی در تهران منتشر شد. همچنین آن بخش از تاریخ طبری، که ویژه امام حسین و خونخواهی مختار و ترجمه ابوعلی بلعمی است، با تصحیح محمد سرور مولائی ذیل عنوان قیام سیدالشهداء حسین بن علی(ع) و خونخواهی مختار بروایت طبری و انشای ابوعلی بلعمی به صورت مستقل چاپ شده است. (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹). و نیز همین بخش از تاریخ طبری (ویژه امام حسین)، به اهتمام حجت الله جودکی ترجمه و تصحیح شده و ذیل عنوان قیام جاوید: گردانیده مقتل الحسین ابی مخنف منتشر شده است. (چاپ اول: تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷).

واپسین سخن اینکه منقولات طبری از کتاب مقتل الحسین ابو مخنف به اهتمام حسن غفاری استخراج و ذیل عنوان مقتل الحسین علیه السلام منتشر شده است. (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، محرم ۱۳۹۸). همچنین محمد هادی یوسفی غروی به استخراج منقولات طبری از مقتل الحسین ابو مخنف پرداخته و آن را ذیل عنوان وقعة الطّف به چاپ سپرده است. (چاپ اول: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق).

مشابه کتاب حاضر، کتابی با همین عنوان است که بخش اول آن با عنوان استشهاد الحسین، برشی از تاریخ ابن کثیر در باره امام حسین است و در بخش دوم آن رساله رأس الحسین، از ابن تیمیه، آمده است.

۷۱

نورالعین فی المشی الی زیارة قبر الحسین علیه السّلام

محمدحسن اصطهباناتی. چاپ اول: بیروت، دارالمیزان، ۱۴۱۶. ۵۵۸ص، وزیری. ✓

کتاب یاد شده مشتمل است بر روایات ائمه معصومین در باره زیارت قبر امام حسین -ع- و جامعترین و کاملترین کتاب در این موضوع است. روایات کتاب همراه سند آمده و به صورت موضوعی تبویب شده است. تعداد بابهای کتاب دوست و شصت و پنج عدد است و هر باب شامل یک یا چند روایت. اغلب روایات از کتاب کامل الزیارات، بحارالانوار، وسائل الشیعة، مستدرک الوسائل و جامع احادیث الشیعة گرفته شده است. نویسنده هیچ توضیحی در باره چگونگی کار خود نداده و مقدمه او به ده سطر نمی‌رسد.

پاره‌ای از روایات کتاب در باره پاداش زیارت امام حسین و تشویق به آن است. پاره‌ای دیگر در باره آداب زیارت و برخی دیگر بیان‌کننده برابری آن با دهها و صدها و هزارها حج و عمره است. برخی دیگر از روایات در باره تأکید استحباب زیارت در اوقات ویژه (شب و روز عاشورا، ماه رمضان و...) است. و سرانجام بعضی دیگر از روایات در باره برکات تربت قبر آن حضرت است.

دانستنی است که عنوان باب دوم کتاب عبارت است از: «إن زیارة الحسین علیه السّلام فرض و عهد لازم علی کلّ مؤمن و مؤمنة». در این باب، و نیز در چند باب دیگر، چند روایت آمده که در آن به وجوب زیارت امام حسین تصریح شده است.

کتاب حاضر نخست در تهران به اهتمام مکتبه الصدوق در سال ۱۴۰۶ قمری منتشر شده بود.

۷۲

طریق الکرام من الکوفة الی الشام

عبدالله منصور قطیفی. چاپ اول: بیروت، شرکه شمس المشرق، ۱۴۱۲. ۲۶۶ص، وزیری.

تحقیقی است در باره سرهای شهیدان کربلا و احوال اسیران و چگونگی سیر آنان از کوفه به شام و از شام به کربلا و از آنجا به مدینه. مطالب کتاب گردآوری شده از منابع است و تحلیل و ارزیابی در آن کمتر ملاحظه می‌شود. برخی از منابع کتاب، مانند اسرار الشهادة از دربندی و المنتخب از طریحی، ضعیف است و با این وصف، فراوان از آنها نقل شده است. اهمیت کتاب حاضر در این است که مکانهایی را که اسیران کربلا از کوفه تا شام طی کردند، شمارش و شرح کرده است.

در آغاز کتاب (ص ۱۰- ۲۴)، از سرهای شهیدان، بویژه از سر امام حسین -ع- سخن رفته است. آنگاه به معرفی منازل اسیران پرداخته و اطلاعاتی در باره هر یک از منازل و رخدادهای در آن داده شده است. عنوان برخی از منازل عبارت است از: قادسیه، تکریت، وادی نخله، لینا، عسقلان، جهینه، موصل، نصیبین، قنسرین، شیزر، کفر طاب، سیبور، حماة، حمص و بعلبک.

برخی دیگر از مطالب کتاب عبارت است از: روایات در باره ورود اسیران به مجلس یزید، خطبه حضرت زینب و امام سجاد، اعتراض غیر مسلمانان به یزید به سبب کشتن امام حسین، ورود اسیران به کربلا و ملاقاتشان با جابر بن عبدالله انصاری و زیارت قبر امام حسین، بازگشت اسیران به مدینه و رخدادهای در آن.

نویسنده در ارجاع به منابع، شماره جلد و صفحات کتابها را ذکر نکرده است. تاریخ پایان تألیف کتاب جمادی الثانی ۱۴۰۶ است.

الامام الحسين بن عليّ

محمد بیومی مهران. بیروت، دارالنهضة العربية، ۱۹۹۰ م. ۳۶۴ ص، رقعی.

پژوهشی است توصیفی - تحلیلی در باره زندگی و قیام امام حسین - ع - و جلد (شماره) هشتم از مجموعه‌ای با عنوان *في رحاب النبی و آل بيته الطاهرين*. نویسنده کتاب از دانشوران اهل سنت و استاد دانشگاه در مکه است و در این کتاب عهده‌دار معرفتی امام حسین و دفاع از آن حضرت شده است. به نظر نویسنده هدف از قیام امام حسین به دست آوردن حکومت نبود، بلکه آن حضرت برای خودداری از بیعت با یزید از مدینه خارج شد.

کتاب حاضر، خوشخوان و برخوردار از نظم و انسجام است و مطالب آن بدقت دسته‌بندی و مرتب شده است. گزیده منابع کتاب، که نزدیک به صد و پنجاه عدد و بیشتر از اهل سنت است، در پایان کتاب آمده است. تاریخ مقدمه کتاب ماه رمضان ۱۴۰۷ است.

مطالب کتاب در ده فصل گنجانده شده است. «در آستانه پیامبر»، عنوان فصل اول است و در آن از ولادت و خانواده امام حسین و مقام او در نزد رسول خدا و روایات درباره شهادت او سخن رفته است. در فصل دوم با عنوان «امام حسین و خلفای راشدین» از رابطه امام حسین با ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی و امام حسن سخن رفته است. «امام حسین در عهد معاویه»، عنوان فصل سوم کتاب است و در آن موضع امام حسین در صلح با معاویه و موضع معاویه در برابر اهل بیت بررسی و به

نقد معاویه پرداخته شده است. در فصل چهارم از «شهادت حسین» سخن رفته و در ضمن آن مسائلی چون خودداری امام از بیعت با یزید، هجرت به مکه، رخدادهای در کوفه و روز عاشورا بررسی شده است. «اهل بیت پیامبر پس از کشتار کربلا»، عنوان فصل پنجم است و در این فصل از اسارت آنان و حضورشان در قصر ابن زیاد و نقش حضرت زینب سخن رفته و در پایان گفته شده که آرامگاه آن حضرت در مصر است. فصل ششم در باره «قصه سر شریف» سیدالشهدا و آوردن آن در نزد ابن زیاد و یزید است. در ادامه این فصل از اختلافات در مکان دفن سر آن حضرت سخن رفته و هشت قول آورده و در پایان به قبر پیکر آن حضرت پرداخته شده است. فصل هفتم با عنوان «عدالت الهی» درباره قیامهایی است که پس از کربلا رخ داد: شورش مدینه، شورش ابن زبیر در مکه، حرکت توأبیین در کوفه و حرکت مختار ثقفی. «قضیه امام حسین در ترازو»، عنوان فصل هشتم است در آن به مسائلی چون بی‌مانند بودن قیام امام حسین و علل امتناع آن حضرت از بیعت با یزید پرداخته شده است. «بامورخان»، عنوان فصل نهم است و در آن به ردّ نظر پنج تن از دانشوران اهل سنت، که قیام امام حسین را نقد کرده‌اند، پرداخته شده است: شیخ محمد خضری، ابوبکر بن عربی، ابن خلدون، ابن تیمیه و دکتر ابراهیم شعوط. و سرانجام در فصل دهم ذیل عنوان «در آستانه امام حسین»، به بیان پاره‌ای از مکارم اخلاقی آن حضرت پرداخته شده است.

۷۴

سید شباب اهل الجنة

ابن بنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الحسين بن عليّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا
حسین محمد یوسف. مقدمه عبدالحمیم محمود. قاهره، دارالشعب، ۱۴۰۸. ۴۷۹ ص،
رحلی.

تحقیقی است توصیفی - تحلیلی در باره زندگی و قیام امام حسین - ع - بر پایه دیدگاه
اهل سنت و با استناد به منابع ایشان. نویسنده ضمن توصیف رخدادها به تحلیل آنها
پرداخته و گزارشهای تاریخی را نقد و بررسی کرده و گاه عهده دار نقد دیدگاه دیگران
شده است. با این وصف، نویسنده فردی است گذشته گرا و از قالبهای کهن اهل سنت
فراتر نرفته و با کلیشه‌های از پیش بوده به ارزیابی مسائل پرداخته است. وی در
سراسر کتاب کوشیده است به نظریه «عدالت صحابه» خدشه وارد نشود. فراتر از
این، وی عهده دار تثبیت این نظریه شده و به دفاع از صحابه، بویژه معاویه، پرداخته و
دیدگاه روشنفکران و نوگرایان اهل سنت را در باره صحابه، بویژه معاویه، نپذیرفته و
انتقادات به او را درست نشمرده است.

مطالب کتاب به بیست و دو فصل تقسیم شده که عنوان آنها عبارت است از:
«بیت مطهر»، «پسران زهرا»، «حسن رضی الله عنه»، «حسین رضی الله عنه»، «سر سرور
جوانان بهشت و قبر او»، «زینب رضی الله عنها»، از «خلافت تا ملوکیت»، «هجرت در
راه خدا»، «از مکه تا کربلا»، «نبرد جاودانه»، «آموزشگاه ایمان»، «پژواک رخدادها»،
«برافتادن ستمگران»، «شبهه‌ها... و باطلها»، «مثله کردن قاتل خلیفه چهارم»، «در باره

رها کردن حسن خلافت را»، «در باره پنهان کردن سم برای حسن رضی الله عنه»، «در نقد این عقیده که می‌گویند [میراثی کردن ملوکیت بدعتی است که کتاب و سنت آن را مباح نکرده است!»، «در باره مجبور ساختن صحابه بر بیعت با یزید»، «در باره مشورت با ائمت در بیعت با یزید»، «قضیه قضایا یا موضع حسین رضی الله عنه در باره بیعت و خلافت»، «احادیث و روایات ساختگی از سرور جوانان بهشت رضی الله عنه».

برخی از مطالب کتاب خارج از موضوع است؛ از جمله مطالب در باره امام حسن -ع- که فصل سوم و شانزدهم و هفدهم کتاب را تشکیل می‌دهد. همچنین فصل چهاردهم کتاب که در دفاع از عدالت صحابه است. و نیز فصل پانزدهم کتاب که در آن با دلایل عقلی و نقلی مثله شدن ابن ملجم مردود شمرده شده و گزارشهای تاریخی در این باره مجعول قلمداد گردیده است.

از نکات قابل تأمل کتاب دفاع نویسنده از عدالت صحابه و بویژه معاویه است. وی برای درست نمودن عدالت صحابه به توجیه برخی از رخدادها پرداخته و آنها را چنان بررسی کرده تا عدالت صحابه درست شمرده شود. وی ضمن پذیرفتن این موضوع که معاویه خلافت را به ملوکیت تبدیل کرد و او نخستین پادشاه در اسلام بود، می‌گوید: اصولاً اسلام نظام معینی برای برگزیدن خلیفه ترسیم نکرد و این کار را به ائمت واگذار کرد. از این رو چهار خلیفه نخست به گونه‌های مختلف برگزیده شدند. پس جای انکار معاویه نیست که به گونه دیگر در این باره عمل کرد. (ص ۳۹۵-۳۹۶). همچنین او می‌گوید: تبدیل خلافت به ملوکیت، که به دست معاویه انجام شد، امری ضروری بود (ص ۱۶۳) و این کار با روح و مقاصد اسلام منافات ندارد. (ص ۱۵۹).

نویسنده در فصل هجدهم (ص ۳۹۳-۳۹۸)، علی‌رغم عنوان غلط انداز آن، به انتقاد از کسانی پرداخته که به عمل معاویه در سپردن امر به یزید انتقاد کرده‌اند. وی

می‌گوید این عمل بدعت نیست و کتاب و سنت آن را تحریم نکرده است. آنگاه در فصل نوزدهم (ص ۳۹۹-۴۰۸)، عهده‌دار اقامه دلایل عقلی و نقلی شده است تا ثابت کند که کسی برای بیعت با یزید تهدید یا مجبور نشد. سپس در فصل بیستم (ص ۴۰۹-۴۱۳)، فراتر از این رفته و عهده‌دار اثبات این موضوع شده است که معاویه برای بیعت مردم با یزید، با ائمت به مشورت پرداخت.

واپسین فصل کتاب (ص ۴۴۳-۴۵۴)، به انتقاد از اخباری اختصاص داده شده که به نظر نویسنده مجعول است. از جمله اخباری که بیان‌کننده آن است که پس از شهادت امام حسین کسوف رخ داد و شفق پدید آمد و از آسمان خون بارید. نویسنده می‌گوید اخبار در باره کسوف در روز عاشورا با این حدیث پیامبر که در روز وفات فرزندش فرمود، منافات دارد: ان الشمس والقمر لا ینکسفان لموت احد ولا لحياته ولكنهما آیتان من آیات الله. (ص ۴۴۷-۴۴۸).

۷۵

وقعة الطّف

ابی مخنف لوط بن یحیی. تصحیح محمد هادی یوسفی غروی. چاپ اول: [قم]، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۷ (۱۴۰۹ق). ۲۸۰ص، وزیری. ✓

در باره نویسنده کتاب (م ۱۵۷ یا ۱۵۸ق)، در پیش گفتیم که از مورخان نامدار صدر اسلام و مورد اعتماد شیعه است. همچنین گفتیم که مهمترین کتاب، یا از مهمترین کتابهای او، مقتل الحسین علیه السلام است که اینک موجود نیست. اما این کتاب تا حدود قرن چهارم هجری، یا نزدیک به آن، موجود بوده و طبری در تاریخش از آن نقل کرده است.

کتاب حاضر، که وقعة الطّف نامیده شده، بازسازی کتاب مقتل الحسین ابو مخنف است. پدیدآورنده کتاب با استخراج منقولات طبری از ابو مخنف و افزودن مقدمه و تعلیقاتی بر آن، کتاب ابو مخنف را بازسازی کرده است. در مقدمه کتاب اجمالی از زندگی ابو مخنف و فهرست آثارش آمده و در باره مجعول بودن مقتل منسوب به او بحث شده است. نویسنده در ذیل عنوان «الأخطاء الفاحشة في هذا المقتل المتداول» (ص ۲۴ - ۲۹)، بیست لغزش موجود در مقتل منسوب به ابو مخنف را بیان کرده و نتیجه گرفته است که نسبت این مقتل به ابو مخنف درست نیست.

متن کتاب از صفحه ۶۷ آغاز می شود و در صفحه ۲۷۷ به پایان می رسد که در حدود دویست صفحه است و در حدود نیمی از این مقدار هم پاورقی مصحح است و، در نتیجه، متن کتاب در حدود صد صفحه است. به نظر پدیدآورنده، کل مقتل

ابومخنف همان است که در تاریخ طبری آمده و در این کتاب به نقل از تاریخ طبری آورده شده است. اما برخی این سخن را درست نمی‌دانند و لااقل اینکه در درستی آن تردید کرده‌اند.

برخی از عنوانهای کتاب عبارت است از: امام حسین -ع- در مدینه، امام حسین -ع- در مکه، وارد شدن مسلم بن عقیل به کوفه، خروج امام از مکه، خطبه امام در شب عاشورا، آغاز جنگ، غارت خیمه‌ها، روانه کردن اهل بیت امام و حمل سرهای شهیدان به کوفه و شام، ورود اهل بیت به مدینه، نخستین زائر مرقد امام.

کتاب یادشده با عنوان مقتل ابي مخنف: نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا، به قلم جواد سلیمانی، به فارسی ترجمه شده است. (چاپ اول: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷).

مشابه این کتاب، کتابی است با عنوان مقتل الحسين عليه السلام که به اهتمام حسن غفاری فراهم شده است. (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، محرم ۱۳۹۸). در این کتاب مطالب ابومخنف از تاریخ طبری استخراج و گردآوری شده است. گو اینکه فضل تقدّم باکتاب مقتل الحسين، از آقای حسن غفاری است، اما کتاب وقعة الطف، از آقای یوسفی غروی، ارزنده تر است و تقدّم فضل با او.

برای تحقیق بیشتر در باره ابومخنف و مقتل او رجوع شود به: سید علی میرشریفی. «ابومخنف و سرگذشت مقتل وی». آینه پژوهش. (سال اول، شماره دوم، مرداد و شهریور ۱۳۶۹). ص ۳۱-۴۰. این مقاله در کتاب خورشید شهادت (د ۱، ص ۱۵-۳۰)، که مشخصات آن سپس می‌آید، نیز چاپ شده است.

همچنین رجوع شود به: پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع). خورشید شهادت: مجموعه مقالات برگزیده اولین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین علیه السلام. ویراسته محمد دانشگر. (چاپ اول: تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴). د ۱، ص ۳۳-۶۲، مقاله «ابومخنف از دی و قیام عاشورا (با تکیه بر مقتل وی)»،

از عبدالله رجایی.

نیز رجوع شود به: هادی حسین حمود. «حول مقتل الحسين لابي مخنف». الموسم. (مجلد سوم، شماره ۱۲، ۱۴۱۲). ص ۱۴۸ - ۱۵۱.

در پایان گفتنی است که مطالب کتاب طبری در باره قیام امام حسین، ذیل عنوان استشهاد الحسین، به اهتمام سید جمیلی، منتشر شده است. (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۶). و نیز در خور گفتن است که برشی از تاریخ طبری، که ویژه امام حسین و خونخواهی مختار و با ترجمه منسوب به ابوعلی بلعمی است، با تصحیح محمد سرور مولائی ذیل عنوان قیام سید الشهداء حسین بن علی(ع) و خونخواهی مختار بروایت طبری و انشای ابوعلی بلعمی به صورت مستقل چاپ شده است. (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹). همچنین گفتنی است که مطالب طبری در باره قیام امام حسین به اهتمام حجت الله جوذکی ترجمه و تصحیح شده و ذیل عنوان قیام جاوید: گرداننده مقتل الحسین ابی مخنف منتشر شده است. (چاپ اول: تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷).

۷۶

تعزیه در ایران

صادق همایونی. چاپ اول: شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۸ (۱۴۱۰ق). ۸۱۸ص،
وزیری. تصویر، سند. ✓

مفصلترین و مستندترین کتاب در باره تعزیه است که با استناد به دهها کتاب و مقاله نوشته شده و، گذشته از این، مستند به دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده است که دهها سال در مجالس تعزیه شرکت داشته است. محدوده تحقیق نویسنده ایران است و موضوع آن فقط تعزیه‌های امام حسین -ع- نیست، اما اغلب مطالب کتاب به آن حضرت و یارانش اختصاص دارد. مطالب کتاب، تحلیلی و بیشتر توصیفی است و با دید مردم‌شناختی به تعزیه نگریسته شده است. نویسنده عهده‌دار ارزیابی صحت و سقم تعزیه‌ها و خرافات و تحریفات در آنها نشده و با دید اسلام‌شناختی به آنها ننگریسته و محک زده است. مثلاً در بحث «تجزیه و تحلیل تعزیه قاسم» (ص ۶۷۵-۶۸۸)، از همه چیز، جز مجعول بودن این تعزیه، سخن گفته شده و حتی اشاره‌ای به آن نشده است.

کتاب حاضر در شش بخش تنظیم شده است. «تعزیه و تاریخ»، عنوان بخش اول کتاب است و در آن از مسائلی چون ریشه‌های نمایش در ایران پیش از اسلام، سیر تطوّر تعزیه، تکامل و انحطاط آن و نقش اشرافیت در نابود کردن این هنر مذهبی و توده‌ای سخن رفته است. در بخش دوم با عنوان «سخنانی چند پیرامون تعزیه»، نخست از «ارکان و عناصر سازنده و پردازنده تعزیه» سخن گفته شده است؛ مانند

شعر، نقالی، سخنوری، موسیقی، عزاداری، پرده‌داری و... آنگاه به «ویژگیهای تعزیه» اشاره شده است؛ از جمله پیوند تعزیه با اسطوره‌های مذهبی و قصص قرآن، نزدیکی با زندگی توده مردم، زبان ویژه و پیوند با اسطوره‌های تاریخی و فرهنگی ایران. عنوان بخش سوم کتاب «بررسی تعزیه‌ها» است و در آن به نظر بیگانگان و محققان کشور در باره تعزیه‌های ایرانی، منبع الهام سراینندگان تعزیه‌ها و تأثیر تعزیه در زبان محاوره پرداخته شده است. در این بخش، «فرهنگ اصطلاحات و اسامی در تعزیه‌ها» ارائه و توضیح داده شده است؛ مانند ابن زیاد، ابن سعد خوان، بیاض، پیشخوانی، چاووش خوانی، شام غریبان، مخالف خوان و نسخه گردان. بخش چهارم کتاب با عنوان «تعزیه‌ها و ترتیب و وسایل آنها» آغاز می‌شود و در آن از مسائلی چون اسامی تعزیه‌ها، طریقه تعزیه‌خوانی، وسایل و ابزارها و لباسهای تعزیه و تعزیه خوانهای بزرگ سخن رفته است. در این بخش از بیش از صد تعزیه نام برده شده است؛ از جمله تعزیه امیر تیمور، خروج مختار، شهادت قاسم، طفلان مسلم، علی اکبر، ورود به شام، ورود به کوفه و هفتاد و دو تن. «چند تعزیه»، عنوان بخش پنجم است و شامل متن تعزیه عباس - امام، امام رضا، حضرت معصومه، قانیا (شاه فرنگ)، علی اکبر، امام حسن و حر. در ششمین بخش کتاب متن تعزیه قاسم آمده و سپس به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است.

در لابلای کتاب دهها تصویر از صحنه‌های تعزیه آمده و به ارزش کتاب افزوده است.

برای شناخت بیشتر این کتاب رجوع شود به: سید محمدعلی جمالزاده. «تعزیه در ایران». کلک. (شماره ۱۱ - ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۹). ص ۲۴۱ - ۲۴۹. همچنین این مقاله در مجله تاریخ و فرهنگ معاصر (سال سوم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳)، ص ۲۵۷ - ۲۶۳، چاپ شده است.

۷۷

الحسین بن علی: سید شباب اهل الجنة حجر بن عدی: أول شهداء آل البيت

صاحب کمال الدین عمر بن أحمد بن ابي جرادة (ابن عديم). تصحيح و مقدمه سهيل زكار. چاپ اول: دمشق، دارحسان، ۱۴۱۰. ۱۶۸ص، وزیری. ✓

نویسنده کتاب، معروف به ابن عديم و ابن ابي جراده (م ۶۶۰ق)، از محدثان بزرگ اهل سنت است و از معروفترین کتابهای او، بغية الطلب في تاريخ حلب است. کتاب حاضر بخشهایی از کتاب بغية الطلب است که متن کامل آن پیشتر به تصحيح سهيل زكار منتشر شده بود. شرح حال امام حسين -ع- در جلد ششم بغية الطلب و شرح حال حجر بن عدی در جلد پنجم آن است. در کتاب حاضر شرح حال آن حضرت تا صفحه ۱۳۰ و شرح حال حجر از آن به بعد است و آنچه در این کتابشناسی مورد نظر است، شرح حال امام حسين است.

کتاب حاضر اثری است تاریخی و کمابیش روائی که همه اخبار و روایات آن با ذکر سند آمده است. اهمیت این کتاب یکی از این روست که اثر یکی از بزرگترین مورخان شام است و ثانیاً در محیطی نوشته شده که قرن‌ها تحت سیطره امویان و دشمنان اهل بیت بوده است. گزارشهای کتاب شامل زندگی و قیام امام حسين است و بر عظمت آن حضرت دلالت دارد و، البته، پاره‌ای از آنها مورد اختلاف است. پاره‌ای از مطالب کتاب عبارت است از: علاقه رسول خدا -ص- به آن حضرت، احادیث آن حضرت، اخبار در باره شهادت آن حضرت، قیام امام و دعوت اهل کوفه

از او، شهادت امام و مرثیه‌های در باره او.

بعضی از اخبار کتاب، با عنایت به اینکه راویان آن از اهل سنت هستند، توجه برانگیز است. از جمله احادیثی که بیان‌کننده آن است که پس از شهادت امام، دگرگونیهایی در جهان آفرینش رخ داد. مانند سرخ شدن آسمان و پیدا شدن خون در زیر سنگها و باریدن خون از آسمان.

برخی از اخبار کتاب برگرفته از کتاب تاریخ مدینه دمشق، از ابن عساکر، است و مصحح در پاورقی به این موارد اشاره کرده است. تاریخ مقدمه مصحح، جمادی الاول ۱۴۰۹ است.

اصول المعرفة فی شرح دعاء عرفه للامام الحسين (ع)

عبّاس أحمد رئیس درازی بحرانی. تقریظ احمد خلف العصفور و سلیمان مدنی. چاپ اول: منامه و بیروت، منشورات مکتبه العلوم العامة و دار البلاغة، ۱۴۰۹ - ۱۴۱۱. ۳، ۴۳۰ + ۴۱۳ + ۴۱۵ ص، وزیري.

کتاب یادشده مفصلترین شرح دعای عرفه است و تاکنون سه جزء آن به دست ما رسیده و چهار جزء است. در آغاز کتاب از جغرافیای عرفه سخن رفته و سپس به بحث در باره دعا پرداخته شده است. آنگاه متن دعای عرفه و بعد از آن، شرح آن آمده است. تاریخ مقدمه جلد اول کتاب جمادی الثانی ۱۴۰۸ و تاریخ پایان تألیف جلد سوم جمادی الاول ۱۴۱۱ است.

این شرح، روان و عامه فهم است و بحثهای دشوار و تخصصی در آن ملاحظه نمی شود. نویسنده، بندهند دعای عرفه را شرح کرده است. بدین ترتیب که در آغاز، هر بند را آورده و سپس در ذیل عنوان «اللغة» به توضیح بعضی از لغات و آنگاه در ذیل عنوان «البيان» به تفسیر آن پرداخته است. در ضمن تفسیر دعا مباحث مفصلی مطرح شده که عنوان برخی از آنها عبارت است از: دعا، معاد در قرآن و سنت، در باره غدیر خم، در باره توحید، مباحثه، احسان، تفسیر برخی از حروف مقطعه، اصحاب کهف در قرآن، تفسیر حی قیوم، عدل و عدل الهی، استغفار، توبه نصح، شکر، قنوط، قضا و قدر. گفتمنی است در شرح دعای عرفه معدودی کتاب به فارسی نوشته شده که مهمترین و مشهورترین آن از محمدتقی جعفری با عنوان نیایش امام حسین (ع) در صحای عرفات است. (چاپ دوم: تهران، مؤسسه نشر کرامت، ۱۳۷۶). ۱۶۶ ص، وزیري.

۷۹

زندگانی امام حسین (ع)

سید هاشم رسولی محلاتی. چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲. بیست + ۵۹۱ ص، وزیری.

کتابی است توصیفی در باره امام حسین -ع- که بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت است و تاریخ پایان تألیف آن محرم ۱۴۱۲ است. در این کتاب تحقیق جدیدی در باره زندگی امام نشده و ابعاد جدیدی از قیام عاشورا مشخص نگردیده است، بلکه حاصل تحقیقات گذشتگان ارائه و سعی شده نظر رسمی شیعه بیان شود. اهمیت کتاب حاضر در همین نکته و نیز در اشمال آن بر زندگی امام است.

مطالب کتاب بر پایه منابع متعددی نوشته شده است، اما از آنجا که مخاطب آن عموم مردم در نظر گرفته شده، چنانکه باید به منابع ارجاع داده نشده است. پاره‌ای از مطالب کتاب مبتنی بر منابع جدید است؛ مانند مقتل الحسین مقررّم، نفس المهموم شیخ عباس قمی و حیاة الامام الحسین از باقر شریف قرشی.

کتاب حاضر در هفده بخش سامان داده شده و فاقد مقدمه است. در بخش اول از ولادت آن حضرت و در بخش دوم از دوران کودکی و بالیدن او در دامان جد و پدر و مادرش سخن رفته است. عنوان بخش سوم «از رحلت رسول خدا(ص) تا شهادت امیرالمؤمنین(ع)» است و در آن به این دوره از زندگی امام پرداخته است. از نکات قابل توجه این بخش این است که نویسنده گزارشهای تاریخی درباره شرکت امام در جنگهای آفریقا و فتح ایران و جنگ قسطنطنیه و دفاع از خانه عثمان را مردود دانسته

است. (ص ۴۰ - ۴۲). بخش چهارم با عنوان «پس از شهادت پدر» آغاز شده و در آن همدلی امام حسین با امام حسن در صلح با معاویه بیان گردیده است. «پس از شهادت برادر»، عنوان بخش پنجم است و در آن از خلافاکاریهای معاویه و یزید سخن رفته و سپس در بخش ششم به «ولیعهدی یزید» پرداخته شده است. بخش هفتم با عنوان «دوران حکومت ننگین یزید تا قیام و نهضت امام حسین (ع)» آغاز شده و در آن به بیعت خواستن از امام و تن ندادن او و وصیتش به محمد بن حنفیه و حرکت به سوی مکه پرداخته شده است. «علل قیام و نهضت مقدس امام حسین (ع)» و بحث و تحقیق در باره روایات این باب»، عنوان بخش هشتم کتاب است و در آن سخنان مبهمی گفته شده و بدون تصریح به نام کتاب شهید جاوید، مطلبی از آن نقل و سپس گفته شده که هدف امام تشکیل حکومت نبود. در بخش نهم از «حرکت امام (ع) به سوی مکه و ماجراهای پس از آن» و در بخش دهم از «حرکت مسلم بن عقیل به سوی کوفه و ماجراهای بعد از آن» و در بخش یازدهم از «وضع کوفه و مردم آن شهر پس از شهادت مسلم و هانی» سخن رفته است. بخش دوازدهم با عنوان «حرکت امام (ع) به سوی عراق» آغاز می شود و در آن از مخالفین حرکت امام (ع) عبدالله بن زبیر، عمرو بن سعید اشدق، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، محمد بن حنفیه و عبدالله بن جعفر، سخن رفته و به نامه امام به اهل کوفه و منزلهای در میان راه پرداخته شده است. در بخش سیزدهم از رخدادهای در کربلا تا شب عاشورا، شمار لشکر دو طرف و تشنگی لشکر امام سخن رفته است. بخش چهاردهم و پانزدهم و شانزدهم، به ترتیب، در باره شهادت یاران امام، شهادت اهل بیت و شهادت امام است. در هفدهمین بخش «شمه ای از فضایل و مکارم اخلاق امام حسین (ع)» گزارش شده است.

از آنجا که عنوان و موضوع این کتاب زندگانی امام حسین (ع) است، در آن به رخدادهای پس از شهادت امام، مانند اسارت اهل بیت او، پرداخته نشده است.

۸۰

مقتل الحسین بن علی بن ابی طالب

طبرانی. تصحیح و تعلیق محمد شجاع ضیف الله. کویت، دار الأوراد، ۱۴۱۲.
۱۴۹ص، وزیری. ✓

نویسنده کتاب، ابوالقاسم طبرانی (م ۳۶۰ق)، از عالمان بزرگ اهل سنت و با کتاب المعجم الکبیر، شهره آفاق است. کتاب حاضر بخشی از کتاب المعجم الکبیر است و شامل نزدیک به صد و پنجاه حدیث و گزارش تاریخی در باره امام حسین -ع- که معدودی از آنها احادیث آن حضرت است. متن کتاب از صفحه ۲۳ آغاز می شود و در صفحه ۹۵ به پایان می رسد و پیش و پس از آن، مقدمه مصحح و فهرستهای کتاب است.

اغلب احادیث کتاب در باره سیره و شهادت امام حسین است و دلالت بر عظمت آن حضرت دارد. پاره ای از احادیث، با عنایت به اینکه راویان آن از اهل سنت هستند، توجه برانگیز است. از جمله احادیثی که بیان کننده آن است که پس از شهادت امام، دگرگونیهایی در جهان آفرینش رخ داد. مانند خورشید گرفتگی و ظاهر شدن ستارگان در روز و سرخ شدن آسمان و پیدا شدن خون در زیر سنگها. (ص ۵۵-۵۷).
گفتنی است این بخش از کتاب المعجم الکبیر با اندکی کاستی، بیشتر به اهتمام سید عبدالعزیز طباطبائی گزینش و همراه مطالبی دیگر ذیل عنوان الحسین والستة چاپ شده بود. این کتاب در این کتابشناسی معرفی شده است. امتیاز کتاب حاضر (مقتل الحسین...)، از آنچه در کتاب الحسین والستة آمده، اضافات آن است که عبارت است از سی حدیث امام حسین.

۸۱

دیوان الحسین بن علی علیه السلام

محمد عبدالرحیم (گردآوری و ترتیب و شرح). مقدمه حامد خفاف. چاپ اول: بیروت، دارالمختارات العربیة، ۱۴۱۲. ۲۲۲ص، وزیری.

شامل این مطالب است: مقدمه، برخی از احادیث رسول خدا -ص- در باره امام حسین -ع-، زندگی آن حضرت، برخی از احادیث او، حکایتهای غریبی در باره او، اشعار او و فهرستهای کتاب. بخش اصلی کتاب، که در این کتابشناسی مورد نظر است، اشعار آن حضرت (ص ۱۰۹-۱۸۲) است.

پدیدآورنده در پیش به گرد آوردن اشعار حضرت فاطمه -س- و امام سجّاد -ع- پرداخته بود و در این کتاب عهده دار گرد آوردن اشعار امام حسین -ع- شده است. وی بیش از پنجاه شعر از آن حضرت گرد آورده که نزدیک به سیصد بیت می شود. این اشعار به ترتیب حروف الفبا مرتب گردیده و در پاورقی به شرح کلمات غریب پرداخته شده است. برخی از منابع اشعار عبارت است از: کشف الغمّة، مطالب السؤل، تاریخ طبری، اعیان الشیعة و جمال الخواطر فی عجائب الکون و غرائب النوادر. بیشتر اشعار از کتاب اخیر نقل شده که نویسنده آن محمدحسن سمان حموی حسینی از هری، از معاصران، است.

در این کتاب به دو نکته تصریح نشده است: یکی اینکه چه تعداد از این اشعار سروده امام و چه تعداد منسوب به اوست؛ و دیگر اینکه دامنه تتبع نویسنده تا کجا بوده و این دیوان چقدر جامع است. اما چنین می نماید که برخی از اشعار، منسوب به

آن حضرت است و این دیوان ضمن اینکه کاملترین کتاب در موضوع خود است، جامع همه اشعار آن حضرت نیست.

بر پایه گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة (ج ۱/۹، ص ۲۴۹)، محمدحسین ضیائی به گردآوری اشعار منسوب به امام حسین پرداخته و آن را دیوان الامام الحسین بن علی بن ابی طالب (ع) نامیده است. وی افزوده که محمدعلی مدرّس خیابانی نیز اشعار آن حضرت را در دیوان المعصومین گردآوری کرده است.

۸۲

معجم ما کتب عن الرسول واهل البيت صلوات الله عليهم

عبدالجبار رفاعی. چاپ اول: تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ (۱۴۱۳ق). ج ۷، ص ۶۱-۴۷۶ و ج ۸، ص ۵-۱۵۵، وزیری. ✓

قسم پنجم این اثر، کتابشناسی امام حسین -ع- است و این قسم شامل اغلب صفحات جلد هفتم (ص ۶۱-۴۷۶) و کمی از جلد هشتم (ص ۵-۱۵۵)، است. بدین رو جلد هفتم این کتابشناسی، که ادامه آن در بخشی از جلد هشتم است، در این کتابشناسی مجال معرفی یافته و مقصود، قسم پنجم آن است.

در این قسم به معرفی کتابها و مقالاتی پرداخته شده که در باره امام حسین -ع- است. در معرفی آثار به ذکر مشخصات چاپ آنها پرداخته و از توصیف محتوایشان خودداری شده است و لذا کتابشناسی حاضر توصیفی نیست. اطلاعاتی که معمولاً از هر کتاب به دست داده شده عبارت است از: نام کتاب، نام مؤلف، نام مترجم، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر و تعداد صفحه. همچنین اطلاعاتی که معمولاً از هر مقاله به دست داده شده عبارت است از: نام مقاله، نام مؤلف، نام نشریه، شماره آن، تاریخ نشر و شماره صفحه.

زبان این کتابشناسی، عربی و اغلب آثار معرفی شده به زبان عربی و فارسی است و تعدادی از آنها به زبان اردو و تعداد کمتری به زبانهای دیگر. مجموع آثار معرفی شده ۳۲۱۵ عنوان است که از شماره ۱۷۱۳۵ آغاز و به شماره ۲۰۳۴۹ به پایان می‌رسد. معدودی از کتابها مستقلاً در باره امام حسین نیست و برخی از آنها در باره

اصحاب و اهل بیت آن حضرت است. آثار معرفی شده، چاپی و خطی است و تعداد آثار چاپی بیش از آثار خطی و تعداد کتابها بیش از مقالات است. در معرفی کتابهای چاپی معمولاً به دفعات چاپ و مشخصات آن اشاره شده است. از آنجا که پدیدآورنده همه آثار را ملاحظه نکرده، مشخصات برخی از آنها، که تعدادشان کم نیست، با واسطه نقل شده است و یا کامل نیست.

از این پدیدآورنده در پیش دو مقاله در موضوع کتابشناسی امام حسین منتشر شده بود که کتابها و مقالات آن در این کتابشناسی آمده است.

کتابشناسی حاضر گذشته از کاستیهایی که دارد (صدها کتاب در آن معرفی نشده است)، نادرستیهایی نیز در آن دیده می شود. با این وصف، کاملترین کتابشناسی امام حسین است و از همه کتابشناسیها، کارآمدتر و سودمندتر و جامعتر است. در مقدمه جلد دوازدهم این کتابشناسی (ص ۷-۱۲)، به گفتارها و نوشتارهای دانشوران در باره اهمیت این کتابشناسی و فایده های آن اشاره شده است.

دانستنی است در باره امام حسین چند کتابشناسی منتشر شده که مشخصات آنها در آغاز این کتاب، که در پیش خواننده است، ذیل عنوان «کتابشناسی کتابشناسیهای امام حسین (ع)»، آمده است.

۸۳

یوم الطّف

مقتل الامام ابی عبدالله الحسین الشّهِید

هادی نجفی، چاپ اول: [قم]، مؤلف (مرکز پخش: انتشارات انوارالهدی)، ذوالحجّه ۱۴۱۳. ۲۹۱ ص، وزیری.

موضوع کتاب حاضر رخدادهای روز عاشورا است و از معدود کتابهایی است که به صورت مستقل به رخدادهای روز عاشورا اختصاص دارد. مطالب کتاب برگرفته از صد منبع است و نزدیک به همه آن را نقل قول تشکیل می دهد. نویسنده در هر موضوع مطالبی را که در منابع آمده، نقل کرده و کمتر به جرح و تعدیل آنها و نظر مختار خویش پرداخته است. اهمیت کتاب به لحاظ اختصاص آن به روز عاشورا و احتوای آن بر نقل قولهای فراوان است.

فصل اول کتاب در باره مقدمات جنگ است و در آن به رخدادهای صبح عاشورا پرداخته شده است؛ از جمله: آماده شدن دو لشکر، پیشی نگرفتن امام در جنگ، خطبه امام و توبه خُر. در فصل دوم گزارشی از جنگ و شهادت اصحاب امام و در فصل سوم گزارشی از جنگ و شهادت طالبیان ارائه شده است. فصل چهارم به مقتل امام اختصاص دارد و در آن به مسائلی چون سپردن میراث امامت به امام سجاد، پاره‌ای از دعا‌های امام حسین در روز عاشورا، تعداد زخمهای وارد شده بر آن حضرت و جداکننده سر امام پرداخته شده است. در فصل پنجم از رخدادهای بعد از شهادت امام سخن رفته است؛ از جمله: به غارت بردن لباسهای آن حضرت، هجوم به خیمه‌های اهل بیت، اسب تاختن بر پیکر امام و قطع سرهای شهیدان. در خاتمه کتاب از دگرگونیهایی که در جهان آفرینش پس از شهادت امام رخ داد، مانند خورشید گرفتگی، بارش خون از آسمان، سرخ شدن آسمان و نظایر اینها، سخن گفته شده است.

۸۴

زفرات الثقلین فی ماتم الحسین علیه السّلام

محمدباقر محمودی. چاپ اول: قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۲-۱۴۱۴ ق. ج ۲، ۴۱۶ + ۴۰۹ ص، وزیری. ✓

کتاب یاد شده در بردارنده اشعاری است که در باره امام حسین -ع- به عربی سروده شده است. در آغاز کتاب آمده که عنوان آن زفرات الثقلین فی مراثی الحسین علیه السلام است، اما در صفحه عنوان و روی جلد کتاب، که زیر نظر پدیدآورنده چاپ شده، به جای کلمه مراثی، ماتم آمده است. اشعار این کتاب در طی نزدیک به چهل سال بتدریج گردآوری شده است. (ر.ک: ج ۱، ص ۵-۶ و ۴۶). با اینکه بنای پدیدآورنده بر گردآوری همه اشعار بود، ولی به سبب در دسترس نبودن بعضی از منابع بدین مقصود نرسید. همان گونه که در آغاز مقصد چهارم کتاب گفته است که آنچه در این بخش گردآورده ایم، در مقابل آنچه نتوانستیم گردآوری کنیم، مانند نهر در برابر بحر است.

جلد اول کتاب شامل اشعاری است که تا قرن سوم سروده شده و جلد دوم مشتمل بر اشعار قرن چهارم تا ششم است. در مقدمه کوتاه کتاب گفته شده که پدیدآورنده عهده دار گردآوری اشعار تا قرن حاضر است، اما مشخص نشده که جلد سوم به بعد کتاب شامل اشعار کدام قرن است و چه زمانی منتشر می شود.

اشعار گردآوری شده به ترتیب تاریخ و در ضمن چهار مقصد (بخش)، آمده است. مقصد اول شامل اشعاری است که بر دیوار عبادتگاهها و بر روی سنگها نقش

بسته و پیش از ولادت امام حسین سروده شده بود. مقصد دوم مشتمل بر اشعاری است که از منادیان شنیده شده، اما دیده نشده‌اند. مقصد سوم در بردارنده اشعاری است که از جنیان شنیده شده است. و سرانجام مقصد چهارم شامل اشعاری است که اهل ایمان و انصاف سروده‌اند. مقصد اول تا سوم بسیار کوتاه است (ص ۷ - ۴۳)، و بیشترینه مطالب کتاب را مقصد چهارم تشکیل می‌دهد. برخی از اشعار مقصد سوم، بنا به ملاحظاتی، در بخش چهارم آمده است؛ چنانکه پاره‌ای از اشعار در باره خانواده امام در این بخش آمده است.

گردآورنده ضمن نقل اشعار، نشانی آنها را از منابع متعددی به دست داده است. همچنین شرح حال شاعران یا منابع شرح حال آنها را بیان کرده و نیز برخی از واژه‌ها را معنی کرده است. اسامی برخی از سرایندگان، به ترتیبی که در کتاب آمده، چنین است: حضرت زینب، ام کلثوم، امام سجّاد، سکینه، اسماء (دختر عقیل)، زینب صغری (دختر عقیل)، ابوالاسود دثلی، امام باقر، امام صادق، مؤمن طاق، ابن رومی، جوالبقی، صاحب بن عبّاد، بدیع الزّمان همدانی، سید رضی، سید مرتضی، ابوالمؤید خوارزمی و ابن جوزی.

۸۵

دائرة المعارف الحسينية

محمدصادق محمد (کرباسی). چاپ اول: لندن، مرکز الحسيني للدراسات، ۱۴۱۴ق. ۳۳۲ج، وزیری. ✓

کتاب حاضر نخستین دایرة المعارف درباره امام حسین -ع- است. این دایرة المعارف نه به مفهوم مصطلح و نه به ترتیب حروف الفبا، بلکه به صورت موضوعی است و یک نفر عهده دار فراهم آوردن آن شده و در لندن منتشر می شود. در کتابی با عنوان آشنایی با دائرة المعارف الحسينية، تهیة و تنظیم نصیر خزرچی (چاپ اول: قم، نشر مدین، ۱۳۷۵)، اطلاعاتی در باره این کتاب آورده شده است که در ذیل بیان می شود. کار تدوین دائرة المعارف الحسينية از سال ۱۳۶۵ شمسی آغاز شده و تا سال ۱۳۷۴ ده جلد آن به چاپ رسیده است. بر پایه تقسیم بندی پدیدآورنده، تعداد جلد های این دایرة المعارف به ۳۳۲ جلد می رسد؛ اما ممکن است بیش از این شود و تا پانصد جلد پیش بینی شده است.

هر یک یا چند جلد این دایرة المعارف یک عنوان دارد و در باره یک موضوع است. عنوان برخی از جلد های کتاب و تعداد آنها عبارت است از: البداية (جلد ۱)، المدخل الى الشعر الحسيني (جلد ۲ و ۳)، دیوان القرن الاول (جلد ۴ و ۵)، دیوان القرن الثاني (جلد ۶)، دیوان القرن الثالث (جلد ۷)، دیوان القرن الخامس عشر (جلد ۳۹-۴۸)، دیوان الشعر الحرّ (جلد ۵۸ و ۵۹)، معجم المقالات الحسينية (جلد ۱۹۶ و ۱۹۷)، الحسين عليه السلام في القرآن (جلد ۲۰۰ و ۲۰۱)، الحسين عليه السلام في

السنة (جلد ۲۰۲ - ۲۰۸)، السيرة الحسينية (جلد ۲۱۰ - ۲۱۹)، ابعاد النهضة الحسينية (جلد ۲۳۷)، معجم اصحاب الحسين عليه السلام (جلد ۲۵۳)، الشعائر الحسينية تاريخها و مقوماتها (جلد ۲۸۰ - ۲۸۹)، معجم الموقوفات الحسينية (جلد ۲۹۹)، النهاية (جلد ۳۳۲).

با انتشار همه جلدهای این دایرة المعارف، بزرگترین دایرة المعارف جهان، یا یکی از بزرگترین دایرة المعارفها، به جهان عرضه می شود. مضافاً اینکه اغلب اطلاعات در باره امام حسین در یک کتاب گرد می آید و راه را برای شناخت بیشتر آن حضرت فراهم می کند.

دو جلد این دایرة المعارف (جلد اول و دوم از دیوان قرن اول)، به دست ما رسیده که عنوان آنها دیوان القرن الاول / هجری و مشتمل بر شعر است. جلد اول شامل ۴۲۱ + ۱۰ صفحه و جلد دوم شامل ۴۵۱ + ۹ صفحه به قطع وزیری است.

۸۶

ترجمة الامام الحسين عليه السلام ومقتله من القسم غير المطبوع من كتاب الطبقات الكبير لابن سعد

ابن سعد. تصحيح سید عبدالعزيز طباطبائی. چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، محرم ۱۴۱۵. ۱۲۱ ص، وزیری. سند. ✓

کتاب فوق جزء هشتم از کتاب الطبقات الكبرى، تألیف ابو عبدالله محمد بن سعد بن منیع بصری (م ح ۲۳۰ ق)، است. این کتاب نخست به اهتمام برخی از خاورشناسان در لیدن از سال ۱۹۰۴ میلادی به بعد منتشر شده بود؛ اما پاره‌ای از اجزای آن، از جمله این جزء آن که در باره امام حسین -ع- است، چاپ نشده بود. البته جزء هشتم این کتاب شامل زندگی امام حسن و امام حسین -ع- است، اما در این چاپ فقط بخشی از این جزء، که شامل زندگی امام حسین است، آورده و تصحیح شده است. این بخش پیشتر در مجله تراثنا (سال سوم، شماره اول، محرم -ربیع الاول ۱۴۰۸)، ص ۱۱۷ - ۲۰۵، چاپ شده بود.

کتاب حاضر از منابع دست اول تاریخ و از کهنترین منابع در باره زندگی امام حسین است و در حدود صد و پنجاه سال پس از شهادت آن حضرت نوشته شده و نویسنده آن سنی است.

این جزء از الطبقات الكبرى شامل این مطالب است: دوران کودکی امام، احادیث پیامبر در شأن او، پیشگوییهای در باره شهادت او، رفتن امام به مکه و کوفه، رخدادهای روز عاشورا، نام شهدای عاشورا، روانه کردن اسیران به کوفه و شام،

دگرگونیهای در جهان آفرینش پس از شهادت امام (بارش خون از آسمان و سرخ شدن آسمان)، قیام توأیین و مراثی در باره امام.

دانستنی است بخشی از کتاب الطبقات الكبرى، که در باره امام حسین و دیگران است (طبقه پنجم از اصحاب)، و پیشتر در ضمن الطبقات الكبرى چاپ نشده بود، به تصحیح محمد بن صامل سلمی، ذیل عنوان الطبقات الكبرى: الطبقة الخامسة من الصحابة چاپ شده است. (چاپ اول: طائف، مکتبه الصدیق، ۱۴۱۴). از صفحه ۳۶۹ تا ۵۱۹ از جزء اول این کتاب در باره امام حسین است. البته بیش از نیمی از این صفحات، پاورقیهای مصحح کتاب است.

۸۷

عبرات المصطفین فی مقتل الحسین علیه السلام

محمد باقر محمودی، چاپ اول: قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۵ ق. ۲ ج، ۴۷۲ + ۳۹۱ ص، وزیری. ✓

کتاب فوق در باره مقام و قیام امام حسین - ع - است و مطالب آن از کتابهای کهن اهل سنت گردآوری شده است. در آغاز کتاب گفته شده که اغلب مطالب آن برگرفته از چهار کتاب است: ۱. مقتل ابو مخنف (م ۱۷۵ ق)، به روایت طبری، که او هم به روایت هشام بن محمد کلبی مطالب مقتل ابو مخنف را نقل کرده است؛ ۲. انساب الاشراف، تألیف احمد بن یحیی بلاذری (م ح ۲۵۰ ق)؛ ۳. الطبقات الکبری، تألیف محمد بن سعد (م ۲۳۵ ق یا در حدود آن)؛ ۴. الاخبار الطوال، تألیف دینوری (م ۲۸۵ ق). آنگاه گفته شده که گاه از کتابهای دیگری نیز مطالبی نقل شده است؛ از جمله: مقتل الحسین علیه السلام، تألیف اخطب خوارزم؛ بغیة الطلب، تألیف ابن عدیم؛ تاریخ دمشق، تألیف ابن عساکر.

گردآورنده ضمن نقل روایات و گزارشهای تاریخی، راویان آنها را نیز ذکر کرده و گاه به شرح حالشان پرداخته است. در پاورقیهای کتاب، که فراوان است، سندهای دیگر یک گزارش، اختلاف آن با دیگر گزارشها، شرح برخی از واژه‌ها و مطالب دیگری آمده است.

مطالب کتاب با سه مقدمه آغاز می‌شود: مقدمه اول شامل روایاتی در باره مقام بلند امام حسین و مقدمه دوم مشتمل بر روایاتی در باره گریستن بر آن حضرت و

مقدمه سوم شامل روایاتی است که پیشگویی شهادت آن حضرت است. این سه مقدمه در حدود نیمی از جلد اول کتاب (ص ۱۲ - ۲۶۸) را دربر می‌گیرد. بقیه مطالب کتاب در باره قیام و شهادت امام حسین و رخداد‌های پس از شهادت است و فهرست برخی از مطالب آن چنین است: علل رفتن امام به مکه، هجرت امام از مکه به کوفه، ورود امام به نینوا و ناخشنودی از اینکه بر جنگ پیشی بگیرد، شدت یافتن تشنگی در لشکر امام و روانه کردن عباس برای تهیه آب، خطبه امام در شب عاشورا، شهادت علی اکبر و دیگر یاران امام، تعداد زخم‌های امام، تعداد شهیدان با امام، تغییراتی که در نظام آفرینش پس از شهادت امام رخ داد، فرستادن سر امام به کوفه، فرستادن اسیران به کوفه و خطبه‌های آنان، سخن گفتن سر امام حسین، انتقام خداوند از قاتلان امام در دنیا.

اهمیت کتاب حاضر در این است که اولاً مطالب آن از منابع کهن است، ثانیاً این منابع از اهل سنت است و ثالثاً در هر موضوع غالباً از چند منبع مطلبی نقل شده است.

۸۸

موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام

لجنة الحديث معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام منظمه الاعلام الاسلامی. چاپ
اول: قم، دارالمعروف، ۱۳۷۳ (۱۴۱۵ق). یب + ۸۷۸ص، وزیری. نقشه. ✓

کتاب مزبور دربردارنده احادیث امام حسین -ع- است و جامعترین و دقیقترین کتابی
است که تا هنگام نشر آن فراهم شده است. پدیدآورندگان کتاب، که اعضای گروه
حدیث پژوهشکده باقرالعلوم هستند، عبارتند از: محمود شریفی، سید حسن زینالی،
محمود احمدیان و سید محمود مدنی.

بیشترین احادیث این کتاب از امام حسین است و اندکی از آنها درباره آن امام.
همه احادیث در دو جزء گنجانده شده است: «کلماته علیه السلام حسب التاریخ» و
«کلماته علیه السلام حسب الموضوع». جزء اول شامل چهار فصل است: احادیث
آن حضرت در زمان رسول خدا، احادیث آن حضرت در زمان امام علی، احادیث
آن حضرت در زمان امام حسن، احادیث آن حضرت در زمان خودش. جزء دوم
نیز مشتمل بر پنج فصل است: احادیث آن حضرت در عقاید، احادیث آن حضرت
در احکام، احادیث آن حضرت در اخلاق، دعاهاى آن حضرت، اشعار روایت شده
از آن حضرت.

در کتاب حاضر حدود هزار حدیث، با ذکر سند، گردآوری شده است. از آنجاکه
هدف از فراهم کردن این کتاب گردآوری همه احادیث منسوب به امام حسین بوده
است، احادیث ضعیف و مردود نیز آورده شده است. مشخصات منبع یا منابع

یکایک احادیث در پاورقی آمده است. منابع کتاب نزدیک به دویست عنوان کتاب است و پاره‌ای از آنها در شمار کتابهای متأخران و معاصران است. برای هر حدیث معمولاً بیش از یک منبع آورده شده و اختلاف منابع در ضبط عبارت، در پاورقی بیان گردیده است.

در نقد پاره‌ای از روایات این کتاب رجوع شود به: محمد اصغری نژاد. «نقدی بر کتاب "موسوعة کلمات [ال] امام الحسین (ع)» . بصائر. (سال سوم، شماره ۲۴، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۶). ص ۷۳ - ۸۴

کتاب حاضر با عنوان فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، به قلم علی مؤیدی، به فارسی ترجمه و منتشر شده است. (چاپ اول: قم، نشر معروف، ۱۳۷۷). دانستنی است چند کتاب دیگر، که شامل احادیث امام حسین است، فراهم شده است: بلاغة الحسین علیه السلام از سید مصطفی آل اعتماد، منطق الحسین از میرزا ابوالفضل زاهدی، الصحیفة الحسینیة از محمدحسین حسینی مرعشی (شهرستانی حائری)، صحیفة الحسین علیه السلام از جواد قیومی اصفهانی، ادب الحسین و حماسه از احمد صابری همدانی، سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا از محمدصادق نجمی و.... این کتابها شامل پاره‌ای از احادیث امام حسین است.

۸۹

قیام جاودانه

(سخنی چند پیرامون «عاشورا» و آفاق آن)

محمد رضا حکیمی. چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ (۱۴۱۵ق).
۲۳۱ص، رقعی.

کتاب حاضر تحلیلی است از قیام عاشورا و برداشت و نتیجه‌گیری از آن. نویسنده بیشتر به استفاده از قیام عاشورا و درس‌آموزی و الگوگیری از آن و پیوند آن با عدالت تکیه و تأکید کرده است. نثر کتاب فصیح است و شاید بتوان گفت فصیح‌ترین کتابی است که به فارسی در باره امام حسین -ع- و عاشورا نوشته شده است.

به نظر نویسنده «شیعه بیشتر بر "مصائب عاشورا" گریست، و کمتر در "مسائل عاشورا" اندیشید. شیعه عاشورا را نگاه داشت لیکن درست نشناساند. آفرین بر او که نگاه داشت، و دریغ از او که نشناساند.» (ص ۷۸). «عاشورا، هنوز هم، چنانکه باید شناخته باشد شناخته نیست. دوست به گونه‌ای عاشورا را نمایانده است، و دشمن به گونه‌ای عاشورا را پوشانده است. دوستان و معتقدان بیشتر از هر چیز به بُعد عاطفی عاشورا گراییدند، و در راه تحقق بخشیدن به رسالتهای گران عاشورا کوتاهی کردند. و دشمنان در نشناختن عاشورا، یا کوچک شمردن عظمت‌های آن اصرار ورزیدند...» (ص ۹۱).

نویسنده خاطر نشان ساخته است که چهار تجلیگاه سترگ در همه اعصار تاریخ انسان وجود دارد: بعثت، غدیر، عاشورا و مهدی. «حاصل بعثت، قرآن کریم

است؛ و حاصل غدیر، نهج البلاغه؛ و حاصل عاشورا تداوم حیات قرآن و نهج البلاغه... و دیگر آثار ائمه طاهرین «ع»؛ و حاصل ظهور مهدی «عج»، گسترش عدالت است در همه جهان.... و عاشورا، نقطه اتصال "بعثت" و "غدیر" است به "ظهور مهدی-ع-". (ص ۸۱).

نویسنده اظهار تأسف کرده است که سراینندگان و گویندگان ذات عاشورا و واژه‌های آن را نشناختند و بیشتر از تشنگی و اسارت سخن گفتند؛ حال آنکه «ذات عاشورا نماز است و عدالت، نه تنها عزاداری و مصیبت.» (ص ۹۲). «نماز واژه شب عاشوراست، و عدالت واژه روز عاشورا... یعنی پیام شب عاشورا نماز است، و پیام روز عاشورا عدالت.» (ص ۹۳).

مطالب کتاب در هشت بخش گنجانده شده است: «عاشورا و جهان اسلام»، «عاشورا و انسان نو»، «عاشورا و عدالت...»، «عاشورا، انقلابها و حکومتها»، «حکومت مسانخ»، «اسلام و مردم (دین مردمی)»، «طاغوت زدایی، تنها راه رهایی» و «عدالت، محو سیمای فقر». چهار بخش اول در باره عاشورا و چهار بخش دوم در باره حکومت اسلامی و قسط است و شامل اشاراتی به وضع موجود کشور.

۹۰

ملحقات الاحقاق

سید شهاب الدین مرعشی نجفی. به اهتمام سید محمود مرعشی. چاپ اول: قم،
مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۵ق. ج ۲۷، ۱۳ + ۵۲۹ص، وزیری. ✓

کتاب حاضر ملحقات بر کتاب احقاق الحق و ازهاق الباطل، از قاضی نورالله شوشتری،
است. این ملحقات چند برابر متن کتاب است و کتاب برگزیده سال ۱۳۷۴ در
جمهوری اسلامی ایران شناخته شد. بخشهایی از برخی از جلد‌های این ملحقات
درباره امام حسین -ع- است، از جمله بخشی از جلد یازدهم (ص ۲۵۵-۶۴۸)؛ اما این
جلد یکسره به آن حضرت اختصاص دارد و، در واقع، ملحقات جلد یازدهم و دیگر
جلدهایی است که درباره امام حسین است.

کتاب حاضر مشتمل است بر احادیث در باره امام حسین و از امام حسین و
پاره‌ای از روایات تاریخی در باره قیام و شهادت آن حضرت. همه احادیث کتاب از
منابع اهل سنت نقل و نشانی آنها ارائه شده است.

پاره‌ای از مطالب کتاب عبارت است از: ولادت آن حضرت، احادیث پیامبر
در باره آن حضرت، ویژگیهای آن حضرت، خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات آن حضرت،
مجازات دنیوی قاتلان آن حضرت، دگرگونیهای در جهان آفرینش پس از شهادت آن
حضرت، تاریخ و مکان شهادت آن حضرت.

این جلد از کتاب فاقد مقدمه است و در آن هیچ سخنی از گردآورنده، حتی در
توضیح روایات، ملاحظه نمی‌شود.

کتاب حاضر تحت نظر آیت الله مرعشی نجفی و بایاری نوزده تن از دانشوران
حوزه علمیه قم، که لجنة احقاق الحق نامیده می‌شوند، فراهم آمده است. برای تحقیق
بیشتر در باره چگونگی فراهم شدن این کتاب رجوع شود به: علی رفیعی
(علامرودشتی). شهاب شریعت: درنگی در زندگی حضرت آیت الله العظمی مرعشی
نجفی(ره). (قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۷۳). ص ۲۳۲-۲۳۵.

فرهنگ عاشورا

جواد محدثی. قم، نشر معروف، ۱۳۷۴ (۱۴۱۶ق). ۵۱۲ص، وزیری.

فرهنگ (یا فرهنگنامه و یا دایرة المعارف) عاشورا (یا امام حسین - ع) است و شامل اطلاعاتی مختصر و مستند و به ترتیب الفبا. «هدف از تدوین این فرهنگنامه، آن بوده که یک مجموعه یک جلدی، فشرده، دم دست و کاربردی، حاوی لازمترین دانستنیها پیرامون موضوعاتی که به آن نهضت جاوید چه در عصر حادثه، چه زمانهای پس از آن تا امروز مربوط می شود، ارائه گردد. از این رو مدخلهای کتاب که به ترتیب الفباست، اشخاص، گروهها، جاها، کتابها، اصطلاحات، سنتها، شعایر، تعالیم مکتبی و محورهای دیگر را که به نحوی در ارتباط با فرهنگ عاشورا است شامل می شود.» (ص ۱۶).

تنها شباهت این کتاب به دایرة المعارفها یکی ترتیب الفبایی اطلاعات آن است و دیگر، ارجاعات آن. چنین می نماید که نویسنده عمد داشته است این کتاب را کاملاً در قالب دایرة المعارفها ننگنجانند تا فقط کتابی «برای مراجعه» نباشد، بلکه «برای مطالعه» هم باشد. از این رو کتاب حاضر خوشخوان تر از دایرة المعارفهاست و می شود آن را براحتی، از آغاز تا پایان، خواند.

مدخلهای این فرهنگ به صدها عدد می رسد و مطالب در ذیل هر مدخل از کمتر از یک سطر تا چندین صفحه است. نویسنده در ذیل هر مدخل تنها به توصیف آن نپرداخته، بلکه تحلیل و گاه ارزشگذاری هم کرده است.

مدخلهای کتاب شامل اشخاص، موضوعات و مفاهیم، مکانها، ابزارها و

وسایل، حادثه‌ها، اشیا و پدیده‌ها، اصطلاحات، کتابها و گروه‌ها می‌شود. فهرست موضوعی مدخلها و نیز منابع کتاب، که نزدیک به دویست عنوان است، در پایان کتاب آمده است.

گزیده‌ای از این کتاب با عنوان فرهنگنامه عاشورا (ویژه دانش‌آموزان) منتشر شده است. (چاپ اول: قم، نشر معروف، ۱۳۷۵). ۲۱۶ص، پالتویی.

همچنین این کتاب به اهتمام خلیل زامل العصامی ذیل عنوان موسوعه عاشوراء به عربی ترجمه شده است. (چاپ اول: بیروت، دارالرسول الاکرم (ص) و دارالمحجّة البيضاء، ۱۴۱۸). آخرین نکته اینکه کتاب حاضر در سال ۱۳۷۵ از طرف ستاد برگزاری شب شعر عاشورا در شیراز به عنوان کتاب سال عاشورایی انتخاب شد.

جزاء اعداء و قتلة سيّد الشهداء عليه السّلام في دار الدّنيا

سيّد هاشم ناجي موسوي جزائري. چاپ اول [صحيح: دوم]: قم، مؤلف (چاپخانه دانش)، ۱۴۱۸ ق. ج ۱، ۴۷۱ ص، وزيري. ✓

کتابی است روائی با موضوع و عنوانی ابتکاری که اهميت آن به لحاظ بی مانند بودن عنوان و موضوع کتاب است. این کتاب جلد پانزدهم از مجموعه‌ای با عنوان جزاء الاعمال في دار الدنيا است و تاکنون جلدهای متعددی از آن منتشر شده است. با اینکه در صفحه حقوق کتاب قید شده که این چاپ، نخستین چاپ آن است، اما در آغاز کتاب تصریح شده که چاپ حاضر، دومین چاپ است. چاپ پیشین کتاب با عنوان جزاء قتلة سيّد الشهداء عليه السّلام في دار الدّنيادر سال ۱۴۱۶ قمری به اهتمام مؤلف در قم به قطع وزيري در ۹۶ صفحه منتشر شد و چاپ حاضر صورت کامل شده چاپ گذشته و، در واقع، ویرایش دوم آن است.

کتاب حاضر مشتمل است بر متن اخبار کتابهای روائی و تاریخی در باره مجازات دشمنان و قاتلان امام حسين. مؤلف، این اخبار را به قلم خود گزارش نکرده، بلکه متن آنها را، عیناً، آورده است. جمع اخبار کتاب به پانصد عدد می رسد که از بیش از صد کتاب استخراج شده است. برخی از اخبار، تکراری و مضمون آنها واحد است. زیرا از چند کتاب نقل شده است. مثلاً در بیان مجازات بجدل / نجدل / بن سليم کلبی سه خبر از سه کتاب آمده که مضمون آنها واحد است. این دسته از اخبار یکی شمرده نشده، بلکه با شماره پیاپی از هم جدا شده است. در نتیجه اخبار غیر مکرر کتاب کمتر

از پانصد عدد است. در مقدمه کتاب از قلمرو آن سخن رفته و آنگاه گفته شده نویسنده ادعا نمی‌کند همه اخبار مربوط بدین موضوع را آورده است، بلکه قطعاً پاره‌ای از احادیث را از سر فراموشی و خطا نیاورده است.

این جلد از کتاب در بیان مجازات آن دسته از دشمنان و قاتلان امام حسین است که نامدار بودند و به نامشان در تاریخ تصریح شده است. در جلد بعد، که تاکنون چاپ نشده است، از مجازات کسانی سخن می‌رود که نامدار نبودند و نیز کسانی که در روز عاشورا به خیمه‌های امام حمله کردند و نیز مجازات قبیله‌ها و طایفه‌ها و.... در این جلد از مجازات حدود دویست نفر سخن رفته که اسامی برخی از آنها عبارت است از: اسید بن مالک، حفص بن عمر بن سعد، خولی بن یزید، سنان بن انس، شمر بن ذی الجوشن، عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد، مالک بن جریره، مالک بن حوزة، محمد بن اشعث، یزید بن معاویه.

خورشید شهادت

پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع). ویراسته محمد دانشگر و سید هدایت جلیلی. چاپ اول: تهران، دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶. ۴، د، ۳۸۳ + ۲۹۴ + ۳۳۷ + ۳۷۶ ص، وزیری.

مجموع دفترهای این اثر مشتمل بر مقالات، سخنرانیها و میزگردهای اولین و دومین و سومین سمینار بررسی ابعاد زندگانی امام حسین - ع - است که به اهتمام دانشگاه امام حسین در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ (۱۴۱۵ - ۱۴۱۷ق) در تهران برگزار شد. موضوع اولین سمینار، «بررسی منابع و تبیین تحریفات» و موضوع دومین سمینار، «امام حسین (ع) و احیای دین» و موضوع سومین سمینار، «بررسی زندگانی امام حسین (ع)» و «امام حسین (ع) و فرهنگ پاسداری» است. دفتر اول که مهمتر است، شامل مطالب اولین سمینار و دفتر دوم و سوم شامل مطالب دومین سمینار و دفتر چهارم شامل مطالب سومین سمینار است. دفتر اول به منابع تاریخ عاشورا و تحریفات اختصاص دارد و دفتر دوم و سوم درباره امام حسین و احیای دین و دفتر چهارم در باره پاسداری از دین است. در دفتر دوم و سوم از یکسو از امام حسین سخن گفته شده و از سوی دیگر از احیای دین، اما رابطه این دو بروشنی بیان نشده است.

سطح علمی همه مقالات این کتاب یکسان نیست و برخی از آنها ویژگی علمی و تحقیقی ندارد و برخی دیگر خارج از موضوع است. در ذیل عنوان پاره‌ای از

مقالات مهم و نام نویسندگان آنها آورده می‌شود: «ابو مخنف بزرگترین مورخ عاشورا»، سید علی میرشریفی؛ «ابو مخنف از دی و قیام عاشورا (با تکیه بر مقتل وی)»، عبدالله رجایی؛ «مکتب تاریخنگاری شام و تحریف قیام امام حسین (ع)»، اصغر قائدان؛ «تحریف قیام حسینی در مکتب تاریخنگاری اسلامی ایران»، نوروز اکبری زادگان؛ «دیدگاه مسعودی در باره قیام امام حسین (ع)»، اصغر منتظر قائم؛ «عقل مانع تحریف و عامل تعمیم نهضت حسینی»، محمد منصور نژاد؛ «ابعاد نظامی واقعه عاشورا از واقعیات تا تحریفات»، ابراهیم مشفق فر؛ «تبیین یک تحریف: بررسی ماجرای ورود اهل بیت (ع) به کربلا در بیستم صفر سال ۶۱ هجری»، عبدالرحیم قنوات؛ «نقد و بررسی مقاتل موجود»، علی دوانی؛ «حسین بن علی (ع) در دو نگاه»، مصطفی درایتی؛ «آسیب شناسی اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین (ع)»، نوروز اکبری زادگان؛ «آسیب شناسی باورهای دینی در عصر امام حسین (ع)»، نعمت الله حصارکی؛ «آسیبهای اجتماعی جامعه اسلامی در عصر امام حسین (ع)»، علی نور آبادی.

مهمترین مقالات در دفتر اول آمده است. مقالات دفتر دوم، بجز یک مقاله، در باره احیای دین است و در آن به امام حسین پرداخته نشده است. در مقالات دفتر سوم به نقش امام حسین در احیای دین اشاره شده، اما این موضوع بخوبی و حتی به اندازه لازم بررسی نشده است. و سرانجام در دفتر چهارم به پاسداری از دین پرداخته شده که برخی از مقالات آن خارج از موضوع است.

مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی (س) و فرهنگ عاشورا

چاپ اول: تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶. ۵۶، ۴۳۳ + ۴۳۳ + ۴۱۳ + ۴۰۵ + ۴۴۲ + ۷۱۸ + ۳۳۶، ص، وزیری. جدول.

کتاب حاضر مشتمل است بر مقالات اولین و دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا که به اهتمام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ (۱۴۱۶ و ۱۴۱۷ق) در تهران برگزار شد. دوره کامل کتاب شامل شش دفتر (جلد) است. جلد اول تا سوم آن ویژه مقالات اولین کنگره و جلد چهارم تا ششم ویژه مقالات دومین کنگره است. نویسندگان مقالات از دانشوران حوزه و دانشگاه و باگرایشهای فکری متفاوت هستند. اغلب مقالات، تحلیلی - انتقادی است و بانگرش جدید به قیام امام حسین - ع - نوشته شده است. موضوع اغلب مقالات ریشه‌ها و دستاوردها و آثار و ارزشهای عاشوراست و در معدودی از آنها به تاریخنگاری عاشورا پرداخته شده است. سطح علمی مقالات یکسان نیست، اما نشانه‌های شتابزدگی در اغلب آنها ملاحظه می‌شود.

دفتر اول این کتابها با عنوان چشمه خورشید: مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی (س) و فرهنگ عاشورا به چاپ رسیده است. دفتر دوم و سوم فقط با عنوان مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی (س) و فرهنگ عاشورا منتشر شده است. عنوان روی جلد دفتر چهارم تا ششم عبارت است از: مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی (س) و فرهنگ عاشورا. اما در صفحه عنوان دفتر چهارم تا ششم عنوان دیگری نیز آمده است. بدین ترتیب که در دفتر چهارم (دفتر اول از مقالات دومین کنگره)، آمده است: ابعاد گوناگون حضور فرهنگ عاشورا در شخصیت امام خمینی: مجموعه

مقالات دومین کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا. و در دفتر پنجم آمده است: جهاد، قیام و رهبری آن در اسلام، فرهنگ عاشورا و انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات دومین... و در دفتر ششم آمده است: فرهنگ دینی در ایثار و شهادت: مجموعه مقالات دومین... در ذیل، عنوان پاره‌ای از مقالات مهم و نام نویسندگان آنها آورده می‌شود: «اصول تحلیل حادثه بزرگ قیام امام حسین (ع)»، محمدتقی جعفری؛ «حماسه حسینی و ظهور حقیقت آدمی»، مصطفی دلشاد تهرانی؛ «پژوهشی در باره یک شعار معروف: "ان الحیوة عقیده و جهاد"»، عنایت الله مجیدی؛ «ادبیات عاشورا در دوره حضور امامان علیهم السلام (۲۶۰ - ۶۱ هـ)»، محمود رضا افتخارزاده؛ «قرآن و حماسه خونین کربلا»، محمدباقر بهبودی؛ «مقایسه بین مفهوم شهادت در مسیحیت و اسلام»، ابوالفضل عزتی؛ «قیام جاودانه»، محمدرضا حکیمی؛ «تطبیق قیام امام حسین (ع) با موازین فقهی»، نعمت الله صالحی نجف آبادی؛ «کربلا، از برداشت معنوی تا برداشت سیاسی»، رسول جعفریان؛ «سیر مقتل نگاری»، محمدجواد صاحبی؛ «نهضت عاشورا در نگاه نوگرایان شیعه و سنی»، محمد حکیم پور؛ «نقش حضرت زینب (س) در بقای نهضت کربلا»، زهرا اباذری؛ «مبانی اعتقادی و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی نهضت عاشورا»، سید عطاء الله مهاجرانی؛ «بررسی مواضع سیاسی امام خمینی و پیوند آن با فرهنگ عاشورا»، غلامعلی پور یعقوبی؛ «نقش مصلح دینی در خرافه‌زدایی»، سید محمد تقی؛ «ابعاد بین‌المللی عاشورا»، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی؛ «بررسی افسردگی و حزن در سیره امام حسین (ع)»، محمد تقدیری؛ «نینوا در تاریخ»، اردشیر خدادادیان؛ «نهضت حسینی و عزت حسینی»، مصطفی دلشاد تهرانی؛ «تحلیل معرفت شناختی مبانی کلامی در نهضت عاشورا»، محمد سعیدی مهر؛ «مردم شناسی کوفه»، نعمت الله صفری فروشانی؛ «نقش اهل بیت امام حسین (ع) در نهضت عاشورا»، علیرضا انصاری؛ «حادثه کربلا در آئینه آمار و ارقام»، عباس جعفری.

چکیده مقالات کنگره به زبان فارسی و عربی و انگلیسی منتشر شده است. برخی از مقالاتی که چکیده شده، تاکنون منتشر نشده است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود تعداد جلد‌های کتاب حاضر بیش از شش عدد شود.

بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی

سید علی فرحی. چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ (۱۴۱۷ق).
۵۳۶ص، وزیری.

اثر حاضر از معدود کتابهای تحلیلی در باره قیام امام حسین -ع- است که در آن از وقایع قیام آن حضرت سخن نرفته، بلکه فقط به تحلیل آن پرداخته شده است. با اینکه در برخی از تحلیلهای نویسنده سخن است، اما نفس کوشش وی در تحلیل قیام امام و مقدمات و نتایج آن ارزنده است. در دیباچه کتاب به ضعف تحقیقات در باره قیام امام اشاره و گفته شده است: «کتابهای بسیاری در باره این نهضت خونین نگاشته شده، ولی بدبختانه بیشتر آنها از مرز واقعه‌نگاری یا حماسه‌سازی یا عرفان‌گویی یا حاشیه‌پردازی فراتر نمی‌رود و علل واقعی و نتایج اساسی آن را به‌بوته تحقیق نمی‌گذارد.» (ص ۹). آنگاه گفته شده است: «در این کتاب تقریباً کلیه جوانب قیام و قتل حسین(ع)... روشن شده... و ظاهراً مطلب مهمی را ناگفته نگذارده است.» (ص ۱۴). مطالب کتاب چندان دسته‌بندی شده و منسجم نیست و تحلیلهای نویسنده، چنانکه باید، مستند نیست و به اندازه لازم از منابع استفاده نشده است. نشر کتاب ضعیف است و بسیاری از عنوانها بیان‌کننده محتوای بحث نیست. در لابلای کتاب مطالب خارج از موضوع نیز یافت می‌شود.

مطالب کتاب در پنج بخش تنظیم شده است: «بنی‌امیه و مسأله خلافت اسلامی»، «دو سازمان متضاد در محیط اسلام»، «تشریح علل قیام حسین(ع)»، «چگونه قیام حسین(ع) پیروز شد؟» و «مکتب حسین(ع)». در بخش اول از وضع خلافت در صدر

اسلام و در بخش دوم از وضع جامعه اسلامی و کارنامه بنی‌امیه و بنی‌هاشم سخن رفته است. بخش سوم موضوع اصلی کتاب است و در آن به تحلیل قیام امام و هدف آن پرداخته شده است. و سرانجام بخش چهارم و پنجم به نتایج قیام امام اختصاص دارد. نویسنده در باره هدف امام از قیام گفته است که در این باره سه نظر وجود دارد:

۱. نظر اغلب دانشمندان شیعی که می‌گویند آن حضرت اطمینان به پیروزی ظاهری نداشت و برای پیروزی قیام نکرد. اما اطمینان به پیروزی واقعی قیامش داشت و همین اطمینان انگیزه قیامش بود. ۲. نظر سید مرتضی علم‌الهدی که گفته است آن حضرت اطمینان به پیروزی ظاهری داشت و برای تشکیل حکومت قیام کرد. به نظر نویسنده این نظر «جدل‌آمیز و اقناعی» است که در پاسخ به برخی از اهل سنت ارائه شده است. ۳. نظر سید هبة الدین شهرستانی و عده‌ای دیگر که می‌گویند آن حضرت نه تنها اطمینان به پیروزی ظاهری نداشت، بلکه جانش در خطر بود و، از این رو، برای حفظ جانش از مدینه و مکه خارج شد. (ص ۲۸۱). به نظر نویسنده نظر اول درست است و با ارائه دو دلیل عهده‌دار اثبات آن شده است. (ص ۲۸۲ - ۳۱۱). آنگاه به ردّ نظر دوم (ص ۳۱۱ - ۳۲۸) و نظر سوم (ص ۳۲۸ - ۳۵۰) پرداخته است. با اینکه نویسنده نظر اول را درست دانسته و عهده‌دار ردّ نظر دوم و سوم شده، اما در آغاز کتاب گفته است: «حرکت آن حضرت را عده‌ای فقط برای تشکیل حکومت و دسته‌ای فقط برای شهادت و گروهی فقط برای حفظ جان می‌پندارند، با این که شواهد فراوان... نشان می‌دهد که حرکت آن حضرت منحصر به هیچ‌یک از این سه جهت نمی‌باشد، بلکه شامل هر سه جهت می‌باشد». (ص ۱۰ - ۱۱). نویسنده در جای دیگر نیز به این مطلب اشاره می‌کند که امام سه هدف داشت (ص ۳۰۴)، اما در مجموع هدف آن حضرت را، یا هدف اصلی او را، شهادت دانسته و حتی تصریح کرده است که اگر آن حضرت به حکومت هم می‌رسید، چندان توفیق نمی‌یافت که با شهادت به اهداف گوناگونی دست یافت و منشأ تحولات فکری و اجتماعی و سیاسی شد. (ص ۲۵۲). به هر حال چنین می‌نماید که نظر نویسنده، یا بیان او، در باره هدف قیام امام، مضطرب است و، چنانکه باید، شفاف و صریح نیست.

۹۶

قصه کربلا

بضمیمه قصه انتقام

علی نظری منفرد. چاپ اول: قم، انتشارات سرور، ۱۳۷۵ (۱۴۱۷ق). ۷۰۱ص،
وزیری.

کتابی است توصیفی در باره قیام امام حسین -ع- و پیامد آن که بیان کننده «نظر رایج» شیعه در باره آن حضرت است و بر پایه تحقیقات دیگران نوشته شده است. نویسنده در مسائل مورد اختلاف، اقوال گوناگون را ذکر کرده و کمتر به ارزشدآوری و نظر مختار خویش پرداخته است. تنظیم کتاب بی مانند یا کم مانند است؛ بدین گونه که مطالب کتاب بر اساس حرکت امام حسین و اهل بیت او -ع- (از مدینه تا مدینه)، فصل بندی شده و از یکایک منازل در مسیر حرکت سخن رفته است. از این رو اطلاعاتی که در این کتاب در باره منازل ارائه شده، منظمتر و بیشتر از کتابهای مشابه آن است. نثر کتاب روان و خوشخوان و مخاطب آن عموم مردمند.

پیشگفتار کتاب (ص ۲۷ - ۳۶)، کوتاه و در باره شخصیت امام است. بخش اول (ص ۳۹ - ۵۵۶)، در باره قیام آن حضرت و بخش دوم (ص ۵۵۷ - ۶۹۵)، در باره انتقام از قاتلان اوست. عنوان بخش اول «از مدینه تا مدینه» است و شامل یازده فصل: «در مدینه»، «از مدینه تا مکه»، «در مکه»، «از مکه تا کربلا»، «در کربلا»، «در کوفه»، «از کوفه تا شام»، «در شام»، «از شام تا مدینه»، «در مدینه» و «فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام». بخش دوم با عنوان «قصه انتقام» شامل دو فصل است: «شیعیان، پس از

شهادت امام حسین علیه السلام» و «قیام مختار».

در فصل چهارم، که در آن به رخدادهای از مکه تا کربلا پرداخته شده، به نام بیست و چهار منزل اشاره و در باره وقایع در هر یک توضیحاتی داده شده است. اسامی این منازل عبارت است از: ابطح، تنعیم، صفاح، وادی العقیق، وادی الصفراء، ذات عرق، الحاجز من بطن الرّمه، فید، اجفر، خزیمه، شقوق، زَرود، ثعلبیه، زباله، القاع، عقیقه البطن، شراف، ذو حَسَم، بیضه، رُهمه، عذیب الهجانات، قطقطانیّه، قصر بنی مقاتل و نینوا. در فصل هفتم، که در باره روانه کردن اسیران از کوفه به شام است، از بیست منزل و رخدادهای در هر یک بحث شده که اسامی آنها، بجز منزل اول که نام ندارد، عبارت است از: تکریت، مشهد النقطه، وادی النّخله، موصل، نصیبین، عین الورد، رَقّه، جَوَسق، دعوات، حلب، قنّسَرین، معرّة النّعمان، شیرز، کفر طالب، سیبور، حماة، حمص، بعلبک و دمشق.

الامام الحسين عليه السلام في احاديث الفريقين من قبل الولادة الى بعد الشهادة

سید علی موحد ابطحی اصفهانی. چاپ اول: [قم]، مؤلف (چاپخانه امیر)، ۱۴۱۴ -
۱۴۱۸ ق. ج ۱ و ۲ و ۴، ۴۴۰ + ۴۷۶ + ۵۲۸ ص، وزیری. سند. ✓

کتاب حاضر جامعترین و مفصلترین کتاب حدیثی در باره امام حسین -ع- است و شامل احادیث شیعه و اهل سنت در باره آن حضرت از پیش از ولادت تا پس از شهادت. دوره کامل این کتاب به چند جلد می رسد و لذا مفصلتر از مقتل بحار الانوار و عوالم العلوم و شامل احادیث بیشتری است.

کتاب فوق مشتمل بر احادیث رسول خدا -ص- و حضرت فاطمه -س- و دیگر امامان -ع- است. همه احادیث با سند آمده و گاه توضیحی داده شده و در پاورقی منبع یا منابع آن نقل گردیده است.

پاره ای از عنوانهای جلد اول کتاب عبارت است از: میلاد امام حسین، وجه تسمیه حسین، اسم حسین برگرفته از اسم خداوند است، کنیه های امام حسین، القاب امام حسین، دوست داشتن امام حسن و امام حسین چون دوست داشتن پیامبر است و دوست داشتن پیامبر چون دوست داشتن خداوند است، آثار دوست داشتن امام حسن و امام حسین و ذریه آنان و دوست داشتن دوستانشان در دنیا و آخرت.

عنوانهای اصلی جلد دوم عبارت است از: امام حسین در عصر رسول خدا، امام

حسین در عصر امیرالمؤمنین، امام حسین در عصر فاطمه، امام حسین در عصر امام حسن، شمایل امام حسین، ابواب سیره امام حسین، نقش خاتم امام حسین، فضایل امام حسین در قرآن.

در جلد چهارم احادیث رسول خدا و امیرالمؤمنین و دیگران در باره شهادت امام حسین آمده و در پایان ضمن نقل سخن سید مرتضی در باره قیام آن حضرت، نقد عالمان بر سخن او ارائه شده است.

الحسين عليه السلام في القرآن

سید محمد واحدی جیلانی. چاپ اول: مشهد، لاهیجی، ۱۴۱۸ ق. ۲۵۹ ص، وزیری.
● عنوان روی جلد: ... تأویل آیات القرآن في سيد الشهداء عليه السلام.

کتاب یاد شده شامل آن دسته از آیات قرآن است که در باره امام حسین -ع- نازل شده و یا تأویل به آن حضرت گردیده است. تنظیم کتاب بدین صورت است که نخست آیات قرآن، به ترتیب، نقل شده و در ذیل آن روایت یا روایاتی که در باره آن آیه آمده و تفسیر یا تأویل به امام حسین شده، نقل گردیده است. مجموع این آیات به صد و بیست و هشت عدد می‌رسد و مجموع روایات بیش از دویست و پنجاه عدد است. برخی از آیات فقط تفسیر یا تأویل به امام حسین شده و برخی دیگر به آن حضرت و دیگر امامان تفسیر یا تأویل شده است. نویسنده کوشیده است همه روایات را گردآوری کند و عهده‌دار صحیح بودن یا نبودن آنها نشده است. مضمون بعضی از روایات عبارت است از: آفرینش امام حسین، فضایل امام حسین، مصیبت‌های امام حسین، گریستن بر امام حسین، رجعت امام حسین.

منابع نویسنده کتابهای تفسیر و حدیث شیعه است؛ مانند تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، البرهان، نورالثقلین، تفسیر صافی، خصال، کفایة الاثر، تأویل الآیات و بحار الانوار. در ذیل هر روایت معمولاً چند منبع نقل شده و در مجموع از بیش از شصت منبع استفاده گردیده است.

دانستنی است در باره امام حسین و قرآن دو کتاب دیگر نوشته شده که در ذیل به

مشخصات آنها اشاره می‌شود:

عبدالرسول غفار. الحسين عليه السلام من خلال القرآن الكريم. تقریظ جعفر هلالی و محمد سعید منصورى. چاپ اول: بیروت، دارالرسول الاکرم و دارالمحجة البيضاء، ۱۴۱۶. ز ۱، ۴۲۹ ص، وزیرى.

محمد باقر محقق. قرآن و امام حسین (ع). چاپ اول: تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۴. ۱۳۵ ص، رقعی. تنها یک فصل این کتاب در باره امام حسین و قرآن است.

خون حسین علیه السلام در رگهای اسلام

حسین عندلیب همدانی. چاپ اول: قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۶ (۱۴۱۸ق).
۳۳۵ص، وزیری.

کتاب حاضر جُنْگی است تحقیقی و مستند در باره امام حسین -ع- و شامل چهار فصل. نویسنده به جای اینکه به نگارش زندگی امام حسین دست یازد و احیاناً به تکرار مکررات پردازد، نکته‌هایی از زندگی آن حضرت و یارانش را برگزیده و در باره هر یک به تحقیق پرداخته و حاصل مطالعات و تحقیقات خود را به دست داده است. مطالب کتاب پراکنده است و نه تنها مطالب هر فصل بی ارتباط با فصلهای دیگر است، بلکه مطالب در هر فصل نیز بی ارتباط با دیگر مطالب در آن فصل است. نویسنده در هر موضوعی که سخن گفته، منابع متعددی ارائه نموده و در سراسر کتاب به بیش از سیصد اثر استناد کرده و از این نظر، کتابی است کم نظیر. نزدیک به همه صفحات کتاب دارای پاورقی است و به کتابهای فراوانی ارجاع داده شده است.

در فصل اول کتاب از شخصیت امام حسین سخن رفته و در فصل دوم گزارشی از کتابهای مقتل ارائه شده است. فصل سوم، که مفصلتر از دیگر فصلهاست، در باره قیام عاشورا و شهادت امام حسین و یاران اوست. و سرانجام در فصل چهارم به رثا و سوگواری پرداخته شده است.

پاره‌ای از مطالب کتاب عبارت است از: معنی جمله «کَلَّ یومِ عاشوراء وکَلَّ

ارض کربلاء» (ص ۳۸ - ۳۹)، وجه تسمیه امام حسین به ابو عبدالله (ص ۴۷)، جامعیت امام و جمع همه ارزشها در وجود او (ص ۶۰ - ۶۱)، امام و فتوحات خلفا (ص ۷۴)، دفاع از کتاب لهوف ابن طاووس در برابر خُرده گیری محدث نوری بر آن (ص ۹۳ - ۹۴)، علت خودداری مسلم بن عقیل از ترور ابن زیاد (ص ۱۲۳ - ۱۲۴)، شهدای کوفه (ص ۱۲۴ - ۱۲۶)، بی اساس بودن این مطلب که شریح فتوا به قتل امام حسین داده بود (ص ۱۲۶)، بی اساس بودن این مطلب که امام حسین احرام حج را به عمره مفرده تبدیل کرد و اثبات اینکه امام، مُحرم به احرام عمره مفرده بود و اساساً مُحرم به احرام حج نشده بود (ص ۱۳۷ - ۱۳۹)، امام حسین و مصادره اموال یزید (ص ۱۴۶ - ۱۴۷)، علل مهلت خواستن امام حسین در روز تاسوعا (ص ۱۸۰ - ۱۸۱)، امام و اجازه بازگشت به اصحاب (ص ۱۸۶ - ۱۸۷)، ریختن خون امام برای نزدیک شدن به خدا! (ص ۲۰۹ - ۲۱۰)، روشن کردن موارد خلط افرادی که در کربلا به نام عون بودند (ص ۲۶۱ - ۲۶۲)، نادرست بودن این سخن که اهل بیت امام حسین را، غیر از امام سجّاد، بر شتران بدون محمل سوار کردند. (ص ۲۸۱ - ۲۸۲)، محلّ دفن سر امام (ص ۲۹۲)، چگونگی بیان زبان حال. (ص ۲۹۹ - ۳۰۰).

۱۰۰

مسند الامام الشَّهيد ابى عبدالله الحسين بن على عليهما السَّلام

عزيزالله عطاردي (گردآوری و ترتیب). چاپ اول: [تهران]، انتشارات عطاردي با همکاري رابطه الثقافة والعلاقات الاسلاميه و بنياد شهيد انقلاب اسلامي، ۱۳۷۶ (۱۴۱۸ق). ج ۳، ۵۳۱+۵۷۱+۵۰۴ص، وزيرى. ✓

از اين نويسنده پيشتر مسند چند تن از ائمه طاهرين -ع- منتشر شده بود و وي آهنگ آن دارد که مسند يکايک پيشوايان را منتشر سازد. کتاب حاضر مسند امام حسين -ع- است و مطالب آن را مى توان به سه بخش تقسيم کرد: ۱. زندگي و قيام و شهادت امام و کسانی که با او شهيد شدند؛ ۲. احاديث امام؛ ۳. معجم روايت کنندگان از امام. از اين رو کتاب حاضر در شمار کتابهای تاريخي -روائى و رجالى قلمداد مى شود. روايات کتاب از منابع شيعه و اهل سنت گرفته شده و نويسنده احتمال داده که ممکن است روايات ديگري موجود باشد و در اين کتاب نيامده باشد. همه منابع کتاب، کهن است و از معاصران تنها از کتاب الکنى واللقاب شيخ عباس قمى و مقتل الحسين مقرر استفاده شده است.

جلد اول کتاب در باره فضائل آن حضرت و قيام اوست و برخي از عنوانهای آن عبارت است از: نامها و القاب آن حضرت، امامت آن حضرت، «سيد الشهداء» بودن آن حضرت، امتناع آن حضرت از بيعت، فرستادن مسلم بن عقيل به کوفه، رخدادهاي در مسير مکه و قادسيه، وارد شدن آن حضرت به کربلا، محاصره آن حضرت.

جلد دوم با بحث از رخدادهاي شب و روز عاشورا آغاز مى شود و در ادامه از

شهادت آن حضرت و اصحاب و خانواده‌اش سخن رفته است. آنگاه روایات دربارهٔ رخدادهای بعد از شهادت و اسارت اهل بیت آمده و سپس روایات در باب زیارت آن حضرت و متن چند زیارت و یاداش گریستن نقل شده است.

جلد سوم باروایات دربارهٔ یاداش یاد کردن امام حسین، فضیلت کربلا، دست‌اندازی‌های به قبر امام و تعداد فرزندان و مدّت حیات او آغاز می‌شود. آنگاه ذیل عنوان «باب النوادر فی قیام الحسین علیه السّلام»، نظر چند تن از اعلام (عبدالله بن جعفر، ربیع بن خثیم، سلیمان بن سرد، میثم تمّار و...) در بارهٔ آن حضرت و قیام او آمده است. سپس احادیث آن حضرت، به صورت موضوعی، ارائه شده است و در ادامه، مختصری از شرح حال روایت‌کنندگان از امام. پایان بخش کتاب مرثیه‌های شاعران در سوگ آن حضرت است.

امام حسين (ع) در الذريعة

کتابهای ویژه امام حسين (ع) در کتاب
الذريعة الى تصانيف الشيعة

مقدمه

اشاره: کتاب حاضر، حاصل استخراج کتابهای درباره امام حسین-ع- از کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة، تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی، است. کتابی که به تصدیق همه کتاب پردازان، هم مفصلترین و هم مهمترین کتابشناسی در جهان تشیع، و حتی در جهان اسلام، است. از آنجا که در الذریعة، کتابهای شیعه از قرن اول تا اواخر قرن چهاردهم (۱۳۷۰ق)، معرفی شده، با رجوع به این کتاب دانسته می شود که تا سال ۱۳۷۰ چند کتاب و چگونه کتابهایی درباره امام حسین-ع- تألیف و در الذریعة معرفی شده است.

در این مقدمه، نخست اشاره‌ای به زندگی شیخ آقا بزرگ تهرانی می شود و گزارشی از کتاب الذریعة می آید و آنک از آیین تدوین و تنظیم این کتاب سخن می رود. واللّٰه ولیّ التّوفیق.

محمد محسن، یا محسن، رازی، یا منزوی، نامبردار به شیخ آقا بزرگ تهرانی^۱، در شب پنجشنبه یازدهم ربیع‌الاول ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد. علم اندوزی را در شهر خویش آغازید و در سال ۱۳۱۵ قمری برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه نجف رفت. در سال ۱۳۲۹، پس از درگذشت آخوند خراسانی، به کاظمین و سپس در همان سال به سامرا کوچید و تا سال ۱۳۵۴ در آنجا بزیست. در سال ۱۳۵۴، دیگر بار، به نجف رفت و تا پایان عمر در آنجا بماند و در روز جمعه سیزدهم ذی‌حجه ۱۳۸۹ (برابر با دوازدهم اسفند ۱۳۴۸)، درگذشت و، بر پایه وصیتش، در کتابخانه‌اش، در نجف، به خاک سپرده شد. بدین سان، مردی که عمری در میان کتابها زیست، در میان کتابها سر به خاک نهاد.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در نزد عالمانی بزرگ، چون حاج میرزا حسین نوری، آخوند خراسانی، میرزا محمد تقی شیرازی و سید محمد کاظم یزدی، درس آموخت و دانش اندوخت. در فقه به درجه استنباط رسید، اما به تدریس نپرداخت و، در عوض، به تألیف روی کرد و در این عرصه بس جد و جهد نمود. در آن روزگار، اغلب عالمان بزرگ به تدریس می‌پرداختند و شماری از آنها، توأمان، تدریس و تألیف می‌کردند؛ اما شیخ آقا بزرگ یکسره به تألیف پرداخت و در این کار، یکدل شد. گذشت زمان نشان داد که کار او، مؤثرتر و مانا تر است.

فقه، حدیث، تراجم و کتابشناسی، چهار رشته تخصصی شیخ آقا بزرگ بود و در

۱. در همین جا لازم است به توضیح چهار نکته در باره نام شیخ آقا بزرگ تهرانی پرداخته شود: یکم اینکه نام شخصی وی محسن بود و او از خود گاه به این نام و گاه به نام محمد محسن یاد کرده است. اما وی محمد را جزء نام خود نمی‌دانست و آن را تبرکاً می‌نوشت. دوم اینکه منسوبان به شهر ری را رازی می‌گویند و چون شیخ آقا بزرگ در اطراف ری (تهران)، زاده شد، مدتی نام خانوادگی رازی را برای خود برگزید. همان‌گونه که وی کتابی با عنوان هدیه الزاری الی المجدد الشیرازی دارد و در الذریعه (ج ۲۵، ص ۲۰۷-۲۰۸، ش ۲۹۹)، به معرفی آن پرداخته است. نکته سوم اینکه نام خانوادگی او در شناسنامه، منزوی بود و در الذریعه (ج ۱۵، ص ۱۲۸، ش ۸۶۱)، به آن تصریح کرده است. و نکته چهارم اینکه سبب معروف شدن آقا بزرگ به این نام (آقا بزرگ)، این است که وی همنام جد بزرگ خود (محسن)، بود و تهرانیهای قدیم کودکی را که همنام جد بزرگش بود، «آقا بزرگ» می‌گفتند.

دو رشته اخیر بیشتر تحقیق و توغّل کرده بود. البتّه وی در فقه و حدیث مانند داشت و، حتّی، عدّه‌ای از او برتر بودند، اما در تراجم و کتابشناسی مانند نداشت و، حتّی، کسی قابل مقایسه با او نبود و اعلم عصر بود. او را در حدود سی عنوان کتاب است که شامل هفتاد جلد می‌شود؛ اما در میان آنها، دو کتاب، یکی در رجال و آن یکی در کتابشناسی، از همه مفصّلتر و مهمتر است: ۱. طبقات اعلام الشیعة، در یازده جلد، شامل شرح حال عالمان شیعه از قرن چهارم تا چهاردهم؛ ۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، در بیست و نه جلد، شامل معرّفی کتابهای شیعه از قرن اوّل تا چهاردهم. و از این دو کتاب، الذریعة پر برگ و بارتر از طبقات است و نام شیخ آقا بزرگ یادآور نام آن.

الذریعة مشتمل بر بیست و شش جزء (جلد)، و جزء نهم آن شامل چهار قسم (جلد)، است که، به روی هم، بیست و نه جلد می‌شود. این کتاب در بردارنده نزدیک به دوازده هزار صفحه و زیری است و در آن بیش از پنجاه و پنج هزار اثر شیعه معرّفی شده و، به پندار من، دو - سه برابر این مقدار معرّفی نشده است.^۱ تاریخ آغاز تألیف الذریعة، روز دحو الارض (۲۵ ذی قعدة) ۱۳۲۹ است^۲ و تاریخ پایان تألیف آن، کمی پیش از پایان زندگی مؤلّف آن (۱۳۸۹ق)، است تاریخ چاپ جلد اوّل، ۱۳۵۵ قمری و

۱. آری، چنین می‌نماید که دو - سه برابر آثار معرّفی شده در الذریعة، در الذریعة معرّفی نشده است؛ یعنی در حدود صد هزار تا صد و پنجاه هزار اثر. اما دکتر علی نقی منزوی، فرزند شیخ آقا بزرگ، آثار معرّفی نشده در الذریعة را کمتر از این مقدار می‌داند. وی در ضمن مقاله‌ای با عنوان «الذریعة و آقا بزرگ طهرانی»، در مجله آینده (سال ششم، شماره ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۵۹، ص ۵۹۲)، گفته است: «به نظر من اگر ادبیات [آثار] شیعی را به دو بخش بزرگ فارسی و غیر فارسی تقسیم کنیم، باید قبول کنیم [کذا] که مرحوم پدرم از بخش غیر فارسی ادبیات شیعه ۹۷٪ را در این دائرة المعارف [الذریعة] گردآورده یعنی از این بخش بیش از ۳٪ از قلم او نیفتاده است. اما در بخش ادبیات فارسی شیعه باید اذعان کرد که آن مرحوم موفق به گردآوری بیش از ۵۰٪ نشده است».

۲. ر.ک: الذریعة. ج ۱۰، ص ۲۶، ش ۱۳۱. گفتنی است شیخ آقا بزرگ در جلد دهم الذریعة، ذیل عنوان «الذریعة الی تصانیف الشیعة» (ص ۲۶ - ۲۷)، به معرّفی مختصر کتاب خویش پرداخته است. وی در ضمن معرّفی الذریعة از کمک فرزندش، علی نقی منزوی، در چاپ آن و افزودن مطالبی بر آن، یاد کرده است. اما، متأسفانه، جامعه علمی ما نه تنها سپاسگزار از منزوی نشد، بلکه خطاهای در الذریعة را از آن او دانست. تو گویی شیخ آقا بزرگ «جایز الخطا» نبود و علی نقی منزوی «واجب الخطا» بود! حال آنکه تردیدی نیست پاره‌ای از خطاهای الذریعة فقط از قلم شیخ آقا بزرگ تراوش کرده است و، البتّه، این هرگز از عظمت کار بزرگ او نمی‌کاهد، که گفته‌اند: من صنف فقد استهدف.

تاریخ چاپ جلد بیست و پنج، ۱۳۹۸ و تاریخ چاپ جلد بیست و شش (مستدرکات)، ۱۴۰۵ است. جلد بیستم الذریعه در دست چاپ بود که دست اجل، مؤلف آن را از این خاکدان گرفت.

زبان کتاب الذریعه، عربی و زبان کتابهای معرفی شده در آن، عربی و فارسی و ترکی و اردو و گجراتی است. مبدأ تحقیق مؤلف، قرن اول هجری و منتهای آن، ۱۳۷۰ قمری است.^۱ یعنی کتابهایی که از قرن اول تا این تاریخ تألیف شده، در محدوده معرفتی الذریعه بوده است. نوع تحقیق مؤلف، بیشتر کتابخانه‌ای و کمتر میدانی بوده است. یعنی مؤلف هم به کتابها و کتابخانه‌ها رجوع کرده و اطلاعاتی درباره کتابها به دست آورده و هم با رجوع به افراد مطلع، اطلاعاتی را، به صورت شفاهی، کسب کرده است. از اینجا نیز آشکار می‌شود که روش تحقیق مؤلف، هم بی‌واسطه و هم با واسطه بوده است. یعنی پاره‌ای از کتابها را، خود، بی‌واسطه، ملاحظه و معرفی کرده و پاره‌ای دیگر را، خود، ملاحظه نکرده و اطلاعات در باره آنها را از دیگران، به صورت شفاهی، و نیز از فهرستها، کسب کرده است. آخرین نکته اینکه الذریعه تقریباً کتابشناسی توصیفی است و، به دیگر بیان، جنبه توصیفی آن بر دیگر جنبه‌هایش غالب است. چه، برخی از کتابها در الذریعه توصیف نشده و فقط مشخصات کتابشناختی آنها ارائه شده و برخی دیگر توصیف و برخی دیگر تحلیل و بصراحت در باره آن ارزشداوری شده است. و از میان همه کتابها، بیشتر آن دسته از کتابهایی است که محتوای آن توصیف شده است. نتیجه اینکه الذریعه، از میان گونه‌های کتابشناسی، به کتابشناسی توصیفی نزدیکتر و شبیه‌تر است.

من در اینجا ضرور می‌شمارم که لختی درباره موضوع کتاب الذریعه سخن بگویم که از فرط نهان بودن، پنهان مانده است. زیرا همگان در معرفی این کتاب بدین

اقتصار می کنند که بگویند «کتابشناسی» است. البته این تعبیر درست است، اما جامع و خالی از مسامحه نیست و موجب این سوء تفاهم شده که الذریعة فهرستی تلنبار شده از نام کتابهاست؛ حال آنکه چنین نیست. آری، الذریعة کتابشناسی است و این حقیقت است، اما همه حقیقت نیست و حقیقت مهمتر در آن نیست.

پیش از پرداختن بدین مدعا، یادکرد این نکته بایسته می نماید که کتاب به نوشته چاپی بین الدفتین (میان دو جلد)، گفته می شود. همچنین نسخه (Manuscript)، به نوشته خطی بین الدفتین و رساله به نوشته چاپی یا خطی مختصرتر از کتاب و نسخه، که بین الدفتین نیست، اطلاق می شود.^۱ باری، این تفاوت و تمایز، در تعریف دقیق کتاب و نسخه و رساله ملحوظ است.

بر این اساس، الذریعة، «کتابشناسی» (اولاً)، «نسخه شناسی» (ثانیاً)، «رساله شناسی» (ثالثاً) و «رجال شناسی» (رابعاً و استطراداً)، است.

اولاً کتابشناسی است و این «قولی است که جملگی برآیند» زیرا کتابهای مطبوع در آن معرفی شده است.

ثانیاً، از همه مهمتر، نسخه شناسی است. زیرا اولاً نسخه های (مخطوطات) هر کتاب مطبوع و ثانیاً نسخه ها (کتابهای مخطوط)، در آن معرفی شده است. به سخن دیگر، هم در ضمن معرفی کتابهای مطبوع، نسخه های آن معرفی شده و هم کتابهای مخطوط (نسخه ها)، معرفی گردیده است. حاصل اینکه الذریعة به دو لحاظ نسخه شناسی است.

۱. در کتاب اصطلاحنامه کلبداری، در تعریف «نسخه خطی» آمده است: «کتابی دستنوشته که مخصوصاً مربوط به قبل از اختراع چاپ یا مربوط به همان زمان اختراع چاپ باشد و متمایز از سند، نامه یا پژوهشنامه ای است که با دست نوشته شده باشد.» همچنین در تعریف «کتاب» آمده است: «... طبق تعریف یونسکو کتاب معمولاً از ۴۸ صفحه بیشتر و به طور مستقل صحافی شده است. به کمتر از این مقدار جزوه یا رساله می گویند.» پوری سلطانی و فروردین راستین. اصطلاحنامه کلبداری. (ویرایش دوم: تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵). ص ۳۰۴ و ۲۲۸.

ثالثاً رساله‌شناسی است. زیرا نوشته‌های مختصرتر از کتاب و نسخه، که بین الدفّین نیست، در آن معرفی شده است. (این را بگوئیم و بگذریم که «رساله» در گذشته مانند «مقاله» در امروزه است و رساله‌های گذشتگان، به لحاظ قالب، مانند مقالات معاصران است. زیرا هم رساله و هم مقاله، مختصرتر از کتاب است و هم بین الدفّین نیست.) بنابراین الذریعه، هم کتابشناسی است و هم رساله‌شناسی (می‌توانید بخوانید مقاله‌شناسی).

رابعاً رجال‌شناسی است؛ البتّه ضمناً و استطراداً. زیرا در معرفی شماری از مؤلفان بتفصیل از نسب و استادان و شاگردان و دیگر کتابهایشان و مجیزان و مجازان آنها در حدیث سخن گفته شده است.^۱ البتّه جای این دسته اطلاعات در کتابشناسی نیست و خوانندگان کتابشناسی انتظار ندارند که این اطلاعات را در آن بیابند؛ اما این اطلاعات در الذریعه آمده و لذا آن را، طرداً للباب، شامل رجال‌شناسی کرده است.^۲

حاصل اینکه الذریعه، کتابشناسی و رساله‌شناسی و نسخه‌شناسی، و به طور ضمنی رجال‌شناسی، است. همان‌گونه که مؤلف، عنوان آن را الذریعه الی «تصانیف الشیعة نهاده و نه الذریعة الی «کتب» الشیعة. پس اگر بخواهیم عنوانی معادل عنوان عربی این کتاب برگزینیم و با یک عبارت، کتاب را توصیف کنیم، باید بگوئیم «فرهنگ آثار شیعه». از آن رو «فرهنگ» می‌گوییم که در الذریعه کتابها به ترتیب

۱. برای نمونه بنگرید به اطلاعات رجالی در باره آل نوبخت (الذریعه، ج ۱، ص ۶۹-۷۰)؛ سیّد دلدار علی نقوی نصیرآبادی (ج ۱، ص ۸۴)؛ ابوالمظفر محمد ابیوردی (ج ۴، ص ۲۲۰)؛ ابوالحسن عباد بن عباس طالقانی (ج ۴، ص ۲۳۵-۲۳۶)؛ نصیری طوسی (ج ۴، ص ۲۳۶-۲۳۷)؛ ابن غضائری (ج ۴، ص ۲۸۵-۲۹۱)؛ ابراهیم بن حکم بن ظهیر فزاری (ج ۷، ص ۱۸۷-۱۸۸)؛ جعفر شوشتری (ج ۷، ص ۱۶۶-۱۶۷)؛ سیّد بهاء‌الدین حسینی نیلی نجفی (ج ۸، ص ۸۱-۸۲)؛ ابن عمید قمی (ج ۱۰، ص ۲۴۰-۲۴۱).

۲. در خور گفتن است که طبقات اعلام الشیعه برآمده از کتاب الذریعه و مولود سامان یافته آن است. زیرا هنگامی که شیخ آقا بزرگ تهرانی به تحقیق برای تألیف الذریعه مشغول بود و نامهای مؤلفان و شرح حالشان را جستجو می‌کرد، دستمایه زیادی برای نگارش کتابی در رجال فراهم ساخت. سپس آن اطلاعات را گسترده و سامان داد و طبقات اعلام الشیعه را پدید آورد.

حروف الفبا معرّفی شده است. و بدان رو «آثار» می‌گوییم که اثر، به کتاب مطبوع و کتاب مخطوط (نسخه) و رساله و دیگرگونه‌های نوشته اطلاق می‌شود.^۱ این را هم اضافه کنیم که در الذریعة، روزنامه‌ها نیز معرّفی شده است و، نیز بدین رو، اطلاق کتابشناسی به آن، جامع نیست. مختصر اینکه الذریعة، به تعبیر دقیق، «اثرشناسی» شیعه است و نه «کتابشناسی».

البته می‌توان کتابشناسی را توسعاً به معنی کتاب چاپی‌شناسی و کتاب خطی‌شناسی (نسخه‌شناسی) و رساله‌شناسی به کار برد؛ همان‌گونه که گاهی کتاب به معنی کتاب چاپی و خطی و رساله به کار برده می‌شود. با این توسع معنی کتاب، که البته مجاز است، مجاز است گفته شود الذریعة، کتابشناسی است. عیبی ندارد و «منطقی را بحث در الفاظ نیست». لابد آنان هم که الذریعة را کتابشناسی می‌خوانند، از جمله این نویسنده، چنین مقصودی از کتابشناسی دارند. اما نباید این تعبیر چندان تثبیت و کلیشه شود که موجب سوء تفاهم عمومی گردد و گمان شود الذریعة فقط فهرستی از کتابهای چاپی است و، بویژه، نسخه‌شناسی آن، که مهمتر از کتابشناسی است، نادیده بماند.

در پیش به تاریخ آغاز و پایان تألیف الذریعة اشاره کردیم: ۱۳۲۹ - ۱۳۸۹ق. آنگاه که این دو تاریخ در کنار یکدیگر ملاحظه شود، تاریخ یک عمر به نظر می‌آید. و برآستی که این تاریخ یک عمر است؛ شصت سال. آری، شیخ آقا بزرگ شصت سال از عمر خود را در کار کتاب الذریعة کرد^۲ و با رجوع به هزاران کتاب و زیر و رو کردن

۱. دکتر محمد مبین در فرهنگ فارسی (ج ۱، ص ۱۴۱)، ذیل واژه «اثر»، می‌گوید: برخی اثر را به معنی کتاب و نوشته غیر فصیح دانند، ولی استعمالهای گذشتگان مجوز استعمال آن است. ادیب سلطانی نیز می‌گوید: «اثر مفهومی است کلی و... به هر نوشته‌ای اطلاق می‌شود، چه کتابی قطور و چه مقاله‌ای کوتاه». میرشمس‌الدین ادیب سلطانی. راهنمای آماده ساختن کتاب. (چاپ اول: تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵). ص ۳.

۲. شاید در جهان، از دیرباز تاکنون، محققی یافت نشود که شصت سال از عمر خود را صرف فراهم کردن یک کتاب کرده باشد. اغالی، حاصل پنجاه سال تحقیق ابوالفرج اصفهانی است. تاریخ تمدن، نتیجه نزدیک به پنجاه سال

شصت کتابخانه و سفر به چند کشور، این شاهکار را آفرید و آنچه را محال می‌نمود، ممکن ساخت. توگویی در قاموس او «محال» وجود نداشت تا توانست الذریعه را به وجود آورد.

گفتنیها بیش از این گفتار است و مرا باید گفتار را کوتاه کرد. واپسین گفته اینکه الذریعه الی تصانیف الشیعه، هم مفصلترین و هم مهمترین کتابشناسی در جهان تشیع، و حتی در جهان اسلام، است. و در یک کلام، اگر الذریعه نبود، بسا تصانیف شیعه از میان رفته بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی با تألیف این کتابشناسی، همه کتابشناسان پیش از خود را به فراموشی کشاند و همه کتابشناسان پس از خود را به زحمت انداخت. باری، الذریعه «کتاب عصر» نیست، «کتاب دهر» است و مؤلف آن، مرد این روزگار نیست، مرد روزگاران است. حیات پیش از مرگ او دراز بود، اما حیات پس از مرگش درازتر خواهد بود.^۱

→ تلاش ویل و آریل دورانت است. الفتوحات المکیة، محصول نزدیک به چهل سال تحقیق ابن عربی است. جواهر الکلام، ثمره بیش از سی سال کار شیخ محمدحسن نجفی است. از صبا تا نیما، محصول بیست و پنج سال کوشش یحیی آرین پور است. کافی، دستاورد بیست سال تلاش ثقة الاسلام کلینی است. آری، گوته گوی سبقت را از همگان ربود و بیش از شصت سال از عمر خویش را صرف کتاب فلوست کرد و برای خلق یک کتاب بیش از همگان خود تأمل و تأنی کرد. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به: محمد اسفندیاری. کتاب پژوهی: پژوهشهایی در زمینه کتاب و نقد کتاب. (چاپ اول: قم، نشر خرم، ۱۳۷۵). ص ۱۳-۴۸.

۱. در باره زندگی شیخ آقا بزرگ تهرانی و آثار او، کتابها و مقالات متعددی نوشته شده که مهمترین آنها عبارت است از: شیخ آقا بزرگ تهرانی. «شرح زندگی من». تاریخ و فرهنگ معاصر. (سال چهارم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۴). ص ۳۰۳-۳۱۶؛ سید احمد حسینی اشکوری. «زندگی نامه خودنوشت شیخ آقا بزرگ تهرانی». مندرج در کتاب مهدی مهریزی و علی صدرایی خویی. میراث حدیث شیعه. (قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷). ج ۱، ص ۴۰۱-۴۲۸؛ محمدعلی حق شناس. «آقا بزرگ تهرانی، شیخ المورخین شیعه». کرانه. (سال اول، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۳). ص ۱۰۶-۱۲۱ (شامل زندگینامه خودنوشت شیخ آقا بزرگ است)؛ الذریعه. ج ۱، ص ۱-۴؛ ط؛ ج ۲، ص ج-ب؛ ج ۲۵، ص ۳۰۹-۳۱۰ و ۳۴۷-۳۵۰؛ طبقات اعلام الشیعه: القرن الرابع، نوابغ الثروة في رابعة المئات. (چاپ اول: بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰). ص ط-ب؛ عبدالرحیم محمدعلی. شیخ الباحتین آقا بزرگ الطهرانی حیات و آثاره. (چاپ اول: نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۹۰). محمدرضا حکیمی. شیخ آقا بزرگ تهرانی. (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی). ص ۱-۶۵؛ علی نقی منزوی. «الذریعه و

در باره این کتاب

تاکنون در حدود ده عنوان کتاب درباره الذریعة تألیف شده که برخی از آنها چاپ شده است و برخی دیگر نه. عنوان برخی از آنها عبارت است از: مستدرک الذریعة و اضاءة علی الذریعة (هر دو از کتابشناس و نسخه شناس بی مانند، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی)، تبویب الذریعة (از مرحوم سید احمد دیباجی اصفهانی)، فهرس اعلام الذریعة (زیر نظر علی نقی منزوی)، ایضاح الطریقة (از سید محمود موسوی دهرسخی)، معجم مؤلفی الشیعة (از علی فاضل قائینی نجفی)، مصنفات شیعه (از محمد آصف فکرت)^۱.

→ آقا بزرگ طهرانی. آینده. (سال ششم، شماره ۳-۴ و ۷-۸، خرداد- تیر و مهر- آبان ۱۳۵۹). ص ۲۴۷- ۲۵۳ و ۵۸۱- ۵۹۶؛ احمد منزوی. «معرفی الذریعة الی تصانیف الشیعة». کتابداری. زیر نظر ایرج افشار. (تهران، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، ۱۳۵۲). د. ۴، ص ۲۲- ۲۵؛ محمد صحتی سردودی. آقا بزرگ طهرانی، اقیانوس پژوهش. (چاپ اول: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)؛ سید جلال قیامی میرحسینی. ده چهره، ده نگاه. (چاپ اول: مشهد، انتشارات خانه آبی، ۱۳۷۷). ج ۱، ص ۳۲۰- ۳۵۵ (شامل گفتگو با احمد منزوی)؛ سعید نفیسی. «کتاب ذریعة و مؤلف آن». سخن. (سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، دی و بهمن ۱۳۲۴). ص ۸۸۷- ۸۸۹؛ محمد علی حق شناس. «الذریعة و طبقات دایرة المعارف های بزرگ شیعه». فصلنامه کتاب. (دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۷۷). ص ۳۳-۷؛ ناصرالدین انصاری قمی. «گذری بر زندگانی علامه تهرانی قدس سره». مشکوة. (شماره ۳۲، پاییز ۱۳۷۰). ص ۷۵-۹۷؛ همو. «زندگی و آثار علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی» و «برترین کتابشناسی شیعه (نگاهی به کتاب الذریعة)». آینده پژوهش. (سال پنجم، شماره ۵-۶، بهمن- اسفند ۱۳۷۳). ص ۴۱- ۴۵ و ۵۳- ۶۱؛ رضا مختاری. طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه. (چاپ اول: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۳۷۶). ص ۴۰- ۹۰؛ ناصر باقری بیدهدی. «نجوم امت: آیه الله شیخ آقا بزرگ تهرانی (علیه رضوان الباری)». نور علم. (دوره چهارم، شماره دوم، اسفند ۱۳۶۹). ص ۳۴- ۵۹ و ۱۵۳؛ المحقق الطباطبائی. فی ذکراه السنویة الأولى. (چاپ اول: قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۷). ج ۳، ص ۱۰۵۱- ۱۰۵۵ و ۱۱۹۹- ۱۲۰۵ و ۱۲۲۸- ۱۲۳۰. سید محمود مرعشی نجفی. المسلسلات فی الاجازات. (قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، ۱۴۱۶). ج ۲، ص ۷۶- ۸۰؛ نورالله مرادی. «شیخ آقا بزرگ تهرانی مرزبان حماسه خورشید». کیهان فرهنگی. (سال سوم، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۶۵). ص ۲۵- ۲۸؛ عبدالکریم آل نجف. «البخانة العالم آغا بزرگ الطهرانی». التوحید. (سال ۱۱، شماره ۶۲)، جمادی الاولى - جمادی الثانية ۱۴۱۳). ص ۶۵- ۷۲؛ محمد آصف فکرت. مصنفات شیعه: ترجمه و تلخیص الذریعة الی تصانیف الشیعة (چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲). ج ۱، ص یک- نه.

۱. برای تحقیق بیشتر رجوع کنید به: رضا مختاری. پیشین. ص ۴۸- ۵۴؛ ناصرالدین انصاری قمی. «برترین کتابشناسی شیعه (نگاهی به کتاب الذریعة)». ص ۵۸- ۶۰.

آنچه اینک به خواننده تقدیم می‌شود، نقبی است به کتاب الذریعه و استخراج همه کتابهایی از آن که ویژه امام حسین -ع- و عاشورا است. اگر کسی بخواهد بداند که در الذریعه چند کتاب و چه کتابهایی در باره آن حضرت معرفی شده، لازم است یک بار بدقت دوره کامل این کتاب مفصل را تصفح کند.^۱ من به مصداق شعر نظامی: سایه خورشیدسواران طلب / رنج خود و راحت یاران طلب، با الذریعه در پی سایه خورشیدسواران عاشورا رفتم و این رنج را بر خود پذیرفتم تا دیگران راحت شوند: یک بار بدقت و یک بار تقریباً سرسری دوره کامل الذریعه را تصفح کردم و همه کتابهایی را که در باره عاشورا و امام حسین -ع- است، بیرون کشیدم و درون این کتاب آوردم و آن را امام حسین -ع- در الذریعه نامیدم.^۲

در آغاز می‌پنداشتم که این پژوهش بس آسان و بس مفید است؛ اما در میان کار، که نه زین رشته سر می‌توانستم بتابم و نه سر رشته را می‌توانستم بیابم، یافتم که چسان مشکل است. آری،

يَرَى النَّاسُ دُهْنًا فِي قَوَارِيرَ صَافِيَا
وَلَمْ تَدْرِ مَا يَجْرِي عَلَيَّ رَأْسِ سِمْسِمِ

یعنی:

روغن کنجد ار بیینی صاف

یاد آور ز سنگ عَصَارِی

۱. و چه بسا عده‌ای به سبب ناآشنایی با برخی کتابها، از برخی کتابها غفلت کنند.

۲. گفتنی است دوره کامل الذریعه به رایانه داده شده است، اما چون کتابها به صورت موضوعی تفکیک نشده، از این نظر قابل استفاده نیست. بویژه اینکه در الذریعه واژه‌های «حسین» و «عاشورا» و «کربلا» و «محرم»، و مانند اینها، فراوان آمده و نیز در موارد فراوانی، به هنگام معرفی کتابهایی که ویژه امام حسین -ع- نیست، این واژه‌ها آمده است. این نیز گفتنی است که در کتاب آقا بزرگ تهرانی، اقیانوس پژوهش، آمده است: «درباره امام حسین علیه السلام و حماسه همیشه جاوید کربلا... نزدیک به دو هزار جلد کتاب در الذریعه به چشم می‌خورد.» (ص ۷۱). این سخن خالی از مبالغه نیست. حتی اگر کتابهای در باره اصحاب امام حسین را لحاظ کنیم، باز هم تعداد آنها به دو هزار جلد نمی‌رسد.

مشخصات چاپ مورد استناد ما عبارت است از: بیروت، دارالأضواء، بدون تاریخ نشر، ۲۶ جزء، ۲۹ جلد، جزء ۹ شامل ۴ قسم [جلد]، وزیري. خوشبختانه هیچ اختلافی در شماره جلد و صفحه چاپهای الذریعه وجود ندارد و، لذا، هرکس هر چاپی که از آن داشته باشد، اختلافی با چاپ مورد استناد ما ندارد.

در اینجا بیان نکاتی چند در باره آیین تدوین و تنظیم این کتاب لازم است:

۱. کلیه کتابها به ترتیب الذریعه، که الفبایی است، معرفی شده است. البته کتابهای معرفی شده در جلد بیست و ششم الذریعه، که مستدرک جلدهای پیش است، در جای خود قرار گرفته و در پایان نیامده است.

۲. با همه دقتی که برای یافتن کتابهای ویژه امام حسین -ع- شد، ممکن است کتابهای دیگری در الذریعه باشد و از آنها غفلت شده باشد. البته میزان غفلت و خطای خود را در این زمینه بسیار کم می دانیم، اما دور نمی دانیم.

چنانکه اشاره شد، در این کتابشناسی فقط کتابهای ویژه امام حسین -ع- آمده است. بنابراین کتابهای در باره یکایک یاران و خانواده آن امام (حضرت زینب، حضرت ابوالفضل، حبیب بن مظاهر و...) نیامده است. البته کتابهای در باره همه یاران و خانواده آن حضرت (نه یکی از آنها)، و نیز کتابهای در باره مزار او و عزاداری برای او و مانند اینها، معرفی شده است.

این را نیز بگوییم که در این کتابشناسی فقط کتابهای مستقل در باره امام حسین -ع- آمده است. البته اگر کتابی شامل چند جلد بود و یک جلد آن در باره آن حضرت بود، به لحاظ همان جلد معرفی شده است. حاصل اینکه در الذریعه در حدود هزار عنوان کتاب در باره امام حسین -ع- معرفی شده است که با حذف عنوانهای مکرر و ارجاعی، در حدود نهصد عنوان می شود.

۳. از عنوان برخی کتابها و توضیح در باره آنها گمان کردیم که ویژه امام حسین -ع- است. البته یقین نداریم که این دسته کتابها ویژه امام حسین -ع- است،

چنانکه یقین نداریم که خارج از این موضوع است؛ اما بیشتر احتمال می‌دهیم که در باره آن حضرت باشد. لذا آوردن این دسته کتابهای مشکوک را از نیابردن آنها مفیدتر دانستیم. برخی از کتابهای شامل مصائب و مراثی در این شمار است.

۴. گاه در الذریعه یک کتاب دو بار معرفی شده است: یک بار با عنوان اصلی و بار دیگر با عنوان فرعی یا عنوان برابر یا مانند آن. در صورت دوم، که کتابی با عنوان غیر اصلی آن معرفی شده، توضیحی در باره آن داده نشده و ارجاع به عنوان اصلی داده و در آنجا به توضیح آن پرداخته شده است. ما از آوردن این کتابها خودداری نکردیم. البته این دسته کتابها شماره پیاپی ندارد و لذا پس از معرفی آن، به شماره جلد و صفحه تصریح کرده و سپس گفته‌ایم «بدون شماره».

همچنین گاه در الذریعه یک کتاب، سهواً، دو بار معرفی و در باره آن توضیح داده شده است. در این موارد نیز به حذف نپرداختیم.

۵. گاه عنوان کتابها و توضیح شیخ آقا بزرگ در باره آنها خلط شده است و معلوم نیست که آن توضیح، جزء عنوان کتاب است یا نه. در این موارد نوع حروف و نشانه‌گذاری الذریعه نه تنها کمکی نمی‌کند، بلکه بیشتر موجب اشتباه می‌شود. ما در این موارد، بنا بر قرائنی، به گمانه‌زنی پرداختیم و، البته، احتمال اشتباه را هرگز از خود دور نمی‌دانیم.

برای نمونه در الذریعه (ج ۱، ص ۵۲۹)، آمده است:

﴿ ۲۵۸۵ : ازالة الغین ﴾ عن بصارة العين باثبات شهادة الحسين

عليه السلام، وفيه اسرار الشهادة...

با عنایت به اینکه فقط ازالة الغین داخل پراوتز آمده است، دانسته می‌شود که فقط همین عبارت، عنوان کتاب است. (گزینه اول). اما ممکن است ازالة الغین عن بصارة العين عنوان کتاب باشد. (گزینه دوم). همچنین ممکن است ازالة الغین عن بصارة العين باثبات شهادة الحسين عنوان کتاب باشد. (گزینه سوم). و نیز ممکن است ازالة الغین عن

بصارة العين باثبات شهادة الحسين عليه السلام عنوان كتاب باشد. (گزینه چهارم).

باری، در این موارد، اگر به اصل کتاب دست نیافتیم، بنا به قرائنی، به گمانه زنی پرداختیم و عنوان کامل کتاب را مشخص کردیم. البته اگر اشتباه کرده باشیم، چندان گمراه کننده نیست. زیرا کلمات نخستین عنوانها، مشخص است و در آن اختلافی نیست. همان گونه که در مثال مورد بحث، مشخص است که ازالة الغین، کلمات نخستین عنوان کتاب است. اما در این موارد، تقریباً یقین داریم که «علیه السلام» جزء عنوان کتاب نیست.

۶. همه توضیحاتی که در الذریعه پس از عنوان کتابها آمده، آورده شده است؛ اگر چه برخی از آنها خارج از موضوع است.

۷. پس از معرفی کتابها سه شماره آورده شده است: شماره جلد و شماره صفحه و شماره کتاب معرفی شده. («ج»، حرف اختصاری جلد و «ص»، حرف اختصاری صفحه و «ش»، حرف اختصاری شماره کتاب است.)

۸. همه غلطهای چاپی الذریعه، که در پایان برخی از جلدها تذکر داده شده، اصلاح شده است. همچنین استدراک برخی از مطالب، که در پایان جلد بیست و پنجم آمده، به متن افزوده شده است. پس اگر خواننده، عبارتی را به نقل از یکی از جلدهای الذریعه بخواند که در آن جلد نیست و یاد دیگر گونه است، از اصلاحات و استدراک در پایان برخی از جلدهاست.

غلطهای چاپی دیگری در الذریعه وجود دارد که در پایان آن تذکر داده نشده است. این غلطها نیز اصلاح شده و در موارد معدودی عین آن آمده و صورت اصلاح شده آن در قلاب نهاده شده است.

۹. هیچ کلمه‌ای، حتی حرفی، از الذریعه حذف نشده و در موارد معدودی که کلمه‌ای افزوده شده، داخل قلاب نهاده شده است.

۱۰. املاي بعضی کلمات در الذریعه، نادرست و نایکدست است. مثلاً

«عاشوراء» و «کربلاء» و «وقائع» و «مأة» و «تاریخ»، و مانند اینها، بیشتر به صورت «عاشورا» و «کربلا» و «وقایع» و «مایه» و «تاریخ» نوشته شده که نادرست است. شاید برخی از این اشتباهات سهو القلم شیخ آقا بزرگ باشد، اما تردیدی نیست که برخی دیگر ناشی از تصرف حروفچین کتاب است که متأسفانه در غلط‌گیری هم تصحیح نشده است. زیرا شیخ آقا بزرگ در هنگام معرفی یکی از کتابها می‌گوید:

دیوان رائج، كما هو الصحيح، نحو القائم والنائم والصائم؛ ولكننا
سندكره في «رايج» بالياء على ما يعبر به الفرس؛ لان الاسم فارسية
فالمتميع ما يتلفظون به. وهذا سيرتنا في ذكر اسماء الكتب وهم
يتلفظون الهمزة هذه ياءً ويعدونّه بحساب الجمل عشرة.^۱

به هر حال، چنین مصلحت افتاد که هیچ تصرفی در املائی کلمات نشود و عین متن الذریعه فرادست خواننده آید. زیرا ممکن است عده‌ای از طریق این کتاب به الذریعه استناد کنند که آنگاه میان این متن، که مستند آنهاست، و متن الذریعه تفاوتی مختصر به وجود می‌آید. مضافاً اینکه خوانندگان می‌خواهند از طریق این کتاب، عین متن الذریعه را بخوانند و نه صورت ویراسته آن را.

۱۱. رسم الخط (جدا و پیوسته نویسی) بعضی کلمات در الذریعه، نادرست و نایکدست است. مثلاً «دستغیب» و «هشترودی»، که نام خانوادگی است، جدا نوشته شده و گاه «ابی طالب» به صورت «ابیطالب» آمده است. چاره‌ای جز درست و یکدست کردن نبود و چنین شد. البته نام یکی از شهرهای هند، گاهی «لکنهو» و گاهی «لکهنو» ضبط شده که هر دو صحیح است و اساساً در این موارد هیچ تصرفی در متن نشده است. همچنین در مواردی «گ» به همین صورت و گاه به جای آن «ک» نوشته شده است که در این موارد نیز تصرفی نشد.

۱۲. از آنجا که نشانه گذاری در الذریعه، نادرست و نایکدست است، تغییری مختصر در آن داده و یکدست شده است. البتّه در نشانه گذاری، بسیار بیش از آنچه باید، امساک کردیم و در موارد فراوانی که باید از نشانه‌ها استفاده می‌کردیم، استفاده نکردیم.

۱۳. تشدید اغلب حروف گذاشته شده است؛ مگر در دو هنگام: حروف شمسی پس از الف و لام، که فراوان بود؛ و حروف ماقبل آخر کلمات، که در حروفزنی مشکل‌آفرین بود. مانند «الشهداء» و «حسینیة».

۱۴. چند حرف اختصاری در الذریعه وجود دارد که آن حروف و معنی آنها عبارت است از: «ج» یعنی جلد. «ج ۱» جمادی الاول. «ج ۲» یعنی جمادی الثانی. «ع ۱» یعنی ربیع الاول. «ع ۲» یعنی ربیع الثانی. «حجّة» یعنی ذی حجّه. «ذ» یعنی الذریعه. «ط» یعنی مطبوعه یا مطبوع (چاپخانه یا چاپ شده). «ف» یعنی فهرست کتابخانه. «قم» یعنی رقم (شماره) کتاب در الذریعه. «م» یعنی متوفی. و «خطی فارسی» یعنی فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تألیف احمد منزوی. معنی دیگر حروف اختصاری آشکار است.

۱۵. و واپسین نکته اینکه الذریعه، با همه اهمیت آن، خالی از «کاستی» (نواقص) و «نادرستی» (نقایص) نیست. یعنی، اولاً، کتابهای فراوانی در آن معرفی نشده و، ثانیاً، کتابهای فراوانی نادرست معرفی شده است. من در این مقام عهده‌دار «تکمیل» و «تصحیح» الذریعه نیستم و فقط بدین اشاره اقتصار می‌کنم و می‌گذرم. این اشاره را هم بدان رو برنوشتیم تا خواننده بداند که چرا گاهی میان اطلاعات در الذریعه با آنچه در کتابشناسی تاریخی امام حسین(ع) است، تفاوت و تضادی وجود دارد.

به هر حال، من در این مقام شایسته ندیدم به خطاهای الذریعه بپردازم. و اگر چنین می‌کردم، به شیخ آقابزرگ تهرانی حق می‌دادم که به فارسی فصیح بگوید:

کس نیاموخت علم تیر از من
که مرا عاقبت نشانه نکرد

و یا به عربی بگویید:

أَعْلَمَهُ الرَّمَايَةَ كُلَّ يَوْمٍ
فَلَمَّا اشْتَدَّ سَاعِدُهُ زَمَانِي

و یا بگویید:

وَكَمْ عَلَّمْتُهُ نِظْمَ الْقَوَافِي
فَلَمَّا قَالَ قَافِيَةً هَجَانِي

پس به فرموده خداوند فصاحت و بلاغت گردن نهادم که فرمود:

لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ لِسَانِكَ عَلَيَّ مَنْ أَنْطَقَكَ وَبَلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَيَّ مَنْ
سَدَّدَكَ.^۱ یعنی بدان کس که تو را سخن آموخت به تندی سخن
مگویی و با کسی که گفتارت را نیکو گرداند راه بلاغتگویی میپوی.

١. آتشكده فى مصائب المعصومين عليهم السلام: فارسى كبير فى مجلّدات. رأيت منه الجزء الخامس وهو فى مصائب سيد الشهداء (ع) مرتباً على اربعين شعلة فى كلّ شعلة شرح حالة من احواله عليه السلام. لا اعرف ناظمه ولا عصره.

(ج ١، ص ٥، ش ٢٠)

٢. آثار الاحزان: الموسوم برياض البكاء ايضاً، لميرزا محمد بن محمد رفيع المعاصر الملقّب بملك الكتاب الشيرازى نزيل بمبئى. طبع سنة ١٣٢٢.

(ج ١، ص ٦، ش ٢٢)

٣. آفتاب شهادت: فى احوال السادة الشهداء بكرىلا، للحاج غلام على البهاونگرى مؤلف آب حیات. وهو ايضاً باللغة الكجراتية. مطبوع فى ٣٥٠ صفحة.

(ج ٢٦، ص ١٦، ش ٣٨)

٤. آينه حقيقت: للفاضل البحّثة السيد محسن نواب بن السيد احمد نواب الرضى اللكهنوى المولود سنة ١٣٣١ مؤلف كتاب الثمرات فى معرب العبيقات. فيه بيان مراتب شهداء الطفّ ثم فضلهم على سائر الشهداء وما ترتّب على مجاهدتهم من الفوائد وفضائل سيدهم ابى عبدالله الحسين عليه السلام وما يؤثّر من اهمية فاجعته محتجاً فيها باحاديث اهل السنة المعتمدة ردّاً على بعض اهل الهند الماسين بكرامة شهداء الطفّ بلغة اردو. وله تصانيف اخرى تأتى فى محلّها.

(ج ١، ص ٥٢، ش ٢٦٣)

٥. ابصار العين فى احوال انصار الحسين عليهم السلام : للعلامة الماهر الشيخ محمد بن طاهر السماوى. ألفه اوان قضائه فى النجف وطبع سنة ١٣٤٣ بالنجف ثم اضاف اليه اشياء لم تطبع بعد. وترجمه بلغة اردو الفاضل سعادت حسين السلطان پورى وسيمثل للطبع ان شاء الله.

(ج ١، ص ٦٥-٦٦، ش ٣٢٢)

٦. ابواب المصائب : مقتل بلغة اردو. طبع فى دهلى، كما فى بعض الفهارس.

(ج ١، ص ٧٩، ش ٣٧٦)

٧. اثاره الاحزان فى مصائب سيد شباب اهل الجنان : للسيد العلامة غفران مآب السيد دلدار على النقوى النصير آبادى المولود سنة ١١٦٦ والمتوفى تاسع عشر رجب سنة ١٢٣٥ وهو ابن محمد معين بن عبد الهادى ابن ابراهيم بن طالب بن مصطفى بن محمود بن ابراهيم بن جلال الدين بن السيد زكريا بن جعفر بن تاج الدين بن نصير الدين واليه تنسب عمارة نصير آباد ابن عليم الدين بن شرف الدين بن نجم الدين السبزوارى نزيل جايس ابن على بن ابى على بن ابى يعلى محمد بن ابى طالب حمزة بن محمد بن طاهر بن جعفر ابن الامام على النقى الهادى عليه السلام. قال فى كشف الحجب اوله: «نحمد الله سبحانه على جعل الاختبار والابتلاء سبباً لمزيد المثوبة وحسن الجزاء» الخ.

(ج ١، ص ٨٤، ش ٣٩٨)

٨. الاثنا عشريات فى المراثى : ويقال لها ايضاً العقود الاثنا عشرة، لآية الله بحر العلوم السيد محمد مهدي بن المرتضى الطباطبائى البروجردى الاصل النجفى المتوفى سنة ١٢١٢. وهى اثنا عشرة قصيدة كل قصيدة اثنا عشر بيتاً فى المراثى وهى جزء ديوانه المخطوط. نظم فيها بالعربية مضامين دوازه بند الفارسى للشاعر الملقب بمحتشم. وقد تلفت منها القصيدة الثانية عشرة والموجود احدى عشرة قصيدة مجموع ابياتها مائة واثنان وثلاثون بيتاً. اولها:

اللَّهُ اكبر ما ذا الحادث الجلل فقد تزلزل سهل الارض والجبل
ويأتى تخميسها لحفيده العلامة السيد حسين بن السيد رضا، كما يأتى
شرحها سفينة النجاة ولؤلؤ البحرين. ومن هذا القبيل دوازه بند بالفارسية فى المراثى.
يأتى متعدداً فى الدال.

(ج ١، ص ١١٣-١١٤، ش ٥٤٩)

٩. اجابة السائل: فى قصة ملاقات سيد الشهداء عليه السلام مع الخضر وما جرى بينهما
من السؤال والجواب. مطبوع بلغة اردو، كما فى فهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج ١، ص ١٢٠، ش ٥٧٨)

١٠. احزان الشيعة: مقتل فارسى، للفاضل الخراسانى، كما ينقل عنه المولى عباس
الدامغانى فى مقتله الموسوم بالجهادية.

(ج ١، ص ٢٨٥، ش ١٤٩٢)

١١. احكام المحرم: باللغة الكجراتية، للعلامة الشيخ محمد حسن بن ابى القاسم
الكاشانى النجفى نزىل بمبئى. وله ترجمته بالفارسية ايضاً. [ج ٢٠، ص ١٥٠،
ش ٢٣٣٧].

(ج ١، ص ٣٠١، ش ١٥٧٣)

١٢. اخبار ماتم: فى المقتل بلغة اردو. مطبوع بالهند.

(ج ١، ص ٣٤٦، ش ١٨١٣)

١٣. اخلاق حسينى: فيما ترتب على شهادته عليه السلام من النتائج الاخلاقية، للمولوى
غلام الحسينى البانى بتي المعاصر وهو بلغة اردو مطبوع.

(ج ١، ص ٣٧٤، ش ١٩٤٩)

١٤. ادعية الموقف: لرئيس المحذثين الشيخ الصدوق ابى جعفر محمد بن على بن
الحسين بن موسى بن بابويه القمى المتوفى سنة ٣٨١. ذكره النجاشى.

(ج ١، ص ٤٠١، ش ٢٠٨٧)

١٥. الاربعون حديثاً: مما يتعلّق باحوال سيّد الشهداء عليه السلام ولذا سمّى بالاربعين الحسينية، للعلامة ميرزا محمّد بن محمّد تقى ارباب القمى المتوفى حدود سنة ١٣٤٠، فارسى مع الشرح والبيان. ألفه سنة ١٣٢٨ باسم السيّد الجليل محمّد باقر بن الحسين الحسينى متولّى باشى (الخازن) للحرم المقدّس بقم. طبع بطهران بعد تأليفه.

(ج ١، ص ٤٢٥، ش ٢١٧٨)

١٦. ارجوزة: فى احوال سيّد الشهداء عليه السلام وتواريخه ومعجزاته، للسيّد عبّاس بن على بن نورالدين الموسوى الحسينى المكى صاحب نزهة الجليس. اوردها بتمامها فى النزهة واورد قطعة منها تقرب من خمسين بيتاً فى قمقام ذخّار [ذخّار] منها قوله:

مولده فى عام اربع مضت فى شهر شعبان لخمس انقضت

(ج ١، ص ٤٥١-٤٥٢، ش ٢٢٦٥)

١٧. ارجوزة: فى وقعة الطفّ، للعلامة ميرزا محمّد على بن العلامة ميرزا ابى القاسم الاردوبادى النجفى المولود سنة ١٣١٢. اولها:

سبحان من له البهاء سرمداً لكنّه خلد ذكرى الشهدا

(ج ١، ص ٥٠٥، ش ٢٤٩٠)

١٨. ارجوزة: فى وقعة الطفّ، للعلامة الشيخ هادى بن الشيخ عبّاس آل كاشف الغطاء، سماها بالمقبولة الحسينية. طبعت فى النجف. تأتى.

(ج ١، ص ٥٠٥، بدون شماره)

١٩. ازاحة الفى فى الردّ على عبدالحى: فارسى، للسيّد على بن الحسن العسكرى المشهور بمشرف على المتوفى فى نيف واربعين ومأتين بعد الالف. اوله: «الحمد لله الذى يتمّ نوره ولو كره المشركون». ردّ فيه بعض فصول كتاب الصراط المستقيم تأليف عبدالحى مما يتعلّق بالمنع عن اقامة العزاء لسيّد الشهداء عليه السلام وكشف فيه

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٠٧

عن تليسات عبدالحى وصاحبيه اسماعيل واحمد الذين كانا يعتقدان فيه مرتبة
الولاية. ذكره كشف الحجب.

(ج ١، ص ٥٢٧-٥٢٨، ش ٢٥٧٣)

٢٠. ازالة الغين عن بصارة العين باثبات شهادة الحسين عليه السلام: وفيه اسرار الشهادة،
للمولوى حيدر على صاحب الفيض آبادى كبير. طبع بالهند فى ثلاثة مجلّدات
سنة ١٢٩٥.

(ج ١، ص ٥٢٩-٥٣٠، ش ٢٥٨٥)

٢١. الاستشفاء بالتربة الحسينية: للشيخ ميرزا ابى المعالى ابن العلامة محمّدابراهيم
الكلباسى المتوفى سنة ١٣١٥. طبع فى مجموعة من رسائله بايران.

(ج ٢، ص ٢٣، ش ٧٨)

٢٢. اسرار الشهادة: للمولى آقا الدربندى، اسمه اكسير العبادات. يأتى.

(ج ٢، ص ٤٦، بدون شماره)

٢٣. اسرار الشهادة: هو اسم لديوان المراثى الفارسى، للاديب الشاعر ميرزا اسماعيل
الملقب فى شعره بسر باز. طبع سنة ١٣١٩.

(ج ٢، ص ٤٦، ش ١٨٥)

٢٤. اسرار الشهادة: فارسى كبير، للمولى محمّد حمزة المعروف بشريعتمدار الحمزة
كلانى البارفروشى. طبع بايران.

(ج ٢، ص ٤٦، ش ١٨٦)

٢٥. اسرار الشهادة: فارسى مختصر، للسيد ميرزا رفيع الدين نظام العلماء ابن ميرزا على
اصغر بن ميرزا رفيع الطباطبائى التبريزى المتوفى سنة ١٣٢٦. طبع بايران وله
المجالس النظامية المطبوع وفى آخره تمام نسبه.

(ج ٢، ص ٤٦، ش ١٨٧)

٢٦. اسرار الشهادة: للسيد كاظم بن قاسم الرشتى الحائرى المتوفى سنة ١٢٥٩. فيه بيان اسرار قضية الطف. كتبه اجابة لالتماس الحاج المولى عبدالوهاب القزوينى. رأيت نسخة منه فى موقوفات المحدث الشهير بحاج عماد الفهرسى المتوفى سنة ١٣٥٥، للخزانة الرضوية.

(ج ٢، ص ٤٦، ش ١٨٨)

٢٧. اسرار الشهادة: فارسى، للمولى محمد بن محمد مهدى المازندرانى البارفروشى الشهير بالحاج الاشرفى، المتوفى ١٣١٥. طبع سنة ١٣٢٢.

(ج ٢، ص ٤٦، ش ١٨٩)

٢٨. اسرار الشهادة: للسيد محمد مهدى بن محمد جعفر الموسوى التنكابنى. ذكره مع سائر تصانيفه فى آخر خلاصة الاخبار الذى ألفه سنة ١٢٥٠.

(ج ٢، ص ٤٧، ش ١٩٠)

٢٩. اسوة حسنى: فى فلسفة شهادة سيد الشهداء عليه السلام بلغة اردو، للسيد همايون ميرزا الهندى. طبع فى حيدرآباد.

(ج ٢، ص ٧١، ش ٢٨٧)

٣٠. اسيران كربلا: فى مصائب اهل البيت عليه السلام بالطف بلغة اردو، للعلوية الفاضلة مصطفى بيكم بنت المولى السيد باقر حسين. طبع بالهند.

(ج ٢، ص ٧١، ش ٢٩٠)

٣١. اشك غم: منظوم فى المراثى بلغة اردو. طبع، كما فى فهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج ٢، ص ١١١، ش ٤٣٨)

٣٢. الاعتذار عما يعمل من رسوم العزاء فى تلك البلاد والامصار: للشيخ سراج الدين حسن المعروف بالشيخ فدا حسين اليمانى اللكهنوى المولود سنة ١٢٧٨، مؤلف سبيكة اللجين و عبرة العين و اليم العجاج وغيرها مما ذكر فى التجليات.

(ج ٢، ص ٢٢٣، ش ٨٧٥)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٠٩

٣٣. اعجاز حسيني: بلغة اردو، مرتب على عشرة مجالس. طبع بالهند.

(ج ٢، ص ٢٣١، ش ٩١٣)

٣٤. الاعلام الحسينية: في ما يتعلق بتعزية الحسين (ع). فارسي مطبوع.

(ج ٢، ص ٢٣٨، ش ٩٤٨)

٣٥. اعلان الدعوة: للمولى المعاصر الشيخ محمد باقر بن محمد جعفر بن كافي البهاري

الهمداني المتوفى سنة ١٣٣٣. هو تكملة لكتابه الموسوم بالدعوة الحسينية في

اثبات استحباب البكاء على الحسين عليه السلام بمقتضى قواعد اهل السنة، كما

ذكره في فهرس كتبه.

(ج ٢، ص ٢٤٢، ش ٩٦٠)

٣٦. اعمال عاشوراء: فارسي. طبع بايران.

(ج ٢، ص ٢٤٧، ش ٩٨٥)

٣٧. اعمال عاشوراء واربعين: بلغة اردو. طبع بالهند.

(ج ٢، ص ٢٤٧، ش ٩٨٦)

٣٨. الافادات الحسينية: المواعظ. ويقال له المواعظ الحسينية، للسيد حسين بن دلدار علي

بن محمد معين النقوي النصير آبادي اللكهنوي المتوفى ١٢٣٥.

(ج ٢، ص ٢٥٤، بدون شماره)

٣٩. افسانه غم، او، مرقع كربلا: مراثي بلغة اردو. طبع بالهند.

(ج ٢، ص ٢٥٨، ش ١٠٤٩)

٤٠. افضل المجالس: مقتل فارسي، للمولى الشيخ جواد بن المولى محرم علي بن كلب

قاسم الطارمي المتوفى بزنجان سنة ١٣٢٥. طبع في ايران.

(ج ٢، ص ٢٥٩، ش ١٠٥٤)

٤١. افكار جعفرى: مراثى بلغة اردو، للاديب الشاعر مير قاسم على صاحب الملقب فى شعره بالجعفرى. طبع فى حيدر آباد.

(ج ٢، ص ٢٦١، ش ١٠٦٤)

٤٢. افكار غم: مراثى بلغة اردو، لدعبل الهند السيد الملقب بحضرت ذاخر. طبع بالهند سنة ١٣٥٠.

(ج ٢، ص ٢٦١، ش ١٠٦٥)

٤٣. اقالة العائر فى اقامة الشعائر الحسينية: للسيد على نقى اللكهنوى. تعرّض فيه على ما فى رسالة التنزيه فى اعمال الشبيه. وطبع فى النجف ١٣٤٨.

(ج ٢، ص ٢٦٣، ش ١٠٧٢)

٤٤. اقناع اللائم على اقامة المآتم: للعلامة السيد محسن بن عبدالكريم الحسينى العاملى المعاصر نزىل دمشق الشام. طبع فى ذيل رابع اجزاء المجالس السنوية له سنة ١٣٤٣.

(ج ٢، ص ٢٧٥، ش ١١١٥)

٤٥. اكسير السعادة فى اسرار الشهادة: ودفع بعض الشبهات التى تورّد عليها من اهل الزيغ والجهل، للسيد عبدالحسين بن السيد عبدالله بن السيد رحيم الموسوى الدزفولى نزىل لار (١٢٦٤ - شوال ١٣٤٢). طبع سنة ١٣١٩.

(ج ٢، ص ٢٧٨، ش ١١٣١)

٤٦. اكسير العبادات فى اسرار الشهادات: للشيوخ العالم المخلص الصفى المولى آقا بن عابد

بن رمضان بن زاهد الشيروانى الدربندى الحائرى المتوفى بطهران سنة ١٢٨٦. اوله: «الحمد لله الذى جعل المعارف». مرتب على اربعة و اربعين مجلساً وقدم لها اثنتى عشرة مقدمة و ذيل المجالس بتذييل وخاتمة فى كل منهما مجالس عديدة. ألفه مدة ثمانية عشر شهراً و فرغ منه صبيحة يوم الجمعة منتصف ذى القعدة سنة ١٣٧٢. طبع مكرراً و يقال له اسرار الشهادة و ترجم هو نفسه من مقام وحدة الحسين عليه السلام الى آخر الكتاب بالفارسية و يقال له سعادات ناصرى

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣١١

لأنه ترجمه باسم السلطان ناصرالدين شاه. وهو ايضاً مطبوع كما يأتي. ومن شدة خلوصه وصفاء نفسه نقل في هذا الكتاب اموراً لا توجد في الكتب المعتمدة وإنما اخذها عن بعض المجاميع المجهولة اتكالاً على قاعدة التسامح في ادلة السنن مع أنه لا يصدق البلوغ عنه بمجرد الوجادة بخط مجهول. وقد تعرّض شيخنا في اللؤلؤ والمرجان الى بعض تلك الامور فلانطيل بذكره. ← ٥٥ قم ١٢٦٧ و ١٢ قم ١١٩٠.

(ج ٢، ص ٢٧٩، ش ١١٣٤)

٤٧. اكليل المصائب: مقتل فارسي، لميرزا محمد بن سليمان التنكابني المعاصر المتوفى قبل سنة ١٣٢٠. قال في قصصه انه مرتب على ثلاثة عشر اقليلاً في كل منها عدّة فصول وفيه خطب جلييلة ومطالب علمية يقرب من خمسة عشر الف بيت وله فهرس مبسوط وعدّ الفهرس ايضاً كتاباً مستقلاً من تصانيفه وسمعت انه مطبوع بايران.

(ج ٢، ص ٢٨١، ش ١١٤٠)

٤٨. امواج البكاء: في تعداد مواضع بكاء الامام ابى عبدالله الحسين عليه السلام يوم عاشوراء وذكر مصائبه. فارسي، للمولى نوروز على بن محمد باقر البسطامي المعاصر المتوفى سنة ١٣٠٩ عن نيف وثمانين سنة. طبع سنة ١٢٨٨.

(ج ٢، ص ٣٥١، ش ١٤٠٦)

٤٩. انتخاب المجالس: مقتل بلغة اردو. طبع بالهند.

(ج ٢، ص ٣٥٩، ش ١٤٥٠)

٥٠. انتخاب المصائب: في وقايع العشرة ايام من اول المحرم الى يوم الطف، للسيد يوسف على الهندي المعاصر. طبع بلغة اردو في الهند.

(ج ٢، ص ٣٥٩، ش ١٤٥١)

٥١. الانوار الحسينية والشعائر الاسلامية: للشيخ عبدالرضا بن الشيخ عبدالحسين بن الشيخ

محمّد بن الشيخ على بن الشيخ الاكبر الشيخ جعفر كاشف الغطاء النجفى المعاصر. ردّ فيه على ما فى بعض الجرائد الفارسية الصادرة من الهند مثل حبل المتين و الابلاغ من المنع عن مراسم العزاء لسيد الشهداء عليه السلام. طبع بمطبعة حور بمبئى سنة ١٣٤٦ وفى آخره ذكر تصانيفه.

(ج ٢، ص ٤٢٤-٤٢٥، ش ١٦٧٣)

٥٢. انوار السعادة: فى ترجمة اسرار الشهادة للفاضل الدربندى. ترجمه بالفارسية ميرزا محمّد حسين بن على اكبر وطبعت الترجمة فى تبريز.

(ج ٢، ص ٤٢٩، ش ١٦٨٩)

٥٣. انوار الشهادة: مقتل فارسى، للمولى حسن بن على اليزدى الكشتوى الحائرى المتوفى سنة ١٢٩٧. وله انوار الهداية والموائد، كما يأتى وهو مؤخر بكثير عن المولى حسن بن محمّد على اليزدى الحائرى مؤلف مهيج الاحزان وتلميذ السيد محمّد المجاهد الذى توفى سنة ١٢٤٢. طبع مرّة على هامش نور العيون فى مختصر رياض الشهادة، واخرى على هامش مراثى وصال وثالثة على هامش بيدل ١٣٠٣.

(ج ٢، ص ٤٣٠، ش ١٦٩٤)

٥٤. الانوار المضية فى شرح القصيدة الازرية: للسيد هادى بن السيد حسين الصانع الموسوى البحرانى المولود سنة ١٣٠٢. ألفه سنة ١٣٦٠.

(ج ٢٦، ص ٤٢، ش ٢٩١)

٥٥. انيس الذاكرين: مقتل فارسى، لميرزا محمّد بن سليمان التنكابنى المعاصر المتوفى قبل سنة ١٣٢٠. قال فى قصصه انه مشتمل على النثر وتنظم [النظم] نظير بيدل والجوهري.

(ج ٢، ص ٤٥٤، ش ١٧٦٨)

٥٦. اوجز الانباء فى مقتل سيد الشهداء: هو كما سمى به فى غاية الايجاز ليتمكن من قرائته فى مجلس واحد لمولانا المعاصر الشيخ هادى بن الشيخ عباس بن الشيخ على

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣١٣

بن الشيخ الاكبر كاشف الغطاء المولود سنة ١٢٨٩. طبع مع مرآة الموسومة بالمقبولة الحسينية سنة ١٣٤٢.

(ج ٢، ص ٤٧٣، ش ١٨٤٨)

٥٧. اوراق الاحزان: مقتل فارسی. طبع بطهران، كما في بعض الفهارس.

(ج ٢، ص ٤٧٥، ش ١٨٥٨)

٥٨. اوراق غم: في المراثي بلغة اردو، لمير ثامن علي الهندي [المتخلص] في شعره بنيسان. مطبوع بالهند.

(ج ٢٦، ص ٧٠-٧١، ش ٣٢٨)

٥٩. باب الفراديس: في تحقيق المشهد المشهور بمشهد الحسين عليه السلام في الشام، لسيدنا المعاصر محمد العلي بن الحسين الحسيني الشهير بالسيد هبة الدين الشهرستاني. ذكره في فهرس تصانيفه الكثيرة.

(ج ٣، ص ٧، ش ٧)

٦٠. باب النجاة: مقتل فارسی في مجلدين، للمولى عباس علي بن الحسين التبريزي الحائري. اول المجلد الاول: «سپاس بی قیاس ملک علام را سزاست». فرغ منه سنة ١٣١٩. واول المجلد الثاني: «الحمد لله رب العالمين». فرغ منه سنة ١٣٢٢. وكل مجلد مرتب على تسعة وثلاثين مجلساً. رأيته بالكاظمية عند عبد الكريم العطار والظاهر انه خط المؤلف.

(ج ٣، ص ٨، ش ٩)

٦١. بحار الدموع في أيام الاسوع: هو من كتب المقاتل ويظهر من الفهارس انه مطبوع.

(ج ٣، ص ٢٧، ش ٤٤)

٦٢. بحار النوائب: من كتب المقاتل في اربعة اجزاء بلغة اردو. مطبوع، للمولى السيد ابن الحسن الجارجوى اللكهنوى المولود سنة ١٢٨٨. وله كتاب ارث الخيار والتراية والرأى الصائب وغيرها.

(ج ٣، ص ٢٨-٢٩، ش ٤٦)

٦٣. بحر البكاء : مقتل بلغة اردو. مطبوع بالهند، كما فى فهرسها.

(ج٣، ص٣٢، ش٦٠)

٦٤. بحر البكاء : منظوم فارسى فى المراثى من بحر التقارب فى خمسة آلاف وخمسمائة وخمسين بيتاً، لميرزا محمد التنكابنى المتوفى باخبار ولده ٢٨ - ج٢ - ١٣٠٣. قال فى قصصه نظمت فيه المصائب من اول خروج الحسين عليه السلام من المدينة الى رجوع اهل بيته الطاهرات اليها.

(ج٣، ص٣٢، ش٦١)

٦٥. بحر الدموع : مقتل فارسى، للمولى احمد بن الحسن اليزدى الواعظ نزيل المشهد الرضوى المتوفى بها حدود سنة ١٣١٠. ذكره فى كتابه نواصيص العجب المطبوع. ومرّ له الباقيات الصالحات.

(ج٣، ص٣٩، ش٨٠)

٦٦. بحر غم : فى احوال الشهداء بكرىلا باللغة الكجراتية، للمولى الحاج غلام على بن الحاج اسماعيل البهاونگرى الهندى المعاصر المولود سنة ١٢٨٣، صاحب انوار البيان وغيره مما ذكره فى فهرس كتبه الكثيرة.

(ج٣، ص٤٣، ش٩٤)

٦٧. بحر الغموم : من كتب المقاتل الفارسية، للشيخ على بن زين العابدين البارجىنى اليزدى الحائرى المعروف بشهرنوى المتوفى بالحائر سنة ١٣٣٣. كان مع كتابه الزام الناصب فى مكتبته عند وصيه المولى محمد حسين القومشهى الصغير واوصى بطبع تصانيفه وطبع منها اخيراً ١٣٥٢ الزام الناصب فى احوال الامام الغائب الذى كان تأليفه سنة ١٣٢٦، كما مرّ فى الجزء الاول ووقع فى الطبع غلط هناك فى تاريخ وفاة المؤلف فى سنة ١٣٢٤.

(ج٣، ص٤٣، ش٩٥)

٦٨. بحر اللثالى : فارسى كبير فى خمس مجلّدات فى احوال الخمسة النجباء اصحاب

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣١٥

الكساء عليهم السلام وخامس مجلّداته فى احوال سيّد الشهداء سمّاه سفينة النجاة، كما يأتى وهو غير سفينة النجاة العربى الذى هو ايضاً خامس مجلّدات الكتاب الكبير الموسوم بسفن النجاة.

(ج ٣، ص ٤٥، ش ١٠٢)

٦٩. بحر ماتم: فى المراثى بلغة اردو، للسلطان ناصر الدين محمّد واجد على شاه الذى تولّى الملك سنة ١٢٦٣. طبع بالهند.

(ج ٣، ص ٤٥، ش ١٠٤)

٧٠. بحر المصائب: بلغة اردو فى مجلّدين. طبع بالهند.

(ج ٣، ص ٤٦، ش ١٠٧)

٧١. بحر المصائب: مقتل بالاردو. طبع بلكهنو مرّتين فى عصر امجد على شاه. ألفه المولوى امداد على بن احمد على كيرانوى اللكهنوى المتوفى سنة ١٢٩٠. ذكره فى تذكره بى بهاء، ص ١٢.

(ج ٢٦، ص ٨٧، ش ٤١٤)

٧٢. بحر المصائب وكنز الغرائب: مقتل فارسى مطبوع فى اربع مجلّدات، للشيخ محمّد جعفر بن السلطان احمد بن الشيخ على بن الشيخ حسن التبريزى. فرغ من المجلّد الثانى منه سنة ١٢٨٢ وطبع المجلّد الثالث منه سنة ١٢٩٥ وشرع فى تأليف المجلّد الرابع بعد سنة ١٢٩٢. أوّل هذا المجلّد: «الحمد لله العلى العظيم». ورتبه على خمسة ابواب فجعل للباب الاوّل منازل ورتب الثانى على شعل وفى الباب الثالث اورد وقايع ورتب الرابع على آتشكادات.

(ج ٣، ص ٤٦-٤٧، ش ١٠٨)

٧٣. بحر المصائب: فى احوال الشهداء بكرى بلاء باللغة الكجراتية، للمولوى الحاج غلام على بن الحاج اسماعيل البهانوى المولود سنة ١٢٨٣. مطبوع فى ص ٤٠٠.

(ج ٣، ص ٤٧، ش ١٠٩)

٧٤. بحر المصيبة: لمحمد جعفر بن عبدالرحيم الجوينى اصلاً الجفثائى مسكناً من كتب المقاتل. رأيتة فى مكتبات العراق. شرع فيه سنة ١٢٦٤ ولم اذكر بقية خصوصياته.

(ج ٣، ص ٤٧، ش ١١٠)

٧٥. بحور الغمة: مقتل كبير فى ثلاث مجلدات بلغة اردو. مطبوع. رأيت منه المجلد الاوّل.

(ج ٣، ص ٥٠، ش ١٢٤)

٧٦. براهين غم: مرث بلغة اردو. طبع بالهند فى ثلاث مجلدات، للمولوى السيد ميرزا صاحب الملقب بتعشق صاحب الهندى.

(ج ٣، ص ٨٢، ش ٢٤٨)

٧٧. البراهين القائمة لقمع الشبه والتشكيكات: فى اثبات رجحان التعزية والشبيه ونقض شبهات مؤلف صولة الحق، للشيخ عبدالكاظم بن محمود الغبانى نزىل الشنافية، المعاصر المولود سنة ١٣٠٧. فرغ منه فى سنة ١٣٤٥ وقَرظه الشيخ محمد حسين كاشف الغطاء.

(ج ٢٦، ص ٩٣-٩٤، ش ٤٤٢)

٧٨. برهان غم: هو المجلد الثانى من المرثى التى نظمها الاديب الشاعر السيد حسين ميرزا صاحب الهندى بلغة اردو. مطبوع بالهند.

(ج ٣، ص ٩٨، ش ٣١٥)

٧٩. بزم غم: مرث بلغة اردو، لبعض شعراء الهند. طبع بها.

(ج ٣، ص ١٠٣، ش ٣٣٤)

٨٠. بزم ماتم: ايضاً مرث بلغة اردو. طبع بالهند.

(ج ٣، ص ١٠٣، ش ٣٣٥)

٨١. بشارة الاحباء فى فضيلة البكاء والابكاء: طبع بايران.

(ج ٣، ص ١١٤، ش ٣٨٦)

٨٢. بشارة الباكين وانيس الذاكرين : للشيخ حسين بن عبدالرزاق التبريزي الواعظ. ألفه باسم ناصرالدين شاه. في مقدّمة وخاتمة وبينهما خمسون مجلساً. فرغ منه في ١٥ جمادى الثانية سنة ١٢٨٠، عند السيّد شهاب الدين، بقلم محمّد حسين بن عبدالله بن علي بن عبداللطيف المظلوم القراچه داغى.

(ج ٢٦، ص ١٠١، ش ٤٨٣)

٨٣. بصيرة السعداء فى شهادة سيّد الشهداء عليه السلام : فارسى مرتّب على مقدّمة وثلاثة مقاصد، للمولى محمّد رضا بن اسدالله المعاصر. ألفه وطبعه بايران سنة ١٣٣٤.

(ج ٣، ص ١٢٦، ش ٤٢١)

٨٤. بكاء العالمين : على مصاب الحسين عليه السلام. فى شرح احواله من بدء خلقته الى دخوله الجنة مع شيعته، للشيخ محمّد رفيع بن عبدالمحمّد بن محمّد رفيع بن احمد بن صفى الكرّازى النجفى المتوفى بها فى نيف وثلاثماية والـ٥٠. ذكره المؤلّف فى اجازته للسيّد عبدالرحمن الكرهردى السلطان آبادى وكان من تلاميذ العلامة الشيخ ميرزا حبيب الله الرشتى النجفى وتوفى قبل وفاة استاده بكثير وانتقلت كتبه الى ابنته التى كانت زوجة السيّد ابى القاسم الاشكورى.

(ج ٣، ص ١٣٩، ش ٤٧٤)

٨٥. بكاء الفاقدين : فى مصائب الحسين الشهيد عليه السلام فى عشرة مجالس بلسان الاردو. طبع فى الهند، وهو من تأليف السيّد آقا مهدي الرضوى اللكهنوى المعاصر.

(ج ٢٦، ص ١٠٦، ش ٥٠٤)

٨٦. بلاغة الحسين عليه السلام : فى جمع خطبه ورسائله وقصار كلماته، للسيّد مصطفى ابن السيّد محسن الموسوى الحائرى المولد آل اعتماد، المولود حدود سنة ١٣٤٥. طبع سنة ١٣٦٩.

(ج ٢٦، ص ١٠٦، ش ٥٠٩)

٨٧. البلاغة العلوية فى اتمام النهضة الحسينية: بقلم السيد جاسم السيد حسن شير. فيه خطب زينب و امّ كلثوم وفاطمة الصغرى. مطبوع فى النجف. وبقية نسبه هكذا: السيد قاسم بن السيد حسن بن السيد محمد على بن السيد احمد بن السيد مهدي بن السيد سلطان بن السيد بشارة بن السيد هاشم الشبرى الحويزى من آل الموالى. ولد سنة ١٣٢٦، ترجمه خطباء المنبر الحسينى، ج ٢، ص ١٠٩.

(ج ٢٦، ص ١٠٧، ش ٥١١)

٨٨. بلغة العقلاء فى غربه سيد الشهداء: مطبوع، لبعض المعاصرين. اعتمد فيه على الحديث المنسوب الى السجاد عليه السلام فى المجلس الثلاثين من امالى الصدوق وانكر سائر ماورد من اخبار الطف اشد نكير. فردّ عليه الشيخ حسن السررودى بكتابه تحفة الفضلاء فى ايضاح اشتباه بلغة العقلاء.

(ج ٢٦، ص ١٠٨، ش ٥١٧)

٨٩. بوستان رشيد: فى المراثى للغريب الشهيد بلغة اردو. مطبوع. نظم الشاعر پيارى صاحب الهندى الملقّب فى شعره برشيد.

(ج ٣، ص ١٥٦، ش ٥٤٦)

٩٠. بوستان كربلا: فى احوال الشهداء بكرىلا باللغة الكجراتية، للحاج غلام على بن اسماعيل البهاونگرى المعاصر المولود سنة ١٢٨٣. ذكره فى فهرس كتبه المطبوع اكثرها بالهند.

(ج ٣، ص ١٥٦، ش ٥٤٧)

٩١. بياض انجمن ناصر حسين، او، اشك گوهر: مراث بلغة اردو رتبه الشاعر السيد لائق على صاحب الهندى الملقّب فى شعره بلائق وطبع سنة ١٣٥١.

(ج ٣، ص ١٦٩، ش ٥٩٣)

٩٢. بياض اهل ماتم: فى المراثى بلغة اردو، للمولوى مير محمود على صاحب الملقّب فى شعره باللائق ايضاً وهو فى حصّتين. طبعتا فى حيدر آباد.

(ج ٣، ص ١٦٩، ش ٥٩٤)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣١٩

٩٣. بياض صمصام: للسيد عباس حسين الملقب في شعره بصمصام وهو في المراثي بلغة اردو. مطبوع بالهند.

(ج٣، ص١٦٩-١٧٠، ش٥٩٥)

٩٤. البياض الفخرى: اسم ثان لمنتخب الطريحي. يأتي في الميم.

(ج٣، ص١٧٠، بدون شماره)

٩٥. بياض ماتم: في المراثي بلغة اردو، للسيد ابن الحسين اللكهنوي الملقب في شعره بزائر. طبع بالهند.

(ج٣، ص١٧٠، ش٥٩٧)

٩٦. بياض متين: في المراثي بلغة اردو، للنواب اسد علي خان الهندي الملقب في شعره بمتين. طبع بالهند.

(ج٣، ص١٧٠، ش٥٩٨)

٩٧. بياض نوحه: بلغة اردو، للسيد مظفر علي بن خورشيد علي خان جانستهي الهندي. طبع بالهند.

(ج٣، ص١٧٠، ش٥٩٩)

٩٨. بياض نوحه جات: مجموعة من المراثي بلغة اردو، جمعها السيد محمد حسين بن محمد حسين النوكانوي الهندي المعاصر المولود سنة ١٣٠٥. طبع بالهند. و يأتي النوحه في حرف النون متعدداً.

(ج٣، ص١٧٠، ش٦٠٠)

٩٩. بياض هنر: في المراثي بلغة اردو. مطبوع. وهنر لقب ناظمه.

(ج٣، ص١٧١، ش٦٠١)

١٠٠. بيدل: مقتل فارسي، للشاعر الاديب الملقب ببیدل واسمه قربان بن رمضان الرود باري القرويني المعاصر للسيد محمد باقر حجة الاسلام الرشتي الاصفهاني الذي توفي سنة ١٢٦٠. ذكر احواله في قصص العلماء في ترجمة السيد حجة

الاسلام المذكور ونقل فيه كرامة لكتاب بیدل. وهو مطبوع مكرراً بايران. اوله:
«نحمدك يا من نور قلوبنا بنور الايمان.»

(ج ٣، ص ١٨٦، ش ٦٦٧)

١٠١. بیدل: المسمى بتحفة الذاكرين ايضاً مقتل فارسى، لميرزا حاج محمد بن ميرزا على محمد المازندراني الكرمانشاهانى من شعراء عصر السلطان ناصرالدين شاه الملقب فى شعره ببیدل، كما ذكره فى المآثر والآثار ومجمع الفصحاء. وله داستان ماتم. يأتى.

(ج ٣، ص ١٨٦ - ١٨٧، ش ٦٦٨)

١٠٢. پنجاه بند: فارسى فى المراثى، لسيد شعراء العصر السيد محسن بن محمد بن على بن جواد بن رضى الحسينى القزوينى نزيل تبريز. وفى آخرها القصيدة الطلوعية فى تهنية مظفر الدين ميرزا اوان ولاية عهده:

روزی که چرخ بزم غم انبیا بیست قندیل غم به بارگه کبریا بیست

(ج ٣، ص ١٩٨، ش ٧٣٤)

١٠٣. پنجاه ودو مجلس: المنتخب من عين البكاء. فارسى كاصله الذى ألفه المولى محمد تقى بن احمد البروجردى سنة ١٠٩٩. انتخبه المولى محمد شفيح بن عبدالستار التبريزى وفرغ من الانتخاب فى زنجان فى دار آقا محمد مكتبدار عصر يوم الاثنين ٣ جمادى الاولى سنة ١٢٣١. والنسخة ملكها السيد محمد تقى الطالقانى عند ابنه السيد احمد فى طهران.

(ج ٢٦، ص ١٢٠، ش ٥٨٠)

١٠٤. پیرامن يوسفى: فى مصائب سيد الشهداء عليه السلام وتطبيقها وارتباطها بقصة يوسف النبى على نبينا وآله وعليه السلام، للمولى السيد محمد حسين بن السيد حسين بخش الزيدى النسب النوكانوى الهندى المعاصر المولود حدود

سنة ١٢٩٠. مطبوع بالهند بلغة اردو.

ج ٣، ص ٢٠٠، ش ٧٤٥

١٠٥. التاريخ الحسيني: في احوال سيد الشهداء عليه السلام، للشيخ محمود بن علي بن محمد البيلاوي المولود سنة ١٢٩٧. طبع بمطبعة التقدم سنة ١٣٢٤، كما في معجم المطبوعات العربية، راجعه.

(ج ٣، ص ٢٥٠، ش ٩٢٥)

١٠٦. تاريخ الروضة الحسينية الحائرية: للسيد حسون البراقى، بخطه في مكتبة كاشف الغطاء، منضم مع الحسرة الدائمة له بخطه ايضاً. فرغ منه سنة ١٣١٦.

(ج ٢٦، ص ١٣١، ش ٦٤٥)

١٠٧. تاريخ فيلسوفى حسين عليه السلام: باللغة الانكليزية، للشيخ بادشاه حسين الهندى المتوفى سنة ١٣٦٥. مطبوع.

(ج ٢٦، ص ١٣٧، ش ٦٧٨)

١٠٨. تاريخ كربلا: الموسوم بالدرة البهية في احوال الروضة الحسينية الموسومة بكربلا والغاضرية، للسيد حسون البراقى. يأتى. وله الجوهرة الزاهرة في فضل كربلا ايضاً يأتى.

(ج ٣، ص ٢٨٠، بدون شماره)

١٠٩. تاريخ كربلا: الموسوم بمجالى اللطف، يأتى فى حرف الميم باسمه التاريخى مجالى اللطف بارض الطف. ارجوزة الفية ايضاً للشيخ محمد السماوى المذكور. مطلعها:

احمدك اللهم يا من ميزا من البقاع حيزاً فحيزا

(ج ٣، ص ٢٨٠، بدون شماره)

١١٠. تاريخ كربلا: للسيد الفاضل المعاصر سادن الروضة الحسينية السيد عبدالحسين بن السيد على بن السيد جواد كليدار.

(ج ٣، ص ٢٨٠، ش ١٠٣٥)

١١١. تاريخ كربلا: للسيد عبدالرزاق آل الوهاب الحائرى فى ثلاثة اجزاء طبع ثالثها. اولها تواريخها من صدر الاسلام الى احتلال السلطان سليمان العثمانى القانونى العراق والجزء الثانى فى تواريخ عصر القانونى الى احتلال الانكليزى والثالث المطبوع فى مطبعة الشعب ببغداد سنة ١٣٥٣. بدأ فيه من دخول القائد العام (مود) بغداد وانتهى الى استقرار الحالة السياسية فى العراق. وفيه تواريخ حوادث الثورة العراقية وتصاوير اقطاب تلك الثورة وغير ذلك.

(ج ٣، ص ٢٨٠، ش ١٠٣٦)

١١٢. تجلّى حقيقت در اسرار كربلا: فارسى فى اسرار الشهادة واحوال سيد الشهداء عليه السلام، لسلطان حسين تابنده بن صالح على شاه بن نور على شاه بن المولى سلطان على الكون آبادى [الكنابادى]. طبع للمرة الثانية فى سنة ١٣٦٠.

(ج ٢٦، ص ١٥٤، ش ٧٧٢)

١١٣. التحفة: فى سيرة الشهيد المظلوم، للشيخ عبدالمحسن بن الشيخ محمد بن الشيخ مبارك اللويمى البلادى الاحسائى. فرغ من رسالته الفقهية سنة ١٢٠٦. والتحفة عند عبدالهادى الفضلى بن الميرزا محسن فى البصرة.

(ج ٢٦، ص ١٥٨، ش ٧٩٤)

١١٤. التحفة: مقتل كبير فى عشرين مجلساً وفى كل مجلس ثلاثة ابواب، للشيخ عبدالمحسن بن محمد اللويمى الاحسائى المتوفى بسرجون حدود سنة ١٢٥٠. يوجد عند احفاده بها.

(ج ٣، ص ٤٠٢، ش ١٤٤٢)

١١٥. التحفة الحسينية: فارسى كبير فى المقتل، لشيخنا ميرزا محمد على ابن محمد نصير الجهاردهى الرشتى المتوفى بالنجف سنة ١٣٣٤. قال حفيده الشيخ مرتضى انه موجود عندى بخطه.

(ج ٣، ص ٤٢٨ - ٤٢٩، ش ١٥٥٥)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٢٣

١١٦. التحفة الحسينية: مقتل فارسي، للمولى نوروز علي بن محمد باقر البسطامي نزيل المشهد الرضوي والمتوفى بها سنة ١٣٠٩. مرتب على مجالس في وقايع الطف واسرار الشهادة وهو اول تصانيفه، مبسوط في مجلدين. ألفه قبل سنة ١٢٦٥ وطبع قبل التحفة الرضوية له.

(ج ٣، ص ٤٣٠، ش ١٥٥٩)

١١٧. تحفة الذاكرين: مقتل فارسي. طبع بايران، لميرزا حاج محمد الكرمانشاهاني الملقب في شعره ببیدل في اوائل عصر ناصر الدين شاه المقتول سنة ١٣١٣.

(ج ٣، ص ٤٣٣، ش ١٥٦٨)

١١٨. تحفة الناشئين في مرآة الحسين عليه السلام: للشيخ باقر بن الشيخ حبيب القاري الحلّي المعاصر نزيل الشنافية. وقد قرّظه العلامة شيخ حميد نجف تقريظاً منظوماً لطيفاً وطبع سنة ١٣٤١ وجزؤه الثاني سماه اللؤلؤ المنثور وطبع سنة ١٣٤٢.

(ج ٣، ص ٤٧٧-٤٧٨، ش ١٧٦٤)

١١٩. تحقيق صوم عاشوراء: وكيّفيته بلغة اردو. طبع بالهند.

(ج ٣، ص ٤٨٣، ش ١٧٩٤)

١٢٠. تحقيق عطش الحسين عليه السلام: للسيد حبيب حيدر. طبع جزئه الاول بلغة اردو بالهند.

(ج ٣، ص ٤٨٤، ش ١٧٩٦)

١٢١. تخميس الاثني عشرات: في المراثي من نظم آية الله بحر العلوم. مرج ١، ص ١١٣ أنه ضاعت القصيدة الثانية عشرة منها ولم يشرح في سفينة النجاة الا احدى عشرة منها لكن حفيد الناظم وهو السيد حسين بن السيد محمد رضا بن آية الله بحر العلوم المتوفى في ١٣٠٦ كمل العدد الميمون بنظم القصيدة الثانية عشرة على نمط البقية ثم خمّس الجميع.

(ج ٤، ص ٧، ش ١٤)

١٢٢. تخميس الدرديدية : يأتى بعنوان تخميس المقصورة.

(ج٤، ص١٠، بدون شماره)

١٢٣. تخميس دوازده بند: من نظم المحتشم الكاشانى، للاديب الشاعر المعروف بميرزا ثاقب.

(ج٤، ص١٠، بدون شماره)

١٢٤. تخميس دوازده بند: للمولى محمد حسين السهرابى، مؤلف انوار المجالس.

(ج٤، ص١٠، بدون شماره)

١٢٥. تخميس المقصورة الدرديدية: وقلّبتها الى رثاء الامام المظلوم الشهيد ابى عبد الله الحسين عليه السلام، لموفق الدين عبد الله بن عمر الانصارى. ذكره النحوى المذكور فى اول تخميسه واثنى عليه كثيراً واوله:

لما ابيح للحسين صونه وخانه يوم الطراد عونه

نادى بصوت قد تلاشى كونه اما ترى رأسى حاكى لونه

طرة صبح تحت اذيال الدجا

(ج٤، ص١٣، ش٣٢)

١٢٦. تخميس النونية: لابن زيدون المذكور وقلّبتها عن مقصده الى رثاء الامام ابى عبد الله

الحسين الشهيد المظلوم عليه السلام، للسيد محمد بن السيد معصوم بن السيد مال الله الموسوى الخطى القطيفى المتوفى فى ١٢٧١ واوله:

ذكر الطّفوف شجى الارزاء ينسينا وعن تغنى الغوانسى الغيد يغنينا

وربّ معلمة بالحال يا سينا اضحى التنائى بديلاً عن تدانينا

وأن عن طيب لقيانا تجافينا

(ج٤، ص١٣، ش٣٤)

١٢٧. تذكّار الحزين لما اصيب ابن طه الامين: مرتّب على مقدّمة وابواب وخاتمة. اوله:

«الحمد لله الذى جعل الدنيا سجنًا ومحنة لاوليائه.» بخطّ محمد امين بن

الحسن، كتبه سنة ١٢٩٧، ومعه فترة العين في اخذ الثار، تأليف الشيخ علي بن حسين ابن الشيخ موسى المروى بخط واحد في تاريخ واحد، والظاهر وحدة المؤلف ايضاً. والفراغ من فترة العين سنة ١٢٢٧. كان ملك السيد احمد بن علي الخطيب الخوئي صهر السيد المرتضى الكشميري واشتراه السيد محمد حسن الطالقاني ابن السيد عبدالرسول الذي هو ايضاً صهر السيد الكشميري طاب ثراه.

(ج ٢٤، ص ١٧٧، ش ٨٨٢)

١٢٨. تذكرة الشهداء: في مصائب كربلاء نظماً بلغة اردو، للحكيم امانت علي صاحب النانوتوى الهندى. طبع بمطبعة نول كشور.

(ج ٤، ص ٣٨، ش ١٤١)

١٢٩. تذكرة المصائب واستماع النوائب: للمولى محمد باقر بن محمد تقى وسياق كلامه يابى ان يكون مؤلفه العلامة المجلسى ولعله مؤلف تذكرة الائمة. رأيت نسخة منه عند الحاج عماد الفهرسى الطهرانى وقد وقفها للخزانة الرضوية.

(ج ٤، ص ٤٨، ش ١٨٨)

١٣٠. تذكرة المصائب: مقتل مختصر، للشيخ جواد اليزدى نزيل مشهد الرضا عليه السلام مؤلف الشعشعة الحسينية. طبع التذكرة في هامشه مع تذكرة الموحدين الآتى.

(ج ٤، ص ٤٨، ش ١٨٩)

١٣١. تذكرة المصائب: مقتل كبير فارسى. طبع مستقلاً في ايران، وهو تأليف المولى محمد هاشم بن نصر الله النورى المازندرانى.

(ج ٤، ص ٤٨-٤٩، ش ١٩٠)

١٣٢. ترجمة ابصار العين في انصار الحسين عليه السلام: بلغة اردو، للمولى السيد تصدق حسين بن المولوى السيد غلام حسين الموسوى النيسابورى الكنتورى المتوفى ١٣٤٨. ذكر احواله في تذكرة بي بهافى ص ١٠٦.

(ج ٤، ص ٧٣، ش ٣٠١)

١٣٣. ترجمة ابصار العين فى انصار الحسين عليه السلام: لشاهزاده على رضا ميرزا خسر وانى. طبع بايران، اسمه جماعت حسيني.

(ج ٢٦، ص ١٨٩، ش ٩٤٤)

١٣٤. ترجمة روضة الشهداء: بلغة اردو، اسمه گنج شهيدان. يأتى.

(ج ٤، ص ١٠٥، بدون شماره)

١٣٥. ترجمة روضة الشهداء: بالتركية، للشاعر الاديب الملقّب فى شعره بالفضولى البغدادي وهو محمّد بن سليمان المتوفى ٩٧٠ صاحب الديوان وساقى نامه و صحّة ومرض وغيرها. قال صاحب الرياض: «انه فى غاية حسن الانشاء واستحسنه اهل هذه اللغة من جميع الجهات.» وسمّاه المترجم حديقة السعداء.

(ج ٤، ص ١٠٥، ش ٤٩٣)

١٣٦. ترجمة عاشر البحار: للشيخ حسن الهشترودى، اسمه محن الابار. يأتى.

(ج ٤، ص ١١٥، بدون شماره)

١٣٧. ترجمة عاشر البحار: للسيد المفتى مير محمّد عباس التستري اللكهنوى المتوفى ١٣٠٦. اوله: «الحمد لله الذى جعل البلاء للولاء وخصّص عظام المصائب بالانبياء والاولياء.»

(ج ٤، ص ١١٥، ش ٥٤٧)

١٣٨. ترجمة عاشر البحار: لميرزا محمّد على المازندراني نزيل شمس آباد اصفهان.

(ج ٤، ص ١١٥، ش ٥٤٨)

١٣٩. ترجمة غادة كربلا: تأليف جرجى زيدان عن العربية الى الفارسية، للميرزا محمّد ملك الكتاب الشيرازى، من اول معاشقة يزيد لسلمى بنت حجر بن عدى. ترجمه بامر شمس الملوك وطبع سنة ١٣٢٤.

(ج ٢٦، ص ٢٠٠، ش ١٠٠٩)

١٤٠. ترجمة اللهوف: للشيخ احمد بن سلامة النجفى، ترجمه بامر الحاج احمد بيكا. اوله:

امام حسين(ع) در الذريعة / ٣٢٧

«شكر و سپاس مر خدای را كه كل اشيا در قبضه قدرت اوست.» النسخة عند السيد جلال الدين المحدث الارموى، تاريخ كتابتها يوم الخميس ٢٠ رجب ١٢٢٧.

(ج ٢٤، ص ٢٠١، ش ١٠١٧)

١٤١. ترجمة مثير الاحزان: المعروف بمقتل ابن نما، للسيد مظاهر حسين بن السيد محمد حسين النوكانوى المعاصر. ذكر لنا اخوه السيد محمد مجتبى انه بلغة اردو و مطبوع بالهند.

(ج ٤، ص ١٣٣، ش ٤٣٨)

١٤٢. ترجمة مثير الاحزان: بلغة اردو، للسيد صغير حسن الملقب بشمس الزيدى الواسطى الهندى المعاصر. مطبوع.

(ج ٤، ص ١٣٣، ش ٤٣٩)

١٤٣. ترجمة مقتل ابي مخنف: بلغة اردو، للسيد محمد الدهلوى. مطبوع، كما فى الفهرس الاثنى عشرية.

(ج ٤، ص ١٣٨، ش ٤٤٨)

١٤٤. ترجمة نهضة الحسين: لشاهزاده على رضا ميرزا خسروانى. طبع بايران سنة ١٣٦٠. وله ترجمة اخرى اسمها عظمت حسينى. تأتى.

(ج ٢٤، ص ٢٠٤، ش ١٠٤٠)

١٤٥. ترجيع بند: فى مطاعن قتلة الحسين عليه السلام، لميرزا رضا قلى بن مهدى قلى الشقاقى السرابى التبريزى المتوفى بطهران سنة ١٢٨٣. مدرج فى لجة الأم فى ترجمة اللهوف المطبوع بامر ولده ميرزا مهدى خان ممتحن الدولة سنة ١٣١١. ترجيعه:

بر يزيد پليد و ابن زياد هر دمی صد هزار لعنت باد

(ج ٤، ص ١٦٩، بدون شماره)

١٤٦. تركيب بند: فارسى فى رثاء الحسين عليه السلام، للعارف الشيخ آذرى الاسفراينى المتوفى فى دكن سنة ٨٦٦. وهو ملك الشعراء فى عصر السلطان شاهرخ، ناظم بهمن نامه لاحمد شاه البهمنى، كما مرّ. ومن شعره المذكور فى خزانه عامر، ص ٢٢ قوله:

سوراخ مى شود دل ما چون گل حسين هرجا كه ذكر واقعه كربلا رود

(ج ٢٦، ص ٢٠٧، ش ١٠٤٩)

١٤٧. تسليّة المجالس الموسوم بزينة المجالس: ايضاً للسيد العالم محمد بن ابى طالب بن احمد الحسينى الحائرى وهو كتاب كبير فى مقتل الحسين عليه السلام. قال العلامة المجلسى فى اول مجلّدات البحار عند ذكر ما أخذه: «وكتاب مقتل الحسين المسمّى بتسليّة المجالس وزينة المجالس للسيد النجيب العالم». الى آخر ما مرّ. وينقل عنه فى العاشر من البحار بعنوان الكتاب الكبير فى المقتل للسيد العالم الى آخر نسبه. فيظهر منه انه كتاب واحد سمى بكلا الاسمين، ولكن ميرزا محمد الاخبارى فى كتاب الرجال عدّهما اثنين.

(ج ٤، ص ١٧٩، ش ٨٥٥)

١٤٨. تشطير المقصورة الدرّيدية: وجعلها فى رثاء الحسين عليه السلام، للسيد محمد بن مال الله بن معصوم القطيفى النجفى المتوفى بالحائر ١٢٧١. يقرب من اربعماية وخمسين بيتاً مدرج فى ديوانه. اوله تشطير البيت المزيد فى المقصورة:

«يا ظبية اشبه شىء بالمهى» ما لك لاتبكين سبط المصطفى
 تمضين بعد ما دعاك ظامياً «رايقة بين الغوير واللوى»
 «اماترى رأسى حاكى لونه» بيض مواضينا بحومات الوغى
 تلوح فى ليل الوغى كأنها «طرّة صبح تحت اذيال الدجى»

(ج ٤، ص ١٩١، ش ٩٤٨)

١٤٩. تشييد مبانى الايمان: للسيد محمد باقر بن السيد محمد بن السيد دلدار على النقوى

المولود ١٢٣٤. فارسی مطبوع. أوله: «سبحانه ما اجل شأنه واجلى برهانه.» ردّ فيه على المولوى حيدر على الفيض آبادى العامى مؤلف كتاب ازالة الغين الذى كتبه المولوى للردّ على السيد محمد والد مؤلف التشييد فى دعواه انّ شهادة الحسين عليه السلام لا تثبت على اصول اهل السنة.

(ج٤، ص١٩٢، ش٩٥٧)

١٥٠. تصوير كربلا: من كتب المقاتل باللغة الاردوية. طبع بالهند، كما فى الفهرس الاثني عشرية اللاهورية.

(ج٤، ص٢٠٠، ش٩٩١)

١٥١. التظاهرات الحسينية، او، تجلّى دين الاسلام: للشيخ محمد حسن ابن الشيخ ابي القاسم الكاشانى النجفى نزيل بمبئى. ومّر له احكام الجمعة واحكام النيروز وغيرهما ممّا ذكره فى فهرسه بخطّه.

(ج٤، ص٢٠٢، ش١٠٠٤)

١٥٢. تظلم الزهراء: للمولوى رضى الدين بن نبيّ القزوينى المتوفى بعد ١١٣٤. أوله: «يامن لا يخفى عليه انباء المتظلمين.» هو كالشرح على اللهوف ومرتب على ترتيبه من المسالك الثلاثة. فرغ منه فى ١١١٨. ينقل فيه عن البحار كثيراً ويعبّر عن نفسه بنائح الشبل العلوى، فيظهر منه أنّه كان قارىء المصائب الحسينية. رأيت منه نسخة بخطّ الشيخ عبد الله بن ناصر بن حميدان البحرانى كتبها فى قزوين عن نسخة خطّ المؤلف حفظه الله تعالى وفرغ من الكتابة فى ١١٣٤. فيظهر من دعائه حياة المؤلف فى التاريخ. وطبع بايران فى ١٣٠٤ وفى ١٣١٢.

(ج٤، ص٢٠٢، ش١٠٠٥)

١٥٣. تعزية الحسين عليه السلام: بالاردوية. طبع بالهند، لبعض فضلائها.

(ج٤، ص٢١٧، ش١٠٨٦)

١٥٤. تعليم الشهداء: فيما تفرع على شهادة شهداء الطفّ عليهم السلام من النتائج

الاخلاقية، للسيد محمد مجتبي بن السيد محمد حسين النوكانونى الهندى المولود ١٣٢٤ بلغة اردو. طبع سنة ١٣٥٠.

(ج ٤، ص ٢٢٧، ش ١١٣٩)

١٥٥. تلخيص روضة الشهداء: تأليف المولى حسين الكاشفى، للمولى على بن الحسن (الحسين خ ل) السبزوارى. قال فى الرياض: «رأيت نسخة منه فى تبريز وحمله على أنه لولد المؤلف بعيد من وجوه فلاحظ».

(ج ٤، ص ٤٢٢، ش ١٨٦٤)

١٥٦. التنبيه فى جواز الشبيه: للسيد مهدى بن السيد محمد الموسوى الاصفهانى المولود بالكاظمية سنة ١٣١٩. ذكره فى فهرس تمدن در اسلام. مطبوع لمؤلف بانوى اسلام، كما مرّ.

(ج ٢٦، ص ٢٣٧، ش ١١٩٤)

١٥٧. التنزيه فى اعمال الشبيه: لسمينا السيد المعاصر مؤلف اعيان الشيعة المذكور فى ج ٢، ص ٢٤٨. اثبت فيه لزوم تنزيه مجالس العزاء ومحافلها عن غير المشروع من الاعمال ووجوب التحرز عن ادخال بعض المحرمات فى التعزية وافساد هذا الامر الخطير. وقد طبع بمطبعة العرفان فى ١٣٤٧ فى ٢٢ ص. و تشخيصه لبعض مصاديق المحرمات صار محلّ البحث والنظر بين جمع فكتبوا فى ردّه رسائل منها اقالة العاثر والشعائر الحسينية والنظرة الدامعة وغيرها.

(ج ٤، ص ٤٥٥، ش ٢٠٢٧)

١٥٨. التوسل الحسينى: مقتل مختصر نظير اللهوف. للسيد محمد باقر دستغيب الشيرازى المعاصر. طبع بايران.

(ج ٤، ص ٤٨٨، ش ٢١٩١)

١٥٩. توشة عقبى: فى فضائل سيد الشهداء عليه السلام باللغة الكجراتيه، للمولوى الحاج غلام على بن اسماعيل البهاونگرى المعاصر. ذكره فى فهرسه.

(ج ٤، ص ٤٨٨، ش ٢١٩٢)

۱۶۰. توضیح العزاء: فی بیان مصائب سیّد الشهداء علیه السلام بالاردویة. طبع بالهند.

(ج ۴، ص ۴۹۳، ش ۲۲۱۶)

۱۶۱. ثابت نامه: فی الانتقام عن قتلة سیّد الشهداء ابی عبد اللّٰه الحسین علیه السلام باللّٰغة الگجراتیه، للحاج غلام علی ابن الحاج اسماعیل البهاونگری المعاصر. ذکره فی فهرس کتبه.

(ج ۵، ص ۳، ش ۱)

۱۶۲. ثبوت شهادة الامام الشهيد ابی عبد اللّٰه الحسین: للسیّد محمّد هارون الزنجیפורی المتوفی ۱۳۳۹ باللّٰغة الاردویة. مطبوع.

(ج ۵، ص ۷، ش ۱۴)

۱۶۳. ثعبان مبین لاعداء الدین: فی اثبات استحباب البکاء علی الحسین ردّاً علی رسالة النجم الذی ألفه عبد الشکور الشافعی. طبع.

(ج ۵، ص ۷، ش ۱۷)

۱۶۴. الثمرات الجنیة من الحدیقة الحسینیة: للحاج المولی باقر الواعظ ابن المولی اسماعیل الکجوری الطهرانی المتوفی بالمشهد الرضوی ۱۳۱۳. قال فی اوّل کتابه الخصائص الفاطمیة انه فی آداب زیارته وثواب تعزیته فی مجلّدين خرج منه تمام المجلّد الاوّل وبعض الثانی.

(ج ۵، ص ۱۲، ش ۴۷)

۱۶۵. ثمرة الخلافة: للسیّد محمّد بن السیّد دلدار علی النقوی اللکنهوی المولود ۱۱۹۹ والمتوفی ۱۲۸۴. فارسی مطبوع. أوّله: «الحمد لله الذی وفقنا لاتباع السنة السنیة ووفقنا علی الطريقة القویمة المرضیة.» بیّن فیہ انه لا یشبّ شهادة الحسین علیه السلام علی اصول العامة فکتب فی رده المولوی حیدر علی الفیض آبادی المتوفی بعد ۱۲۹۵ وهو من علماء اهل السنة کتابه الموسوم باثبات الخرافة

لصاحب ثمرة الخلافة^١ ولما كتب الفيض آبادى هذا الكتاب وازالة الغين انتصر السيد محمدباقر بن السيد محمد المذكور لوالده بتأليف كتاب تشييد مباني الايمان المذكور فى ج ٤، ص ١٩٢. وكانت ولادة السيد محمد باقر ١٢٣٤ وكان تلميذ والده الملقب بسليمان العلماء، كما ترجمه السيد على نقى فى مشاهير علماء الهند. (ج ٥، ص ١٤، ش ٥٧)

١٦٦. جراح العينين: فى مصيبة مولانا الامام ابى عبدالله الحسين الشهيد عليه السلام، للسيد محمد صادق بن محمد باقر الحسينى الواعظ الاصفهانى المعاصر للسليمان فتحعلى شاه. اوله: «الحمد لله الذى هدانا الى الطريق المستقيم.» مرتب على ثلاثين فصلاً ثم خاتمة فيها عدد اولاده عليه السلام وبعض احوال المختار واخذ الثار واحال فيه الى كتابه عين الدموع. رأيت النسخة التى كتابتها فى ١٢٢٢ فى كتب الشيخ عبدالله المامقانى فى النجف.

(ج ٥، ص ٢٠، ش ٩٧)

١٦٧. جام شهادت: مراثى باللغة الاردوية، للمير كاظم على البلگرامى ولقبه الشعرى شوكت. طبع منه ثلاث حصص فى حيدر آباد.

(ج ٥، ص ٢٥، ش ١١١)

١٦٨. الجامع فى مقتل الحسين عليه السلام: للشيخ على بن محمد الهجرى البحرانى. ترجمه فى الرياض وقال لم اعلم عصره. واستظهر سيدنا ابو محمد الحسن صدرالدين فى التكملة انه ابن الشيخ محمد بن سليمان البحرانى الذى كان تلميذ الشيخ البهائى ويروى عنه.

(ج ٥، ص ٣٠، ش ١٤١)

١. وقد ذكرناه فى ج ١، ص ٩٠ اشتبهاً منّا بسميه ومعاصره المولى مير حيدر على الهندى المتوفى ١٣٠٣ الذى كان استاذ السيد محمد باقر مؤلف اسد الغاب وكذلك ذكرنا فى ج ١، ص ٥٢٩ كتابه ازالة الغين عن بصارة العين وكذا فى ج ٢، ص ٤٢٠ ذكرنا كتابه الانوار البدرية، او، المناسك الحديدية كل ذلك بسبب الاشتباه المذكور الذى تبناه عليه الفاضل المعاصر السيد على النقوى اللكنهوى وقد ابدينا له التشكر فى ج ٤ تحت عنوان «تنبيه اهل الخوض».

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٣٣

١٦٩. جامع الزيارات: لابن قولويه، كما عبّر عنه الشيخ في الفهرست لكنه مشهور بكامل الزيارة. طبع بالنجف. يأتي.

(ج ٥، ص ٥٧، بدون شماره)

١٧٠. جامع المصائب: في مجلدين في كلّ منهما مجالس، للشيخ محمد محسن بن الشيخ محمد رفيع الرشتي الاصفهاني المتخلص بعاصي. وله وسيلة النجاة المؤلف في ١٢٦٩. احوال فيه الى بعض مجالس المجلد الثاني من كتابه جامع المصائب. ووالده مؤلف اصل الاصول المذكور في ج ٢، ص ١٦٨.

(ج ٥، ص ٧٠-٧١، ش ٢٧٨)

١٧١. جلاء العين في الاوقات المخصوصة بزيارة الحسين عليه السلام: للسيد حسون البراقي مؤلف تاريخ الكوفة المذكور في ج ٣، ص ٢٨٢. احوال اليه في كتابه الدرّة البهية في تاريخ كربلاء والغاضية الذي ألفه في ١٣١٦.

(ج ٥، ص ١٢٤، ش ٥١٠)

١٧٢. جلوة خورشيد: مراثي بلغة اردو، للمولوي رضا صاحب الهندي. طبع بلكهنو.

(ج ٥، ص ١٢٧، ش ٥٢٥)

١٧٣. جماعت حسيني: ترجمة لابصار العين في انصار الحسين من العربية الى الفارسية. ترجمه شاهزاده علي رضا ميرزا الخسرواني. مطبوع.

(ج ٢٦، ص ٢٥٥، ش ١٢٧٨)

١٧٤. جمرة الفؤاد لزيد يوم المعاد: مقتل فارسي. مطبوع، من تأليف الحاج المولى محمد الشهير بالمقدس الزنجاني المؤلف لمفتاح الجنة في ١٢٨٥ والمطبوع مكرراً.

(ج ٥، ص ١٣٣، ش ٥٤٨)

١٧٥. جنة السرور في كيفية زيارة العاشور: للشيخ علي بن المولى محمد جعفر شريعتمدار الاسترآبادي الطهراني المتوفى ١٣١٥. وترجمه بالفارسية وسمّاه بنتايح الماثور، كما يأتي. ومن هذا الباب شفاء الصدور في شرح زيارة العاشور واللؤلؤ النضيد في

زيارة الحسين الشهيد. المطبوع فى تبريز ١٣٥٩، تأليف الشيخ نصر الله الشبستري
المعاصر وغيرهما.

(ج ٥، ص ١٥٨-١٥٩، ش ٦٦٨)

١٧٦. جنگنامه كربلا: فى نظم مصائب يوم الطف بالاردوية. طبع بمطبعة نول كشور فى
لكهنو.

(ج ٥، ص ١٦٩، ش ٧٣٢)

١٧٧. جواب لاجواب: فارسى انتخاب فيه الاخبار من كتب الفريقين لاقامة عزاء
الحسين (ع)، للسيد ابى القاسم اللاهورى المذكور. وقد طبع مكرراً.

(ج ٥، ص ١٧٠، ش ٧٤٤)

١٧٨. جواب الاعتراض: على اقدام سيد الشهداء (ع) على الشهادة مع عدم الانصار وعدم
ترك حقه تقية كما ترك ابوه حقه مالم يجد ناصرأ، للميرزا حسن بن المولى
عبدالرزاق اللاهيجى القمى. رأيته فى آخر نسخة من كتابه شمع اليقين الذى ألفه
١٠٩٢ وكانت عند السيد ابى القاسم الرياضى الموسوى الخوانسارى فى النجف
وكان تاريخ كتابتها ١٠٩٥.

(ج ٥، ص ١٧٣، ش ٧٥٧)

١٧٩. جواب الاعتراض: عليه ايضاً بآية «ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة»، للمولى جعفر بن
محمد باقر شرف الدين الواعظ التستري المتوفى ١٣٣٥. اوله: «اللهم انت
المرجؤ اذا اشتد الامر وانت المدعو اذا مس الضر». قال حفيده الشيخ مهدي
شرف الدين انه ألفه فى ١٣٣٤.

(ج ٥، ص ١٧٤، ش ٧٥٨)

١٨٠. جواب الاعتراض: عليه ايضاً فارسى اسمه بصيرة السعداء. مرّ فى ج ٣، ص ١٢٦. طبع
بشيراز فى عام تأليفه.

(ج ٥، ص ١٧٤، بدون شماره)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٣٥

١٨١. جواب مسألة العاشورية: في تفسير عاشوراء وحكم الصوم فيه وتعيين ساعة بعد العصر يستحب فيها الافطار، للشيخ احمد بن صالح المذكور آنفاً. ذكره ولده الشيخ محمد صالح.

(ج ٥، ص ١٩١، ش ٨٨٠)

١٨٢. جواز اقامة العزاء لسيد الشهداء عليه السلام: للسيد علي بن السيد دلدار علي النقوي اللكهنوي المتوفى بها في ١٢٥٩. ذكره في نجوم السماء ويأتي جواز العزاء المطبوع ومزّ التنزيه في التحريم.

(ج ٥، ص ٢٤١-٢٤٢، ش ١١٥٥)

١٨٣. جواز العزاء: في اثبات جواز عزاء الحسين (ع) باللغة الاردوية، للسيد ظفر حسن الامروهي. مطبوع. راجع ج ٤، ص ٤٥٥، س ١٣.

(ج ٥، ص ٢٤٤، ش ١١٧٥)

١٨٤. جواهر الايقان: مقتل فارسي، للفاضل الدربندي المولى آغابن عابدين صاحب اسرار الشهادة المتوفى ١٢٨٥. طبع بايران وهو غير سعادات ناصري الذي هو فارسي اسرار الشهادة، كما يأتي في السين. ← ذ ٢ قم ١١٣٤ و ذ ١٢ قم ١١٩٠.

(ج ٥، ص ٢٦٤، ش ١٢٦٧)

١٨٥. جواهر بي بها: ايضاً بالاردوية، للسيد محمد مجتبي بن السيد محمد حسين النوكانوي المعاصر المولود في ١٣٢٤. طبع في حصّتين: اوليهما فيما يتعلّق بالبقاء والعزاء لسيد الشهداء (ع)، خرج من الطبع في ١٣٥٣ و الثانية في الامامة والخلافة والغدير. طبع في ١٣٥٤.

(ج ٥، ص ٢٦٥، ش ١٢٦٦)

١٨٦. جواهر الكلام في سوانح الايام: للسيد المعاصر الميرزا حسن بن السيد محمد الحسيني اليزدي نزيل المشهد الرضوي الملقّب باشرف الواعظين. طبع مجلّده الاول على الحجر بطهران في ١٣٦٢ وفي اوله فهرس وقايع هذا المجلّد الكبير

فى سبعين صفحة مرتباً على عشرة فصول لوقايح كل يوم من ايام العشرة الاولى من المحرم المنتهية بوقايح يوم عاشورا وفى كل فصل يذكر وقايح منقولة كثيرة اتعب نفسه فى جمعها من المواضع المتشتتة. وهو فارسى وقد يذكر بعض الروايات بلفظها ثم يترجمها بالفارسية ويدرج بعض الاشعار الفارسية والعربية. وفرغ منه فى المشهد فى يوم الثلاثاء ١٣ - ع ٢ - ١٣٦١.

(ج ٥، ص ٢٧٧، ش ١٢٩٧)

١٨٧ . جواهر المصائب: مقتل باللغة الاردوية. طبع بالهند فى ١٣٤٨، تأليف الميرزا قاسم على الكربلايى المشهدى الهندى. فيه احوال سيد الشهداء (ع) واصحابه وكيفية شهاداتهم بروايات صحيحة بامضاء بعض علماء الهند.

(ج ٥، ص ٢٨٠، ش ١٣١١)

١٨٨ . جودى، او، ديوان جودى: مقتل فارسى منظوم. طبع على الحجر بايران مكرراً، من نظم الشاعر الاديب المتخلص بجودى الخراسانى المتوفى ١٣٠٢. وهو غير الجودى التبريزى الموسوم ديوان مرثيه الفارسية بالذرّ المتثور، كما يأتى.

(ج ٥، ص ٢٨٦، بدون شماره)

١٨٩ . الجوهرة الزاهرة فى فضل كربلا ومن حلّ فيها من العترة الطاهرة: كما سمى به فى اول الكتاب او الجوهرة الشعشعانية والثمره الجنية فى فضل كربلا والغاضرية ومن حلّ فيها من الذرية. هو تاريخ كربلا، للسيد حسين بن احمد المعروف بالسيد حسون البراقى النجفى مؤلف تاريخ الكوفة المذكور فى ج ٣، ص ٢٨٢. نسخة خطّ المؤلف موجودة عند الخطيب المعاصر الشيخ محمد على يعقوبى فى النجف.

(ج ٥، ص ٢٩٣، ش ١٣٧١)

١٩٠ . الجوهري: لقب مقتل فارسى واسمه طوفان البكاء. مطبوع مكرراً.

(ج ٥، ص ٢٩٤، بدون شماره)

١٩١ . الجهادية: مقتل فارسى، للمولى عبدالعباس الدامغانى الكرمانشاهانى. ينقل فيه عن

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٣٧

اسرار الشهادة للدربندي والمخزن والمعدن للبرغانى. والظاهر انه متأخر عن المولى عباس بن على اكبر الدامغانى مؤلف منبع الدموع فى ١٢٦٦، كما يأتى فى الميم. رأيت الجهادية بخط المولى بمان على الدامغانى المتوفى بالمشهد حدود ١٣٣٠.

(ج ٥، ص ٢٩٧، ش ١٣٩٥)

١٩٢. چشمه غم: مراثى باللغة الكجراتية، للمولى غلام على البهاونگرى المذكور آنفاً. ذكره فى فهرس تصانيفه التى كتبه بخطه.

(ج ٥، ص ٣٠٧، ش ١٤٥٤)

١٩٣. چنار خونبار: فى احوال شجرة يقال انها كانت يخرج منها الدم فى يوم عاشورا من كل سنة وهى بمشهد الامام زاده فى زراباد على ثمانية فراسخ من قزوین، للسيد محمدرضا بن المير محمد قاسم الحسينى نزيل قزوین صاحب بحر المغفرة المذكور فى ج ٢، ص ٤٨. راجع منو در [مينو در]، ص ٦٦٨ و سرزمين قزوین، ص ٢٤١.

(ج ٥، ص ٣٠٨-٣٠٩، ش ١٤٦٩)

١٩٤. چهارده بند: فى مراثى الحسين (ع) بالفارسية، للحاج ملا آغا بابا التبريزى المتخلص بفيضى. طبع على هامش مجالس المتقين.

(ج ٥، ص ٣١٢، ش ١٤٨٥)

١٩٥. چهارده بند: ايضاً فى المراثى، لملك الشعراء الميرزا محمود خان ابن محمد حسين عندليب بن فتح على خان صبا المتوفى ١٣١١. اورده فرهاد ميرزا بتمامه فى القمقام المطبوع. اوله: «باز از افق هلال محرم شد آشكار».

(ج ٥، ص ٣١٢، ش ١٤٨٦)

١٩٦. چهل مجلس: المسمى بذائقة ماتم. يأتى فى الذال المعجمة.

(ج ٥، ص ٣١٦، بدون شماره)

١٩٧. حالات الشهداء : يشبه الرومان. فى بيان مظالم يزيد واحوال شهداء الطفّ باللغة الاردوية. طبع بالهند، كما فى الفهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج ٦، ص ٢٣٤، ش ١٣٠٥)

١٩٨. حجة السعادة فى حجة الشهادة: فارسى فى بيان وقعة يوم الطفّ بكرى بلاء وسائر ما وقع فى جميع الدنيا فى تلك السنة من الوقايع التاريخية، للفاضل صنيع الدولة ثم اعتماد السلطنة محمد حسن خان بن على خان المراغى المتوفى ١٣١٣. وفرغ منه فى ١٣٠٤ وطبع بايران ١٣١٠. ويأتى فلك السعادة فى ابطال احكام النجوم لشاهزاده على قلى ميرزا.

(ج ٦، ص ٢٤١-٢٤٢، ش ١٤٢٥)

١٩٩. حجر اسماعيل : من نظم الشيخ محمد هاشم بن الشيخ محمد مفيد امام الجمعة بشيراز ابن الشيخ نبي بن الشيخ مفيد بن الشيخ حسن البحرانى نزيل شيراز. هو ديوان المراثى مشتمل على جزئين، اولهما القطعات الاربعة عشرة بالعربية والثانى ثلاث وثلاثين قطعة بالفارسية فيها جميع القوافى يشتمل كل قطعة على اثنى عشر الى اربعة عشر بيتاً. وقد جعله ذيلاً لمراثى والده التى جمعها هو بعد وفاته وسمّاه بكعبة الباكين. فالكعبة من بناء الوالد والحجر من بناء الولد وقد فرغ الولد من الحجر فى ذى الحجة ١٢٥٥ وذكر أنه عرضهما على اداء العصر ومنهم اشعر الشعراء الميرزا وصال الشيرازى فاستحسنه وغير قافية الذال المعجمة بما انشأه من نظمه وهو قوله:

از روز حشر و كيفر كقار العياد وز آن شرر به خر من اشرار العياد
فتمّم هو القطعة بقافية العياد، كما اختاره الوصل وهو الميرزا محمد شفيح بن محمد اسماعيل بن محمد شفيح الشيرازى المدعو بميرزا كوچك لانه كان سمى جدّه والمتخلص بوصال والمتوفى ١٢٦٢، كما ارّخه فى آثار العجم. رأيت نسخة خطّ الناظم عند السيد هادى الاشكورى فى النجف.

(ج ٦، ص ٢٤٦، ش ١٤٥١)

٢٠٠. الحديدية الحسينية في قطع لسان اعوان الاموية: للمولى صالح بن المولى محمد محسن بن نظام الدين القرشي الساوجي. كان جده مؤلف نظام الاقوال وتلميذ الشيخ البهائي وكان والده تلميذ المولى خليل بن غازي القزويني وصار مدرّساً في مشهد عبدالعظيم بالري وتوفى ايام تدريسه بها وقام مقامه في التدريس ولده المؤلف للحديدية بالعربية ثم ترجمه بالفارسية وسمّاه بالمقعة الحسينية. والترجمة موجودة، كما يأتي في الميم. والمولى محمد صالح هذا معاصر لصاحب الرياض، كما ذكره فيه ومن علماء عصر الشاه سلطان حسين الصفوي وكتب باسمه كتابه الذرة العلوية في الامامة مرتباً على مقدمة وثلاثة ابواب وخاتمة، كما يأتي في الدال.

(ج ٤، ص ٣٧٩، ش ٢٣٨٠)

٢٠١. حديقة السعداء: للاديب الفاضل محمد بن سليمان البغدادي الشاعر المتخلص بفضولي. ترجمة بالتركية لروضة الشهداء الفارسي الذي ألفه المولى حسين الكاشفي. قال فيه اقتديت بروضة الشهداء في الاصل والحققت به الفوائد من الكتب فكان كتاباً مستقلاً، ورتبه على عشرة ابواب وخاتمة في مصائب الانبياء من آدم الى الخاتم ثم الخمسة النجباء. والخاتمة في سبي العترة الطاهرة. وقد طبع ببولاق في ١٢٧١ وتوجد نسختان منه في الخزانة الرضوية تاريخ كتابة احدهما ١٠٠٥ والآخرى ١٠٠٨ وقطعة من اوله في كتب بيت الطريحي في النجف وفي اوله رباعية:

يارب ره عشقنده بنى شيدا قيل احكام عبادتين بنا اجرا قيل
نظارة صنعنكده گوزم بينا قيل اوصاف جميلنكده ديلم گويا قيل

(ج ٤، ص ٣٨٤، ش ٢٤٠٣)

٢٠٢. حديقة ماتم: مرثي باللغة الاردوية، للمولوي رضا صاحب الهندي. طبع بالهند.

(ج ٤، ص ٣٨٨، ش ٢٤٢١)

٢٠٣. حزن المتقين: فارسي في المصائب، للميرزا محمد ملك الكتاب الشيرازي

المعاصر. طبع فى بمبئى. وله سرور المؤمنين. يأتى.

(ج ٦، ص ٣٩٨، ش ٢٤٧٢)

٢٠٤. الحسرة الدائمة للزفرات فى عدد الهواشم الذين اصيبوا فى الغاضريات: بخط مؤلفه السيد حسون البراقى. موجود فى مكتبة كاشف الغطاء فى النجف الاشرف.

(ج ٢٦، ص ٢٧٦، ش ١٣٨٧)

٢٠٥. الحسين فى تواريخ الامام الشهيد: واحواله للسيد جلال الدين المعاصر. فارسى مطبوع. وقد عدّه الزنجانى من مأخذ كتابه عظمت حسين بعنوان سيد على جلال المعاصر.

(ج ٧، ص ٢١، ش ٩٤)

٢٠٦. الحسين: فى مراثيه وملخص فاجعة الطف بشكل روائى، للسيد محمدرضا بن السيد عبدالحسين شرف الدين الموسوى العاملى المعاصر. طبع فى بغداد ١٣٥٢. ويأتى فى حرف الزاى زندگاني حسين متعدداً.

(ج ٧، ص ٢١-٢٢، ش ٩٥)

٢٠٧. حسين اور مذهب: فى استحباب البكاء على الحسين (ع). طبع باللغة الاردوية فى ٥٠ ص، للسيد آقا مهدى بن محمد تقى بن ابراهيم المعاصر المولود ١٣١٦ من احفاد السيد دلدار على النقوى.

(ج ٧، ص ٢٢، ش ٩٦)

٢٠٨. حسين تكرى: قال المؤلف انها فيما ظهر من معجزات سيد الشهداء (ع) فى بلاد الهند قبل ستين سنة، للمولوى غلام على بن اسماعيل البهاونگرى. طبع باللغة الكجراتية.

(ج ٧، ص ٢٢، ش ٩٧)

٢٠٩. حسين ربانى سياست: للشيخ پادشاه حسين الهندى المتوفى ١٣٥٦. طبع باللغة الاردوية.

(ج ٧، ص ٢٢، ش ٩٨)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٤١

٢١٠. حسين ومشاهير عالم: ايضاً طبع بالاردوية، للسيد رياض على المتخلص في شعره
برياض الهندي المعاصر.

(ج٧، ص٢٢، ش٩٩)

٢١١. الحسينية: في اثبات حلية التشبيه في عزاء الحسين (ع)، للسيد الميرزا ابي القاسم بن
الميرزا كاظم الموسوي الزنجاني المتوفى بها ١٢٩٢. يوجد عند احفاده في
زنجان.

(ج٧، ص٢٢، ش١٠٠)

٢١٢. الرسالة الحسينية: للشيخ عبدالله بن صالح السماهيجي المتوفى ١١٣٥. قال في
اجازته الكبيرة: «انها في خمسين مسألة سألتني بها الشيخ حسين بن الشيخ
عبدالنبي كلها في الفقه.»

(ج٧، ص٢٢، ش١٠١)

٢١٣. الحسينية القرآنية (الفرقانية): في اثبات شهادة الحسين (ع) من آيات القرآن وبيان
دلالتها على شهادته، للسيد غلام حسين الكتوري المتوفى حدود ١٣٤٠. طبع
بالهند في قائمتين: احديهما بالعربية والاخرى باللغة الاردوية.

(ج٧، ص٢٢، ش١٠٢)

٢١٤. حقايق المصائب: من كتب المقاتل لبعض الاصحاب وهو مطبوع، كما يظهر من
بعض الفهارس.

(ج٧، ص٣٤، ش١٧٦)

٢١٥. حملة حسيني: قال استوري في كتابه پرشيان لتريجر، ص ٢٢٤ انها مشوى في وقايع
كربلا من نظم السيد غلام على الموسوي الرضوي الهندي نظمه في ١٢٤٣.
يوجد نسخته في مكتبة بانكي پور.

(ج٧، ص٩١، ش٤٧٠)

٢١٦. الحنانية: قصيدة طويلة في رثاء الحسين (ع)، للسيد محمد بن حنّان. توجد نسخة

منه ضمن مجموعة المراثى فى مكتبة الطهرانى بسامراء تاريخ كتابتها حدود الالف من الهجرة.

(ج٧، ص٩٣، ش٤٨٠)

٢١٧. خزائن المراثى: قصائد ومثنويات وترجيعات وغيرها يقرب من خمسة آلاف بيت بالفارسية كلها فى رثاء الائمة [كلها فى رثاء الحسين]، للميرزا محمدعلى بن الميرزا محمد حسين المتخلص بالانصارى القمى المولود ١٣٢٩. طبع بطهران ١٣٦٥. وله آئنه دل فاتنا ذكره. والمؤلف يقول ان نسبه ينتهى الى سعد بن عبدالله الاشعري القمى.

(ج٧، ص١٥٦، ش٨٤١)

٢١٨. خزينة الماتم: مراثى باللغة الكجراتية، للحاج غلام على بن اسماعيل البهاونگرى المعاصر. طبع مع اكثر تصانيفه الكجراتية.

(ج٧، ص١٥٩، ش٨٥٦)

٢١٩. الخصائص الحسينية: للشيخ جعفر بن المولى حسين الشوشترى نزيل النجف المتوفى بكرند راجعاً عن زيارة مشهد خراسان فى ليلة الاربعين ١٣٠٣. ومادة تاريخه «كواكب قد نثرت»، كما استخرجها تلميذه ميرزا محمد الهمدانى وذكرها فى رسالته التى ألفها فى ترجمة استاده المؤلف بعد وفاته وسماها غنيمه السفر فى ترجمة الشيخ جعفر. فرغ منه فى ٢٣ - ١٤ - ١٣٠٣ وفى مادة التاريخ اشارة الى واقعة تلك الليلة من ثنائى النجوم حيث يقال انه لم يسمع بمثله فى التواريخ الا فى سنة وفاة الكلينى (٣٢٩)، كما ذكره النجاشى. طبع المجلد الاوّل من الخصائص بعد وفاة المؤلف بستة اشهر. اوله: «الحمد لله وسلام على عباده». ذكر فى اوله ان ترتيب الكتاب على ثلاثين عنواناً فذكر فهرس العناوين الى العنوان الحادى عشر وقال نختم به هذا المجلد فيظهر منه ان العناوين التسعة عشر الباقية داخله فى المجلد الثانى ولم نعلم انه خرج من قلمه بعضاً او كلاً ام لا.

وطبعت ترجمته بالفارسية الموسومة بوسائل المخبتين. ويأتى دمع العين فى شرح خصائص الحسين وكذا لوائح اللوحين فى شرح خصائص الحسين، كما يأتى الدرّ النضيد فى خصائص الحسين الشهيد. وله تصانيف اخر اشهرها الخصائص هذا ومنها الفقه الفارسى الموسوم بمنهج الرشاد المطبوع ١٢٨٨. يظهر منه تبخره فى الفقه ولوالده المولى حسين الفقيه الشهير بالواعظ مختصر الاصلاح الآتى فى الميم أنه ألفه بامر استاده السيد المجاهد المؤلف لاصلاح العمل والمتوفى ١٢٤٢. وكان المولى حسين هذا ابن الحسن بن المولى على بن على المعروف بالنجار التستري، كما ذكر فى غنيمة السفر والمولى على هو الذى ترجمه السيد عبد الله الجزائرى فى اجازته الكبيرة بقوله: «مولانا على بن على النجار التستري اخى وتقتى وخاصتى العالم الورع الجليل الذى لا يماثل بكفو ولا عديل». الى آخر الترجمة. كتبها فى ١١٦٨ ودعا له بقوله «سلمه الله تعالى» فيظهر حياته فى التاريخ.

(ج ٧، ص ١٦٦-١٦٧، ش ٨٨٨)

٢٢٠. الخصائص الحسينية: باللغة الججراتية، للحاج غلام على بن اسماعيل البهائونگرى المعاصر. طبع اكثر تصانيفه.

(ج ٧، ص ١٦٧، ش ٨٨٩)

٢٢١. خطباء المنبر الحسينى: فى تراجم الوعّاظ والمبلّغين من المعاصرين. ألفه الشاب البارع الخطيب الشيخ حيدر بن الشيخ صالح المرجانى النجفى فى جزئين. طبع أولهما سنة ١٣٦٨ والثانى ١٣٦٩.

(ج ٢٦، ص ٢٨٧، ش ١٤٣٨)

٢٢٢. خلاصة الروضة: يعنى روضة الشهداء الكاشفية. ذكر أولاً فى الرياض أنه للمولى صفى الدين على ابن مؤلف، اصله المولى [للمولى] كمال الدين حسين بن على الكاشفى، فقال فى الرياض انى رأيت نسخة منه فى تبريز ثم احتمل أنه للمولى

ابى الحسن على ابن الحسن الزوارى المفسر واستبعد كونه لولد الكاشفى. اقول رأيت نسخة منه بمشهد خراسان عند الشيخ على اكبر الكرماني مؤلف نفيس اللباب قد صرح المؤلف فى أوّله باسمه على بن الحسن الزوارى وقد ألفه باسم المير عبدالغفار الثانى مرتباً على عشرة ابواب وخاتمة فيها تسعة فصوله فى تواريخ الائمة التسعة من ولد الحسين (ع) وذكر نسبهم ومواليدهم ووفياتهم ودعا لمؤلف اصله كمال الدين حسين بقوله «روح الله روحه».

(ج.٧، ص.٢٢٧، ش.١٠٩٣)

٢٢٣. خلاصة المصائب: مقتل باللغة الاردوية، للميرزا محمد هادى المتخلص بصلاح ابن الميرزا على بن الميرزا ببر على بن سهراب على خان الهندى. ألفه للسلطان واجد على شاه وطبع أولاً ١٢٦٣ وثنائياً بنظر السيد تصدق حسين الرضوى اخيراً.

(ج.٧، ص.٢٣٣، ش.١١٢٤)

٢٢٤. خلاصة المصائب: مقتل فارسى مرتب على ستين مجلساً ذكر فى أوّله فهرسها مفصلاً، للمولى محمد حسن القزوينى المعاصر المولود فى ١٢٩٦، كما يظهر من تاريخ تأليفه فانه ذكر انه ألفه ١٣٢٨ وله يومئذ اثنتان وثلاثون سنة. رأيت نسخة خط المؤلف عند السيد هادى الاشكورى فى النجف.

(ج.٧، ص.٢٣٣، ش.١١٢٧)

٢٢٥. الخلق الحسينى: للسيد على محمد بن السيد محمد بن السيد دلدار على النقوى المتوفى ١٣١٢. ذكره السيد على نقى فى مشاهير علماء الهند.

(ج.٧، ص.٢٤٥، ش.١١٨٤)

٢٢٦. خوش بوى بهشت: فى احوال شهداء الطف بالگجراتية، للمولوى الحاج غلام على البهاونگرى المعاصر، مرتب على خمسين مجلساً وطبع فى ٣٥٠ص.

(ج.٧، ص.٢٧٨، ش.١٣٥٨)

امام حسين(ع) در الذريعة / ٣٤٥

٢٢٧. خونابه اشك: مراثنى منظومة باللغة الاردوية، للفاضلة المسماة بالصالحة الهندية. مطبوع.

(ج٧، ص٢٧٨، ش١٣٦١)

٢٢٨. خونبار: كما يقال كذلك تخفيفاً وسماه مؤلفه فى رسالته الصيامية بجنار خونبار، كما مرّ فى ج٥، ص٣٠٨.

(ج٧، ص٢٧٨، بدون شماره)

٢٢٩. داستان مظلوميت: فى سيرة الحسين سيد الشهداء باللغة الاردوية. مطبوع بالهند، كما فى الفهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج٨، ص٤٠، ش٦٩)

٢٣٠. دربار حسين: فى تراجم بعض الشعراء الراثين للحسين(ع) بالاردوية وهم من تلاميذ الميرزا سلامت على المتخلص دبیر. طبع بالهند.

(ج٨، ص٥٧، ش١٧١)

٢٣١. الدرّ الفريد فى العزاء على السبط الشهيد: للسيد الميرزا على بن الميرزا محمد حسين الحسينى المرعشى الشهرستانى الحائرى المتوفى ١١ رجب ١٣٤٤. وهو مطبوع.

(ج٨، ص٦٩، ش٢٣٧)

٢٣٢. در مصائب: مقتل باللغة الاردوية. للمولوى قاسم على رضا صاحب الهندى. طبع فى خمسة اجزاء. وله ايضاً نزهة المصائب وشرعة المصائب ونهر المصائب كلها مطبوعات اردوية.

(ج٨، ص٧٢، ش٢٤٥)

٢٣٣. الدرّ المنثور: ديوان المراثى بالفارسية، للميرزا جودى التبريزى. مطبوع وهو غير الجودى الخراسانى المذكور فى ج٥، ص٢٨٦، وغير المولى ستار التبريزى المتخلص بجودى ايضاً الراثى للحسين(ع). فان اشعاره بالتركية، كما ذكره

فى دانشمندان آذربايجان، ص ١٠٠.

(ج ٨، ص ٧٥، ش ٢٦٤)

٢٣٤. الدر المنظوم فى ذرية الشهيد المظلوم: لبعض الاصحاب. نقل عنه السيد محمدرضا الحلّى المسكن فى كتابه لواع الدرر وقال انه تأليف ابن هانى والمنقول عنه هو مارواه البلاذرى عن ابى هريره من وحي الله تعالى الى آدم ان من عادى علياً ونازعه حقه فليتبوء مقعده من النار.

(ج ٨، ص ٧٨، ش ٢٧٩)

٢٣٥. الدر النضيد فى تعازى الامام الشهيد: للسيد بهاء الدين على بن غياث الدين عبد الكريم بن عبد الحميد الحسينى النيلي النجفى النسابة المجيز للشيخ ابى العباس احمد بن فهد الحلّى فى ٧٩١ والراوى فى كتابه هذا عن جده الادنى السيد عبد الحميد النيلي الذى مرّ تمام نسبه فى ج ٢، ص ٤١٦ فى عنوان الأنوار الالهية الموسوم بالانوار المضيئة. وقلنا ان بينه وبين جده الاعلى جلال الدين عبد الحميد ابن التقى عبدالله بن اسامة النسابة الذى قرأ عليه الشيخ محمد بن المشهدى وفخار بن معد الموسوى ثمانية آباء، كما ان بين سميه المقدم عليه المؤلف لايضاح المصباح المذكور فى ج ٢، ص ٥٠٠ وبين جلال الدين عبد الحميد خمسة آباء. كان الدر النضيد هذا عند العلامة المجلسى ينقل عنه مايتعلق بشهادة الحسين (ع) واصحابه وخروج المختار وبعض احواله. وظاهر نقل المؤلف عن جده روايته عنه سماعاً لانقلاً عن خطه فلاوجه للترديد فيه.

(ج ٨، ص ٨١-٨٢، ش ٢٩٦)

٢٣٦. الدر النضيد فى مراثى السبط الشهيد: لمؤلف اعيان الشيعة سيدنا المحسن الامين العاملى نزيل دمشق الشام. طبع مرة مع لواعج الاشجان بمطبعة العرفان واخرى فى ١٣٤٦. قد جمع فيه المختار من مراثيه على ترتيب الحروف وثالثة مع زيادات على اصله.

(ج ٨، ص ٨٢، ش ٢٩٧)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٤٧

٢٣٧. الدرّ النضيد في خصائص الحسين الشهيد (ع): للسيد هاشم بن سليمان بن اسماعيل التوبلي البحراني المتوفى ١١٠٧. عدّه في الرياض من تصانيفه التي رآها عند ولده باصفهان.

(ج ٨، ص ٨٢، ش ٣٠٠)

٢٣٨. الدرّة: مقتل فارسي في مائة واحد وستين مجلساً، للحاج الشيخ جمال الدين الميثمي العراقي الطهراني المولود حدود ١٢٩٠. رأيتّه بخطّه وقد فرغ منه في ١٣٤٩ وهو ابن مولانا الشيخ محمّد تقى بن الشيخ محمود العراقي مؤلف قوامع الاصول المطبوع ١٣٠٥.

(ج ٨، ص ٨٨، ش ٣١٨)

٢٣٩. الدرّة البهية في احوال الروضة الحسينية: المسمّاة بكربلاء والغاضرية ونيوى وعمورية والحراء الجليلة على ساكنها آلاف التحية. هو في تاريخ كربلاء. ألفه السيد حسين بن احمد الشهير بالسيد حسن البراقى بعد كتابه الحسرة الكامنة الذى مرّ في ج ٧، ص ١٤ وبعد كتابه جلاء العين المذكور في ج ٥، ص ١٢٤ وقد فرغ من الدرّة البهية في ١٢ - ٢٤ - ١٣١٦. أوّله: «الحمد لله ربّ العالمين». رأيتّه في النجف.

(ج ٨، ص ٩١، ش ٣٢٩)

٢٤٠. درّة التاج: مقتل فارسي كبير مثثور ومنظوم من المراثى وغيره، للمولى الملقّب بتاج الواعظين النيشابورى. طبع بايران.

(ج ٨، ص ٩٤، ش ٣٤٧)

٢٤١. الدرّة الثمينه في حرمة التعبيه والشبيه: للميرزا محمّد بن سليمان التنكابنى المتوفى ١٣٠٢. رأيتّه عند الحاج السيد مصطفى بن ابى القاسم التستري النجفي من آل المحدّث الجزائري تأريخ كتابه النسخة ١٢٧١.

(ج ٨، ص ٩٦ - ٩٧، ش ٣٤٢)

٢٤٢. الدرّة الغروية والتحفّة الحسينية: فى احوال سيّد الشهداء (ع) من أوّل الخلقة الى السكون فى الجنة، للحاج الشيخ محمّد باقر بن محمّد جعفر البهارى الهمدانى المتوفى ١٣٣٣ مؤلف ابهى الدرر المذكور فى ج ١، ص ٧٩. والنسخة بخطّ يده مع سائر تصانيفه الكثيرة ومنها المستدرك للدرّة الغروية، ذكر فيه ما فاته فى الدرّة كلّها كانت فى مكتبته بهمدان.

(ج ٨، ص ١٠٤، ش ٣٨٣)

٢٤٣. درّة الغيوم: فى مراثى سيّد الشهداء (ع) باللغة الاردوية، لشاعرها الاديب المتخلّص بناجى الهندى. طبع بها.

(ج ٨، ص ١٠٥، ش ٣٨٧)

٢٤٤. درّة المصائب: من كتب المقاتل والمراثى لسيّد الشهداء (ع). طبع بالهند كما فى بعض الفهارس.

(ج ٨، ص ١٠٧، ش ٣٩٧)

٢٤٥. درر السمط فى خبر السبط: لامام الاندلس ابن الابار المقتول ظلماً. قتله صاحب تونس، كما ذكر فى مرآة الجنان وشذرات الذهب وقاموس الاعلام وغيرها فى العشرين من المحرم ٦٥٨. وهو القاضى ابو عبد الله محمّد بن عبد الله القضاعى البلنسى الاندلسى. نقل الشيخ احمد بن محمّد التلمسانى المتوفى بمصر فى ١٠٤١ عين عبارات هذا الكتاب مصرحاً بتشيع مؤلفه فى كتابه نفح الطيب من غصن الاندلس الرطيب. وقد طبع مرّتين فى اربع مجلّدات فاورد فى اواخر المجلّد الثانى منه بعد ذكره رسالة القاضى ابى المطرف بن عميرة المخزومى فى جواب كتابه ابى عبد الله ابن الابار اليه عدّة فصول من كلام ابن الابار فى كتابه المسمّى بدرر السمط فى خبر السبط وفيها ما يدلّ على شدّة ولائه واتباعه لاهل البيت (ع) ثمّ بعد نقله لعدّة فصول قال مؤلف نفح الطيب مالفظه: «ولم اورد منه غير ما ذكرته لأن فى الباقي ما يشمّ منه رائحة التشيع واللّه سبحانه يسامحه.»

(ج ٨، ص ١٢٤-١٢٥، ش ٤٦٠)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٤٩

٢٤٦. درر المصائب: منظوم فارسی فی مرآتی الحسين الشهيد (ع)، للميرزا محمد شفيع المتخلص بشوقی. طبع بطهران.

(ج ٨، ص ١٣٥، ش ٥٠٢)

٢٤٧. دعاء عرفة: المنسوب الى سيد الشهداء (ع)، دعاء مبسوط مشهور فيقال أنه كان يدعو به في جبل عرفات على ملأ من الناس وقد حفظوه عنه. وفيه بيان الحمد والثناء والشكر للحضرة الربوبية وتقرير المعارف الدينية الالهية وذكر بدايع صنائع الله تعالى في مخلوقاته. وقد شرحه العلماء مكرراً منها شرح السيد علي خان بن خلف الموسوم بمظهر الغرائب ويأتي بعض شروحه في الشين. راجع دعاء الموقف.

(ج ٨، ص ١٩٣، ش ٧٥٩)

٢٤٨. كتاب دعاء الموقف: للشيخ الصدوق. قال في باب ادعية الموقف من كتاب من لا يحضره الفقيه: «قد اخرجت دعاء جامعاً لموقف عرفة في كتاب دعاء الموقف من احب ان يدعو به.» فيظهر ان اسم الكتاب دعاء الموقف لكن ذكره النجاشي بعنوان ادعية الموقف، كما مر في ج ١، ص ٤٠١. راجع دعاء عرفة.

(ج ٨، ص ١٩٣، بدون شماره)

٢٤٩. الدعاة الحسينية: في حكم بعض انواع التعزية، للمولى محمد علي بن خداداد النخجواني النجفي المتوفى بالحائر وحمل طرياً الى النجف في اوائل ليلة الجمعة ١٧ - ٢٤ - ١٣٣٤، كما أرخه في احسن الوديعه، ج ١، ص ٢٢٢. وقد طبع على الحجر في ١٣٣١. راجع دفع التمويه الآتي.

(ج ٨، ص ١٩٨، ش ٧٧٦)

٢٥٠. الدعوة الحسينية الى مواهب الله السنية: في اثبات استحباب البكاء على الحسين بن علي الشهيد (ع) على حسب مقررات العامة وقوانينهم والموازين الشرعية عندهم، للحاج الشيخ محمد باقر الهمداني المؤلف لابهي الدرر المذكور في ج ١،

ص ٧٩. توجد نسخه بخطه فى مكتبته بهمدان.

(ج ٨، ص ٢٠٧، ش ٨٥٠)

٢٥١. دفتر غم: طبع بالهند فى مجلدين فى المراثى والمصائب، للسيد محمد على بن المفتى السيد محمد عباس التستري اللكهنوى المعاصر المولود ١٢٩٨.

(ج ٨، ص ٢٢٥-٢٢٦، ش ٩٢٩)

٢٥٢. دفتر ماتم: مقتل باللغة الاردوية. طبع مجلده الاول بالهند، وهو للميرزا دبير صاحب الهندى.

(ج ٨، ص ٢٢٦، ش ٩٣١)

٢٥٣. دفع التمويه عن رسالة التنزيه فى اعمال الشبيه: مرّ التنزيه فى ج ٤، ص ٤٥٥ مع ماكتب فى نقده وهذا انتصار له. كتبه الخطيب الاديب الشهير بالشيوخ على جمال القارىى للتعزية فى دمشق الشام و طبع فى ١٣٤٧. ومرّ ايضاً الدعاء الحسينية.

(ج ٨، ص ٢٢٨، ش ٩٤١)

٢٥٤. دمع ذروف فى ترجمة للهوف: باللغة الاردوية مطبوع بالهند، وهو للسيد محمد حسين بن حسين بخش الزيدى النسب النوكانوى المولد الهندى المعاصر مؤلف تذكرة بى بها فى تاريخ العلماء ولد فى ١٢٨٣ وتوفى اول ليلة الجمعة الثانى والعشرين من ذى القعدة ١٣٥٥. حدّثنى بتاريخه ولده الفاضل السيد محمد مجتبى المولود حدود ١٣٢٤ ومرّ تاريخ العلماء فى ج ٣، ص ٢٦٥.

(ج ٨، ص ٢٦٤، ش ١١١٤)

٢٥٥. دمع العين على خصائص الحسين: ترجمة للخصائص الحسينية التسترية السابق ذكره فى الخاء بالفارسية، للحاج الميرزا محمد حسين بن محمد على الحسينى المرعشى الشهرستانى المتوفى بالحائر فى ١٣١٥. طبع فى بمبئى ١٣١٣. اوله: «حمد وثنا مخصوص خداوند».

(ج ٨، ص ٢٦٤، ش ١١١٥)

٢٥٦. الدمعة الساكبة في المصيبة الراتبة والمناقب الثاقبة والمثالب العائبة: للحاج المولى محمد باقر بن عبد الكريم الدهدشتي البهبهاني النجفي المسكن والمدفن توفى بها في ١٢٨٥. كبير في خمس مجلدات. طبع الاول والثاني والثالث منها ضمن مجلد كبير ضخيم في ١٣٠٦ وبقي المجلد الرابع والخامس. احدهما في احوال الحجة (ع) فيما يتعلّق بالرجعة، كلاهما بخط المؤلف في غاية البسط وتبلغ الى مائة الف بيت ونسختها المنحصرة موقوفة في النجف ومعرضة للضياع والتلف. ذكر في اوله فهرس مطالب جميع المجلدات وذكر ما أخذ الكتاب مفصلاً وانشأ خطبته وديباجته الميرزا محمد الهمداني نزيل الكاظمية والملقب بامام الحرمين المتوفى او اخر ١٣٠٣، كما ذكره في المجلد الاول من كتابه المحاسن الآتي في الميم. اوله: «احمدك اللهم حمد عبد فضلت مواليه». وطبع في اول المجلد الاول تقاريط كثير من علماء عصره مثل السيد الشيرازي، السيد حسين الكوهكمري، السيد علي بحر العلوم، الحاج مولى علي الخليلي، الفاضل ايرواني، الشيخ محمد حسين الكاظمي، الشيخ راضي آل خضر، الشيخ مهدي آل كاشف الغطاء، الشيخ نوح الجعفري، الشيخ عبدالحسين نعمة الطريحي، الشيخ جعفر بن الشيخ محسن الأعمش. وللفضلاء الادباء قصائد في مدحه وللمؤلف بعض منامات ومقامات اوردها شيخنا النوري في الجنة المأوى. وهو والد المولى علي محمد الكتافروش في الصحن العلوي المتوفى حدود ١٣٢٤ وقد حدثني ببعض احواله منها أنه كان سريعاً في الكتابة مجدداً بها وقد كتب بخطه تمام دورة الجواهر ومجلداته ثلاث مرات بالاجرة وكان يأخذ اجرة كل دورة خمسين تومانا ومن مزاولته للكتابة ومجالسته مع العلماء والفضلاء حصلت له ملكة حسن التأليف والتصنيف وبقي له هذا الاثر.

(ج ٨، ص ٢٦٤-٢٦٥، ش ١١١٨)

٢٥٧. الدمعة الساكبة والمصيبة الراتبة: قصائد من بحر الطويل في رثاء الحسين (ع). اوله:

«نحمده وبه نستعين». رأيته ضمن مجموعة في النجف مكتوب عليها أنه دونه السيد محمد.

(ج ۸، ص ۲۶۵، ش ۱۱۱۹)

۲۵۸. الدمعة الهاطلة: من كتب المقتل المطبوع بالهند، لبعض فضلائها.

(ج ۸، ص ۲۶۵، ش ۱۱۲۱)

۲۵۹. دوازده بند: في المراثي، للاخوند المولى محمد باقر (ره). توجد نسخة منه في مكتبة الحاج مولى باقر التستري الذي توفي سنة ۱۳۲۷. ذكره مع دوازده بند للمحتشم ولعل مراده.... [كذا في المتن].

(ج ۲۶، ص ۳۰۱، ش ۱۵۱۳)

۲۶۰. دوازده بند: في المراثي، للميرزا ثاقب الشاعر المتأخر. هو تخميس لدوازده بند للمحتشم الكاشاني المتوفى بعد ۹۹۱.

(ج ۸، ص ۲۶۹-۲۷۰، ش ۱۱۴۱)

۲۶۱. دوازده بند: في المراثي. للحاج سليمان الملقب بميرزا صباحي البيدكلي الكاشاني المتوفى ۱۲۰۶. اورده بتمامه في مقام زخار وطبع مستقلاً ايضاً. وآتشكده آذر [كذا في المتن] وترجم في مجمع الفصحاء ج ۲، ص ۲۶۳ وغيره. له ديوان اوله:

افتاد شامگه به کنار افق نگون خور چون سربریده از این طشت واژگون

(ج ۸، ص ۲۷۰، ش ۱۱۴۲)

۲۶۲. دوازده بند: في المراثي، لملك الشعراء المتخلص بصبوري الخراساني المتوفى ۱۲۲۲ بالمشهد. طبع وله ديوان.

(ج ۸، ص ۲۷۰، ش ۱۱۴۳)

۲۶۳. دوازده بند: في المراثي، للشاعر المتخلص بگریان مؤلف انوار المجالس المذكور في ج ۲، ص ۴۳۹. هو تخميس لدوازده بند للمحتشم.

(ج ۸، ص ۲۷۰، ش ۱۱۴۴)

٢٦٤. دوازده بند: في المراثي، للشاعر الفارسي المتخلص بالمحتشم الكاشاني. له تاريخ موت الشاه اسماعيل في ست ربايعات في ٩٨٥ ادرج فيها ١١٢٨ تاريخاً. وله تاريخ موت ميرزا مخدوم في ٩٩١. وقد نالت مراثي هذا الشاعر درجة القبول وتبعته الشعراء في هذا القسم من الرثاء حتى ان السيد بحر العلوم رحمه الله نظم دوازده بند بالعربية وهو معرب دوازده بند للمحتشم وذكرناه في ج ١، ص ١١٣ بعنوان الاثني عشريات في المراثي، كما ذكرنا تخميس الاثني عشريات في ج ٤، ص ٧ ويسمى العقود الاثني عشر ايضاً. واشرنا الى تخميسه في ج ٤، ص ١٠.

(ج ٨، ص ٢٧٠، ش ١١٤٥)

٢٦٥. دوازده بند: في المراثي، لميرزا وصال الشيرازي المولود ١١٩٧ وهو الميرزا محمد شفيع الملقب بميرزا كوچك لكونه سمى جدّه الادنى. واسم والده محمد اسماعيل كان تخلصه اولاً مهجور لكن غيره بوصال. مرشده العارف السيد ابوالقاسم سكوت وتوفى ١٢٦٢. ترجمه حفيده مفضلاً في اول كتابه گلشن وصال واورد بعضاً من دوازده بند وقد طبع مكرراً في ديوان مراثيه.

(ج ٨، ص ٢٧٠، ش ١١٤٦)

٢٦٦. دوازده بند: في المراثي، لميرزا وقار بن وصال المذكور كان اكبر من اخوته واسمه احمد. ولد ١٢٣٢ وتوفى ١٢٨٩. ترجمه في گلشن وصال مفضلاً واورد بعض آثاره ونقل جملة من احواله. وطبع دوازده بند له مع دوازده بند للصباحي والمحتشم في مجلد واحد.

(ج ٨، ص ٢٧٠، ش ١١٤٧)

٢٦٧. دوازده بند: للشيخ محمد مفيد بن الشيخ نبي بن الشيخ مفيد بن الشيخ حسن البحراني الشيرازي، امام الجمعة بها في عصر السلطان فتحعلي شاه. ادرجه ولده الشيخ محمد هاشم فيما دونه من ديوان والده بعد وفاته وسماه كعبة الباكين ثم ذيله في ١٢٥٥ بكتابه حجر اسماعيل المذكور في ج ٦، ٢٦٦.

(ج ٨، ص ٢٧١، ش ١١٤٨)

٢٦٨. ده مجلس: منظوم باللغة الاردوية فى رثاء الحسين (ع). طبع بمطبعة نول كشور.

ويأتى فى الميم مجالس عشرة الذى يقرأ فى العشر الاوّل من المحرّم.

(ج ٨، ص ٢٨٣، ش ١٢١٨)

٢٦٩. ده مخزن: فى مقتل الحسين الشهيد واصحابه (ع)، للحكيم نصرالله خان صاحب

الهندي. طبع بلكهنو بالاردوية.

(ج ٨، ص ٢٨٣، ش ١٢١٩)

٢٧٠. ديوان آهى تبريزى: كلّها مراثى بالتركية. ذكره فى دجا، ص ١٣.

(ج ١٩، ص ١٢، ش ٨٠)

٢٧١. ديوان ابن نصّار: ويقال له النصاريّات ايضاً. نظمه الشيخ محمّد بن على بن ابراهيم آل

نصّار الشيبانى او الشبانى المعروف بابن نصّار. كان عالماً فاضلاً اديباً شاعراً ماهراً من اسرة ادب و علم. اصلهم من لموم بنواحي البحرين. سكنوا النجف

لتحصيل العلم وتوفى منهم بالطاعون الجارف فى ١٢٤٦ قرب اربعين رجلاً كلّهم طلبة العلم وتوفى هو فى ج ١ - ١٢٩١ و دفن قرب الباب طوسى من

الصحن الغروى. ترجمه مفضلاً سيّدنا الحسن صدرالدين فى تكملة اهل الآمل

وقد لخصنا منه. وهذا الديوان كلّه فى مراثى الحسين (ع) ونعيه بلسان اهل

البادية والعربى المكسّر واللسان الدراج [الدراج] المعروف بحسكة. وقد جمع

كثيراً منه السيّد المحسن الامين وسمّاه النعى بلسان الحسكة. وقد تداوله القرّاء

للتعزية فيقرأ على المنابر فى مجالس العزاء. وقد طبع هذا الديوان بمطبعة

المظفرى والحق به فى الطبع اشعار اخر لبعض الشعراء غير ابن نصّار. ولا

يخفى أنّه ليس ابن نصّار هذا صاحب الديوان من بيت الشيخ العالم الفقيه الشيخ

نصّار بن احمد العيسى الحكيمى النجفى الذى كان من تلاميذ الشيخ مهدي

الفتونى العاملى النجفى والمعاصر للسيّد محسن الاعرجى والشيخ جعفر

كاشف الغطا وكان ابنه الشيخ راضى نصّار من تلاميذ الشيخ جعفر. وقد كتب

امام حسين(ع) در الذريعة / ٣٥٥

نسخة كشف الغطاء لاستاده وصححه بخطه واخوه الشيخ سعد بن احمد العبسي ايضاً كان من العلماء الاتقياء، كما نبه به العالم النقي الشيخ عبدالرسول بن الشيخ سعد. قال سيدنا في التكملة ان الشيخ نصار العبسي هو اول من اسس اقامة مجالس التعزية في النجف ومن عصره كثرت المجالس واجريت سنته حتى يومنا وكانت وفاته حدود ١٢٤٠.

(ج ١/٩، ص ٣١-٣٢، ش ١٧٨)

٢٧٢. ديوان تركي شيرازي: هو محمد حسين الملقب آغولي. ترجمه في آثار العجم، ص ٥٤٨ و ٥٣١. و ديوانه في جزئين: اولهما حديقه البكاء في المراثي والثاني لاله زار في الغزل. طبعاً في مجلد واحد بمبئي في ١٣١٤. وله كتاب السفارة في ذم الرياء، مشوي في ذم مجالس الطعام الذي كان يقيمه الاغنياء باسم عزاء الحسين. طبع في بمبئي ١٣٠٩ في ٤٨ ص. ← مفتاح البكاء، ذ ٢١ قم ٥٢٧٣.

(ج ١/٩، ص ١٦٩، ش ١٠٧٣)

٢٧٣. ديوان جودي تبريزي: في المراثي بالتركية، للشاعر الراثي للحسين(ع) ملاً ستار التبريزي المتخلص بجودي. حكاها في دجا، ص ١٠٠ عن حديقه الشعراء تأليف على شاه المتخلص باسرار والمولود ١٢٦٥ المذكور ديوانه.

(ج ١/٩، ص ٢٠٩، ش ١٢٨٨)

٢٧٤. ديوان جودي تبريزي: مر بعنوان الدر المنثور في ٨: ٧٥. وهو فارسي مطبوع.

(ج ١/٩، ص ٢٠٩، بدون شماره)

٢٧٥. ديوان جودي خراساني: مقتل فارسي منظوم، للاديب الشاعر الخراساني عبدالجواد المتخلص بجودي المتوفى ١٣٠٢. طبع بايران مكرراً ولثالث مرة بطهران في ١٦٠ ص في ١٣١٠. وطبع في موضوع مراثي الحسين والائمة(ع): حيدر بيك ٢٤ ص، معراج نامه ٣٢ ص، دوازده بند محتشم ١٦ ص، فضائل پيغمبر ١٦ ص، بازار شام ١٦ ص، تعزية سجاد ٣٢ ص، تعزية رقيه خاتون ٣٢ ص، تعزية فاطمة زهراء ٣٢ ص، شهادت مسلم ٣٢ ص، شهادت على اكبر ٣٢ ص، وفات پيغمبر

٣٢ص، شهادت قمر بنى هاشم ٣٢ص، شهادت حرّ ٣٢ص، حسن و حسين
٣٢ص و غيرها، كما فى فهرس خاور.

(ج ١/٩، ص ٢٠٩، ش ١٢٨٩)

٢٧٦. ديوان الامام الحسين بن على بن ابي طالب (ع): جمعه ممّا ينسب اليه من الاشعار الشيخ
محمد حسين المتخلّص بضيائى ابن الشيخ محمد باقر البيرجندى القائى
المعاصر مؤلّف بغيه الطالب المذكور فى ج ٣، ص ١٣٣. ذكره الخيابانى فى هامش
وقايع الايتام. وقد جمع شعره ايضاً الشيخ محمد على المدرّس الخيابانى فى
ديوان المعصومين الآتى.

(ج ١/٩، ص ٢٤٩، ش ١٥٠٧)

٢٧٧. ديوان الشيخ حسين العصفورى: وهو ابن محمد بن احمد بن ابراهيم البحرانى المتوفى
بشاحور ٢١ شوال ١٢١٦. قال فى انوار البدرين أنّه تسعة آلاف بيت كلّها فى مرثى
الحسين (ع).

(ج ١/٩، ص ٢٥٢، ش ١٥٢٥)

٢٧٨. ديوان دخيل مراغهئى: وهو المولى حسين المراغى من شعراء القرن الثالث عشر.
كلّها فى المرثى وقضايا الطفّ فى ستّ مجلّدات بالتركية. طبع فى تبريز. ذكره
دجا، ص ١٤٦ و ديحانة الادب.

(ج ١/٩، ص ٣٢٠، ش ١٨٩٨)

٢٧٩. ديوان ذهنى تبريزى [ديوان الحسينية]: ترجمه معاصره فى دجا، ص ١٥٣ وقال ان اسمه
المشهدى على اصغر من شعراء تبريز. وقد نظم ديوان المرثى وسمّاه ديوان
الحسينية وقد طبع فى تبريز ١٣٤٩.

(ج ٢/٩، ص ٣٤٢، ش ٢٠٢٢)

٢٨٠. ديوان الربيعى النجفى: فى المرثى. طبع بالنجف فى ١٣٤٠، للشيخ عبدالعظيم
الربيعى.

(ج ٢/٩، ص ٣٥٥، ش ٢٠٨٦)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٥٧

٢٨١. ديوان السبتي: باللغة الدارجة في العراق المعروفة بالحسكة كلها في رثاء الحسين (ع). يقرب من ثلاثة آلاف بيت. ايضاً للشيخ كاظم المذكور. دونه ولده الشيخ حسن.

(ج ٢/٩، ص ٤٢٧، ش ٢٤٨٢)

٢٨٢. ديوان شهاب تبريزي: في مصائب الحسين (ع) بالتركية. طبع للمرة الثالثة في مجلدين صغيرين، اولها في ٢٦٤ ص في تبريز على الحجر.

(ج ٢/٩، ص ٥٥٢، ش ٣٠٦٠)

٢٨٣. ديوان صابر تبريزي [توسلات صابر]: واسمه الحاج ميرزا عباس قلي المعاصر الساكن بمشهد خراسان. طبع له توسلات صابر في المراثي بالتركية مع مقدمة لمصححه سعدي زمان في ١٣٣٤ ش على الحجر بتبريز.

(ج ٢/٩، ص ٥٧٢، ش ٣١٥٦)

٢٨٤. ديوان الشيخ عبدالنبي الخطي: في مراثي الحسين (ع). وهو ابن الحاج احمد الخطي. اورد بعض مراثيه الشيخ لطف الله الجدحفصي في مجموعته التي كتبها لنفسه في ١٢٠١ عند الشيخ محمد علي يعقوب.

(ج ٣/٩، ص ٧٠١، ش ٤٨٧٠)

٢٨٥. ديوان عمان ساماني: هو تاج الشعرا الميرزا نورالله ابن الميرزا عبدالله المتخلص جيحون ابن الميرزا عبدالوهاب المتخلص قطره الجهار محلي الاصفهاني. ترجم قطره وابنه دريا المذكور في ص ٣٢٥ في مع ٢: ٤٢١ و ١٢٩. وفاتنا ذكر والده الميرزا عبدالله جيحون ويأتي ذكر ولده محيط واخيه قلزم. ولد عمان ١٢٦٤ و توفي ليلة الثلاثاء ١٢ شوال ١٣٢٢ ودفن بوادي السلام بالنجف، كما نقل لي ذلك المعلم الحبيب آبادي عن ابنه المحيط. وطبع ديوانه باسم گنجينه اسرار في الهند وايران مع معراج المحبة ومستقلاً. ذكر طبعتها في فهرس مشار مفصلاً.

(ج ٣/٩، ص ٧٦٩، ش ٥١٩٧)

٢٨٦. ديوان غريق زنجاني : فارسى وتركى فى المصائب، لحسن غريق. طبعه بطهران مؤسسه زعفرى فى ١٣٣٣ش فى ١٦٦ص.

(ج ٣/٩، ص ٧٨٨، ش ٥٣١٠)

٢٨٧. ديوان كفاش اصفهاني : فى مرآتى الحسين الشهيد. رأيت قرب خمسمائة بيت منه ضمن مجموعة بياضية عند السيد محمد الموسوى الجزائرى فى النجف.

(ج ٣/٩، ص ٩١٢، ش ٦٠٣١)

٢٨٨. ديوان مبكى [مجمع البكا]: طبع له مجمع البكانظماً فى المرآتى بطهران ١٣٣١ فى ١٩٩ص.

(ج ٣/٩، ص ٩٥٧، ش ٦٢٧٦)

٢٨٩. ديوان الشيخ محمد بن احمد : ابن عصفور الشاخورى فى مرآتى الحسين. وهو اخ صاحب الحدائق وتلميذ الشيخ حسين الماحوزى. اورد بعض مرآثيه الشيخ لطف الله الجدهفصى فى مجموعته التى كتبها بخطه الجيد لنفسه فى ١٢٠١ عند الشيخ محمد على يعقوب. ونسخة منه كلها قصايد فى اكثر من الف بيت فى المناقب والمرآتى ويتخلص فى آخر كل قصيدة باسمه وفى بعضها يذكر ابيه ويذكر أنه من آل عصفور ويذكر اخته المسماة باميرة ويدعو لآبيه واخوته ولمن بكى فى مجلسه. وكتابة النسخة حدود ١٢٧٠ فى مكتبة موقوفة مدرسة البخارائى فى النجف منضمماً مع القصيدة الكرارية للشيخ محمد شريف بن فلاح الكاظمى التى نظمها فى مدح الامير فى اربعمائة وخمسين بيتاً فى ١١٦٦ مطابق «ختامه مسك». وعليها ثمانية عشر تقريباً من علماء عصره وادبائها ومنهم السيد نصر الله المدرّس الحائرى.

(ج ٣/٩، ص ٩٨٠، ش ٦٤١٩)

٢٩٠. ديوان الشيخ محمد بن احمد : ابن الشيخ حسين العصفورى المتوفى بابوشهر بعد ١٢٦١. هو فى المرآتى ويظهر منه ان لآخيه الشيخ حسين بن احمد ايضاً مرآتى

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٥٩

الحسين وكذلك لاختهما اميرة. والنسخة منضمة الى الكرارية في مدرسة البخارائي كتابتها حدود ١٢٦٠.

(ج ٣/٩، ص ٩٨٠-٩٨١، ش ٦٤٢١)

٢٩١. ديوان محمد بن عبدالله الخطي: في المراثي. اورد بعض مراثيه الشيخ لطف الله بن علي الجدهفصي في مجموعته بخطه في ١٢٠١ الموجودة عند الشيخ محمد علي يعقوب في النجف.

(ج ٣/٩، ص ٩٨٦، ش ٦٤٥١)

٢٩٢. ديوان محمد بن نصار: ويقال له النصاريات وهو بلغة الحسكة العربية المكسرة الدراجة [الدارجة] في العراق الجنوبي والوسطى وهو متداول يقرأ على منابر القراء. وقد طبع في النجف والحق به بعض اشعار اخر لسائر الشعراء.

(ج ٣/٩، ص ٩٩٠، ش ٦٣٧١)

٢٩٣. ديوان السيد محمد القطيفي: في المراثي لسيد الشهداء. رأيت بعضه المنقول في بعض المجاميع.

(ج ٣/٩، ص ١٠٠٢، ش ٦٥٣٥)

٢٩٤. ديوان الشيخ محمد مطر: في مراثي الحسين. رأيت المنقول منه في بعض المجاميع.

(ج ٣/٩، ص ١٠٠٥، ش ٦٥٤٥)

٢٩٥. ديوان مشفق كاشاني [تضمن دوازده بند محتشم]: واسمه عباس كي منش. طبع له تضمين دوازده بند محتشم في ١٣١٠ ش و خاطرات جواني في ١٣٢٧ ش.

(ج ٣/٩، ص ١٠٥٠، ش ٦٨٢٤)

٢٩٦. ديوان مفيد الشيرازي: للشيخ محمد مفيد ابن الشيخ نبي بن مفيد بن الحسن البحراني الشيرازي امام الجمعة بها في عهد فتحعلي شاه. جمع ديوانه ولده الشيخ محمد هاشم وسماه كعبة الباكين ثم ذيله في ١٢٥٥ وسماه حجر اسماعيل، كما مر في ٢٦٦:٦. ومر له دوازده بند في ٨: ٢٧١.

(ج ٣/٩، ص ١٠٨٨، ش ٧٠٣٨)

٢٩٧. ديوان ملول توسركانى [باغ فردوس]: هو التخلّص السابق لالهامى وهو الميرزا احمد ابن آقا رستم التوسركانى ابن ميرزا ابوتراب الاصفهاني ابن ملاً عبد الله البهبهاني مؤسس مدرسة ملاً عبد الله باصفهان. ولد ملول بكر مانشاه ومات ابوه فى صغره فاشتغل لتحصيل المعاش الى ثلاثين سنة ثم تلمذ على حسينعلى كلهر سلطاني ونظم كتابه باغ فردوس فى ٣٠٠٠٠ بيت فى وقايح الطفّ فى ١٢٩٥- ١٣٠٢ واهداه الى حسام السلطنة عمّ ناصرالدين شاه حاكم كرمانشاه. وكتب استاده حسينعلى سلطاني مقدّمة على الكتاب فى ١٣٠٤ اطرى فيه الناظم وترجم احواله. ثم بدّل تخلّصه واخذ الهامى. رأيت النسخة ضمن مجموعة مع قصايد الهامى ومثنوى حسن منظر له ايضاً.

(ج ٣/٩، ص ١١٠١، ش ٧١٠٣)

٢٩٨. ديوان موزون اصفهاني [اندوهنامه]: واسمه عبّاس على بن براتعلى، المولود ١٣١٤ كان من اعضاء انجمن شييدا. طبع بعض ديوانه فى المراثى بعنوان اندوهنامه باصفهان فى ٩٤ص. ترجم فى شعراى معاصر اصفهان، ص ٤٧٥.

(ج ٣/٩، ص ١١١٨، ش ٧٢٢٣)

٢٩٩. ديوان السيّد مهدي الحلّى: الشاعر الماهر بن داود بن سليمان بن داود الحسينى الحلّى. ولد بها ١٢٢٢ وقرأ الادب وغيره على اخيه السيّد سليمان الذى توفى ١٢٤٧ وغيره و برع. ونظم كثيراً الى ان توفى بمسقط رأسه رابع المحرم ١٢٨٧ ورثاه تلميذه وابن اخيه السيّد حيدر بن سليمان بن داود الذى توفى ١٣٠٤. و ديوانه كبير فى جزئين: اولها [اولهما] فيما قاله فى اهل البيت (ع) وفى العلماء الاكابر ولاسيما اهل بغداد، وثانيهما فى مراثى شهداء الطفّ. جمعه الخطيب الشيخ مهدي بن الشيخ يعقوب النجفى فى ١٣٢٩ ورتّب كلا جزئيه على الحروف. ونسخة بمكتبة السماوى واخرى بخط السيّد على الهاشمى فرغ منها ١٧ رجب ١٣٥٠ بمكتبة الشيخ محمدعلى اليعقوبى. وبعض مراثيه ضمن

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٦١

مجموعة عند السيد محمد حسن الطالقاني ومعها مرآة حفيد اخته السيد عبدالمطلب ابن داود بن سليمان اخ السيد مهدي واستاده. ونسخة اخرى عند حفيده السيد هادي بن السيد حمزة بن الناظم. وله كتاب مصباح الادب المطبوع، كما يأتي.

(ج ٣/٩، ص ١١٣٣-١١٣٤، ش ٧٣٠٦)

٣٠٠. ديوان نديم مشهدي [تسيح كربلا]: واسمه زكي اصله من مشهد خراسان ونشأ باصفهان وتقرّب عند الشاه سلطان حسين ونادر شاه ثم سكن النجف ومات بها ١١٦٣. ورد شعره في تش، ص ١١٤ ومسرت، ص ٢٠٣ وگلشن، ص ٥١٣. له درّ نجف على زنة مخزن الاسرار في ١٥٠٠ بيت في تاريخ هجوم الافاغنة، ومنظومة تسيح كربلا في ٤٥٧٠ بيت. قال في تاريخه ١١٥٨:

شد سحر چون تمام اين محضر گشت تاريخ سال «فيض سحر»
يوجد كليّاته في ٩٠٠٠ بيت فارسية وتركية في مكتبة المجلس، كما في
فهرسها، ٣: ٤٣٥ - ٤٤٠.

(ج ٤/٩، ص ١١٨٠، ش ٧٦١٩)

٣٠١. ديوان نفيس لكهنوي: في المراثي بالاردوية. مطبوع بالهند لناظمه مير خورشيد علي نفيس ابن ميرزا ببر علي انيس المذكور في ص ١١٠.

(ج ٤/٩، ص ١٢١٨، ش ٦٩٠٧)

٣٠٢. ديوان نقاش: واسمه احمد. وديوانه فارسي في المراثي يوجد عند الميرزا عبدالرزاق المحدث نزيل همدان.

(ج ٤/٩، ص ١٢١٩، ش ٦٩١١)

٣٠٣. ديوان وحيد فارسي: في المراثي. رأيته عند السبزواري بالكاظمية تاريخ كتابته ١٢٨٩.

(ج ٤/٩، ص ١٢٦٦، ش ٨١٢٢)

٣٠٤. ديوان وصال شيرازي [مراثي وصال]: الميرزا محمد شفيع المعروف بميرزا كوچك،

لکونه سَمیَّ جدّه الادنی، ابن محمّد اسماعیل بن محمّد شفیع بن اسماعیل. ولد ۱۱۹۷ و تخلّص مهجور ثمّ بدّله الی وصال بامر استاده سکوت. و دیوانه فی ستة آلاف بیت فی المراثی، طبع مکرراً، و توفی ۱۲۶۲ و قال نعمت فی تاریخه فی بدیع التواریخ:

رقم زد خامه نعمت کنون از بهر تاریخش وصال بی مثال باکمال اینک شد از دنیا و: کنون نعمت از بهر تاریخ گفتا به احسان محمّد شفیع وصال است

وقد ألف حفيده المتخلص روحاني المذكور في ص ۳۸۶ ابن عبد الوهاب المتخلص يزداني بن وصال هذا كتاباً سماه گلشن وصال في احوال جدّه الشاعر وبيته و طبع في ۱۳۵۹. و ترجم ايضاً في انجمن، ۴ و مع، ۲: ۵۲۸ و ض، ص ۳۳۷ و گلشن، ص ۵۹۱ و عم، ص ۳۵۸ و فارسنامه، ۱: ۲۹۸ و ۲: ۶۶ و ۱۵۲ و طرائق، ۳: ۱۶۵ و مجلّة يادگار، ۳: ۳: ۶۷. نسخه من ديوانه عند ابى الحسن كتابى باصفهان و فخر الدين و غيرهما. طبع له دوازه بند المذكور في ۸: ۲۷۰ و فرهاد و شيرين المتمم لوحشى باقى و بزم وصال و مراثى وصال في ۱۲۵ ص. و يأتى من بيته و قار و مرّ حكيم و رحمت و داورى و فرهنگ و توحيد.

(ج ۴/۹، ص ۱۲۶۸-۱۲۶۹، ش ۸۱۳۴)

۳۰۵. ديوان وقار شيرازى [عشره كامله]: واسمه ميرزا احمد، اكبر اولاد وصال الشيرازى

المذكور في ص ۱۲۶۸. ولد ۱۲۳۲ و مات ۱۲۹۸ و قال نعمت في تاريخه:

نگاشت نعمت غمديده بهر تاريخش روان به سوى جنان شد وقار پاک گوهر

ترجم في مع، ۲: ۵۴۸ و المآثر، ص ۲۱۵ و فارسنامه، ۲: ۶۶ و ۱۵۲ و طرائق، ۳: ۱۶۸ و عم، ص ۳۵۶، و هديه العارفين، ۱: ۱۸۹. و فصله ابن اخيه في گلشن وصال، ص ۱۲۷ - ۲۶۸ مع تصويره و تصوير خطه الجيد. يوجد نسخ ديوانه كثيراً منها عند فخر الدين. و طبع له منظومه انتقادية باسم نصاب الرجال في ۱۳۰۹ و ۱۳۳۷ ش في ۲۳ ص. وله ريحانة الادب و رسالة العروض و مثنوى مولوى [كذا في

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٤٣

المتن [طبع بمبئی و نوروزیه فی التجوید و اسدیة و ترجمة زبدة للبهائی. و مرّ له دوازده بند فی ٨: ٢٧٠. وله مثنوی موسی و خضر عند الملك و مجالس السنة و سیاحتنامه و ترجمه المنظومة السبزواریة و عشرة كاملة و تاریخ چهارده معصوم و رموز الامارة فی شرح عهد مالک الاشر و بهرام و بهروز فی قبال خسرو و شیرین و انجمن دانش فی قبال گلستان.

(ج ٩/٤، ص ١٢٧٤-١٢٧٧، ش ٨١٨٥)

٣٠٦. دیوان الهنداوی: للشيخ طاهبا بن ياسين بن عباس بن يوسف آل بزون. ولد بالهندية طويريج ١٣١٨ و من سنة ١٣٧٠ سكن الاهواز. له ديوانان في المراثي بلغة الحسكة، وله شرح بعض خطب نهج البلاغة.

(ج ٩/٤، ص ١٣٠٢، ش ٨٣٤٥)

٣٠٧. ذائقه ماتم: في مصائب الحسين الشهيد (ع) باللغة الغجراتية، للحاج غلام علي بن الحاج اسماعيل البهاونگری المولود ١٢٨٣ والمتوفى حدود ١٣٦٧. ذكره في فهرس تصانيفه البالغة الى نيف ومائة ومنها مجلة راه نجات بالگجراتية. وبعد وفاته انتقل ابنه الى كراچی و قام مقام ابيه في اصدار تلك المجلة باسمها.

(ج ١٠، ص ١، ش ١)

٣٠٨. ذائقه ماتم: مقتل باللغة الاردوية مرتب على اربعين مجلساً ولذا يسمى چهل مجلس ايضاً، وهو تأليف المولوى السيد وزير حسين الرضوى الهندى. طبع بالهند.

(ج ١٠، ص ١، ش ٢)

٣٠٩. ذبح عظيم: باللغة الاردوية، للمولوى جعفر حسين الهندى. طبع بها، كما في بعض فهارسها.

(ج ١٠، ص ٣، ش ١٦)

٣١٠. الذبح العظيم: في سوانح سيد الشهداء (ع) باللغة الاردوية من ولادته الى شهادته، للسيد اولاد حيدر البلگرامى المعاصر. مطبوع بالهند.

(ج ١٠، ص ٣، ش ١٧)

٣١١. الذبح العظيم: منظوم فى المراثى باللغة الاردوية. طبع بالهند، كما فى فهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج ١٠، ص ٣، ش ١٨)

٣١٢. الذبح: مقتل باللغة اردوية. مطبوع بالهند، ذكر فى فهرس الاثنى عشرية ايضاً.

(ج ١٠، ص ٣، ش ١٩)

٣١٣. ذبيح نينوا: فى اسرار شهادة سيد الشهداء (ع)، للسيد ابى جعفر النقوى الامروهى المعاصر. طبع بالهند باللغة الاردوية.

(ج ١٠، ص ٣، ش ٢٠)

٣١٤. الذخيرة: فى المراثى بالفارسية، للحكيم السيد عابد على الغيور الهندى. مطبوع وله وسيلة بخشايش بالاردوية.

(ج ١٠، ص ١٢، ش ٥٧)

٣١٥. ذخيرة الدارين فيما يتعلق بالحسين واصحاب الحسين (ع): مقتل كبير فى ثلاث مجلّدات، للسيد عبدالمجيد بن محمد رضا الحسينى الشيرازى الحائرى المعاصر. طبع مجلّده الاول فى النجف فى ١٣٤٥ وتوفى المؤلف بعد الطبع بمدة قليلة.

(ج ١٠، ص ١٥-١٦، ش ٧٣)

٣١٦. ذخيرة الشيعة: مقتل فارسى، للفاضل السمنانى على ما نقل عنه فى الرسالة الجهادية.

(ج ١٠، ص ١٦، ش ٧٤)

٣١٧. ذخيرة العباد ليوم المعاد: فى شرح زيارة عاشوراء، لبعض المعاصرين. نقله فى اللؤلؤ النضيد.

(ج ١٠، ص ١٦، ش ٨٠)

٣١٨. ذخيرة المصائب: مقتل بالاردوية. طبع بالهند، تأليف السيدة مصطفى بيكم بنت السيد باقر حسين الهندى. ولها اسيران كربلا ايضاً.

(ج ١٠، ص ١٩، ش ٩١)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٦٥

٣١٩. ذخيرة المعاد: مقتل فارسي، للسيد اسماعيل بن محمد الحسيني اليزدي الاردكاني مؤلف مجالس الواعظين والمتوفى ١٣١٧. وهو مطبوع، كما ذكره ولده الفاضل السيد رضا.

(ج ١٠، ص ١٩، ش ٩٤)

٣٢٠. الذريعة الى حافظ الشريعة: للمولى رفيع الدين محمد بن المولى محمد مؤمن الجيلاني. منشور ومنظوم في مصائب الحسين الشهيد (ع). كتبه المؤلف بخطه ضمن مجموعة التذكريات التي دونها المولى لطف الله الشهير بلطفا فيما بين ١٠٧٥ و ١٠٨٥. وممن كتب فيها بخطه هو المحدث الفيض الكاشاني. اول الذريعة بعد البسملة: «يا عين مالي اراك باردة جموداً في مثل هذا الشهر الحرام.» وآخره: «واشف به صدورنا وصدر قوم مؤمنين. تمت المراثية الموسومة بالذريعة الى حافظ الشريعة صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين على يد مؤلفها الجاني ابن محمد مؤمن رفيع الدين محمد الجيلاني عفى الله عنهما بمنته وجوده. والمرجو من الاخوان ان يمتنوا على بكتابتها ونشرها وسماعها واسماعها طلباً لمرضات الله وتقرباً الى ابن رسوله. وقد كتبت تذكراً للاخ الاغر الصالح المعروف بلطفا رجاء ان لا ينساني بالتذكّر في الاماكن الشريفة. وانا الفقير الحقير رفيع الدين محمد عفى عنه.» والنسخة في مكتبة سلطان القرائي، كما كتبه في فهرسها المرسل اليها.

(ج ١٠، ص ٢٧، ش ١٣١)

٣٢١. ذكر الثقلين في مصائب الحسين (ع): للسيد حفاظت حسين الملقب بسليم البهيكپوري الهندي بالاردوية. مرتب على المجالس. مطبوع بالهند.

(ج ١٠، ص ٣٤، ش ١٦٤)

٣٢٢. ذكر الحسين (ع): ايضاً للجلودي. ذكره النجاشي.

(ج ١٠، ص ٣٤، ش ١٦٨)

٣٢٣. ذكرى الحسين (ع): للشيخ حبيب بن ابراهيم المهاجر العاملى المعاصر. طبع جزئه الاول واحال اليه فى اول كتابه سبيل المؤمنين.

(ج ١٠، ص ٣٩، ش ٢١٦)

٣٢٤. ذكرى الحسين عليه السلام: فيما يتعلّق باحواله من الولادة الى الشهادة، للسيد قاسم ابن الحسن الشبرى الخطيب الموسوى النجفى المولود سنة ١٣٤٦. رأيت به بخطه.

(ج ٢٦، ص ٣٠٤، ش ١٥٢٨)

٣٢٥. ذكرى رزية الطفّ: نظماً مبتدأ بسيرة الخمسة النجباء واحوالهم ثمّ قضايا الطفّ فى جزئين، للسيد هادى بن السيد صمد آل كمال الدين الحلى المعاصر.

(ج ١٠، ص ٣٩، ش ٢١٩)

٣٢٦. ذوالجناحية الحسينية: للمولوى السيد غلام حسنين الكنتورى المتوفى حدود ١٣٤٠. فى تاريخ فرس سيد الشهداء (ع) المسمّى بذى الجناح. طبع فى قائمتين: احديهما فارسية والاخرى اردوية. وله الحسينية القرآنية ايضاً فى قائمتين عربية وارदوية، كما مرّ.

(ج ١٠، ص ٤٣، ش ٢٤٧)

٣٢٧. راز شهادت: فى وقايع كربلا وعللها واسبابها بالاردوية، للسيد آقامهدى الرضى اللكهنوى المعاصر.

(ج ١٠، ص ٥٨، ش ٣٣)

٣٢٨. راه جنّت: فى اثبات جواز اقامة العزاء والنوح والطم على الحسين الشهيد (ع) من كتب اهل السنة المعتمدة عندهم، للمولوى قائم حسين امام جماعة رجوة سادات الهندى المعاصر. وهو مطبوع.

(ج ١٠، ص ٦٢، ش ٥٧)

٣٢٩. الراية الحسينية: فى جواز كلّ عمل يعظّم به شعائر عزائه (ع)، للسيد محمد على شرف الدين ابن السيد عبد الحسين بن يوسف الموسوى العاملى. نشر جلّ هذا

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٦٧

الكتاب فى مجلة الهدى بالعمارة. وله شيخ الإبطح ايضاً فى احوال ابى طالب.
وتوفى فى النصف من شعبان ١٣٧٢ و اَرخ وفاته بعضهم بقوله: «انَ جنان
الخلد مثواه».

(ج ١٠، ص ٦٥، ش ٨١)

٣٣٠. كتاب الرزايا: مقتل فى حجم منتخب الطريحي، للشيخ سلمان بن عبد الله بن الشيخ
حسين العصفورى البحرانى المتوفى بشيراز بعد ١٢٦١. رأيته عند الشيخ خلف
ابن الشيخ احمد آل عصفور البوشهرى المتوفى ١٣٥٣.

(ج ١٠، ص ٢٣٩، ش ٧٦٣)

٣٣١. رزية كبرى: قصائد فارسية فى المراثى، للامير الافخم المير محمد حسن على خان
ابن سلطان مير محمد نصير خان ملك السند. اوله: «اوضاع روزگار دگر بار برهم
است...» وهى مطبوعة.

(ج ١٠، ص ٢٣٩، ش ٧٦٥)

٣٣٢. رسالة اثبات العزاء من طريق العامة: للسيد سبط الحسن الفتحيورى المذكور فى
التبعا. طبع ثانياً ١٣٥٩.

(ج ١١، ص ٩، ش ٤٢)

٣٣٣. رسالة احوال كربلا: فى اخبار الشهداء بكر بلا ووقايح شهادتهم باللغة الكجراتية فى
اثنين وستين مجلساً. طبع بالهند فى ٣٠٠ ص، للمولوى غلام على البهاونگرى
مؤلف آب حياء وغيره.

(ج ١١، ص ٣٨، ش ٢٢٥)

٣٣٤. رسالة ازالة الاوهام فى البكاء على الامام الهمام ونقل الضرائح والاعلام: بالاردوية، للسيد
على حسن ابن السيد غلام امام الجايسى الهندى. مرتبة على بايين فرغ من
تأليفها ١٢٧٧ وقرظها السيد سلطان العلماء محمد بن السيد دلدار على النقوى.
وطبعت فى التاريخ المذكور بالهند بمطبعة مجمع البحرين.

(ج ١١، ص ٦١، ش ٣٧٧)

٣٣٥. رسالة ازجار المجانين فى اثبات رجحان اقامة العزاء لسيد الشهداء بلسان عربى مبين: للشيخ عبدالرشيد الكوپاگنجى صاحب احسان المحصنين الفارسى.

(ج ١١، ص ٦٢، ش ٣٨٣)

٣٣٦. رسالة فى الاستيجار لثناء الحسين (ع): للشيخ محمد بن احمد بن ابراهيم الدرأزى، اخ الشيخ يوسف. توجد ضمن مجموعة فيها اربعة عشر رسالة من تصانيفه بخط السيد خليفة ١٢٢١.

(ج ١١، ص ٦٦، ش ٤١٥)

٣٣٧. رسالة الاسرار الحسينية: فارسىة، للمولى حبيب الله الشريف بن على مدد الكاشانى الساجى الاصل المتوفى ٢٣ - ٢ - ١٣٤٠ و دفن بظاهر كاشان. طبعت بهامش خواص الاسماء له فى ١٣٢٩.

(ج ١١، ص ٦٧، ش ٤٢٠)

٣٣٨. رسالة اسرار الشهادة: الفارسى المختصر المطبوع فى ايران بعد ١٣٣٥، هى للشيخ روح الله الدرود كلائى البارفروشى المعاصر. واما اسرار الشهادة الفارسى الكبير للمولى محمد حمزة المعاصر لسعيد العلماء البارفروشى والمنافر معه فلم يطبع بعد. وانما كانت نسخة خط يد مؤلفه فى مجلد ضخيم عند حفيده الشيخ على بن الشيخ محمد حسن بن المولى محمد حمزة المؤلف. وتوفى الشيخ على هذا - المعروف كوالده وجدّه بشريعتمدار - حدود ١٣٤٤. حدّثنى بجمع ذلك الشيخ امان الله ابن الحاج كريم الالشتى البارفروشى المعاصر المولود ١٣١٥. والشت من محال سواد كوه بمازندران.

(ج ١١، ص ٦٨، ش ٤٢١)

٣٣٩. رسالة اسرار الشهادة: للشيخ الواعظ الميرزا مهدى ابن المولى زين العابدين الكلبايگانى المعروف باقازاده المتوفى ١٣٣٠. ذكر فى خاتمة شمس التواريخ أنه موجود عند ولد المؤلف، الفاضل الميرزا محمد حسين.

(ج ١١، ص ٦٨، ش ٤٢٢)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٦٩

٣٤٠. رسالة اظهار حقيقت: فى الرد على شهيد انسايت من تأليف السيد على نقى النقوى
اللکهنوى، للسيد سبط الحسن الفتحيورى. طبع ١٣٦٥.

(ج ١١، ص ٩٢، ش ٥٦٥)

٣٤١. رسالة اعلام النهضة الحسينية: فى احوال انصار الحسين (ع)، للشيخ عبدالواحد بن
الشيخ احمد آل مظفر النجفى المولود ١٣١٠. لم يطبع. وطبع له بطل العلقمى فى
عباس بن على وسفير الحسين فى مسلم بن عقيل وقائد القواء العلوية فى مالك
الاشتر والبطل الاسدى فى حبيب بن مظاهر وسابق العجم فى سلمان الفارسى.

(ج ١١، ص ٩٦، ش ٥٨٨)

٣٤٢. رسالة فى اعمال عاشوراء والاربعين: للخواجه فياض حسين الايوبى الهندى المعاصر.
مطبعة.

(ج ١١، ص ٩٧، ش ٥٩٣)

٣٤٣. رسالة الاعواد المنبرية: فى احوال الامام الشهيد، شبيه المجالس السنية فى جزئين. طبع
فى النجف، وهو للسيد على الهاشمى البهبهانى الخطيب المعاصر نزيل بغداد اخيراً.

(ج ١١، ص ٩٧، ش ٥٩٤)

٣٤٤. رسالة فى اقامة التعازى لسيد الشهداء (ع): للسيد على بن السيد دلدار على المتوفى
١٢٥٩. ذكرها السيد على نقى فى مشاهير علماء الهند.

(ج ١١، ص ١٠١، ش ٦١٦)

٣٤٥. رسالة الطاف المحذنين وقرح القلوب: فارسى فى احوال سيد الشهداء (ع) وانصاره
وتفصيل شهادتهم. اوله: «الحمد لله على السراء والضراء وسبحان الله على
عظمتهم....» ألفه الشيخ لطف الله بن الشيخ حسن البحرانى الذاكر فى بندر
ابوشهر. وفرغ منه فى ١٢٧٦ وصرح فى اوله انه جمعه من كتب الائمة الاثنى عشر.
نسخته بكر بلا فى مكتبة الشيخ حسين بن الشيخ زين العابدين المازندرانى.

(ج ١١، ص ١٠٥، ش ٦٤٩)

٣٤٦. رسالة الله بس باقى هوس: فى اثبات التوحيد من واقعة كربلا بالاردوية، للسيد راحت حسين الرضوى الپهيكپورى المعاصر.

(ج ١١، ص ١٠٦، ش ٦٥٧)

٣٤٧. رسالة انارة الشهادة: للسيد محمد هارون الزنجى فورى المتوفى ١٣٣٩. مطبوعة، كما فى بعض الفهارس.

(ج ١١، ص ١١٧، ش ٧٢٩)

٣٤٨. رسالة فى حرمة التعبية والشبيه: للميرزا محمد بن سليمان التنكابنى. ذكرها فى قصصه.

(ج ١١، ص ١٧٢، ش ١٠٧٢)

٣٤٩. رموز الشهادة وكنوز السعادة: لنظام العلماء الميرزا رفيع الطباطبائى التبريزى. يظهر اسمه من آخر كتابه المقالات النظامية. ومجلده الاول بخطه فى مدرسة السيد كاظم اليزدى فى النجف تاريخه ١٢٩٥.

(ج ١١، ص ٢٥٢، ش ١٥٤٣)

٣٥٠. رنة الاسى فى تعظيم شعائر العز السيد الشهداء: للشيخ عبد الله السببى العاملى. طبع فى مطبعة النجاح ببغداد.

(ج ١١، ص ٢٥٤، ش ١٥٥٢)

٣٥١. رواية الطّف: للشيخ محمد رضا بن محمد على الخالصى الكاظمى المولود ١٣٠٠ والمتوفى ١٣٧٠. طبع ١٣٧٥ مع مقدمة محمد هادى الامينى فى ٣٦ ص. ومرّ له رنة الثكول فى مصائب آل الرسول.

(ج ١١، ص ٢٥٩، ش ١٥٨٠)

٣٥٢. الروضات فى المآتم الحسينية: للميرزا باقر بن زين العابدين اليزدى الحائرى مؤلف تذكرة الالباب المذكور فى ج ٤، ص ٢٨. صرّح بهذه التسمية فى آخر الكتاب ولكن فى دياباجته قال: سمّيته المآتم الحسينية فى الروضات العلوية. وهو كتاب كبير فى مصائب سيد الشهداء (ع) عناوينه «روضة»، «روضة». وينقل عن المقاتل

الفارسية ايضاً بعين الفاظها، مثل مصائب الابرار الذي هو لبعض معاصري الميرزا حسن الزنوزي، ويتقل فيه عن اسرار الشهادة ومراده ظاهراً ما ألفه الدربندي المتوفى ١٢٨٥ او ١٢٨٦، كما في المآثر، ص ١٣٩. وبعد روضة مفصلة في فضل البكاء والابكاء وآداب التعزية وانواعها من اللطم والشبيه وغيرهما اورد ماتم تنتهي الى عشرة في كفيات قضايا يوم الطف. وفي روضة ذكر ابتداء جهاده (ع) بنفسه وفيها ايضاً ماتم ولكل ماتم يذكر خطبة مستقلة وفي آخر المآتم تنيهات غالباً وفي آخر روضاته روضة في عقوبات قتله (ع). والنسخة عند السيد حسين بن السيد موسى القزويني النجفي المعروف بالمحدث. وقد رشحه المؤلف باسم الامير الميرزا محمد علي آقا صاحب بهادر عرف آقائي الناظم السابق لبلدة سلطان پور بالهند. وبعد خطبة مفصلة واطراء وثناء ذكر انه ألف فراديس الممتحنين في خمس مجلدات لكل واحد اسم خاص، قال: وهذا هو المجلد السادس وقد كتبه باسمه السامي اي الامير المذكور. اوله: «الحمد لله الذي جعل مصيبة الال اعظم المصائب في النفس والاهل والمال». وكل ماتم منها بمنزلة مجلس مستقل، وله خطبة مستقلة وفي روضة منها اورد اربع عشرة خطبة لنفسه واربع عشرة خطبة لغيره، عدة منها خطب السيد محمد الصحاف بالحائر. وسياتي ان له عدة الذاكرين في شرح اربعين حديثاً من احاديث الطف. فرغ منه حدود ١٢٨٠ وجعله سادس مجلدات فراديس الممتحنين ولعله ألفه قبل الروضات ثم بدأ له وجعل الروضات سادس المجلدات.

(ج ١١، ص ٢٧٩، ش ١٧١٠)

٣٥٣. روضة الاسرار: منظوم فارسي في المرثي على بحر المثنوي. مطبوع، للميرزا محمد علي خان المتخلص سروش الاصفهاني. وله شمس المناقب و شصت بند وغيرهما. ومر ذكره في ٤٤٣:٩.

(ج ١١، ص ٢٨٨، ش ١٧٤٤)

٣٥٤. روضة الهدى فى مدح سيد الشهداء (ع): للشيخ محمد بن الشيخ طاهر السماوى النجفى المولود ١٢٩٣ والمتوفى يوم الاحد ثانى محرم الحرام ١٣٧٠.

(ج ١١، ص ٢٨٨، ش ١٧٤٩)

٣٥٥. روضة رضوان: مراثى بلغة الاردو، للميرزا دبیر تشفى صاحب اللكهنوى. طبع بالهند وفيه تخميس هفت بند كاشى.

(ج ١١، ص ٢٩٤، ش ١٧٤٨)

٣٥٦. روضة السعادة، او، مصيب نامه: المنظوم بالتركية، للفضولى البغدادى. قطعة منه ضمن مجموعة فى مدرسة البروجردى فى النجف ولعلها سعادتنامه.

(ج ١١، ص ٢٩٤، ش ١٧٧٤)

٣٥٧. روضة الشهداء: فارسى ملمع، للمولى الواعظ الحسين بن على الكاشفى البيهقى المتوفى حدود ٩١٠. مرتب على عشرة ابواب وخاتمة فيها ذكر اولاد السبطين وجملة من السادات. وكتبت الخاتمة مستقلة فى ١٧ ورقة فى الرضوية. ذكرتها بعنوان انساب سببى النبى (ص) فى ٢: ٣٨٠. وتركه يسمى حديقة السعداء وسعادتنامه كما مرّ ويأتى. ومرّ ايضاً مختصره الموسوم خلاصة الروضة. واحتمل بعض انه اول مقتل فارسى شاعت قرائته بين الفرس حتى عرف قاريه بروضه خوان ثم توسع فى هذا العنوان الى هذا الزمان حتى يقال لكل قارئ روضه خوان لكن يأتى مقتل الشهيد الفارسى المقدم على روضة الشهداء وكذا مقتل الشهداء الذى نقل عنه فى روضة الشهداء مكرراً. وذكر انه تأليف ابى المفاخر الرازى وذكر بعض شعره. وقد طبع روضة الشهداء فى لاهور ١٢٨٧ وبمبئى ١٣٣١ وطهران ١٣٣٣ و ١٣٣٤ ش. ← ٢٢٢ قم ٧٦٤٥.

(ج ١١، ص ٢٩٤-٢٩٥، ش ١٧٧٥)

٣٥٨. روضة الشهداء: بثلاث لغات العربية والفارسية والتركية، للمولى الميرزا عبد الله بن الميرزا عيسى التبريزى الاصفهانى صاحب رياض العلماء. ذكره فيه وتوفى كما

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٧٣

في اجازة السيد عبد الله الجزائري في عشرة الثلاثين بعد المائة والالف.

(ج ١١، ص ٢٩٥، ش ١٧٧٦)

٣٥٩. روضة شهداء: للسيد الميرزا علاء الدين محمد بن الامير شاه ابي تراب الحسيني من سادات گلستانه المتوفى ١١١٠. وهو شارح النهج. وله روضة العرفاء في شرح الاسماء الحسنی ذكره في جامع الرواة.

(ج ١١، ص ٢٩٥، ش ١٧٧٧)

٣٦٠. الروضة العلوية: قصيدة طويلة في وقایع الطف باللغة الدارجة العامية في العراق على منهاج ابن النصار. طبعت في النجف وهي من نظم السيد علوی بن حسين بن سليمان آل السيد عبدالقادر [عبدالقاهر، كما في ج ٣/٩، ص ٧٣٦ و ج ٢٦، ص ٣٠١] التوبلي البحراني المولود ١٢٨٠ والمتوفى نيف واربعين وثلثمائة والفي. وكان تلميذ الشيخ عيسى آل شبير ونزيل المحمرة (خرمشهر).

(ج ١١، ص ٣٠٠-٣٠١، ش ١٧٩٤)

٣٦١. رونق ماتم: مرآة باللغة الكجراتية، للحاج غلام علي بن الحاج اسماعيل البهاونگری الهندي المعاصر. ذكره في فهرس كتبه.

(ج ١١، ص ٣٠٦، ش ١٨٢٨)

٣٦٢. الرياض: قصائد عربية في المراثي. مطبوعة.

(ج ١١، ص ٣١٥، ش ١٩٠٧)

٣٦٣. رياض الاحزان: للسيد اسماعيل المرندی. توجد عند الحاج الميرزا عبدالحسين الترك الروضه خوان.

(ج ١١، ص ٣١٦-٣١٧، ش ١٩١٤)

٣٦٤. رياض الاحزان: مقتل كبير مرتب على الروضات في ثلاث مجلدات. طبع ثالثها بعد موت المؤلف ١٣٠٥، وهو من تصانيف المولى محمد حسن الشعبان كردی القزويني نزيل طهران. وكتب ولده صدرالدين محمد جملة من احوال المؤلف

فى أول مجلده منه لعلّه بخط المؤلف. أوله بعد الحمد روضة فى أنّه لم يكن فى عنق الحسين (ع) ذمة وعقد بيعة وعهد لزوم طاعة لاحد من الطواغيت. فرغ منه فى السبت عاشر ذى الحجة ١٢٩٤. توجد نسخته فى سپهسالار، ٥٤٠٤.

(ج ١١، ص ٣١٧، ش ١٩١٥)

٣٦٥. رياض الاحزان: الملقّب ثامن مجلدهاته بجنة الرضوان كبير فى عدة مجلّدات فارسى. رأيت مجلده الثامن المرتب على مقدّمتين وثمانية عشر مجلساً وخاتمة تاريخ كتابته ١٢٩١. وذكر فى أوله اسم المؤلف وهو المولى محمد على البرغانى. توجد عند الشيخ محمد على الهمدانى السنقرى نزيل الحائر. والمؤلف اخ المولى محمد تقى الشهيد، كان اسمه الاصلى محمد على لكنه عرف بالحاج المولى على، كما هو المصرّح به فى أول الكتاب. ورأيت ايضاً المجلد الخامس منه الذى لقبه بجنة النعيم لانه فى احوال معراج النبى (ص) ومعراج الحسين (ع) وطريق سلوكة، وهو فى مقدّمتين وستة وعشرين مجلساً وخاتمة فيها خمس وعشرون نكته. أول هذا المجلد: «حمد ذرات وثنائى موجودات مخصوص ذات حضرت معبودى است كه....» توجد فى مكتبة الشيخ على اكبر النهاوندى بمشهد خراسان وصرّح فى أوله باسمه كسابقه.

(ج ١١، ص ٣١٧، ش ١٩١٦)

٣٦٦. رياض الاحزان: للمولى محمد هاشم بن محمد حسين. فارسى كبير فى مجلدين: الاول منهما فى مصائب الحسين (ع) والثانى الذى كتبه بامر السيد محمد باقر حجة الاسلام الشفتى الاصفهانى فى مصائب سائر الائمة واحوالهم مرتباً على تسعة مجالس بترتيب الائمة التسعة بعد الحسين (ع) وفى كلّ مجلس ثلاث مجامع ولكلّ مجلس ديباجة عربية وفارسية. منها: «ربنا انطق بلابل بلابلنا فى رياض الاحزان....» ومنها: «شايسته درود نامعدود....» رأيت مجلده الثانى المكتوب فى ٢٠ شوال ١٢٦٠ عند السيد محمد مهدى الصدر بالكاظمية.

(ج ١١، ص ٣١٧، ش ١٩١٧)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٧٥

٣٦٧. رياض ارم: منظوم في المدائح والمراثي بلغة اردو، للسيد على احمد جانستهي الهندي. مطبوع. وجانسته من بلاد الهند.

(ج ١١، ص ٣١٨، ش ١٩٢٢)

٣٦٨. رياض البكاء: مطبوع، للميرزا محمد بن محمد رفيع ملك الكتاب ويسمى آثار الاحزان. طبع في بمبئي ١٣٢٢.

(ج ١١، ص ٣٢٠، ش ١٩٣٧)

٣٦٩. رياض جنّت: مجموعة من مراثي سيد الشهداء (ع) باللغة الاردوية. مطبوع، كما في فهرس الاثني عشرية اللاهورية.

(ج ١١، ص ٣٢٢، ش ١٩٤٧)

٣٧٠. رياض الحسين: للحاج غلامرضا بن محمد حسين ذاکر. طبع بطهران ١٣٠٩ ش في ١٠٠ ص واخرى في ١٣٢٨ ش.

(ج ١١، ص ٣٢٣، ش ١٩٥٢)

٣٧١. رياض الحسيني: منظوم فارسي في المراثي. طبع بايران.

(ج ١١، ص ٣٢٤، ش ١٩٥٦)

٣٧٢. رياض الرثاء في مراثي سيد الشهداء: للميرزا محمد ملك الكتاب الشيرازي. مطبوع في بمبئي ولعله غير رياض البكاء المذكور آنفاً والمطبوع ١٣٣٢.

(ج ١١، ص ٣٢٥، ش ١٩٦١)

٣٧٣. رياض الشهادة وكنوز السعادة في مناقب السادة ومصائب الفرر الميامين القادة: هو مقتل كبير فارسي، للمولى العالم الواعظ محمد حسن بن الحاج محمد معصوم القزويني الحائري الشيرازي المتوفى ١٢٤٠ وحمّل الى الحائر ودفن جنب قبر استاده الوحيد، كما ذكره حفيده في طرائق الحقائق كان تلميذ المولى الوحيد البهبهاني والمجاز من سيدنا بحر العلوم، ونسخة الاجازة موجودة عندي ومرّ ذكرها في الاجازات. ويأتي مختصره الموسوم بنور العين له ايضاً. والرياض مرتّب على

ثلاثين مجلساً فى ثلاث مجلّدات، المجلّد الأوّل فى ثمانية عشر مجلساً والمجلّد الثانى فى اربعة مجالس والمجلّد الثالث فى ثمانية مجالس. ويذكر فى المجلّد الأوّل احوال اربعة من اصحاب الكساء، وفى الثانى خامسهم، وفى الثالث بقية الائمة مبتدياً فيه بعلى بن الحسين (ع). وقد طبع فى بمبئى ١٢٧٤.

(ج ١١، ص ٣٢٨، ش ١٩٧١)

٣٧٤. رياض الشهداء: طبع مع خزائن المصائب بطهران ١٣٢٥ ش فى ٣٣٣ ص.

(ج ١١، ص ٣٢٨، ش ١٩٧٢)

٣٧٥. رياض فغان: فى المراثى بلغة اردو، لهمايت حسين خان جرجيس الهندى. طبع بها.

(ج ١١، ص ٣٣٣، ش ١٩٨٤)

٣٧٦. رياض الكونين فى مصائب الحسين: فارسى فى مصائبه (ع). توجد نسخته فى مكتبة

سپهسالار، ٥٤٠٥.

(ج ١١، ص ٣٣٥، ش ١٩٩٠)

٣٧٧. رياض ماتم: نوحه بالاردوية فى الهند، لبعض ادبائها.

(ج ١١، ص ٣٣٥، ش ١٩٩١)

٣٧٨. رياض المدح والثناء للسادات النجباء: للشيخ حسين بن الشيخ على بن الحسن

آل الشيخ سليمان البلادى البحرانى القطيفى المعاصر نزيل القديح على نصف فرسخ من القلعة بنواحي قطيف. مجلد كبير فيه المدائح والمراثى من الصدر الأوّل الى عصره. طبع منه عشرون كراساً والبقية تحت الطبع.

(ج ١١، ص ٣٣٦، ش ١٩٩٦)

٣٧٩. رياض المصائب: بلغة اردو. مطبوع بالهند، كما فى الفهارس.

(ج ١١، ص ٣٣٧، ش ٢٠٠١)

٣٨٠. رياض مصائب الانوار: للسيد الميرزا حسن بن عبدالرسول الزنوزى صاحب رياض

الجنة، يظهر من كتابه بحر العلوم.

(ج ١١، ص ٣٣٧، ش ٢٠٠٣)

٣٨١. رياض المؤمنين: في مقتل الحسين الشهيد (ع)، للمولى محمد علي نجل الحسين البهشتي. انتخبه من بحار الانوار للعلامة المجلسي ورتبه على مقدمة واثنى عشرة روضة وخاتمة. وفي كل روضة مجالس في كل منها ذكر الاخبار المعتمدة عند المجلسي وذكر ان اسمه تاريخه ويطابق ١٢٣٧. رأيت النسخة عند الشيخ مهدي الكتبي بكر بلا ينتهي الى اواخر الروضة التاسعة. اوله: «حمد لا يحدّ وشكر لا يعدّ لله الواحد الاحد الصمد الذي جعل تذكر مصائب اهل البيت....» اقول الظاهر انه القاري البهشتي مؤلف حلية المرتلين في التجويد الذي اسمه تاريخه المنطبق على ١٢٠٩.

(ج ١١، ص ٣٣٩، ش ٢٠١٠)

٣٨٢. ریحان غم: مرثی بلغة الاردو فی مجلدين، للمير وحيد صاحب والمير انيس صاحب. طبع بالهند.

(ج ١١، ص ٣٤١، ش ٢٠٢٨)

٣٨٣. زاد آخرت: في السفر الى كربلا وزيارة الحسين الشهيد باللغة الاردوية. مطبوع بالهند.

(ج ١٢، ص ١، ش ٤)

٣٨٤. زاد آخرت: مقتل باللغة الغجراتية في احوال شهداء الطف، للحاج غلام علي ابن اسماعيل البهاونگري الهندي المعاصر المولود ١٢٨٣ المتوفى حدود ١٣٦٧ المدير لمجلة راه نجاه الصادرة بالگجراتية من كراچی. وبعد موته انتقل ابنه الى كراچی ويقيم باصدار المجلة الآن. طبع بالهند في ٢٠٠٠ ص.

(ج ١٢، ص ١، ش ٤)

٣٨٥. زاد سبيل آخرت: مرثی من نظم السيد اولاد حسين الرضوي بالاردوية. مطبوع بالهند.

(ج ١٢، ص ٤، ش ١٦)

٣٨٦. زاد المؤمنين : فى اعمال عاشورا وزيارتها وخواصها وفضائلها وبعض وصايا امير المؤمنين (ع). طبع بمطبعة نول كشور فى لكهنؤ بالاردوية، للمولوى السيد محمد تقى النقوى الهندى.

(ج ١٢، ص ١١، ش ٥٩)

٣٨٧. زبدة الاسرار: فارسى فى الاخلاق ومراثى الحسين (ع)، نظمه العارف الصوفى صفى على شاه الميرزا حسن بن محمد باقر الاصفهانى الشاه نعمة اللهى نزىل طهران والمتوفى بها ١٣١٦ (يوم الاربعاء ٢٤ ذى القعدة). شرع فى نظمه وهو بالهند، كما ذكره فى اول تفسيره. وقد طبع بايران ١٢٩٧ و ١٣٢٩ و ١٣٤٣ وغيرها. وطبع فى هامشه عرفان الحق.

(ج ١٢، ص ١٨، ش ١١١)

٣٨٨. زبدة المصائب: لميرزا منظور الخوانسارى المتوفى ١٣٢٣. طبع باصفهان فى ١٣١٠، كما فى فهرس المشار. وراجع زبدة النوائب.

(ج ١٢، ص ٣٢، بدون شماره)

٣٨٩. زبدة المصائب: مقتل فارسى. مطبوع، للمولوى ابى القاسم الطهرانى، كما ذكر فى بعض الفهارس.

(ج ١٢، ص ٣٢، ش ١٧٣)

٣٩٠. زبدة المصائب: للمولوى حيدر حسين الهندى بالاردوية. طبع بالهند، كما فى الفهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج ١٢، ص ٣٢، ش ١٧٤)

٣٩١. زبدة المصائب: مقتل باللغة الاردوية كبير. رأيت مجلده الاول، المطبوع بالهند، للمولوى محمد عسكرى صاحب الهندى الحائرى المسكن من احفاد الميرزا محمد هادى مؤلف خلاصة المصائب المذكور فى ج ٧، ص ٢٣٣.

(ج ١٢، ص ٣٢، ش ١٧٥)

امام حسين(ع) در الذريعة / ٣٧٩

٣٩٢. زبدة النوائب فى المقتل والمصائب : فارسى مرتب على مجالس، للمولى محمد المشهور بمنظور. مطبوع. وراجع زبدة المصائب.

(ج ١٢، ص ٣٥، ش ١٩٧)

٣٩٣. زبردست خلافت: فى الرد على من زعم حقية خلافة يزيد واباحة دم الحسين(ع)، للسيد نسيم حسن ابن السيد اعجاز حسين الامروهورى المعاصر بلغة اردو. مطبوع بالهند.

(ج ١٢، ص ٣٦، ش ٢٠٢)

٣٩٤. زفرات الدموع: فى شهادة الحسين(ع) وآثارها، للسيد آقامهدى الرضوى اللكهنوى المعاصر. لم يطبع بعد، كما ذكره فى فهرس تليفاته.

(ج ١٢، ص ٤٠، ش ٢٢٨)

٣٩٥. زفرات وآهات ونفثات: هى اسم لديوان الشاعر الشاب المعاصر غالب بن عبدالمطلب الناهى البصرى. ذكره مع سائر مؤلفاته فى آخر كل من كتابيه المطبوعين: احدها خليفة الغيتام والآخر من وحى اقطاب العلى. وحدثنى صديقه السيد محمد حسن آل الطالقانى أنه رأى ديوانه فى ازيد من الف بيت من النظم الراقى.

(ج ١٢، ص ٤٠، ش ٢٢٩)

٣٩٦. زمين و تربت حسين(ع): اصله للشيخ محمد الحسين آل كاشف الغطاء والترجمة الفارسية لعلى رضا خسروانى. طبع بطهران.

(ج ١٢، ص ٤٧، ش ٣٠٥)

٣٩٧. زندگانى ابو عبدالله الحسين: فى ترجمة اللهوف لابن طاوس، للسيد محمد الصحفى القمى. طبع بطهران ١٣٧٥ فى ١٣٨ ص.

(ج ١٢، ص ٥٠-٥١، ش ٣٤٩)

٣٩٨. زندگانى ابو عبدالله الحسين(ع): لحسين عمادزاده الاصفهانى. طبع بطهران ١٣٧٤ فى ٨٠٤ ص.

(ج ١٢، ص ٥١، ش ٣٥٠)

٣٩٩. زندگانی حسین بن علی (ع): للخلیلی ایضاً فی ثلاث مجلّدات. طبع ١٣١٨ ش: ١- فی احوال حیاته فی ٢٨٢ ص، ٢- فی وقائع شهادته فی ٥٨٦ ص، ٣- فی وقائع مابعد الشهادة. و طبع الاوّل ثانیاً فی ١٣٦٠ فی ٢٧٩ ص.

(ج ١٢، ص ٥٢، ش ٣٦٨)

٤٠٠. زندگانی حسین بن علی (ع): راجع زندگانی ابو عبدالله الحسین و زندگانی خامس آل عبا.

(ج ١٢، ص ٥٢، بدون شماره)

٤٠١. زندگانی خامس آل عبا، او، تاریخ حسین بن علی: لابی القاسم ابن محمد زمان سحاب التفرشی. طبع بطهران ١٣٣٤ ش فی ٣٦٥ ص. وللسید جعفر غضبان ایضاً تاریخ حسین بن علی مطبوع. وللسیخ علی صفائی تاریخ سیدالشهداء فاتنا ذکره. و راجع زندگانی حسین.

(ج ١٢، ص ٥٣، ش ٣٧٠)

٤٠٢. رساله فی زیارة عاشوراء و کیفیتها: للشیخ ابی المعالی الکلباسی المتوفی ١٣١٥. فرغ منها فی ٢٦ صفر ١٢٦٦ و طبع.

(ج ١٢، ص ٧٩، ش ٥٤٦)

٤٠٣. رساله فی زیارة عاشوراء و کیفیتها: للسیّد حجة الاسلام السید محمد باقر بن محمد نقی الشفتی الجیلانی الاصفهانی المتوفی ١٢٦٠. ذکرها فی الروضات.

(ج ١٢، ص ٧٩، ش ٥٤٧)

٤٠٤. رساله فی زیارة عاشوراء: للمولی محمد جعفر الاسترآبادی. نسخه کتابتها ١٢٣٥ عند الشیخ مهدی شرف الدین بتستر، كما ذكره لنا. ولعله الموجود فی سپهسالار، ٢٥٢٧.

(ج ١٢، ص ٧٩، ش ٥٤٨)

٤٠٥. زیارة عاشوراء و کیفیتها و بیان طریق الاحتیاط و جمع المحتملات فیها: للشیخ محمد حسین بن المولی قاسم القمشهی النجفی المتوفی ١٣٣٦ و ترجمته فی النقباء، ص ٦٣٥.

(ج ١٢، ص ٧٩، ش ٥٤٩)

٤٠٦. زيارة عاشوراء: للميرزا محمد علي بن الميرزا محمد حسين سبط الميرزا مهدي الشهرستاني الحائري المتوفى حدود ١٢٩٠، ذكرها ولده الميرزا محمد حسين في زوائد الفوائد.

(ج ١٢، ص ٨٠، ش ٥٥٠)

٤٠٧. زينة المجالس: مقتل بلسان الاردو. طبع بالهند، كما في فهارسها ولعله الآتى.

(ج ١٢، ص ٩٤، بدون شماره)

٤٠٨. زينة المجالس: في ثمان وثلاثين مجلساً بلغة اردو في الفضائل والمناقب والمصائب، للسيد محمد مجتبي بن محمد حسين النوغانوى المولود ١٣٢٤. طبع ١٣٥٢ ولعله متحد مع ما قبله.

(ج ١٢، ص ٩٤، ش ٦١٧)

٤٠٩. زينة المجالس: المسمى بتسليية المجالس ايضاً في مقتل الحسين (ع)، للسيد العالم محمد بن ابى طالب بن احمد الحسينى الحائرى. وهو كتاب كبير ينقل عنه المجلسى فى المجلد العاشر من البحار كثيراً. ومرّ فى ج ٤، ص ١٧٩ عند ذكر تسليية المجالس وجه اتّحادهما وانه ليس الامر كما ذكره الميرزا محمد النيسابورى فى رجاله من التعدّد.

(ج ١٢، ص ٩٤، بدون شماره)

٤١٠. زينة المراثى: فى تضمين دوازه بند من منشآت المحتشم الكاشانى المذكور فى ٨: ٢٨٠ الذى عزّبه السيد بحر العلوم. طبع بايران، لم يعلم ناظمه.

(ج ١٢، ص ٩٥، ش ٦٢٢)

٤١١. السبع المثانى: ديوان المراثى بلغة اردو، للميرزا اوج بن الميرزا دبير اللكهنوى. مطبوع. وله معراج الكلام، كما ان لابنه الميرزا محمد طاهر المعاصر ديواناً لم يطبع بعد.

(ج ١٢، ص ١٢٩، ش ٨٨٢)

٤١٢. السبيكة اللجينية من التربة الحسينية : فى تحقيق اللهو واللعب واللغو واحكامها الشرعية، للسيد على حسين بن السيد خيرات على الزنجيفورى. ذكره فى كتابه لسان الصادقين وقال ان عليه تقرير الميرزا ابى تراب الشهير بميرزا آقا القزوينى بخطه. والشيخ سراج الدين حسن المعروف بندا حسين.

(ج ١٢، ص ١٣٥، ش ٩١٧)

٤١٣. سجده گاه: فى فضل السجدة على التربة الحسينية بالادلة الشرعية، للسيد محمد بن احمد حسين الامروهى الهندى المولود حدود ١٣١٠. طبع بالهند ١٣٥١.

(ج ١٢، ص ١٤٧، ش ٩٨٤)

٤١٤. سجده گاه رسول: فى السجود على التربة بلغة اردو، لميرزا احمد سلطان المصطفى الجشتى المستبصر الدهلوى. مطبوع وهو صاحب ابطال عامل بحديث و الامامة وغيرهما.

(ج ١٢، ص ١٤٧، ش ٩٨٥)

٤١٥. سحاب البكاء: مقتل فارسى لبيدل الذى ذكر فى ج ٣، ص ١٨٦ وفى بعض نسخه المكتوبة ١٢٦٦. سماه فى آخره سحاب البكاء وذكرنا فى ج ٩، ص ١٥٣ ديوان بيدل الرودبارى الذى اسمه قربان ابن رمضان. المرتب على مجالس فى كل مجلس مشاغل بقلم السيد محمد حسين بن المير محمد رضى الحسنى فى ١٢٦٦. الموجود عند السيد آقا التستري فى النجف.

(ج ١٢، ص ١٤٩، ش ١٠٠١)

٤١٦. سحاب البكاء: للسيد محمد المتخلص سحاب ابن السيد احمد المتخلص هاتف الاصفهانى. ومرّ ديوانه فى ٩: ٤٣٢.

(ج ١٢، ص ١٤٩، ش ١٠٠٢)

٤١٧. سحاب الدموع: عدة مجلّات. طبع المجلّد الاوّل منه الموسوم قرة الابصار ودرّة البراد فى حالات الاربعة من الخمسة الطاهرة النبى (ص) والبتول والامير

والحسين (ع) في ١٣١٦ في حياة المؤلف. أوله: «الحمد لله الذي نور قلوبنا بانوار توحيده...» ومجلده الثاني في خصوص مصائب سيد الشهداء وثالثها الموسوم مظاهر الانوار في عقائد الاخير. طبع في تبريز، للشيخ الفاضل الواعظ الماهر المولى محمد بن مشهدي بابا النخجواني المعاصر.

(ج ١٢، ص ١٤٩-١٥٠، ش ١٠٠٣)

٤١٨. سراج غم در مجلس ماتم: مقتل بلسان الاردو في ثلاث مجلدات. مطبوع بالهند.

(ج ١٢، ص ١٥٩، ش ١٠٦٧)

٤١٩. سر الاسرار: مقتل فارسي، للشيخ عبدالرحيم الكرمانشاهي. مطبوع بمباشرة ابنه الشيخ هادي. وله دقائق الاصول وتوفى ١٣٠٥، كما فصلناه في ج ٨، ص ٢٣٣.

(ج ١٢، ص ١٦٥، ش ١١٠١)

٤٢٠. سر الشهادة: فارسي، لنظام العلماء الميرزا رفيع الطباطبائي التبريزي المتوفى ١٣٢٦.

ترجمناه في النقب، ص ٧٨٧. مطبوع. ومر له حقيقة الامر.

(ج ١٢، ص ١٦٧، ش ١١١٥)

٤٢١. سعادات ناصري: مقتل فارسي و ترجمة اكسير العبادة في اسرار الشهادة لكن ليس

ترجمة جميعه بل هو مستخرج منه و ترجمة بالفارسية من مقام الحسين (ع) ووقعة الطف من ذلك الكتاب. وقد ترجمه للسلطان ناصر الدين شاه وجعله في ثلاثة عشر باباً كل باب ذات مجالس. والاصل والترجمة كلاهما للمولى الورع المولى آغا بن رمضان ابن زاهد الشيرواني الدر بندي الحائري المتوفى بطهران في ١٢٨٦. وقد طبع بايران في ١٢٨٧ وهو غير جواهر الايقان الفارسي له كما مر.

(ج ١٢، ص ١٧٩-١٨٠، ش ١١٩٠)

٤٢٢. سعادتنامه: هو ترجمة روضة الشهداء الفارسي المشهور مع زيادة بعض الآيات

والاحاديث والحكايات والاشعار والمقطعات، للمولى الجامي المصري وقد رتبته على عشرة ابواب: الاولى في ابتلاء بعض الانبياء، الثاني في ابتلاء

النبي (ص) ٣- فى وفاته ٤- فى احوال فاطمة الزهراء ٥- فى احوال امير المؤمنين
٦- فى احوال الحسن ٧- فى مناقب الحسين ٨- فى احوال مسلم بن عقيل ٩- فى
شهادة الحسين ١٠- فيه فصلان: اولهما فى احوال اهل البيت وثانيهما [ثانيهما]
فى عواقب قتلهم. ذكره كشف الظنون.

(ج ١٢، ص ١٨١، ش ١٢٠٣)

٤٢٣. السفر فى ذمّ الرياء: منظوم فارسى، للتركى الشيرازى. طبع فى بمبئى فى ١٣٠٩ =
١٨٩١م، فى ٤٨ ص. [جاء فى ج ١/٩، ص ١٦٩، ش ١٠٧٣: « كتاب السفر فى ذمّ
الرياء، مثنوى فى ذمّ مجالس الطعام الذى كان يقيمه الاغنياء باسم عزاء الحسين. »
فراجع ايضاً ج ١٩، ص ٢٠٨، ش ٩٣٥.]

(ج ١٢، ص ١٩١، ش ١٢٧٧)

٤٢٤. سفر النجاة فى احوال السادة الهداة: كبير فى اربعة عشر جزءاً بعدد المعصومين. سمى
الخامس منه الذى فى احوال سيد الشهداء سفينة النجاة لانه بالخصوص سفينة
النجاة. وسمى الرابع عشر الشمس الطالعة فى ظهور صاحب الانوار الساطعة وهو
نافع لاهل المنبر. ألفه الشيخ غلام حسين بن محمد صادق النجف آبادى النجفى
الروضه خوان مدير مكتبة المولى على محمد النجف آبادى بعد انتقالها الى
الحسينية التستيرية فى النجف. والمتوفى ١٣٤٥ عن خمس واربعين سنة تقريباً
وكلها منتخبة من كتاب البحار مرتبة على حسب ابوابه ورموزه.

(ج ١٢، ص ١٩٢، ش ١٢٨٧)

٤٢٥. سفينة البكاء: مقتل بالاردوية، للسيد زاهد حسين الجارجوى الهندى. مطبوع فى
الهند.

(ج ١٢، ص ١٩٥، ش ١٣٠٤)

٤٢٦. سفينة الشهداء: مرثى منظومة باللغة الاردوية. طبعت بالهند.

(ج ١٢، ص ١٩٦، ش ١٣١١)

٤٢٧. سفينة النجاة: الفارسی فی احوال سفينة النجاة اعنى سيّد الشهداء وهو خامس مجلّدات الكتاب الموسوم بحر اللّثالي، كما مرّ في ج ٣، ص ٤٥.

(ج ١٢، ص ١٩٩، ش ١٣٣٥)

٤٢٨. سفينة النجاة: للحاج علي اكبر بن الاقا علي بن اسماعيل بن الاقا خليل المدرّس الخراساني الشيرازي (١١٨٧ - ١٢٦٣). ذكره في طرائق الحقائق مع سائر تصانيفه. وقال الشيخ محمّد باقر شيخ الاسلام الشيرازي أنّها احدى المجلّدات الاربعة عشر في احوال المعصومين والسفينة لخامسهم الحسين (ع). وهو مطبوع. وله اندرز ناهه الّذي مرّ في ج ٢، ص ٣٦٦ بعنوان اندرز قابوس.

(ج ١٢، ص ٢٠١، ش ١٣٣٧)

٤٢٩. سفينة النجاة: في احوال سفينة النجاة ابي عبدالله الحسين (ع). هو خامس اجزاء الكتاب الكبير الموسوم سفن النجاة للشيخ غلام حسين بن محمّد صادق النجف آبادي النجفي الروضة خوان المتوفّي ١٣٤٥. وهذا الجزء ابسط جميع الاجزاء وهو وحده في جزئين.

(ج ١٢، ص ٢٠٢، ش ١٣٣٩)

٤٣٠. سفينة النجاة: في شرح المنظومة الاثني عشرية او دوازده بند او العقود الاثني عشر في مراثي سادات البشر الّتي نظمها سيّدنا بحر العلوم في المناقب والمصائب وهي معرّب دوازده بند للمحتشم كما مرّ وهي مائة واثنان وثلاثون بيتاً في احد عشر عقداً لكلّ عقد اثناعشر بيتاً. والشرح للمولى نوروز علي الواعظ بن الحاج محمّد باقر البسطامي. وهو فارسي لطيف مبسوط فرغ منه ٢٧ ذى القعدة ١٢٨١ و طبع بعده بخمس سنين وتوفّي ١٣٠٩. وله مختصر هذا الشرح الموسوم لؤلؤة البحرين يأتي في اللام. ورأيت نسخة المؤلّف عند ولده الحاج المولى صادق وعليه تقاريط جمع من اعلام عصره بخطوطهم، مثل الميرزا نصرالله الشيرازي والميرزا نصرالله التريبي والمولى محمّد علي الشاهرودي والمولى مصطفى بن

محمد بن الحسن المشهدى والمولى محمد كاظم الهمداني المشهدى.

(ج ١٢، ص ٢٠٣-٢٠٤، ش ١٣٤٤)

٤٣١. السياسة الحسينية: فارسى، للسيد ابى الحسن الطالقانى الطهرانى المعاصر. طبع
١٣٤٨.

(ج ١٢، ص ٢٧١، ش ١٨١٣)

٤٣٢. السياسة الحسينية، او، رولسيون حسيني: المطبوعة فى طهران ١٣٢٨، للفاضل الميرزا
فضل على بن الملا باشى بن المولى عبدالكريم بن ابى القاسم بن محمد
الايروانى التبريزى. فارسى فى بيان اسرار شهادة الحسين، شرحاً لما فى جريدة
جبل المتين عن بعض الاوروبين.

(ج ١٢، ص ٢٧١-٢٧٢، ش ١٨١٤)

٤٣٣. السياسة الحسينية: بلغة اردو، للسيد مظفر على خان بن خورشيد على خان جانسته
الهندي المتوفى ١٣٥٤. مطبوع.

(ج ١٢، ص ٢٧٢، ش ١٨١٥)

٤٣٤. السياسة الحسينية: بلغة اردو غير مامر. ايضاً مطبوع، كما فى بعض الفهارس الهندية.

(ج ١٢، ص ٢٧٢، ش ١٨١٦)

٤٣٥. السياسة الدينية لدفع الشبهات على المظاهرات الحسينية: للشيخ عبدالمهدى ابن ابراهيم
آل مظفر. طبع فى النجف.

(ج ١٢، ص ٢٧٢، ش ١٨١٩)

٤٣٦. سيد الشهداء وواقعه عاشورا: ترجمه بالفارسية السيد جعفر غضبان. و طبع بطهران فى
١٣٢٤ ش.

(ج ١٢، ص ٢٧٥، ش ١٨٤٦)

٤٣٧. سيد الشهداء: فى اثبات انه الحسين لاشهداء بدر، كما زعمه مدير جريدة النجم
الصادرة فى الهند، للسيد آغامهدى بن محمد تقى بن ابراهيم بن دلدان على

اللکهنوی المعاصر. طبع بلغة اردو ١٣٥٥.

(ج ١٢، ص ٢٧٥، ش ١٨٤٧)

٤٣٨. سيف حسيني: في الردّ على من حرّم عزاء الحسين (ع). طبع بالهند بالاردوية، لبعض علمائها المتأخرين.

(ج ١٢، ص ٢٨٦، ش ١٩٢٥)

٤٣٩. السيف الحيدري في جواز تقبيل ضريح الحسين بن علي: فارسي، لولايت علي ابن غلام رسول الاكبر فوري. ردّ فيه بعض فصول كتاب الصراط المستقيم لعبد الحي. اوله: «الحمد لله على اماتة البدعة واحياء السنة...» كذا ذكره في كشف الحجب.

(ج ١٢، ص ٢٨٦، ش ١٩٢٦)

٤٤٠. سيل غم: في المراثي بلسان الاردو. مطبوع في الهند.

(ج ١٢، ص ٢٩٢، ش ١٩٥٩)

٤٤١. سيماء الصلحاء في اثبات جواز اقامة العزاء لسيد الشهداء: للشيخ عبد الحسين ابن ابراهيم صادق العاملي المعاصر. طبع في ١٣٤٥ وتعرض عليه السيد محسن في كتابه التنزيه لاعمال الشبيه وذكر فيه انه الفائدة الثانية والسبعين من جامع الفوائد له.

(ج ١٢، ص ٢٩٢، ش ١٩٦١)

٤٤٢. شاهد غم: منظوم في رثاء الحسين عليه السلام باللغة الاردوية، للسيد ابن الحسين الملقب بزائر. طبع في الهند.

(ج ١٣، ص ١٥، ش ٤١)

٤٤٣. شاهنشاه نامه حسيني: في نظم واقعة الامام الشهيد المظلوم الحسين بن علي بن ابي طالب عليهم السلام، للاديب الشاعر الميرزا علي اليزدي المجاور في النجف والمتخلص بخاموش. والذي كانت ولادته في حدود سنة ١٢٨٧ هـ. والكتاب في ستين الف بيت. ومرّ له تقليد وطهارت في ج ٤، ص ٣٨٩ ومرّ له خلافت نامه حيدري وديوان شعر في محلّهما.

(ج ١٣، ص ٢٢-٢٣، ش ٥٦)

٤٤٤. الشجاعة الحسينية: فيما يتعلق باحوال سيد الشهداء عليه السلام ومحارباته، للشاعر الماهر الميرزا ابى الحسن الشيرازى المتخلص بخرم. طبع فى سنة ١٣٠٩ هـ وهو نظير الحملة الحديدية. ومزّ شاهنشاه نامه حسينى، للميرزا على المتخلص بخاموش.

(ج ١٣، ص ٢٦، ش ٧٥)

٤٤٥. شرح الازرية: البغدادية الهائية المعروفة، للسيد هادى بن السيد حسين الحسينى الصانع. موجود عند ورثته.

(ج ٢٦، ص ٣٠٨، ش ١٥٤٧)

٤٤٦. شرح تابع: الكلمة الواردة فى زيارة عاشوراء وانها بالياء لالباء الموحدة، كما هو المشهور، للسيد الاجل المير محمد باقر الداماد الحسينى المتوفى سنة ١٠٠٤ هـ وهى رسالة مختصرة، كما يظهر من كتابه الرواشح.

(ج ١٣، ص ١٣٢، ش ٤٣٦)

٤٤٧. شرح حديث حسين منى وانا من حسين: للميرزا محمد الهندي المعروف بالاخبارى، تلميذ سيد العلماء السيد حسين بن السيد دلدار على النقوى.

(ج ١٣، ص ١٩٦، ش ٦٨٢)

٤٤٨. شرح حديث حسين منى وانا من حسين: للسيد محمد بن السيد دلدار على. فارسى مطبوع، كما فى فهرس مكتبة راجه فيض آباد المخطوط المرسل لنا.

(ج ١٣، ص ١٩٦، ش ٦٨٣)

٤٤٩. شرح الخصائص الحسينية: مبسوط، للسيد محمد باقر بن مرتضى الطباطبائى اليزدى الحائرى صاحب وسيلة الوسائل وغيرها. قال السيد حسن الصدر فى التكملة: انى رأيت. اقول اسمه لوائح اللوحين، كما يأتى.

(ج ١٣، ص ٢١٦، بدون شماره)

٤٥٠. شرح الخصائص الحسينية: للشيخ جعفر التستري. اسمه وسائل المحبين، كما يأتى.

(ج ١٣، ص ٢١٦، بدون شماره)

٤٥١. شرح الخصائص الحسينية: للشيخ جعفر المذكور، لبعض تلاميذه. ألفه بعد وفاة استاذة المؤلف ونقل فيه ماسمعه منه شفاهاً وكذلك ينقل هذا الشارح ماسمعه من لسان والده المقدس من حكاية بعض فضلا النجف. وله اشعار عربية فى المراثى.

(ج ١٣، ص ٢١٦، ش ٧٦٩)

٤٥٢. شرح الخصائص الحسينية: المذكور، فارسى، للمولى جعفر بن محمد باقر بن حسن على التستري الواعظ المعروف بشرف الدين والمتوفى سنة ١٣٣٥ هـ. خرج نصفه الاول فى مجلد كبير وخرج من النصف الثانى كراسة واحدة فقط. اوله: «الحمد لله الذى خصّ خواصه بخصائص نعمائه...» الخ. وآخر الموجود منه: «هرگاه يك قدمش به سبب گناه لغزد، قدم ديگرش ثابت مى ماند به واسطه دوستى آل محمد صلى الله عليه وآله.» يوجد عند حفيده الشيخ مهدى شرف الدين فى تستر.

(ج ١٣، ص ٢١٦، ش ٧٧٠)

٤٥٣. شرح دعاء الاحتجاب: لسيد الشهداء الحسين عليه السلام: «يا من شأنه الكفاية» الخ، للشيخ اسماعيل المذكور ايضاً. فرغ منه فى ربيع الثانى سنة ١٣١٧ هـ. واقتصر فى جميع هذه الاربعة على الاعراب النحوى واللغة. والجميع بخطه عند السيد محمد تقى بن السيد شفيع البوشهرى.

(ج ١٣، ص ٢٤٧، ش ٨٩٤)

٤٥٤. شرح دعاء عرفه: لسيد الشهداء الحسين عليه السلام، للسيد خلف بن عبدالمطلب المشعشى الحويزى المعاصر للشيخ البهائى. ألفه بالتماس الميرزا محمد الرجالى بعد ما دعيا به معاً فى الموقف. وكان تأليفه كبعض آخر من تصانيفه بعد ذهاب بصره وازدياد بصيرته. وقد سماه مظهر الغرائب، كما يأتى.

(ج ١٣، ص ٢٥٨، بدون شماره)

٤٥٥. شرح دعاء عرفة: للشيخ محمد على بن الشيخ ابى طالب الزاهدى الجيلانى
الاصفهانى المتوفى ببنارس الهند فى سنة ١١٨١ هـ. ذكره فى فهرس كتبه.

(ج ١٣، ص ٢٥٨، ش ٩٥٠)

٤٥٦. شرح زندگاني حسين عليه السلام: فى حياة سيد الشهداء الحسين بن على، للعلامة
الميرزا ابى عبدالله الزنجاني المعاصر المولود سنة ١٣٠٩ هـ. طبع فى مطبعة
سروش مع حواش للميرزا عباس قلى الواعظ الجرندي.

(ج ١٣، ص ٣٠٣، ش ١١١٢)

٤٥٧. شرح الزيارة الرجبية: للمولى احمد اليزدى الواعظ مجاور المشهد الرضوى
والمتوفى فى حدود سنة ١٣١٠ هـ. يقرب من ثمانية آلاف بيت. رتبه على ثمانين
مجلساً وذكر فى اوله تصانيفه. طبع.

(ج ١٣، ص ٣٠٦، ش ١١٢١)

٤٥٨. شرح الزيارة الرجبية: للمولى درويش على بن الحسين بن على ابن محمد البغدادى
الحائرى المتوفى بها سنة ١٢٧٧ هـ. يوجد فى كربلا عند الشيخ محمد بن عبيد
القارى الحائرى الكوفى.

(ج ١٣، ص ٣٠٦، ش ١١٢٢)

٤٥٩. شرح الزيارة الرجبية: للميرزا محمد بن محمد رضا القمى المشهدى. فارسى اوله:
«بعد از اداى ستايش و وظائف خالق...» الخ. ذكر اولاً سندها الى الشيخ الحسين بن
روح النوبختى وطريقته ان يذكر اولاً الاعراب ثم اللغة ثم الترجمة والمعنى. ألفه
فى المشهد الرضوى سنة ١٠٨٧ هـ. نسخة منه عند الشيخ نصر الله الشبستري فى
تبريز تاريخ كتابتها سنة ١٠٩٧ هـ.

(ج ١٣، ص ٣٠٦-٣٠٧، ش ١١٢٣)

٤٦٠. شرح الزيارة الرجبية: للمولى محمد مهدى بن المولى على اصغر القزوينى. اوله بعد
الحمد والصلاة: «...معروض مى دارد...» الخ. ذكر ان والده ذكر سند هذه الزيارة

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٩١

في كتابه سفينة النجاة يعنى المقالات. فرغ منه في آخر جمادى الاولى سنة ١١٢٣هـ. يوجد في المكتبة الرضوية بخراسان.

(ج ١٣، ص ٣٠٧، ش ١١٢٤)

٤٤١. شرح زيارة عاشوراء: للعلامة الاديب المتبحر الميرزا ابى الفضل الطهراني المتوفى سنة ١٣١٦هـ. اسمه شفاء الصدور، كما يأتى وهو مطبوع.

(ج ١٣، ص ٣٠٧، بدون شماره)

٤٤٢. شرح زيارة عاشوراء: للعلامة السيد اسدالله ابن حجة الاسلام السيد محمدباقر الموسوى الشفتى الاصفهاني المتوفى بكرند سنة ١٢٩٠هـ قاصداً زيارة المراقدة المقدسة. حدثني ولده السيد محمدباقر المعروف بحاج آغا أنه موجود في مكتبته باصفهان.

(ج ١٣، ص ٣٠٧، ش ١١٢٧)

٤٤٣. شرح زيارة عاشوراء: للسيد حسين بن ابى القاسم جعفر الموسوى الخوانسارى الاصفهاني، استاذ السيد مهدي بحر العلوم والمتوفى سنة ١١٩١هـ. ذكره في الروضات.

(ج ١٣، ص ٣٠٧، ش ١١٢٨)

٤٤٤. شرح زيارة عاشوراء: للميرزا ابى المعالى بن محمد ابراهيم بن الحسن الخراساني الكلباسى المتوفى سنة ١٣١٥هـ. طبع في طهران سنة ١٣٠٩هـ.

(ج ١٣، ص ٣٠٨، ش ١١٢٩)

٤٤٥. شرح زيارة عاشوراء: للتمقى الاجل المولى عبدالرسول النورى مقيم طهران والمتوفى في حدود نيف وعشرين وثلثمائة والف. طبع في طهران سنة ١٣٢١هـ ضمن مجموعة من رسائله.

(ج ١٣، ص ٣٠٨، ش ١١٣٠)

٤٤٦. شرح زيارة عاشوراء: فارسى مختصر، لشيخنا الميرزا محمدعلى ابن المولى محمد

نصير الجهاردهى الرشتى النجفى المتوفى سنة ١٣٣٤ هـ. يوجد عند حفيده
الاديب مرتضى الجهاردهى.

(ج ١٣، ص ٣٠٨، ش ١١٣١)

٤٦٧. شرح زيارة عاشوراء: للشيخ مفيد بن محمد نبي بن محمد كاظم ابن الشيخ عبد النبي

الشرىف امام الجمعة ابن الشيخ محمد مفيد بن الشيخ حسن (حسين خ ل)
البحرانى الاصل الشيرازى المولود بها سنة ١٢٥١ والمتوفى بعد سنة ١٣٢٠ هـ.
قرّضه تلميذه الميرزا محمد نصير المتخلص بفرصت بقصيدة فارسية دالية
طويلة، وارخ فراغه من الشرح سنة ١٣٠٣ و اورد ترجمته فى آثار العجم، ص ٢٦.

(ج ١٣، ص ٣٠٨، ش ١١٣٢)

٤٦٨. شرح زيارة الناحية: باللغة الاردوية، لبعض علماء الهند. طبع.

(ج ١٣، ص ٣٠٨، ش ١١٣٥)

٤٦٩. شرح القصيدة الازرية: للسيد الاجل مرّى العلماء البارعين السيد ميرزا اسماعيل ابن

عم آية الله المجدد السيد ميرزا محمد حسن الشيرازى والمتوفى ١٣٠٥
المرّجم فى النقباء، ص ١٥٦. ← ذ ١٧: ١٣٥ - ٣٦ [١٣٦].

(ج ١٤، ص ٤، ش ١٤٨٥)

٤٧٠. شرح القصيدة الازرية: للشيخ العالم الواعظ المولى فيض الله الدر بندى الطهرانى

المسكن. يدعى فيه انه عثر على ابيات منها ليست فيما بايدى الناس.

(ج ١٤، ص ٤، ش ١٤٨٦)

٤٧١. شرح مرثى: آية الله بحر العلوم بالفارسية. موجود عند الحاج على محمد

النجف آبادى. شرحه سنة ١٢٩٦. طبع سنة ١٣٠٠. واسم الشرح سفينة النجاة، كما
مرّ فى حرف السين.

(ج ١٤، ص ٦٣، بدون شماره)

٤٧٢. شرعة المصائب: مقتل بلغة اردو وطبع بالهند، للحاج آخوند الميرزا قاسم على

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٩٣

المعاصر المعروف بالمولوى قاسم على رضا صاحب. وهو خلاصة نهر المصائب له الذى هو فى خمسة اجزاء.

(ج ١٤، ص ١٧٩، ش ٢٠٦٨)

٤٧٣... شرفنامه كربلا: ... كلها منظومات فارسية نظم الشاعر فيها رحلته اليها وفضلها.

(ج ١٤، ص ١٨٣، ش ٢٠٨٣)

٤٧٤. شصت بند: مراثى بالفارسية، للميرزا محمد علي خان المتخلص بسروش الاصفهاني. مطبوع.

(ج ١٤، ص ١٨٩، ش ٢١٢٤)

٤٧٥. الشعائر الحسينية: للشيخ محمد حسين ابن الشيخ محمد آل المظفر النجفي المتوفى ٢٢ المحرم سنة ١٣٨١. طبع بمطبعة النجاح ببغداد سنة ١٣٤٨.

(ج ١٤، ص ١٩١، ش ٢١٣٤)

٤٧٦. الشعائر الحسينية فى العراق: ترجمة الى العربية لما كتبه مستر طامس لائل بالانكليزية والمعرب هو السيد على نقى بن ابي الحسن النقوى اللكهنوى المعاصر، كما ذكره من تصانيفه.

(ج ١٤، ص ١٩١، ش ٢١٣٧)

٤٧٧. شعراء الحسين (ع): لباقر ابن الصادق بن الخطيب البارع الشيخ عبدالحسين الايروانى النجفى المولد والجوار. ولد بها حدود سنة ١٣٤٥.

(ج ١٤، ص ١٩٣، ش ٢١٥٠)

٤٧٨. شعراء الحسين، او، ادب الطّف: تأليف البحّثة على الخاقانى صاحب مجلّة البيان النجفية. يقع فى اربعة اجزاء جمع فيه ٣٣٥ شاعراً مع خيرة شعرهم فى الامام السبط الشهيد (ع) من اول يوم رثى الى عصرنا هذا. ابتداء بتأليفه سنة ١٣٦١ وقد خالف فيه التبسط فى ذكر الشعراء وتوسّع فى كثرة الشعر فقط.

(ج ١٤، ص ١٩٣، ش ٢١٥١)

٤٧٩. الشعشة الحسينية: للشيخ محمد جواد اليزدى المشهدى، مقتل فارسى. طبع بايران وفى هامشه تذكرة الموحدين و تذكرة المصائب كلاهما له ايضاً.

(ج ١٤، ص ١٩٧، ش ٢١٧٣)

٤٨٠. شفاء الصدور فى شرح زيارة عاشور: فارسى لطيف، للعلامة الميرزا ابى الفضل ابن العلامة الميرزا ابى القاسم بن محمد على الكلنترى [الكلانترى] النورى الطهرانى المتوفى سنة ١٣١٦. وكتابه يشهد بعلو كعبه فى الادب وهو مطبوع سنة ١٣١٠. اوله: «شفای صدور سکنه صوامع ملکوت شرح محامد یکتا خدائى است....» و تاريخ فراغه منطبق على حروف عنوانه يعنى «شرح زيارة عاشوراء» وهى سنة ١٣٠٩.

(ج ١٤، ص ٢٠٣-٢٠٤، ش ٢١٩٤)

٤٨١. الشمس الضاحية فى شرح الزيارة الواردة من الناحية المقدسة: فارسى، لبعض الفضلاء المعاصرين. يوجد فى شيراز عند الشيخ محسن الواعظ الشيرازى تلميذ الميرزا ابراهيم على ما ذكره بعض الثقات. ويأتى ايضاً كشاف الداخية فى شرح زيارة الناحية فى حرف الكاف.

(ج ١٤، ص ٢٢٢-٢٢٣، ش ٢٢٨٩)

٤٨٢. شمع المجالس: قصائد عربية و فارسية فى مرثى سيد الشهداء عليه السلام، من منشآت السيد العلامة المير محمد عباس ابن السيد على اكبر بن محمد جعفر ابن السيد طالب ابن السيد نورالدين ابن المحدث الجزائرى الموسوى التستري نزيل لكهنو المتوفى بها فى رجب سنة ١٣٠٦. طبع بمطبعة الجعفرى فى الهند.

(ج ١٤، ص ٢٣١-٢٣٢، ش ٢٣٣٢)

٤٨٣. شهادة الاولياء: فى احوال شهداء كربلاء باللغه الكجراتية، للمولوى غلام على بن اسماعيل البهاونگرى الهندى المعاصر. طبع فى خمسمائة صفحة فى اثنين وسبعين مجلساً.

(ج ١٤، ص ٢٥٧، ش ٢٤٥٩)

٤٨٤. شهادة الحسين: باللغة الاردوية فى اسباب وقوعها وثواب البكاء عليه وتشخيص قتلته ومساعى المختار فى اخذ الثار، للسيد اولاد حيدر البلگرامى الملقب بفوق، مؤلف اسوة الرسول المذكور فى ج ٢، ص ٧١.

(ج ١٤، ص ٢٥٧، ش ٢٤٤١)

٤٨٥. شهادت عظمى: فى مقتل الحسين (ع) بالاردوية، لشاه محمد نذير الهاشمى. طبع بالهند.

(ج ١٤، ص ٢٥٧، ش ٢٤٤٢)

٤٨٦. شهادة نامه آل نبى: منظوم بلسان الاردو، للمولوى الشيخ ناسخ الهندى. طبع فى مطبعة نول كشور فى لكهنؤ.

(ج ١٤، ص ٢٥٧، ش ٢٤٤٤)

٤٨٧. شهادتنامه: الموسومة بغمكده، يأتى فى حرف الغين المعجمة.

(ج ١٤، ص ٢٥٧، بدون شماره)

٤٨٨. شهداء نامه: فى وقايع الطف فى يوم عاشورا، فارسى. طبع فى تبريز فى سنة ١٣٤٩ فى ٦٤ صفحة.

(ج ١٤، ص ٢٥٩، ش ٢٤٧٦)

٤٨٩. شهنشاه حسين: يتضمن حياته عليه السلام باللغة الاردوية. طبع بالهند، لبعض فضلائها. وقال شاعرهم:

دين است حسين ودين پناه است حسين شاهست حسين و پادشاهست حسين
سرداد و نداد دست بر دست يزيد حقا كه بناى لا اله است حسين

(ج ١٤، ص ٢٤١، ش ٢٤٩١)

٤٩٠. شهنشاه نامه حسينى: فى حياة سيد الشهداء عليه السلام. بلغ الى ما يقرب من ٦٠٠٠٠ بيتاً الى ارجاع يزيد اهل البيت عليهم السلام من الشام، لميرزا على خان خاموش اليزدى النجفى المولود سنة ١٢٨٧. وله ديوان غزل ورباعيات وغيرها.

(ج ١٤، ص ٢٤٢، ش ٢٤٩٥)

٤٩١. شهيد الاسلام: فى حياة سيّد الشهداء عليه السلام، للسيّد محمّد هارون صاحب المتوفى فى سنة ١٣٣٩ الزنجى فورى الهندى. طبع بالهند.

(ج ١٤، ص ٢٦٣، ش ٢٤٩٩)

٤٩٢. شهيد اسلام: فى حياة سيّد الشهداء عليه السلام بالگجراتية، لمحمّد جعفر شريف دوجى الهندى. طبع بالهند.

(ج ١٤، ص ٢٦٣، ش ٢٥٠٠)

٤٩٣. شهيد اعظم: مقتل باللغة الاردوية فى مجلدين. مطبوع بالهند، للسيّد رياض على المتخلص برياض البنارسى المعاصر.

(ج ١٤، ص ٢٦٣، ش ٢٥٠١)

٤٩٤. شهيد انسايت: فى بيان سيرة الحسين عليه السلام باللغة الاردوية من الوجهة التاريخية بين المسلمين. آله العلامة المعاصر السيّد على نقى بن ابى الحسن النقوى اللكهنوى من احفاد العلامة السيّد دلدار على غفران مآب الذى هو السبب الوحيد لنشر المذهب الجعفرى فى تلك البلاد الهندية قدس سره. وقد اقدمت على طبعه فى لكهنو ادارة التذكار الحسينى بعد تأليفه بمناسبة مرور ثلاثة عشر قرناً الى كارثة الطّف فى سنة ١٣٦١ وخرج فى ٧١٢ صفحة. وقد استهدف مؤلفه حسب عادة كلّ من صنّف وقد كتب له اجره بما كلف.

(ج ١٤، ص ٢٦٣، ش ٢٥٠٢)

٤٩٥. شهيد نينوى: فى شهادة الحسين عليه السلام وبيان عظمتها وجلالتها، للسيّد ابن الحسن الجارجوى الهندى المولود سنة ١٢٨٨. آله باللغة الاردوية وبالگجراتية ايضاً، وهو مطبوع. وله فلسفة آل محمد، كما يأتى فى حرف الفاء.

(ج ١٤، ص ٢٦٤، ش ٢٥٠٤)

٤٩٦. الصحيفة الحسينية: للسيّد الميرزا محمّد حسين ابن الميرزا محمّد على ابن محمّد حسين المرعشى الشهرستانى الحائرى المتوفى ١٣١٥. وهو مطبوع بايران.

امام حسين (ع) در الذريعة / ٣٩٧

أوله: «الحمد لله مجيب الدعوات.» فرغ منها ٢٧ شهر رمضان ١٣٠٣ و طبع ١٣٠٦ بمباشرة تلميذه الشيخ مهدي بن عباس بن محمد بن مهدي الحائري الصحافي.

(ج ١٥، ص ١٧، ش ٨٩)

٤٩٧. الصراط المستقيم: في اثبات استحباب اقامة العزاء لسيد الشهداء (ع) باللغة الججراتية، للمولوي الحاج غلام علي البهاونگري الهندي المعاصر. ذكره في فهرسه.

(ج ١٥، ص ٣٦، ش ٢١٤)

٤٩٨. الصرخة المهدوية: (الكبرى)، في زيارة عاشورا و كيفيتها، للسيد مهدي ابن علي الغريفي البحراني النجفي المعاصر توفي ١٣٤٣ و في خاتمته كلام مبسوط في الامامة و اثبات الخلافة لكنه ناقص. لخصه و استخرج منه الصرخة الآتية.

(ج ١٥، ص ٣٩، ش ٢٣٨)

٤٩٩. الصرخة المهدوية: (الصغرى)، وهو ايضاً للسيد مهدي المذكور وهو مختصر بقطع صغير في ٥٠٠ بيتاً تقريباً في زيارة عاشوراء. مرتب على مقدمة و باين و خاتمة و فيه شيء من حياة سيد الشهداء من الولادة الى الشهادة. أولها: «الحمد لله رب العالمين...» وهو من تلاميذ الشيخ محمد طاهها نجف.

(ج ١٥، ص ٣٩-٤٠، ش ٢٣٩)

٥٠٠. صفوة الكلام في مواظب الحسين عليه السلام وادعيته وخطبه و حكمه و مصائبه: للشيخ خليل بن ابراهيم الصوري العاملي المتوفى بالنجف. و ذكرها في آخر الفوائد الخليلية.

(ج ١٥، ص ٥١، ش ٣٢٧)

٥٠١. صلاح الناشئين: في تاريخ الكوفة و شهادة سيد الشهداء (ع) باللغة الاردوية. مطبوع.

(ج ١٥، ص ٨٥، ش ٥٦٢)

٥٠٢. صمصام بتار: مقتل فارسي في مجلدين، للنواب شاهزاده معتمد الدولة فرهاد ميرزا ابن فتحعلي شاه المتوفى ١٣٠٥. مطبوع.

(ج ١٥، ص ٨٨، ش ٥٧٩)

٥٠٣. الصوب الهاطل : فى المراثى عربياً وترجمته بالاردو نثراً، للسيد ظهور الحسن المعاصر الباهورى الساكن بلكهنو. مطبوع.

(ج ١٥، ص ٩٦، ش ٤٣١)

٥٠٤. صولة الحق على جولة الباطل : مقالة طبعت لبيان ان التعزية والتشبيه مع كونهما راجحين قد حقت بهما امور محرمة لا بد ان ينتزه منها. ولم يرد مؤلفه غير هذا، كما اعترف به الراد عليه فى كتابه البراهين القائمت.

(ج ١٥، ص ٩٨، ش ٤٤٦)

٥٠٥. رسالة فى صوم يوم العاشر : للسيد محمد بن السيد عبدالكريم الطباطبائى البروجردى جد سيدنا بحر العلوم. ذكرها حفيده فى حاشية المواهب. ومرّ جواب المسألة العاشرية.

(ج ١٥، ص ١٠١، ش ٤٦٨)

٥٠٦. ضالة الملا فى تاريخ كربلا: للمدرس بها عبدالمجيد سالم الحائرى المولود بها حدود ١٣٢٠ ووالده الحسين بن راضى آل سالم الربعى. وهو بعد فى المسودة وفى ستة اجزاء ويسمى المنهل المعين فى تاريخ الشهيد العطشان الحزين.

(ج ١٥، ص ١١٤، ش ٧٥٧)

٥٠٧. ضربة قاطعة : فى تجويز الدف والطبل فى المواكب والمآتم للعزاء، للسيد على گوهر ابن السيد على اكبر ابن سلطان العلماء السيد محمد النقوى اللكهنوى. طبعت بالاردو.

(ج ١٥، ص ١١٦، ش ٧٧٩)

٥٠٨. ضياء خورشيد : مراثى بلغة الاردو، للمولوى رضا صاحب الهندى. طبع بلكهنو.

(ج ١٥، ص ١٢٣، ش ٨٣٢)

٥٠٩. ضياء العين فى مقتل الحسين : للسيد جعفر الاعرجى مؤلف مناهل الضرب. فقد احال فيه تفاصيل شهادة مسلم بن عقيل الى كتابه ضياء العين هذا وقال: الفته فى طهران

۱۳۲۱ برسم کافی الدولة میرزا هادی خان الوزير الخزاعی.

(ج ۱۵، ص ۱۲۵، ش ۸۴۵)

۵۱۰. ضیاء العین فی تواریخ الحسین: للمولوی السید فیض حسین الہندی. طبع مجلده

الاول بحیدرآباد فی مطبعة الحیدری، كما فی فهرسها.

(ج ۱۵، ص ۱۲۵، ش ۸۴۶)

۵۱۱. ضیاء العین: منظوم فارسی فی المراثی، لضياء الدولة محمد رحیم بن عباس میرزا.

طبع بطهران ۱۲۶۹ فی ۱۶۴ ص. ونسخته عند فخرالدين.

(ج ۱۵، ص ۱۲۵، ش ۸۴۷)

۵۱۲. ضیاء العینین فی تذکرة اصحاب الحسین: لبقرات التولية الحاج محمد حسن بن

محمد تقی السبزواری المتوفی بها ۱۳۶۴. طبع بمشهد فی ۳۶۶ ص فی ۱۳۴۸.

ومرّ له دزدان پاریس فی ج ۸، ص ۱۴۸.

(ج ۱۵، ص ۱۲۶، ش ۸۴۹)

۵۱۳. ضیاء العیون: فارسی فی تواریخ سید الشهداء من الولادة الى الشهادة واحوال

الأخذین بثاره عن قتلته فی ثمانية وعشرين مجلساً وخاتمة. المجلس الاول فی

ولادته. ألفه المولى صفر علی بن علی اکبر المیقانی من قرى بسطام. اوله:

«الحمد لله الذى امرنا بالسلام والصلاة على اشرف الكائنات...» مجلد كبير

بخطه فرغ منه ۱۳۰۸. رأیته عند ابن اخته الحاج السید جعفر البسطامی المیقانی

فی النجف وذكر انه توفى خاله المؤلف فی ۱۳۵۴ وكان مناهزاً للتسعين واورد

فيه جملة من اشعاره ولقبه فی شعره فقیر، كما مرّ فی ۹: ۸۴۲. قال فی آخر

مخمّس له:

رو رو تو فقیرا که به انجام رسیدی رو رو تو فقیرا که خوش از دام رهیدی

رو رو تو فقیرا که ز ورطات جهیدی رو رو تو فقیرا که لب یار مکیدی

باید بکنی صبر که فی الحال نیاید

وذكر فى أوله أنه ألفه بعد كتابه الاثنى عشرية فى عدة مجلدات.

(ج ١٥، ص ١٢٦، ش ٨٥٠)

٥١٤. ضياء القلوب : مقتل فارسى للشيخ مفيد الشيرازى المتخلص بداور (١٢٥١ - ١٣٢٥)، المذكور فى ٩: ٣١٩. ترجمه تلميذه فرصت فى آثار العجم، ص ٢٦.

(ج ١٥، ص ١٢٧، ش ٨٥٩)

٥١٥. الضيائية: فارسى مرتّب على اربعة عشر اياماض وخاتمة فى تفصيل زيارة عاشوراء وكيفيتها والتكلم فى منها وسندها وثوابها وذكر بعض ما يختص بسيد الشهداء من الشفاعة والشفاء واستجابة الدعاء وبعض تواريخه وتواريخ كربلاء الى غير ذلك. كتبه باسم ولده ضياء الدين. ذكر فيه: ان اشتغاله كان فى النجف سنين ورجح عدم التخيير فى المواطن الاربعة. وحكى عن والده العلامة الاحتياط فى حدّ الحائر. رأيت النسخة مخزومة الطرفين قليلاً عند السيد محمد باقر الكلبايگانى فى النجف حصلت بيده هناك واظنه تصنيف المولى الحاج ميرزا هداية الله ابن ميرزا رضا الكلبايگانى المتوفى حدود ١٣٣٠.

(ج ١٥، ص ١٣٢، ش ٨٨٠)

٥١٦. الطامة الكبرى فى شهادة سيد الشهداء: للسيد آقامهدى اللكهنوى المعاصر بلغة اردو. لم يطبع.

(ج ١٥، ص ١٣٥، ش ٩٠٠)

٥١٧. طپانجه بر خسار يزيد: مطبوع بلسان الاردو بالهند.

(ج ١٥، ص ١٤٥، ش ٩٦٧)

٥١٨. طراز المصائب: فى المقتل، للمولى نظر على بن سلطان محمد الطالقانى المتوفى بمشهد خراسان ١٣٠٦. نسخة بخط يد المصنّف كانت عند الشيخ على اكبر النهاوندى بالمشهد. وقد احوال اليه المصنّف فى كتابه كاشف الاسرار وسمعت أنه طبع.

(ج ١٥، ص ١٥٩، ش ١٠٣٨)

٥١٩. طريق البكاء: مقتل فارسي مرتب على ستين مجلساً بعد ايام شهرى محرم و صفر، للمولى محمد حسين بن المولى عبد الله الشهرابي من توابع ارجستان و قمشه من اعمال اصفهان، المتخلص بگريان. اوله: «نحمدك اللهم يا من سلكتنا فى مسلك احبباء الحسين عليه السلام....» ويذكر فيه من اشعاره و منشأته. طبع فى ١٢٧٣ و فى بمبئى فى حياة المؤلف فى ١٣٠٣ و ١٣١١. وله تخميس دوازده بند محتشم كتبه باسم السلطان ناصر الدين شاه بعد تأليفه انوار المجالس و تذكرة الحال و الصومية و حملة مختاربه و عشرة النساء. و فرغ من انوار المجالس فى ١٢٩٩ و آخره رثاء و لده عطاء الله المتوفى ١٣٠٠.

(ج ١٥، ص ١٦٤-١٦٥، ش ١٠٧٦)

٥٢٠. طريق الجنة: مقتل فارسي مرتب على مجالس، للشيخ حسين بن محمد الواعظ الاصفهاني الحائري المتوفى حدود ١٣٢٠. رأيت نسخته فى كتب السيد على اكبر الكتابي الحائري.

(ج ١٥، ص ١٦٥، ش ١٠٧٩)

٥٢١. طوفان البكاء: المشهور بالجوهري، مقتل فارسي لميرزا ابراهيم بن محمد باقر الجوهري، المذكور فى ٩: ٢١١ الاصفهاني المدفن، توفى ١٢٥٣ و سماه فى هدية الاحباب بمحمد باقر. طبع بايران مكرراً منها ١٢٦٠ و ١٢٧٥ و ١٣١٥. مرتب على مقدمة و اربعة عشر آتشكده. فرغ منه ١٢٥٠ و نسخة منه كتابتها ١٢٥٥ فى كربلا بمكتبة المدرسة الهندية. و لا يخفى ان الجوهري الجرجاني الشاعر المذكور فى ٩: ٢١٠ من القدماء غير هذا و له مراثى اشار اليها فى المناقب القديم الذى ينقل عنه المجلسى فى عاشر البحار وغيره، كما لا يخفى ان ميرزا طوفان الشاعر الفارسي المذكور فى ٩: ٦٥٢ غير صاحب طوفان البكاء الذى يتخلص فى شعره بجوهري.

(ج ١٥، ص ١٨٢، ش ١٢٠٨)

٥٢٢. العبرات: فى اسرار الشهادة فارسي كبير، للسيد على اكبر بن رضى بن محمد تقى

الرضوى البرقى القمى المولود ١٣١٧.

(ج ١٥، ص ٢١٢، ش ١٤٠٣)

٥٢٣. عبرات العين على مصاب الحسين، او، مقتل ابن عيش: للشيخ محمد سراج الدين حسن بن عيش التميمى القريشى اليمانى اللكهنوى، المعروف بالشيخ فدا حسين واسمه التاريخى نظير حسن لأنه ولد ١٢٧٨.

(ج ١٥، ص ٢١٢، ش ١٤٠٤)

٥٢٤. عبرات العيون: للمولى السيد ناصر حسين الجنفورى المتوفى ١٣١٣. ذكره فى التجليات.

(ج ١٥، ص ٢١٢، ش ١٤٠٥)

٥٢٥. عبرة السعيد فى ترجمة عقود الدرّ النضيد فى بعض مناقب الحسين الشهيد: المرتبة على ثلاثة عقود. ألفه محمد صالح المدرّس بمسجد الحرام والملقب بكمال ابن صديق. وطبع فى ١٣١٢. ترجمه بالفارسية المولى محمد رضا بن اسد الله. وطبع بسبزوار فى ١٣٣٤. وله بصيرة السعداء المطبوع ايضا فى ١٣٣٤، كما مرّ.

(ج ١٥، ص ٢١٣، ش ١٤٠٨)

٥٢٦. العجب العجيب فى قتل الحسين الغريب: للسيد محمد بن عبد الحميد الحسينى الهندى. حكى عنه فى بعض المجاميع اشارته بموت اثنى عشر الف من ميمنة العسكر ومثلها من الميسرة.

(ج ١٥، ص ٢٢٤، ش ١٤٦٨)

٥٢٧. عدّة الذاكرين وكفاية الرائين: للميرزا محمد باقر بن زين العابدين بن حسين ابن على اليزدى الحائرى المتوفى بها قرب الثلاثمائة بعد الالف، كان تلميذ صاحب الضوابط وشارح نتايجه. وله عدّة تصانيف اخر. اوله: «الحمد لله الذى جعل مصيبة الال اعظم المصائب فى النفس والاهل والمال....» وهو مقتل فى طى اربعين حديثاً من اخبار الطف ليكون مشمول حديث «من حفظ على امتى

اربعين حديثاً». ولا يتعرّض في الحديث لسنده لأنّ احاديث الطّف ينتهى غالباً الى من حضر الطفوف من تلك الالوف وحالهم معروف وكذلك لا يتعرّض لدلالته لعدم اشتماله على حكم شرعى، بل أنّما يذكر الحديث أولاً ثمّ يستشهد باحاديث اخر مع الشرح. وعليه حواشى منه، وعشرون حديثاً من تلك الاربعين فى مقدّمات الكتاب من ثواب البكاء والابكاء وغيرهما وعشرة منها فى احوال السبط الشهيد وما جرى عليه وعلى اهل بيته من بعده من ابن زياد ويزيد والعشرة الاخيرة جعلها خاتمة الكتاب وفيها ذكر الآخذين بالثار. والنسخة بخطّ المؤلّف، عدّة اخبار من خاتمتها مخرومة، عند السيّد الميرزا هادى الخراسانى بكر بلا. ذكر فى أوّله عدّة من تصانيفه منها فراديس الممتحنين وقواميس بلاء آل طاها وياسين فى عدّة مجلّدات سمى كلّ مجلّد باسم خاصّ به و العدة هذا سادس تلك المجلّدات ألفه حدود ١٢٨٠ وبعدها.

(ج ١٥، ص ٢٢٩، ش ١٤٩٣)

٥٢٨. رسالة فى عدد من خرج الى حرب الحسين (ع) واثبات أنّ المتيقّن منهم ثلاثون ألفاً: لسيدنا ابى محمّد الحسن بن السيّد هادى آل صدر الدين العاملى الكاظمى المتوفى ١٣٥٤. كتبها بالتماس السيّد عبد الحسين بن كليدار على بن جواد خازن الحضرة الحسينية. أوّلها: «الحمد لله حمد الشاكرين على مصابهم....» فرغ منها ١٣٣٤.

(ج ١٥، ص ٢٣٢-٢٣٣، ش ١٥١٥)

٥٢٩. عربى مرثية: فى مراثى الحسين (ع) من شعراء العرب من يوم شهادته الى سنة ٥٠٠. فيه ازيد من سبعين شاعراً من فحول شعراء العرب وذكر مراثيهم، للسيّد سبط الحسن الفتحپورى المذكور فى النقباء. ردّ فيه على دعوى شبلى النعمانى الحنفى فى قوله: أنّ العرب لم يشارك العجم فى المرثى.

(ج ١٥، ص ٢٤٣، ش ١٥٧٨)

٥٣٠. عزاء محرّم: فى جمع مرثى شعراء الهند فى الشهداء. بلسان الاردو. طبع فى حيدرآباد.

(ج١٥، ص٢٦١، ش١٦٨٨)

٥٣١. عزاء الهنود واقامتهم لعزاء الحسين الشهيد(ع): للشيخ سراج الدين حسن المعروف بالشيخ فدا حسين اللكهنوى المولود ١٢٧٨. وله الاعتذار وعبرات العين واليم العجاج واكمال المنة فى نقض منهاج السنة وغير ذلك. ذكر فى التجليات.

(ج١٥، ص٢٦١، ش١٦٨٩)

٥٣٢. عزادار كى بارنج: فى تاريخ اقامة العزاء للحسين (ع) فى الهند والعراق وايران وغيرها بالاردوية، للسيد سبط الحسن الفتحيورى المذكور فى النقباء، ص ٨٠٦.

(ج١٥، ص٢٦١، ش١٦٩٠)

٥٣٣. عشرة مبشرة: فى مصائب سيد الشهداء الحسين بلسان الاردو. طبع فى بلاد الهند.

(ج١٥، ص٢٦٨، ش١٧٣٦)

٥٣٤. العشرية: مقتل فارسى فى عشرة مجالس لايام العاشور، للمولى الآخوند المولى محمد باقر بن جعفر الفشاركى الاصفهانى المتوفى ليلة الاحد ٢٨ شهر رجب ١٣١٤ باصفهان. طبع مع عنوان الكلام فى ١٣٣٣ فى ٣٣٥ ص.

(ج١٥، ص٢٦٨، ش١٧٤٠)

٥٣٥. العشرية: فى عشرة مجالس تقرأ فى كل ليلة من الليالى من اول المحرم وهى مبسوطه. فى آخر كل مجلس مرثى بعضها للخليعى وبعضها للشيخ مفلح البحرانى وبعضها للشيخ ابن حماد. عبّر عن نفسه بقوله فى آخر رثائه: «عبدكم الدر مكي بايعكم مهجته اذ تقدّم الثمنا....» والنسخة عتيقة ضمن مجموعة فيها التهاب نيران الاحزان.

(ج١٥، ص٢٦٨-٢٦٩، ش١٧٤١)

٥٣٦. عظمت حسين بن على: تأليف ميرزا ابى عبد الله بن نصر الله الزنجانى المعاصر. طبع

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٠٥

مع حواشى فارسية لميرزا عباسقلی الواعظ الجرندابى التبريزى. طبع ثالثاً فى ١٣٧٤ وتوفى الميرزا ابو عبدالله فى زنجان اوائل ج ٢ - ١٣٦٠، كما كتبه الجرندابى المذكور.

(ج ١٥، ص ٢٧٩، ش ١٨١٩)

٥٣٧. عظمت حسينى : ترجمة بالفارسية عن اصله الذى هو تأليف السيد هبة الدين الشهرستانى. والترجمة بقلم على رضا ميرزا الخسروانى. وهو مطبوع.

(ج ١٥، ص ٢٧٩، ش ١٨٢٠)

٥٣٨. العقود الاثنى عشر فى مراثى سادات البشر: لسيدنا بحر العلوم محمد مهدي بن المرتضى البروجردى النجفى المتوفى ١٢١٢. ذكره فى الروضات ومرّ بعنوان دوازه بند والاثنى عشريات ويأتى بعنوان المراثى. كررتها لتعدد التعبيرات عنها فى الالسن والكتب. وشرحه سفينة النجاة:

(ج ١٥، ص ٣٠٢، بدون شماره)

٥٣٩. عقود النضيد فى مناقب سيدنا الحسين الشهيد: ذكره كذلك الحاج مولى باقر التستري فى مجموعة له توجد عند السيد آقا التستري فى النجف.

(ج ١٥، ص ٣٠٤، ش ١٩٤٩)

٥٤٠. العلم المرفوع: مراثى ثلاث عينية ولامية وميمية استخرجها ناظمها من ديوانه الموسوم مسيل العبرات فى رثاء السادات فى ١١٤٩ فى مجموعة كتبها بخطه لاستاده الآقا محمد بن الآقا عبدالرحيم الشريف النجفى. والناظم هو الشيخ عبدالله بن محمد حسين بن محمد الشواكى الخطى والمجموعة عند الشيخ هادى كشف الغطاء.

(ج ١٥، ص ٣٢٣، ش ٢٠٧٧)

٥٤١. عمّان البكاء: لعمانى. طبعه الحاج محمد حسين امين التجار فى ١٢٧٦ بايران على القطع الرحلى، كما فى فهرس كتابهاى چاپى لمشار.

(ج ١٥، ص ٣٣٢، ش ٢١٤٧)

٥٤٢. عمدة المصائب ونبذة النوائب: مقتل فارسى. مطبوع فى مجلدين.

(ج ١٥، ص ٣٤٠، ش ٢١٧٤)

٥٤٣. عنصر شجاعت، او، فداكارى هفتاد و دو تن و يك تن: فارسى، بقلم ميرزا خليل بن

ابى طالب الصيمرى الكمرئى المولود فى ١٣١٧ نزيل طهران. طبع مجلده الاول فى ١٣٢٠ ش فى ٣٠٢ ص، وطبع بعده الثانى والثالث ثم الرابع منه زندگانى مسلم بن عقيل المطبوع فى ١٣٦٧.

(ج ١٥، ص ٣٥٢، ش ٢٢٥٨)

٥٤٤. عين البكاء: مقتل فارسى، للمولى محمّد تقى بن المولى احمد البروجردى نزيل

كاشان من تلاميذ محمّد باقر المجلسى. وكتب اجازة للمولى عبد الله الكاشانى فى ١١٠٢. روى فيها عن محمّد باقر المجلسى. يوجد عند السيد شهاب الدين وقد ألفه بها فى ١٠٩٩، كما فى نسخة القمشهى. مرتّب على اثنين وعشرين باباً. اوله: «الحمد لله الذى جعل عين البكاء المباكين عطشان يوم الدين....» وتاريخ كتابة النسخة الموجودة عند العطار بالكاظمية ١٢٤٥. ونسخة اخرى من عين البكاء فى كتب ميرزا آقا فاضل الهاشمى بسبزوار. وفيه أنه ألفه فى كاشان فى ١٠٩٩. ويأتى له لبّ عين البكاء. وطبع عين البكاء بلكهنو ١٢٨٤.

(ج ١٥، ص ٣٦٧، ش ٢٣٢٠)

٥٤٥. عين البكاء: مقتل مطبوع بلسان الاردو، للمولى السيد عبد الله خان صاحب وهو

نظم ونشر. مطبوع.

(ج ١٥، ص ٣٦٧، ش ٢٣٢١)

٥٤٦. عين حقيقت فى أنّ مجاهدات الحسين (ع) كانت حماية عن الدين لاطلباً للملك والسلطنة:

للسيد محمّد مجتبى بن محمّد حسين النوكانوى المولود فى ١٣٢٤. طبع فى ١٣٥٢ واخرى فى ١٣٥٣ بلغة اردو. وله تعليم الشهداء.

(ج ١٥، ص ٣٦٨، ش ٢٣٢٧)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٠٧

٥٤٧. العيون العبرى فى مقتل سيد الشهداء: للسيد ابراهيم بن رسول بن يوسف بن مرتضى الحسينى المرتضى الميانجى المولود ١٣٣٢. فرغ من تبويضه فى النجف فى ج ١ - ١٣٦٥. اوله: «الحمد لله كما هو اهله عدد الرمل والحصى...» مرتب على مقدمة وخاتمة بينهما اربعة ابواب كلها ذوات فصول.

(ج ١٥، ص ٣٨٢، ش ٢٣٨٢)

٥٤٨. الغرر الحسينية والدرر الدينية: للسيد مهدي بن السيد صالح الكشوان [الكيشوان] الكاظمى الكويتى البصرى المذكور. طبع فى ١٣٤٨ وفى اوله فهرسه.

(ج ١٦، ص ٣٨، ش ١٦٣)

٥٤٩. غلبه حيدرى: المعروف بمسيب ناهه، مقتل الحسين (ع) بلغة الاردو، للسيد سجاد على الهندى فى سبع مجلدات. وطبع رابعها فى ١٣٠٢ بلكنهو.

(ج ١٦، ص ٥٩، ش ٢٨٦)

٥٥٠. غم از دل بر شيكان: كراسة فارسية للمولى حيدر القزوينى المعاصر. طبع مع مفرح القلوب له.

(ج ١٦، ص ٦٠، ش ٢٩٣)

٥٥١. غم حسين: مرأى له بلسان الاردو. مطبوع.

(ج ١٦، ص ٦٠، ش ٢٩٤)

٥٥٢. غمكدة: الملقب بشهادة ناهه، منظومة باللغة الاردوية فى مقتل الحسين (ع)، للنواب على محمد خان صاحب المراد آبادى. طبع بلكنهو.

(ج ١٦، ص ٦٠، ش ٢٩٨)

٥٥٣. الغم والهيم: يوجد نسخة منه فى دانشگاه رقم ٤٢ ر ٢٦١٨، كما فى فهرسها.

(ج ١٦، ص ٦٠، ش ٢٩٩)

٥٥٤. فاجعة كربلا: ايضاً لجرجى زيدان والترجمة ايضاً لمحمد على الشيرازى. طبع مكرراً بايران واخرى لهمايون فر، مترجمة عن الانكليزية.

(ج ١٦، ص ٩٢، ش ٤٥)

٥٥٥. فخر البكاء: منظومة لفخر الذاكرين، المذكور فى ٩: ٨١١ موجودة فى الرضوية.

(ج ١٦، ص ١٢٤، ش ٢٥٠)

٥٥٦. فداكارى هفتاد ودون ويك تن: مرّ بعنوان عنصر شجاعت.

(ج ١٦، ص ١٢٨، بدون شماره)

٥٥٧. فراديس الممتحنين وقواميس بلاء آل طاها وياسين: خرج منه ستة مجلّدات سمى كلاً

باسم خاصّ يذكر فى محلّه: ١- فردوس الامامة، ٢- فردوس القصص، ٣- فردوس

الغزوات، ٤- فردوس الطفوف، ٥- مقاليد الجنان، ٦- عدة الذاكرين.

(ج ١٦، ص ١٥١، بدون شماره)

٥٥٨. فردوس الطفوف وقاموس الحنوف: فى احوال السبط الشهيد (ع) وهو رابع مجلّدات

فراديس الممتحنين، تأليف الميرزا محمدباقر اليزدى الحائرى. ومرّ له فى هذا

الجزء فردوس الامامة.

(ج ١٦، ص ١٦٦، ش ٤٦٨)

٥٥٩. فرسان الهيجا: فى شرح احوال ابى عبد الله الحسين (ع)، للشيوخ ذبيح الله بن

محمد على المحلاتى. مؤلف تاريخ سامراء ٣: ٢٥٥ المولود حدود ١٣١٠. طبع

بطهران ١٣٣٤ ش. ويأتى للمؤلف قرّة العين فى حقوق الوالدين، قضاوتهاى

امير المؤمنين، قلائد النحور فى وقايح الايام والشهور.

(ج ١٦، ص ١٦٨، ش ٤٨٥)

٥٦٠. فرط غم: مراثى بالاردو، للميررضا من على المتخلص بضان. طبع فى حيدرآباد

بالمطبعة الحيدرية.

(ج ١٦، ص ١٧٣، ش ٥٢٠)

٥٦١. فرياد: نياحات على شهداء الطّف بلغة اردو. مطبوع، للسيد سبط الحسن الجائسى

اللكهنوى.

(ج ١٦، ص ٢٢١، ش ٨٤٢)

٥٦٢. فضائل زيارة السيد الشهداء والبكاء عليه وزيارة سائر الائمة : للشيخ عمران الخفاجي النجفي المتوفى ١٣٢٨. يوجد عند ولده الشيخ موسى بن عمران. ومزله في هذا الجزء الفرياض.

(ج ١٦، ص ٢٥٨، ش ١٠٤٦)

٥٦٣. فغان محرم: مرآتي بلسان الاردو. طبع في حصتين بمطبعة الحيدري في حيدرآباد. جمع فيهما منظومات شعراء الهند في مرآتي المعصومين (ع).

(ج ١٦، ص ٢٧٨، ش ١١٩١)

٥٦٤. فكر منظوم: مرآتي بلسان الاردو، للمولوي علي محمد المنشي المتخلص بنامي. طبع بحيدرآباد في مطبعة الحيدرية.

(ج ١٦، ص ٣٠٠، ش ١٣١٥)

٥٦٥. فلسفة شهادت: فارسي، للسيد علي القمي. مطبوع في ٢٨ ص.

(ج ١٦، ص ٣٠٨، ش ١٣٨٤)

٥٦٦. فلسفة شهادة الحسين: للسيد محمد هارون الزنجي فوري بالاردو. طبع بالهند، كما في فهرس لاهور الاثني عشرية. ومز غزوات حيدري.

(ج ١٦، ص ٣٠٨، ش ١٣٨٥)

٥٦٧. فلسفة شهادت، يا، رمز محبت: فارسي، لمحمد هادي فخر المحققين الاصطهباناتي. طبع بشيراز ١٣٣٤ ش في ٨٥ ص.

(ج ١٦، ص ٣٠٨، ش ١٣٨٦)

٥٦٨. فلسفه عزاداري: خطب الخطيب الايراني المعروف راشد من الليلة الخامسة حتى الثانية عشرة من شهر محرم سنة ١٣٧٧. مطبوع.

(ج ٢٦، ص ٣٠٩-٣١٠، ش ١٥٥٧)

٥٦٩. فلسفه عزاداري: لغلام حسين بن محمد ولي بن دارس الهندي المعاصر. مطبوع باللغة الغجراتية.

(ج ١٦، ص ٣٠٩، ش ١٣٩٠)

٥٧٠. فلسفة مجلس: فى فوائد مجالس التعزية للحسين، للسيد شوكت على الهندى. طبع فى ١٣٤٨ بلغة اردو. ومرّ للمؤلف فى هذا الجزء فروغ ايمان.

(ج ١٦، ص ٣٠٩، ش ١٣٩٩)

٥٧١. الفواد الحسينية: للشيخ نمر بزه. طبع الجزء الاول منه بمطبعة العرفان بصيداء ٣٣ص. فى ستة مجالس، كلّ مجلس حاو لحديث ومرثية. ومن عزمه اصدار اجزاء آخر متتابعة.

(ج ١٦، ص ٣٤٤، ش ١٦٩٧)

٥٧٢. الفواد الحسينية والقوادح البينية: المشهور بمقتل آل عصفور، للشيخ حسين بن الشيخ محمد بن احمد الدرّازى آل عصفور البحرانى، ابن اخى صاحب الحدائق والمجاز منه فى اللؤلؤة والمتوفى ليلة الاحدى والعشرين من شوال فى ١٢١٦. وهو على نهج منتخب الطريحي. وضعه لان يقرء فى عشرة المحرم يوماً وليلاً ولذا رتبّه على عشرين مصيبة بعدد الايام والليالى وكلّ مصيبة على فوادح. اوله: «الحمد لله الذى بوا آل الرسالة مقاعد التقى والجلالة....» نسخة منه يوجد فى خزانة شيخنا الشيرازى وفى آخر النسخة ذكر انه فرغ من تهذيبها وكتابتها يوم الاحد السابع عشر من ذى حجة فى ١٢٥٩. فيظهر انّ الفوادح المطبوع هو مهذب الفوادح وهذب فى التاريخ المذكور وطبع ايضاً فى ١٣٢٥. ومرّ للمؤلف فى هذا الجزء الفرحة الانسية فى شرح النفحة القدسية ويأتى القول الشارح والحجة لشمرات المهجة ١٧: ٢١١.

(ج ١٦، ص ٣٤٤-٣٤٥، ش ١٦٩٨)

٥٧٣. فيض الدموع او الدمع: مقتل فارسى، لبدايع نكار، الأقا محمد ابراهيم النّوّاب الطهرانى، المدفون بالنجف، ابن الأقا محمد مهدي النّوّاب، المدفون فى الحجرة اليسرى للداخل الى مزار ابن بابويه مقابل مقبرة الشيخ محمد جعفر النورى. وقد طبع بطهران فى ١٢٨٦. اوله: «خدای سبحانه هم در مبدى شهود

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤١١

ذرات عوالم وجود...». وذكر في فهرست كتابهاى چاپى فارسى انه ترجمة للهوف لسيد بن طاوس.

(ج ١٦، ص ٤٠٦-٤٠٧، ش ١٩٤٣)

٥٧٤. فيض الرحمان فى ترجمة اللؤلؤ والمرجان : من الفارسية الى الاردوية، للشيخ محمد حسين بن تاج الدين بن الميرزا الپاكستانى الپنجابى، المولود فى ١٣٥٠. فرغ منه فى ٢٣-٢٤-١٣٧٦ و زاد عليه مقدمة مبسوط فى آداب مجالس العزاء وخاتمة فى حرمة الغناء مفصلاً.

(ج ١٦، ص ٤٠٧، ش ١٩٤٤)

٥٧٥. قاتلان حسين عليه السلام: بلغة اردو وطبع فى الهند، للسيد محمد رضى زنگى پورى.

(ج ١٧، ص ٣، ش ١٥)

٥٧٦. قاتلان حسين عليه السلام: فى احوالات بنى امية وقتلة حسين (ع) بلسان الاردو، للمولوى السيد على نقى النقوى اللكنهوى. طبع ١٣٥١. ومرّ للمؤلف الفرقان فى تفسير القرآن.

(ج ١٧، ص ٣، ش ١٦)

٥٧٧. قامعة اهل الباطل: فى الرد على من حرّم اقامة العزاء للحسين (ع). مطبوع فى بمبئى وهو للشيخ على البحرانى المعاصر. وله واسطة العقد الثمين يأتى.

(ج ١٧، ص ١٥، ش ٨٩)

٥٧٨. القبة الحسينية: لشيخنا الميرزا محمد على بن محمد نصير الجهاردهى الرشتى، المدرّس بالنجف، المتوفى ١٣٣٤. يوجد عند حفيده الشيخ مرتضى المدرّس الجهاردهى ابن محمد بن المصنّف بطهران. ومرّ للمؤلف الغروية ويأتى له القصيدة الجميلة.

(ج ١٧، ص ٣٠، ش ١٧٦)

٥٧٩. قيس الاحزان فى مصيبة الغريب العطشان: للسيد مهدي بن ابن على الحسينى العاملى

الكاظمى، من آل زهرة، المقيم بتبريز. هو قسايد فى المراثى. وطبع على الحجر فى تبريز فى ازيد من ٤٥٠ بيتاً بنفقة ولد الناظم الحاج سيد محمد فى ١٣١٨ وفى آخرها نظم حديث الكساء.

(ج ١٧، ص ٣١، ش ١٨٠)

٥٨٠. قبسات الاحزان: للمولى آقا ابن ابى القاسم الشيرازى الجهرمى. مقتل فارسى مرتب على خمسين قبة. اوله: «نحمدك اللهم يا من لاتحجب عن خلقه الا ان تحجبهم الآمال....» بدأ فى كل قبة خطبة ثم قصيدة ثم النقل عن المقاتل المعتمدة مثل البحار و الفوادح [الفوادح] الحسينية وغيرهما. استكتبه الحاج محتاج الخطيب الواعظ فى طهران فى ١٢٨٠. والنسخة فى موقوفة مدرسة البروجردى بالنجف وفيه النقل عن البكاء للبرقانى [للبرغانى]. ورأيت بخط الشيخ عبدالكريم الكاظمى انه للسيد على اكبر الجهرمى وانه موجود عند الشيخ حسن القارى الحائرى بكر بلاء، يعنى ابوالحب. ورأيت نسخة خط المؤلف عند السيد محمد الموسوى الجزائرى عليها تملكه بخطه، امضائه كذا: نمقة الاثم جعفر بن ابى القاسم الشهير بميرزا آقا الشيرازى الحائرى الواعظ فى ١٢٧٧. ونقش خاتمه: المذنب آقا. كتبه بجنب خط الميرزا محمد بن عبدالوهاب بن آقا داود الهمدانى الكاظمى، الذى كتب على ظهر النسخة بخطه تقریظاً لطيفاً نثراً ونظماً. اول نظمه:

قبسات الاحزان احسن ما ا لفة الناس فى مصاب الحسين

وامضائه: امام الحرمين ابوالمحاسن محمد بن داود، ونقش خاتمه: امام الحرمين بالطغرى. وقبل تقریظ فهرست القبسات الى القبس المتمم للخمسين. اوله: «نحمدك اللهم يا من لا يحتجب عن خلقه الا ان تحجبهم الامال فيقول العبد.... آقا ابن ابى القاسم الشيرازى الجهرمى الحائرى» الى قوله: «وسمّيته بقبسات الاحزان وجمرات الاشجان....» وفى اول كل قيس يورد خطبة ثم يورد

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤١٣

قصيدة فى الرثاء ثم يشرع فى ذكر المصائب وهكذا الى تمام الخمسين قبساً. وذكر فى آخره أنه اتعب نفسه كثيراً حيث جمعه بلامعين ولا اسباب فيما يقرب من خمسة اشهر. شرع فيه اوائل شهر صفر وفرغ فى ثالث رجب فى ١٢٧٥. وعبر عن نفسه باقل الطلاب آقا ابن الحاج ابى القاسم الشيرازى الجهرمى الحائرى المسكن.

(ج ١٧، ص ٣٢-٣٣، ش ١٨٤)

٥٨١. القتيل: فى اثبات جواز اقامة عزاء الامام الحسين الشهيد بلسان الاردو. مطبوع.

(ج ١٧، ص ٤٨، ش ٢٥٧)

٥٨٢. قتيل فرات: وهو الامام الشهيد (ع) بلغة اردو، لبعض فضلاء الهند. مطبوع.

(ج ١٧، ص ٤٨، ش ٢٥٨)

٥٨٣. قرآن اور حسين: بلغة اردو. فى ان الحسين (ع) عدل القرآن. طبع بالهند.

(ج ١٧، ص ٥٨، ش ٣١٥)

٥٨٤. قرّة الابصار ودرّة الابرار: هو المجلد الاول للمجلدات الثلاث من كتاب سحاب الدموع

وهو فى احوال النبى والامير والبتول والامام المجتبى (ع)، والمجلد الثانى فى

احوال سيد الشهداء خاصة، والمجلد الثالث اسمه مظاهر الانوار. كلها مطبوع. ألفها

قبل ١٣١٦ وطبع فى تلك السنة يوم ٩-٢-١٣١٦، للشيخ الواعظ الحاج مولى

محمد بن مشهدى بابا النخجوانى المعاصر. يظهر من كتابه مظاهر الانوار فى عقائد

الاخيار المطبوع.

(ج ١٧، ص ٧١، ش ٣٧٥)

٥٨٥. القصيد السبع: فى مراثى الحسين مبتدءً فيها بمناقب امير المؤمنين، للشيخ على بن

الشهيفية الحلّى. قال فى الرياض رأيتها فى اردبيل بخط الشيخ محمد بن على بن

الجبعى العاملى، تلميذ ابن فهد، فى مجموعة بخطه ولعل الشهيفية نسبة الى

الأم. ولعل الناظم من المعاصرين للشيخ احمد بن فهد المتوفى ٨٤١. اقول:

الجبعى هذا هو جدّ الحسين بن عبدالصمد وقد توفى ٨٨٦ ومن آثاره الشريفة اليوم مجموعتان بخطه كانتا عند شيخنا النورى واليوم عند سبطه آقاضياء. وفي الامل ترجم الشيخ على الشهيفى الحلى. وله مدائح كثيرة فى امير المؤمنين وسائر الائمة. ومرّ فى السين السبع العلويات نسخة منها بخط ابراهيم تاريخ كتابتها ١٢ رجب ١٠٧٨. رأيتها ضمن مجموعة عند الاردوبادى.

(ج ١٧، ص ٨٥، ش ٤٥٥)

٥٨٦. القصيدة التويخية: لماء الفرات الذى قضى الحسين (ع) فى جانبه عطشاناً. أولها:
نهر الفرات لا يقضى السبط ظمناً ومن مياهاك تروى الانس والجانا
نظمها السيد محمد الحائرى، الخادم للحرم الشريف الحسينى. وقد ترجم
المحقق كل بيت منه ببيت فارسى فترجمة البيت المذكور هكذا:

اي فرات آيا روّد سبط پيمبر از جهان تشنه و تو سير گردانى زآبت انس و جان؟
وهكذا الى آخر القصيدة. وقد شرحها ايضاً بيان اللغات المشكلة والاشارات
المبهمه والوقايح التاريخية المجمله بالعربية فى هامش النسخة. وكلها بخط
المحقق القمى منضمّاً الى صلاة كتابه المناهج الذى بخطه ايضاً. وذكر فى آخره
اسمه وتاريخ فراغه من الشرح والترجمة باستدعاء ناظم القصيدة واطراه كثيراً
فى ٢٣ شوال ١١٧٤. وفى اوله خطبة بليغة أولها: «الحمد لله الذى افصح ذكرنا
باجراء اللسان على ذكر احبائه المخلصين... فان هذا القصيدة الغراء المضئئة...
لما كانت باللغة العربية فرغب الى ان يترجم بالفارسية...» والحق بأخر الشرح
والترجمة سبعين بيتاً فى انشاء الصلاة والثناء والمدح لخاتم الانبياء والائمة
الاثنى عشر (ص) نظير التحيات الطيبات للميرزا قوام الدين السيفى القزوينى
المذكور فى ٣: ٤٨٧ وبعدها مراثى الحسين (ع) كلها بخطه بالعربية.

(ج ١٧، ص ١١١-١١٢، ش ٦٠٢)

٥٨٧. قلزم ماتم: مقتل منظوم ومنتثور على ترتيب المجالس بالاردو. مطبوع بالهند، كما فى

الفهرس الاثنى عشرية اللاهورية، وهو للحكيم محمد حسين المتخلص بحاذق الهندى.
(ج ١٧، ص ١٦٦، ش ٨٧٥)

٥٨٨. مقام زخار و مصمص بتار: فارسى فى مقتل الحسين و جملة من احواله من الولادة الى الشهادة، لمعتمد الدولة الحاج فرهاد ميرزا ابن الوليعهد العباس ميرزا ابن فتحعلى شاه القاجار، بانى صحن الكاظمين و مذهب مناراته و المدفون بجانب الباب المعروف باسمه فى حجرة يمين الداخل الى الصحن الشريف. و قد توفى فى ١٣٠٥ بايران ثم حمل الى الكاظمين. شرع فيه فى ١٣٠٣ و اتتمه و طبعه قريب فوته فى اوائل ١٣٠٥ فى طهران فى ٧١٣ ص. اوله: «حمد نام محدود آفريدگار را....» قدّم مقدّمة فى بيان منع بنى اميه عن نشر فضائل اهل البيت و تحريصهم على جعل الاحاديث الموضوعية و ذكر فى اوائله ارجوزة السيد عباس الموسوى عن كتابه نزهة الجليس فى تواريخ احوال الامام المظلوم الشهيد و فى اواخره ثواب البكاء عليه و انشاد الشعر فيه و جملة من المراثى العربية و الفارسية و فى خاتمه ذكر الكتب التى عمد فى النقل عنها. مقتصرأ فى الوقائع و المصائب على نقل الاحاديث و السير الصحيحة الموثقة من كتب قدماء الفريقين السابقين على سنة الالف من الهجرة. و فى تراجم الروايات و تفسير اللغات و غيرهما من التوضيحات و البيانات ينقل عن ساير الكتب القديمة او الحديثة من دون تلك المراعات. و مرّ له فوهنگ جغرافيايى ايران فى ١٦: ١٩٧.

(ج ١٧، ص ١٧١، ش ٩٠٥)

٥٨٩. قوانين المصائب: لمحمد محسن بن محمد رفيع الرشتى المتخلص بعاصمى، المذكور فى ٩: ١٠٠٤، مؤلف قواعد و فوائد، المذكور فى ١٧: ١٩٣ و غيرها.

(ج ١٧، ص ٢٠٣، ش ١٠٨٢)

٥٩٠. قيام حسينى، او، سفينه قهرمانيه: لقهرمان قهرمانى، فارسى. طبع بطهران ١٣٧٠ فى ٣٢٥ ص.

(ج ١٧، ص ٢٢٣، ش ١٢٢٦)

٥٩١. كارآمد ذاكرين: نظم و نثر بلغة الاردو فى المصائب. طبع فى ثلاث مجلّدات بالهند.

(ج ١٧، ص ٢٢٩، ش ٨)

٥٩٢. كارنامه حسين: فى مناقبه و فضائله. طبع بالهند بلغة اردو و طبع ترجمته الانكليزية ايضاً فى مجلّدين.

(ج ١٧، ص ٢٣١، ش ٢١)

٥٩٣. كامل الزيارة: هو الذى عبّر عنه النجاشى بالزيارات والشيخ فى الفهرست بجامع

الزيارات، لكنّ المشهور كامل الزيارة، للشيخ الاقدم ابى القاسم جعفر بن محمّد

بن جعفر بن موسى بن قولويه القمى المتوفى سبع او ثمان وستين وثلاثمائة.

ذكر فيه زيارات النّبى (ص) والائمة (ع) و ثوابها و فضلها. اوله: «الحمد لله اهل

الحمد و ولىه و الدال عليه و المجازى به و المثلب عنه حمداً يزيد و لا يبىد

و يصعد.» قوله: «وانا ميّن لك اطلال الله بفاك ما اثار الله لزائر نبيه و اهل بيته

بالاثار الواردة عنهم على رغم من انكر فضلهم...» صرح فيه بانّه لا يخرج فيه

حديثاً يروى عن غير اهل البيت (ع) و لا حديثاً يروى عن شذوذ اصحابهم. و فى

اوله فهرس ابوابه المنتهى الى الباب الثامن و المائة فى نواذر الزيارات. نسخه

كثيرة، منها فى خزانه كتب الشيخ على بن محمّد رضا آل كاشف الغطاء بالنجف،

و منها فى خزانه الخوانسارى بها، و السيد هبة الدين و الاردوبادى و سيّدنا

الحسن صدرالدين. و يروى فيه عن محمّد بن الحسن الصفّار المتوفى ٢٩٠

و عن والده محمّد بن جعفر بن قولويه و اخيه على بن محمّد و الكلينى و والد

الصدوق و محمّد بن جعفر الزرارى و محمّد بن الحسن بن الوليد و محمّد بن

الحسن بن على بن مهزيار و محمّد بن عبد الله الحميرى و محمّد بن الحسن

الجوهري.

(ج ١٧، ص ٢٥٥، ش ١٣٩)

٥٩٤. كانون احساسات، او، فداكارى شگفت انگيز يگانه مجاهد اسلام: يعنى الامام حسين (ع).

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤١٧

بقلم السيد على اكبر البرقي، المتخلص به كاشف [بكاشف]، مؤلف كاخ دلاويز.
طبع بطهران في ١٣٦٠ في ١٨٨ ص.

(ج ١٧، ص ٢٥٨، ش ١٥٢)

٥٩٥. كربلاتامه: منظومة شعرية، للسيد المولوي مظفر على الهندي، المذكور في
٩: ١٠٦١. طبع بلكنهو.

(ج ١٧، ص ٢٩٠، ش ٣٥١)

٥٩٦. كربلاي غم: في المراثي بلغة اردو، للسيد ابن الحسين الملقب بزاثر اللكنهوي. طبع
بالهند.

(ج ١٧، ص ٢٩١، ش ٣٥٢)

٥٩٧. الكربلا في التاريخ: مطبوع في تواريخ الثورة.

(ج ١٧، ص ٢٩١، ش ٣٥٣)

٥٩٨. كربلا، يا، كانون انقلاب: للسيد على فيض الدزفولي. طبع بطهران في ١٣٦٩ في
٦٦ ص.

(ج ١٧، ص ٢٩١، ش ٣٥٤)

٥٩٩. كشف التمويه عن رسالة التنزيه: في فتاوى العلماء الموافقة لما في رسالة التنزيه، تأليف
السيد محسن العاملي. جمعها الشيخ محمد الكنجي وطبع في النجف في ١٣٤٧
في ٧٤ ص.

(ج ١٨، ص ٢٤، ش ٤٩٢)

٦٠٠. كشف الداحية في شرح زيارة الناحية: في ثلاث حصص. طبع بالهند، كما في بعض
الفهارس وهو غير الشمس الضاحية في شرح زيارة الناحية.

(ج ١٨، ص ٣٤، ش ٥٥٢)

٦٠١. كشف الرين في اثبات عزاء الحسين (ع): للسيد ابي على خان جعفر البنارسي
الدهلوي، تلميذ صاحب النزهة الاثني عشرية. وهو فارسي. طبع في الهند. ←

١٨: ١١٤ و ذ ٢١ ق ٥٠٩٢ و ذ ٢٤ ق ١٠٣٠.

(ج ١٨، ص ٣٧، ش ٥٤٥)

٦٠٢. كعبة الباكين: للحاج شيخ مفيد الشيرازى. مجموع قصائد فارسية فى مرثى الحسين الشهيد (ع) وفيه دوازده بند المقتبس من المحتشم. جمعها بعد وفاته ولده الشيخ محمد هاشم بن مفيد وسمّاه بهذا الاسم فى ١٥ ربيع الاول فى ١٢٥٥، وذيله بمنظوماته العربية والفارسية فى المرثى وسمّى الذيل بحجر اسماعيل وفرغ من الحجر فى ذى حجة ١٢٥٥. فالكعبة بناء الوالد والحجر بناء الولد. والنسخة بخط الولد عند السيد هادى الاشكورى ونسخة فى دانشگاه: ٢٨٦٩/١ بخط ولد المؤلف ايضاً، تاريخ كتابتها ٢٠ شوال ١٢٥٥ مع حجر اسماعيل للولد المذكور. والناظم هو الشيخ مفيد بن الشيخ نبي بن الشيخ مفيد بن الشيخ حسن البحرانى الاصل نزيل شيراز، المذكور فى ١٠٨٨:٩ كان امام الجمعة بشيراز فى عصر فتحعلى شاه القاجار.

(ج ١٨، ص ٨٤-٨٥، ش ٧٩٣)

٦٠٣. كفاية الذاكرين: مقتل فارسى. مطبوع.

(ج ١٨، ص ٩١، ش ٨٢٤)

٦٠٤. كفاية الطالبين: مقتل مطبوع.

(ج ١٨، ص ٩٢، ش ٨٢٩)

٦٠٥. الكلمات التامات: فى المظاهر العزائية، لميرزا محمدعلى بن ابى القاسم الاردوبادى، المولود فى ١٣١٢. مؤلف زهر الربى ١٢:٦٩. تكرر فى ص ١١٤.

(ج ١٨، ص ١١٣، ش ٩٥٨)

٦٠٦. الكلمات الجامعة حول المظاهر العزائية: لميرزا محمدعلى بن الميرزا ابوالقاسم الاردوبادى النجفى المعاصر، المذكور آنفاً. فيه نظريات على رسالة التنزيه فى اعمال الشبيه، تصنيف السيد محسن العاملى. ← ص ٣٧ و ١١٣ و ذ ٢٤ ق ١٠٣٠ و ١٤٣٧.

(ج ١٨، ص ١١٤، ش ٩٦١)

٦٠٧. كلمة حول التذكار الحسيني: للشيخ محمد جواد الحجامي النجفي المعاصر، في اثبات جواز التعزية بانواعها للحسين (ع). مطبوع.

(ج ١٨، ص ١٢٤، ش ١٠١٣)

٦٠٨. كنز الاحزان: ايضاً لمحمد محسن المتخلص بعاصي، المذكور آنفاً.

(ج ١٨، ص ١٤٢، ش ١١٢٢)

٦٠٩. كنز الباكين: في المصائب، للحاج مولى صالح البرغاني، صاحب كنز البكاء وكلاهما مع سائر مقاتله موجودات في مخزن كتبه بكر بلاء. وهو فارسي كبير في اربع مجلدات في مصائب تمام الائمة. مجلدان ينتهي منه الى احوال الصادق (ع) بخط المؤلف موجود عند السيد محمد روضه خوان ابن السيد موسى القزويني النجفي.

(ج ١٨، ص ١٤٨، ش ١١٤٠)

٦١٠. كنز البكاء في مقتل سيد الشهداء: للحاج مولى صالح البرغاني القزويني، موجود في كربلاء مع سائر مقاتله مثل معدن البكاء ومنيع البكاء ومفتاح البكاء ومجمع المصائب ومخزن البكاء وكنز الباكين المذكور آنفاً. وهو والد قرة العين ذ ٢٢٢ ق ٤١٣.

(ج ١٨، ص ١٤٩، ش ١١٤٢)

٦١١. كنز المصائب: منظومة للميرزا محمد تقى المتخلص بقمرى المذكور في ٨٨٩:٩. ينقل عنه المعاصر في نفايس اللباب وهو تركي طبع مكرراً في المراثي من منشآت الميرزا محمد تقى بن ابراهيم الدربندي المتخلص بقمرى. له گلزار حسيني. طبع في مجلد كبير في كل سطر بيتان في ١٣٣٤.

(ج ١٨، ص ١٦٦، ش ١٢١٧)

٦١٢. كنوز السعادة في رموز الشهادة: مقتل مطبوع، لنظام العلماء السيد ميرزا رفيع الدين بن الميرزا علي اصغر الطباطبائي التبريزي، المتوفى ١٣٢٦. وله مقالات النظامية والمجالس النظامية وغيرها. رأيت في الفهارس انه طبع بعنوان كنوز السعادة ورموز

٤٢٠ / كتابشناسى تاريخى امام حسين (ع)

الشهادة بتبريز فى ١٣٢٢ على الحجر.

(ج ١٨، ص ١٧٣، ش ١٢٥٧)

٦١٣. كوكب المصائب: لمحمد حسين الصحاف التبريزى، مجموعة شعرية فارسية. طبع بتبريز على الحجر ١٣٣١. وله گلشن شهداء ايضاً طبع.

(ج ١٨، ص ١٨٦، ش ١٣٢٩)

٦١٤. گلدسته جنان: مراثى بلغة الاردو، للميرزا تشفى صاحب اللكنهوى. طبع بالهند، كما فى الفهارس.

(ج ١٨، ص ٢١٢، ش ٤٧)

٦١٥. گلدسته فضاء: منظوم فى المراثى بلسان الاردو. مطبوع.

(ج ١٨، ص ٢١٢، ش ٥٠)

٦١٦. گلدسته ماتم: فى مراثى شهداء الطف، للسيد بشير حسين المدرس الهندى. مطبوع بلغة الاردو.

(ج ١٨، ص ٢١٣، ش ٥٢)

٦١٧. گلزار: للأخوند مولى عبدالكريم بن عبدالرزاق الاصفهانى، المتخلص بسودائى، المذكور فى ٤٧٥:٩. وهو فى المصائب.

(ج ١٨، ص ٢١٤، ش ٦١)

٦١٨. گلزار حسيني: لاختر الطوسى، المذكور فى ٦١:٩. رأيتها فى الرضوية. وطبع بطهران فى ١٣١٥ ش فى ٢٤٠ ص.

(ج ١٨، ص ٢١٦، ش ٧٣)

٦١٩. گلزار خليل: مثنوى فى المصائب بالاردوية. مطبوع بلكنهوى وهو من نظم السيد محمد كاظم الموسوى الاصفهانى المتخلص بخليل.

(ج ١٨، ص ٢١٦، ش ٧٥)

٦٢٠. گلزار رضوى: منظوم فارسى فى المصائب، لحسن آقا ابن على آقا المتخلص

بعنديلبي المشهدى. طبع فى ١٣٤٢ فى ٢٤ ص. اوله:

فلک ويران شوى با آل طاها بين چهها کردى

چو جورى را فلک از کين به ختم انبياء کردى

(ج ١٨، ص ٢١٧، ش ٧٩)

٦٢١. گلستان حسینی: فى المراثى فارسى، للسید باقر بن السید اسماعیل الکاشانى، نزیل

قم، المولود فى ١٢٩٢ والمتخلص فى شعره باطهرى. ذکر ولده الشهير بآل

ياسين.

(ج ١٨، ص ٢٢٠، ش ٩٩)

٦٢٢. گلشن شهداء: مجموعه شعرية لمحمد حسين صحاف. طبع بتبريز فى ١٣٧٦. وهذا

غير كواكب المصائب له المذكور.

(ج ١٨، ص ٢٢٨، ش ١٣٣)

٦٢٣. گلشن ماتم: مراث باللغة الكجراتية، للحاج غلام على بن الحاج اسماعيل

البهاونكرى المعاصر. ذكره فى فهرسه.

(ج ١٨، ص ٢٢٨، ش ١٣٥)

٦٢٤. گل مغفرت: عشرة مجالس فى مصائب الحسين (ع) نظماً وثنراً بلسان الهندى،

للسيد محمد حسين بن السيد محمد مهدى الموسوى التستري الجزائرى ساكن

بنگاله. ازید من الفى بيت. فرغ منه فى ٢٩ صفر ١٢٤٨. موجود فى خزانة كتب

سیدنا الشيرازى بسامراء.

(ج ١٨، ص ٢٣٠، ش ١٤٧)

٦٢٥. گنج شهيدان: مقتل ومراثى بلغة الاردو، للميرزا تشفى صاحب اللکهنوى. طبع

بالهند وهو ترجمة لروضة الشهداء للکاشفى.

(ج ١٨، ص ٢٣٩، ش ١٩٦)

٦٢٦. گنجینه الاسرار: منظوم فارسى فى بحر المثنوى فى المعارف والمراثى لافصح

الشعراء الميرزا عمان الساماني الاصفهاني المذكور في ۷۶۹:۹. وهو مجموعة اشعاره. طبع بالهند في ۱۳۱۱. قال في آخره:

چون که از اسرار سنگین بار شد نام او گنجینه الاسرار شد

(ج ۱۸، ص ۲۴۵، ش ۲۱۹)

۶۲۷. گنجینه حسینی: لکریم صافی التبریزی، المذكور في ۵۸۴:۹، ۹۰۹. طبع بتبريز في ۲۳۹ ص.

(ج ۱۸، ص ۲۴۶، ش ۲۲۵)

۶۲۸. گنجینه ماتم: مراثی بالاردو. مطبوع.

(ج ۱۸، ص ۲۴۷، ش ۲۳۶)

۶۲۹. گنجینه مصائب: في المراثی بالترکیة، للحاج محمدتقی فرش فروش الفرهادی التبریزی، المتخلص بغمناک. المذكور في ۷۹۲:۹. طبع في ۱۳۵۰ ویأتی لالی غم له.

(ج ۱۸، ص ۲۴۸، ش ۲۳۹)

۶۳۰. گهرهای تابناک: مجموعة من الأشعار الفارسية المرغوبة من التركيب بند وغيرها کلها في مراثی الحسين (ع)، للميرزا محمد علی الانصاری مؤلف خزائن المراثی. المطبوع.

(ج ۱۸، ص ۲۵۴، ش ۲۷۳)

۶۳۱. لالی غم: للشاعر المتخلص بغمناک واسمه الحاج محمدتقی فرش فروش الفرهادی التبریزی، المذكور في ۷۹۲:۹، مؤلف گنجینه مصائب. المطبوع في ۱۳۵۰.

(ج ۱۸، ص ۲۶۱، ش ۲۲)

۶۳۲. لالی منثور: لمحمدتقی حجة الاسلام نیر التبریزی، مؤلف لالی منظوم الاتی ذکره والمذكور في ۱۲۴۱:۹. وهو اشعار ومراثی بالعربية والفارسية والترکیة. طبع

بتبريز في ١٣٠٩ على الحجر وبعدها بطهران في ١٣٣٧ في ٩٥ص.

(ج ١٨، ص ٢٦٤، ش ٣٨)

٦٣٣. اللالي المنظومة: في المراثي، غزليات فارسية وتركية وعربية فيها، للميرزا محمدتقي بن المولى محمد الشيخى الممقانى التبريزى، المتوفى ١٣١٢، المذكور في ٩: ١٢٤١ وهو مطبوع في ١٣٠٩. وله آتشكده ايضاً. مطبوع، كما مر في محله.

(ج ١٨، ص ٢٦٥، ش ٤٤)

٦٣٤. لب عين البكاء: مختصر من اصله وكلاهما للمولى محمدتقي بن احمد البروجردى نزيل كاشان. ألفه بها في ١٠٩٩ وعلى ظهره كتب بخطه اجازة لتلميذه المولى عبدالله الكاشانى، تاريخها في ١١٠٢. يروى فيها عن المجلسى، والنسخة عند السيد شهاب الدين بقم، فارسى كاصله. أوله: «الحمد لله الذى خلقنا بلطفه من الماء والطين....» وقد طبع في طهران.

(ج ١٨، ص ٢٨٧، ش ١٣٥)

٦٣٥. لجة الامم وحجة الامم: في ترجمة كتاب الملهوف المعروف باللوهف لميرزا رضا قلى خان ابن مهدى قلى خان بن محمد صالح خان بن خليفة قلى بيك بن محمد صالح بيك بن صالح محمد الشقاقى السرابى التبريزى، نزيل طهران، مترجم تاريخ پطر كبير، المعروف بتاريخ نويس والمتوفى بطهران في ١٢٨٣ وحمل الى وادى السلام بالنجف. وهو اخ المولى محمد كريم ملاً باشى محمدشاه و مؤلف برهان جامع اللسان وهو اصغر منه وكان مصاحب مؤتمن الملك ميرزا سعيدخان الانصارى وزير امور الخارجية بطهران طى سبعة عشر عاماً. ذكر جميع ذلك ولد المترجم ميرزا مهدى خان ممتحن الدولة في مقدمة طبع اللجة بطهران في ١٣١١. والمظنون ان والده مهدى قلى خان هو الذى ترجمه في مجمع الفصحاء، ٢: ٤٨٨ بعنوان مهدى بيك شقاقى وذكر بعض شعره وذكر انه توفى ١٢١٤.

(ج ١٨، ص ٢٩٦، ش ١٨٨)

٦٣٦. اللطيمات : مراثى تقرأ فى حال اللطم بلسان الحسكة وغيرها، للمولى هاشم بن المولى عبدالباقى، الربيعى الاصل والعشيرة، السامرى المولد والمسكن، المعاصر.

(ج ١٨، ص ٣٢٥، ش ٣٠٠)

٦٣٧. لمعنى معانى : فارسى فى اثبات فضل السجود على التربة الحسينية، للسيد على بن الحاج السيد ابى القاسم الرضوى القمى اللاهورى. وهو مطبوع، ومرّ له غاية المقصود ٢٣:١٦.

(ج ١٨، ص ٣٥٤، ش ٤٥١)

٦٣٨. اللواء فى ثواب الدفن بكرى بلاء: بلسان الاردو، للسيد على بن السيد ابى القاسم الرضوى اللاهورى. طبع بها، كما فى الفهارس لكتبه.

(ج ١٨، ص ٣٥٦، ش ٤٥٨)

٦٣٩. لواعج الاحزان : الملقب بمظهر المصائب، مقتل بالاردوية، مرتّب على سبع وستين مجلساً وفهرسها فى اوله، للمولوى السيد محمّد مهدي بن العالم السيد على بن السيد حيدر على الهندى المظفر پورى المتوفى ١٣٤٦. طبع فى ١٣٢٩.

(ج ١٨، ص ٣٥٧، ش ٤٦٥)

٦٤٠. لواعج الاشجان : فى مقتل الحسين (ع) واحواله من الولادة الى الشهادة، للسيد محسن بن عبدالكريم بن على بن محمّد الامين الحسينى العاملى، نزيل دمشق. طبع بمطبعة العرفان ومعه اصدق الاخبار والدرّ النضيد والمراثى فى ٦٤٦ص وبعدها مكرراً.

(ج ١٨، ص ٣٥٧، ش ٤٦٦)

٦٤١. لواعج الانوار فى مصائب ونوائب سبط الرسول المختار: للحاج الشيخ ابوالحسن بن محمّد الدولت آبادى المرندى النجفى، المتوفى ١٣٤٩، المذكور فى طبقات اعلام الشيعة: النقباء، ٣٤. طبع بطهران فى ١٣٣٠ على الحجر فى ٤٨٥ص. وهو رابع

اجزاء نورالانوار ← ص ٣٤٣ و ذوق ٢٠٠٩ ق ١٨٥٩ و ذوق ٢٤٨ ق ١٩٤٨.

(ج ١٨، ص ٣٤٤، ش ٤٨١)

٦٤٢. لوائح اللوحين في شرح خصائص الحسين واسرار شهادته: للسيد محمد باقر بن مرتضى الطباطبائي اليزدي الحائري، المتوفى بها في ١٢٩٨. يقرب من ثلاثين الف بيت، موجود بطهران عند ابن المصنف السيد احمد. وفاتنا رسائل [كذا في المتن والصحيح وسائل، كما يأتي] المحبين في ترجمة خصائص الحسينية [جاء في ج ٢٥، ص ٧٢ باسم وسائل المحبين]. ونسخة اخرى من اللوائح في كربلا عند الحاج شيخ عبدالله الاندرماني في مجلدين.

(ج ١٨، ص ٣٧٥، ش ٥١٨)

٦٤٣. لؤلؤ البحرين في ذكر مناقب الحسين (ع): فارسي مختصر من سفينة النجاة الذي هو شرح على العقود الاثني عشرية، للسيد مهدي بحر العلوم الطباطبائي البروجردي، الذي تابع فيها دوازه بند. مطلعها: الله اكبر يا ذا الحوادث الجليل. وهذا الشرح كالفهرس للشرح الكبير المذكور، ولم يظفر على العقد الثاني عشر، بل شرح الاحد عشر الموجود منه. وطبع مع التحفة الزوية في ١٢٨٨. كل هذه للمولى نوروز علي بن الحاج محمد باقر البسطامي المشهدي. ذكر انه ظفر من البنود باحدى عشر منها، في كل بند اثني عشر بيتاً، مجموعها ١٣٢ بيتاً. طبع بتبريز في ١٢٨٨ على الحجر وثانياً بطهران في ١٢٩٦. وطبع مع وسيلة النجاة بعنوان لؤلؤة البحرين.

(ج ١٨، ص ٣٧٨، ش ٥٣٢)

٦٤٤. اللؤلؤ النضيد في زيارة ابي عبدالله الحسين الشهيد (ع): وفي بيان كل ما يتعلق بخصوصيات زيارة عاشوراء المعروفة، للشيخ نصر الله بن عبدالله التبريزي الشبستري المولود ٩-٢-١٣٣٣، نزيل قم. فرغ منه في يوم اربعاء ٨ شعبان ١٣٥٩ بتبريز وطبع بها في تلك السنة.

(ج ١٨، ص ٣٨٧، ش ٥٦٦)

٦٤٥. لؤلؤ ومرجان: فی احوال سید الشهداء باللغة الججراتیة، للحاج غلام علی بن الحاج اسماعیل البهاونکری المعاصر، کما فی فهرسه. وطبع فی ٨٠٠ ص.

(ج ١٨، ص ٣٨٨، ش ٥٧٠)

٦٤٦. لؤلؤ ومرجان در شرط پله اول و دوم [منبر] روضه خوان [خوانان]: تألیف الحاج میرزا حسین بن محمد تقی النوری، آله للسید محمد مرتضی الجونپوری. اوله: «ستایش بیرون از اندازه و حساب سزاوار قادری است که از سوزش برق خاطر و ناله رعد قاصف ابر تیره را بگریاند....» فرغ منه فی یوم جمعة اجتمع مع النوروز والقریان من سنة ١٣١٩ فی النجف. طبع بطهران فی تلك السنة وبعدها بایران والهند مکرراً. موجود عندی بخطه الشریف ویوجد نسخة اخرى بخط المؤلف ایضاً تاریخ کتابتها ٢٥ ذی قعدة ١٣١٩ فی المجلس: ٥٨٠٨ فی ٧٢ ورق علی ما فی فهرسها.

(ج ١٨، ص ٣٨٨-٣٨٩، ش ٥٧٢)

٦٤٧. اللهوف علی قتلی الطفوف: للسید جمال السالکین رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن طاوس الحلّی، المتوفی ٦٦٤ مرتب علی ثلاثة مسالك: فی الامور المتقدمة علی القتال و فی وصف القتال و فی الامور المتأخرة عنه. اوله: «الحمد لله المتحلی....» وطبع مکرراً.

(ج ١٨، ص ٣٨٩، ش ٥٧٦)

٦٤٨. لیالی عشر فی الحزن علی شفیع یوم الحشر: مقتل فارسی مرتب علی مجالس، لكل مجلس خطبة مستقلة، للمولی حسین بن علی حسین بن عبدالعلی، آله فی یزد وقد اختصره من کتابه مصائب العارفين المستخرج هو من کتابه الموسوم بهم وغم. ونسخة الیالی رأيتها عند السید ابراهیم الشیرازی نزیل مدرسة السید فی النجف، وقد وقفها محمد کریم خان مانی فی ١٢٥٣.

(ج ١٨، ص ٣٩٠، ش ٥٧٧)

امام حسين (ع) در الدررعية / ٤٢٧

٦٤٩. كتاب المائتين: في مقتل الحسين (ع) في مجلدين، للسيد غلام حسنين الموسوي الكنتوري اللكهنوي، المتوفى حدود ١٣٣٩. ذكره السيد علي نقى النقوى اللكهنوي.

(ج ١٩، ص ٢، ش ٩)

٦٥٠. المآتم الحسينية في الروضات العلوية: كما ذكره في ديباجة الكتاب، او الروضات في المآتم الحسينية، كما سماه بذلك في آخر الكتاب الذي ختم به المؤلف ايضاً. وصرح به في اول الكتاب بأنه هو المجلد السادس من كتاب فرايس الممتحنين، ١٥١:١٦، تأليف الميرزا محمد باقر بن زين العابدين بن حسين بن علي اليزدي الحائري مؤلف انيس النفوس، ٢:٢٦٧ وتذكرة الالباب، ٤:٢٨. ويحتمل ان يكون تحرير آخر لكتابه عدة الذاكرين، ١٥:٢٢٩.

(ج ١٩، ص ٣-٤، ش ١٢)

٦٥١. مآتم حسين (ع): مراثى له (ع) بلسان الاردو. مطبوع، لبعض فضلاء الهند.

(ج ١٩، ص ١٦، ش ٦٨)

٦٥٢. مآتم شهيد اعظم: في فلسفة عزاء الحسين (ع) بلغة اردو. مطبوع، للسيد محمد بن السيد احمد حسين الامروهي المولود حدود ١٣١٠.

(ج ١٩، ص ١٦، ش ٦٩)

٦٥٣. ماتمكده: للعلامة الشيخ الميرزا محمد تقى بن الميرزا علي محمد النورى الطبرسى، والد شيخنا العلامة النورى، المتوفى ١٢٦٣. وهو مقتل فارسى منظوم ومتشور كان فى خزانه ولده المذكور وذكره فى دارالسلام. اوله: «ستائش سزاي كيهان خدايى است كه هر ذره بر كمال صنعش خورشيدى است.» ويوجد فى دانشگاه، ٢٦٤٣ بخط من القرن الثالث عشر فى ٣٥٥ ورق تخلص فيه به وحيد [بو حيد] فى عشرة انجمن، كما فى فهرسها.

(ج ١٩، ص ١٦، ش ٧٠)

٦٥٤. ماتمكده: لملاً قربان بن رمضان القزوينى الرودبارى، المتخلص ببیدل، المذكور فى ١٥٣:٩. فى المراثى فرغ منه فى ١٢٦٦. طبع بطهران فى ١٢٦٦ ايضاً وبعدها مكرراً.

(ج ١٩، ص ١٦، ش ٧١)

٦٥٥. مبكى العينين فى مصيبة مولانا ابى عبد الله الحسين (ع): للمولوى علاء الدين محمد بن سليمان البسطامى من تلاميذ العلامة المجلسى. كتبه فى حياة استاذه على ترتيب المجلد العاشر من البحار على نحو الاختصار. بدأ بمصائب الصديقة الطاهرة ثم الحسن الزكى ثم شهيد الطف ثم اخذ الثار على يد المختار. اوله: «الحمد لله الذى جعلنا من امة صفيه وحببيه محمد المصطفى...» وفرغ منه فى رجب ١٠٩٧. نسخة منه عند الشيخ ابراهيم الكلباسى فى النجف وهى بخط عبد الرزاق بن نظام الدين البسطامى. كتبها عن نسخة الاصل لمرتضى قلى خان قهوه چى باشى وفرغ منه فى ٢٦-٢٦-١١٠٧.

(ج ١٩، ص ٥٦، ش ٢٩١)

٦٥٦. مثنوى اشارات حسينية: لعنقا الطالقانى، جلال الدين ابى الفضل على (١٢٦٦ - ١٣٣٣)، المذكور فى ٩: ٧٧٤.

(ج ١٩، ص ١١٦، ش ٥٩٨)

٦٥٧. مثنوى بحر البكاء: للتكابنى، مرّ فى ٣: ٣٢.

(ج ١٩، ص ١٢٥، بدون شماره)

٦٥٨. مثنوى تسبيح كربلا: لنديم المشهدى، زكى، المتوفى ١١٦٣، المذكور فى ٩: ١١٨٠. مثنوى فى ٤٥٧٠ بيت فى واقعة كربلا وعللها التاريخية. شرع فى نظمه بعد مراجعته من زيارته الاوّل الى اصفهان وفرغ منه بالنجف فى ١١٥٨ (= فيض سحر). اوله:

چون قلم مى كشم الف از آه مددم كرد مدّ بسم الله

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٢٩

يوجد في المجلس، ١٠٨٠ ضمن مجموعة من اواخر القرن الثاني عشر،
كما في فهرسها.

(ج ١٩، ص ١٤٢، ش ٧٠٥)

٦٥٩. مثنوى جنگنامه خامس آل عبا: حماسى دينى فى وقايع الطفّ توجد نسخة منه فى
المجلس. فرغ من نظمها ١١٧٠ وبيتها الاوّل يطابق حملة حيدرى. لبازل المتوفى
١١٢٣ او ١١٢٤، وهو غيره وانما تابعه فى الموضوع. اوّله:

به نام خداوند بسيار بخش خرد بخش و دين بخش و دينار بخش
همه كار دنيا و دين، كردگار از اين هر سه نعمت نمود آشكار
آخره:

چو افتاد اين نظم مرضاى حق بجواز «كرامات منشى حق» ١١٧٠
واما اسم المثنوى فهو بخطّ الكاتب فى صفحة العنوان. والنسخة فى
حدود ٢٠٠٠ بيتاً وتاريخ كتابتها ١٢٠٧، كما فى فهرس الخطية للسيدة راستكار.

(ج ١٩، ص ١٤٩ - ١٥٠، ش ٧٣٠)

٦٦٠. مثنوى حملة حسيني: لعبد المجيد القمى الاوجى، المذكور فى ٩: ٦٩٩. منظومة فى
حدود الفى بيت. يوجد بخطه عند السيد مجيد سبط الناظم بطهران، كما مرّ.

(ج ١٩، ص ١٦١ - ١٦٢، ش ٧٧١)

٦٦١. مثنوى حملة حسيني: لغلام على الرضوى، مرّ ٧: ٩١.

(ج ١٩، ص ١٦٢، بدون شماره)

٦٦٢. مثنوى حملة حسيني: لمحسن التتوى السندى من شعراء القرن الثاني عشر فى اثنى
عشر الف بيت. ذكره گلچين المعانى ضمن منظومات الحماسية الدينية الفارسية
نقلاً عن مقالات الشعراء، ٧٠٢.

(ج ١٩، ص ١٦٢، ش ٧٧٢)

٦٦٣. مثنوى فى نظم روضة الشهداء: الاصل للمولى حسين الكاشفى والنظم لندائى اليزدى

النيشابورى. ذكره تحفة سامى، ٥: ١٥٠ بهذا العنوان. يأتى باسمه سيف النبوة.

(ج ١٩، ص ١٩٢، بدون شماره)

٦٦٤. مثنوى السفره: لتركى الشيرازى محمد حسين الملقب بأغولى المذكور فى ٩: ١٦٩. وهو مثنوى فى ذم مجالس الطعام والرياء فيه الذى كان يقيمه الاغنياء باسم عزاء الحسين (ع). طبع بمبئى فى ١٣٠٩ على الحجر فى ٤٨ ص.

(ج ١٩، ص ٢٠٨، ش ٩٣٥)

٦٦٥. مثنوى سيف النبوة: لحسين ندائى اليزدى النيشابورى المذكور فى ٩: ١١٧٩ من المنظومات الحماسية الدينية، نظم فيها روضة الشهداء لملاحسين الكاشفى واحوال الانبياء ورجال الاسلام والائمة. وفى نسخة دانشگاه، ٣٦٥٨ جاء باسم سيف الامة و مشهد الشهداء. جاء فيه:

كرد سيف النبوة چرخش نام	گشت آن نامه همچو ماه تمام
که چنين بت شکن نديد خليل	... حيدر عهد شاه اسماعيل
نهمش نام مشهد الشهداء	... شد چو ذکر شهادت سEDA

أوله:

اين سرنامه خطبه و تحميدست اين روضة قدس و مشهد توحيدست
يوجد منه نسخة فى طهران، موزه، ٣٧٢٩ بخط قاسم بن على بن حسين
الحسينى ذى حجة ٩٢٧ مذهبة من موقوفات شاه عباس لاستانة شيخ صفى
١٠٢٢ و دانشگاه، ٤٦٥٨ من القرن الحادى عشر، كما فى فهرسها.

(ج ١٩، ص ٢١٤-٢١٥، ش ٩٥٧)

٦٦٦. مثنوى الشجاعة الحسينية: لخرم الشيرازى، الميرزا ابو الحسن، المذكور فى ٩: ٢٩١ و
٢٦: ١٣.

(ج ١٩، ص ٢٢٣، بدون شماره)

٦٦٧. مثنوى شهادتنامه: من المنظومات الحماسية الدينية لابن همام الشيرازى فى واقعة

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٣١

كربلا. فرغ من نظمه في ٥-٩٠٢، كما في نسخته ضمن كليّاته في دانشگاه، ٢٦٥٤ من القرن العاشر في ١٢٠٠ بيتاً. ومزّ له مثنوى اسرار دل، ١٩:١١٤.

(ج ١٩، ص ٢٢٨، ش ١٠١٨)

٦٦٨. مثنوى شهنشاہ نامہ حسینی: لخاموش اليزدی، مرّ في ١٤:٣٦٢.

(ج ١٩، ص ٢٣٠، بدون شماره)

٦٦٩. مثنوى ضياء العين في مرآتي الحسين: لشاهزاده محمد رحيم ميرزا، مرّ ١٥:١٢٥. مثنوى

في حدود ١٢٥٠ بيتاً مع ديباجة مثورة من انشاء محمد تقى الـذرفولى الذى جمع المنظومة سنة ١٢٦٦. رأيتہ عند النصيرى، ٦١. اوله بعد الديباجة:

ای خداوندی که از انگشت خاک آفریدی این همه جانهای پاک

ونسخة في دانشگاه، ٣١٤٨/٢ بخط محمد حسين بن محمد باقر الحسينى

التبريزى ١٢٧٢ واخرى دانشگاه، ٤٣٩٣ من القرن الثالث عشر ايضاً، كما في فهرسها.

(ج ١٩، ص ٢٣٧، ش ١٠٥٨)

٦٧٠. مثنوى عقد مرواريد: لمهدى بن يوسف الواعظ الخراسانى، في المقتل. يوجد بخطه

عند فخرالدين النصيرى، ١٤٨ في خمسة آلاف بيت كتابته ١٣١٩.

(ج ١٩، ص ٢٥٠، ش ١١٠٦)

٦٧١. مثنوى قرّة العين وسرور النشأتين: لعلامة الميرزا محمد باقر صاحب الروضات، مرّ في

٥٧٥:٩ و ٧٣:١٧. فرغ من نظمه في ١٢٦١. ونسخة منه بخط الحاج السيد حسن

الچهارسويى بن السيد ميرزا مسيح بن الناظم فرغ من كتابته ٩-١٣١٢ عند

السيد محمد على الروضاتى باصفهان.

(ج ١٩، ص ٢٦١-٢٦٢، بدون شماره)

٦٧٢. مثنوى كربلا نامه: لمظفر على، مرّ في ١٧:٢٩٠.

(ج ١٩، ص ٢٦٧، بدون شماره)

٦٧٣. مثنوى مختصر المراثى: لپرويز خان سلماسى الذهبى الملقب بصفيير العارفين. اوله:

ابتدا بر اسم خلاق ودود كو عدم را داده از قدرت وجود
آخره:

دوره بر هر نام او چون شد تمام شد جلال الدين محمد والسلام
يوجد فى الرضوية، ٩٢٨٤ عمومى بخط شرف الدين، كتابته ١٤ محرم
١٣٠٣ فى ٤٢ ورق، كما فى فهرسها.

(ج ١٩، ص ٢٨٨، ش ١٢٣٩)

٦٧٤. مثنوى مشهد الشهداء: لندائى، مر بعنوان سيف النبوة، ١٩: ٢١٤.

(ج ١٩، ص ٢٩٦، بدون شماره)

٦٧٥. مثنوى مصباح حسيني: لمشتري الخراسانى، ناظم مثنوى مرأة العشق، ١٩: ٢٩٢ يوجد
عند الملك.

(ج ١٩، ص ٢٩٧، ش ١٢٨٥)

٦٧٦. مثنوى معراج الشهادة: لعاصى الرشتى، محمد محسن بن محمد رفيع، المذكور فى
٩: ٦٧٣ غير ان هناك سقط اسم الناظم. وهو منظومة نظير حملة حيدرى فى
الموضوع.

(ج ١٩، ص ٣٠١، ش ١٣٠٧)

٦٧٧. مثنوى مقامات حسيني: لمحمد اكبر منشى، المذكور فى ٩: ١١٠٦، فى تاريخ وقايع
الطف، نظمه لاحمد شاه الداراني الافغانى (١١٦٠-١١٨٧) وهو على زنة شاهنامه
ولكن لم يتمه، فاتمه مذب البمرودى. يوجد فى المجلس، ١١٩٣. اصلها فى
حدود الفى بيت يختم فى احوالات مسلم بن عوسجة. اوله:

اگر بسمله تاج عنوان نبود مطالب نگاريدن آسان نبود

والتتميم فى حدود الفى وخمسائة بيت. واول هذا القسم فى تلك

النسخة على ما فى فهرسها:

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٣٣

ز مسلم يكي پاڪ گوهر پسر علم در شجاعت بسان پدر
والنسخة بخط محمد حسين البمرودي، كتابتها ١٣٠٩.

(ج ١٩، ص ٣٠٤، ش ١٣١٦)

٦٧٨. مثير الاحزان ومنير سبل الاشجان: في المقتل، للشيخ نجم الدين جعفر ابن نجيب الدين محمد بن جعفر بن ابي البقاء هبة الله بن نما الحلبي المتوفى ٦٤٥. اوله: «الحمد لله الكاشف لعباده عن اسرار مراده». طبع في ايران على الحجر ١٣١٨ ومعه قرّة العين في اخذ ثار الحسين (ع). وطبع في النجف مستقلاً ايضاً وطبع منضماً بعاشر البحار.

(ج ١٩، ص ٣٤٩، ش ١٥٥٩)

٦٧٩. مثير الاحزان في امانء الرحمان: مقتل ومناقب مرتب على عشرة مجالس لا يام العاشور، للشيخ المعاصر شريف ابن عبد الحسين ابن الشيخ محمد حسن صاحب الجواهر النجفي. اوله: «الحمد لله الذي امتحن للتقوى قلوب اوليائه». وطبع معه ثلاثون قصيدة في المراثي ١٣٢٩ وتوفى ليلة السبت ٢٧ شهر الصيام ١٣١٤ وهو والد الشيخ عبدالرسول المدرّس والامام في مسجد جدّه صاحب الجواهر.

(ج ١٩، ص ٣٥٠، ش ١٥٦٠)

٦٨٠. المجالس في ايام عاشوراء: للشيخ جعفر بن الحسين التستري النجفي المتوفى في كركند من طريق العتبات راجعاً من مشهد الرضا ليلة الاربعين التي تانتارت فيها النجوم وشوهد في جميع البلاد وهي ليلة العشرين من صفر ١٣٠٣. وهو ١٣ مجلساً املاها عنه بعض الفضلاء. اولها مجلس اليوم الاول من المحرم وآخرها اليوم الثالث عشر منه. ويأتي مجالس العاشور.

(ج ١٩، ص ٣٥٢-٣٥٣، ش ١٥٧٦)

٦٨١. المجالس في ايام عاشوراء: للفقير الشيخ محمد حسن آل ياسين الكاظمي (١٢٢٠ -

١٣٠٨)، جمعه ورتبه وكان يقرأ فيه أيام عاشوراء. ذكره السيد حسن الصدر فى التكملة. راجع طبقات اعلام الشيعة: النقاء، ٤٥٠.

(ج ١٩، ص ٣٥٣، ش ١٥٧٩)

٦٨٢. المجالس: فى التعزية، مقتل نظير منتخب الطريحي، للشيخ يوسف بن الشيخ حسن بن على البلادى البحرانى المعاصر للشيخ الطريحي المذكور، عمًا قاله حفيد البلادى فى انوار البدرين وقال هو فى مجلدين رأيت احدها ولكن قال فى الامل انه من المعاصرين وكلاها حق لان الشيخ الطريحي توفى ١٠٨٥ وصاحب الامل ١١٠٤.

(ج ١٩، ص ٣٥٦-٣٥٧، ش ١٥٩١)

٦٨٣. مجالس الابرار: ترجمة عاشر البحار. مطبوع فى الهند بلسان الاردو وهو الجزء الاول المتعلق باحوال فاطمة (ع). طبع ١٣١١، للسيد المعاصر السيد حامد حسين بن السيد حسين الفيض آبادى الجنفورى. وعليه تقرير السيد ابى الحسن محمد بن على بن صفدر الرضوى الكشميرى المعروف بالسيد ابوصاحب. وجزوه الثانى فى احوال الحسن السبط (ع)، اسمه محاسن الابرار يأتى. وجزوه الثالث مصائب الابرار فى سوانح الحسين (ع). كلها مطبوعات.

(ج ١٩، ص ٣٥٧، ش ١٥٩٣)

٦٨٤. مجالس الاحزان: يأتى بعنوان مجالس العاشر.

(ج ١٩، ص ٣٥٧، بدون شماره)

٦٨٥. مجالس حسينية: مقتل بلسان الاردو واسمه منتخب المصائب. طبع بالهند فى ١٣٢٤، للمولوى حكيم سيد حسين صاحب ابن المولوى السيد محمد صاحب الزيدى نسباً للكهنوى مولداً ومسكناً، المعاصر المتخلص بگريان. وعليه تقرير السيد ناصر حسين استاده والسيد محمدباقر والسيد نجم الحسن والسيد آقاحسن صاحب والسيد ظهور الحسين والسيد محمدهادى والسيد ذاكر حسين. فرغ

من حصته الاولى ١٣٠٨. مرتباً على ثلاثين مجلساً.

(ج ١٩، ص ٣٥٩، ش ١٦٠١)

٦٨٦. المجالس الحسينية: فارسی فی اسرار الشهادة، للسید نظام العلماء الميرزا فيع الدين الطباطبائي التبريزي المعاصر، المتوفى ١٣٢٦. طبع بايران ١٣٢٣، كما في فهرسه. ويأتى المجالس النظاميه له فراجعه، كما يأتى مفاتيح الكنوز فى المراثى واسرار الشهادة له ايضاً وتوفى ١٣٢٦. ترجمناه فى طبقات اعلام الشيعة : النقباء، ٧٨٧.

(ج ١٩، ص ٣٥٩، ش ١٦٠٢)

٦٨٧. المجالس الحيدرية فى التعزية الحسينية : للسيد حيدر بن السيد ابراهيم الحسينى (١٢٠٥ - ١٢٦٥). ذكرته فى طبقات اعلام الشيعة : الكرام، ٤٤٧. فى المصائب فيه ثلاثون مجلساً فى خمسة الاف وثلاثمائة بيت كتابة، كما عدّه كاتب بعض نسخه، لم يذكر المؤلف اسمه فى اوله ولا فى آخره ولكن اورد فيه القصيدة الرائية لوالده السيد ابراهيم. اوله: «الحمد لله الذى جعل الدنيا سجنًا لا وليائه واحبائه». فرغ من مجلده الاول آخر المحرم ١٢٦٠. رأيته عند المولى محمد على الخوانسارى وتوجد ايضاً نسخة فى الكاظمية عند احفاد المؤلف ونسخة بخط محمد حسن كتابتها ١٥ ذى القعدة ١٢٧٩. رأيتها عند الشيخ عبدالغفار بن مهدي الدزفولى الساكن فى العمارة.

(ج ١٩، ص ٣٥٩، ش ١٦٠٣)

٦٨٨. مجالس الشهداء: فى احوال اصحاب سيد الشهداء وانصاره (ع). فارسی وفى اوله مقدمة وفيه اشعار جيدة فى المراثى وغيرها، لمؤلفه الشيخ على اكبر ابن غلام على الكرمانى نزيل المشهد الرضوى والملقب بمروج الاسلام ومؤلف نفائس اللباب المأخوذ من الفى كتاب. رأيته عنده بخطه.

(ج ١٩، ص ٣٦١، ش ١٦١٢)

٦٨٩. مجالس الشيعة: مقتل بالاردوية. مطبوع فى الهند، لبعض فضلائها.

(ج ١٩، ص ٣٦١، ش ١٦١٣)

٦٩٠. المجالس الطريحية: هو المعروف بمنتخب الطريحي. يأتى فى الميم بما هو المشهور به.

(ج ١٩، ص ٣٦١، بدون شماره)

٦٩١. مجالس العاشور: مقتل للشيخ حسين بن محمد بن احمد بن ابراهيم العصفورى البحرانى المتوفى ١٢١٦، صاحب مريقق الدموع فى المقتل ايضاً. وكلاهما موجودان متداولان فى البحرين، كما يأتى ومنها نسخة فى تبريز بمكتبة السيد على الايروانى، كما فى فهرسها المخطوط الذى بعثه الينا ولده العلامة المير عبدالحجة الايروانى.

(ج ١٩، ص ٣٦٢، ش ١٦١٦)

٦٩٢. مجالس عشرة: للقراءة فى العشرة الاولى من المحرم بالاردوية. مطبوع بالهند، للمولوى السيد محمد صادق الكهجوئى الهندى.

(ج ١٩، ص ٣٦٣، ش ١٦١٩)

٦٩٣. مجالس علوية: مقتل بلسان الاردو. مطبوع مكرراً فى مجلدين متداول فى بلاد الهند.

(ج ١٩، ص ٣٦٣، ش ١٦٢٠)

٦٩٤. المجالس الفاخرة: فى ماتم العترة الطاهرة، للسيد عبدالحسين ابن السيد يوسف بن جواد بن اسماعيل بن محمد بن السيد ابراهيم الملقب بشرف الدين الموسوى وكانت امه العلوية اخت سيدنا ابى محمد الحسن صدر الدين يعبر عنه دائماً بالخال. شرع فى طبعه بصيداء فى مطبعة العرفان ١٣٣٢. اوله: «الحمد لله على جميل بلائه وجيل عرائه.» وفى مقدمة المجالس ذكر فضل البكاء واسرار شهادته وفلسفتها وقد خرج من الطبع المقدمة فقط. واما المجالس فكان فى

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٣٧

اربع مجلّدات: أولها فى السيرة النبوية والثانى فى الامير والزهران والحسن (ع) والثالث فى الحسين (ع) والرابع فى سائر الائمة التسعة (ع). والأسف أنه نهبت المجلّدات الاربعة مع سائر كتب المصنّف فى ١٣٢٩.

(ج ١٩، ص ٣٤٣، ش ١٦٢١)

٦٩٥. المجالس الفخرية: يقال لمنتخب الطريحي الاتى بهذا العنوان.

(ج ١٩، ص ٣٤٣، بدون عنوان)

٦٩٦. مجالس الماتم: للمولى هاشم المعلم السامرائى مولداً ومنشئاً ومسكناً الربيعى جرثومة كان امامياً اثنى عشرىاً يقينياً جداً حتى أنه سمى احد ابنائه على افضل والاخر عبد الباقي سمى والده او عبد الصاحب وتوفى حدود ١٣٦٠. وهو كان معلم الاطفال بسامراء سنين وكتابه مقتل مرتب على مجالس. رأيته عنده بخطه ويوجد فى النجف بخطه كتاب التحصيل [التحصين] فى صفات العارفين تأليف الشيخ ابى العباس احمد بن فهد الحلّى المتوفى ٨٤١. فرغ من كتابته فى سامراء ١٣١١ وذكر تمام نسبه هناك محمّدهاشم بن عبد الباقي بن ملا عبدالله بن ملا على بن ملا حسين بن ملا مرتضى بن ملا سليم بن ملا على بن ملا حسين الربيعى الشجاني المياحى خادم حرم الامامين الهمامين العسكريين. اقول قام مقامه فى خدمة الحرم اكبر ولده يمل الى الاخبارية وكان يتولّى دار الاخبارية التى كانت ملصقة بالصحن الشريف العسكرى وهدمت اخيراً وصارت فلكة فى ١٣٨٠.

(ج ١٩، ص ٣٤٤، ش ١٦٢٥)

٦٩٧. المجالس المفجعة: فى المقتل، فارسى كبير مرتب على مقدّمة وخمسة وعشرين مجلساً. أوله: «ثناء وستايش خاص حكيمى است كه ساقى حكمتش مجلسيان بزم مصائب را سرمست باده تسليم ورضا گردانيد.» تاريخ كتابه النسخة الموجودة عند الشيخ على محمّد بن العلم امام مسجد صاحب الزمان (ع) فى

اهواز، تاريخ كتابتها [كذا فى المتن] ٣-٢ع-١٢٦٢. ولا يعلم تاريخ التأليف ولا اسم المؤلف وإنما يظهر من اثنائه أنه كان المؤلف معاصر المولى مهدى بن ابى ذر النراقى مؤلف مهيج الاحزان.

(ج ١٩، ص ٣٦٧، ش ١٦٣٧)

٦٩٨. المجالس والمراثى: للشيخ احمد بن الشيخ حسن قفطان النجفى المتوفى ١٢٩٣. رأيت النسخة بخطه فى مكتبة المرحوم الشيخ محمدعلى اليعقوبى بالنجف.

(ج ١٩، ص ٣٧٢، ش ١٦٥٩)

٦٩٩. مجالى اللطف بارض الطّف: ارجوزة الفية فى تاريخ كربلا، للشيخ محمد بن الشيخ طاهر السماوى النجفى المتوفى بها ١٣٧١. نظمها ١٣٥٧ ومجموع اسمها تاريخها. اولها:

احمدك اللهم يامن ميّزا من البقاع حيّزاً فحيّزا

وبعد فاسمع هذه المجالى يؤرخ الطّف على الاجمال

فسمتها مؤرخاً بالحرف مجالى اللطف بارض الطّف

وقد طبعت مع تاريخ النجف له المسمّى عنوان الشرف فى ١٣٦٠.

(ج ١٩، ص ٣٧٣، ش ١٦٦٤)

٧٠٠. مجرى البكاء: مقتل فارسى، للمولى محمد شفيع بن محمد حسين الكرهودى العراقى المعاصر للسلطان محمدشاه القاجار. وفيه اشارات الى اسرار الشهادة ثم بسط تلك الاشارات فى كتابه الموسوم باسم ارباب الاولياء، الذى كتبه باسم محمدشاه ايضاً، كما مرّ فى ٣٩:٢.

(ج ٢٠، ص ٨، ش ١٧١٤)

٧٠١. مجلى الشريعة: فى مصائب العترة الخمسة الطاهرة الى رجوع اهل البيت من الشام الى المدينة. مجلّد كبير، للمولى آقا الخوينى القزوينى (١٢٤٧ - ١٣٠٧)، عند ولده الميرزا حسين المولود سنة ١٢٧٩ يوم مولد النبى (ص)، كما ذكرناه

فى النقباء: ١٧١ بعنوان المجلّى.

(ج ٢٠، ص ١٣-١٤، ش ١٧٨٢)

٧٠٢. مجمع المصائب: مقتل فارسى، للمولى محمد صالح بن الاغا محمد البرغانى القزوينى، موجود مع مقاتله الاخر: معدن البكاء ومفتاح البكاء ومنيع البكاء وكنز البكاء فى كربلا عند بعض احفاده.

(ج ٢٠، ص ٤٤، ش ١٨٤٨)

٧٠٣. مجمع المصائب: للسيد قريش بن محمد الحسينى القزوينى، موجود فى الخزانة الرضوية. وينقل عنه الفاضل المعاصر فى نفائس الباب. اوله: «الحمد لله الذى رفع درجات الشهداء.» والحق به تمة كتابتها ١٢٤١ ووقفه الميرزا موسى فى ١٢٤١ ولعل الوقفية بعد وفاة المؤلف.

(ج ٢٠، ص ٤٤، ش ١٨٤٩)

٧٠٤. مجمع المصائب: منظومة فى المصائب، للميرزا محمد بن سليمان التنكابنى، ذكره فى قصص العلماء عند ذكر فهرس تصانيفه.

(ج ٢٠، ص ٤٤، ش ١٨٥٠)

٧٠٥. مجموعات كثيرة: فى ثمان مجلدات اثنتان منها فى الاشعار واثنتان فى حالات الحسين (ع) واصحابه وبعض المواعظ المنبرية وخامستها فى طرق حديث الغدير وفوائد اخرى وسادستها فى ردّ الطبيعيين وغيرهم وسابعتها فى ردّ الصوفية والشيخية وغيرهم وثامتها فى بعض المناظرات والتنقيدات وفوائد حسابية وتعليقات على شرح التجريد وفوائد اخرى. كلّها للمحدث المعاصر الشيخ الميرزا عبدالرزاق بن الميرزا على رضا بن عبدالحسين الاصفهانى مولداً الحائرى منشأ الهمدانى مسكناً الشهير بالواعظ الهمدانى.

(ج ٢٠، ص ٥٨، ش ١٨٩١)

٧٠٦. مجموعة الاشعار: (ثانية)، فى المراثى واكثرها للحاج هاشم الكعبى وبعضها ليس فى

ديوانه. المطبوع وهو بخط الصائغ ايضاً.

(ج ٢٠، ص ٧٠، ش ١٩٦٨)

٧٠٧. مجموعة الاشعار: (ثالثة)، وفيها الازرية المشهورة وبعض المراثى. كل هذه المجاميع الثلاثة بخط جامعها فى الكاظمية عند الدكتور حسين على محفوظ العاملى الكاظمى.

(ج ٢٠، ص ٧٠، ش ١٩٦٩)

٧٠٨. مجموعة غم: مراثى بلسان الاردو. طبع فى حيدرآباد.

(ج ٢٠، ص ٩١، ش ٢٠٥٥)

٧٠٩. مجموعة المراثى: من انشاء جمع من شعراء العجم كالقبل والمخلص والمحتشم وغيرهم. طبعت بلكهنو.

(ج ٢٠، ص ١٠٣، ش ٢١٢٤)

٧١٠. مجموعة المراثى: من نظم اربعة وعشرين شاعراً من القدماء والمتأخرين فى رثاء الحسين (ع). جمعها الشيخ لطف الله بن على بن لطف الله الجدحفصى البحرانى. كتبه بخطه الجيد المجدول فرغ منه ١٢٠٠. يوجد عند الشيخ محمدعلى بن الشيخ يعقوب الخطيب الشهير النجفى.

(ج ٢٠، ص ١٠٤، ش ٢١٢٦)

٧١١. مجموعة المراثى: للشيخ الميرزا محمدتقى بن الميرزا على محمد النورى الطبرىسى، والد شيخنا العلامة النورى المتوفى سنة ثلاث وستين ومائتين والف. ذكرها ولده المذكور فى دار السلام.

(ج ٢٠، ص ١٠٥، ش ٢١٢٨)

٧١٢. مجموعة المراثى: وهى اشعار تقرأ فى مجالس التعزية، ايضاً للمولى محمدتقى المذكور، ذكرهما ولده فى دار السلام.

(ج ٢٠، ص ١٠٥، ش ٢١٢٩)

٧١٣. مجموعة المراثي : للشعراء المتقدمين منهم والمتأخرين. جمعه الخطيب السيد حسن بن علي بن الحسن الحسيني القبانجي النجفي المولود ١٣٢٨. رأيته بخطه وهو بعد مشغول باللاحق اليه.

(ج ٢٠، ص ١٠٥، ش ٢١٣٠)

٧١٤. مجموعة المراثي: الفارسية، من نظم الميرفتاح المراغي. رأيته في النجف في بعض مكتباتها الشخصية.

(ج ٢٠، ص ١٠٥، ش ٢١٣١)

٧١٥. مجموعة المراثي : للشيخ يعقوب بن الحاج جعفر بن الحسين الحلّي النجفي والد الخطيب الشهير بالشيخ محمد علي يعقوب. وهو مجلد كبير بخطه. رأيته عند ولده المذكور. فيها المراثي والغزل للشيخ محمد نصار صاحب النصاريات بالحسكة وغير ذلك.

(ج ٢٠، ص ١٠٥، ش ٢١٣٢)

٧١٦. المحاضرات الحسينية : خرج منه احد وثلاثون محاضرة، للسيد جاسم الخطيب الشبري الموسوي النجفي المولود بها ١٣٤٦.

(ج ٢٠، ص ١٢٩، ش ٢٢٤٤)

٧١٧. محجة الاحزان: في كتب السيد جلال المحدّث بطهران، وهو من كتب المقاتل. لم يعرف مؤلفه.

(ج ٢٠، ص ١٤٤، ش ٢٣١٠)

٧١٨. محرق الاكباد: لعطاء الله فاضلي المذكور في ٨٠٢:٩، وهو في المصائب. طبع في ٢٢٢ ص.

(ج ٢٠، ص ١٤٨، ش ٢٣٢٦)

٧١٩. محرق الفؤاد: مراثي فارسية للاديب الشاعر الملا محمد رضا المتخلص بمحزون الرشتي. طبع بايران. وله مؤيد الوداد ايضاً مطبوع.

(ج ٢٠، ص ١٤٨، ش ٢٣٢٨)

٧٢٠. محرق القلوب: مقتل فارسى ظريف الاسلوب متداول. مطبوع بايران مكرراً منها ١٢٨٤، للمولى مهدي بن ابى ذر النراقى الكاشانى المتوفى فى سنة تسع ومائتين والـف. وصرّح به فى الروضات ونجوم السماء وغيرهما وقال فى القصص: فيه اخبار ضعاف لا يليق بمثل المحقق النراقى ايرادها. وطبع ايضاً سنة ١٢٩٧ وعلى هامشه مهيج الاحزان وهو مرتّب على مقدّمة وعشرين مجلساً. أوّله: «حمد و سپاس بى نهايت تحفة بارگاه حكيمى است». نسخة منه بخطّ زين العابدين بن محمّد يوسف القزوينى فرغ منها ١٢٣٨ عند السيّد عبدالحسين الحجّة بكر بلا. ومما فيه أنّ المروى عن الامام الصادق (ع) أنّ ما عوض عن شهادته اربعة رابعها عدم احتساب ايام الزيارة من عمر زائره.

(ج ٢٠، ص ١٤٩، ش ٢٣٢٩)

٧٢١. محرم وعاشورا: فيما يتعلّق بعاشورا من الاداب والادعية والاعمال، فارسى للشيخ محمّد حسن بن الشيخ ابى القاسم الشهير بالنجفى نزيل بمبئى. طبع ١٣٥٩.

(ج ٢٠، ص ١٥٠، ش ٢٣٣٧)

٧٢٢. المحرمية: فى مقتل الحسين الشهيد (ع)، للسيّد المير محمّد رضا ابن المير محمّد قاسم الحسينى القزوينى المسكن، جدّ الحاج سيّد تقى المشهور بالدعاء. ذكره نفسه فى كتابه الصيامية الفارسية فى اعمال شهر الصيام الذى تأليفه ١١٠٧ وظهره ان المحرمية ايضاً فارسى.

(ج ٢٠، ص ١٥٠، ش ٢٣٣٨)

٧٢٣. محسن اسلام: بالاردوية، فى سوانح الحسين (ع) فى خمسة ابواب.

(ج ٢٠، ص ١٥٠، ش ٢٣٣٩)

٧٢٤. محشرستان غم: مرثى باللغة الاردوية ومطبوع بالهند.

(ج ٢٠، ص ١٥٠، ش ٢٣٤٣)

٧٢٥. محن الابرار فى ترجمة عاشور البهار: بالفارسية. طبع بايران ١٢٩٥، للشيخ محمّد حسن

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٤٣

بن عبدالله الهشترودی وهو جلدین فی مجلد واحد.

(ج ٢٠، ص ١٦٠، ش ٢٣٨٤)

٧٢٦. مختصر المراثی: للسلامی، مر ١٩: ٢٨٨.

(ج ٢٠، ص ٢٠٧، بدون شماره)

٧٢٧. مختصر الوقعة: ای وقعة الطف، للسید محمد علی بن الحاج میرزا محمد الشاه

عبدالعظیم النجفی المتوفی بها ١٣٣٤. طبع فی النجف.

(ج ٢٠، ص ٢١٦، ش ٢٦٥٣)

٧٢٨. مخزن البكاء: فی المقتل، للحاج مولى محمد صالح البرغانى اخى الشهيد الثالث

المولى محمد تقى ابن الاقا محمد البرغانى القزوينى. موجود فى خزانه كتبه

بكر بلاء ورأيت نسخة منه بخط محمد يوسف بن محمد باقر. فرغ من كتابته

١٢٦١ وهو فارسى. مطبوع فى ايران ١٢٨٥ بقطع كبير. وبعدها مرتب على مقدمة

واربعة عشر فصلاً ثم اربعة عشر مجلساً وخاتمة.

(ج ٢٠، ص ٢٢٤-٢٢٥، ش ٢٦٨٥)

٧٢٩. مخزن البكاء: مراثى بلسان الارذو. مطبوع بالهند.

(ج ٢٠، ص ٢٢٥، ش ٢٦٨٦)

٧٣٠. مخزن المصائب: لكربلائى محمد جعفر من شعراء آذربايجان. ذكر فى دانشمندان

آذربايجان، ١٥٢ نقلاً عن حديقة الشعراء.

(ج ٢٠، ص ٢٣٠، ش ٢٧١٧)

٧٣١. المدمع الصيب فى مقتل الشهيد: للحاج عبدالحسين بن احمد آل نمر العوامى

القطيفى المولود ١٥ محرّم ١٣١٢. قرّضه العلماء منهم العلامتين العليين... (لم

يقرأ)، والسيد ماجد واخوه السيد حسين ابنا السيد هاشم العوامى والشيخ

حسين القديحى والشيخ فرج آل عمران.

(ج ٢٠، ص ٢٥٠، ش ٢٨١٩)

٧٣٢. المذبوح: فى أن قتلة ابى عبدالله الحسين الشهيد (ع) كانوا من العامة. بلسان الاردو. مطبوع بالهند.

(ج ٢٠، ص ٢٥٥، ش ٢٨٤٦)

٧٣٣. مرآة البكاء: مرآتى فارسىة مبدوءة بالمواعظ. طبع فى تبريز، للسيد محسن بن محمد بن على بن جواد بن رضى الحسينى القزوينى نزيل تبريز الشهير بنقاش المتخلص باختر او سيد. توفى حدود ١٣٣٠، كما ارّخه فى دانشمندان آذربايجان، ص ١٢. اوله: «سرافكندگان صوامع اندوه و ملال و كناره جويندگان از مجالست ارباب قيل و قال». وله پنجاه بند، كما مرّ فى الباء.

(ج ٢٠، ص ٢٦٥ - ٢٦٦، ش ٢٨٩٦)

٧٣٤. مرآة المصائب: مقتل فارسى فى المصائب الواردة على الامام الشهيد وبيان اسرار شهادته و حكمها، للشيخ محمد حسن السردردى مؤلف ترجمة العليارى المذكور فى ١٦١:٤.

(ج ٢٠، ص ٢٨٦ - ٢٨٧، ش ٢٩٩٨)

٧٣٥. مرآتى الحسين (ع): للشيخ ابراهيم بن عبدالله الزاهدى الجيلانى المتوفى بلاهيجان ١١١٩. ذكره ابن اخيه الشيخ محمد على الحزين فى تذكرته.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣١)

٧٣٦. مرآتى الحسين (ع): لابن حماد بن عمر بن كليب مولى بنى عامر بن صعصعة. ادرك الدولتين الاموية والعباسية، ذكره كذلك فى رياض الجنان فى نيل مشتهى الجنان. المطبوع ١٢٧٧ مصر حاً بأنه غير ابى الحسن على بن حماد.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣٢)

٧٣٧. مرآتى الحسين (ع): لابن الاعرابى. رواها على بن ثروان الكندى عن الوزير المغربى ابى القاسم الحسين بن على عن تغلب عن ابن الاعرابى. طبعها وليارىط الانكريزى مع مقدمة الطبع وبعض الملحوظات. وابن الاعرابى هو ابو عبدالله

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٤٥

محمد بن زياد مولى بنى هاشم المولود سنة مائة وخمسين والمتوفى بسر من رأى سنة ثلاثين ومائتين. والنسخة فى المكتبة الخديوية وغيرها.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣٣)

٧٣٨. المرائى: للشيخ الاديب احمد بن مهدي بن احمد بن نصرالله آل ابى السعود الخطى، المتوفى ع ١٠٦-١٣٠٦. وهو مائة قصيدة ذكره فى انوار البدرين.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣٤)

٧٣٩. مرائى اويس بلكرامى: بلسان الاردو، للشاعر الاديب المير ناصر على صاحب اللكهنوى المتخلص باويس البلكرامى. طبع بالهند.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣٥)

٧٤٠. المرائى: فارسى، لصاحب الديوان الميرزا تقى خان العلى آبادى. اورد جملة منها فرهاد ميرزا فى القمقام.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣٦)

٧٤١. المرائى: للعلامة الحاج مولى محمد جعفر الشريعتمدار الاسترآبادى نزيل طهران المتوفى ١٢٦٣. وهو فارسى وتخلصه الوالى، كما يظهر من رباعيته المذكورة فى الروضات.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣، ش ٣٠٣٧)

٧٤٢. المرائى: لجعفر بن عفان الطائى من شعراء الشيعة وشعره فى مائتى ورقة. ذكره الشيخ فى الفهرست وحكى ابن قولويه فى الكامل رثائه للحسين (ع) بمحضر الامام الهمام ابى عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع): لبيك على الاسلام من كان باكياً / فقد ضيقت احكامه واستحلت الخ.

(ج ٢٠، ص ٢٩٣-٢٩٤، ش ٣٠٣٨)

٧٤٣. المرائى: لآبى الرميح جندب بن الاسود الخزاعى التابعى من شعراء اهل بيت (ع). نسب اليه قوله: اجالت على عينى سحائب عبرة.... عرضها على فاطمة بنت

الحسين فقالت له: قل اذلت رقاب المسلمين فذلت. ونسبه الياقوت فى معجمه الى ابى دهبلى بزيادة بيتين آخرين ونسب سبط ابن الجوزى: وان قتيل الطف من آل هاشم، مع ابيات آخر الى سليمان بن قبة.

(ج ٢٠، ص ٢٩٤، ش ٣٠٣٩)

٧٤٤. المرائى الفارسية: للشاعر المتخلص بمجنون.

(ج ٢٠، ص ٢٩٤، ش ٣٠٤١)

٧٤٥. المرائى الفارسية: للشاعر المتخلص بوحيده. كلاهما ضمن مجموعة فى موقوفة مدرسة السيد البروجردى.

(ج ٢٠، ص ٢٩٤، ش ٣٠٤٢)

٧٤٦. مرتضيات الحسينية: للمفتى المير محمد عباس بن على اكبر الموسوى التستري اللكهنوى المتوفى فى ٢٥ رجب ١٣٠٦. ذكره فى التجليات.

(ج ٢٠، ص ٣٠١، ش ٣٠٨١)

٧٤٧. مرثية اسلام: طبع بالهند فى بلدة دهلى وهو بلسان الاردو.

(ج ٢٠، ص ٣٠١، ش ٣٠٨٣)

٧٤٨. مرثية الحسين (ع): لجمال الدين بن المطهر. وهو قصيدة طويلة فى رثائه (ع)، للعلامة الحلى فى مجموعة عند مولانا الميرزا محمد الطهرانى بسامراء.

(ج ٢٠، ص ٣٠١، ش ٣٠٨٤)

٧٤٩. مرحلة حسينية: منظوم فارسى ببحر التقارب نظير الشاهنامه الفردوسية، للميرزا محمد بن سليمان التنكابنى المتوفى حدود ١٣١٠. ذكره فى قصصه.

(ج ٢٠، ص ٣٠٣، ش ٣٠٩٢)

٧٥٠. مرقع غم: للميرزا محمد رضا خان صاحب الشاعر الهندى المتخلص برضا فى ثلاث مجلدات مطبوعات. رأيت ثالثها.

(ج ٢٠، ص ٣١٤، ش ٣١٥٦)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٤٧

٧٥١. مرقع غم: مرثى بلغة اردو، للسيدة مصطفى بيگم بنت السيد باقر حسين الهندي.
مطبوع في ثلاثة اجزاء. ولها اسيران كربلا.

(ج ٢٠، ص ٣١٤، ش ٣١٥٧)

٧٥٢. مرقع كربلا: للمولوى السيد اعجاز حسن الامروهى المعاصر صهر المفتى مير
عباس وتلميذه. ذكره في التجليات وهو افسانه غم، كما مر.

(ج ٢٠، ص ٣١٤، ش ٣١٥٨)

٧٥٣. مريق الدموع: فى مرثى الحسين (ع) فى لىالى الاسبوع، للشىخ حسين بن محمد بن
احمد بن ابراهيم الدرالى البحرانى العصفورى، ابن اخى صاحب الحدائق
والمجاز منه فى اللؤلؤة وكان حياً فى سنة اربعة عشر ومائتين والى الف، كما فى
بعض اجازاته. وتوفى ليلة الاحد الاحدى والعشرين من شوال سنة ست عشر
ومائتين والى الف. عمله ليقرا فى ايام الاسبوع، وكتب مقتلاً آخرأ فى عشرة مجالس
لايام العشرة. وكلاهما موجودان متداولان سيما فى بلاد البحرين، منها فى
خزانة الشىخ محمد صالح بن الشىخ احمد بن صالح السترى [التسترى]
البحرانى آل طعان زيد عزه، اسمه الفوادح. وطبع مريق الدموع فى مطبعة البحرين
المؤسسة فى منامة من قرى البحرين باهتمام الميرزا محمد حسن الشيرازى من
ابناء الجواهرية فى ١٧-١٤-١٣٤١ وطبع ايضا قبل ذلك فى ج ٢-١٣٣٩.

(ج ٢٠، ص ٣١٤، ش ٣١٧١)

٧٥٤. مزار ابي عبدالله الحسين (ع): لعبيدالله بن ابي زيد احمد بن يعقوب ابن نصر الانبارى،
المتوفى بواسط سنة ٣٥٤.

(ج ٢٠، ص ٣٢١، ش ٣٢٠٩)

٧٥٥. مزار ابي عبدالله الحسين (ع): لابي عبدالله محمد بن عباس بن عيسى الغاضرى،
ساكن بنى غاضرة.

(ج ٢٠، ص ٣٢١، ش ٣٢١٠)

٧٥٦. مزار ابى عبدالله الحسين (ع): لابى المفضل الشيبانى، محمد بن عبدالله بن محمد الكوفى. رواه النجاشى وسمع منه.

(ج ٢٠، ص ٣٢١، ش ٣٢١١)

٧٥٧. المسائل الحسينية: فى اجوبة خمسين مسألة من المسائل العويصة الغامضة الامتحانية، للشيخ عبدالله بن الحاج صالح بن جمعة بن شعبان بن على السماهيجى البحرانى المتوفى سنة خمس وثلاثين ومائة والف.

(ج ٢٠، ص ٣٤٤، ش ٣٣٢٢)

٧٥٨. مسيل العبرات فى رثاء السادات: ديوان كبير فى المراثى، للشيخ ابى محمد عبدالله بن محمد بن حسين بن محمد الشويكى الخطى. استخرج جملة من مراثيه فى مجموعة فى سنة ١١٤٩ لاستاده الاقا محمد بن الاقا عبدالرحيم الشريف النجفى، منها الروضة الكبرى المشتملة على ثمانية وعشرين قصيدة على ثمانية وعشرين حرفاً فى قوافيها، ومنها الروضة الصغرى القصيدة المشتملة على ثمانية وعشرين بيتاً، اول كل بيت احدى الحروف الهجائية، ومنها المراثى الثلث الموسومة بالعلم المرفوع عينية ولامية وميمية، وفيها مرثية ابى الفضل (ع) التى انشأها سنة ١١٤٨، ثم القاسم ثم عبدالله ابنى الحسن (ع) ثم على الاكبر وغير ذلك، ملتزماً فى جميع القصايد بذكر اسمه عبدالله او نجل محمد او آل محمد وامثال ذلك. والمجموعة بخط الناظم عند الشيخ هادى كشف الغطاء.

(ج ٢٠، ص ٣٩٨، ش ٣٦٥٨)

٧٥٩. مستدرك الدرّة الغروية والتحفّة الحسينية: فى احوال سيّد الشهداء، لمؤلف الدرّة الشيخ المعاصر الحاج شيخ محمدباقر بن الحاج محمد جعفر بن الكافى البهارى الهمدانى المجاز من شيخنا النورى بالاجازة الموجودة صورتها عندى تاريخها سنة ١٣٠٢. وقد توفى فى اواخر شعبان سنة ثلاث وثلاثين وثلاثمائة والف. نسخة خطّه وقّفها ابنه محمد حسن لمكتبة الكاظمية بالنجف فى صفر ١٣٦٩.

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٤٩

في أوله فهرس ابوابه وفهرس مأخذه. وفرغ من تأليفه في العشر الاخير من ذى القعدة ١٣٠٤.

(ج ٢١، ص ٤، ش ٣٦٧٧)

٧٦٠. مسيب نامہ، او، غلبہ حيدري: مقتل بلسان اردو، للسيد سجاد على الهندي. طبع منه سبع مجلدات كل مجلد حصّة في لكهنو. ورابع حصصه طبع ١٣٠٢.

(ج ٢١، ص ٢٩، ش ٣٧٩٩)

٧٦١. مشاهد الشهداء ومعاهد السعداء: مقتل فارسي مرتب على ثلاثة مشاهد وخاتمة. أوله بعد رباعية فارسية: «آلاف حمد و ستايش واصناف نياز و نيائيش پادشاهي را سزد كه از عبوديت». نسخة كتابتها ٩٦٨ كتبت في كراچي.

(ج ٢١، ص ٣٨، ش ٣٨٤٤)

٧٦٢. مشكاة الانوار: ديوان عربي في المدايح والمراثي، للسيد محمد بن فضل الله بن خداداد الموسوي الپهنه كلاهي الساروي الغروي المعاصر، الملقب بثقة الاسلام. يزيد ديوانه الفارسي. رأيت جملة من قصايدہ عند الشيخ زين العابدين السرابي المتوفى بالنجف حدود ١٣٥٦. طبع وتوفى المؤلف ١٣٤٢.

(ج ٢١، ص ٥٦، ش ٣٩٢٧)

٧٦٣. مشهد الشهداء: لندائي. مر بعنوان سيف النبوة، ١٩: ٢١٤.

(ج ٢١، ص ٦٨، بدون شماره)

٧٦٤. مصائب الابرار وثواب الاخير: مقتل فارسي، لالله قلى بن شاه ميرزا السلماسى. أوله: «الحمد لله الذي نور صدورنا بنور المعرفة». ألفه باسم نايب السلطنة عباس ميرزا بن فتحعلي شاه القاجار. رأيت منه نسخة عند السيد مير عباس بن علي اكبر الكاشاني الحائري بكر بلا، بخط نظر علي بن قاسم الخوئي، كتابتها ١٣ ذى الحجة ١٢٥٢. وفي آخرها كتب ابن المؤلف أنه قبل تهذيب النسخة الاصلية توفى والده المؤلف في يوم الجمعة ٢ - ١٤ - ١٢٣١. فتمم النسخة ابن المصنف

وهذبها وزاد عليها بعض الزيادات فى تاريخ كتابه النسخة. فكل من نسخ عن الاصل قبل التاريخ المذكور لابد ان يقابل نسخته مع هذا المهذب التام.

(ج ٢١، ص ٧٣، ش ٤٠١٣)

٧٦٥. مصائب الابرار: ترجمة عاشر البحار بالاردوية وهو الجزء الثالث المتعلق باحوال الحسين (ع). ومز الاول منه الموسوم بمجالس الابرار والثانى الموسوم بمحاسن الابرار والثلاثة مطبوعات، وهم تأليف المعاصر السيد حامد حسين ابن السيد حسين الفيض آبادى الجنفورى.

(ج ٢١، ص ٧٣-٧٤، ش ٤٠١٤)

٧٦٦. مصائب الابرار: فى ترجمة عاشر البحار بالاردوية، للحكيم السيد حسين المتخلص بگريان الزيدى نسباً للكهنوى بن السيد محمد صاحب. ذكره السيد ذاكر حسين فى تقريره على آخر مجالس الحسينية للمؤلف صريح بانه مطبوع.

(ج ٢١، ص ٧٤، ش ٤٠١٥)

٧٦٧. مصائب الابرار: الفارسى، ينقل عنه فى عدة الذاكرين الذى ألفه الميرزا باقر بن زين العابدين اليزدى فى حدود ١٢٨٠ وينقل عنه ايضاً فى كتابه المآتم الحسينية فى الروضات العلوية الذى عبر عنه فى آخره بالروضات فى ماتم الحسينية لان عناوينه «روضة»، «روضة». فما نقل عنه فى هذا الكتاب بعين عبارات الفارسية لمصائب الابرار هو ما ذكره المؤلف له نقلاً عن كتاب رياض الجنة، للميرزا محمد حسن الزنوزى اولاً ثم قال: «و خود اين حقير نيز مکرر از زبان مبارک آن جناب شنیده»، فيظهر ان مؤلف مصائب الابرار هذا من العلماء المعاصرين والمشافهين للزنوزى.

(ج ٢١، ص ٧٤، ش ٤٠١٦)

٧٦٨. مصائب الابرار: فى المراثى وهو ثالث اجزاء خزائن الاشعار المطبوع ثانياً فى ١٣٥٠.

(ج ٢١، ص ٧٤، ش ٤٠١٧)

٧٦٩. مصائب الشهداء: للشيخ على أكبر مروّج الاسلام بن الحاج غلام على الكرمانى نزيل مشهد خراسان، مرتباً على مجالس.

(ج ٢١، ص ٧٥، ش ٤٠٢٢)

٧٧٠. مصائب الشهداء: للشيخ عبد الله بن صالح بن جمعة السماهيجى البحرانى المتوفى ١١٣٥، مؤلف تحفة الرجال، ٣: ٤٣٣، وهو فى خمس مجلّدات. وله الصحيفة العلوية.

(ج ٢١، ص ٧٥، ش ٤٠٢٣)

٧٧١. مصائب الشهداء: ترجمة بلسان الارود لكتاب ماتمكده. وقد طبع بالهند، وهو للحاج آقا آخوند الميرزا قاسم على رضا صاحب.

(ج ٢١، ص ٧٥، ش ٤٠٢٤)

٧٧٢. مصائب العارفين: فارسى كبير فى المقتل، مستخرج من اصله الموسوم بهمّ وغمّ ألفه المولى حسين بن على حسين بن عبد العلى فى يزد، ثمّ لخصه فى كتابه الذى سمّاه ليالى عشر الموجود نسخته الموقوفة ١٢٥٣، كما مرّ فى ١٨: ٣٩٠.

(ج ٢١، ص ٧٥، ش ٤٠٢٥)

٧٧٣. مصائب الغرباء: فى المراثى. طبعه الميرزا محمّد بن محمّد رفيع ملك الكتاب. بمبئى، ١٣٢٢.

(ج ٢١، ص ٧٥، ش ٤٠٢٦)

٧٧٤. مصارع الحسين (ع): من كتب الذى ينقل عنه الشيخ احمد بن الحسن الحرّ اخ صاحب الوسائل فى كتابه الدرّ المسلوک.

(ج ٢١، ص ٩٨، ش ٤١١٠)

٧٧٥. مصباح حسينى: لمشتري، مرّ ١٩: ٢٩٧.

(ج ٢١، ص ١٠٦، بدون شماره)

٧٧٦. مصباح الزائرين: فى فضائل زيارة خامس آل العبا مطلقاً وفى اوقات معيّنة وبعض آدابها فى الاحاديث المروية المستخرجة، طايفة منها عن كامل الزيارة لابن

قولويه وترجمتها الى الفارسية، للسيد ولى بن نعمة الله الرضوى الحائرى. ألفه باسم الشاه طهماسب الصفوى (٩٣٠ - ٩٨٤) ورتبه على خمسة وعشرين باباً وخاتمة. والباب الرابع والعشرين فى فضل زيارته ليلة الجمعة وذكر فيه المرسلة عن سليمان الاعمش وقصته مع جاره المنكر للزيارة والخاتمة فى فضائل التربة. ونسخة منه ناقص الاول والاخر بخط جيد عند السيد آقا التستري بالنجف.

(ج ٢١، ص ١٠٨، ش ٤١٥٧)

٧٧٧. مصباح الغراء فى رثاء الشهداء: منظوم فارسى، لدشتى. اوله: «الحمد لله الذى هدانا بنور الاسلام». يوجد فى دار الكتب المصرية ٤٤٨٨س، فى ٢٥ ورق، كما فى فهرسها.

(ج ٢١، ص ١١٥، ش ٤١٩٣)

٧٧٨. مصباح القلوب: مقتل فارسى، لحسين بن مؤمن الواعظ العارف اليزدى الكرمانى من تلاميذ الشيخ احمد الاحسانى. ذكرناه فى الطبقات: الكرام، ٤٣١. فى ٥٢ فصلاً وفى اول كل فصل يذكر حديثاً ثم يشرحه بالحكايات والتواريخ. اوله: «فصل اول: روى عن النبى (ص) خمس من... اسكنه الجنة». يوجد بقم فى مكتبة مدرسة الفيضية، كتابته السبت ١٥ - ج ١ - ١٢٣٩ واحتمل صاحب الفهرس انه بخط المؤلف.

(ج ٢١، ص ١١٦، ش ٤١٩٨)

٧٧٩. مصباح المصائب ومشكاة المناقب: للشيخ محمد بن ابراهيم بن الشيخ على. فارسى كبير فى مجلّدات. رأيت اوله مرتباً على مقدّمة واثنى عشر مشكاة وخاتمة. اوله. «الحمد لله الذى اسرج مصباح المصائب فى مشكاة ذوى المناقب». و تاريخ كتابة النسخة ١٢٣١ عند السيد احمد المدعوّ بالسيد آقا التستري بالنجف. المشكاة الاول فى احوال الرسول (ص)، والثانى فى الصديقة، الثالث فى

الامير (ع)، الرابع في الامام المجتبي (ع)، الخامس في خروج الحسين (ع) من المدينة، السادس في خروجه من مكة، السابع في شهادة اصحابه، الثامن في شهادة بنى هاشم، التاسع في شهادته، العاشر في اسر اهل بيته، الحادي عشر في دخولهم الشام، الثاني عشر في احوال باقى الائمة (ع). وكل مشكاة فيه خمسة مصابيح، واول مصابيح مشكاة الاخير في السجاد ٢- موسى الكاظم ٣- الرضا ٤- الجواد والهادى ٥- العسكري والحجة (ع)، وفي الخاتمة مثالب الظالمين من اولهم الى آخرهم. هكذا ذكر فهرسه في اول المجلد الموجود منه وهو الى تمام احوال الامام المجتبي (ع). يظهر منه أنه كتبه بعد ملاحظة محرق القلوب. وله مشكاة الانوار المرتب على سبع مشكاتاة.

(ج ٢١، ص ١١٩-١٢٠، ش ٤٢١٤)

٧٨٠. مظهر الاشجان : فى المقتل، للشيخ جعفر بالكاظمية.

(ج ٢١، ص ١٦٧، ش ٤٤٤٦)

٧٨١. مظهر الغرائب : فى شرح دعاء العرفة الحسينية، للسيد خلف بن عبدالمطلب بن حيدر بن محسن بن السيد محمد الملقب بالمهدى بن فلاح المشعشى الموسوى الحويزى، معاصر الشيخ البهائى (م ١٠٣٠). كتبه بالتماس الميرزا محمد الرجالى بعد ما دعيا بها فى الموقف وكان بعد ذهاب بصره وازدياد بصيرته. وينقل شيخنا النورى عنه فى دارالسلام ويحكى عن الرياض ترجمة السيد خلف وتصانيفه، منها مظهر الغرائب الذى قال أنه فى عشرة آلاف بيت. ورثاه السيد شهاب الدين بقصيدة فى ديوانه وازخ وفاته سنة اربع وسبعين والى (١٠٧٤). موجود فى خزانة الحاج الميرزا محمد حسين الشهرستانى بكرىلا ورأيته بمشهد الرضا (ع) عند الحاج السيد محمد بن على بن احمد الشهيد الحسينى الباقى مجاور المشهد، لكنه مخروم الاول والاخر. عقد بعد تمام شرح الدعاء خاتمة ذات فوائد، الاولى منها فى بيان بعض اوصاف يذكر بها

الحسين (ع) مثل «سيد شباب اهل الجنة» وامثالها مما ذكره فى عناوين كل فقرة من فقرات الدعاء عند شرحها. واول الموجود عنده شرح قوله: «ليس لقضائه رافع». والظاهر ان نقص آخره قليل.

(ج ٢١، ص ١٦٨-١٦٩، ش ٤٤٥٩)

٧٨٢. مظهر المصايب: مرّ باسمه لواعج الاحزان ١٨: ٣٥٧.

(ج ٢١، ص ١٧٠، بدون شماره)

٧٨٣. المعادن الذهبية فى المحاسن الوهية الحسينية، او، اوراق الذهب: للسيد المفتى المير محمد عباس بن السيد على اكبر التستري.

(ج ٢١، ص ١٧٥، ش ٤٤٩١)

٧٨٤. المعارف الحسينية: للسيد محمد حسين بن التقي آل حيدر الكاظمى المعاصر. طبع حدود ١٣٥٠.

(ج ٢١، ص ١٩٢، ش ٤٥٥٧)

٧٨٥. معالى السبطين: فى احوال السيدين الامامين الحسن والحسين (ع)، للشيخ محمد مهدي بن عبدالهادى المازندراني الحائرى المعاصر، المولود حدود ١٣٠٠. طبع فى النجف ١٣٥٦، وطبع مرتان قبله وبعده الكواكب الدرّى فى احوال النبى والبتول والوصى، وطبع بعده التاريخ نورالابصار فى الاثمة التسعة الابرار فى ١٣٦١.

(ج ٢١، ص ٢٠٢، ش ٤٦١٣)

٧٨٦. معدن الاسرار: فى المواعظ والاخلاق. فارسى مطبوع مرتب على مجالس، للآخوند المولى على القزوينى القاريوزآبادى نزيل زنجان المتوفى ١٢٩٠، صاحب صيغ العقود واستاد الحاج ميرزا حبيب الله الرشتى فى قزوین وهو فى خمس مجلّدات فقد الثانى منها فى حياة المصنّف وطبعت البواقى. فالاول والثالث طبعا فى تبريز مرتان والرابع والخامس طبعا بطهران ١٣٣٣. وفى آخره ترجمة

امام حسين(ع) در الذريعة / ٤٥٥

احوال المؤلف كتبها ولده المولى محمد صادق المصحح للنسخة والمقابل لها مع المولى فتح الله الزنجاني. [ج ٢٢، ص ٢٦، مقتل ابي عبدالله الحسين(ع)].

(ج ٢١، ص ٢١٩-٢٢٠، ش ٤٧٠٠)

٧٨٧. معدن البكاء فى مقتل سيد الشهداء: للحاج مولى محمد صالح بن الآقا محمد واخى الحاج مولى محمد تقى البرغانى القزوينى، المعروف بالشهيد الثالث. كبير فى اربعة عشر مجلساً وخاتمة. وينقل عنه الحاج مولى محمد باقر فى الدمعة الساكية وهو مع سائر كتبه فى المقتل مثل منبع البكاء ومفتاح البكاء وكنز البكاء ومجمع المصائب كلها موجودة فى خزانه كتبه بكر بلا. وتوفى المؤلف بالحائر ١٢٨٣ ودفن فى الرواق الحسينى من طرف الرأس، كما كتب بعض ولده على ظهر مفتاح البكاء له. أوله: «الحمد لله رب».

(ج ٢١، ص ٢٢٠-٢٢١، ش ٤٧٠٦)

٧٨٨. المعراج: فى وقايح الطف، فارسى فيه ثمانية عشر مجلساً. أوله: «نحمدك اللهم يامن حصل معراج محمد(ص) فوق السماوات العلى وصير معراج امامنا الحسين(ع) تحت سنايك خيول العدى». نسخة منه عند المرتضى المدرّس الجهاردهى بطهران.

(ج ٢١، ص ٢٢٧، ش ٤٧٤٤)

٧٨٩. معراج الشهادة: منظوم حماسى على روى حملة حيدرى فى وجوه الشباهة بين معراج الحسين(ع) بكر بلا ومعراج جدّه بمكّه فى نيف والف بيت، للشيخ محمد محسن بن الشيخ محمد رفيع الرشتى الاصفهانى المتخلص بعاصى. فرغ من نظمه بعد تأليفه مائة وعشرين كتاباً - حسب اظهاره - فى غرة ربيع الأول ١٢٦٧. وعند الشروع فى المقصود دعا لبقاء ناصر الدين شاه. رأيته فى مجموعة من رسائله بخط اقل الطلاب عبدالجواد بن المولى لطفعلى كتابته ١٢٧٩ عند السيد محمدرضا التبريزى فى النجف.

(ج ٢١، ص ٢٣٠، ش ٤٧٦١)

٧٩٠. معراج الشهادة: بلغة اردو. طبع بالهند، كما فى فهرسها.

(ج ٢١، ص ٢٣٠، ش ٤٧٤٢)

٧٩١. معراج غم: فى المراثى بلغة اردو. مطبوع، للميرزا نادر على الملقب برعد الهندى.

(ج ٢١، ص ٢٣٢، ش ٤٧٧٠)

٧٩٢. معراج الكلام: مجموعة فى المراثى بلسان اردو. مطبوع. وهو منتخبات من المراثى

التي نظمها الميرزا اوج بن الميرزا دبير اللكهنوى، صاحب السبع المثاني ١٢: ١٢٩.

(ج ٢١، ص ٢٣٣، ش ٤٧٧٤)

٧٩٣. معراج المحبة: منظوم فارسى فى المراثى، طبع بمبئى وايران ١٣١٥. صدر باسم

ناصرالدين شاه (١٢٤٤ - ١٣١٣)، ثم نظم مراثى الحسين (ع) ومصائبه من اول

موت معاوية الى رجوع اهل البيت المدينة على ما ورد فى الاخبار. وهو من نظم

الشيخ على بن الشيخ العراقيين الشيخ عبدالحسين الطهرانى.

(ج ٢١، ص ٢٣٤، ش ٤٧٧٨)

٧٩٤. معركة كربلاء: الموسوم بفلاح الدارين، مرّ فى الفاء.

(ج ٢١، ص ٢٤٤، بدون شماره)

٧٩٥. مفاتيح الكنوز فى المراثى واسرار الشهادة: فى خمسة ابواب وخاتمة، لنظام العلماء

الميرزا رفيع الطباطبائى التبريزى. وهو مطبوع فى ١٢٩٨.

(ج ٢١، ص ٣٠٧، ش ٥٢٠٦)

٧٩٦. مفتاح البكاء: نظم فارسى فى المراثى، للشاعر الاديب الشيرازى المتخلص بتركى.

وفى ذ ٩ قم ١٠٧٣: حديقة البكاء.

(ج ٢١، ص ٣٢١، ش ٥٢٧٣)

٧٩٧. مفتاح البكاء: للمولى صالح البرغانى، فارسى ملمع مرتب على مجالس.

الفه بكربلاء ١٢٧٠ وتوفى بها ١٢٨٣. نسخة بخط الشيخ جعفر بن الشيخ رفيع

اللاهيلى الحائرى، كتبها ١٢٧١ مع كتابه كنز الواعظين فى موقوفة مدرسة

السيد البروجردى. مكرّر ذ ٢١ قم ٥٢٧٦.

(ج ٢١، ص ٣٢١، ش ٥٢٧٤)

٧٩٨. مفتاح البكاء: للسيد محمد طاهر بن محمد باقر الموسوى. مقتل فارسى اخرجه من مضامين مقتل ابى مخنف، مرتب على مقدمة وعشرين فصلاً فى سنة ١٣٢٢ وطبع فيها وله ترجمة اللهوف ايضاً.

(ج ٢١، ص ٣٢١، ش ٥٢٧٥)

٧٩٩. مفتاح البكاء فى مصيبة خامس آل العباء: فارسى فى مجلّد فى مقتل الشهداء، للحاج مولى محمد صالح بن الاغا محمد البرغانى القزوينى، المتوفى بالحائر سنة ١٢٨٣، ودفن بطرف الرأس من الرواق واخى الحاج مولى محمد تقى المعروف بالشهيد الثالث البرغانى القزوينى. موجود فى كربلا فى مجلّد. وله كنز البكاء ومعدن البكاء ومنيع البكاء ومجمع المصائب والجميع موجود فى كربلا والمفتاح عند السيد محمد على بن السيد محمد كليدار العباس (ع). وينقل عنه فى نفايس اللباب عن نسخة سبط المصنّف السيد محمد المدعوّ ببحر العلوم فى المشهد الرضوى. ونسخة عند الشيخ محمد آقا الطهرانى فى النجف. اوله: «الحمد لله الذى جعلنا من امة المخرج من الشجرة الطيبة العود المعتدلة العمود...» ذكر فى اوله انه كتبه بعد تفسيره مفتاح الجنان الذى فى الثقل الاكبر وهذا فى الاصغر، مرتباً على مقدمة فى ثلاثة فصول و ١٤ مجلساً وخاتمة فى ١٤ فصلاً. وقفه ولده الشيخ محمد رضا بعد وفات والده سنة ١٢٩٢. وكان فراغه من تأليفه فى الحائر فى سنة ١٢٧٠. مكرّر ذ ٢١ قم ٥٢٧٤.

(ج ٢١، ص ٣٢١، ش ٥٢٧٦)

٨٠٠. مفتاح الفردوس: فى الاخلاق والمقتل نظير اللهوف. فارسى مطبوع، للحاج شيخ محمد باقر بن المولى محمد حسن القائنى البيرجندى المعاصر. ذكره فى آخر كتابه نور المعرفة.

(ج ٢١، ص ٣٣٨، ش ٥٣٤٨)

٨٠١. مفتاح الكنوز: فى المقتل، فارسى، للسيد نظام العلماء الميرزا رفيع الدين التبريزى الطباطبائى المعاصر. طبع بايران وتوفى ١٣٢٦.

(ج ٢١، ص ٣٤٣، ش ٥٣٨)

٨٠٢. مفتح القلوب: مقتل عربى و فارسى، مرتب على ٤٨ مجلساً، للفاضل الشيخ على اكبر بن المولى عباس اليزدى الحائرى. فرغ منه سنة ١٣١١.

(ج ٢١، ص ٣٥٩، ش ٥٤٣)

٨٠٣. مقاليد الجنان ومفاتيح النوح والاحزان: فى المصائب، ملمعاً من الفارسى والعربى، للميرزا محمدباقر بن زين العابدين بن حسين بن على اليزدى الحائرى، المتوفى قرب الثلاثمائة بعد الالف. وهو خامس مجلدات الست من كتابه فوايدس، كما ذكره فى اول كتابه عدة الذاكرين.

(ج ٢٢، ص ٣، ش ٥٧٢٩)

٨٠٤. مقامات حسيني: منظوم فارسى فى ١٢٠٠٠ بيت، للميرزا على اكبر الاصفهانى المولد القائى، المعاصر لنادرشاه المقتول سنة ١١٦١. كذا وصفه المولى المعاصر البيرجندى فى بغية الطالب عند ذكر علماء قائن.

(ج ٢٢، ص ٩، ش ٥٧٥٨)

٨٠٥. المقبولة الحسينية: ارجوزة فى شرح وقعة الطف وبعض ما يتعلق بسيد الشهداء (ع)، للشيخ هادى بن الشيخ عباس بن الشيخ على بن جعفر كاشف الغطاء المعاصر. طبع فى النجف سنة ١٣٤٢ بمباشرة الشيخ صادق الكتبى، وذكره هو وجه التسمية.

(ج ٢٢، ص ١٦، ش ٥٨٠٣)

٨٠٦. المقتل: لآبى الحسن الشهير بالشافعى صاحب المفيد فى الحديث، ٣٧٤: ٢١. يروى عنه النجاشى بتوسط شيخه احمد بن عبدالواحد بن عبدون وذكرنا ترجمته فى النوايع، ٢٣١.

(ج ٢٢، ص ٢١-٢٢، ش ٥٨٢٥)

٨٠٧. مقتل ابن شهر آشوب: ينقل عنه ابو جعفر الحسيني في شرح الشافية، ١٣: ٣١٥. ومز لا بن شهر آشوب معالم العلماء في ج ٢١، ص ٢٠١، كما ترجمناه في المصطفى، ٤١٤.

(ج ٢٢، ص ٢٢، ش ٥٨٢٧)

٨٠٨. مقتل ابن عيش: اسمه عبرات العين، كما مرّ في ج ١٥، ٢١٢. وترجمنا المؤلف في المصطفى، ٣٥٣.

(ج ٢٢، ص ٢٢، بدون شماره)

٨٠٩. مقتل ابن نما: لجعفر بن ابي ابراهيم محمد الحلّي. مرّ باسمه مشير الاخوان في ج ١٩، ص ٣٤٩.

(ج ٢٢، ص ٢٢، بدون شماره)

٨١٠. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): موجود في مكتبة جزيرة رودس، فليراجع مؤلفه.

(ج ٢٢، ص ٢٢، ش ٥٨٢٩)

٨١١. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): كبير، لبعض الاصحاب موجود في خزانة كتب المولى محمد علي الخوانساري بالنجف.

(ج ٢٢، ص ٢٢، ش ٥٨٣٠)

٨١٢. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): فارسي كبير ايضاً فيه الضعاف عند الشيخ محمد تقى الصحاف بالكاظمية.

(ج ٢٢، ص ٢٢، ش ٥٨٣١)

٨١٣. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): الفارسي الكبير المرتب على ثمانية مجالس والمجلس الثامن في عذاب قتلة الحسين (ع) في نفختين: اولهما في العذابات النازلة على بعضهم من دعاء الحسين (ع) والثانية في عذابات المختار بن ابي عبيدة. وله خاتمة في دفع اعتراض الجهال بانه لم سلط الله عدوه على حبيبه ولم اقدم الحسين (ع) عالماً باهلاك نفسه. موجود في كتب الحاج شيخ عبد الحسين الطهراني بكر بلاء وهو لبعض المتأخرين، ما عرفت مؤلفه.

(ج ٢٢، ص ٢٢-٢٣، ش ٥٨٣٢)

٨١٤. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للاخبارى الشهير بابن واضح صاحب تاريخ يعقوبى، ٣: ٢٩٦ المتوفى بعد سنة ٢٩٢ او سنة ٢٩٤ وهو متأخر عن ابي مخنف صاحب مقتل ابن اشعث، ٢٢، ص ٢٢. حقه وطبعه وترجمه بالاردوية السيد مجتبى حسن الكامون پورى بالهند سنة ١٣٧٠.

(ج ٢٢، ص ٢٣، ش ٥٨٣٣)

٨١٥. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لابي اسحاق ابراهيم بن اسحاق النهاوندى الاحمرى. سمع منه القاسم بن محمد الهمدانى سنة ٢٦٩، ذكره النجاشى.

(ج ٢٢، ص ٢٣، ش ٥٨٣٤)

٨١٦. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لابي اسحاق ابراهيم الثقفى صاحب كتاب المعرفة، ٢١: ٢٤٣ وهو من ولد عم المختار بن ابي عبيدة الثقفى، كما فى النجاشى وفهرس الطوسى. وفى الاخير انه وفد اليه جماعة من القميين وكان يسكن باصفهان وسألوه الانتقال الى قم فلم يقبل. وترجمناه فى المصقى، ٨.

(ج ٢٢، ص ٢٣، ش ٥٨٣٥)

٨١٧. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): فارسياً بليغاً للفاضل ميرزا محمد ابراهيم الملقب من ناصر الدين شاه بديع نگار بعد والده الاقا محمد مهدى الطهرانى. ألفه باسم ناصر الدين شاه وطبعه سنة ١٢٨٦ وكتب عليه قوله: «فمن مبلغ عنى الحسين رسالة توجع منها نفس وقلوب....» ماسماه فى الكتاب باسم لكن عبر عنه فى المآثر بفيض الدموع، كما مر فى ج ١٦، ص ٤٠٧. ومرّ للمؤلف شرح النهج، ج ١٤، ص ١١٣.

(ج ٢٢، ص ٢٣، ش ٥٨٣٦)

٨١٨. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ احمد بن نعمة الله بن خواتون تلميذ الشهيد الثانى.

(ج ٢٢، ص ٢٣، ش ٥٨٣٧)

٨١٩. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): لابى القاسم الاصبع بن نباته المجاشعى التميمى الحنظلى، من خاصة اصحاب الامير (ع) ومن شرطة الخميس وعمر بعده طويلاً وتوفى بعد المائة. ذكره الشيخ فى الفهرست وذكر اسناده اليه عن ابى الجارود الزيدى عنه. اقول والظاهر انه اول من كتب مقتل الحسين وكتابه اسبق كتب المقاتل.
(ج ٢٢، ص ٢٣-٢٤، ش ٥٨٣٨)

٨٢٠. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): للمولى محمد باقر اليزدى المعاصر الحائرى المدفن. موجود فى كربلا عند احفاده.

(ج ٢٢، ص ٢٤، ش ٥٨٣٩)

٨٢١. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): لجابر الجعفى المتوفى سنة ١٢٨، على احد الاقوال. ومر له التفسير، ٤: ٢٦٨.

(ج ٢٢، ص ٢٤، ش ٥٨٤٠)

٨٢٢. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): لابن نما، مر بعنوان مشير الاحزان، ١٩: ٣٤٩.

(ج ٢٢، ص ٢٤، بدون شماره)

٨٢٣. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): للسيد ميرزا حسن بن السيد على القزوينى الموسوى النجفى نزىل جسر الكوفة المولود سنة ١٣١٩ والمتوفى ليلة الفطر سنة ١٣٥٨. اوله: «الحمد لله الذى تفرد بوحدانية...» فرغ منه سنة ١٣٤٨ وفى آخره تعريب كلام موسيو ماربين الالمانى فى فلسفة شهادة الحسين (ع). رأيت النسخة بخطه بعد وفاته عند والده.

(ج ٢٢، ص ٢٤، ش ٥٨٤١)

٨٢٤. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): للمولى حسن الشعبان كردى الرئيس المشهور. المصنف فى فنون وولده الفاضلان الاقا جمال الدين والاقا صدرالدين كانا فى طهران سنة ١٣٠٦. ذكره فى المآثر اسمه رياض الاحزان. طبع سنة ١٣٠٥، كما مر فى ج ١١، ص ٣١٧.

(ج ٢٢، ص ٢٤، بدون شماره)

٨٢٥. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للسيد حسين الكاشاني صاحب الفقه الاصيل، ١٦: ٢٩١.

قال ولد السيد محمد المعاصر انه في ٦٠٠٠ بيت وقد ضاع في طريق الحج.
وترجمنا المؤلف في طبقات اعلام الشيعة: الكرام، ٣٩٣ والمصفي، ١٤٦.

(ج ٢٢، ص ٢٤، ش ٥٨٤٢)

٨٢٦. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): في ثلاثين مجلساً لتمام ايام شهر محرم كل مجلس

ليوم، للشيخ حسين العصفوري. مر له في ج ٢٠، ص ٣١٦ مريق الدموع وفي ج ١٦،
ص ٣٦٤ الفواح الحسينية لعشرة المحرم ووفيات كل من المعصومين، لكل واحد
مجلد مستقل وله اسم خاص به والقراءة منها معمولة في بلاد البحرين. وترجمنا
المؤلف في الكرام، ٤٢٧.

(ج ٢٢، ص ٢٤-٢٥، ش ٥٨٤٣)

٨٢٧. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للمولى حسين البافقى صاحب التحفة الكسائية، ٣: ٤٦٣.

فارسي عند الشيخ علي اكبر اليزدي بخط المؤلف. وضعه سنة ١٢٨٠. وترجمنا
المؤلف في النقباء، ٦٥١.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٤٤)

٨٢٨. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للمولى حيدر علي الشيرواني المذكور في ج ١٠: ١١٥.

ينقل عنه ابو جعفر محمد الحسيني في شرح الشافية، ج ١٣: ٢١٥. وترجمنا
المؤلف في المصفي، ١٦٤.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٤٥)

٨٢٩. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ رفيع الكرازي، سماه بكاء العالمين، كما مر في

ج ٣، ص ١٣٩. وترجمنا المؤلف في النقباء، ٧٨٦.

(ج ٢٢، ص ٢٥، بدون شماره)

٨٣٠. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لزياد التستري. ينقل عنه الصدوق في المجلس الثلاثين

من الامالي.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٤٦)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٤٣

٨٣١. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لسلمة الازدورقاني، صاحب تفسير سورة ياسين، ٤: ٣٤٤.
قال النجاشي له كتاب مولد الحسين ومقتله.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٤٧)

٨٣٢. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ شريف الجواهري بن الشيخ عبد الحسين بن صاحب الجواهر. طبع سنة ١٣٣٠ وهو غير مثير الاحزان. وترجمناه في النقباء، ٨٣٧.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٤٨)

٨٣٣. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للسيد صفى الدين الموسوي. ينقل عنه المير محمد اشرف في فضائل السادات، ١٦: ٢٥٩.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٤٩)

٨٣٤. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للمقرّم. يأتي بعنوان مقتل الحسين (ع).

(ج ٢٢، ص ٢٥، بدون شماره)

٨٣٥. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للمولى عبد الصاحب الخشتي المتوفى قبل سنة ١٢٧٤. قاله ولده المولى محمد جعفر عند ذكر كتبه. ومز له تحفة الحبيب، ٣: ٤٢٦، كما ترجمناه في الكرام، ٧٣٥.

(ج ٢٢، ص ٢٥، ش ٥٨٥٠)

٨٣٦. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لعبد العزيز الجلودي صاحب مسند امير المؤمنين، ج ٢١، ص ٢٦. وترجمناه في النوايع، ١٥٠ والمصفي، ٢٣٠.

(ج ٢٢، ص ٢٥-٢٦، ش ٥٨٥١)

٨٣٧. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ علي بن علم بن رمضان. فيه النقل عن منتخب الطريحي، عنوانه «قصّة»، «قصّة». وفيه مراثي الحاج ميرزا خليل ابن ابراهيم ومراثي مغماس وفي آخره قصة العفيفة بنت امير المؤمنين (ع). عند السيد آقا التستري ولعله من اهل البحرين المتأخرين. ومعه مراثي محمد بن عيسى بن عبد الحسين في سنة ١١٠٨.

(ج ٢٢، ص ٢٦، ش ٥٨٥٢)

٨٣٨. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): للمولى على القارپوز آبادى شارح القواعد، ٢١:١٤، المتوفى فى زنجان واسمه معدن الاسرار، ج ٢١، ص ٢١٩. فى المواعظ والمناب والمصائب ولذا يعبر عنه بالمقتل.

(ج ٢٢، ص ٢٦، بدون شماره)

٨٣٩. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): لمحمد على الكاظمى. قال سيدنا فى التكملة انه يروى عنه ابن اخته الشيخ باقر بن الشيخ طالب بن الشيخ حسن بن الشيخ هادى. مرّ باسمه حزن المؤمنين [فى مراثى آل ختم المرسلين ومصائب آل طه وياسين، فليس كتاباً مستقلاً فى مقتل الحسين]، ٣٩٨:٦.

(ج ٢٢، ص ٢٦، بدون شماره)

٨٤٠. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): للشيخ على الكرادى. رآه السيد آقا التستري.

(ج ٢٢، ص ٢٦، ش ٥٨٥٣)

٨٤١. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): لشيخنا الميرزا محمد على المدرّس الجهاردهى، عند حفيده الشيخ مرتضى وهو صغير وكبيره الفارسى اسمه تحفة الحسينية، ٣، ص ٤٢٨. ومرّ للمؤلف تبيان اللغة، ج ٣، ص ٣٣٣. وترجمناه فى النقباء، ١٥٤٨ و المصطفى، ٣١٤.

(ج ٢٢، ص ٢٦، ش ٥٨٥٤)

٨٤٢. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): لعمارة الحيوانى صاحب المغازى، ٢١:٢٨٩. ذكره النجاشى.

(ج ٢٢، ص ٢٦، ش ٥٨٥٥)

٨٤٣. مقتل ابى عبدالله الحسين (ع): فارسى، للشيخ فتحعلى الزنجانى المتوفى بالنجف وهو ابن اخى الحاج قربانعلى الزنجانى على ما مرّ عند ذكر تفسيره فى ج ٤، ص ٢٩٧.

(ج ٢٢، ص ٢٦، ش ٥٨٥٦)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٦٥

٨٤٤. مقتل ابى عبد الله الحسين (ع): لفخر الدين الطريحي، صاحب مجمع البحرين، ٢٠: ٢٢. موجود فى مكتبة المولى محمد على الخوانسارى بالنجف وهو غير منتخبه. وترجمناه فى المصطفى، ٣٥٠.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٥٧)

٨٤٥. مقتل ابى عبد الله الحسين (ع): فى مجلدين، للشيخ فضل على القزوينى صاحب مذهب وجعفر، ٢٠: ٢٥٨. يوجد عند ولده الاقا محمود.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٥٨)

٨٤٦. مقتل ابى عبد الله الحسين (ع): لابي مخنف، صاحب مقتل ابن اشعث، ٢٢: ٢٢. طبع على الحجر فى بمبئى، ايضاً منضماً الى المجلد العاشر من البحار فى سنة ١٢٨٧. اوله: «حدّثنا ابو المنذر هشام بن محمد بن السائب الكلبي....» ونسبته اليه مشهورة لكن الظاهر ان فيه بعض الموضوعات وقد حقّقه شيخنا النورى فى اللؤلؤ والمرجان.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٥٩)

٨٤٧. مقتل ابى عبد الله الحسين (ع): للمولى محمد الخوسفى القائنى المعروف بفرضته. قال المعاصر البيرجندى فى بغية الطالب ان العلماء ينقلون عنه.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٦٠)

٨٤٨. مقتل ابى عبد الله الحسين (ع): للسيد محمد الحائرى. ينقل عنه المجلسى فى البحار وعنه فى تظلم الزهراء. نسخة عند الشيخ محمد رضا فرج الله واسمه تسليّة المجالس، كما مرّ فى ج ٤، ص ١٧٩ و ج ١٢، ص ٩٤.

(ج ٢٢، ص ٢٧، بدون شماره)

٨٤٩. مقتل ابى عبد الله الحسين (ع): لابي جعفر محمد الاشعري المعروف بدبة شبيب المذكور رجاله فى ج ١٠، ص ١٤٢. وترجمناه فى المصطفى، ٣٩٠ وفى النوايح، ٢٤٦.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٦١)

٨٥٠. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للسيّد نجم الدين محمّد بن امير كابن ابي الفضل الجعفرى القوسينى. ذكره الشيخ منتجب الدين.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٦٢)

٨٥١. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ الطوسى المذكور رجاله فى ج ١٠، ١٢٠. ذكره فى الفهرست. وترجمناه فى الناس، ١٦١ وفى المصطفى، ٤٠٢.

(ج ٢٢، ص ٢٧، ش ٥٨٦٣)

٨٥٢. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ ابي خمسين الاحسائى المتوفى سنة ١٣١٦ والمذكور غلطاً فى ج ٢١، ص ٨٠ بعنوان ابي حسين. كبير فى مجلدين. ذكره السيّد ناصر بن هاشم الاحسائى المعاصر.

(ج ٢٢، ص ٢٧-٢٨، ش ٥٨٦٤)

٨٥٣. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لمحمّد العلابى، صاحب كتاب الحديث، ٦: ٣٦٢، مولى بنى علاب البصرى توفى ٢٩٨. ذكره النجاشى.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٦٥)

٨٥٤. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لمحمّد بن على البرّاز. والنسخة بخط المؤلف فى مكّتبات بروجرّد. فرغ منه سنة ١٢٠٣. اوله: «الحمد لله المتجلّى لعباده من افق الالباب...»

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٦٦)

٨٥٥. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ الصدوق. احوال اليه فى الخصال، ص ٣٥ ان فيه مارواه من فضائل العباس (ع). وترجمناه فى النوايع، ٢٨٧ وفى المصطفى، ١٤.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٦٧)

٨٥٦. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): لمحمّد بن على بن الفضل بن تمام ابن سكين من ولد شهرىار الاصغر وشيخ ابن الغضائرى وفى طبقة الصدوق. وترجمناه فى النوايع، ٢٩٠.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٦٨)

امام حسين (ع) در التريعة / ٤٦٧

٨٥٧. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): للواقدي المدني البغدادي، صاحب كتاب الاداب، ١: ١٠٠.
ومرّ رجاله في ج ١٠، ص ١٤٧. وترجمناه في المصفي، ٤٢١.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٦٩)

٨٥٨. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): للشيخ محمد بن محمد بن محمد بن مساعد
ابن العياش العاملي المعاصر للشهيد الثاني.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٧٠)

٨٥٩. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): للشيخ محمد بن يوسف البحراني الضبيري النعمي.
المذكور في ج ١، ص ٢٢٩، الشهيد بايدي الخوارج في البحرين سنة ١١٣١. ذكره
في اللؤلؤة.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٧١)

٨٦٠. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): مختصراً للسيد مصطفى الكهنوي. يوجد في خزانته.
ومرّ له معرب عين الحيوة، ٢١: ٢٤٠.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٧٢)

٨٦١. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): لمعمر بن المثنى. روى عنه السيد ابن طاوس في
اللهورف.

(ج ٢٢، ص ٢٨، ش ٥٨٧٣)

٨٦٢. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): لنصر بن مزاحم المنقري العطار. ذكره النجاشي.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٧٤)

٨٦٣. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): للمولى محمد نصير النائني، فارسي. ينقل عنه
البسطامي في سرور العارفين بهذه العنوان وهذه النسبة، كما مرّ في ج ١٢، ص ١٧٥.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٧٥)

٨٦٤. مقتل ابي عبد الله الحسين (ع): للشيخ محمد هادي الطهراني. ينقل عنه السيد صالح
الحلي القاري غرائب. ورأيته بخط المؤلف في المبيضة. اوله: «الحمد لله

رب...» له ذات مقامات ستّ: أوّلها اثبات امامته مفضلاً مع بسط الكلام فى حديث الغدير بحيث يعدّ رسالة مستقلة فى الامامة وبعد المقامات شرع فى بيان احواله من أوّل خلافة يزيد الى آخر مصائبه. يوجد عند السيّد هادى بن السيّد حسين الاشكورى. ومرّ للمؤلف محجة العلماء، ١٤٦:٢١.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٧٦)

٨٦٥. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للسيّد هاشم بن سليمان الحسينى التوبلى البحرانى. المذكور فى ج ١٠، ص ١٥٩. وترجمناه فى المصطفى، ٤٨٩.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٧٧)

٨٦٦. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): فارسى متعرّض للنكات، للميرزا هداية الله بن الشيخ صادق القزوينى، ولد ١٢٨٢. واشرنا الى ترجمته عند ذكر ابيه فى النقباء، ٨٦٥.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٧٨)

٨٦٧. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للشيخ يوسف بن الحسن بن على البلادى، المعاصر للشيخ الحرّ، المترجم فى الامل. قال فى انوار البدرين أنّه مرتّب على مجالس نظير مقتل الطريحي المعروف بمنتخب.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٧٩)

٨٦٨. مقتل ابي عبدالله الحسين (ع): للميرزا يوسف بن زين العابدين ابن محمّد على القره داغى التبريزى، المتوفى بالكاظميه سنة ١٣٣٧. عند ولده الميرزا على المشتغل فى النجف. وينقل عن تصنيفه المذكور الفاضل الخيابانى فى وقايح الايام.

(ج ٢٢، ص ٢٩، ش ٥٨٨٠)

٨٦٩. مقتل ابي مخنف: مرّ بعنوان مقتل ابي عبدالله الحسين (ع). ← ذ [٢٢] قم ٥٨٢٦ و ٥٨٥٩.

(ج ٢٢، ص ٢٩، بدون شماره)

٨٧٠. مقتل الحسين (ع): للحاج اشرف. طبع بطهران فى هذا الاواخر، كما فى بعض الفهارس.

(ج ٢٢، ص ٣٢، ش ٥٩٠٠)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٦٩

٨٧١. مقتل الحسين (ع)، او، حديث كربلا: للسيد عبد الرزاق المقرم مؤلف زيد الشهيد، ج ١٢، ص ٨٨. طبع مكرراً.

(ج ٢٢، ص ٣٢، ش ٥٩٠١)

٨٧٢. مقتل الحسين (ع): مر في ج ٤، ص ١٣٣ بعنوان ترجمة مثير الاحزان، ترجمة مظاهر حسين النوغانوي المولود حدود سنة ١٣٠٠. وذكرنا الاصل في ص ٢٢ بعنوان مقتل ابن نما.

(ج ٢٢، ص ٣٢، بدون شماره)

٨٧٣. مقتل سادات: بلغة اردو في جزئين، لابي القلم المولوى صغير حسن الملقب بشمس الهندى. طبع بالهند. وله سوانح عمرى مختار، ١٢: ٢٥٤. وذكرنا المؤلف فى المصفى، ٢٠٣.

(ج ٢٢، ص ٣٢، ش ٥٩٠٤)

٨٧٤. مقتل الشهداء: فارسى لابي المفاخر الرازى المذكور فى ج ٩، ص ٥٠. ينقل عنه فى روضة الشهداء كثيراً لاسيما من منظوماته، منها نظم رجز قاسم بن الحسن (ع) ومنها نظم قول اهل الكوفة فى كتبهم الى الحسين (ع):

هيچ راهى نيست مارا جز وصال روى تو
هيچ دامى نيست مارا جز خم گيسوى تو
راجع ص ١٦٤ من طبع ٧٥ و رجز قاسم فى ص ٢٥٧ و ترجمة ابى المفاخر الرازى فى ص ٨٥٧ نقلاً عن كتاب الالباب ج ١، ص ٢٧٧، ان له قصايد كثيرة فى مدح الامام الرضا (ع).

(ج ٢٢، ص ٣٢-٣٣، ش ٥٩٠٦)

٨٧٥. مقتل الشهداء: فارسى، للشاعر المتخلص بالعاصى، لم يعلم عصره ولكن تاريخ كتابة النسخة سنة ٨٨٧ فيظهر انه مقدم على روضة الشهداء للكاشفى المتوفى سنة ٩١٠. ولعله الهروى. ← ٩ ذ ق م ٤٧١٤.

(ج ٢٢، ص ٣٣، ش ٥٩٠٧)

٨٧٦. مقتل الشهداء: بلغة اردو، لمصطفى بيگم، منظوم. طبع بالهند. ومرّ لها مفتاح الحاجات، ٢٢:٣٢٦.

(ج ٢٢، ص ٣٣، ش ٥٩٠٨)

٨٧٧. مقتل يعقوبى: ابن واضح، مرّ بعنوان مقتل ابى عبدالله الحسين (ع)، ٢٢:٢٣.

(ج ٢٢، ص ٣٥، بدون شماره)

٨٧٨. مقطّعات المراثى: لابن الاعرابى، مرّ بعنوان المراثى.

(ج ٢٢، ص ١١٨، بدون شماره)

٨٧٩. المقلّة العبراء فى وقعة كربلاء: للحاج ميرزا ابى طالب بن الحاج ميرزا ابى القاسم الموسوى الزنجانى، المتوفى سنة ١٣٢٩. ذكره ابن اخيه الحاج ميرزا مهدى.

(ج ٢٢، ص ١٢٠، ش ٦٣٥١)

٨٨٠. مقمعة الحسينية فى رضى رؤوس اعوان الاموية: ترجمة بالفارسية للحديدة الحسينية السابق ذكره، للمولى محمد صالح بن محسن القرشى حفيد نظام الدين الساوجى صاحب نظام الاقوال. وهذا الفارسى موجود عند السيد ابى القاسم الاصفهانى فى النجف كتابته ١٦-ج ٢-١١٢٤ ولعله خطّ المؤلف.

(ج ٢٢، ص ١٢٠، ش ٦٣٥٣)

٨٨١. الملتقط من منتخب الطريحي: ايضاً للسيد محمد على الشاه عبدالعظيمى. طبع فى النجف.

(ج ٢٢، ص ١٩٥، ش ٦٦٦٣)

٨٨٢. ملتقطات بحر المصائب: للميرزا فضل الله ملك الواعظين بن الحاج شيخ جمال الميمنى العراقى الطهرانى المولود سنة ١٣٢١. رأيتة عنده.

(ج ٢٢، ص ١٩٥، ش ٦٦٦٧)

٨٨٣. ملحق الدرّ النضيد فى مراثى الحسين الشهيد (ع): للسيد المعاصر محسن الامين الحسينى العاملى. الحقه بكتابه الدرّ النضيد وطبع سنة ١٣٤٦.

(ج ٢٢، ص ١٩٨، ش ٦٦٨٣)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٧١

٨٨٤. كتاب الملهوف على قتلى الطفوف: للسيد على بن طاوس. مرّ بعنوان الملهوف لأنه الأشهر.

(ج ٢٢، ص ٢٢٣، بدون شماره)

٨٨٥. المناقب الحسينية: فارسي في مناقب سيد الشهداء (ع)، للاخوند المولى محمد تقى بن حسين على الهروي الاصفهاني الحائري، المتوفى سنة ١٢٩٩. ذكره في نهاية الامال.

(ج ٢٢، ص ٣٢٦، ش ٧٢٩٤)

٨٨٦. منبع البكاء: هو سابع الكتب الاثني عشر. المطبوع في سنة ١٣٢٤ في مجلد واحد، الموسوم ببحر الفوائد المذكور في ٤٥:٣ [و ٢/٩: ٢٣١٥].

(ج ٢٢، ص ٣٥٧-٣٥٨، ش ٧٤٢١)

٨٨٧. منبع البكاء في مقتل سيد الشهداء (ع): للحاج مولى محمد صالح بن الاقا محمد البرغانى القزوينى، المتوفى بالحائر سنة ١٢٨٣، كما كتبه بعض ولده على ظهر مفتاح البكاء له. والمؤلف والد قرة العين ← ذ ٢٢ قم ٦٤١٣ و اخو الحاج مولى محمد تقى الشهير بالشهيد الثالث. اقتصر فيه على الاخبار المعتمدة المعتمدة. وله ايضاً معدن البكاء ومفتاح البكاء وكنز البكاء ومجمع المصائب، كلها في المقتل، والجميع موجود في خزانه كتبه بكر بلاء.

(ج ٢٢، ص ٣٥٨، ش ٧٤٢٢)

٨٨٨. منبع الدموع: مقتل فارسي في عدة مجلدات، للمولى عباس بن على اكبر الداغاني. مجلده الثانى كبير، صدره باسم ناصر الدين شاه (١٢٦٤ - ١٣١٣)، فى ستة عشر مجلساً، من خروج الحسين (ع) من المدينة الى حال وحدته وخروجه الى الميدان. ألفه سنة ١٢٦٦ و كتابته سنة ١٢٨٨، عند الكتبي بمشهد خراسان.

(ج ٢٢، ص ٣٥٩، ش ٧٤٢٨)

٨٨٩. منتخب روضة الشهداء: اصله للمولى كمال الدين حسين الكاشفى، المتوفى سنة

٩١٠، لم يعلم اسم المنتخب. أوّله بعدالخطبة: «اين منتخبي است مشتمل برده مجلس كه در عاشورا خوانده مى شود...» المجلس الأوّل فى ابتلاء الانبياء من آدم الى الخاتم وبعده ابتلاء الصديقة الطاهرة، ثمّ الامير، ثمّ المجتبى، ثمّ سيّد الشهداء الى ذبحه من القفاء على ترتيب الابواب العشرة فى روضة الشهداء. وليس فيه مصائب بعدالشهادة ولا ذكر اولاد سيّد الشهداء. والنسخة فى مكتبة اميرالمؤمنين (ع). أوّله: «نحمدك يا من عذب اعداء الحسين بالنار فى السقر...» وهى بقلم محمّد امين بن الحاج ملا محمود بن الحاج ملا محمّد بن محمود فهنايحي فى الثلاثاء سابع شهر رمضان سنة ١٠٣٠.

(ج ٢٢، ص ٤٠٧، ش ٧٦٤٥)

٨٩٠. منتخب الطريحي: يأتى بعنوان المنتخب فى [جمع] المراثى والخطب.

(ج ٢٢، ص ٤١٦، بدون شماره)

٨٩١. المنتخب فى جمع المراثى والخطب: للشيخ فخر الدين بن محمّد على بن احمد بن طريح النجفى، المتوفى سنة خمس وثمانين والـف. مرتّب على عشرين مجلساً وفى كلّ مجلس ابواب وفى كلّ باب يذكر شيئاً من فضائل اهل البيت ومصائبهم ومراثيهم. أوّله: «الحمد لله الذى جعل الدنيا جنة لاعدائه وسجناً ومحنة لاوليائه واحبائه»، الى قوله: «المجلس الأوّل من الجزء الأوّل فى الليلة الاولى من عشر المحرم». طبع مكرراً ويقال له مجالس الطريحي والمجالس الفخرية. والمنتخب الكبير الذى فيه زيادات على المطبوع فى كتب السيّد محمّد اليزدى وعند الميرزا على اكبر العراقى. نسخة منتخب من المنتخب لبعض المتأخرين وهو موافق مع المنتخب فى الخطبة ومخالف معه كثيراً بالزيادة والنقصان ومن نقصه عدم ذكر حديث الكساء فيه، وأوّل مجالسه فى أوّل ليلة من عشر المحرم وفيه ابواب ثلثة. الباب الأوّل: «ايتها المؤمنون» الخ. وفى حاشية الكتاب نقل حديث الكساء مختصراً عن كتاب نهج المحجة الذى هو تأليف الشيخ على بن الشيخ

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٧٣

احمد بن زين الدين الاحسائي. ونسخة اخرى من المنتخب لكن بينه وبين المنتخب المطبوع اختلاف بعض الالفاظ وفي كل مجلس ثلاثة ابواب والموجود منه عشرة مجالس بخط محمد مهدي بن محمد قاسم الاسترآبادي في سنة ١٠٩٦ وفيه أنه من جمع المولى خير الدين الخراساني.

(ج ٢٢، ص ٤٢٠، ش ٧٦٩٦)

٨٩٢. منتخب المصائب: الملقب بمجالس الحسينية، مرّ بهذا العنوان.

(ج ٢٢، ص ٤٣٥، بدون شماره)

٨٩٣. منظومة تذكرة المراثي: لفاتحي الاصفهاني، المير على رضا المعاصر، المذكور في ٧٩٨:٩.

(ج ٢٣، ص ٩٥، ش ٨١٥٧)

٨٩٤. منهج الهداية: لرضا قلي المتخلص بهدايت ٩:١٢٩٢. منظوم فارسي في خمسة آلاف (٥٠٠٠) بيت في وقايع الامام الحسين (ع) ومراثيه. وبعد نظمه ألف كتابه الموسوم بمظاهر الانوار في مدح الائمة الاطهار واحوالهم المذكور في آخر رياض العارفين له ايضاً والمذكور في ١١:٣٢٩. واورد جملة منه في آخر كتابه مجمع الفصحاء ٢٠، ٣٨ الذي ألفه حدود سنة ١٢٨٤ وطبع بعد وفاته سنة ١٢٩٥، ٢٠:٣٨.

(ج ٢٣، ص ٢٠٠، ش ٨٦٢٤)

٨٩٥. المواعظ الحسينية: للسيد دلدار على النصير آبادي، صاحب اساس الاصول المذكور في ٢:٤. ذكر فيه ما كان يعظ به الناس في المجالس. اوله: «جميع محامد وصنوف ستايش جناب واحد احدى را سزاوار است كه....» ويقال له الافادات الحسينية، كما مرّ في ٢:٢٥٤. وعليها وعلى اساس الاصول تقريظاً لسيد مهدي بحر العلوم.

(ج ٢٣، ص ٢٢٧، بدون شماره)

٨٩٦. المواكب الحسينية: في الرد على منكر بعض انواع اقامة العزاء، للشيخ محمد حسين آل كاشف الغطاء، صاحب المغني عن الاغاني. طبع سنة ١٣٤٥. وترجمنا المؤلف

فى النقباء، ١٢٠٦ وفى مصفى المقال، ٥٧.

(ج ٢٣، ص ٢٣٢، ش ١٧٧٤)

٨٩٧. مواكب حسينية: فارسى للشيخ عبدالرزاق المحدث. طبع بطهران سنة ١٣٧٥، ومرّ للمؤلف المقالات الاسلامية والمقالة الجوابية فى ٢١: ٣٨٩ و ٣٩٥. وترجمناه فى النقباء، ١١١٣ وفى مصفى المقال.

(ج ٢٣، ص ٢٣٢، ش ١٧٧٥)

٨٩٨. موعظة عظيم آيادية: فى شرح الزيارة الناحية بالاردو. مطبوع وهو للسيد على محمد النقوى. ومرّ له موعظة جوادية ويأتى له موعظة يونسية ايضاً.

(ج ٢٣، ص ٢٧١، ش ١٩٣٩)

٨٩٩. كتاب مولد الحسين: للشيخ ابى عزيز الخطى، محمد بن عبدالله بن محمد المذكور فى ذيل مولد امير المؤمنين (ع) و مولد الحسن أنفاً. اوله: «الحمد لله المنزه عن لواحق الامكان من التركيب والتجسيم والحلول فى المكان....» والنسخة بخط السيد محسن بن على بن الحسين الحسينى الشاخورى. فرغ منها سنة ١١٩٥ ووقفها صفية بنت على بن عبد النبى بن محمد بن الحسن النعيمى البحرانى ساكنة قطيف فى سنة ١١٩٦. وفرغ المصنف من كتابه منية الطالب فى مولد الحسن بن على بن ابى طالب فى سنة ١١٦٧.

(ج ٢٣، ص ٢٧٥، ش ١٩٥٨)

٩٠٠. كتاب مولد الحسين (ع) ومقتله: لابى الفضل سلمة الازدورقانى من سواد الرى. مرّ بعنوان مقتل ابى عبدالله الحسين (ع) فى ٢٢: ٢٥.

(ج ٢٣، ص ٢٧٥، بدون شماره)

٩٠١. مهيج الاحزان ومقود النيران فى قلوب اهل الايمان: للمولى حسن بن محمد على اليزدى الحائرى، تلميذ السيد محمد المجاهد وادرك ايضاً والده صاحب الرياض. مرتب على مقدمة فى آداب التعزية واربعة عشر مجلساً من اول الخروج من

مكة الى آخر ورود المدينة. وقد طبع مكرراً. أوله: «الحمد لله المتفرد بالقدم والبقاء....» وكان زاهداً ورعاً تاركاً للدنيا حتى ان السلطان فتح على شاه اراد ان يزوج ابنته ضياء السلطنة بابنه فلم يقبل. وهو غير الحاج مولى حسن بن علي، صاحب انوار الشهادة وانوار الهداية وغيرهما. وذكر في المجلس الثامن عند ذكر شهادة العباس (ع) كرامة في رجب سنة ١٢٣٦ ست وثلاثين ومأتين والالف وانه شاهد الكرامة. والالف المهيّج في سنة ١٢٣٧، يعنى بعد تاريخ الكرامة بسنة. وطبع في حاشية محرق القلوب سنة ١٢٩٧ وقبلها في سنة ١٢٨٤.

(ج ٢٣، ص ٢٩٩، ش ٩٠٥٧)

٩٠٢. ناسخ التواريخ: فارسي مبسط مطول، للاديب المطلع الخبير مستوفى الديوان ميرزا محمد تقى الكاشانى مقيم طهران والملقب بلسان الملك والمعروف بسپهر، المعمّر نيفاً وثمانين سنة والمتوفى قبل الزوال من يوم الاربعاء ٢٧ - ٢٤ - ١٢٩٧، كما ارّخه ابنه في مقدمة المجلد الخامس المطبوع ١٣٠٢، كما مرّ في ٩: ٤٢٩. شرع في تحريره في اواسط سلطنة محمدشاه بن عباس ميرزا ابن الفتح على شاه قاجار سنة ١٢٥٨.... والمجلد السادس احوال الامام الشهيد الحسين بن علي.... و ط ج ٦ من ك ٢، الحسين (ع) بطهران ١٣٠٧ و ١٣١٢ و ١٣١٨ و ١٣٢٤ و ١٣٤٨ و تبريز و بمبئي ١٣١٨ و طهران ١٣٧٧ و بمبئي ١٣٠٩ و قم ١٣٧٧ و طهران ١٣٧٦ و ١٣٧٧.

(ج ٢٤، ص ٦-٨، ش ٤٤)

٩٠٣. ناصر الذاكرين: بالگجراتية، لمولودنيا جعفر الهندي. مرتّب على مجالس تقرأ في تعازى عشرة عاشوراء. ط ١٣٥١.

(ج ٢٤، ص ١٥، ش ٧٨)

٩٠٤. نبذة من السياسة الحسينية: املاها الشيخ محمد الحسين كاشف الغطاء قم ١٢٢ على ولده في جواب سؤال عبدالهادى بن المهدي بن عبدالحسين مطر النجفي عن

وجه اقدام سيّد الشهداء على الشهادة. ط ١٣٤٩ فى ٤٠ص.

(ج ٢٤، ص ٣٧، ش ١٧٩)

٩٠٥. نتايج المأثور فى ترجمة جنة السرور فى كيفية زيارة العاشور: للشيخ على بن محمد جعفر شريعتمدار الاسترآبادى الطهرانى م ١٣١٥. ذكر فى غاية الامال. وله مختصره نتيجة النتايج. ومّر له مصباح الطالب، ١١٢:٢١ و ١٤٥.

(ج ٢٤، ص ٤٧، ش ٢٣٠)

٩٠٦. نجاته الثقليين فى مقتل الحسين (ع): فارسى، للشاعر حسين قلى بختيارى ابن مصطفى قلى ديوان بيگى بن شهباز كلهر الكرمانشاهى المتخلص سلطانى. ← ٩:٤٦١ (١٢٤٧-١٣٠٣). كان تلميذ الشاعر محمد بيدل مازندرانى، ٩:١٥٣.

(ج ٢٤، ص ٥٧، ش ٢٨١)

٩٠٧. نجاته الخافقين فى ثواب زيارة الحسين (ع): للحاج نوروز على ابن محمد باقر البسطامى الواعظ م ١٣٠٩. صرح به فى حاشية التحفة الرضوية وكذا يظهر من كتابه سفينة النجاة. ولعله الذى نقل عنه صاحب مفتاح الجنة، ٢١:٣٢٥-٣٢٦. رأيته بخطه عند ولده الملا صادق. اوله: «الحمد لله الذى جعل ارواحنا تحفاً للروضة الحسينية....» وقد طبع اخيراً.

(ج ٢٤، ص ٥٧-٥٨، ش ٢٨٣)

٩٠٨. نخبة آشكده: منتخب من آشكده، لحجة الاسلام تيريزى نير المذكور فى ذ: ١:٥ و ١٢٤١:٩. انتخبه بحر العلوم القزوينى نزيل مشهد خراسان المولود ١٢٩٦ فى ثلاثة آلاف بيت.

(ج ٢٤، ص ٩١، ش ٤٦٩)

٩٠٩. نخبة المصائب: لملا حبيب الله بن على مدد الكاشانى الساوجى. ط. طهران ١٣٧٦.

(ج ٢٤، ص ٩٩، ش ٥١٠)

٩١٠. نخل ماتم: مقتل بالاردوية، للشاعر فصيح صاحب اللكهنوى، قم ١٥٤. مطبوع.

(ج ٢٤، ص ١٠٢، ش ٥٢٨)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٧٧

٩١١. الندبة الغراء لسيد الشهداء: في رثاه (ع) بالاردوية، للسيد نظر حسين الهندي
البيهيكپورى صاحب مطالع الانوار، ذ٢١:١٤٤.

(ج٢٤، ص١٠٣، ش٥٣٨)

٩١٢. الندبة المفجعة: طبع بالهند.

(ج٢٤، ص١٠٣، ش٥٤٠)

٩١٣. نزهة المصائب: مقتل كبير في ثمان مجلدات بالاردوية. طبع بالهند ١٣٢٨، للفاضل
آخوند ميرزا قاسم على الكربلائي المشهدى للكنهوى. وعليه توقيع السيد
ناصر حسين والسيد محمد هادى. وله تذكرة الطاهرين، ذ٣٩:٤ و شرعة المصائب،
١٧٩:١٤.

(ج٢٤، ص١٢٥، ش٤٣٣)

٩١٤. نشتر غم: لاحمد على. ط. كانپور ١٢٤٥ و ١٢٨٦.

(ج٢٤، ص١٥٨، ش٨١٥)

٩١٥. نشتر غم: لمحمد مقيم سهارنپورى. ط. لكهنو ١٨٦٦م في ٤٨ص. ← ٩:١٠٩٢.

(ج٢٤، ص١٥٨، ش٨١٦)

٩١٦. نشر غم: في رثاء الحسين بالاردوية، لبشير حسين المدرّس الهندي. ط. ومّر نشتر
غم.

(ج٢٤، ص١٥٩، ش٨٢٣)

٩١٧. النصاريات: في مرآة الحسين (ع) بلسان الحسجة الدارجة في جنوب العراق،
للاديب محمد بن على بن ابراهيم بن نصار الشيباني الشباني، ذ٩: ٩٩٠. اصلهم
من لموم ثم سكن جده نصار ← ذ٢١: ٢١٢ النجف في عصر الشيخ جعفر كاشف
الغطا وتوفى الناظم بالنجف ج ١- ١٢٩٢ ودفن قريباً من باب الطوسى فى
الصحن. ط. النجف ١٣٣٧ ثم مع لواعج الاشجان لمحسن الامين ← ذ١٨: ٣٥٧ و
يأتى النعى.

(ج٢٤، ص١٦٧-١٦٨، ش٨٦٢)

٩١٨. نصر المؤمنين: فى دفع اشكال تزويج شهربانو للحسين (ع) بلسان الارردو. ط بالهند،

للمنشى رياض الحسن الهندى تلميذ المفتى مير عباس اللكهنوى، كما فى التجليات.

(ج ٢٤، ص ١٧٣، ش ٩٠١)

٩١٩. نصره الحسينية: فى الجواب عن اعتراضات اهل السنة على التعزية الحسينية، كما فى

نصرة المظلوم، قم ٩٢١. آفة السيد على بن دلدار على النقوى اللكهنوى (١٢٠٠ -

١٢٥٩). يوجد النسخة بمكتبة امير المؤمنين للامينى التبريزى بالنجف، كما جاء

فى خطى فارسى، ص ١٠٠٢.

(ج ٢٤، ص ١٧٥، ش ٩٠٨)

٩٢٠. نصره المظلوم: للمعاصر ابراهيم حسن آل المظفر النجفى وفيه رجحان اقامة

التعازى والتمثيلات لبیان ما حدث بالايدي الظالمة على آل رسول الله. طبع

١٣٤٥، جواباً على بعض المتجددين المتسنين الذين يحذون التمثيلات الفئيه

الدنيوية ويحرمون الدينية منها.

(ج ٢٤، ص ١٧٨، ش ٩٢١)

٩٢١. النظرة الدامعة: فى اثبات جواز العزاء لسيد الشهداء وتمثيل ذلك واطهارها للناس،

للشيخ مرتضى بن عبدالحسين بن باقر بن محمد حسن آل ياسين الكاظمى.

طبعه فى ١٣٤٥ ردّاً على بعض المتسنين المتجددين الذين ينكرون على

الشيعة هذا الفن العريق عندهم منذ قرون مع أنهم يحذونها فى المسرحيات

الجديدة، كما يأتى بعنوان نمايشنامه حيث لم يكن ضدّ بنى امية. ويأتى مثله النقد

النزيه لرسالة التنزيه، كما مرّ اقالة العاشر، ٢: ٢٦٣ والشعائر الحسينية، لمحمد حسين

مظفر، ذ ١٤: ١٩١ ونصرة المظلوم، قم ٩٢١.

(ج ٢٤، ص ١٩٦، ش ١٠٣٠)

٩٢٢. نظم روضة الشهداء: ← ١١: ٢٩٤ وترجمته فى ١٠٥: ٤. ونظمه هذا لغواصى يزدى

صاحب نظم تاريخ طبرى. ← قم ١٠٥٢.

(ج ٢٤، ص ٢١٣، ش ١١٠٥)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٧٩

٩٢٣. نظم الشهداء: فارسي، لعباس بن محمد الاشرفي المازندراني المتخلص طوطي. نظمه في ١٣٣٢ وكتبه بخطه ووقفه للخزانة الرضوية ١٣٣٣ في ٥٤٩ ورقة.

(ج ٢٤، ص ٢١٥، ش ١١١٥)

٩٢٤. نظم الشهداء: وتفاصيل يوم الطف، للشاعر الحلبي الحائري من القدماء. موجودة في مجموعة مراثي في مكتبة الطهراني بسامراء. كتابتها حدود عام ١٠٠٠ وهو من خروج الحسين (ع) من المدينة الى رجوع اهل بيته اليها.

(ج ٢٤، ص ٢١٥، ش ١١١٦)

٩٢٥. نظم فاجعة الطف: للحلبي الحائري. ← نظم الشهداء، قم ١١١٦.

(ج ٢٤، ص ٢١٩، بدون شماره)

٩٢٦. نعم المتجر ليوم المعشر فيما يتعلق بالفرخ الازهر: في احوال الحسين (ع) في مجلدين، للحسين بن علي البلادي البحراني قم ٥٩١. وهو ابن صاحب النعم السابقة. مجلده الاول كبير منثور ومنظوم. اوله: «الحمد لله الذي اوجد محمداً وآله السادة الاعيان...» قرظه احمد بن رضا بن السيد محمد الهندي بقطعة آخرها تأريخه:

جاء بسفر فيه در ينثر بل أرخو يثبت نعم المتجر = ١٣٤٦

(ج ٢٤، ص ٢٣٥، ش ١٢١٦)

٩٢٧. نعمة حسيني: في احوال سيد الشهداء نظماً ونشراً بالفارسية، لميرزا مهدي القمشهي قم ١٢٢٤. ط. طهران ١٣٢٤ ش، ٣٠٣ ص، ثم ١٣٤٧ ص [ش].

(ج ٢٤، ص ٢٣٧، ش ١٢٢٦)

٩٢٨. نفائس القدس في روح الانس: مقتل فارسي، لصدرالدين محمد بن حسن القزويني الشعبان كردي صاحب انيس العهد ← ٢: ٤٦٢-٤٦٣ و حدائق الانس ← ٦: ٢٨٢. مَرَّ باسمه الاخر رياض القدس. ← ١١: ٣٣٤-٣٣٥.

(ج ٢٤، ص ٢٤٢، بدون شماره)

٩٢٩. نفثة المصدور فيما يتجدد به حزن العاشور: مقتل مختصر وتكملة لنفس المهموم الاتى، كلاهما للمحدّث عبّاس بن محمّد رضا القمى، قم ٦٤٩. طبع ١٣٤٢.

(ج ٢٤، ص ٢٤٥، ش ١٢٧٠)

٩٣٠. النفحات النبوية: فى فضائل عاشوراء. ينقل عنه فى راحة الروح. ط ١٣٥٠. ← ١٠: ٥٦.

(ج ٢٤، ص ٢٥٢، ش ١٣٠١)

٩٣١. نفس المهموم فى مقتل الحسين المظلوم (ع): للمحدّث عبّاس ابن محمّد رضا القمى، قم ١٢٧٠ وصاحب المقالات العلية. ← ٢١: ٣٩٢. كتبه قبل نفثة المصدور ← ص ٢٤٥. مطبوعان. ط. طهران ١٣٣٥ فى ٣٣٦ ص و ثالثاً فى ١٣٦٧.

(ج ٢٤، ص ٢٦٥، ش ١٣٦٠)

٩٣٢. النقد النزيه لرسالة التنزيه فى اعمال الشبيه: لعبدالحسين ابن قاسم الحلّى (١٢٩٩ -

١٣٧٥). مجلّدان. ط. اولهما بالنجف ١٣٤٧ فى ١٦٤ ص. والتنزيه المرود عليه

هو للسيد محسن العاملى. ← ذ ٤٥٥: ٤. ومزّ مثله النظرة الدامعة، قم ١٠٣٠.

وترجمنا المؤلّف فى النقباء، ص ١٠٦٩ - ١٠٧٢. ومزّ له نصرة المظلوم، قم ٩٢١. ←

ذ ١٨: ١١٤.

(ج ٢٤، ص ٢٧٩ - ٢٨٠، ش ١٤٣٧)

٩٣٣. نكبة التاريخ العظمى فى سبط النبوة: فى تاريخ سيد الشهداء، للحسن بن على بن

الحسن القيانجى، قم ٥٩٨ النجفى الخطيب المولود ١٣٢٨ فى جزئين.

(ج ٢٤، ص ٣٠١، ش ١٥٨١)

٩٣٤. نوائب كربلا: مقتل منظوم بالاردوية. ط بالهند. فيه ١٤ مرثية للحسين (ع).

(ج ٢٤، ص ٣١٥، ش ١٦٤٦)

٩٣٥. نواصيص العجب في شرح زيارة رجب: لملاً احمد بن الحسن اليزدي اصلاً والمشهدى مسكناً ومدفناً، قم ١٥١. مطبوع. رأيت النسخة بخط المؤلف عند علي اكبر النهاوندى بمشهد خراسان. أوله: «الحمد لله على نعمائه...» مرتب على مقدمة ونصوص وخاتمة. مرّ له درجات الاصحاب، ٨: ٥٩ ويأتي نواميس العرفان.

(ج ٢٤، ص ٣٥٠، ش ١٨٨٣)

٩٣٦. نوحه: مرّ بعنوانين سواد غم ورياض ماتم وماتم حسين.

(ج ٢٤، ص ٣٥٣، بدون شماره)

٩٣٧. نوحه الاحزان وصيحة الاشجان: مراثى منظومة بالفارسية ليوسف بن آقابك الدهخارقانى المعاصر لفخر الدين الطريحي. ألفه باسم الشاه عباس الثانى فى ١٠٦٢. نسخة منه فى الرضوية كتابتها ١٠٧١. أوله: «الحمد لله على السراء والضراء...» استفاد من روضة الشهداء. ونسخة اخرى رأيتها فى النجف. ونسخ اخرى ذكرت فى خطى فارسي، ص ٤٥٦٢.

(ج ٢٤، ص ٣٥٣، ش ١٩٠٣)

٩٣٨. نور الانوار: منظومة فى المراثى وقصة المختار، لشاعر تخلّصه خطائى. ينقل فيه عن حديقة الشيعة ولعله اليزدى العقدائى المذكور فى ٢٩٨:٩. نسخته موجودة فى جامعة طهران ف ١٠: ١٦٦٢.

(ج ٢٤، ص ٣٥٩، ش ١٩٤٠)

٩٣٩. نور على نور: فى آداب زيارة عاشوراء. فارسي، لميرزا حبيب الله بن شير محمد بن محمد طاهر الهمدانى المعاصر. أوله: «بسم الله النور...» الى آخر دعاء النور المشهورة. رتبه على خمسة انوار وخاتمة. فرغ منه ١٣١٧. ط ١٣٢٠ بالقطع الثمنى.

(ج ٢٤، ص ٣٧١-٣٧٢، ش ١٩٩٦)

٩٤٠. نور العين فى ترجمة خصائص الحسين: للميرزا احمد حسين بن عابد على الهندى

المعاصر. ط بالاردوية ١٣١٥ = ١٨٩٧م. ومَرّ الفتح الغالب لولده ذاكر حسين فى
١٠٧:١٦.

(ج ٢٤، ص ٣٧٢، ش ٢٠٠١)

٩٤١. نورالعين فى جواز البكاء على الحسين: لمحسن على اللاهورى. ط بالاردوية.

(ج ٢٤، ص ٣٧٢، ش ٢٠٠٢)

٩٤٢. نورالعينين فى تعزية الحسين (ع): لميرزا ابى القاسم بن كاظم الموسوى الزنجانى
م ١٢٩٢. ← قم ٢٩. كلّها فى ٢٨٠٠ بيت. موجود عند احفاده بزنجان.

(ج ٢٤، ص ٣٧٢، ش ٢٠٠٤)

٩٤٣. نورالعيون: للميرزا محمّد باقر الشريف الحسينى الاصفهانى القمى صاحب مشارق
المهتدين ← ذ ٢١:٣٦ من اواخر عصر نادرشاه كان تلميذ الميرزا محمّد تقى
الالماسى م ١١٥٩. فرغ منه ٩- ج ٢- ١١٧٩ فى مجلدين: ١- اصول الدين واحوال
الائمة الى الغيبة وهو مقدّمة للمجلّد الثانى [٢-] فى مقتل الحسين كما صرّح به
فى أوّله. توجد نسخ منه عند آقا منير باصفهان واخرى عند السيّد محمّد على
الروضاتى وعند مهدي شرف الدين بتستر وعند امام الجمعة بقريّة سده
باصفهان وهو السيّد على انتقلت الى ولديه نورالله والحسن. ونسخة بجامعة
طهران، كما فى فهرسها، ٣: ٦٣٠ وخطى فارسى، ص ٤٥٦. ونسخة عند السيّد
شهاب الدين بقم. قال فى فهرسه ٢: ٩: أنه فى بايين: ١- فى آل محمّد (ص) فى ١٢
تنوير ٢- فى اعدائهم فيها ١٢ تبصير. أوّله: «الحمد لله الذى اشرق فى قلوب
اوليائه...» ويتقل عن الكتاب شيخنا فى الفيض القدسى ← ذ ٣: ١٦٠ - ١٦١ وفى
دار السلام. وينقل عنه صاحب مفتاح الجنة والحسن الاصفهانى فى عنايات مهدوية.
ومرّ منتخب نورالعيون فى ٢٢: ٤٤١ الذى هو لعلّى اكبر الكرمانى ولعلّه صاحب
اسرار الصلاة. ← ٢: ٥٠.

(ج ٢٤، ص ٣٧٣-٣٧٤، ش ٢٠٠٧)

امام حسين (ع) در الذريعة / ٤٨٣

٩٤٤. نور المناير: مقتل فارسی فی بابین: قبل الشهادة وبعد الشهادة، لابی عبد الله الزنجانی، قم ١٢٩٦ بن ابی القاسم بن کاظم الموسوی ١٣١٣. ط. طهران ١٣١٢ و فرغ منه ١٣٠٩.

(ج ٢٤، ص ٣٧٧، ش ٢٠٢٩)

٩٤٥. نهر المصائب: مقتل بلغة اردو. ط بالهند ١٣١١، للمولوی قاسم علی المشهدی اللکهنوی، قم ٦٣٣. کبیر فی خمسة اجزاء فی ثلاث مجلدات. و مرّ در مصائب ← ٨: ٧٢ و مختصر نهر المصائب سماه شرعة المصائب. ← ١٤: ١٧٩.

(ج ٢٤، ص ٤٢٨، ش ٢٢٤٠)

٩٤٦. نهضة الحسين (ع): فيه فلسفة شهادته و تواریخ الحادثة، للمعاصر هبة الدين الشهرستاني، قم ٢١٠١. ط ١٣٤٥. اختصره من كتابه الكبير في الموضوع. و علی المطبوع تقریظات للافضل. طبعها فی مجلة المرشد البغدادية.

(ج ٢٤، ص ٤٣٠، ش ٢٢٥٤)

٩٤٧. واقعات كربلا: مجموعة مرآة الحسين ل: ١- مقبل مخلص ← ٩: ١٠٨٨، ٢- ظهوری، ٣- نسیم ← ٩: ١١٨٦، ٤- محتشم ← ٩: ٩٧٢، و هی تخمیس لدوازده بند محتشم خمسها محمد نصیبی زنگنه کرمانشاهی م ١٢٦١، ٥- نصیبی محمد بن موسی. ط لكهنو ١٣٠٧ - ١٨٩٠ فی ٣٦٤ ص.

(ج ٢٥، ص ٢١، ش ١٠٢)

٩٤٨. واقعة كربلا: توجد عدة كتب بهذا العنوان. عرفت فی خطی فارسی، ص ٤٥٦٥. احدها لآمان الله حجازی اسمها الاخر واضحة الاخبار. توجد فی مجموعة مع انساب الائمة لنفس المصنّف. و الاخر مجهول المؤلف. و ثالثة عرفت ايضاً فی خطی فارسی، ص ٤٣٩٩. و رابعة لشعاعی يأتي بعنوان وقعة كربلا. و خامسة لمجد الاشراف الذهبي جلال الدين محمد ألفه ١٣٠٢. جاء التعريف بها فی خطی فارسی، ص ٣٢٩١. و مرّ واقعات كربلا.

(ج ٢٥، ص ٢٢، ش ١٠٨)

٩٤٩. الوجيزة: فى المصائب، لميرزا صاحب. والنسخة موجودة فى مكتبة الخوانسارى.

(ج ٢٥، ص ٥٠، ش ٢٥٢)

٩٥٠. وجيزة المصائب: نظم فارسى لالهوف الطاوسية ← ٣٨٩:١٨، للاديب المعاصر

ضياء الدين مهدي بن داود المتخلص ذوقى. ← ٣٤١:٩. وطله بحر اللثالى. ← ٤٥:٣.

(ج ٢٥، ص ٥٤، ش ٢٨٣)

٩٥١. الرسالة الوجيزية: فى كيفية انتقال الامامة من الحسين بعد شهادته بواسطة محمد بن

الحنفية وتأريخ المختار الثقفى. انتزعه لقمان بن حبيب الله الاسماعيلى استاذ

مجدوع عن كتاب عيون الاخبار لادريس ← ٣٧٦:١٥، كذا فى فهرسة مجدوع،

ص ١٠٩. وذكر هناك ايضاً الوجيزية فى السيرة الكليمية من تأليف مجدوع نفسه فى

ترجمة احوال المولى عبدالكليم بن بدرالدين بن الشيخ آدم الاسماعيلى.

وجيزية ثالثة ايضاً لاستاذه لقمان المذكور. ذكرت فى ص ١١٧ من الفهرسة.

(ج ٢٥، ص ٥٤، ش ٢٨٧-٢٨٩)

٩٥٢. وسائل المحبين: للحاج الميرزا محمد حسين بن ميرزا على اكبر شريعتمدار

التبريزى خادم الروضة الرضوية، م ١٣٣١. وهو ترجمة الخصائص الحسينية،

للشيخ جعفر الشوشترى المتوفى ١٣٠٣. ← ٩٦٦:٧. فرغ من الترجمة سنة

١٣٠٨. ط بتبريز ١٣٠٨ وطهران ١٣٢٠. وجاء فى بعض الفهارس باسم وسائل

المجتبين ووسائل المنتجين وكلاهما غلط مطبعى. ومز لوائح اللوحين فى شرح

خصائص الحسين. ← ٣٧٥:١٨.

(ج ٢٥، ص ٧٢، ش ٣٨٨)

٩٥٣. وسائل مظفرى: مقتل فارسى، للسيد على آقاي بن مرتضا الطباطبائى اليزدى المتوفى

١٣٥٠. ألفه لمظفرالدين شاه قاجار. واسمه تاريخه من دون ياء النسبة ظاهراً

وسائل مظفر = ١٣١٨. ط طهران ١٣٢٠ فى ٤٨٠ ص.

(ج ٢٥، ص ٧٢، ش ٣٨٩)

٩٥٤. الوسيلة الحسينية: للسيد محمد باقر بن محمود الحسيني الدستغيبى الشيرازى. مقتل ط بمبئى مرتب على بايين: الفضائل والمصائب.

(ج ٢٥، ص ٧٦، ش ٤١٤)

٩٥٥. وسيلة الدارين فى رثاء الحسين (ع): مجموعة من المراثى بلسان الحسجة المتداول فى جنوب العراق، للمعاصرين من شعراء النجف كالشيخ كاظم السبتي والسيد باقر الهندى وعلى البازى ومحمد حسن سميسم وعبدالحسين شرع وعبود غفلة ومحمد نصار وحسن السبتي وقاسم محيى الدين وغيرهم. جمعها محمد العاملى الكتبى وطبعها ١٣٤١. ومرّ فى ذ ٢٢: ٢٠٠ ملحقات وسيلة الدارين.

(ج ٢٥، ص ٧٦، ش ٤١٥)

٩٥٦. وسيلة الفردوس: مقتل فارسى، لحسين بن عبدالرزاق التبريزى فى ٥٠ مجلساً. ألفه بامر ناصر الدين شاه وفرغ منه ٢٠ شعبان ١٢٧٨. والنسخة لعلها بخط المؤلف عند السيد شهاب الدين بقم ف ٣: ٢٧.

(ج ٢٥، ص ٨١، ش ٤٣٧)

٩٥٧. وسيلة المشتاق: ٢٨ قصيدة عربية فى رثاء الحسين (ع) مرتباً على الحروف الهجائية، للشيخ فرج بن الحسن القطيفى المولود ١٣٢٢.

(ج ٢٥، ص ٨٣، ش ٤٥٠)

٩٥٨. وسيلة النجاة: شرح للاثنى عشرية فى المراثى التى نظمها سيدنا بحر العلوم (م ١٢١٢)، ترجمة بالعربية عن دوازده بند لمحتشم. ← ذ ١: ١١٣ و ٨: ٢٧٠. والشرح فارسى لملاً رحمة الله بن على اكبر الكرمانى ألفه ١٢٩٦ و ط ١٣٠٠. عناوينه: «اللغة»، «الاعراب»، «المعنى». وكان بحر العلوم قد ترك البند الثانى عشر ايماء الى غيبة الامام، لكن الشارح اكمله بنظم الثانى عشر وشرحه بنفسه. ومرّ شرح ملاً نوروز على البسطامى له باسم سفينة النجاة. ← ١٢: ٢٠٣ - ٢٠٤.

(ج ٢٥، ص ٨٥، ش ٤٦٣)

٩٥٩. وسيلة النجاة: مقتل فارسى منظوم نظير الجوهرى. ← ٥: ٢٩٤ و ٩: ٢١١ و ١٥: ١٨٢.
لميرزا محمد حسين المتخلص رياضى. ط ايران ١٢٨٤.

(ج ٢٥، ص ٨٦، ش ٤٧٠)

٩٦٠. وسيلة النجاة: لملاً نوروز على ١٣٠٩م بن باقر البسطامى الواعظ. فارسى فى مصائب الحسين مرتب على عشرة مجالس لعشرة ايام عاشوراء نظير ابواب الخصال. الفه فى محرّم ١٢٧١. اوله: «الحمد لله الذى توحد بالوحدانية وتفرد بالفردانية...»
توجد نسخته فى خزانه الطهرانى بسامراء وط ١٢٨٥ و ١٣١٣ ومعه لؤلؤة البحرين فى مناقب الحسين ← ١٨: ٣٧٨ المختصر من كتابه سفينة النجاة ← ١٢: ٢٠٣. وسائر نسخها عرفت فى خطى فارسى، ص ١٧١٢ و ٤٥٦٦.

(ج ٢٥، ص ٨٩، ش ٤٩١)

٩٦١. وفاة يحيى بن زكريا وتطبيق شهادته مع شهادة الحسين (ع): ضمن مجموعة من تواريخ الوفيات، بعضها للشيخ حسين العصفورى، قم ٧٠٤. والنسخة عند مهدي شرف الدين. ولعله تأليف كاتب النسخة وهو على بن ابراهيم بن الحسن البورى البحرانى.

(ج ٢٥، ص ١٢١، ش ٧٠٥)

٩٦٢. وقائع الايام: للفاضل ملا على الواعظ ابن عبد العظيم النخيابانى، من محلات تبريز. شرع فيه ١٣٢٣. ط. مجلد منه فى وقائع شهرى رجب وشعبان فى ١٣٢٥ فى ٥٧٧ ص. ثم وقائع المحرم فى مجلد، ثم الثالث منه فى وقائع رمضان سنة ١٣٥١. واما بقية الشهور فبقيت فى المسودة. وقد كتب المصنف ترجمة نفسه بخطه وقال انه ولد ١٢٨٢. ومزله منتخب المقاصد. ← ٢٢: ٤٣٨.

(ج ٢٥، ص ١٢٩، ش ٧٤٢)

٩٦٣. وقائع الطف: لمقبل اصفهانى. ← ٩: ١٠٨٨. ونسخه عرفت فى خطى فارسى، ص ٢٥٤٣ و ٤٥٦٦. ويأتى وقائع يوم الطف.

(ج ٢٥، ص ١٣٢، ش ٧٥٧)

۹۶۴. وقایع الطف: مثل سابقه، ثابت البدخشانی ← ۹: ۱۸۱.

(ج ۲۵، ص ۱۳۲، ش ۷۵۸)

۹۶۵. وقایع یوم الطف: هو الثانی من الاجزاء الاربعة لام الكتاب، تألیف السید مهدی، قم ۷۴۵. ومزّ وقایع الطف. ویأتی وقعة....

(ج ۲۵، ص ۱۳۳، ش ۷۶۵)

۹۶۶. وقعة الحسین یوم عاشوراء: لعبد الرزاق مقرّم الموسوی النجفی. ط ۱۳۶۷. ← قم ۷۶۵.

(ج ۲۵، ص ۱۳۵، ش ۷۸۰)

۹۶۷. وقعة کربلا: لشعاعی قاجار ← ۹: ۵۲۶ و ۹۹۵ نظمه قبل مختارنامه وفرغ منه ۱۳ رجب ۱۲۸۷، كما فی خطی فارسی ۳۳۰۳ ولعلّه نفس مصیبتنامه الّذی ذکرناها هناک.

(ج ۲۵، ص ۱۳۵، ش ۷۸۱)

۹۶۸. هؤلاء انصار الحسین فی شعرهم وشعورهم: فيه تراجم جمع من الراتین للحسین (ع) مختصراً مع شیء مما نظموه فی رثائه، للسید محمّد کاظم الکفائی. والنسخة فی مجلّد عنده.

(ج ۲۵، ص ۱۵۷، ش ۳۹)

۹۶۹. هفتاد و دو تن و یک تن: ای رجل و ۷۲ رجلاً واسمه الاخر عنصر شجاعت. فارسی فی تاریخ النهضة الحسینیة، للمیرزا خلیل الکره ای. فی مجلّدات. ط. ثالثها فی مسلم بن عقیل بطهران.

(ج ۲۵، ص ۲۲۷، ش ۴۰۷)

۹۷۰. هفت بند: فی رثاء الحسین (ع). سبع قصائد يتخلّص فی آخرها. نظمه الحاج باقر اللاهجانی مقبل ۱۳۰۰ ودفن بلاهجان فی گیلان و قبره مزار. والنسخه موجوده بمکتبة الشیخ محمّد السامی الحائری بالنجف. منها:

باز ز خون شفق چشم منت تر چرا است [چراست]

چشمه خور در نظر باز مکدر چرا است [چراست]

(ج ۲۵، ص ۲۳۱، ش ۴۲۱)

۹۷۱. هفت مرثی: فی المرثی للحسین (ع).

(ج ۲۵، ص ۲۳۷، ش ۴۵۸)

۹۷۲. هلال ماتم: فی مصائب العاشور باللغة الاردویة، لفرخ سلطان صاحب کامل.
ط بحیدر آباد بمطبعة الحیدری.

(ج ۲۵، ص ۲۳۸، ش ۴۷۰)

۹۷۳. هلال محرم، او، شمشیر ماتم: مرث بلغة اردو. ط فی ست حصص بمطبعة حیدری
بحیدرآباد دکن.

(ج ۲۵، ص ۲۳۹، ش ۴۷۲)

۹۷۴. همت بلند: ترجمة فارسية لسمو المعنى فى سمو الذات الذى ألفه عبد الله العلايلى
وطبع بمصر ۱۳۵۸ وبيروت ۱۳۵۹. والترجمة الفارسية للشيخ محمد باقر بن
محمد الكمره اى الخمينى. ط فى ۱۳۱۹ ش ۱۹۴۰ م فى ۱۵۵ ص. وطبع المجلد
الثانى من الكتاب بعنوان تاريخ حسين بن على فى ۲۶۰ ص. ومر له الدين فى طور
الاجتماع. ← ذ ۸: ۲۹۲.

(ج ۲۵، ص ۲۴۱، ش ۴۸۶)

۹۷۵. هم وغم، او، صحيفة العزاء والالم الكبير: فى مقتل الحسين بن على (ع)، للحسين بن
على حسين بن عبد على. ألفه بيزدوا استخلص منه كتابه مصائب العارفين ←
ذ ۲۱: ۷۵، الذى استخرج منه ليالى عشر ۱۸: ۳۹۰. جاء التعريب بنسخه فى خطى
فارسي، ص ۴۵۶۷.

(ج ۲۵، ص ۲۴۴، ش ۴۹۸)

۹۷۶. هندو قوم اور عزادارى: فى عزاء الحسين عند الهنود، الهندوس والسيك، للسيد سبط
الحسن الفتح پورى المذكور فى النقاء، ص ۸۰۶.

(ج ۲۵، ص ۲۵۰، ش ۵۶۵)

٩٧٧. يادگار حسين: فى اسرار شهادته باللغة الاردوية. ط، لميرزا سلطان احمد گوركانوى قمى: ٣٣، كما فى الفهرس الاثنى عشرية اللاهورية.

(ج ٢٥، ص ٢٦٦، ش ٤٢)

٩٧٨. يازده بند محتشم: اى البنود الاحد عشر لمحتشم الكاشانى. هكذا فى بعض المواضع بدل دوازده بند. و مرّ فى ذ: ١١٣ ان الاثنى عشرية لبحر العلوم وهو ترجمة لدوازده بند لمحتشم تشتمل على احد عشر عقداً. فلعله ترك العقد الثانى عشر ايماء الى غيبة الامام الثانى عشر، او انه ربطه باسطورة احد عشر جبلاً من جبال قاف المذكورة فى عقل سرخ للسهروردى^١، او الركوة ذات احد عشر حائلاً المذكورة فى آواز پر جبرئيل له، او الاسطورة اليونانية الالهة الاحد عشر تحت حكم زئوس. وراجع قمو: ٤٦٣ و ٨٥: ٢٧٠ و ٧: ٤ و ١٠ و ١٢: ٢٠٢ و ٢٥: ٨٥. و طبع مع چهارده بند صباحى فى حاشية يوسفية لهادى، ص ٣٠١، قم ٢٤٢ وهذا باسم الاربعة عشر معصوماً. ← ٥: ٣١٢.

(ج ٢٥، ص ٢٦٩، ش ٥٩)

٩٧٩. ياقوت احمر: فى نظم اراجيز عن قول الشهداء فى يوم الطفّ بالفارسية البليغة، للشاعر مشكاة التبريزى الوقايعى لانه ابن ميرزا داود وقايى نكار. وقرظه اخوه ميرزا على رضا تبيان الملك الوقايعى، قم ٥: ٢٠٣، كما كتبه بخطه الى.

(ج ٢٥، ص ٢٧٢، ش ٦٧)

٩٨٠. يثرب كاشاهزاده: فى احوال سيد الشهداء باللغة الاردوية. ط بالهند.

(ج ٢٥، ص ٢٧٥، ش ٨٥)

٩٨١. ينبوع الدموع: مقتل فارسى، لملاً محمّد جعفر شر يعتمدار الاسترآبادى بن سيف

١. ذكرنا عقل سرخ للسهروردى فى حرف اللام ذ ١٨، ٣٠٦ بعنوان لسان الطير منسوباً الى ابن سينا غلطاً من النسخة التى رأيناها و الفهرس الرضوى ٤: ١٣٢. وراجع ذ ٢٤٤: ٤٢٥ الحاشية.

الدين، قمه ٥٩٩م ١٢٦٣. ذكره ولده على شريعتمدار فى مبدأ الامال. والنسخة بهمدان، كما فى خطى فارسي، ص ٤٥٦٧. اوله: حمدلة ... «اما بعد، چنين گويد خادم....» وهو فى ثمانية ابواب: ١- النبي، ٢- الامير، ٣- فاطمة، ٤- الحسن، ٥- الحسين، ٦- الكاظم، ٧- الرضا، ٨- سائر الائمة.

(ج ٢٥، ص ٢٩٢، ش ١٧٣)

٩٨٢. ينبوع الدموع: مقتل آخر لکنه بالعربية، لمحمد جعفر شريعتمدار المذكور قمى ١٧٣. ذكره ايضاً ولده فى مبدأ الامال.

(ج ٢٥، ص ٢٩٢، ش ١٧٤)

٩٨٣. ينبوع الهموم: مرثى فارسية، لميرزا كرم على المتخلص غمناك. ط وهو غير المذكور فى ٧٩٢:٩.

(ج ٢٥، ص ٢٩٣، ش ١٧٨)

٩٨٤. يوسفية: فى قصة يوسف وزليخا بالفارسية على ماجاء فى تفسير سورة يوسف، مع تطبيق على حوادث كربلا وشهادة الحسين (ع)، مثل قمى: ١٩٥، لميرزا هادى بن ابى الحسن الشريف النائى المتخلص هادى. نظمه فى سفره للحج ١٢٤٣ باسم ميرزا عبدالوهاب ولعله المذكور فى ذ ١٧٧:١٢ او ١٢٨٦:٩. وقد طبع مع چهارده بند صباحى بطهران ١٢٦٩ و ١٢٨٨ و ١٣٥٤، كما فى فهرس مشار. ورأيت مخطوطة منه فى مجالس، سادس عشرها فى ذهاب يعقوب الى مصر. جاء فيها:

من به نقل يوسفم اندر سخن هست مقصودم حسين ممتحن

اي حسين اي يوسف مصر وفا صد هزاران يوسف بادا فدا

وسائر نسخها فى خطى فارسي، ص ٦٧-٦٨. ويأتى يوسفية حسيني.

(ج ٢٥، ص ٣٠١، ش ٢٤٢)

٩٨٥. يوسفية حسينية: فارسي، لمحمد علي بن زين العابدين العلوي چيه ئى (١٢٩٢-١٣٤٨)،
والد صاحب اليواقيت قمى: ١٨١. فى مقدمة لاحوال [كذا فى المتن] ابراهيم
واسحاق ويعقوب انبياء اليهود ثم خمسة مقاصد فى احوال يوسف وخاتمة فى
التشبيه لهؤلاء مع النبى والامير والحسين (ع). فرغ منه فى ٢ صفر ١٣٤٨، فهو
آخر تصانيفه. توجد نسخة منه فى مكتبة عبدالعظيم بالرى كتبها رفيعى پور
علوى فى ١٧ ذى الحجة ١٣٨٠. فنسبة الخط الى المؤلف كما فى فهرس
دانش پژوه المطبوعة ضمن النشرة المركزية لمكتبة جامعة طهران، ج ٣، ص ٤٥٤
خطاً ظاهراً. ← قم ه: ٥٠١.

(ج ٢٥، ص ٣٠٢، ش ٢٤٤)

خاتمة الطبع

در اینجا کتابشناسی تاریخی امام حسین(ع)، و ضمیمه آن، امام حسین(ع) در الذریعة، در جوار حرم حضرت فاطمه معصومه و در سایه دولت او به انجام آمد. خداوند سپاس‌پذیر را سپاس می‌گزارم که این شیعه شیفته سرور شهیدان را توفیق بداد تا نام او در دفتر قلمزنان حسینی ضبط شود و قلم او گزارشگر قدم مجاهدان گردد و مرکب قلمش به خون پاک شهیدان گرامی شود. پس، از محضر حضرت حق می‌طلبم که بهره معنوی این کوشش را در کارنامه پدر و مادرم کند که مهر حسین را بر دل و جانم زدند و مرا دیندار و آزادخواه خواستند.

نگارش این کتاب، از پایه تا پایان، یک سال و یک فصل، در روز و شب، به درازا کشید. در این مدت، نویسنده در این کار یکدل شد و جز بدان دل و دماغ نداد و یکسره دست در کتاب داشت و هرگز پا در رکاب نگذاشت. وی این گنج شایگان را نه رایگان، بلکه با تأمل و تأنی و با عرقریزی روح و با غوطه‌ور شدن در کتابخانه‌ها و غرق شدن در کتابها و مباحثه با دانشوران فراهم ساخت. نویسنده، علی‌رغم بسی از همروزگاراناش، «سرعت» را بر «دقت» و «کمیت» را بر «کیفیت» و «تألیف» را بر «تحقیق» و «بیشترنویسی» را بر «بهرترنویسی» رجحان نمی‌دهد؛ بلکه می‌کوشد چنان نویسد که کاستیها و نادرستیهای آن شمردنی باشد.

واپسین سخن، سخن واپسین پیامبر است که باید سرلوحه پژوهشهای هر پژوهشگر باشد: و لکنَّ اللهَ یُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ. یعنی خداوند بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد، آن را درست و استوار انجام دهد. پس از خداوند می‌طلبم که پژوهندگان و نویسندگان را در شمار اینان قرار دهد. چنین باد و جز این مباد.

می‌کند حافظ دعایی بشنو آمینی بگو

روزی ما باد لعل شگرافشان شما

فهرست راهنما

فهرست راهنما*

کسان و سازمان‌ها

ابراهیم ۲۲۲	آرام، احمد ۳۵، ۱۸۳
ابن آثار بلنسی ۷۷	آریان پور، ا.ح. ۲۰
ابن ابی الحدید ۱۷۹	آرین پور، یحیی ۹۳
ابن ابی جرادة، کمال الدین عمر ۲۴۱	آل احمد، جلال ۱۵۵
ابن اثیر ۲۳	آل اعتماد، سید مصطفی ۲۶۱
ابن اعثم کوفی ۵۹، ۶۰، ۶۸	آل بحر العلوم، سید محمدصادق ۱۹۰
ابن تیمیّه، احمد ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۲۰۷، ۲۰۸	آل طه، سید حسن ۱۸۴
۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۲	آل عصفور، خلف ۷۲
ابن جوزی ۷۵، ۷۶، ۲۵۳	آل کاشف الغطاء، محمدحسین ۱۴۷
ابن خلدون ۲۳۲	۲۱۵، ۱۹۹
ابن رومی ۲۵۳	آل مظفر نجفی، محمدحسین ۱۵۶
ابن زبیر ۲۳۲	آل یاسین کاظمی، مرتضی ۱۵۶
ابن زیاد ۶۰، ۶۵، ۸۰، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۸۹	آند، متین ۲۰۳
۲۳۲، ۲۴۰، ۲۸۲	آیتی، محمد ابراهیم ۱۷۰
ابن سعد ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۷، ۲۴۰	اباذری، زهرا ۲۷۲

* این فهرست به کوشش حجّت الاسلام سید علی مقیمی فرد فراهم آمده است.

- ابن سعد، ابو عبدالله محمد ۲۵۸، ۲۵۶
 ابن شهر آشوب ۶۰، ۷۱، ۹۲-۹۳، ۱۳۵، ۱۹۶
 ابن طاووس ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۸۲
 ابن عدیم، کمال الدین عمر ۲۴۱، ۲۵۸
 ابن عساکر ۲۴۱، ۲۵۸
 ابن فهد حلّی ۸۴
 ابن قولویه قمی ۶۲
 ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر ۲۰۷، ۲۲۵
 ابن نما حلّی ۸۳، ۱۰۲، ۱۳۵
 ابو الخیر، ابو سعید ۲۰
 ابو الفضل (ع) ۲۷، ۵۵، ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۳۷، ۲۰۵
 ۲۱۹
 ابو المنذر هشام ۷۱
 ابو برزّه اسلمی ۸۶
 ابوبکر ۶۸، ۷۸، ۸۸، ۲۳۱
 ابوبکر بن ابی دنیا ۸۶
 ابوبکر بن عربی ۲۳۲
 ابو سعید ۱۹۹
 ابوسفیان ۱۳۱
 ابو سلمه ۱۹۹
 ابو مخنف، لوط بن یحیی ازدی ۵۵، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۱۵، ۱۳۷، ۱۵۱، ۲۲۷، ۲۲۸
 ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۷۰
 اجاقی، هوشنگ ۱۹۷
 احسانی، احمد ۱۷۹
 احمد بن حنبل ۷۵، ۲۰۶
 احمدیان، محمود ۲۶۰
 اراکی، محسن ۱۰۱
 ارباب قمی، میرزا محمد ۹۸، ۱۳۶
 اردکانی، مرتضی ۲۲۲
 اردوبادی نجفی، محمد علی ۱۵۶
 ارسطو ۲۰
 اربینب ۱۵۲
 استاد ولی، حسین ۱۳۳
 استادی، رضا ۱۶، ۴۱، ۱۴۸، ۱۸۴
 اسفرائینی، ابواسحاق ۶۴، ۱۵۱
 اسماعیل پاشا ۶۴
 اسماء (دختر عقیل) ۲۵۳
 اسید بن مالک ۲۶۸
 اشتهازدی، علی پناه ۱۸۴
 اشعری، ابوالحسن ۶۴
 اشعری، محمد حسین ۱۸۴
 اصبع بن نباته ۲۱، ۲۲
 اصطهباناتی، محمد حسن ۲۲۹
 اصغری نژاد، محمد ۲۶۱
 اصفهانی، محمد حسین ۱۷۹
 اعلمی، حسین ۱۱۵
 افتخار زاده، محمود رضا ۲۷۲
 افشار، ایرج ۱۹، ۴۵
 افشار، حسن ۲۱
 افندی، میرزا عبدالله ۹۲
 اقبال (نامدار)، زهرا ۲۰۳

- اکبری زادگان، نوروز ۲۷۰
- العقّاد، عبّاس محمود ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۱۱
- القادر بالله ۱۶۴
- المقتدر ۵۹
- الول ساتن، ال.بی. ۲۰۳
- امام باقر (ع) ۵۷، ۲۵۳
- امام حسن (ع) ۶۲، ۶۷، ۷۸، ۸۹، ۹۵، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۸۷، ۱۹۸، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۲۲
- ۲۳۱، ۲۴۰، ۲۴۵، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۷۷، ۲۷۸
- امام حسن (ع) ۲۳۳، ۲۳۴
- امام حسن عسکری (ع) ۸۷، ۱۷۱، ۱۹۶
- امام حسین (ع) اغلب صفحات
- امام رضا (ع) ۲۴۰
- امام زمان (عج) ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۳۱، ۱۷۱، ۱۸۷، ۱۹۶، ۲۶۲، ۲۶۳
- امام سجّاد (ع) ۵۷، ۸۴، ۱۰۶، ۱۳۷، ۱۳۹
- ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۹۳، ۲۳۰، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۸۲
- امام صادق (ع) ۵۷، ۱۰۶، ۲۰۹، ۲۵۳
- امام علی (ع) ۲۱، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۸، ۸۹، ۹۵، ۱۱۵، ۱۳۱، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۶۰، ۲۷۸
- امّ سلمه ۱۹۹
- امّ کلثوم ۱۷۹، ۲۵۳
- امیر تیمور ۲۴۰
- امین عاملی، سیّد محسن ۳۲، ۸۳، ۱۰۸، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۹
- امینی، عبدالحسین ۶۳، ۱۶۳، ۱۷۲
- امینی، محمّد هادی ۴۲
- انتشارات شفق ۵۲
- انجمن تحقیق مسائل تاریخی و اعتقادی ۲۰۱
- انس بن مالک ۸۶
- انصاری، جابر بن عبدالله ۶۵، ۸۱، ۸۴، ۲۳۰
- انصاری، علیرضا ۲۷۲
- انصاری قمی، ناصرالدّین ۱۶
- انصاری، محمّدباقر ۷۳
- انصاری، محمّدصادق ۷۳
- انصاری، محمّدعلی ۱۸۴
- ایرانی قمی، اکبر ۴۲، ۴۳
- ایروانی، محمّدتقی ۱۱۰
- ایزدیناه، عباس ۴۳
- ایزدی، سیروس ۹۳
- بادی، محمّد جمعه ۱۱۳
- بازی، علی ۱۵۱
- بامداد، مهدی ۱۰۰
- بحرالعلوم، سیّد محمّد مهدی ۱۷۹
- بحرانی، ابن عصفور ۱۱۲، ۱۱۳
- بحرانی اصفهانی، عبدالله ۱۰۲
- بحرانی ستری، علی بن عبدالله ۲۱۶
- بدران، عبدالقادر ۲۱۰
- بدران، محمّد بن فتح الله ۲۲۴، ۲۲۵
- بدری، محمود ۱۴۹

- برجس، آنتونی ۱۶
 برقی، سید علی اکبر ۱۴۸
 برگل، یو.ا. ۹۳
 بغوی، ابوالقاسم ۸۶
 بکناش، مایل ۲۰۳
 بکری، زین العابدین ۱۶۹
 بلادی، احمد ۱۷۹
 بلاذری، احمد بن یحیی ۲۵۸، ۲۰۶
 بلعمی، ابوعلی ۲۳۸، ۲۲۸، ۲۲۷، ۷۴
 بنی سعید لنگرودی، سید محمدباقر ۲۱۷
 بومباچی، السیو ۴۸
 بهودی، محمدباقر ۲۷۲، ۹۹
 بههانی، محمدباقر بن عبدالکریم ۱۱۵
 بهرامیان، علی ۶۰
 بی آزار شیرازی، عبدالکریم ۲۷۲
 بیضون، لیب ۱۹۴
 بیضون، وجیه ۱۵۵
 بیمان، ویلیام ا. ۲۰۳
 بیومی مهران، محمد ۲۳۱
 پاکپور، ناصر ۱۳۹
 پاینده، ابوالقاسم ۲۲۸
 پژوهشکده باقر العلوم ۴۴
 پژوهشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) ۲۶۹
 پور یعقوبی، غلامعلی ۲۷۲
 پیترسون، ساموئل ۲۰۳
 پیشوائی، مهدی ۱۷۵
 تبریزیان (حسون)، فارس ۷۹، ۴۵
 تستری، جعفر ۱۲۱
 تقدیری، محمد ۲۷۲
 تقیان، لاله ۴۵
 تلافی داریانی، علی اکبر ۱۰۱
 تنکابنی، میرزا محمد ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴
 تولستوی ۳۴
 تهرانی، آقا بزرگ ۱۷، ۲۲، ۵۳، ۷۹، ۹۴، ۹۸
 ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۵۴
 ۱۵۶، ۲۴۸
 ثقفی، سید محمد ۲۷۲
 جابر بن عبدالله ۱۹۹
 جانسون، ساموئل ۱۹، ۲۰
 جریزه دار، عبدالکریم ۶۹
 جعفریان، رسول ۴۳، ۸۲، ۲۷۲
 جعفری، بهراد ۶۲
 جعفری، سید حسین علی ۲۰۳
 جعفری، سید محمد مهدی ۱۵۸
 جعفری، عباس ۲۷۲
 جعفری، محمدتقی ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۴۳، ۲۷۲
 جلیلی، سید هدایت ۲۶۹
 جمالزاده، سید محمدعلی ۲۴۰
 جمال، علی ۱۵۶
 جمری، عباس ملا عطیه ۱۱۳
 جمیلی، سید ۷۴، ۸۵، ۲۲۶، ۲۳۸

- جواد، مصطفی ۱۷۹
 جوادى آملی، عبدالله ۲۱۵
 جوالیقی ۲۵۳
 جودکی، حجت الله ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۸
 جهاد سازندگی استان تهران، کمیته فرهنگی ۵۳
 جزولی، انریکو ۴۸
 چلکوسکی، پتر / پیتر / جی ۴۵، ۲۰۲، ۲۰۳
 حائری، عبدالکریم ۲۱۵
 حائری، مرتضی ۲۱۵
 حاتمی، داوود ۴۵، ۲۰۲
 حاج سید جوادى، سید کمال ۴۵، ۴۶
 حبیبی، نجفقلی ۴۷
 حجر بن عدی ۲۴۱
 حجر بن کندی ۱۵۲
 خُر ۷۸، ۸۰، ۱۴۸، ۱۶۸، ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۴۰، ۲۵۱
 حسن زاده آملی، حسن ۲۱۵
 حسن مثنی ۱۹۳
 حسنی، عبدالعظیم ۹۸
 حسینی اعرجی فحّام، سید محمدرضا ۲۲۲
 حسینی جلالی، سید محمّد ۲۱۰
 حسینی جلالی، سید محمدرضا ۵۷
 حسینی جلالی، محمد حسین ۴۷
 حسینی حائری شیرازی، عبدالمجید ۱۵۱، ۱۹۱
 حسینی (ژرفا)، سید ابوالقاسم ۱۷
 حسینی، سید احمد ۶۶، ۱۰۵، ۱۴۰، ۱۵۹
 حسینی، سید جعفر ۱۲۱
 حسینی شاهرودی، سید محمود ۲۱۵، ۲۱۶
 حسینی شهرستانی، جواد ۱۴۷
 حسینی شهرستانی، سید هبةالدین ۱۴۷، ۱۶۶
 حسینی (شیرازی)، محمد حسن ۵۴ - ۵۵، ۱۳۰
 حسینی قزوینی، عبدالکریم ۱۸۸
 حسینی مرعشی (شهرستانی حائری)،
 محمّد حسین ۲۶۱
 حسینی موسوی حائری کرکی، محمّد بن
 ابی طالب ۹۴، ۱۳۵
 حسینی، میر سید محمّد باقر ۱۳۶
 حسینی میلانی، سید محمّد هادی ۲۱۵
 حسینی نجفی، محمد قاسم ۱۵۳
 حصارکی، نعمت الله ۲۷۰
 حفص بن عمر بن سعد ۲۶۸
 حکیم ۲۲۱
 حکیم پور، محمد ۲۷۲
 حکیمی، محمدرضا ۲۶۲، ۲۷۲
 حلّی، سید عبدالمطلب ۱۷۹
 حلّی نجفی، عبدالحسین ۱۵۶
 حمزه ۲۲۲
 حمود، هادی حسین ۷۳، ۲۳۸
 حموی حسینی ازهری، محمّد حسن سمان ۲۴۷
 حمیری، سید ۱۷۹
 خاقانی، علی ۱۷۹
 خدادادیان، اردشیر ۲۷۲

- دکارت ۲۰
- خدیدجه ۶۷
- خراسانی حائری، سید هادی ۲۱۵
- دلتشاد تهرانی، مصطفی ۲۷۲
- خرمشاهی، بهاءالدین ۱۶۹
- دوانی، علی ۴۷، ۲۷۰
- خزاعی، ابوالزَمیح ۱۷۹
- دهخدا، علی اکبر ۲۰
- خزرچی، نضیر ۲۵۴
- دیلمی، مهیار ۱۷۹
- خسروانی، علیرضا ۱۴۶، ۱۴۸
- دینوری ۲۵۸
- خضربن شلال ۲۱۶
- دؤلی/دئلی، ابوالاسود ۱۷۹
- خضری، محمد ۱۹۹، ۲۳۲
- ذهبی ۲۳
- خفّاف، حامد ۲۴۷
- ذهنی تهرانی، سید محمدجواد ۶۳
- خلف العصفور، احمد ۲۴۳
- رادفر، ابوالقاسم ۴۸
- خلیلی، جعفر ۱۵۴
- رازی، ابیالمفاخر ۹۱
- خمینی ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۷۱
- ربانی خلخالی، علی ۲۱۴
- خوارزمی ۵۵، ۱۷۹، ۲۵۸
- ربیع بن خثیم ۲۸۴
- خوارزمی، ابیالمؤید موفق بن احمد مکی
- رجائی زفره‌ای، محمد حسن ۴۸
- ۵۵، ۶۰، ۶۷، ۶۸، ۱۷۹، ۲۵۳، ۲۵۸
- رجائی، سید مهدی ۱۰۳
- خوانساری ۹۱
- رجایی، عبدالله ۷۳، ۲۳۸، ۲۷۰
- خولی بن یزید ۲۶۸
- رحیل، محمد سعید ۱۵۵
- دانش‌پژوه، محمدتقی ۷۶
- رسولی محلاتی، سید هاشم ۲۴۴
- دانشگر، محمد ۷۳، ۲۱۰، ۲۳۷، ۲۶۹
- رشید هجری ۱۵۲
- دانشیار تستری، محمدعلی ۲۲۱
- رضا، فؤاد علی ۲۲۴
- درایتی، مصطفی ۲۷۰
- رضی، سید / شریف ۱۷۹، ۲۵۳
- درندی شیروانی، آقا بن عابد ۳۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹
- رعدی آذرخشی، غلامعلی ۲۰
- ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۵، ۱۴۴، ۲۳۰
- رفاعی، عبدالجبار ۴۱، ۴۸، ۴۹، ۸۵، ۸۷، ۲۴۹
- رفیعی (علامرودشتی)، علی ۲۶۴
- درگاهی، حسین ۱۰۱
- رفعی، اتور ۴۸
- دعبل ۱۶۹
- رئیس درازی بحرانی، عباس احمد ۲۴۳
- دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت آموزش ۴۳، ۵۴

- زاهدی قمی، میرزا ابوالفضل ۳۶، ۱۸۴، ۲۶۱
 زبیر بن بکّار ۸۶
 زعفر جَنّی ۹۲، ۹۸، ۱۳۴
 زغلول پاشا، محمّد ۱۴۷
 زکّار، سهیل ۲۴۱
 زمخشری، جار الله ۶۷، ۶۸
 زهیر بن قین ۵۷
 زید بن علی بن الحسین ۵۷
 زیدی، سبط حسین ۲۱۶
 زینالی، سیّد حسن ۲۶۰
 زینب بنت اسحاق ۱۶۸
 زینب(س) ۲۷، ۴۳، ۵۵، ۶۰، ۸۴، ۱۰۴، ۱۳۹،
 ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۶۲، ۱۷۱، ۲۰۱، ۲۰۵،
 ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۵۳
 زینب صغرّی (دختر عقیل) ۲۵۳
 ژوزف فرانسوی ۱۵۰
 سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز پژوهش و
 تحقیقات معاونت آموزش و پژوهش ۵۴
 سپهر (لسان الملک)، میرزا محمّد تقی ۳۶، ۱۱۷
 سرور مولائی، محمد ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۸
 سعید بن مسیب ۱۹۹
 سعید، حسن ۲۰۶
 سعیدی مهر، محمّد ۲۷۲
 سکینه ۲۵۳
 سلّمی، محمّد بن صامل ۲۵۷
 سلیمان بن سرد ۲۸۴
 سلیمانی، جواد ۲۳۷
 سماوی، محمّد ۶۷، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۹۱
 سنان بن انس ۲۰۵، ۲۶۸
 سورکتی انصاری سودانی، احمد ۱۴۹
 سیّد بن طاووس ۴۵، ۵۵، ۷۹، ۸۱، ۸۴، ۱۰۳،
 ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۷۱، ۱۹۶
 سیّد میرزا (شاهزاده عبدالله) ۹۰
 سیوطی ۱۶۰
 شارتر، برناردو ۲۰
 شاه زنان (شهر بانو) ۱۹۳
 شاه طهماسب ۱۶۴
 شاه عباس ۱۶۴
 شبّر، جواد ۱۷۸
 شبّر، سیّد عبدالله ۱۰۵، ۱۰۶
 شرف الدّین، سیّد عبدالحسین ۷۲
 شُریح ۱۹۳، ۲۸۲
 شریعتی، علی ۲۰۰
 شریف العلماء مازندرانی ۱۰۷
 شریف طباطبائی، میرزا محمّد باقر ۱۲۳
 شریف قرشی، باقر ۱۹۸، ۲۴۴
 شریفی، محمود ۲۶۰
 شعرانی، ابوالحسن ۸۸، ۱۴۱
 شعوط، ابراهیم ۳۳۲
 شفیع کدکنی، محمّد رضا ۲۰
 شکسپیر ۳۴
 شلبی، احمد ۱۹۹

- شمر بن ذی الجوشن ۱۵۲، ۲۰۵، ۲۶۸
شمس الدین، محمد مهدی ۱۷۴، ۱۹۵، ۲۱۸
شوشتری، جعفر ۱۲۱
شوشتری، نورالله ۲۶۴
شهردار بن شیرویه دیلمی ۶۸
شهرستانی، سید صالح ۲۱۷
شهرستانی، سید هبة الدین ۲۷۴
شهیدی تبریزی، فتاح ۱۴۳
شهید ثانی ۸۳
شهیدی، سید جعفر ۱۶۹، ۲۱۱
شهیدی، عنایت الله ۲۰۳
شیرازی، سید حسن ۲۱۶
شیرازی، سید عبدالهادی ۱۷۹، ۲۱۵
شیمل، آنمری ۲۰۳
صابری همدانی، احمد ۲۶۱
صاحب بن عبّاد ۶۴، ۱۷۹، ۲۵۳
صاحبی، محمدجواد ۵۰، ۲۷۲
صافی گلپایگانی، لطف الله ۱۷۶، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۷
صالحی نجف آبادی، نعمت الله ۳۱، ۳۵، ۱۵۵، ۱۸۰، ۱۸۶، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۷۲
صبا، محسن ۱۹
صبحی، احمد محمود ۱۹۹
صبورى قمی، جعفر ۱۸۴
صختی سردودی، محمد ۱۷، ۵۰
صحفی، سید محمد ۸۱
صدرایی نیا، علی ۹۶
صدر، سید رضا ۲۱۵
صدر هاشمی، محمد ۱۶۴
صدوق ۱۲۸
صدیقین اصفهانی، محمدتقی ۱۸۵
صفر علی پور، حشمت الله ۵۰
صفری فروشانی، نعمت الله ۲۷۲
صفوی، شاه اسماعیل ۱۶۴
ضیائی، محمد حسین ۲۴۸
ضیف الله، محمد شجاع ۲۰۶، ۲۴۶
طباطبائی تبریزی، سید محمد جواد ۲۱۶
طباطبائی حکیم، سید محسن ۲۱۵، ۲۱۶
طباطبائی، سید عبدالحسین ۱۵۱
طباطبائی، سید عبدالعزیز ۵۱، ۶۴، ۶۵، ۶۶
۷۶، ۱۷۳، ۲۰۶، ۲۴۶، ۲۵۶
طباطبائی قمی، سید حسن ۲۱۵
طباطبائی مجد، غلامرضا ۶۰
طباطبائی، محمدحسین ۱۸۵
طبرانی، ابوالقاسم ۲۰۶، ۲۴۶
طبری، ابو جعفر محمد بن جریر ۲۳، ۷۰، ۷۱
۷۲، ۷۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۵۸
طیسی، محمد جعفر ۱۴۵
طرمّاح بن عدی ۷۱
طریحی نجفی، فخرالدین ۹۷، ۹۸، ۱۱۵
۱۳۷، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۷۹، ۲۳۰
طعمة، سلمان هادی ۱۶۳

- عثمان ۱۷۵، ۱۹۸، ۲۳۱، ۲۴۴
 عراقی، محمد نصار ۱۳۸
 عراقی، محمود ۱۱۶
 عراقی [اراکي]، محمد علی ۲۱۵
 عزتی، ابوالفضل ۲۷۲
 العصامي، خليل زامل ۲۶۶
 عطائي خراساني، ع [علي اصغر] ۱۸۵، ۲۰۱
 عطاردی، عزیز الله ۱۶۲، ۲۸۳
 عطار همدانی، حسن بن احمد ۶۸
 عظیم الدین، سید محمد ۵۹
 عقبه بن عمرو السهمی ۱۷۸
 عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم ۵۸، ۱۴۶
 علایلی، عبدالله ۱۵۷
 علم الهدی، سید مرتضی ۸۱، ۱۳۹، ۱۸۷،
 ۲۵۳، ۲۷۴، ۲۷۸
 علوان، نبیل رضا ۲۱۶
 علوی، سید جعفر ۱۱۲
 علوی شجری، ابی عبدالله محمد بن علی بن
 حسین ۶۶
 علوی، علی ۱۸۹
 علی اصغر ۱۹۳
 علی اکبر ۲۱۹، ۲۴۰، ۲۵۹
 عمادزاده، حسین ۳۳، ۱۲۹
 عمر ۶۸، ۷۸، ۱۷۴، ۱۹۳، ۲۳۱
 عمر بن سعد ۷۱، ۱۵۲، ۱۸۹، ۲۶۸
 عمر بن عبدالعزیز ۱۳۱
 طنطاوی جوهری ۱۴۷
 طوسی ۲۲، ۸۱، ۱۸۷
 طهرانی، میرزا ابوالفضل ۵۴، ۱۳۰
 طهرانی، عبدالحسین ۱۰۹
 عابدین، محمد علی ۱۷، ۱۹۷
 عاملی، شهاب الدین ۱۱۲
 عاملی، عبدالحسین صادق ۱۵۴
 عباس ۲۴۰، ۲۵۹
 عباس میرزا ۱۲۷
 عبدالرحمان بن ابی بکر ۷۶
 عبدالرحیم، محمد ۲۴۷
 عبدالله بن جعده ۱۹۹
 عبدالله بن جعفر ۱۹۹، ۲۴۵، ۲۸۴
 عبدالله بن زبیر ۷۶، ۱۹۹، ۲۴۵
 عبدالله بن عباس ۷۶، ۱۹۹، ۲۴۵
 عبدالله بن عقیف ۱۹۹
 عبدالله بن عمر ۷۶، ۱۹۹، ۲۴۵
 عبدالله بن محمد ۶۴
 عبدالله بن مطیع ۱۹۹
 عبدالله رضیع ۱۹۳
 عبدالمعید خان، محمد ۵۹
 عبدالمغیث بن زهیر حربی ۷۵، ۷۶
 عبد شمس ۲۱۲
 عبده، محمد ۱۵۵
 عبیدالله بن زیاد ۸۶، ۱۵۲، ۲۶۸
 عبیدی، سید حبیب الله ۱۴۷

- عمرو بن حمق ۱۵۲
 عمرو بن سعید ۱۹۹
 عمرو بن سعید اشراق ۲۴۵
 عمرو عاص ۱۵۲
 عمرة بنت عبدالرحمان ۱۹۹
 عنصری، جابر ۴۸
 عنان، عبدالله ۱۶۹
 عنایت، حمید ۱۶۹
 عندلیب همدانی، حسین ۵۱، ۸۱، ۲۸۱
 عون ۲۸۲
 عیسیٰ ۱۲۶
 غازی، محمد جمیل احمد ۸۵، ۲۰۷
 غروی اردوبادی نجفی، محمدعلی ۱۵۱
 غزالی، محمد ۱۹۹
 غفار، عبدالرسول ۲۸۰
 غفاری، حسن ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۷
 غفاری، علی اکبر ۶۲، ۱۷۰
 غفوری، علی ۵۲
 غیب غلامی، حسین ۱۳۲
 فارس حسون، کریم ۹۴
 فاضل جمالی، محمد ۱۴۷
 فاضل، محمد ۲۱۵
 فاطمه بنت اسد ۶۷، ۲۲۲
 فاطمه (س) ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۸۹، ۱۰۵، ۱۹۳
 فتحپوری، سید سبط الحسن ۲۰۹، ۲۳۳، ۲۴۷، ۲۷۸
 فتحعلی شاه قاجار ۱۲۷
 فدائی (عراقی)، غلامرضا ۵۲
 فرحی، سید علی ۱۴۸، ۲۷۳
 فرخ زادی، مجید ۵۲
 فرزددق ۱۶۹، ۱۸۹
 فضیل بن زبیر رسانی ۳۱، ۵۷
 فقی، محمدحامد ۸۵
 فهری زنجانی، سید احمد ۸۲
 فهمی، احمد ۱۹۹
 فهیم کرمانی، مرتضیٰ ۱۶۲
 فیروزآبادی، سید مرتضیٰ ۲۱۶
 قانندان، اصغر ۲۱۰، ۲۷۰
 قاجار، محمدشاه ۱۱۷
 قاجار، ناصرالدین شاه ۱۱۰، ۱۱۷
 قاسم ۹۲، ۹۸، ۱۳۴، ۱۹۳، ۲۳۹، ۲۴۰
 قاضی طباطبائی، سید محمدعلی ۶۴، ۸۱
 ۱۱۸، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۹۲
 قانونی، سلطان سلیمان ۱۶۴
 قانیا (شاه فرنگ) ۲۴۰
 قرانی، سید علی ۸۲
 قزوینی، آقارضیٰ ۱۰۴
 قزوینی، رضیٰ ۱۰۳، ۱۰۴
 قزوینی، سید مهدی ۱۷۹
 قزوینی، صالح ۱۱۱
 قزوینی، فضل علی ۱۵۹
 قزوینی، محمد ۶۹

- قطیفی، عبدالله منصور ۲۳۰
 قمی ۲۲۱
 قمی، عباس ۵۵، ۷۲، ۱۴۰، ۲۴۴، ۲۸۳
 قمی، محمد ۱۳۶
 قنوات، عبدالرحیم ۲۷۰
 قیومی اصفهانی، جواد ۶۳، ۲۶۱
 کاشف الغطاء ۱۴۷، ۱۶۳، ۲۲۱
 کاشفی، کمال الدین حسین بن علی ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۳۴، ۱۳۵
 کافی بهاری همدانی، محمدباقر ۷۶
 کالمار، ژان ۲۰۳
 کیلر ۲۰
 کرباسی، محمدصادق محمد ۳۱، ۲۵۴
 کریمی، حسین ۱۸۴
 کسرا یزدگرد ۱۹۳
 کشاورز، کریم ۹۳
 کلباسی اصفهانی، ابوالمعالی محمد ۱۳۲
 کلبی ۷۲
 کلبی، بجدل / نجدل / بن سلیم ۲۶۷
 کلبی، هشام بن محمد ۲۵۸
 کلید دار، عبدالجواد ۱۶۳
 کلینی ۷۱
 کمره‌ای خمینی، محمدباقر ۱۴۱، ۱۵۸
 کمیت اسدی ۱۶۹، ۱۷۹
 کیانفر، جمشید ۴۵
 کین یونی، انریکو فول ۲۰۳
 گالیه ۲۰
 گاندی ۳۴
 گرمودی، محمد رفیع ۱۱۶
 گلبایگانی ۲۱۴
 گلبرک، اتان ۸۲
 گنجی، محمد ۱۵۶
 لجنة تحقیق مسائل اعتقادی و تاریخی ۱۸۵
 لجنة الحدیث معهد تحقیقات باقر العلوم علیه السلام منظمه الاعلام الاسلامی ۲۶۰
 لکهنوی، سید علی نقی ۱۵۶
 لنکرانی، مجتبی ۲۲۲
 لوگوف، ژاک ۲۱
 لیثی، ابو واقد ۱۹۹
 ماربین آلمانی ۱۵۰
 ماغوسی مراکشی، سعید بن مسعود ۷۸
 مالک بن جریره ۲۶۸
 مالک بن حوزه ۲۶۸
 متوکل ۱۶۴، ۲۰۵
 مجتهد تبریزی، صادق ۱۴۳
 مجتهد زنجانى، سید ابوالفضل ۱۸۳
 مجلسی، محمدباقر ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۳۰
 مجیدی، عنایت الله ۲۷۲
 محبوب، محمدجعفر ۲۰۳
 محدث حائری اصفهانی، عبدالرزاق ۲۱۶
 محدث همدانی، میرزا عبدالرزاق ۵۳
 محدثی، جواد ۵۳، ۲۶۵

- مدرسه الامام المهدي عليه السلام ۸۳
 مدنی، سلیمان ۲۴۳
 مدنی، سید محمود ۲۶۰
 مرادی قهدریجانی، حسن ۱۸۵، ۱۹۲
 مرتضوی لنگرودی، عبدالصاحب سید
 محمدمهدی ۱۸۵، ۲۱۶
 مرتضی، سید محمدرشید ۱۶۳
 مرعشی، سید محمود ۶۶، ۲۶۴
 مرعشی نجفی، سید شهاب الدین ۴۲، ۲۱۵،
 ۲۶۴
 مروان بن حکم ۶۷
 مزاوی، میشل ۲۰۳
 مستوفی هروی، محمد بن احمد ۶۰
 مسجدجامعی، احمد ۴۶
 مسعودی ۱۳۵، ۲۷۰
 مسلم بن عقیل ۵۹، ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۷۳، ۷۵، ۷۸،
 ۸۰، ۸۹، ۹۵، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۸،
 ۱۶۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۴۵،
 ۲۸۳، ۲۸۲
 مسور بن مخزومه ۱۹۹
 مشار، خانابا ۱۰۰، ۱۴۶، ۱۶۹
 مشفق فر، ابراهیم ۲۷۰
 مشکینی، علی ۱۸۳
 مطر، مهدی ۱۷۸
 مطهری، مرتضی ۹۳، ۱۲۰، ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۰۵
 مظلوم، عبدالله ۱۸۵
- محرمی زرنندی، سید محمود ۱۲۷
 محقق، محمدباقر ۲۸۰
 محلّاتی، ذبیح الله ۱۶۵، ۱۹۱
 محمّد بن اشعث ۲۶۸
 محمّد بن حنفیه ۶۰، ۱۹۹، ۲۴۵
 محمد بن سائب الکلبی ۷۱
 محمّد بن سعد ۸۶
 محمّد بن عبدالله (ص) ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۷،
 ۶۸، ۷۰، ۸۰، ۸۹، ۹۴، ۹۵، ۱۰۵، ۱۱۵، ۱۱۹،
 ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰،
 ۱۷۲، ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲،
 ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۴،
 ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۷۷، ۲۷۸
 محمّد بن منور ۲۰
 محمود، عبدالحلیم ۲۳۳
 محمودی، محمّدباقر ۲۲، ۲۰۹، ۲۵۲، ۲۵۸
 محمودی، محمّدکاظم ۷۵
 مختار ۶۷، ۷۳، ۷۴، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۴،
 ۱۰۶، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۴۱، ۱۶۹، ۱۹۹، ۲۲۸،
 ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۷۶
 مختاری، رضا ۱۷
 مخزومی، ابوبکر ۱۹۹
 مخنف بن سلیم / سالم / ۷۰
 مدائنی ۷۲
 مدرّس تبریزی، محمّد علی ۱۰۸
 مدرّس خیابانی، محمّد علی ۲۴۸

- معاویه ۶۵، ۷۸، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۲،
 ۱۵۸، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۲، ۲۱۳،
 ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۵
- معتمد الدوله، فرهاد میرزا ۳۳، ۱۲۷
- معرفت، احمد ۲۱۶
- معزی، ابوالعلاء ۱۶۹، ۱۷۹
- معزی دزفولی، کاظم ۱۶۹
- معصومه ۲۴۰
- مغنیه، محمدجواد ۱۷۸
- مفید ۸۱، ۱۳۵، ۱۸۷
- مقرّم، سید محمد حسین ۱۶۱، ۲۴۴، ۲۸۳
- مکارم شیرازی، ناصر ۲۱۵
- ممنون، پرویز ۲۰۳
- منتظر قائم، اصغر ۲۷۰
- منتظری، حسینعلی ۱۸۳
- منزوی، احمد ۹۳
- منصور ۱۶۴
- منصور نژاد، محمد ۲۷۰
- منصوری، محمد سعید ۲۸۰
- موحد ابطحی اصفهانی، سید علی ۳۱، ۵۴،
 ۵۵، ۱۳۰، ۲۷۷
- موحد ابطحی اصفهانی، سید محمدباقر ۱۰۲
- موسوی اصفهانی، سید محمد مهدی ۱۶۳
- موسوی خرسان، سید محمد مهدی ۹۹
- موسوی خوئی، سید ابوالقاسم ۲۱۵
- موسوی دزفولی، محمدطاهر ۷۳
- موسوی زنجانی، سیدابراهیم ۱۹۰
- موسوی گلیایگانی، سید محمدرضا ۲۱۵
- موسوی مقرّم، عبدالرزاق ۱۶۱
- موسوی همدانی، سید محمدباقر ۱۷۳
- موسی ۷۸
- موسی، عزالدین عمر ۷۷
- مولوی ۲۱
- مهاجرانی، سید عطاء الله ۲۷۲
- میانجی، سید ابراهیم ۹۹
- میثم تمّار ۱۵۲، ۲۸۴
- میرجهانی طباطبائی محمدآبادی جرقوئی
 اصفهانی، حسن ۲۲۰
- میرزا محمدحسین بن علی اکبر ۱۱۴
- میرشریفی، سید علی ۷۳، ۱۴۲، ۲۳۷، ۲۷۰
- مؤمن طاق ۲۵۳
- مؤیدی، علی ۲۶۱
- نائینی ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۱
- ناجی موسوی جزائری، سید هاشم ۲۶۷
- نادرشاه ۱۶۴
- نجّار، محمد ۱۹۹
- نجفی تبریزی، راضی ۲۲۲
- نجفی، سید محمدباقر ۵۵
- نجفی، هادی ۲۵۱
- نجمی، محمدصادق ۲۶۱
- نراقی ۱۳۵
- نظری منفرد، علی ۲۷۵

نعمانی، شبلی ۱۷۹

هلالي، جعفر ۲۸۰

نقدی، جعفر ۱۴۳، ۱۵۱

همايونی، صادق ۲۰۳، ۲۳۹

نمازی شاهرودی، علی ۲۱۵

همدانی، بدیع الزمان ۲۵۳

نورآبادی، علی ۲۷۰

هنوی، ویلیام ال. ۲۰۳

نوری، میرزا حسین ۷۱، ۸۱، ۹۲، ۹۸، ۱۰۹،

یا حسینی، سید قاسم ۱۵۵ - ۱۵۶

۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۷۱، ۱۹۲، ۲۸۲

یار شاطر، احسان ۲۰۳

نیوتون ۲۰

یاقوت حموی ۵۹

واحدی جیلانی، سید محمد ۲۷۹

یحییٰ ۶۳، ۱۳۷

واعظ تبریزی خیابانی ۱۰۴، ۱۱۶، ۱۴۳، ۱۴۴،

یحیی بن حسین ۵۸

۱۴۶، ۱۵۲

یحیی بن زکریا ۱۶۰

ولید بن عتبہ ۶۷

یحیی بن سعید ۷۰

ویرث، آندره زیچ ۲۰۳

یزدی مطلق، محمود ۵۵

هارون الرشید ۷۸، ۱۶۴

یزید ۶۵، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۶، ۸۷، ۱۰۳،

هارونی، عبدالسلام ۸۷

۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹،

هاشم، حکمت ۱۵۴

۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۸،

هاشم زاده، ناصر ۱۹۷

۱۶۹، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۲،

هاشمی، علی ۱۶۶

۱۹۹، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۰،

هانی بن عروه ۱۱۱، ۲۴۵

۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۶۸، ۲۸۲

هشترودی تبریزی، محمدحسن ۱۰۰

یوسف، حسین محمد ۲۳۳

هلاکو ۲۱۹

یوسفی غروی، محمدهادی ۵۶، ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۶

کتابها و نشریات

- آشنایی با دایرة المعارف الحسينية ۲۵۴
 آهی سوزان بر مزار شهیدان ۸۲
 آینه پژوهش ۷۳، ۲۳۷
 ابراهیم ابوالانبیاء ۱۶۷
 ابصار العین فی انصار الحسین ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۱
 ابواب الجنان ۲۱۶
 ابوالشهداء، الحسین بن علی ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۱۱
 اثبات الوصية ۱۳۵
 اجمالی از زندگانی مختار بن ابی عبیده الثقفی
 علیه الرحمة ۱۶۵
 احزان الشیعة ۳۹
 احسن الجزاء فی اقامة العزاء علی سید
 الشهداء علیه السلام ۲۲۲
 احقاق الحق وازهاق الباطل ۲۶۴
 اخبار الامم والملوک ۲۲۶
 اخبار الرسل والملوک ۲۲۶
 اخذ الثار فی احوال المختار ۷۳، ۸۳
 ادب الحسین و حماسه ۲۶۱
 ادب الطّف، او، شعراء الحسین ۱۷۸
 ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری ۹۱، ۹۳، ۱۰۰، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۲۹
 اربعین حسینی، یا، چهل حدیث حسینی ۱۳۶، ۹۸
 ارزیابی انقلاب حسین (ع) ۱۷۵
 ارشاد ۱۳۵
 ارشاد الاریب الی معرفة الادیب ۵۹
 ارمغان هند و پاک ۲۱۶
 استشهاد الحسین ۷۴، ۸۵، ۲۰۸، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۸، ۲۲۸
 استشهاد الحسین رضی الله عنه و یلیه رأس
 الحسین رضی الله عنه ۲۰۷
 استفتائیه های طلاب و روحانیون از مراجع
 تقلید درباره کتاب شهید جاوید ۱۸۵
 اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید ۲۰
 اسرار الشهادت ۱۱۰
 اسرار الشهادة ۳۲، ۱۴۴، ۲۰۵، ۲۳۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۳۵
 اسرار جانکاه، یا، نهضت حسینی ۱۴۸

- اسرار شهادة آل الله ١٢٣، ١٢٤
- اشك روان بر امير كاروان ١٢٢
- اصدق الاخبار فى قصّة الاخذ بالثأر ١٣٨
- اصول المعرفة فى شرح دعاء عرفة للامام الحسين (ع) ٢٤٣
- ايعان الشيعة ٢٢، ٨٣، ١٠٩، ١٥٣، ٢٤٧
- اقالة العاثر فى اقامة الشعائر الحسينية ١٥٦
- اقبال الاعمال ١٩٢
- اقناع الأئمة على اقامة المآتم ١٤٩، ١٥٠
- اكسير العبادات فى اسرار الشهادات ٣٢، ١٠٨، ١١٠، ١١٤
- اكليل المصائب ٣٩
- الاجازات لكشف طرق المغازات ٨٠
- الاخبار الطوال ٢٥٨
- الاربعين ٦٨
- الاربعين الحسينيه ١٣٦
- الاستشفاء بالتربة الشريفة الحسينية ١٣٢
- الاقبال بالاعمال الحسنة ٨١
- الامالى الخميسية ٥٨
- الامام الحسين ١٥٧
- الامام الحسين بن علي ٢٣١
- الامام الحسين عليه السلام فى احاديث الفريقين ٣١، ٢٧٧
- الامام الحسين عليه السلام واصحابه ١٥٩
- الانساب ٨٦
- البرهان ٢٧٩
- البكاء للحسين عليه السلام ٢٢٠
- التحصين ٨٤
- التسيير الذاتى لانصار الحسين ١٩٧
- التنزيه فى اعمال الشببيه ٣٢، ١٣٥، ١٥٣، ١٥٤، ١٥٦، ١٥٥
- التوحيد ٤٨
- الحسين، ابو الشهداء ١٦٧، ١٦٩
- الحسين بن علي: سيد شباب اهل الجنة حجر بن عدي: أول شهداء آل البيت ٢٤١
- الحسين عليه السلام، سماته وسيرته ٢١٠
- الحسين عليه السلام فى القرآن ٢٧٩
- الحسين عليه السلام من خلال القرآن الكريم ٢٨٠
- الحسين فى طريقه الى الشهادة ١٦٦
- الحسين والسنة ٢٠٦، ٢٤٦
- الخصائص الحسينية ١٢١
- الدعوة الساكبة ١١٥، ١١٦
- الدوافع الذاتية لانصار الحسين ١٩٧
- الذخيرة الاسلامية ١٤٩
- الذريعة الى تصانيف الشيعة ١٧، ٢٢، ٥٣، ٧٦، ٧٩، ٩٤، ٩٨، ١٠٦، ١٠٨، ١١٣، ١١٤، ١٤٦
- ١٥٣، ١٥٤، ١٥٦، ١٧٩، ٢٤٨
- الرد على المتعصب العنيد ٧٥، ٧٦
- الرد على من منع من لعن يزيد ٧٦
- الردة ٧٠
- الزيارات ٦٢
- البداية والنهاية ٨٥، ٢٠٧، ٢٢٥

- الملحمة الحسينية ٢٠٥
 الملهوف على اهل قتل/قتلى / الطّفوف ٤٥،
 ٨٤، ٨٢، ٨٠، ٧٩
 المناقب ٦٨
 المنتخب في جمع المراثي والخطب ٩٧، ٩٨،
 ١٥١، ٢٣٠
 الموسم ٥١، ٧٤، ٢٣٨
 النظرة الذامعة ١٥٦
 النقد النزيه لرسالة التنزيه ١٥٦
 الوثائق الرسمية لثورة الامام الحسين (ع) ١٨٨
 الوثائق الرسمية لنتائج ثورة الحسين (ع) ١٨٨
 امام حسين (ع) در الذريعة ١٧
 امام حسين عليه السلام وحماسة كربلا ١٣٩
 امثال و حكم ٢٠
 امواج البكاء ٣٨
 اندیشه سياسي در اسلام معاصر ١٦٩
 انساب الاشراف ٢٠٦، ٢٥٨
 انصار الحسين: دراسة عن شهداء ثورة
 الحسين ١٩٥
 انصار الحسين (ع) ١٩٧
 انصار الحسين (ع): ترجمة كتاب ابصار العين
 في انصار الحسين عليه السلام ٥٨، ١٤٦
 انوار السعادة ١١٤
 اهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية
 ٥١، ٦٤، ٦٥، ٦٩، ٧٦، ٧٨
 ايام الحسين، عرض و قصص ١٥٧
- السجع النفيس ٩٤
 الشعائر الحسينية ١٥٦، ٢١٦
 الصحيفة الحسينية ٢٦١
 الطبقات الكبرى ٨٦، ٢٥٦، ٢٥٨
 الطلع النضيد في ابطال المنع عن لعن يزيد ٧٦
 العدل ٤٢
 العرفان ١٥٥
 الغارات ٧٠
 الغدير في التراث الاسلامي ١٧٣
 الفتوح ٥٩، ٦٠، ٦١، ٦٨
 الفضائل ٢٠٦
 الفهرست ٢٢
 الكلمات الجامعة حول المظاهر العزائية ١٥٦
 الكنى والالقب ٢٨٣
 الملهوف على /فى/قتلى الطّفوف ٥٥، ٧٩، ٨١،
 ٨٤، ١٠٣، ١٣٩، ١٧١، ١٨٢، ١٨٣، ١٩٣، ١٩٦، ٢٨٢
 المبكيات ٣٨
 المجالس السنية فى ذكرى مصائب العترة
 النبوية ١٤٩
 المجالس الطريحية ٩٧
 المجالس الفخرية ٩٧
 المجموعة الكاملة لمؤلفات الاستاذ عباس
 محمود العقاد ١٦٩
 المختار من مقتل بحار الانوار ١٠٠ - ١٠١
 المعجم الكبير ٢٠٦، ٢٤٦
 المغازى ٧٠

- انباء السماء برزیة کربلاء ۱۷۳
بحار الانوار ۲۴، ۳۷، ۶۰، ۷۲، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۲۲۹، ۲۷۷، ۲۷۹
- بحار الذموع ۳۸
بحثی کوتاه در باره علم امام (ع) ۱۸۵
بحر الخزن ۳۹
بحر الذموع ۳۸
بحر الغموم ۳۹
بحر غم ۳۹
- برترین هدف در برترین نهاد: پرتوی از
زندگانی امام حسین علیه السلام ۱۵۸
برترین هدف در برترین نهاد: نقد و تحلیل
تاریخ امام حسین علیه السلام ۱۵۸
بررسی پیرامون مواکب حسینیة ۲۱۶
بررسی تاریخ عاشورا ۱۷۰
بررسی قسمتی از کتاب شهید جاوید ۱۸۴
بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی ۲۷۳، ۱۴۸
بر شطی از حماسه و حضور ۵۴
بصائر ۵۶، ۲۶۱
- بعد خمسين سنة: تحقیق تاریخی فی کیفیت
تکوین واقعة کربلاء ۲۱۳
بغية الطلب فی تاریخ حلب ۲۴۱، ۲۵۸
بلاغة الحسين علیه السلام ۲۶۱
پاسدار اسلام ۵۰
پرتوی از عظمت حسین علیه السلام ۱۷۶
پژوهش ۲۰
- پژوهشی پیرامون زندگانی امام حسین (ع) ۱۷۵
پس از پنجاه سال: پژوهشی تازه پیرامون قیام
حسین علیه السلام ۱۶۹، ۲۱۱، ۲۱۲
پیشوای شهیدان ۱۶۹
تاریخ ابن کثیر ۲۰۷، ۲۲۸
تاریخ الامم والرسل والملوک ۲۲۶
تاریخ الامم والملوک ۲۲۶
تاریخ الحسين، نقد و تحلیل ۱۵۷
تاریخ الرسل والملوک ۲۲۶
تاریخ النیاحة علی الامام الشهيد الحسين بن
علی (ع) ۲۱۷
تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم (ع) تا
زمان ما در تمام کشورهای جهان ۲۱۷
تاریخ دمشق ۲۰۹، ۲۵۸
تاریخ زندگانی حسین بن علی ۱۵۸
تاریخ طبری ۲۳، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۸۵، ۲۰۸، ۲۲۶
۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۷
تاریخ کبیر ۲۲۶
تاریخ کربلا و حائر حسین (ع) ۱۶۴
تاریخ کربلاء و حائر الحسين علیه السلام ۱۶۳
تاریخ مدینة دمشق ۲۰۹، ۲۴۲، ۲۵۸
تاریخ و فرهنگ معاصر ۲۴۰
تأویل الآیات ۲۷۹
تحقیق درباره اول اربعین حضرت
سیدالشهداء (ع) ۶۵، ۸۱، ۱۱۸، ۱۳۵، ۱۴۴،
۱۵۲، ۱۷۱، ۱۹۲

- تذیل الطَّلَع النُّضید ۷۶
 تراثنا ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۲۵۶
 ترجمه کامل الزیارات ۶۳
 ترجمه منتخب کامل الزیارات ۶۳
 ترجمه الامام الحسین علیه السلام و مقتله من
 القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الكبير
 لابن سعد ۲۵۶
 ترجمه ریحانة رسول الله صَلَّى الله عليه وآله
 وسَلَّم الامام الحسین علیه السلام من تاریخ
 مدینة دمشق ۲۰۹
 تسلیة المجالس وزینة المجالس ۹۴، ۹۵
 تسمیة من قتل مع الحسین بن علی علیهما
 السلام من ولده وإخوته وأهله وشیعته ۳۱، ۵۷
 تظلم الزهراء من اهراق دماء آل العباء علیهم
 السلام ۱۰۳، ۱۰۴
 تعزیه در ایران ۲۳۹
 تعزیه: نیایش و نمایش در ایران ۴۵، ۲۰۲
 تعزیه، هنر بومی پیشرو ایران ۴۵، ۲۰۲
 تفسیر صافی ۲۷۹
 تفسیر عبّاشی ۲۷۹
 تفسیر قمی ۲۷۹
 تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ۱۲۰، ۱۹۳
 تنزیه الانبیاء ۱۳۹، ۱۸۷
 توطئة شاه بر ضد امام خمینی، یا، نیرنگهای
 سیاسی ساواک علیه حوزه‌های علمیه ۱۸۳، ۱۸۵
 تهذیب تاریخ دمشق ۲۱۰
 ثار الله: خون حسین علیه السلام در رگهای
 اسلام ۵۱، ۸۱، ۲۸۱
 ثورة التنزیه ۱۵۳، ۱۵۴
 ثورة الحسین ۳۹
 ثورة الحسین ظروفها الاجتماعیة و آثارها
 الانسانیة ۱۷۴
 ثورة الحسین فی الوجدان الشعبي ۲۱۸
 ثورة الطّف ۳۹
 جامع احادیث الشیعة ۲۲۹
 جامع الزیارات ۶۲
 جزاء اعداء و قتلة سیّد الشهداء علیه السلام فی
 دار الدنیا ۲۶۷
 جزاء الاعمال فی دار الدنیا ۲۶۷
 جزاء قتلة سیّد الشهداء علیه السلام فی دار
 الدنیا ۲۶۷
 جلاء العیون ۱۰۵، ۱۰۶
 جماعت حسینی ۱۴۶
 جمال الخواطر فی عجائب الكون و غرائب
 النوادر ۲۴۷
 جواهر الايقان و سرمایه ایمان ۱۱۴
 چشمه خورشید ۲۷۱
 چهره حقیقی قیام حسینی در آئینه اسناد
 تاریخی ۱۸۹
 چهره خونین حسین سیّد الشهداء علیه
 السلام، یا، داستان کربلا ۱۶۲
 چهل مقاله ۴۱، ۱۴۸

- حجر بن عدی ۲۰۰
- حسین بزرگ مرد آزاده ۳۹
- حسین پرچمدار آزادی ۳۹
- حُسین علیه السّلام شهید آگاه و رهبر
- نجات بخش اسلام ۱۸۴، ۱۸۶
- حسین علیه السّلام یا مظهر آزادگی ۳۹
- حسین(ع) و پذیرش دعوت ۱۸۵
- حسین وارث آدم ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۴
- حماسه سازان کربلا ۵۸، ۱۴۶
- حماسهٔ حسینی ۳۹، ۹۳، ۱۲۰، ۲۰۱، ۲۰۴
- حماسهٔ عاشورا ۳۹
- حماسهٔ کربلا ۳۹
- حوزه ۵۴، ۵۵
- حول البكاء علی الامام الحسین علیه السّلام
- السّبط الشّهِید ۲۲۱
- حیة الامام الحسن ۱۹۸
- حیة الامام الحُسین بن علی علیهما السلام،
- دراسة وتحلیل ۱۹۸، ۲۴۴
- خصائص الحسین ۱۲۱، ۱۲۲
- خصال ۲۷۹
- خطب الامام الحسین(ع) علی طریق الشهادة ۱۹۴
- خلاصة قیام حسین(ع) ۲۱۳
- خورشید شهادت ۴۷، ۷۳، ۲۱۰، ۲۳۷، ۲۶۹
- دائرة المعارف الحسینیّة ۳۱، ۲۵۴
- دار السّلام فیمن فاز بسلام الامام علیه السّلام ۱۱۶
- داستان غم ۳۹
- دُرر السّمط فی خبر السّبط ۷۷
- درسی از مکتب حسین ۳۹
- درسی که حسین علیه السّلام به انسانها آموخت ۳۹
- در کربلا چه گذشت؟ ۱۴۲
- دفاع از حسین شهید: ردّ بر کتاب شهید جاوید ۱۸۴
- دفع التّمویه عن رسالة التّنزیه فی اعمال الشّبیّه ۱۵۶
- دمع السّجوم: ترجمهٔ نفس المهموم ۱۴۱
- دمع العین ۳۸
- دین نامه‌های ایران: کتابشناسی موضوعی
- کتابهای دینی ایران ۵۵
- دیوان الامام الحسین بن علی بن ابی طالب(ع) ۲۴۸
- دیوان الحسین بن علی علیه السّلام ۲۴۷
- دیوان القرن الاوّل / هجری ۲۵۵
- دیوان المعصومین ۲۴۸
- ذخیره الدّارین ۱۵۱
- ذخیره الدّارین ۱۹۱
- ذریعة النّجاة ۱۱۶
- ذوب النّضار فی شرح الثّار ۸۳
- راه حسین ۳۹
- راه حسین رهنمودی برای انسانها ۳۹
- راه وروش مارا وروش پیامبر(ص) ما است ۱۷۳
- رأس الحسین ۸۵، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۲۷، ۲۲۸
- رسالت انقلابی امام حسین در سخت‌ترین
- شرایط ۳۹
- رسالة الحسین علیه السلام ۱۷، ۴۹، ۱۶۹
- رستاخیز حسینی ۳۹

- سمو المعنى فى سمو الذات ۱۵۷
- سمو شباب اهل الجنة ۲۳۳
- سیرتنا وسنتنا سیرة نبینا وسنته صلى الله عليه
وأله ۱۷۲، ۱۷۳
- سیماء الصلحاء فى اثبات جواز اقامة العزاء
لسید الشهداء ۱۵۴
- شرح الثار المشتمل على اخبار المختار ۸۳
- شرح الثار فى احوال المختار ۸۳
- شرح حال رجال ایران ۱۰۸
- شعراء الحسين، او، ادب الطف ۱۷۹
- شفاء الصدور فى شرح زيارة العاشور ۵۴، ۱۳۰
- شمس الضحى در ذكر واردات سر
سیدالشهداء (ع) ۱۶۵
- شهاب شریعت: درنگی در زندگی حضرت
آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ۲۶۴
- شهادت ۲۰۱
- شهید آگاه ۱۸۶، ۱۸۷
- شهیدان کربلا ۱۹۷
- شهید جاوید ۳۱، ۳۵، ۶۱، ۸۱، ۱۲۰، ۱۵۵،
۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۱،
۲۴۵، ۲۰۴
- صحیح بخاری ۸۶
- صحیفة الحسين علیه السلام ۲۶۱
- ضمیمة افسانه کتاب ۱۸۵
- طریق البكاء ۲۴، ۲۸
- طریق الکرام من الکوفة الى الشام ۲۳۰
- رستاخیز عاشورا ۳۹
- رموز الشهادة: ترجمه کامل نفس المهموم
ونفثة المصدور ۱۴۲
- روشنفکران در قرون وسطا ۲۱
- روضات الجنات ۸۳، ۹۱
- روضة الشهداء ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵،
۹۸، ۱۳۵، ۱۳۴، ۲۰۵
- رهبر آزادگان ۳۹
- ره توشه راهبان نور، ویژه محرم ۴۳، ۵۴
- ریاض الاحزان ۳۸-۳۹
- ریاض البكاء ۳۸
- ریاض العلماء ۹۲
- ریحانة الادب ۸۳، ۱۰۸
- زفرات الثقلین ۲۵۲
- زندگانی ابا عبدالله الحسین (ع) ۸۲
- زندگانی امام حسین (ع) ۲۴۴، ۲۴۵
- زندگانی امام حسین علیه السلام ۳۳
- زندگانی محمد بن الحنفیة (ع) ۱۶۵
- زن روز ۵۲
- سالار کربلاء حسین بن علی (ع) ۱۶۲
- سحاب البكاء ۳۸
- سحاب الدموع ۳۸
- سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا ۲۶۱
- سخنی کوتاه در علم امام علیه السلام ۱۸۴
- سرمایة ایمان و جواهر ایقان ۱۰۸، ۱۱۳-۱۱۴
- سعادات ناصری ۱۰۸، ۱۱۳

- طوفان البكاء ۲۵، ۳۸
عبرات المصطفین فی مقتل الحسین علیه السلام ۲۲، ۳۷، ۲۵۸
عربی مرتبۀ ۱۷۹
عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه ۲۱۴، ۲۱۶
عزاداری حسین (ع) از زمان آدم (ع) تا زمان ما ۲۱۷
عزاداری سیدالشهداء علیه السلام: فتاوی علماء گرام و مراجع عظام شیعه ۲۱۶
عزاداریهای نامشروع ۱۵۵، ۱۵۶
عصای موسی (ع) ۱۸۵
عظمت حسینی ۱۴۸
عقدۀ گشوده: پیرامون کتاب شهید جاوید ۱۸۴
عقود الجمال ۱۶۰
علماء معاصرین ۱۴۶
علوم حدیث ۹۶
عمان البكاء ۳۸
عوالم العلوم والمعارف ۳۷، ۱۰۲، ۲۷۷
عين البكاء ۳۸
عين الدموع ۳۸
غصن الرسول، الحسین بن علی ۲۲۴
غمکده ۳۹
فتاوی العلماء الاعلام فی تشجیع الشعائر الحسينية ۲۱۴
فتاوی علمای بزرگ پیرامون شعائر حسینی ۲۱۶
فتوح خراسان ۷۰
فُرسان الهیجاء ۱۶۵، ۱۹۱
فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام ۲۶۱
فرهنگ عاشورا ۵۳، ۲۶۵
فرهنگنامه عاشورا (ویژه دانش آموزان) ۲۶۶
فصلنامه تئاتر ۴۵
فضل زیارة الحسین علیه السلام ۶۶
فقه الرضا علیه السلام ۱۹۳
فهرست توصیفی نمایشنامه‌های مذهبی ایرانی ۴۸
فهرس تراث أهل البيت (ع) ۴۷
فهرست کتابخانه اهدائی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران ۷۶
فهرست کتابهای چاپی فارسی ۱۰۰، ۱۴۶، ۱۶۹
فهرست کتب و موضوعات پیرامون واقعه کربلا ۵۴
فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی ۴۵
فهرست موضوعی تراجم ۴۲
فهرستواره ایرادات و شبهات علیه شیعیان در هند و پاکستان ۴۶
فهرستواره کتابهای فارسی ۹۳
فی جواز التشابه و ضرب القمات والطبول فی عزاء سیدالشهداء علیه السلام ۲۱۵
فیض الدموع ۳۸
قامعة اهل الباطل بدفع شبهات المجادل فی جواز البكاء والرتاء... ۲۱۶
فتوح الاسلام ۷۰

- کتابنامه ۵۰
- کتابشناسی تاریخی امام حسین -ع- ۱۵
- کتابشناسی توصیفی دکتر علی شریعتی ۲۸
- کتابشناسی مجلسی، علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی ۱۰۱، ۱۰۶
- کتاب من لا یحضره الفقیه ۱۲۸
- کتابنامه عاشورا ۴۴
- کتابنامه محرم ۴۴
- کتابنامه امام حسین علیه السلام ۴۴
- کتاب هفت ساله چرا صدا در آورد ۱۸۴
- کتاب هفته ۴۷
- کشف التّمویه عن رسالة التّنزیه ۱۵۶
- کشف الغمّة ۲۴۷
- کفایة الاثر ۲۷۹
- کلک ۲۴۰
- کنز الباکین ۳۸
- کنز المعن ۳۹
- کنز المصائب ۳۹
- کیهان اندیشه ۴۲، ۱۴۲
- کیهان فرهنگی ۴۸، ۵۰
- گزیده کتابشناسی توصیفی اسلامی ۵۲
- گوشه‌ای از سرگذشت و شهادت امام حسین ۵۲
- لسان الخواص ۱۰۴
- لواعج الاشجان ۱۳۸، ۱۳۹
- لؤلؤ و مرجان ۷۱، ۸۱، ۹۲، ۹۸، ۱۰۹، ۱۱۳
- ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۷۱، ۱۹۲
- قیسات الاحزان ۳۹
- قرآن ۶۲، ۱۲۱، ۱۲۷، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۶۲، ۲۶۳
- ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰
- قرآن و امام حسین(ع) ۲۸۰
- قرة العين فی اخذ ثار الحسين ۶۴
- قصص العلماء ۱۰۷، ۱۱۴
- قصّة کربلا بضمیمه قصّة انتقام ۲۷۵
- قصّة الثورة ۲۱۸
- قِمقام زخار و صمصام بتار ۳۳، ۱۲۷
- قیام امام حسین(ع): برگزیده از کتاب الفتوح ۶۱
- قیام جاودانه (سخنی چند پیرامون «عاشورا» و آفاق آن) ۲۶۲
- قیام جاوید: گردانیده مقتل الحسين ابی مخنف ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۸
- قیام حسین(ع) ۲۱۳
- قیام سید الشهداء حسین بن علی(ع) و خونخواهی مختار بروایت طبری و انشای ابوعلی بلعمی ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۸
- کارنامه علامه مجلسی ۲۰۲
- کامل الزیارات ۶۲، ۲۲۹
- کامل الزیارة ۶۲
- کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او ۸۲
- کتابداری ۱۹
- کتابشناخت ۲۸
- کتابشناسی امام حسین علیه السلام ۴۷
- کتابشناسی امام حسین علیه السلام، ج: ۱

- ماتمكده ٣٩
مسند الامام الشَّهيد ابى عبدالله الحسين بن
على عليهما السَّلام ٢٨٣
مصباح الزائر و جناح المسافر ٧٩
مطالب السَّؤل ٢٤٧
معادن اللجين فى مرآتى الحسين ٧٧
معالم ١٠٩
معجم رجال الحديث ٢٢
معجم ما كتب عن الرَّسول واهل البيت
صلوات الله عليهم ٤١، ٤٩، ٨٥، ٨٧، ٢٤٩
معادن البكاء ٣٨
مفتاح البكاء ٣٨
مفتاح البكاء والحزن والاسف على شهيد
الطَّف ٧٣
مقالات قزوینی ٦٩
مقالاتى درباره حضرت امام حسين (ع) ٥٢
مقتل ٦٨، ٧١، ٧٢، ٧٣، ١١٢، ١١٥، ١٣٧، ١٥١،
٢٥٨
مقتل ابى عبدالله الحسين (ع) ٢٢
مقتل الامام الحسين عليه السَّلام ٩٤
مقتل الحسن عليه السلام ٧٠
مقتل الحسين ٥٥، ٦٠، ٧٤، ٢٢٧، ٢٢٨، ٢٤٤، ٢٨٣
مقتل الحسين بن علي بن أبى طالب ٢٠٦، ٢٤٦
مقتل الحسين بن علي عليه السَّلام ٢٢
مقتل الحسين عليه السلام ٢٢، ٦٧، ٧٠، ٧٢،
٧٤، ٩٤، ١٦١، ٢٣٦، ٢٣٧، ٢٥٨
مقتل الحسين عليه السَّلام، يا، أولین تاریخ
ما تمكده ٣٩
مبكى العينين ٣٨
مبكى العيون ٣٨
مثنوى ٢١
مثير الاحزان و منير سبل الاشجان ٣٩، ٨٣،
١٩٦، ٨٤
مجرى البكاء ٣٨
مجمع البحرين و مطلع التَّيرين ٩٧
مجمع المصائب ٣٩
مجموعه مقالات دومين كنگره بين المللى
امام خمينى (س) و فرهنگ عاشورا ٢٧١
مجموعه مقالات كنگره بين المللى امام
خمينى (س) و فرهنگ عاشورا ٥٥، ٢٧١
مجموعه موضوعى كتاب ٥٣
مجموعه آثار ٢٠٥
مجموعه الفوائد المتفرقة ٥٣
محرق القلوب ١٣٥، ٢٠٥
محن الابرار ١٠٠
محيط البكاء ٣٨
مخازن الاحزان ٣٨
مختصر نهضة الحسين ١٤٨
مخزن البكاء ٣٨
مدامع العين ٣٨
مردان انقلاب ٣٩
مستدرک الوسائل ١٣٣، ٢٢٩
مسند ٨٦

- شیعه از واقعه کربلا و قیام مختار ۷۳
 مقتل الشمس: تحقیق و تحلیل تاریخ نهضت
 حسینی ۵۰
 مقتل الشهداء ۹۲
 مقتل شهید ۹۱
 مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۰
 مقتل ابی مخنف: نخستین گزارش مستند از
 نهضت عاشورا ۲۳۷
 مقصد الحسین ۱۸۴، ۳۶
 ملحقات الاحقاق ۲۶۴، ۳۷
 مناقب ۶۰، ۷۱، ۱۹۶
 مناهل البكاء ۳۸
 منبع البكاء ۳۸
 منبع الدموع ۳۸
 منتخب ۱۱۵، ۱۳۷، ۱۴۴
 منتهی الآمال ۱۴۰، ۱۴۱
 منطلق الحسین ۲۶۱
 موسوعة عاشوراء ۲۶۶
 موسوعة كلمات الامام الحسین علیه السلام ۲۶۰
 موضوعات و منابع بحث از قیام کربلا ۵۳
 مهیج الاحزان ۳۹
 مؤلفو الشيعة فی صدر الاسلام ۷۲
 ناسخ التواریخ ۲۴، ۳۶، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۹۳
 نشر غم ۳۹
 نشر دانش ۶۰
 نصاریات ۱۳۸
- نظر دکتر شریعتی دانشمند مجاهد درباره
 کتاب «شهید جاوید» ۲۰۱
 نظم الفرائد الغرر فی سلك فصول الدرر ۷۸
 نفثة المصدور ۱۴۰، ۱۴۱
 نفس المهموم ۵۵، ۷۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۴۴
 نگاهی به حماسه حسینی استاد مطهری ۲۰۵
 نوحه الاحزان وصیحة الاشجان ۳۹
 نود و نه رمان برگزیده معاصر ۱۶
 نورالثقلین ۲۷۹
 نورالعين ۶۴
 نورالعين فی المشی الی زیارة قبر الحسین
 علیه السلام ۲۲۹
 نورالعين فی مشهد الحسین ۶۴، ۱۵۱
 نهج البلاغه ۲۱، ۲۶۲
 نهضة الحسین ۱۴۷، ۱۴۸
 نیایش امام حسین (ع) در صحرای عرفات ۲۴۳
 وجیزة المصائب ۳۹
 وسائل الشيعة ۲۲۹
 وسیلة الدارين ۱۹۰
 وقایع الايام در احوال محرم الحرام ۱۴۳، ۱۴۴
 وقایع الايام فی تنمة محرم الحرام ۱۰۴، ۱۱۶
 ۱۴۳، ۱۵۲
 وقعة الطّف ۵۵، ۷۴، ۲۲۸، ۲۳۶، ۲۳۷
 هدفهای اجتماعی حسین بن علی علیه السلام
 و تحلیل انگیزه های قیام کربلا ۳۹
 هدیه الاحباب ۷۲

هدیه العارفين ۶۴	نظر روایات ۱۸۴
همت بلند: پرتوی از زندگانی حسین بن علی ۱۵۸	یک تحقیق عمیقتر در موضوع قیام حسین بن علی علیهما السلام ۱۸۵
هم و غم ۳۹	یک چاه و دو چاله و مثلاً شرح احوالات ۱۵۵
یادگار ۶۹	ینبوع الدموع ۳۸
یاران با وفای حسین علیه السلام ۱۴۶	یوم الطّف ۲۵۱
یک بررسی مختصر در پیرامون قیام مقدس شهید جاوید حسین بن علی علیهما السلام از	

